

سَلَامٌ عَلَيْهَا
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org

سرزمین اسلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرزمین اسلام

نویسنده:

غلامرضا گلی زواره

ناشر چاپی:

قادر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	سرزمین اسلام
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	مقدمه
۱۳	مقدمه
۱۳	طلوع ارزشها
۱۴	گسترش اسلام
۱۴	عوامل پیروزی
۱۵	هجوم به سرزمین‌های اسلامی
۱۶	جهان اسلام و موقعیت فعلی
۱۶	رستاخیز اسلام
۱۷	و اما نوشتار حاضر
۱۸	پی‌نوشتها
۱۸	کلیاتی درباره جهان اسلام
۱۸	گذری بر گذشته تاریخی
۲۰	موقعیت جغرافیائی جهان اسلام
۲۱	ویژگی‌های طبیعی کشورهای اسلامی
۲۱	ویژگی‌های طبیعی کشورهای اسلامی
۲۲	خلیج‌های مشهور
۲۲	دریاچه‌های مشهور
۲۲	رودخانه‌های مشهور
۲۳	پی‌نوشتها
۲۳	مسائل جمعیتی و دموگرافیکی جهان اسلام

۲۳	مسائل جمعیتی و دموگرافیکی جهان اسلام
۲۳	نواحی جمعیت
۲۳	قطب‌های جمعیتی
۲۵	نژاد و زبان
۲۵	اقلیت‌های مسلمان
۲۷	آوارگان و پناهندگان جهان اسلام
۲۸	نگاهی به مسائل اقتصادی کشورهای اسلامی
۲۸	نگاهی به مسائل اقتصادی کشورهای اسلامی
۳۰	سازمان کنفرانس اسلامی
۳۱	فعالیت‌های فرهنگی
۳۱	فعالیت‌های اقتصادی
۳۱	فعالیت‌های سیاسی
۳۲	مسلمانان قاره آسیا
۳۲	مقدمه‌ای درباره سیمای کلی این قاره
۳۳	مسلمانان قاره آسیا
۳۳	مسلمانان قاره آسیا
۳۳	الف - آسیای جنوب غربی (خاور میانه)
۳۳	خاور میانه
۳۴	عربستان
۳۶	فلسطین
۳۸	جمهوری عراق
۴۰	پی‌نوشتها
۴۰	سوریه
۴۳	لبنان

۴۵	یمن
۴۷	پی‌نوشتها
۴۷	اردن
۴۸	کویت
۴۹	امارات متحده عربی (۵)
۴۹	عمان
۵۰	بحرین (۱۱)
۵۱	قطر
۵۱	ترکیه
۵۳	افغانستان
۵۵	پی‌نوشتها
۵۶	جمهوری اسلامی ایران
۵۶	جمهوری اسلامی ایران (۱)
۵۸	جمهوری اسلامی ایران (۲)
۶۱	ب - آسیای جنوبی
۶۱	آسیای جنوبی
۶۱	مسلمانان هند
۶۴	سرزمین کشمیر
۶۶	نیپال
۶۶	بوتان
۶۶	سریلانکا (سیلان)
۶۷	پی‌نوشتها
۶۸	جمهوری اسلامی فدرال پاکستان
۶۹	جمهوری بنگلادش

۷۱	جمهوری مالدیو
۷۱	ج - آسیای جنوب شرقی
۷۱	آسیای جنوب شرقی
۷۳	اسلام در فیلیپین و مسلمانان مورو
۷۵	پی‌نوشتها
۷۵	سرزمین مسلمانان نشین بانگسامورو
۷۶	سنگاپور
۷۷	ویتنام
۷۷	لائوس
۷۷	کامبوج
۷۸	دولت بودائی تایلند (سیام) و مسلمانان فطانی
۷۹	دولت برمه (۱۳) و مسلمانان ناحیه آراکان
۸۰	سرزمین اسلامی آراکان
۸۱	پی‌نوشتها
۸۲	اندونزی ، پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی
۸۴	مالزی
۸۶	برونئی (۱۸)
۸۷	د - آسیای جنوب شرقی
۸۷	آسیای جنوب شرقی
۸۷	ژاپن
۸۸	کره شمالی
۸۸	پی‌نوشتها
۸۸	کره جنوبی
۸۹	تایوان

۸۹ هنگ کونگ و مکائو
۹۰ مسلمانان چین
۹۲ مسلمانان ترکستان شرقی (سین کیانگ)
۹۳ پی‌نوشتها
۹۳ ه- مسلمانان آسیای مرکزی
۹۳ مسلمانان آسیای مرکزی
۹۷ قرقیزستان
۹۸ تاجیکستان
۱۰۰ پی‌نوشتها
۱۰۰ قزاقستان
۱۰۱ ازبکستان
۱۰۳ ترکمنستان
۱۰۴ آذربایجان
۱۰۵ گرجستان
۱۰۶ ارمنستان
۱۰۶ جمهوری خودمختار نخجوان
۱۰۷ جمهوری خودمختار و مسلمان نشین چچن اینگوش (اینقوش)
۱۰۸ مغولستان
۱۰۹ پی‌نوشتها
۱۱۰ افریقا ، قاره‌ای اسلامی
۱۱۰ مشخصات عمومی قاره افریقا
۱۱۰ مشخصات عمومی قاره افریقا (۱)
۱۱۲ مشخصات عمومی قاره افریقا(۲)
۱۱۴ پی‌نوشتها

- ۱۱۵ الف - افریقای شمالی (مغرب بزرگ)
- ۱۱۵ افریقای شمالی (مغرب بزرگ)
- ۱۱۷ مصر
- ۱۱۹ جمهوری لیبی
- ۱۲۱ پی‌نوشتها
- ۱۲۱ تونس
- ۱۲۲ جمهوری الجزایر
- ۱۲۳ مراکش (مغرب) (۳)
- ۱۲۴ ب - افریقای شرقی
- ۱۲۴ افریقای شرقی
- ۱۲۵ اتیوپی
- ۱۲۶ سرزمین مسلمان‌نشین اریتره
- ۱۲۷ پی‌نوشتها
- ۱۲۸ جمهوری سومالی
- ۱۳۰ جیبوتی
- ۱۳۰ کنیا
- ۱۳۱ تانزانیا
- ۱۳۲ ج - افریقای غربی
- ۱۳۲ افریقای غربی
- ۱۳۴ پی‌نوشتها
- ۱۳۵ جمهوری عربی صحرا
- ۱۳۶ موریتانی
- ۱۳۷ جمهوری مالی
- ۱۳۸ جمهوری سنگال

۱۳۸	گامبیا
۱۳۹	گینه بیسائو
۱۳۹	گینه کوناکری
۱۴۰	پی‌نوشتها
۱۴۰	بورکینافاسو (ولتای علیا)
۱۴۱	جمهوری سیرالئون
۱۴۱	لیبریا
۱۴۲	ساحل عاج
۱۴۳	توگو
۱۴۳	بنین
۱۴۴	جمهوری فدرال نیجریه
۱۴۶	جمهوری متحده کامرون
۱۴۶	گینه استوائی
۱۴۷	پی‌نوشتها
۱۴۷	جمهوری گابن
۱۴۸	جمهوری کنگو (کنگوی برازاویل)
۱۴۸	سائوتو و پرنسیب
۱۵۰	سودان
۱۵۱	چاد (۱۹)
۱۵۲	نیجر
۱۵۲	جمهوری افریقای مرکزی
۱۵۳	اوگاندا
۱۵۳	رواندا
۱۵۴	بوروندی

- ۱۵۴ زئیر (جمهوری فدرال کنگو)
- ۱۵۴ پی‌نوشتها
- ۱۵۵ ه- افریقای جنوبی (جنوب شرقی ، جنوب و جنوب غربی افریقا)
- ۱۵۵ افریقای جنوبی (جنوب شرقی ، جنوب و جنوب غربی افریقا)
- ۱۵۵ موزامبیک (۲)
- ۱۵۷ جمهوری فدرال اسلامی کومور
- ۱۵۸ جمهوری ماداگاسکار (مالاگاشی)
- ۱۵۸ جمهوری مالاوی (نیاسالند)
- ۱۵۸ جمهوری زامبیا
- ۱۵۹ موریس
- ۱۵۹ زیمباوه
- ۱۵۹ آنگولا
- ۱۶۰ نامیبیا
- ۱۶۰ بوتسوانا
- ۱۶۰ لسوتو
- ۱۶۱ سوازیلند
- ۱۶۱ افریقای جنوبی
- ۱۶۲ پی‌نوشتها
- ۱۶۳ مؤسسه نور فاطمه زهرا سلام الله علیها

است برای صاحبان خرد و اندیشه. آری سرزمین حجاز مرکز تابش انوار تابناک وحی گردید و زنجیرهای اسارت که افکار انسانها را منجمد نموده بود یکی پس از دیگری از هم گسست. تبعیض و تجاوز، عداوت و دشمنی و استثمار و بهره‌کشی از قاموس انسانها حذف گردید. رحمت و برکت به انسانها روی آورد، آرامش و امنیت نیز ارمغان این انقلاب معنوی بود.

گسترش اسلام

مشرکین، ملحدین و غرض ورزان، خفاش صفت تحمل انوار قدسی و خورشید پرفروغ اسلام را نداشتند. لذا در صدد آن بودند تا موانعی بوجود آورند و از این طریق شیفتگان حق را از چنین بارقه‌ای محروم کنند و در تعقیب نیات پلید و افکار شومشان کارشکنی‌ها، شکنجه‌ها و تحریم‌های اقتصادی آغاز شد. فشارهای سیاسی و مجازات‌های خشن شروع گشت و یاران با وفای پیامبر مدتها اثرات رقت بار و شکنجه‌های جانکاه و ستمگریهای مشرکین را لمس نمودند اما تحت تعلیم و تربیت مکتب آسمانی اسلام دل‌هایشان که مشحون از نورانیت بود با تنفر شدیدی از بیدادگران نیز توأم بود و بر خلاف تحركات سیاسی و عملیات تهاجمی مذکور با مجاهدت پیامبر اسلام (ص) و اهتمام یاران مؤمن و وفادارش و ایثارگری و رشادتهای سربازان نامی اسلام، آئین جاوندانی و حیات‌بخش اسلامی مرزهای عربستان را در نوردید و متوجه دیگر نقاط جهان گشت. برای ملت‌های دیگر که در زیر شکنجه و استثمار قدرتهای تحمیلی و حکومت‌های فاسد همچون اسیران و بردگان و مهیج‌تر از نغمه‌رهای بخش اسلام نبود و تعالیم اسلام چون مشعل فروزانی قلوب آنان را روشن ساخت و دل‌های ستمگران را به لزه درآورد و قلب‌های بی‌جان محرومین و بدین گونه اسلام که در آغاز، در جامعه‌ای کوچک انتشار یافته بود می‌رفت تا به صورت آئین جهانی و همه‌گیر درآید. در سراسر گیتی نغمه توحید انتشار یافت و گلبانگ فرحزای الله اکبر از فراز ماذنه‌ها، در جای جای کره ارض طنین افکن گردید. و صلای توحید در همه جای متداول شد.

عوامل پیروزی

قطعا آنچه که علی‌رغم میل باطنی مخالفین و کارشکنی‌های مشرکین و تبلیغات مسموم و زهرآگین معاندین، موفقیت و پیروزی این عقیده را موجب گردید در درجه اول الهام گرفتن آن از کانون وحی و ارتباط آن با بنیان‌گذار هستی و خداوند جهانیان بود. آئینی که فطرت تمامی انسانها بر آن بنیاد نهاده شده و به اندیشه و خرد و تفکرات منطقی بها می‌دهد و انسانها را دعوت به تفکر و تعمیق در مسائل هستی می‌نماید و عقل و عاطفه را درهم می‌آمیزد و قلوب را فتح می‌نماید طبیعی است که به چنین موفقیت‌شگرف و اعجاب‌برانگیزی دست می‌یابد. وحدت مسلمین با یکدیگر و اجتناب از تفرقه (بنابر توصیه‌های مؤکد پیامبر اسلام ص) همچنین خوش رفتاری و روش مسالمت‌آمیز مسلمانان در هنگام تبلیغ اسلام و دعوت مردم به این آئین و برخورد نیکو حتی با افرادی که به آنها تعدی نموده بودند، عامل دیگر از این پیشرفت‌سریع بود. علاوه بر این عوامل که مربوط به محتوای اسلام و رفتار مسلمانان بود و صرف نظر از درستی و اصالت محتوای این آئین و خصلتهای عالی مسلمین که از عوامل درونی نشر اسلام در جهان بود شرایط و اوضاع حاکم بر جهان، مردم را به پذیرش آئین مذکور علاقمند می‌نمود زیرا بیداد و ستم و جهل و خرافات آنچنان تیره‌گی پدید آورده بود که تنها نور اسلام می‌توانست این تیرگی‌ها را منهزم کند و آلودگی‌ها را محو سازد. مبلغین مسلمان به هنگام نشر اسلام، به ستیز با عوامل ظلم و ستم و نبرد با جهل و رفع تبعیض‌ها و تضادها تاکید می‌ورزیدند و از مظلومین و محرومین حمایت کرده و به آنان عدالت و دادگری و مساوات را نوید می‌دادند که این عوامل نیز بر تعداد گروندگان به آئین اسلام می‌افزود. سرانجام مسلمین با تکیه بر قرآن و تعالیم نورانی و رهائی بخش به نحو قابل توجهی پیشروی نموده و تمدن شکوفا و گسترده‌ای را که بر معارف اسلامی متکی بود بنیاد نهادند و در طول تاریخ، بخش‌های وسیعی از آسیا و آفریقا و حتی اروپا توسط مسلمین اداره

می‌گردید و بدین گونه شعاع جانبخش اسلام در اعماق تاریکیهایی که بشریت گرفتار آن بود نفوذ نمود و قدرتهای مهاجم را به عقب‌نشینی وادار ساخت و سربلند و پیروز جلوه‌گر نمود. هر موقع که مسلمانان به قوانین اسلام تمسک جسته‌اند و با معنویت پیوند برقرار کرده‌اند احساس عظمت نموده و اقتداری را بدست آورده‌اند که در پرتو آن هرگونه سلطه سیاسی و اقتصادی را وادار به عقب‌نشینی نموده و عوامل نیرنگ و فتنه را منهدم نموده است. اما هنگامی که مسلمین از فرهنگ اسلامی فاصله گرفته‌اند و وحدت و اتحاد خود را از دست داده و دچار تفرقه گردیده‌اند، شکوه و اهتزاز خود را با شکست مواجه ساخته‌اند.

هجوم به سرزمین‌های اسلامی

غرب از همان زمانی که دولت اسلامی در اندلس و نواحی جنوب اروپا تاسیس شد به دشمنی با اسلام و مسلمین برخاست و به طرز وحشیانه‌ای تشکیلات اسلامی را درهم کوبید. در جنگهای صلیبی نیز تهاجمات وسیعی را بر علیه مسلمانان ترتیب داد و پس از آن غرب که از اقتدار دولت عثمانی بشدت متوحش شده بود با ایجاد دسیسه‌ها و ترتیب دادن توطئه‌هایی به تجزیه این دولت قدرتمند پرداخت و موجبات فروپاشی آن را فراهم ساخت و پس از آن به منظور بدست آوردن مواد خام، برای کارخانجات صنعتی و تامین بازار محصولات خود به سرزمینهای غنی و سرشار اسلامی چشم دوخت که در اولین قدم نیروهای معنوی و قدرتهای مذهبی را سد راه خود می‌دید برای کوبیدن آنها تهاجم فرهنگی وسیعی را بر علیه این سرزمینها ترتیب داد و فرهنگ فساد و فحشاء توسط ایادی استعمار و استکبار در بین ملتها مسلمان ترویج گردید. فرهنگ مصرف زدگی روز به روز ملتهای مسلمان را در مرداب وابستگی فرو برد. سلطه سیاسی استکبار بوسیله حکومتهای دست‌نشانده و خودکامه در نقاط مسلمان نشین تثبیت گردید و بدین گونه استعمارگران سرزمینهای مسلمان را قطعه قطعه کرده و در تمام ابعاد، بر آنها سلطه یافتند و چون مردمان این نواحی با عقیده مذهبی پیوند ناگسستنی داشتند و اسلام در اعماق روانشان ریشه دوانیده بود و نمی‌توانستند در فرصتی کوتاه آنان را از معنویت جدا سازند لذا از طریق دیگری وارد شدند و آن این بود که جنبه‌های ظاهری و تشریفاتی مذهبی را حفظ کردند و تعالیم اساسی را که موجودیت واقعی دین بدان وابسته است از دین گرفتند و بین مسائل سیاسی و اجتماعی مردم از یک سو و مذهب از سوی دیگر انفکاک ایجاد کردند. از این رهگذر حیل‌های استعمار تاثیر خود را بر فرهنگ مسلمین بخشید و پیروان همان آئینی که سلطه کفار را محکوم می‌کند و مسلمانان را به خشونت بر علیه متجاوزین تحریک می‌نماید و همانها که به تعبیر قرآن بهترین امت بودند دروازه‌های خود را به سوی مهاجمین غربی گشودند و تسلیم فرهنگ غرب شدند. و با تبلیغات وسیع و گسترده و فراموش نمودن هویت خویش که مهمترین سلاح استعمارگران بود پیوند خود را با معنویت از دست دادند و فرهنگ و اخلاق خود را رها کرده و آماده پذیرش فرهنگ غرب شدند. نتیجه چنین حرکتی منجر به آن شد که در طول بیش از دو قرن کشورهای اسلامی به سفره بی‌مانع و رادعی برای غارتگران غربی شد و آنان علاوه بر غارت منابع و ذخائر مسلمانان فرهنگ و موارث اصیل آنان را مخدوش کرده و مسلمین را از توسعه علمی و فرهنگی بازداشتند. خادمین استعمار که امور مسلمین را اداره می‌کردند از دخالت مسائل مذهبی در شئون زندگی مردم جلوگیری بعمل می‌آوردند. و با کارشکنی‌هایی اجازه نمی‌دادند حقایق اسلامی آشکار گردد. با این وصف مردمان ساکن در کشورهای اسلامی با بهره‌گیری از اندیشه‌های اسلامی مبارزات سختی را بر علیه استعمار سامان دادند و در برابر قدرت بی‌رقیب استعمارگران قیام کرده و آنان را وادار به تسلیم در برابر خواسته‌های برحق خود نمودند. دول استعماری به منظور رهایی از موج جنبشهای مردمی گرچه در ظاهر به کشورهای مزبور استقلال دادند ولی با شکل جدیدی از استعمار بطور غیر مستقیم سلطه خود را بر سرزمینهای اسلامی ادامه دادند، بگونه‌ای که اکنون بیش از یک میلیارد مسلمان با وجود بهره‌مندی از ذخائر و منابع سرشار و قرار گرفتن در مناطق استراتژیک و سوق الجیشی، اغلب تامین کننده منافع استکبار بطور غیرمستقیم هستند و حتی بدلیل تفرقه و تشتتی که بر آنان حاکم است از مبارزه با غاصبین صهیونیست که آواره‌گی ملت مظلوم فلسطین را موجب شده

عاجزند و غده سرطانی مذکور همچنان در قلب کشورهای اسلامی با مساعدت استکبار و رفتارهای حکام مرتجع عرب مشغول تحکیم مواضع خود می‌باشد .

جهان اسلام و موقعیت فعلی

در وضع کنونی ، جهان اسلام با دشواریهای عمده‌ای روبرو است که در راس آن مسئله فلسطین می‌باشد و در نیم قرن اخیر همواره مهمترین مسئله جهان اسلام بوده است . وابستگی سران اغلب کشورهای اسلامی به استکبار جهانی ، جهان اسلام را آشفته نموده و کشورهای مسلمان را به قدرتهای مزبور وابسته نموده است . کشورهای عربی و افریقای شمالی که از اکثریتی مسلمان برخوردارند و فرهنگ اسلام با تاریخ و سنتهای مردمان این نواحی عجین گشته است بطور اسف انگیزی شاهد سرکوبی شدید مبارزین مسلمان از سوی حکام دست نشانده و مرتجع واحدهای سیاسی مذکور هستند . در الجزایر به هنگامی که مسلمانان از طریق انتخاباتی کاملاً آزاد پیروزی بزرگی را بدست می‌آوردند حکام این کشور به سرکوبی آنان پرداخته و شخصیت‌های مذهبی را مجازات و شکنجه می‌نماید . در تونس و مصر هرگونه حرکت اسلامی و تلاش مذهبی بشدت سرکوب می‌گردد و قوای امنیتی خانه به خانه ، مبارزین مسلمان را تعقیب می‌کنند و حتی تشکیلات مذهبی باید با مجوز وزارت اطلاعات برپا شود و آنقدر مسلمانان در تنگنا هستند که مجال هرگونه تحرک مذهبی از آنان گرفته شده است . در کشمیر مسلمانان توسط قوای امنیتی هند به شهادت می‌رسند و جوانان آنها در زندانها ، شکنجه‌های سختی را متحمل می‌شوند . صربها در بوسنی ، هرزگوین در اقدامات خشن و وحشیانه‌ای به قتل عام مسلمانان پرداخته‌اند ، با وجود فروپاشی کمونیسم ، هنوز رسوبات آن مشغول کشتار شدید مسلمانان در تاجیکستان می‌باشند . مسلمانان آذربایجان توسط ارامنه قبل عام می‌شوند موحدین برمه توسط دولت بودایی این کشور به اجبار و زور از سرزمینهای خود رانده و به بنگلادش پناه آورده‌اند . مسجد ببری که پایگاه مذهبی مسلمانان هند است توسط هندوهای افراطی و با حمایت پلیس این کشور به تلی از خاک تبدیل می‌شود بسیاری از کشورهای دیگر دچار جنگهای داخلی ، درگیریهای مرزی و نزاعهای قبیله‌ای هستند که سومالی و سودان نمونه بارز آنهاست مشکل دیگر اینکه در برخی از کشورهای اسلامی زمامداران ، مرتکب محرمات اسلامی می‌شوند و از حدود الهی تجاوز می‌کنند به بندگان صالح تعدی نموده و مؤمنین را تحت فشار سختی قرار داده‌اند و با استکبار و مظاهر شرک و کفر و ستم همکاری دارند حکام این کشورها در جهت تامین منافع غرب و اجرای سیاست‌های مستکبرین سرزمینهای خود را از پیشرفت و توسعه بازداشته و فرهنگ و سیاست و نظام زندگی غیر الهی را بر مسلمانان تحمیل نموده‌اند در امور حکومتی و مسائل اجرایی و اجتماعی خبری از عوانین اسلامی نیست و حتی اکثر این کشورها در قانون اسای خود نامی از اسلام نیاورده‌اند . از سوی دیگر غرب می‌کوشد با تحریک احساسات ملی و ایجاد احساس خطر از ناحیه‌های مرزی و ایجاد تشنج در نقاط استراتژیک آرامش و امنیت خاطر را از مسلمانان گرفته تا مجال تفکر و اندیشیدن به مصالح جامعه در این سرزمینها پیش نیاید و نیروهای مسلمان در این ناآرامی‌ها از توان بیفتند کمکهایی که بسوی کشورهای اسلامی سرازیر می‌شود اغلب توسط عوامل حکومتی در جهت سرکوبی مسلمین و جلوگیری از جنبش‌های اسلامی به مصرف می‌رسد تبلیغات منفی بگونه‌ای است که با کمال تاسف ، اکثریت کشورهای اسلامی به جای آنکه تمامی تلاش خود را در جهت مبارزه با دشمنان اصلی بخصوص صهیونیست بکار ببرند انقلاب اسلامی ایران را آماج حملات خود نموده‌اند و در تبلیغات وسیع و موضع گیریهای سیاسی و روابط بین الملل می‌کوشند ایران را تحت فشار قرار دهند که این حرکت از سوی استکبار و در راس آن امریکا برنامه‌ریزی و حمایت می‌شود .

رستاخیز اسلام

با وجود چنین ضایعات و مسائل اسف انگیزی که بر جهان اسلام سایه افکنده ، در پرتو انقلاب اسلامی ایران ، ارزشهای اسلامی در

بین مسلمین زنده شده و نسیم آزادی بر آنان وزیده است و عده زیادی از مسلمانان با برپایی تظاهرات و راهپیمایی‌های گسترده در کشورهای عربی و آفریقایی خواهان اجرای احکام اسلامی هستند که چنین تحرکی هراس و نگرانی شدیدی را بر اردوگاه استکبار بوجود آورده است. «ماروین روینس کارشناس مسائل ایران در دانشگاه شیکاگو می‌گوید: «در اغلب کشورهای اسلامی، اسلام به عنوان وسیله‌ای جهت ضربه متقابل به غرب مورد استفاده قرار می‌گیرد آنان احساس می‌کنند که غرب طی ۵/۱ قرن گذشته آنان را از نقطه نظر اخلاقی و فرهنگی خلع سلاح کرده است.» «جان دوگ انتونی کارشناس مشهور مسائل خاورمیانه، اظهار می‌دارد. «ما شاهد یک رفرم عظیم در جهان اسلام هستیم «مانفر دورنر» رئیس ناتو اعتراف کرد که: «اسلام گرایی در آسیای مرکزی، خطری جدی برای ناتو است.» وقوع انقلاب اسلامی و تشکیل نظام سیاسی - اجتماعی بر مبنای دین در ایران به رهبری امام خمینی (قدس سره) واقعه‌ای عظیم بود که جهان را متوجه دین ساخت و رشد معنوی بسیاری از مسلمانان را سبب گردید. بگونه‌ای که امروز آمادگی جهت پذیرش تفکر اسلامی و امکان گسترش فکر توحیدی در جهان بسیار بیشتر از گذشته است. این شعله امید که بر دنیای اسلام و جانهای مسلمین پرتو افکننده است با وجود تلاشهای استکباری برای خنثی نمودن آن، اثر خود را در تعدادی از کشورهای اسلامی بصورت جنبشهای مردمی در طلب حکومت اسلامی بروز داده است و بسیاری از ملتهای مسلمان در راه تحقق بخشیدن به آئین توحید در زندگی خود با آفات این آئین که حاکم برخی کشورهای اسلام در راس آن می‌باشد مبارزاتی را آغاز کرده است که این حرکت امیدبخش زنجیر سلطه استکبار و سایر قدرتهای طغیانگر را از هم گسسته و صالحین و مؤمنان را به اقتدار خواهد رساند. رستاخیز اسلامی در نقاطی آغاز شده که بنیاد اقتصادی غرب را به دوش می‌کشد و مجاری تنفسی و ارتزاق تجاری اقتصاد غرب را بوجود می‌آورد و منافع سیاسی استکبار را تامین می‌کند. آسیای میانه، خاورمیانه، شمال و غرب آفریقا، آسیای جنوب شرقی و شبه جزیره بالکان چنین حالتی را دارد. در این نقاط هیجان اسلامی و عطش قوی مذهبی پدیدار شده که باید رهبری شود و در صورت اتحاد مسلمین حرکت مزبور جهان را مقهور قدرت عظمت و شوکت سیاسی خود می‌نماید که در صورت ادامه این وضع و بکارگیری استراتژی اتحاد و کنار گذاشتن مسائل تفرقه برانگیز و افزایش تحرک مسلمین، تمدن اسلامی بنیان گذاری می‌شود. بخش عمده‌ای از فشار استکبار بر انقلاب اسلامی ایران بر این خیال استوار بود که با شکست جمهوری اسلامی چنین تجربه‌ای در چشم مسلمانان کشورهای دیگر ناکام جلوه نماید و برق امیدی که از پیروزی انقلاب اسلامی روان آنان را روشن ساخته بود خاموش نمایند. غرب که در مقابل جریان فکری جدید و نهضت اسلامی به استیصال و درماندگی افتاده با غرض ورزی و نوعی تحجر عنوان بنیاد گرایی را به این حرکت عظیم داده است. طبیعی است که منشا این حرکت پیوندی فکری و فرهنگی مسلمین با گذشته‌ای غنی می‌باشد و قطع ارتباط با این گذشته سراسر عزت و اقتدار شخصیت مسلمانان را شکسته بود. ارتباط با معنویت و بازگشت به اسلام و قرآن سبب این حرکت عظیم گشته که اسلام را در متن زندگی مردم وارد می‌کند و جهان اسلام را از سرطان سلطه و زور نجات می‌دهد و ارزشهای اسلامی را احیاء می‌نماید و سبب جریان بالنده‌ای در جهان اسلام می‌شود که خودباوری و اعتماد به نفس و احساس عظمت را برای مسلمین بدنبال خواهد داشت. بی‌جهت نیست که سران کشورهای مرتجع عربی به اندازه‌ای از نهضت‌های اسلامی آشفته می‌شوند که در حالی که مسائل مهمتری جهان اسلام را تهدید می‌نماید و فلسطینیان مبارز آواره می‌شوند و قوای امریکایی در سومالی به سرکوبی مسلمین می‌پردازند و صربها در منطقه بالکان سیلی از خون به راه انداخته‌اند، تنها حرکت اسلام خواهی مردم مسلمان در این کشورها برایشان خطرناک بشمار می‌آید و در نشست، برای مقابله و مبارزه با اسلام گرایی، استراتژی پنج‌ساله‌ای را برنامه‌ریزی می‌کنند.

و اما نوشتار حاضر

بسیار باعث تاسف است که جهان اسلام با وجود مسائل زیاد، کمتر مورد توجه پژوهشگران ایرانی قرار گرفته است و تعدادی

آثاری که در خصوص مسائل جهان اسلام به صورت یکجا نگاشته شده به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. تنها نویسنده فاضل و محقق معاصر جناب آقای مرتضی اسعدی مشغول تدوین دائرةالمعارفی پیرامون کشورهای اسلامی هستند که تا کنون ۲ جلد آن انتشار یافته است. این مجموعه صرفاً سرزمین‌هایی را دربر می‌گیرد که اکثریتی مسلمان داشته و عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند و در مورد مشترکات جهان اسلام و مسائل کلی آن و نیز اقلیت‌های مسلمان در این کتاب مطالبی نیامده است و بنا به اظهارات نویسنده محترم در مقدمه جلد اول درباره چهل کشور مسلمان اطلاعات دقیق و وسیعی در قالب یک الگوی متعارف امروزی ارائه شده است. (۱) اما نوشتار حاضر بنا به عقیده نگارنده به این شکل و با مشخصاتی که ملاحظه می‌شود طرحی نو می‌باشد زیرا با وجود اختصار و رعایت اجمال، در آن به کلیه کشورهای اسلامی و سرزمین‌های مسلمان نشین، اشاره شده و جنبه‌های تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و مسائل اجتماعی و جمعیتی آنان مورد بررسی قرار گرفته است. شالوده این کار زمانی ریخته شد که نگارنده به عنوان دبیر دبیرستان در یکی از مناطق استان چهارمحال و بختیاری از سال ۱۳۶۳ مشغول تدریس جغرافیای کشورهای مسلمان بودم که در ضمن تدریس برای افزایش آگاهی خود و ارائه مطالبی جدیدتر و افزونتر از کتاب به دانش‌آموزان، به منابع و مآخذی، مراجعه می‌کردم و از همان زمان فکر تدوین این مجموعه در ذهنم منقوش گشت. (۲) و لذا در صدد تدوین منابع و اطلاعات گوناگون در خصوص سرزمین‌های اسلامی و نواحی مسلمان نشین برآمدم و از طریق جراید و نشریات، تازه‌ترین مسائل سیاسی، اجتماعی این نقاط را پی‌گیری نمودم و از سال ۱۳۶۹ به تدوین و تالیف کتابی تحت عنوان «سرزمین اسلام پرداختن که در بهار سال ۱۳۷۰ آماده شد. اما بدلیل تحولات اساسی در مسائل جهان اسلام و پیدایش چندین کشور اسلامی در صحنه سیاسی جهان و دگرگونی‌های دیگر به جمع آوری منابع جدیدتر ادامه داده و از تابستان سال ۱۳۷۱ به بازنویسی نوشتار مذکور پرداختیم که از ۲۰۰ صفحه به حدود سه برابر بالغ گردید و تغییرات اساسی در آن بوجود آمد به گونه‌ای که بین کتاب حاضر و نوشته قبلی با وجود آنکه در حدود یکسال از آن می‌گذشت تفاوت‌های اساسی مشاهده می‌شود. طبیعی است که مراجعه به منابع متعدد و نشریات گوناگون و وحدت بخشی به مطالب متنوع و تالیف چنین اثری کار دشواری است و با وجود دقت و امعان نظر مجموعه حاضر از اشکال و ایراد عاری نخواهد بود لذا انتظار می‌رود که صاحب نظران و دست‌اندرکاران، با ارائه نقطه نظرات مفید و ارزنده نگارنده را در تنقیح مطالب، برای چاپ‌های بعدی یاری دهند. سروران ارجمند و دوستان فاضل، آقایان: حسین عزیزاده، محسن صادقی و حسین نساجی در جهت تالیف این مجموعه تذاکرات مفیدی را ارائه داده و در خصوص تنقیح پاره‌ای از مضامین کتاب، با نگارنده همکاری‌هایی داشته‌اند که جا دارد از همکاری این عزیزان، تشکر نمایم. و السلام غلامرضا گلی زواره

پی‌نوشتها

۱- جناب آقای عبدالرضا فرجی نیز کتابی درباره کشورهای اسلامی تالیف نموده‌اند که به عنوان کتاب درسی، در سال چهارم دبیرستان تدریس می‌شود. ۲- نویسنده فقید مرحوم مصطفی زمانی (ره) نسبت به تهیه چنین مجموعه‌ای اصرار می‌ورزیدند.

کلیاتی درباره جهان اسلام

گذری بر گذشته تاریخی

در آن هنگامه‌ای که بشریت دچار ضلالت آشکاری بود و آتش بیداد و ستم، بر خرمن نسانیت حریق افکننده بود، خداوند بر انسانها منت گذاشت و از میان آنها رسولی را برانگیخت که با تابش شعاع پر فروغ وحی، بیداری فطرت‌ها را آغاز نمود و از افرادی که دارای گرایش‌های شدید قومی و قبیله‌ای بودند و رفتار ناگواری نسبت به هم داشتند، انسانهای وارسته‌ای ساخت که به

اخلاق نیک و صفات پسندیده آراسته گشته و به یکدیگر مهربان شده و پس از تفرقه و خصومت‌های زیادی که با هم داشتند امت واحدی بنا نهاده شد. در سایه چنین اخوت و اتحادی بود که مسلمین بجای تعقیب رفتارهای ناهنجار زمان جاهلیت، از خود ایثار، فداکاری، معنویت و وارستگی بروز داده و در مدت بسیار کوتاهی به صدور انقلاب جهانی اسلام، پرداخته و کشورهای پهناوری همچون ایران، روم و مصر را به سوی اسلام فراخواندند. پیام وحی، به مسلمین توصیه نمود که اگر می‌خواهید در گستره جهان از عزت و اقتدار برخوردار باشید با اطاعت از خدا و رسول و گردن نهادن به احکام الهی و پرهیز از تفرقه و نزاع، این کار میسر است. تربیت اسلام و تزکیه درونی چنان مسلمانان صدر اسلام را از چنگ خودپرستی نجات داده بود که کوشش هر کدام در آن بود تا تمام توان و هم خود را در جهت بهبود جامعه مسلمین و رفع ناگواری‌های برادران مسلمان خود بکار گیرند. (۱) پس از پیامبر اسلام (ص)، خاندان عترت و طهارت (ع) در تداوم راه آن فروغ جاودانه، جهت احیای حق و برافراشتن پرچم فضیلت و حفظ اتحاد مسلمین، رنج‌های فراوان دیدند و برای حفظ شریعت الهی از گزند اختلاف و تحریف و کذب و مانند آن و حراست از قرآن و سنت اهتمام ورزیدند و از طریق بیان احکام و معارف الهی، تربیت شاگردان و تعلیم آنها برای گسترش حقایق اسلامی، پیشوایی جبهه حق در مصاف با ستمگران عصر، ارائه الگوی زنده اسلام با اعمال و روش زندگی خود، و تصحیح فرهنگ مسلمین، پایه‌های جامعه اصیل اهلی را مستحکم گردانیدند. گرچه نقش هدایتی، تربیتی و معنویت بخشی از امامان شیعه به انجام رسید اما شریعت به گونه‌ای شد که به جز ۴ سال و نه ماه زمامداری حضرت علی (ع)، امت اسلام از نقش حکومتی ائمه محروم شدند. از سال ۴۰ هجری قمری مطابق با ۶۶۰ میلادی، سلسله بنی امیه پس از خلفای راشدین زمام حکومت مملین را به دست گرفته و مؤسس این سلسله یعنی معاویه بن ابی سفیان که شام را مقرر حکم. مت‌خود قرار داده بود، خلافت را در این خاندان موروثی نمود، وی از مخالفان و معاندان سرسخت حضرت علی (ع) بود که با خدعه و نیزنگ جنگ‌هایی را بر علیه آن حضرت ترتیب داد و تعدادی از صحابه و شیعیان خاص آن حضرت را به شهادت رسانید و بعد از خود، یزید را برای خلافت معین کرد. همان ستمگری که فاجعه خونبار کربلا را بوجود آورد و حضرت امام حسین (ع) و ۷۲ تن از یارانش را به طرز فجیعی شهید نمود. با حرکت بنی امیه، وحدت مسلمین به تفرقه مبدل شد زیرا از نظام اسلامی تصور یک امپراطوری و خلافت عربی نمودند که با اصول اسلامی در تعارض بود، به دنبال آن ضعف و انحرافات پدید آمد که موجب وقوع قیامها و شورش‌هایی گردید که نهضت‌شعبویه از آن جمله است. آخرین فرد این سلسله که مروان دوم بود توسط ابومسلم خراسانی مقتول گشت و بدین ترتیب زمامداری بنی امیه پایان یافت (۱۳۲ قمری) بعد از بنی امیه از سال ۱۳۲ قمری مطابق با ۷۵۰ میلادی، بنی عباس روی کار آمدند. مؤسس این خاندان، عبدالله سفاح بود و پس از وی ۳۵ نفر دیگر از بنی عباس بر بخشی از ممالک اسلامی و آسیای غربی حکم. مت می‌نمودند و تا تاریخ ۶۵۶ قمری حکمرانی آنها ادامه یافت، بنی عباس مقرر حکومت خود را از شام به بغداد انتقال دادند. بنی عباس نیز با ائمه به ستیز برخاسته و بدلیل هراس و وحشتی که عظمت و مهابت ائمه در وجود آنها افکنده بود و نیز مجذوبیت این وجدهای معنوی در میان شیعیان، پس از فراهم ساختن شریعت سخت از قبیل تبعید و زندان و... برای آن سروران، امامان معاصر خود را به شهادت رسانیدند. فاطمیان که به خلفای عبیدی و علوی مشهورند از سال ۲۹۷ قمری (۹۰۹ م) تا ۵۶۷ قمری (۱۱۷۱ م) سلسله‌ای مقتدر تشکیل دادند که مصر و شام و بخش‌هایی از آفریقا را دربر می‌گرفت، مرکز حکومت این خاندان، در آغاز شهر مهدویه تونس بود که بعد به قاهره انتقال یافت، دولت فاطمیان به سال ۵۶۷ قمری توسط صلاح الدین ایوبی منقرض گردید. سلجوقیان خاندانی ترک بودند که از ۴۲۹ قمری (۱۰۳۷ م) تا ۷۰۰ قمری (۱۳۰۰ م) در آسیای غربی سلطنت کردند، ظهور این خاندان در تاریخ اسلام از وقایع مهم و به منزله شروع دوره جدیدی می‌باشد. مقارن ابتدای استیلای این قوم، خلافت اسلامی دچار ضعف و رکود شده بود و هیچیک از سلاطین در این ایام، قدرت آنکه کشورهای اسلامی را تحت یک حکم. مت در آورند نداشتند که صرفاً فاطمیان مستثنی بودند ولی اینها هم گرچه دولتی بزرگ بودند با بنی عباس نه تنها در حال صفا نبودند بلکه مدعیان آن

خاندان به شمار می‌رفتند. سلاجقه، آسیای اسلامی را از اقصی حد غربی افغانستان تا ساحل بحرالروم (۲) تحت یک حکومت درآوردند و با دمیدن روح غیرت در مسلمانان، سپاهیان روم شرقی را که باز به بلاد اسلامی تعرض نموده بودند، وادار به عقب نشینی نمودند. آل عثمان (خلفای عثمانی) از سال ۶۹۹ قمری تا ۱۳۴۲ قمری در آسیای صغیر سلطنت داشتند مؤسس آنها، عثمان بن ارطغرل بود و سلسله مزبور به نام وی نامیده شد. عثمانیان قریب ۳ قرن کمال اقتدار را یافته و قلمرو حکمرانی آنان از بوداپست و ساحل دانوب تا آبشار اسوان در مصر و از ساحل فرات تا تنگه جبل الطارق وسعت یافت آنها ممالک شبه جزیره بالکان، شام، افریقای شمالی و شبه جزیره عربستان را مسخر نمودند. مشهورترین افراد این سلسله، سلطان محمد فاتح نام دارد که در سال ۸۵۷ قمری (مطابق با ۱۴۵۳م) قسطنطیه (مرکز روم شرقی) را به تصرف خود درآوردند. دولت عثمانی تا جنگ اول جهانی برگترین قدرت امپراطوری گیتی به شمار می‌رفت. پس از آن ضعف و انحطاط به آنان روی آورد و مسلمین در غفلتی عمیق قرار گرفتند. ولی از آن سوی، غرب که در ظلمات جهل دوران قرون وسطایی می‌سوخت، با استفاده‌های سرشار از سنت‌های اجتماعی، فرهنگی و علمی اسلامی، تمدن خود را بنا نهاد و سرزمین‌های مقتدر اسلامی جدا نمودند و او را به باریکه‌ای (ترکیه فعلی) محدود کردند. و سرانجام آن قدرت عظیم جهانی درهم شکسته شده و امپراطوری وسیع عثمانی با اقتداری چندصد ساله به یک کشور شکست‌خورده تجربه شده کوچک تبدیل شد. تصاعد خیره‌کننده ماشین در غرب که به کمک علم و تکنولوژی جدید سرعتی سرسام‌آور می‌گرفت مسئله مواد خام را برای خوراک روزافزون آن و مسؤله بازار مصرف را برای تولید غیر قابل کنترل پیش آورد و این توسعه طلبی در سرمایه‌داری غربی توجه به سرزمین‌ها و منابع کشورهای مسلمان را پدید آورد. غرب به منظور تسلیم ملل این کشورها و دست‌یازیدن بر ذخائر مادی و انسانی آنها به هستی فرهنگی و اخلاقی و مذهبی آنان دستبرد زد و احساس غرور و شخصیت ملل مسلمان را شکست. نیروهای معنوی که در مقابل حرکت استعماری باید مقابله می‌کرد ویران گشته و با مسخ فرهنگ آنها، از خویشتن اصیل و گذشته پر شکوه خالی شده تا آماده پذیرش فرهنگ غرب و تعالیم استعماری شوند.

موقعیت جغرافیائی جهان اسلام

سرزمین‌های اسلامی بین ۲۰ درجه غربی (از نصف النهار گرینویچ) و ۱۴۰ درجه طول شرقی و نیز بین ۱۰ درجه عرض جنوبی و ۵۰ درجه عرض شمالی از خط استوا قرار گرفته‌اند. غربی‌ترین کشور اسلامی در غرب آفریقا واقع است که نگال نام دارد و شرقی‌ترین آن اندونزی می‌باشد که در آسیای جنوب شرقی قرار دارد. بین غربی‌ترین و شرقی‌ترین کشور مسلمان بیش از ۱۰ ساعت اختلاف زمان وجود دارد. ترکیه و آلبانی شمالی‌ترین و اندونزی جنوبی‌ترین کشور مسلمان و نیز تنها کشور اسلامی آسیا است که بخش اعظم آن در نیم کره جنوبی قرار دارد. کشورهای اندونزی، بحرین مالزی، مالدیو و کومور در میان کشورهای اسلام موقع مجمع الجزایری و جزیره‌ای دارند ولی برعکس کشورهای نظیر افغانستان، بورکینافاسو، چاد و موریتانی در خشکی محصور بوده و از هیچ راهی به دریا راه ندارند. کل کشورهای اسلام بیش از ۲۶ میلیون کیلومتر مربع مساحت دارند. جهان اسلام را به لحاظ موقعیت قاره‌ای، ناحیه‌ای و جغرافیائی به مناطق دیگری تقسیم می‌کنند. از یک دیدگاه مجموعه ۵۱ کشور اسلامی که به طور رسمی عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند به سه گروه کشورهای آسیائی، با ۳/۶ میلیون مربع، کشورهای آفریقائی با ۷/۵ میلیون کیلومتر مربع و گروه کشورهای عربی با ۱۴ میلیون کیلومتر مربع تقسیم می‌شوند در این میان، سه کشور سودان، الجزایر، عربستان سعودی ۲۷٪ کل مساحت جهان اسلام را دربر می‌گیرند، در صورتی که کشورهای کوچکتر یعنی مالدیو و بحرین روی هم حتی ۱۰۰۰ کیلومتر هم مساحت ندارند. وسیع‌ترین کشور اسلامی یعنی سودان که در سحرای آفریقا قرار گرفته و ۲۵۰۳۸۹۰ کیلومتر مربع وسعت دارد ۸۴۰۰ برابر کوچکترین کشور جهان اسلام است که به صورت مجمع الجزایری در جنوب غربی هندوستان و غرب سری‌لانکا قرار گرفته است. (۳) کشورهای اسلامی که در مجموع یک پنجم وسعت جهان مسکون را تشکیل می‌دهند

نزدیک به چهار برابر وسعت قاره اقیانوسیه و در حدود ۳ برابر قاره اروپا و مقداری کمتر از کل وسعت قاره افریقا می‌باشند. البته اگر نواحی مسلمانان نشین آسیای مرکزی، آسیای جنوبی، چین، اروپای شرقی و سایر نقاطی که محل سکونت اقلیت‌های مسلمانان است و به وسعت مزبور بیفزاییم، قلمرو جهان اسلامی مساحتی برابر کل وسعت قاره افریقا خواهد داشت که خود به لحاظ سیاسی و استراتژیکی و از نقطه نظر ژئوپلیتیکی می‌تواند در حد بالائی حائز اهمیت باشد.

ویژگی‌های طبیعی کشورهای اسلامی

ویژگی‌های طبیعی کشورهای اسلامی

به لحاظ ژئومورفولوژی و از نقطه نظر پستی و بلندیها می‌توان کشورهای اسلامی را به گروه کشورهای هموار، کوهپایه‌ای و کوهستانی تقسیم نمود. کشورهای هموار نیز خالی از عارضه نبود و خود به بخش‌های جلگه‌ای، صحرایی، فلاتی و کوهستانی تقسیم می‌شوند که نمونه آن ایران است. کشورهایی که در ناحیه صحرایی واقع شده تقریباً عوارض ارتفاعی کمتری دارند و در عوض سرزمین‌های واقع شده بر فلاتها و ارتفاعات دارای چهره‌ای ناهموار و بریدگی‌های زیادی هستند ترکیه از این نمونه می‌باشد، که بلندترین قله آن یعنی ارارات بیش از ۵۰۰۰ متر ارتفاع دارد ارتفاعات هندوکش با قله‌ای به ارتفاع ۷۶۰۰ متر در افغانستان واقع است. کلیمانجارو به عنوان بلندترین قله افریقا در کشور تانزانیا واقع در شرق افریقا، قرار دارد. اتیوپی نیز ارتفاعات متعددی دارد و کوههای اطلس از ناهمواریهای کشور مراکش است. کشورهای جزیره‌ای، ارتفاعاتی با منشا آتشفشانی دارند. به لحاظ آب و هوایی و شرایط کلیما تولوژیکی تقریباً همه نوع آب و هوا به جز آب و هوای قطبی در سرزمین‌های اسلامی قابل مشاهده است و از این نظر می‌توانیم کشورها را به انواع زیر تقسیم کنیم. ۱- در کشورهایی که در طرفین خط استوار و کمربند آن قرار دارند (که از آب و هوای گرم و مرطوب و پرباران برخوردارند). اختلاف فصل کم‌تر دیده می‌شود و جنگل انبوه از ثروت‌های این گونه کشورهاست. ۲- کشورهایی که در کمربند صحرایی و بیابانی واقعند، در این نواحی آب و هوای گرم و خشک با اختلاف دمای زیادی و تبخیر فراوان و بارندگی ناچیز و وزش بادهای توام با شن و گرد و خاک دیده می‌شود کم‌آبی مشکلات فراوانی را برای مردمان این نواحی فراهم نموده است: سودان - چاد - مالی - موریتانی و جمهوری عربی صحرا (واقع در صحرای افریقا) و نیز شبه جزیره عربستان از چنین آب و هوایی برخوردارند. ۳- کشورهایی که آب و هوای مدیترانه‌ای دارند. نواحی شمالی کشورهای مصر - لیبی، تونس الجزایر، مراکش و بخش غربی و جنوبی ترکیه، فلسطین، لبنان از این نوع آب و هوا برخوردارند. این آب و هوا شرایط خاصی را برای کشورهای مزبور پدید آورده که از جمله آن وجود یک فصل خشک (تابستان) و نیز فصل پرباران زمستان می‌باشد. ۴- کشورهایی که آب و هوا معتدل دارند. تنوع شرایط جغرافیائی، دوری و نزدیک به دریا، ارتفاع از سطح دریا موجب آن شده که برخی از کشورها از زمستانهای نسبتاً ملایم و تابستانهای معتدل برخوردار باشند البته این شرایط را نمی‌توان برای تمام نقاط این کشورها تعمیم داد. ایران و عراق در این گروه قرار می‌گیرند. ۵- آب و هوای کوهستانی مخصوص نواحی ارتفاعی کشورهاست و نمی‌توان کشور خاصی را در این گروه قرار داد به عنوان مثال نواحی شرقی ترکیه به سبب وجود کوههای مرتفع زمستانهای سردی دارد. نواحی غربی ایران و نیز نقاط شمالی عراق و بخش‌هایی از کشور آلبانی آب و هوای کوهستانی دارد. جنگلهای همیشه سبز سلوا، علفزارهای ساوان، صحرای گرم و خشک، باتلاق‌ها و مردابها سیلاب‌های شدید، خشک سالی‌هایی دوره‌ای، کمی باران، از عوارض و پدیده‌های منفی سرزمین مسلمان است که مشکلاتی را برای ساکنین کشورهای اسلامی پدید می‌آورد. از لحاظ منابع آب، جهان اسلام بسیار غنی است. اکثریت کشورهای مسلمان درن قاطی واقعند که به آبهای آزاد جهان دسترسی داشته و حتی برخی در گلوگاههای استراتژیکی تنگه‌ها و آبراه‌های جهان قرار گرفته‌اند. خود این

کشورها نیز دارای دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و چشمه‌های متعددی هستند. دریا‌هایی که کشورهای اسلامی بر سواحل آن واقع شده‌اند عبارت است از دریای مدیترانه واقع بین آفریقای شمالی، اروپایی جنوبی و آسیای غربی. دریای سیاه در شمال ترکیه، دریای مرمره در شمال غربی این کشور که رابط بین دریای سیاه و دریای مدیترانه است. دریای مرمره قسمت آسیائی ترکیه را از بخش اروپائی جدا می‌کند. دریای سرخ یا بحر احمر که حد فاصل بین شبه جزیره عربستان و آفریقای شرقی است. دریای آدریاتیک در غرب آلبانی و جمهوری بوسنی و هرزگوین - دریای عمان در جنوب جمهوری اسلامی ایران.

خلیج‌های مشهور

خلیج‌های مشهور عبارتند از: خلیج فارس در جنوب ایران و شرق جزیره عربستان، خلیج عدن در جنوب یمن، خلیج گینه در آفریقا غربی، خلیج بنگال در جنوب بنگلادش، خلیج اسکندریه در شمال مصر، خلیج سرت در شمال لیبی، خلیج تونس در شرق کشور تونس و خلیج اسکندرون در جنوب ترکیه و... تنگه‌هایی که سرزمین اسلامی در طرفین آنها قرار دارند به شرح زیرند: تنگه باب المندب که دریای سرخ را به خلیج عدن و در نتیجه به اقیانوس هند ارتباط می‌دهد. کشورهای یمن (از آسیا) و «جیبوتی از آفریقا، بر این ناحیه سوق الجیشی اشراف دارند. تنگه داردانل که رابط بین دریای سیاه و دریای مدیترانه است، تنگه بسفر که حد فاصل دریای سیاه و دریای مرمره است، تنگه جبل الطارق به پهنای حدود ۱۴ کیلومتر که دریای مدیترانه را به اقیانوس اطلس پیوند می‌دهد و در جنوب آن کشور اسلامی مراکش (واقع در شمال غربی آفریقا) قرار گرفته است. تنگه هرمز که بین خلیج فارس ایران و دریای عمان واقع می‌باشد، و تنگه «مالاکا» که بین مالزی و جزیره سوماترای اندونزی قرار دارد.

دریاچه‌های مشهور

دریاچه‌های مشهور جهان اسلام: دریاچه خزر واقع در شمال ایران و نیز بین کشورهای اسلامی آسیای میانه و ماوراء النهر که بزرگترین دریاچه جهان مسکون می‌باشد و ۴۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. دریاچه ارومیه در شمال غربی ایران، دریاچه ویکتوریا بین کنیا، تانزانیا و اوگاندا که ضمناً سرچشمه نیل سفید هم می‌باشد. دریاچه چاد بین چاد و نیجر و نیجریه، دریاچه بحر المیت یا دریای مرده به عنوان گودترین دریاچه دنیا واقع در کشور اردن. طولانی‌ترین رودخانه جهان اسلام، رودخانه نیل است که با ۶۴۰۰ کیلومتر طول در آفریقای شرقی جریان داشته و به دریای مدیترانه می‌ریزد.

رودخانه‌های مشهور

رودخانه‌های مشهور دیگر عبارتند از: کنگو، نیجر، ایندوس (سند) گنگ، دجله، فرات، سفید رود، کارون و زاینده رود. به لحاظ بارندگی، مناطق گوناگون جهان اسلام در شرایط متفاوتی قرار دارند. برخی نواحی واقع در کمربند خط استوا، باران زیادی دریافت می‌کنند و در عوض صحاری و نواحی بیابانی با بارندگی ناچیزی روبرو هستند و در مجموع میانگین بارندگی سرزمین‌های اسلامی بین ۵۰ تا ۴۰۰ میلی‌متر در نوسان است. حتی دریافت بارندگی در برخی کشورها از ناحیه‌ای به ناحیه‌ای دیگر فرق می‌کند. مثلاً شمال ایران و نواحی خزری میانگین بارندگی تا هزار میلی‌متر دارد ولی در نواحی کویری دریافت باران به ۱۰۰ میلی‌متر هم نمی‌رسد نواحی شمالی، شرقی و غربی نیز از نقطه نظر دریافت باران متفاوتند. در حالی که در جنوب پاکستان تحت تاثیر آب و هوای گرم و مرطوب اقیانوس هند باران فراوانی می‌بارد بلوچستان پاکستان تحت تاثیر آب و هوای بیابانی گرم و خشک، کم باران است.

پی‌نوشتها

۱- وحدت رمز اقتدار جهان اسلام - دست نویس تالیف نگارنده . ۲- دریای مدیترانه ۳- این کشور مالدیو نام دارد .

مسائل جمعیتی و دموگرافیکی جهان اسلام

مسائل جمعیتی و دموگرافیکی جهان اسلام

آمارنامه غربی و مراکز آماری وابسته به استکبار ، برخلاف دقت علمی و ادعائی که دارند در بولتن‌ها و نشریات آماری خود می‌کوشند که تعداد مسلمانان را کمتر از میزان واقعی آنها قلمداد کنند به عنوان مثال «دائرة المعارف بریتانیا» در سال ۱۹۶۸ میلادی تعداد مسلمین جهان را ۴۷۴۳۰۰۰۰۰ نفر گزارش نموده ولی ۴ سال بعد یعنی در سال ۱۹۷۲ میلادی تعداد آنان را کمتر از این مقدار و برابر ۴۷۱۳۰۰۰۰۰ نفر ذکر می‌کند ولی در همین فاصله معیت یهودیان بر طبق آمار آنها از ۵/۱۳ میلیون نفر به ۵/۱۴ میلیون نفر بالغ می‌گردد و بر تعداد مسیحیان نیز افزوده می‌شود . این در حالی است که مجامع علیم و سازمانهای جمعیت کشورهای اسلامی بالاست . بنابراین برایدست یافتن به آمار واقعی مسلمانان جهان نمی‌توان به منابع غربی استناد کرد ، این مسئله یعنی کمتر از واقعیت نشان دادن سکنه مسلمین در مورد اقلیت‌های مسلمان سایر کشورهای غیر مسلمان مشهودتر است . «موتمر الاسلائی پاکستان آمار مسلمانان را در سال ۱۹۶۴ م ۶۴۷۰۱۱۰۸۰ نفر می‌داند . نشریه الاتحاد ارگان رسمی فدراسیون انجمنهای اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا آمار مسلمین را در سال ۱۹۶۸ م ۶۵۹۲۴۵۰۸۳ نفر دانسته است ، آمار سال ۱۹۷۰ میلادی بیانگر آن است که در این سال ۷۳۳/۰۰۰/۰۰۰ مسلمان در جهان وجود داشته است ، تقویم جهانی سال ۱۹۸۳ میلادی آمار مسلمین را ۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ذکر کرده در حالی که علی‌کسانی در کتاب «اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز» آمار مسلمین را به نقل از منابع آماری سال ۱۹۸۲ م ۱۰۲۹/۴۲۷/۰۰۰ ذکر می‌کند از این میزان ، ۶۳۶۷۲۰۰۰۰ نفر در کشورهای مستقل اسلامی و ۳۹۲۷۰۷۰۰۰ نفر به عنوان اقلیت مسلمان در سرزمین‌های غیر اسلامی سکونت داشته‌اند . طبق آماری که در ذیل نقشه جهان اسلام (منتشر شده از سوی وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران) درج شده در آغاز سال ۱۴۰۳ هجری قمری مطابق با ۱۳۶۲ شمسی ، کل مسلمین در کشورهایی که بیش از ۵۰٪ مسلمان داشته‌اند ۷۰۹۹۹۲۰۰۰ نفر و مسلمین کشورهای دیگر ۲۸۵۲۰۷۱۱۳ نفر بوده‌اند . طبق آمارهای منتشره مربوط به سال ۱۹۸۶ م در ۵۱ کشور مستقل اسلامی ۸۵۰۳۵۴۳۰۰ نفر و در سرزمین‌هایی که بین ۱٪ تا ۴۹٪ مسلمان داشته‌اند ، تعداد مسلمین به ۱۱۴۹۶۳۸۱۸۰ نفر بوده‌اند . طبق جدولی که در یکی از بولتن‌های وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران مندرج است ، جمعیت مسلمین به ۲۰۰/۱۵۵/۱/۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۱ میلادی رسیده است . در جدول مزبور جمعیت جهان اسلام به شکل زیر توضیح شده است :

نواحی جمعیت

شمال آفریقا - مصر ۱۰۰۵۰۰۰۰۰ غرب آفریقا ۱۲۵۰۰۰۰۰۰ مرکز آفریقا ۱۸۰۰۰۰۰۰۰ شرق آفریقا ۹۳۰۰۰۰۰۰۰ جنوب آفریقا ۱۵۳۰۰۰۰۰۰
ملت‌های غرب ۶۲۶۰۰۰۰۰۰ ترکیه ، ایران و افغانستان ۱۱۴۸۰۰۰۰۰۰ شبه قاره هند ۱۸۰۵۰۰۰۰۰۰ آسیای جنوب شرقی ۲۷۵۰۰۰۰۰۰۰
خاور دور ۸۱۰۰۰۰۰۰۰ اروپا ۱۸۳۰۰۰۰۰۰۰ آمریکا ، اقیانوس آرام ۵۹۰۰۰۰۰۰۰ جمع کل ۱۱۵۵۲۰۰۰۰۰۰

قطب‌های جمعیتی

قطب‌های جمعیتی کشورهای اسلامی عبارتند از : ۱- آسیای جنوبی با ۳ کشور ۲۰۴۱۹۰۰۰۰ نفر . ۲- آسیای جنوب شرقی با ۳

کشور ۱۸۶۷۲۰۰۰۰ نفر . ۳- خاورمیانه و آسیای جنوب غربی با ۱۵ کشور ۱۳۹۹۴۰۰۰۰ نفر . ۴- افریقای غربی با ۸ کشور ۱۳۴۴۲۰۰۰۰ نفر . ۵- افریقای شمالی با ۵ کشور ۱۰۶۷۰۰۰۰۰ نفر . ۶- ناحیه صحرای بزرگ آفریقا با ۶ کشور ۴۸۶۰۰۰۰۰ نفر . ۷- افریقای شرقی و ناحیه شاخ افریقا با ۲۸۸۴۰۰۰۰ نفر . ۸- ناحیه بالکان با دو کشور حدود ۸۰۰۰۰۰۰ نفر . قاره آسیا در بین خشکی‌های بزرگ جهان ۶۵٪ سکنه مسلمان را بخود اختصاص داده است . ۲۵٪ مسلمان در کشورهای عربی و ۱۰٪ در افریقا زندگی می کنند . اندونزی بنگلادش و پاکستان به تنهایی بیش از ۴۰٪ سکنه جهان اسلام را تشکیل می دهند . پر جمعیت ترین کشور اسلامی اندونزی است که در حال حاضر ۱۸۷ میلیون نفر سکنه دارد . کم جمعیت ترین کشور مسلمان ، مالدیو می باشد که تعداد سکنه آن به ۱۸۰۰۰۰ نفر می رسد . میانگین تراکم نسبی کشورهای اسلامی حدود ۱۰۳ نفر در کیلومتر مربع است که بیشترین آن با ۷۷۴ نفر در کیلومتر مربع مربوط به بنگلادش و کمترین آن به جمهوری عربی صحرای باختری اختصاص داد . در مورد تعداد کشورهای مستقل اسلامی نظرات و عقاید متفاوتی مطرح می باشد ، در کتابی تحت عنوان "Gazetter|World|Muslim" که در سال ۱۹۶۴ میلادی انتشار یافته ۳۶ کشور اسلامی که متجاوز از ۵۰٪ مسلمان داشته به عنوان کشورهای مستقل اسلامی معرفی شده اند . «دکتر ابوالفضل عزتی طی مقاله ای تحت عنوان : «شناخت اجمالی جهان اسلام ۴۰ کشور را معرفی می کند که متجاوز از ۵۰٪ مسلمان دارد . دکتر محمد حسن گنجی ، کشورهایی را مسلمان می داند که بیش از ۷۵٪ مسلمان داشته باشد و با این تعریف ۳۴ کشور اسلامی از مجموع کشورهای جهان تحت عنوان سرزمین های اسلامی مورد مطالعه قرار می گیرند . برخی ، از کشورهایی را اسلامی می دانند که عضو : «سازمان کنفرانس اسلامی هستند . علی کتانی در کتاب «اقلیت های مسلمان در جهان امروز» و دکتر غلامحسین خورشیدی در کتاب «بازار مشترک اسلامی چنین نظری دارند ، در این تقسیم بندی اوگاندا و گابن که کمتر از ۵۰٪ مسلمان دارند ، عضو این سازمان بوده اما اتیوپی که بالاتر از ۵۰٪ مسلمان دارد به عضویت آن در نیامده است در آماري که به سال ۱۹۸۶ میلادی انتشار یافته ، ۵۲ کشور اسلامی معرفی شده که بیش از ۵۰٪ مسلمان داشته اند . متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت کشورهای اسلامی ، ۳٪ می باشد که بالاترین آن مربوط به قطر با ۹٪ است و کمترین آن به افغانستان با ۹/۱٪ اختصاص دارد . متوسط عمر در کشورهای اسلامی ۴۸ سال است که کمترین آن با ۳۸ سال مربوط به کشور چاد واقع در صحرای افریقا می باشد . میزان امید به زندگی در این کشورها ۷/۵۷ سال و میانگین سنی ۴/۲۳ سال است . متوسط زاد و ولد برای سرزمین های اسلامی ۶/۳۹ در هزار و میزان مرگ و میر ۶/۱۶ در هزار گزارش شده ، اما میزان مرگ و میر کودکان ۹۵ نفر در هزار می باشد . به لحاظ گروه های سنی در خصوص کشورهای اسلامی آمارهای زیر ، قابل ذکر است : ۲۵/۴۲٪ سکنه این کشورها بین (۰) تا (۱۴) سال عمر دارند . درصد سالخوردگان و افراد ۶۰ ساله به بالا ۲۵/۵٪ است ، ۵/۵۲٪ بقیه در گروه سنی (۱۵) تا (۵۹) سال قرار می گیرند . میانگین بعد خانوار در کشورهای اسلامی ۳۵/۵ نفر می باشد . به رغم تاکید مکرر اسلام در خصوص تعلیم و تعلم به دلیل نقشه های استعماری و رکود فرهنگی ، آمارها از میزان بیسوادی بالا در کشورهای اسلامی حکایت می کند . بر اساس آمار سال ۱۹۸۰ میلادی در کل این کشورها صرفا ۳۷٪ از نعمت سواد برخوردار بوده اند . در غالب این کشورها ، نظام آموزشی ساختاری استعماری دارد و لذا تربیت یافتگان مراکز آموزشی آن مناسب با فرهنگ غربی تربیت شده و نسبت به فرهنگ خود حالت بیگانگی دارند . در این سیستم ، کمتر در جهات مهارتهای فنی و تخصصی تلاش می شود و غالب افراد تحصیل کرده در مراکز خدماتی جذب می شوند . در ضمن در غالب این کشورها تحصیلات عالی به نخبگان و مرفهین اختصاص دارد . ایران و چند کشور انگشت شمار دیگر در این مورد استثنا هستند . نابسامانیهای آموزش و پرورش در این ممالک آن قدر زیاد هست که ۳۰٪ از افراد لازم التعلیم از رفتن به مدرسه محرومند و نرخ تکرار پایه تحصیلی برای کشورهای اسلامی بین ۱۵ تا ۳۰٪ است . در کل کشورهای اسلامی برای هر ۹۰۰ نفر در یک تخت بیمارستانی وجود دارد . کشورهای نفت خیز بخصوص در سرزمین خاورمیانه به برکت اقتصاد متکی به نفت وضع بهتری دارند . چنانچه در کشور قطر به ازای هر ۹۶ نفر یک تخت بیمارستان وجود دارد ولی در افغانستان برای هر ۶۵۰۰ نفر یک

تخت بیمارستانی در نظر گرفته شده است. در کشورهای اسلامی برای هر ۱۴۵۰۰ نفر یک پزشک وجود دارد، این رقم برای کشورهای مسلمان قاره آسیا ۹۰۰۰ و برای کشورهای مسلمان افریقا ۲۰۰۰۰ نفر گزارش شده است. فاجعه در مورد اتیوپی است که به ازای هر ۷۳۰۰۰ نفر یک پزشک دارند. سوء تغذیه و فقر مواد غذایی، گرسنگی کمی و کیفی بیماریهای عفونی و انگلی. امراض قارچی، فشارهای ناشی از کار زیاد، تلفات ناشی از جنگ‌ها و درگیری‌های ناحیه‌ای، داخلی و قبیله‌ای از یک سو و عدم توسعه صنایع دارویی و پزشکی، کمبود دارو، و عقب افتادگی مسائل بهداشتی و ضعف مصون سازی همگانی از سوی دیگر، از عواملی است که مرگ و میر افراد را در اکثر این کشورها فراهم نموده است.

نژاد و زبان

گرچه به استناد آیات قرآن و روایات اسلامی اصالت دادن به نژاد در اسلام مطرود است ولی شناخت جوامع و گروههای اجتماعی منافاتی با این مسئله ندارد چنانچه در حدیثی آمده است. «اگر یکی از شماها برادر مسلمان خود را دوست بدارد باید از نام وی، نام پدر، نام تیره و تبارش پرسد و آگاهی یابد، زیرا که حق واجب و وظیفه برادری راستین ایجاب می کند که از اوضاع و احوال او آگاه شود و گرنه آشنائی غیر کامل، یک شناسائی احمقانه است. اصولا اسلام به عنوان یک ایمان و عقیده واحد در عین حالی که وحدت خویش را حفظ نموده در ظرف ملیت‌های گوناگون تنوع یافته است. اسلام حقیقتی است که ملیت‌ها را به عنوان واقعیت می پذیرد و حتی قرآن این واقعیت را به خدا منسوب می داند اما موجب تعارف می داند نه عامل تفاخر و برتری طلبی ولی استعمار و استکبار، جهت ایجاد نفاق بین کشورهای اسلامی و حتی برای تزلزل در داخل این کشورها ملیت‌ها، قبائل و گروههای نژادی را تحریک می کند و روی هر کدام تکیه می نماید تا به منظور خود که انهزام و شکست دولت‌های اسلامی است نائل گردد. از مجموع ۴۶ کشور اسلامی، در ۱۹ کشور، اکثریت با نژاد سامی و اعراب می باشد و البته اقلیت‌های دیگر نژادی در این کشورها دیده می شوند مثل کردها در عراق و سوریه و گروههای بربر در کشورهای افریقائی عرب زبان. در ۱۱ کشور اسلامی که تماما در قاره افریقا قرار دارند غلبه با گروه نژادی سیاهان است که در میان آنها تیره‌های اعراب و سفید پوستان اروپائی قابل مشاهده اند. منشا نژادی ۶ کشور اسلامی که در آسیا واقعند «زرد» می باشد که شامل تیره‌های مغولی تاتار، ازبک، زرد مالایائی، زرد بنگالی، زرد اندونزیائی، هندی و چینی می باشند. در کشور ترکیه، اکثریت منحصرا با نژاد ترک‌های آناتولی است که وابسته به نژاد سامی هستند و بزرگترین اقلیت آن کردها می باشند. منشا نژادی ایران پارسی و آریائی است. مردم پاکستان از نژاد سفید و تیره‌های سند و پنجابی هستند. سکنه جیبوتی و سومالی از نژاد سومالیائی و عفار می باشند. در کشور اتیوپی ۳ نژاد گالا، امهر و عرب مشاهده می گردد. مردم آلبانی از تیره‌های آلبانی توسک می باشند. در برخی کشورهای اسلامی تعداد قابل توجهی تیره‌های نژادی با لهجه‌های گوناگون زندگی می کنند که در اندونزی تعداد آنها به ۳۰۰ تیره و در نیجریه به ۲۵۰ تیره بالغ می گردد. در ۲۰ کشور اسلامی، زبان رایج زبان عربی است و در کنار آن زبانهای بومی چون کردی فارسی، بربر و مانند آن متداول می باشد و به دلیل سلطه استعماری در تعدادی از آنها زبانهای فرانسه انگلیسی و پرتغالی رواج دارد. در ۱۱ کشور اسلامی متاسفانه زبان رسمی، زبان بیگانه و بخصوص انگلیسی، پرتغالی و فرانسوی رواج دارد اما در کنار آن، مردم در گفتگوهای روزمره از زبان دوم که زبان بومی است و با فرهنگ و سنت‌هایشان تطابق دارد، استفاده می کنند. زبان مردم ایران فارسی و زبان رسمی ترکیه، ترکی است در کشورهای اندونزی، بنگلادش، مالدیو، مالزی، جیبوتی و سومالی، زبانهای بومی رواج دارد.

اقلیت‌های مسلمان

اقلیت‌های مسلمان که دین مبین اسلام را پذیرفته و با فرهنگ اسلامی در کشورهای دیگر سکونت دارند و با سنن متمایز و رفتار

مشخص و فرهنگ خاص، خود را از افراد غیر مسلمان تفکیک نموده‌اند و می‌توانند با تشکیل برادرانه، پیروی از رهبران دینی، حفظ هویت اسلامی و پایداری به اصول و ضوابط آئین اسلام و اجتناب از فرقه‌گرایی و پرهیز از برنامه‌هایی که با شئون اسلامی ناسازگار است، قدرتی معنوی را بوجود آورند که تحریکات سیاسی و فشارهای اجتماعی و غلبه فرهنگ اکثریت نتواند هیچ لطمه‌ای بدانها وارد نماید. البته برخلاف آنکه برخی کشورها، زندگی مسالمت‌آمیز را با اقلیت‌های مسلمان رعایت می‌کنند در پاره‌ای از واحدهای سیاسی مسلمین تحت شرایط و زیر فشارهای غیر قابل تحمل زیدگی می‌کنند تبلیغات مسیحی و فعالیت‌های تبشیری همراه با وعده و وعیدهای زیاد و کمک‌های مالی مشکلی است که اقلیت‌ها را تهدید می‌کند و در مواقعی ممکن است به استحاله آنها در جوامع اکثریت منجر گردد. در بعضی نقاط جهان، سردمداران کشورها شدیدترین تعارض‌ها و خشونت‌ها را بر علیه مسلمین روا داشته و به کشتار، شکنجه، اخراج و مصادره اموال آنها پرداخته‌اند. برخورد دولت فیلیپین، تایلند، برمه (میانمار) اتیوپی و... با اقلیت‌های مسلمان نمونه بارزی از این رفتار خشن است بطور کلی مشکلات اقلیت‌ها را که یک سوم سکنه جهان را تشکیل می‌دهند می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود: ۱- ارائه آمار غیر واقع در مورد آنها از سوی کشورها، فرهنگ نامه‌هایی چون فرهنگنامه سالانه بریتانیکا و نیویورک تایمز در مورد آنها آمار مغرضانه‌ای منتشر نموده‌اند. ۲- چون مسلمانان اغلب زبان عربی دارند در کشورهای غیر مسلمان از آموزش زبان مذکور کمتر بهره دارند و از منابع فرهنگ اسلامی جدا هستند. ۳- تعلیم و تربیت کودکان مسلمان در نظام آموزشی - تربیتی کشور غیر مسلمان. ۴- مسخ فرهنگی و ذوب شدن در فرهنگ کشور میزبان بویژه در کشورهایی که فرهنگ آنها با فرهنگ اسلام در ستیز است. ۵- وجود مفسد اجتماعی و تحقیر ارزشهای اجتماعی مسلمین و عدم وجود قید و بندهای اخلاقی و تبلیغات مبتنی بر رشد فرهنگ ضد اسلامی و نفی ارزشهای معنوی که جوانان مسلمان را از اندیشه‌ها و رفتارهای اسلامی جدا می‌کند. ۶- مشکلات مالی و اقتصادی و تنگناهایی که بر اثر حرکات تبعیض گونه دولت‌ها نسبت به مسلمین اعمال می‌گردد. ۷- وجود تناقض برای فرزندان مسلمان زیرا در خانه، تحت روش تربیتی والدین هستند ولی واقعیت‌های اجتماعی برخلاف ارزشهای اسلامی است، هم شاگردان غیر مسلمان نیز این تناقض را تشدید می‌نمایند. ۸- جدایی با کشورهای مسلمان و نظر افکندن بر آن کشورها از دید بوقهای تبلیغاتی استکبار و کشورهای غیر مسلمان. به عنوان مثال برخی اقلیت‌های مسلمان در مورد ایران بدلیل تبلیغات منفی ابرقدرتها تصور نادرستی دارند. ۹- عدم احترام به اندیشه‌ها و آراء مسلمین و بی توجهی به حقوق سیاسی اجتماعی مسلمین و محرومیت از امکانات رفاهی - خدماتی و فرهنگی. ۱۰- عدم دخالت مسلمین در امور سیاسی - نظامی کشور میزبان در حالی که اقلیتی قابل توجه را تشکیل می‌دهند. در اتیوپی، تانزانیا و موزامبیک با آنکه مسلمین در اکثریتند ولی بر شئون مملکتی تاثیری ناچیز دارند. ۱۱- در برخی کشورهای افریقائی مثل کنگو، ساحل عاج، لیبیا، توگو، غنا، جنوب آفریقا، زئیر و آنگولا خشکسالی‌ها - جنگ‌های قبیله‌ای و نبردهای مرزی آنچنان مسلمانان را در فقر مالی قرار داده که آنها را آماده پذیرش کمک‌های مالی می‌کند که زیر پوشش سیاسی و تبلیغات استکباری به آنه داده می‌شود. ۱۲- عدم به رسمیت شناختن آنها که خود مشکلات اجتماعی سیاسی عدیده‌ای را به بار می‌آورد. در مورد آمار اقلیت‌های مسلمان نمی‌توان نظر قاطعی ارائه نمود زیرا بسیاری از کشورها به دلیل مسائل فرقه‌ای که در داخل خود دارند از ارائه دقیق آمار پیروان ادیان اجتناب می‌ورزند و شاید هم این بهانه‌ای است برای مقاصد سیاسی آنها، در ممالک غربی و امریکا و دیگر کشورهای توسعه یافته از انجام سرشماری دقیق در مورد مسلمین خود داری می‌کنند، در کشورهایی که ابراز عقیده برای مسلمین خطر ایجاد می‌کند برخی از مسلمانان اعتقادات مذهبی خود را مخفی نگاه می‌دارند. طبق آمار سال ۱۹۸۲ میلادی ۳۹۲۷۰۷۰۰ نفر مسلمان در ۴۹ کشور غیر مسلمان سکونت داشته‌اند که ۶/۱۱٪ کل مسلمین را تشکیل می‌دهد. در یک نمونه آماری دیگر که مربوط به سال ۱۹۸۱ میلادی است تعداد مسلمین در ۶۳ کشور که بین ۱٪ تا ۴۹٪ مسلمان داشته‌اند به ۲۸۵۲۰۷۱۱۳ نفر بالغ می‌گردیده است. در سال ۱۹۸۵ م آمار اقلیت‌های مسلمان به ۳۷۱ میلیون نفر رسیده که نسبت به آمار سال ۱۹۸۲، کاهش زیادی را نشان می‌دهد. شاید هم

این تفاوت‌های فاحش ناشی از این باشد که برخی از کشورها را که مسلمانان آنها در حد ۵۰٪ بوده جزو کشورهای مسلمان به حساب آورده‌اند تا آنجا که در پاره‌ای منابع ۵۷ کشور مسلمان معرفی شده است ولی گروه تحقیقاتی مجله تایم تعداد کشورهای اسلامی را ۳۷ کشور ذکر نموده است. آمار سال ۱۹۸۶م تعداد مسلمین ساکن در ۶۸ کشور غیر اسلامی ۲۹۹۲۸۳۸۸۰ نفر ذکر می‌نماید.

آوارگان و پناهندگان جهان اسلام

در بین کشورهای اسلامی، ایران با متجاوز از ۵/۲ میلیون آواره افغانی و عراقی در جهان بالاترین تعداد آواره را دارد. پاکستان با قریب به ۲ میلیون رتبه دوم و سودان با ۵/۱ میلیون آواره رتبه سوم را دار است. در اتیوپی بدلیل سرکوب شدید نیروهای مسلمان واقع در شمال غربی این کشور و خشکسالی‌های دوره‌ای که گریبانگیر مردم شده حدود نیم میلیون مسلمان به حالت آواره به سر می‌برند. نبرد خونین بین سومالی و اتیوپی صدها هزار آواره را متوجه منطقه هارژبیل و سیدامو نموده است یک سوم سکنه سومالی آوارگان اوگاندائی هستند که بخاطر جنگ و خشکسالی سرزمین خود را ترک نموده‌اند. پناهندگان موزامبیک در داخل این کشور و واحدهای سیاسی همجوار آن پراکنده‌اند متجاوز از ۳۰۰۰۰۰ نفر بود که هر ماه قریب ده هزار نفر بدانها افزوده می‌شود. نزاعهای قبیله‌ای در کشور بوروند، هزاران نفر آواره را روانه کشور اسلامی تانزانیا نموده است. اکثر آوارگان کشور کامرون که به ۳۰۰۰۰۰ نفر بالغ می‌گردد در شهر کوسوی واقع در ایالت شمالی آن سکونت دارند که ده برابر افراد بومی این ناحیه هستند. آوارگان افریقائی که در ۲۰ کشور این قاره پراکنده‌اند به کشورهای روی آورده‌اند که خود آنها دچار مشکلات اقتصادی و معضلات اجتماعی می‌باشند. ناامنی ناشی از جنگها و تشنجات سیاسی در آسیای جنوب شرقی نیز موج آوارگان را به سوی کشورهای مجاور روانه کرده است. آوارگان واقع در هندوچین از طریق راه دریائی، غالباً به سوی کشور مالزی روانه می‌شوند. نابرابری قوای مسلح فیلیپین با مسلمانان مورو و هجوم و فشار نیروهای دولت مرکزی به سرزمین مسلمان نشین بانگسامور و موجب آن گشته تا هزاران مسلمان مورویی از سرزمین‌های خود رانده شده و به سوی مجمع الجزایر سولو و ایالت صباح در مالزی روی آورند تا از گزند قوای نظامی در امان باشند. در بمباران این سرزمین‌ها، حداقل دو میلیون نفر آواره گردیدند، در ۱۵ ماه اخیر قریب به ۳۰۰۰۰۰۰ نفر مسلمان میانماری که در استان آراکان این کشور - واقع در نقاط مرز غربی - سکونت داشته‌اند به بنگلادش پناهنده و در اردوگاه «بلومکالی واقع در بخش «اوکیای بنگلادش اسکان یافتند. غرب آسیا و منطقه خاورمیانه بیشترین تعداد آواره را دارد، کودتای مارکسیستی ۲۷ آوریل ۱۹۸۷ و تهاجم ارتش سرخ به افغانستان موجب آواره شده ۵ میلیون افغانی گردید که یک سوم آوارگان جهان را تشکیل می‌دهند، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که از شهریور ماه ۱۳۵۹ ش آغاز شد هزاران معاود عراقی را که از سوی دولت عراق به بیرون رانده شده بود راهی نوحی مختلف ایران نمود، دومین گروه آوارگان عراقی بر اثر حادثه غمبار و اسفناک حلبچه، خانه و کاشانه خود را ترک نمودند، در جریان جنگ خلیج فارس و حمله عراق به کویت و نبرد نابرابری که بین مردم و ارتش بعثی آغاز گشت سیل مردم به سوی مرزهای ترکیه و ایران سرازیر شد. یکی از اسف بارترین آثار شوم غضب فلسطین توسط قوای صهیونیستی، حادثه آوارگی بیش از سه میلیون نفر از مسلمانان مظلومی است که هستی خود را از دست داده و در نواحی مختلف خاورمیانه و حتی سراسر جهان پراکنده شده‌اند. رژیم غاصب صهیونیستی با فراهم ساختن زمینه مهاجرت یهودیان از سراسر جهان در صدد آن است تا تراکم نسبی جمعیت را به حدی برساند که دیگر امکان پذیرفتن این سه میلیون آواره وجود نداشته باشد. سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۹م به فکر تشکیل ارگانی برای رسیدگی به اوضاع آوارگان افتاد و در سال ۱۹۵۱م کمیساریای عالی پناهندگان کار خود را آغاز نمود اما این ارگان در برابر آوارگان موضع قوی و یکسانی ندارد و کمک‌های آن به کشورهای میزبان پناهندگان بخش ناچیزی از سرمایه‌های عظیمی است که این کشورها باید به آوارگان

اختصاص دهند. کشورهای اروپایی که از منافع بشر و حقوق انسانها دم می‌زنند با تصویب عوانین محدودکننده‌ای که روح بی‌عدالتی آنان را به ثبوت می‌رساند، درهای خود را به روی آوارگان بسته‌اند. به عنوان نمونه در جریان حملات سبعانه صربها به سرزمین اسلامی «بوسنی»، هرزگوین قریب به یک میلیون نفره آواره مسلمان این کشور کمتر جایی را دارند که در آن اسکان یابند و دولت آلمان از پذیرش حتی بخش کوچکی از آنان امتناع نمود.

نگاهی به مسائل اقتصادی کشورهای اسلامی

نگاهی به مسائل اقتصادی کشورهای اسلامی

اساس فعالیت‌های اقتصادی مسلمانان بر تولیدات کشاورزی و دامی استوار است و نیروی شاغل در این بخشها ۵۵٪ کل شاغلین است. نیجریه ۹۰٪ از نیروی کار را به این بخش اختصاص داده که بالاترین درصد در بین کشورهای اسلامی می‌باشد. پیدایش نفت در پاره‌ای از سرزمین‌های اسلامی موجب آن شده تا این کشورها از تولیدات زراعی غافل شده و به سوی صنعت روی آورند. این عامل سیل مهاجرت را به سوی این کشورها سرازیر نمود و موجب آن شد تا نیروهای مولد آن به سوی کارهای خدماتی و بازرگانی روی آورده و روستاها خالی شوند و مهاجرت به کانونهای شهری شدت یابد. در بحرین ۹۰٪ نیروی کار در بخش استخراج و صدور نفت مشغولند در حالی که نیروی شاغل در بخش صنعت که صنایع بومی و یدی را هم شامل می‌شود در کل جهان اسلام ۲۰٪ است و در چاد، لیبی و مومور صرفاً ۵٪ به فعالیت‌های صنعتی مبادرت ورزیده‌اند. ۲۵٪ بقیه نیروی کار کشورهای مسلمان به امور خدماتی، بازرگانی، حمل و نقل مبادرت نموده‌اند. صنایع مهم کشورهای اسلامی عبارتند از صنایع دستی، صنایع غذایی، استخراجی، نساجی، سیمان، سیگار سازی، چوب، کاغذ سازی، چرم‌سازی، ذوب آهن، کود شیمیایی، کنسرو سازی، لاستیک سازی، شیشه سازی، تولید کشتی و صابون سازی. گندم تولید غالب کشورهای آسیائی و شمال افریقا است. مصر بزرگترین تولید کننده برنج است اما در پاکستان، اندونزی، بنگلادش و مالزی هم برنج به دست می‌آید. الجزایر مهمترین مرکز تولید کننده انگور در جهان اسلام است. در ایران به لحاظ تنوع آب و هوایی انواع محصولا سردسیری و گرمسیری بدست می‌آید. تونس به لحاظ تولید زیتون در جهان اسلام رتبه اول را داراست، در مراکش ترکیه، آلبانی نیز بدلیل واقع شدن بر ساحل جنوبی مدیترانه نیز زیتون بدست می‌آید بنگلادش مهمترین تولید کننده چای در بین سرزمین‌های اسلامی می‌باشد. اندونزی، عربستان، یمن و اتیوپی از مهمترین تولید کنندگان قهوه به شمار می‌روند. عراق با تولید ۷۵٪ خرماي جهان از این لحاظ مقام اول را داراست. گینه، لیبی، موریتانی، امارات متحده عربی، عربستان، عمان، قطر و ایران نیز خرما تولید می‌کنند. از میان محصولات که جنبه صادراتی دارند، تولید پنبه حائز اهمیت است، که مرغوب‌ترین آن در سطح جهان به کشور مصر تعلق دارد. پس از آن کشورهای سودان، اتیوپی، بورکینافاسو، چاد، مالی و پاکستان از تولید کنندگان پنبه در جهان اسلام به حساب می‌آیند. به لحاظ تولید کف بنگلادش در جهان مقام اول را دارد و ۳۶٪ از مردم این کشور در کشت و تولید این محصول دخالت دارند تنها ۴۰٪ کائوچوی جهان در کشور مالزی بدست می‌آید. تانزانیا مهمترین تولید کننده سیسال (در تولید الیاف کتان کاربرد دارد) در دنیاست. سیرالئون اولین تولید کننده الیاف نخل است. بخش مهمی از درآمد کشورهای مسلمان افریقای غربی از راه تولید و صدور بادام زمینی و ارزن بدست می‌آید. کشور نیجر بزرگترین تولید کننده ارزن در دنیا است. توتون و تباکو در کشورهای آلبانی، یمن و ترکیه بدست می‌آید. دامداری از اشتغالات مهم مردمان کشورهای اسلامی است. گوسفند قره گل مشهورترین دام افغانستان است که پوست آن شهرت جهانی دارد. در نواحی صحرائی افریقا و خاورمیانه، شتر نگهداری می‌شود که در زندگی قبایل و کوچ نشین‌ها نقش مهمی را عهده‌دار است. در کشورهایی که موقع جزیره‌ای دارند و یا بر کنار اقیانوسها و دریاها و

رودخانه‌ها قرار گرفته‌اند از فعالیت‌های مهم مردم، صید ماهی به دو روش سنتی و جدید می‌باشد. سواحل کشور جمهوری عربی صحرا به لحاظ انواع و مقدار ماهی موجود از مهمترین سواحل جهان است. در بنگلادش صید ماهی اهمیت زیادی دارد و نزدیک به ۲۵۰ نوع ماهی از آبهای شور و شیرین آن بدست می‌آید. کشور مراکش یکی از غنی‌ترین سواحل دنیا را به لحاظ تولید انواع ماهی بخصوص ماهی ساردین داراست. صید مروارید و میگو در کشورهای حوزه خلیج فارس و جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد. جهان اسلام از نقطه نظر منابع زیرزمینی نیز غنی است. الجزایر، لیبی، ایران، عربستان کویت، بحرین قطر، امارات متحده عربی، اندونزی و نیجریه کشورهای نفت‌خیز اسلامی هستند که تمامی آنها عضو سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) می‌باشند. عربستان به لحاظ صدور نفت در جهان مقام اول را داراست. طلا و طلای سفید در اتیوپی، تانزانیا، کامرون و گینه بدست می‌آید. کشورهای سیرالئون، چاد، تانزانیا، گینه بیسائو و مالی از ذخائر الماس برخوردارند. در کشورهای مراکش، مصر، گینه، اردن، الجزایر، تونس، سنگال و صحرای باختری ذخائر غنی فسفات وجود دارد. ۳۰٪ بوکسیت جهان در گینه و ۳۵٪ قلع دنیا مربوط به مالزی است در کشورهای نیجر و سومالی، ذخائر غنی اورانیم وجود دارد که اروپائیان در استخراج آن دخالت دارند. ۱۰٪ کروم جهان را ترکیه بخود اختصاص داده است. کلمبیت ماده‌ای است که در ساخت فولادهای مخصوص هواپیما بکار می‌رود که پس از نفت مهمترین ذخیره نیجریه می‌باشد و این کشور از این نظر در جهان مقام اول را داراست. منابع دیگری چون سنگ آهن، زغال سنگ، مس، سرب، روی، میکا، پتاس، برمیت، کبالت، سنگ ساختمانی، لانتانیت، آهن و نمک در کشورهای مسلمان نیز بدست می‌آید. مالدیو در میان کشورهای اسلامی فاقد منابع معدنی است. تجارت خارجی غالب کشورهای اسلامی در درجه اول با کشورهای غربی و پس از آن با دول همسایه و جهان سوم می‌باشد و صادرات آنها، اغلب محصولات زراعی و دامی، معدنی و مواد انرژی چون نفت، گاز و ذغال سنگ می‌باشد. واردات آنها عبارتند از: اسلحه، مصنوعات فلزی، کالاهای تجملی، تزئینی و آرایش دارو، لوازم الکتریکی مواد غذایی بسته بندی شده، مصنوعات شیمیایی، ماشین آلات و انواع کالاهای مصرفی. بنابراین جهان اسلام از نظر ذخائر و منابع معدنی و زراعی بسیار غنی است و مکاید استعماری و حيله‌های استکبار، این سرزمین‌ها را در فقر و محرومیت نگاه داشته است و برخی از آنها را چنان در بحران اقتصادی نگاه داشته که محتاج کمک‌های دول غربی هستند. این کمک‌ها نه تنها مشکلات این کشورها را رفع نکرده بلکه شکاف اقتصادی بین ممالک اسلامی و کشورهای غربی را افزایش داده و نابرابری‌های داخلی را در این نقاط افزون نموده است. این کمک‌ها که به صورت مقادیری کالا، پول نقد و اعتبار با ظاهری بشردوستانه تقدیم کشورهای اسلامی می‌شود در جهت عکس مقاصد انسانی و حتی تحقیر ارزشهای بشری بکار گرفته می‌شود. حالت رایگان هم ندارد و اهداف خیرخواهانه‌ای را دنبال نمی‌کند بلکه محرک‌های سیاسی و نظامی در آن دخیل است و اصولاً به کشورهای کمکی می‌شود که: ۱- در نقاط حساس و استراتژیک واقعند؛ ۲- کشورهای نوظهور و تازه استقلال یافته برای جلب آنها به سوی خود؛ ۳- کمک به سرزمین‌هایی که دول آنها سر سپرده استکبار هستند و بله قربان گوی آنانند؛ ۴- کمک به کشورهای که رقیب کشور کمکی شونده دیگر بوده و یا در صدد فاصله گرفتن از جای دیگر هستند؛ ۵- کشورهای که از جایی تهدید می‌شوند و این تهدید منافع غرب را در مخاطره قرار می‌دهد؛ ۶- کشورهای که جنبش‌ها و نهضت‌ها و تشکیلات انقلابی را سرکوب می‌کنند؛ ۷- کشورهای که ایالت و سرزمینی پر آشوب دارند، اگر منافعشان در راستای اهداف ابرقدرتها باشد برای درهم کوبیدن آن آشوب یا موج جدایی طلبی تقویت می‌شوند و اگر شورش آن ناحیه در جهت تامین منافع غرب باشد، این حمایت و تقویت جنبه عکس دارد. از دیگر حيله‌های استعمار این بود که وقتی به سرزمین‌های اسلامی پا گشود بنا به شرایط و جغرافیائی کشورها، آنان را ملزم به کشت محصولی کردند که در تامین مواد اولیه کارخانجات آنها نقش مهمی داشت از عوارض ناگوار این برنامه این بود که زمین مزروعی حاصلخیز که باید در آن مواد غذایی و پروتئینی به عمل آید به کشت محصولات تجاری و بازرگانی اختصاص یافت به همین سبب این کشورها ناگزیر می‌شوند تا

محصولات غذایی خود را از کشورهای دیگر وارد کنند. چنین شیوه تولید محصول که اقتصاد تک محصولی را به کشورهای مسلمان تحمیل می کند این خطر را دارد که با تحریم اقتصادی آن محصول، کشور تولید کننده تا سرحد فلج اقتصادی پیش می رود. تولید انبوه آن نیز قیمت محصول را به شدت تنزل مدهد، اما در عوض، محصولات و مصنوعات غربی هر روز گرانتر می شوند به عنوان مثال در سال ۱۹۶۰ میلادی یک تن کاکائو صادر شد تا ۱۲۰۰ کیلوگرم سیمان تهیه شود ولی در سال ۱۹۷۰م درازای همغن مقدار کاکائو ۳۰۰ کیلوگرم سیمان تحویل داده شد. بنگلادش با تولید انبوه کنف، مالزی با تولید کائوچو و کشورهای مسلمان افریقای غربی با تولید بادام زمینی و ارزن، چنین روندی داشته و با وجود تولید زیاد و صادرات آن، سیمای فلاکت باری دارند و لذا برای تامین مایحتاج خود به سوی کشورهای صنعتی دست دراز می کنند و آن وقت وامی به این کشورها واگذار می شود که سیمای اقتصادی آنان را متزلزل تر نماید. از عوامل دیگری که بخش قابل توجهی از بودجه و سرمایه کشورهای مسلمان را به خود اختصاص می دهد خرید اسلحه به میزان خیلی زیاد و بیش از نیاز واقعی است. عواملی به شرح ذیل موجب آن شده که این کشورها هزینه قابل توجهی را به امور نظامی تخصیص دهند. ۱- این کشورها میدان منازعه ابرقدرتها بوده اند و این منازعات منجر به جبهه گیری کشورهای مزبور شده که نیاز به تجهیزات نظامی را افزون می نماید؛ ۲- اختلافات قومی، قبیله ای حزبی و درگیری های مرزی که خود ریشه در تحریکات استکباری دارد؛ ۳- وابستگی نظامی ناشی از دوان سلطه ابرقدرتها؛ ۴- عضویت در پیمانهای نظامی سیاسی و استقرار پایگاههای نظامی دولت های غربی در این کشورها؛ ۵- سرکوبی نهضت ها و شورش های داخلی و متوسل شدن به زور برای حل مسائل اجتماعی و سیاسی؛ ۶- احساس تهدید از سوی کشورهای دیگر با تحریکات خارجی؛ ۷- قرار گرفتن این کشورها در نقاط حساس و بحران زا که آرامش آن به نفع ابرقدرتها نیست مثل خاورمیانه - شاخ افریقا، آسیای جنوب شرقی - آسیای میانه (ماوراء النهر) در سال ۱۹۵۷ میلادی هزینه های نظامی جهان به ۶۴۰۹ میلیون دلار بالغ گردید و این میزان ۲۰ سال بعد به ۴۱۷۶۲ میلیون دلار رسید که در این میان بالاترین میزان آن به خاور میانه و بخصوص به کشورهای عراق، مصر و عربستان سعودی تعلق داشته است. کشور عمان به لحاظ میزان هزینه نظامی نسبت به تولید ناخالص ملی در سطح جهان رتبه اول را داراست زیرا در این کشور ۴۰٪ محصول ناخالص ملی و ۷/۴۶٪ هزینه دولت در سال ۱۹۷۵م به امور نظامی اختصاص یافته است. در سال ۱۹۷۷م واردات اسلحه به کشورهای جهان سوم و سرزمین های مسلمان هفت برابر گردید که در این میان کشورهای عربستان، عراق، مصر و سوریه، اولین وارد کنندگان اسلحه در جهان بوده اند. در سال ۱۹۷۹م ۵/۷٪ نیروی نظامی جهان به خاوری میانه اختصاص داشت ولی یک سال بعد یعنی در سال ۱۹۸۰م به ۳/۱۱٪ افزایش یافت و در این سال ۸۹٪ صادرات اسلحه خاورمیانه مربوط به عربستان، عراق، ایران، سوریه، رژیم صهیونیستی و مصر بوده است.

سازمان کنفرانس اسلامی

با سقوط دولت عثمانی در بیت المقدس مجمعی بنام «کنفرانس عمومی اسلامی تشکیل شد و بدنبال آن جمعیت تقریب بین مذاهب اسلامی در قاهره، جلسه ای منعقد نمود. در سال ۱۳۳۶ قمری «کنفرانس بین المللی فرهنگ اسلامی به دعوت پاکستان و با حضور ۱۳۰ نماینده تشکیل جلسه داد. کنفرانس رابطه العالم الاسلامی که در سال ۱۳۸۱ قمری در مکه تشکیل جلسه داد و معضلات کشورهای اسلامی را مورد بررسی قرار داد. این جامعه در سال ۱۳۸۴ قمری با شرکت ۱۳۵ شخصیت و دانشمند از ۳۵ کشور مسلمان با پیشنهاد رئیس جمهوری سومالی، جلسه ای مجدد تشکیل داد و کنفرانسی متشکل از کشورهای اسلامی مطرح و به تصویب رسید و در قطعنامه نهایی خود مسئولیت تعقیب فکر کنفرانس سران اسلامی به عهده رابطه العالم الاسلامی و دبیرخانه آن قرار گرفت. در هنگامه مقدمه چنین تشکیلاتی بین سران کشورهای اسلامی جنگ سرد و منازعاتی تبلیغاتی پدید آمد زیرا جمال عبدالناصر این جامعه را طرح آمریکائی دانست و آنها را چهره ای دیگر از «پیمان بغداد» تلقی نمود از آن سوی عربستان و

دولت‌های موافق آن، چنین تشکیلاتی را ضروری دانسته و جمال عبدالناصر را متهم به حامی کمونیزم نموده و به عنوان ضد اسلام معرفی کردند. وقوع جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷م که در جریان آن اسرائیل غاصب در درگیری با نیروهای ارتش مصر، سوریه، اردن و لبنان، صحرای سینا، کرانه غربی و شرقی رود اردن و بلندیهای جولان سوریه را به تصرف غاصبانه خود درآورد. بدنبال آن آتش سوزی عمدی در مسجدالاقصی توسط اسرائیل متجاوز که در ۲۸ اوت ۱۹۶۹ میلادی مطابق با ۳۰ خرداد ۱۳۴۸ شمسی صورت گرفت و رژیم مذکور آن را به یک مهندس استرالیایی نسبت داد و دادگاه هم آن مهندس مذکور را به دلیل واهی روانی تبرئه نمود. که این حرکت خشم برخی از سران کشورهای اسلامی را برانگیخت و تضاد بین جناحهای انقلابی و محافظه کار تقلیل یافت و زمینه‌های تحقق کنفرانس اسلامی پدید آمد و بالاخره در سپتامبر ۱۹۶۹ میلادی «سازمان کنفرانس اسلامی در رباط پایتخت مراکش تشکیل گردید. در اولین کنفرانس سران ۲۴ کشور حضور داشتند ولی در حال حاضر ۵۱ کشور عضو آن هستند، از گذشته تا کنون، سه جناح بر این تشکیلات حکومت می‌کنند و در تصمیم‌گیری‌های آن بر حسب غالب گردیدن هر کدام، دخالت دارند این ۳ جناح عبارتند از جناح تندرو و رادیکال، جناح میانه رو و جناح بی‌تفاوت و حتی لائیک در داخل هر کدام از این جناحها تضاد و اختلافی به چشم می‌خورد. در اولین اجلاس از ملت فلسطین حمایت گردید و از آتش سوزی در مسجد اقصی ابراز نگرانی به عمل آمد. در اجلاس دوم سران کشورهای اسلامی که در سال ۱۹۷۴م در پاکستان منعقد گردید، اولین شرط حکفرمائی صلح در خاورمیانه، عقب نشینی اسرائیل از قدس شریف، عنوان گردید در سومین اجلاس که در سال ۱۹۸۸م در مکه بنام «اجلاس قدس و فلسطین شریف تشکیل شد از آزادی سرزمین فلسطین حمایت و عضویت مصر در آن به خاطر شرکت درمنفرانس کمپ دیوید به حال تعلیق در آمد. در سال ۱۹۸۰م افغانستان بدلیل نظام مارکسیستی حاکم بر آن، از عضویت در سازمان معلق شد. در اجلاس کویت که در سال ۱۹۸۷م تشکیل جلسه داد مسئله فلسطین و اشغال غاصبانه این سرزمین از سوی اسرائیل متجاوز، مشکل اصلی صلح در خاورمیانه مطرح گردید. اهداف پیش بینی شده در سازمان مذکور به مسائل اقتصادی محدود نمی‌شود و امور فرهنگی، سیاسی و... را در بر می‌گیرد، این اهداف به شرح ذیل هستند: الف - ارتقاء همبستگی اسلامی میان کشورهای عضو، ب - تحکیم همکاری میان اعضاء در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و علمی و سایر زمینه‌های مهم، ج - ترتیب دادن مشورتهایی میان اعضاء در سازمانهای بین المللی، د - تلاش در جهت محو تبعیضات و جدائی‌ها نژادی و از میان بردن استعمار در هر شکل آن، ه - هماهنگ کردن کلیه کوشش‌هایی که به منظور حفظ اماکن مقدسه صورت می‌گیرد، ح - ایجاد محیط مساعد به منظور افزایش همکای و تفاهم میان اعضا و سایر کشورهای جهان.

فعالیت‌های فرهنگی

صندوق همبستگی اسلام - مرکز تحقیقات فرهنگی، هنری و تاریخی اسلامی، بنیاد اسلامی علوم تکنولوژی و توسعه، سازمان هلال احمر اسلامی.

فعالیت‌های اقتصادی

بانک توسعه اسلامی، کمیسیون اسلامی امور اقتصادی و فرهنگی مرکز تحقیقات و آموزش اجتماعی اقتصادی و آماری کشورهای اسلامی - مرکز اسلامی تحقیقات و آموزش فنی و حرفه‌ای، فدراسیون اتاقهای بازرگانی کشورهای اسلامی - مرکز افزایش تجارت.

فعالیت‌های سیاسی

کمیته قدس شریف، صندوق قدس، آژانس خبرگزاری اسلامی بین المللی، سازمان خدمات انتشارات رادیو تلویزیون کشورهای اسلامی، سازمان پایتخت‌های کشورهای اسلامی. ارکان اصلی سازمان کنفرانس اسلامی عبارتند از: کنفرانس سران (عالی‌ترین گردهم‌آبی کنفرانس)، وزرای خارجه - دبیرخانه. کشورهای اسلامی علاوه بر آنکه در سازمان ملل متحد و کلیه نهادها و تشکیلات سیاسی، فرهنگی و علمی آن عضویت دارند در مجامع سیاسی، نظامی و اقتصادی دیگر عضوند از جمله آنها «جنبش عدم تعهد» است که اکثر کشورهای مسلمان عضو آن هستند. اندونزی به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان، از بنیان‌گذاران این جنبش به شمار می‌رود. ریشه بوجود آمدن این تشکیلات بدین صورت بود که در ۱۸ آوریل ۱۹۵۵ میلادی کنفرانس باندونگ با حضور ۲۲ کشور تشکیل شد و درباره بی‌طرفی و توسعه و استعمار بحث‌هایی به عمل آورده و اصول دهگانه‌ای تصویب کردند که عبارتند از: احترام به حقوق بشر، احترام به حاکمیت و تمامی ارضی برای ملت‌ها، تساوی نژادها و ملت‌ها، عدم دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر، حق دفاع مشروع فردی و جمعی، خودداری از پیوستن به اتحادیه‌های دیگر، حق دفاع مشروع فردی و جمعی، خودداری از پیوستن به اتحادیه‌های نظامی که به ابرقدرتها خدمت می‌کنند. امتناع از بکار بردن زور، حل مسالمت‌آمیز اختلاف، تشویق همکاری بین‌الملل، احترام به عدالت و تعهدات بین‌الملل. در ژوئیه ۱۹۵۶ میلادی سران اندونزی و یوگسلاوی در جزیره یوگسلاوی به رهبری مارشال تیتو و با شرکت جمال عبدالناصر و جواهر لعل نهرو و جنبش مذکور را تشکیل داده و در ضمن تائید اصول دهگانه مذکور طی اعلامیه‌ای در موارد زیر توافق به عمل آوردند: منع آزمایشات اتمی، کمک به کشورهای در حال توسعه، وحدت آلمان، حمایت از مبارزات فلسطین و آزادی طلبی‌های فرانسه. و بدین گونه جنبش عدم تعهد پدید آمد از سازمانهای دیگر که کشورهای مسلمان در بوجود آوردن (OPEC) آن دخالت دارند، اوپک یا سازمان کشورهای صادرکننده نفت است که ایران، عربستان، ونزوئلا و کویت جوز مؤسسين آن بوده و کشورهای قطر، لیبی، اندونزی، امارات متحده عربی، الجزایر، نیجریه، اکوادور و گابون بعدا بدان ملحق گردیدند. از این ۱۳ کشور دو کشور اکوادور و ونزوئلا- غیر مسلمان می‌باشند. که اکوادور در اواخر سال ۱۹۹۲م از اوپک خارج شد.

مسلمانان قاره آسیا

مقدمه‌ای درباره سیمای کلی این قاره

قاره آسیا با مساحت ۴۴۰۰۰/۰۰۰ کیلو متر مربع بزرگترین قاره کره زمین است که ۲۵٪ کل خشکی‌های زمین را دربر می‌گیرد. این قاره از ناحیه شمال به اقیانوس منجمد شمالی، از مشرق به اقیانوس آرام و از جنوب به اقیانوس هند محدود می‌شود. بحر احمر در جنوب غربی آن، این خشکی بزرگ را از آفریقا جدا می‌کند تنها راه ارتباطی بین این دو قاره، صحرای سینا بود که با حفر کانال سوئز در آن، راه خشکی این دو قاره قطع شد. تنگه برینگ این قاره را از آمریکای شمالی جدا نموده و کوههای اورال مرز غربی آسیا با قاره اروپاست. در قاره آسیا می‌توان بلندترین قله (اورست) وسیع‌ترین فلاتها، جلگه‌ها، دشت‌ها و طولانی‌ترین و پر آب‌ترین رودها را مشاهده نمود. دریاچه خزر به عنوان بزرگترین دریاچه دنیا و دریاچه بایکال به عنوان عمیق‌ترین دریاچه جهان، در این قاره واقعند. بدلیل شرایط گوناگون، انواع آب و هوا را می‌توان در این سرزمین مشاهده نمود. انواع جنگل‌ها، و نیز صحرای، کویرها و بیابانها، نقاط پوشیده از یخ، سیمای دیگری از قاره آسیا را ترسیم می‌نمایند. از ۵ میلیارد سکنه دنیا، ۶۴٪ در این قاره سکونت دارند که از این لحاظ پرجمعیت‌ترین قاره به شمار می‌رود. جمعیت این قاره غالباً در هوای جنوب و جنوب شرقی آن زندگی می‌کنند. مردم آسیا از دو نژاد زرد و سفید تشکیل شده‌اند و در صد نژاد سیاه در آن کم است. آسیا مهد سه دین بزرگ یعنی اسلام، مسیح و یهود است و خورشید تمدن از این قاره به نقاط دیگر تابیدن گرفته است. وجود ذخائر عظیم و

منابع غنی چون نفت و ذغال سنگ موجب نفوذ استعمار در این قاره از قرن بیستم گردید که این پدیده موجبات غارت این قاره را توسط ابرقدرتها فراهم ساخت و با وجود آنکه ذخائر این قاره موجب گردش چرخ صنایع کشورهای غربی شد، خود در این زمینه توسعه نیافت و بجز چند کشور چون ژاپن و کره اساس اقتصاد کشورهای این قاره بر کشاورزی و دامداری استوار است.

مسلمانان قاره آسیا

مسلمانان قاره آسیا

قاره آسیا مرکز تابش نور توحید و کانون نشر اسلام است. نسیم طراوت بخش وحی دز آغاز بر این سرزمین وزید و فرهنگ و تمدن اسلامی در آن بنیان نهاده شد. بسیاری از آثار درخشنده مسلمین که جلوه‌های معنوی و مقدس دارند در این قاره واقعند. قبله مسلمین، حرمین شریفین، اماکن مذهبی مراقد مطهر معصومین و اهل بیت و غالب جلوه‌های هنر اسلامی در این قاره واقعند. بستر جغرافیائی صحنه‌های تریخی صدر اسلام و مرکز خلافت مسلمین در صدر اسلام در جنوب غربی این خشکی وسیع قرار گرفته است. در سال ۱۹۶۶ میلادی از قاره، ۴۵۰ میلیون نفر مسلمان داشته است که حدود ۷۰٪ مسلمانان جهان را در تاریخ مذکور تشکیل می‌داده است. این میزان در سال ۱۹۷۲ میلادی به ۵۵۰ میلیون نفر بالغ گردید که ۳۶۲ میلیون آن مربوط به کشورهای مستقل اسلامی و ۱۸۸ میلیون به اقلیت‌های مسلمان اختصاص داشته است. در حال حاضر قریب به ۷۵٪ مسلمین جهان که به ۸۰۰ میلیون نفر بالغ می‌گردند در این قاره سکونت دارند که ۶۵٪ در واحدهای سیاسی مستقل و ۳۵٪ در کشورهای غیر مسلمان این قاره زندگی می‌کنند. در وضع فعلی ۱۵ کشور مستقل در این قاره بین ۵۰ تا ۹۹٪ مسلمان دارند. وسیعترین این کشورها عربستان است که ۲۱۴۹۶۹۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و در ناحیه استراتژیک خاور میانه قرار گرفته است مجموع مساحت این کشورها به یازده میلیون کیلومتر مربع بالغ می‌گردد که ۲۵٪ وسعت آسیا را تشکیل می‌دهد. کشورهای واقع در آسیای غربی و جنوبی در قرون اولیه به اسلام گرویدند اما سرزمینهای آسیای جنوب شرقی در قرون پنجم، ششم، هفتم، هشتم و نهم اسلام را پذیرا گشتند. در این بخش، کشورها و نواحی مسلمان نشین این قاره را مورد بررسی قرار می‌دهیم و برای سهولت کار قاره مزبور را به پنج قسمت تقسیم کرده و به مشخصات جغرافیائی نقاط مسلمان نشین می‌پردازیم: الف - آسیای جنوب غربی (خاور میانه)؛ ب - آسیای جنوبی؛ ج - آسیای جنوب شرقی؛ د - آسیای شرقی؛ ه - آسیای مرکزی؛

الف - آسیای جنوب غربی (خاور میانه)

خاور میانه

آسیای جنوب غربی، بخش مرکزی جهان اسلام است و از نقطه نظر تاریخی و مسائل سیاسی و سوق الجیشی اهمیت ویژه‌ای دارد. این ناحیه به لحاظ آب و هوایی از تابستانهای بسیار گرم و خشک و زمستانهای نسبتاً کوتاه، برخوردار است. نواحی شمالی این منطقه را رشته کوههایی فرا گرفته که بخش‌های زیادی از ترکیه، ایران و افغانستان را در بر می‌گیرد. در بخش شرقی این برجستگی‌ها، زمین‌های همواری دیده می‌شود که با رسوبات دجله و فرات پدید آمده و خاک حاصلخیزی دارند. در جنوب رودهای دجله و فراب که به خلیج فارس می‌ریزند، غیر از زمینهای پست بین النهرین، شبه جزیره عربستان قرار دارد که از نظر وسعت، بزرگترین شبه جزیره جهان است و با وجود هم مرز بودن با دریا از سه طرف، سرزمین خشک و صحرايي است. در اطراف دریای خزر، دریای سیاه، دریای مدیترانه، دریای سرخ و خلیج فارس زمین‌های حاصلخیزی قابل مشاهده است. در اینجا ۶ نژاد گوناگون در کنار هم زندگی می‌کنند. با سه زبان اصلی عربی، فارسی و ترکی در قسمتهای مختلف این منطقه تکلم می‌شود

این بخش از آسیا منشأ پیدایش سه دین بزرگ اسلام، مسیح و یهود بوده و فرهنگ در این سرزمین بر اساس معتقدات و معارف اسلامی بنیاد گزارده شده و زبان قرآن که عربی است در آن گسترش زیادی داشته که در فرهنگ‌های دیگر تاثیر قابل ملاحظه‌ای گذاشته است. وجود مکه قبله گاه مسلمین، فلسطین (الهام بخش سه دین بزرگ) به این منطقه اهمیت ویژه‌ای توأم با هاله‌ای از قداست بخشیده است. با وقوع انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ش، آسیای جنوب غربی دچار تحولی عظیم گشت که شرق و غرب را در نگرانی شدید و بهت و حیرت فرو برد. پیروزی این انقلاب شکوهمند الهی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و با ایثار و فداکاری امت مسلمان ایران اهمیت تجاری و سوق الجیشی این ناحیه را تحت الشعاع قرار داده و استکبار را از گسترش این نهضت به وحشت انداخته است. آسیای جنوب غربی و شمال شرقی افریقا را بنام خاور میانه (۱) می‌شناسند. اولین بار در سال ۱۹۰۲ میلادی افسری آمریکایی، طی مقاله‌ای از این اصطلاح استفاده کرد و در سال ۱۹۴۸م سازمان ملل متحد آن را پذیرفت. (۲) تمرکز جمعیت به دلیل شرایط اقلیمی و موقع جغرافیائی در این بخش از آسیا یکسان نیست و اغلب مردم در مناطق ساحلی مرطوب و زمینهای حاصلخیز تمرکز یافته‌اند. سه کشور ترکیه، ایران و افغانستان ۷۵٪ سکنه این منطقه را تشکیل می‌دهند. قریب به ۴۰٪ مردمان اینواحی در کانونهای شهری به سر می‌برند، از عربستان که بگذریم، تجانس جمعیت در کشورهای دیگر اینمنطقه کمتر دیده می‌شود و اغلب کشورها اقلیت‌های متفاوتی دارند. قرار گرفتن این ناحیه در میان سه قاره اروپا، آسیا و افریقا و نیز وجود دریاها، رودها و تنگه‌های استراتژیک و بهره‌مندی آن از ذخائر عظیم نفت، موجب آن شده تا ابرقدرتها و کشورهای بزرگ صنعتی برای دسترسی و سلطه بر آن، با یکدیگر در رقابت‌سختی باشند و کشمکش‌ها و بحرانهای زیادی را در آن پدید آورند. موضع‌گیری دول این منطقه در مقابل دول غربی و تکیه بر ناسیونالیسم، بسیاری از روابط و پیوندهای این منطقه را به تحلیل برده و یگانگی‌های فرهنگی را ضعیف نموده و با وجود آنکه، آئین مشترک و قبله واحدی دارند در حالت نزاع و ستیز با یکدیگر به سر می‌برند، این رفتارها که توأم با تفرقه و تشتت است سبب آن گشته که با توطئه عوامل استکبار بین کشورهای مسلمان سرزمین مذکور تضادهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی پدید آورده به نحوی که با وجود دسترسی به منابع عظیم و سلط بر نواحی سوق الجیشی و مهمتر از آن، بهره‌مندی از اخوت عقیدتی و بنیانهای مذهبی عمیق، نتوانند در مناسبات جهانی به نحو تعیین کننده‌ای ابراز وجود کنند و از حل معضلی چون غصب سرزمین فلسطین توسط گروهی صهیونیست غاصب، عاجز باشند. جبهه‌گیری‌های سیاسی این کشورها در موقعیت‌های گوناگون، نیز آنها را وادار به تشکیل سازمانها و نهادهای سیاسی و یا پیوستن به تشکیلات سیاسی غربی نموده است. این سازمانها در حل مشکلات کشورهای مزبور و نیز رفع مسائل و بحرانهای منطقه از خود توانائی آنچنانی نداشته و شکاف بین دول اسلامی را شدت بخشیده است. تعداد واحدهای سیاسی این بخش از قاره آسیا به ۱۵ واحد بالغ می‌گردد که در مجموع ۷ میلیون کیلومتر مربع وسعت دارند. این کشورها با ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ سکنه ۱۶٪ مسلمین جهان را تشکیل می‌دهند. ذیلا به بررسی اجمالی واحدهای جغرافیایی آن خواهیم پرداخت:

عربستان

قبل از ظهور اسلام و در عصر جاهلیت، مردمانی در شبه جزیره عربستان سکونت داشتند که به طور کلی عرب نامیده می‌شدند و به دو دسته اعراب قحطانی و اعراب عدنانی تقسیم می‌شدند. این دو، از نظر تاریخی، ریشه مشترک دارند ولی عدنانیان در سلسله نسبت خود به حضرت ابراهیم (ع) می‌رسند این طایفه در نجد و حجاز بودند اما عربهای قحطانی به یمن رفتند. این افراد تابع حکم متی نبودند و اساس ملیت آنان قبیله بود و اعضای هر قبیله از شیخ قبیله اطاعت می‌کردند. عصیبت جاهلی و ناسیونالیزم قبیله‌ای افراد را به جان هم می‌انداخت و گاهی بر سر مسائل جزئی، جنگی چون نبرد بسوس ۴۰ سال طور می‌کشید. خونریزی، قساوت، غارت و تجاوز از برنامه‌های این قبایل بود. گرچه صحرانشین و بیابانگردی پیشه عربها بود اما زندگی شهری به شکلی ضعیف در یمن،

عدن، حضرت موت، حجاز، یثرب و طائف دیده می‌شد. به لحاظ عقاید مذهبی، گروه کوچکی بدون آنکه آداب و رسوم خاصی داشته باشند به خدای یکتا و آئین ابراهیم (ع) که دین حنیف نامیده می‌شد، معتقد بودند. یهودیان که ۱۳ قرن قبل از میلاد پس از خرابی اورشلیم به حجاز مهاجرت نموده بودند به رواج آئین خود در عربستان پرداخته و گروهی را پیرو خود ساختند. ایران و روم برای نفوذ به این شبهه جزیره با هم در رقابت بودند و تحت تاثیر تبلیغات رومیان مسیحی، طوائفی ربیعه و غسان، مسیحی شده و برخی هم با تاثیر پذیری از آئین ایران آن روز، به دوگانه پرستی روی آورده بودند. شخصی بنام «عمرو بن لحي هم بت پرست را در این شبهه جزیره بوجود آورده بود. (۳) آشفستگی و بحرانی که بر این ناحیه سایه افکنده بود، مردمان محروم و ستمدیده را در تیرگی خاصی قرار داده بود که طلوع نورو فروغ امیدی را خواستار و در انتظار آن بودند که دستی از غیب برون آید و آنان را از این مرداب و گرداب ننگین نجات دهد که ناگهان با بعثت پیامبر اسلام (ص) شب سیاه ظلمانی و تاریکی جهل و عناد به پایان رید و فجر صادق اسلام، انسانها را امیدوار نمود. ظهور آئین مذکور در این سرزمین، موجب آن شد تا عده‌ای از مشرکان و بت پرستان به هیاو و جنجال و تبلیغات منفی پرداخته و تنگناهایی برای پیامبر اسلام (ص) و یاران با وفایش بوجود آورند و در صدد آن بودند تا این نور الهی را خاموش کنند غافل از آنکه اراده خداوند بر آن تعلق گرفته بود که بشریت با رهبری و ارشاد رسول معظمش به سوی معنویت، عقیده و ایمان باز گردد. و خود را از خطر سقوط و نابودی نجات دهند و به دلیل انطباق این آئین با گرایش‌های فطری و حمایت از ناحیه عقل و منطق، همه جانبه بودن، جهانی و جاودانی آن و بخاطر خلاء اعتقادی - سیاسی که در آن عصر، جهان گرفته بود، با استواری و پایداری پیامبر و یاران فداکارش نه تنها در جزیره العرب که در سرزمین‌های دیگر انتشار یافت و مورد پذیرش جویندگان حقیقت قرار گرفت و جنبش و تحول معنوی که در پرتو وحی بوجود آمد، تمدنی عظیم و با شکوه را بنا نهاد که قرن‌ها بشریت را از فیض وجود آن بهره‌مند بود. کشور عربستان متجاوز از ۷۵٪ شبه جزیره عربستان را دربر گرفته است. در بخش شرقی آن خلیج فارس و در غرب آن دریای سرخ واقع است. صحرای نجد بخش اعظم آن را تشکیل می‌دهد که بخش جنوبی آن را ربع الخالی می‌گویند که با ۵۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع پهناورترین بیابان خشک و خالی جهان است. مناطقی که در امتداد سواحل خلیج فارس واقع می‌باشد به احساء معروف است نواحی کناره دریای سرخ که از بندر عقبه در شمال تا یمن در جنوب ادامه دارد شامل حجاز و عسیر می‌باشد. جمعیت عربستان به ۱۳۶۰۰/۰۰۰ نفر بالغ می‌گردد که نیمی از آنها در شهرها، عده‌ای در روستاها و گروهی به صورت قبیله‌ای در صحارایی زندگی می‌کنند. این کشور در حال حاضر ۴۰۰۰ قبیله دارد. شیوه حکومت این کشور پادشاهی است و با دول غربی و به ویژه امریکا روابط گسترده اقتصادی سیاسی دارد و با کشورهای ژاپن، آلمان، فرانسه، برخی دول مسلمان و کشورهای افریقائی، مناسبات تجاری - سیاسی دارد. از گذشته بدلیل واقع شدن قبله مسلمین در اینکشور همه ساله مسلمانان جهان برای فریضه عبادی - سیاسی حج به این ناحیه می‌آیند تا در ایام ذیحجه و طی مراسمی داده اما در گذشته عربستان در جهان سیاست و اقتصاد جایی نداشت، با افزایش بهای نفت از سال ۱۹۷۰م و کشف ذخائر جدید نفت، عربستان از اعتباری ویژه برای دول صنعتی برخوردار شده که شامل ۲۵٪ ذخائر دنیا و بیش از ۳۵٪ کل اوپک به حساب می‌آید. عربستان بخش عظیمی از درآمد نفت را صرف خرید تجهیزات جنگی می‌کند. در سال ۱۹۸۰م بودجه دفاعی آن ۱۸ میلیارد دلار بوده که از این نظر در جهان اول بوده است. (۴) قریب به ۲ میلیون کارگر و متخصص خارجی از کشورهای گوناگون در این کشور به کار اشتغال دارند و کارهای کلیدی و مدیریت‌ها در دست مهاجرین غربی است. مرکز حکومت عربستان، شهر ریاض و از شهرهای مهم آن مکه و مدینه است. شهر مکه در سمت غربی شبه جزیره عربستان و در جنوب مدینه بین دو رشته کوه محصور گردیده است. با ساختن خانه کعبه در این نقطه توسط حضرت ابراهیم و فرزندش اسماعیل و پیدایش چشمه زمزم شالوده شهر مکه ریخته شد. در شمال شرقی مکه جبل النور قرار گرفته که غار حراء در آن واقع است. همان جایگاه مقدسی که محل راز و نیاز پیامبر اسلام (ص) بود و در آن بر آن سرور وحی نازل شد. کوههای عرفات و منی در شرق مکه هستند

در مکه، اماکن مقدسی وجود دارد که مهمترین و با عظمت ترین آن مسجدالحرام است که خود شامل کعبه معظمه، مقام ابراهیم، حجرالاسود و... است. صفا و مروه که جایگاه بلندی است بر کوه ابوقییس و میان صفا و کوه ابوقییس و مسجدالحرام قرار دارد. مسجد منی و مسجد مزدلفه از آثار مذهبی مکه می باشد. (۵) مدینه در ۵۰۰ کیلومتری شمال مکه و در زمین همواری بین دو کوه قرار گرفته، آب و هوای گرم و خشکی دارد این شهر در عصر جاهلیت یرث نام داشت که با ورود پیامبر اکرم (ص) بدان، مدینه النبی نام گرفت. کوه احد در شمال مدینه قرار دارد. کوههای طی در مشرق و کوه عیر در جنوب آن واقع است. (۶) از آثار مقدس و مذهبی آن مسجد النبی، آرامگاه رسول گرامی اسلام (ص) را می توان برشمرد، مسجد قبا نیز در جنوب غربی مدینه قرار دارد. مسجد ذوقبلتین که از مساجد ساده اما معروف مدینه است در وادی عقیق قرار دارد در آن دو قبله یکی به جهت بیت المقدس و دیگری به سوی کعبه به چشم می خورد. در همین مسجد بود که با پیام وحی به رسول خدا قبله از بیت المقدس به سوی خانه کعبه تغییر نمود. (۷) از زیارتگاههای مدینه، قبرستان بقیع و گورستان احد قابل ذکر است. بقیع در طرف شرقی مدینه واقع است و آرامگاه مطهر حضرت فاطمه زهرا (س) صدیقه کبری دخت گرامی حضرت محمد (ص) مدفن فاطمه بنت است مادر اولین امام شیعیان حضرت علی (ع) و تربت ۴ ستاره درخشان آسمان ولایت و امامت یعنی: امام حسن مجتبی (ع)، امام سجاد (ع)، امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) و مدفن جمعی از اصحاب حضرت محمد (ص) و علی (ع) و عده ای از عرفا، زهاد و علماء در این قبرستان قرار دارد.

فلسطین

کشور فلسطین، سرزمین کم وسعتی است که در ناحیه خاور میانه و در شرق مدیترانه قرار دارد. این سرزمین همچون پلی سه قاره آسیا، افریقا و اروپا را به هم متصل می کند و قلب جهان عرب و حلقه اتصال شرق و غرب می باشد و الهام بخش سه دین بزرگ دنیا است. چنین موقع مهم و خصوصیات ویژه، این کشور را به صورت یکی از مناطق استراتژیک جهان در آورده است اما اشغال آن توسط صهیونیست ها و با حمایت ابرقدرتها و نیز آواره شدن چندین میلیون فلسطینی موجب آن گشته تا قلب های مسلمین جهان محزون و متاثر گردد. ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد اقوام سامی از قلب عربستان به سوی مصر، عراق، سوریه، لبنان، و فلسطین کوچ نمودند که ۲۵ قرن ق. م، یکی از این اقوام که به کنعانیان معروف بودند فلسطین را به عنوان محل سکونت خود برگزیدند. ۲۰ قرن ق. م اولین دولت تحت عنوان کنعانیه در کشور مزبور تاسیس شد. در سال ۱۲۲۵ ق م، قوم بنی اسرائیل به رهبری حضرت موسی (ع) در فلسطین کونت یافتند. حدود هزار سال ق. م، اقوامی بنام «فلسطین» که از جزایر دریای اژه آمده بودند به این ناحیه راه یافته و جای کنعانیان را گرفتند بنی اسرائیل به سرکردگی داوود نبی و بعد از او به رهبری سلیمان پیامبر در حدود ده قرن ق م دولت عبرانی را در این کشور بوجود آورده که رقیب دولت اقوام فیلسطین بود. فلسطین در سال ۷۷۲ ق م به تصرف آشور و به سال ۵۳۹ ق م توسط کوروش اشغال شد. در اواسط نیمه دوم قرن چهارم ق. م اسکندر آن را تصاحب نمود. در سال ۳۹۵ میلادی فلسطین به عنوان مستعمره روم غربی اداره می شد و از اواسط قرن هفتم تا شانزدهم فرمانروایان عرب بر آن استیلا داشتند. در سال ۱۵۱۷ م جزئی از خاک امپراطوری عثمانی بود که به مدت ۴ قرن آن را در اختیار خود داشتند و تا سال ۱۹۱۷ م بر آن حکومت می کردند. (۸) در سال ۱۸۹۷ م اولین کنگره صهیونیزم در شهر بال سوئیس به سرپرستی هرترزل برگزار شد و هدف خود از این گونه مشخص نمود: «هدف صهیونیزم عبارت است از ایجاد یک وطن قومی برای ملت یهود در سرزمین فلسطین. در نوامبر ۱۹۱۷ م، بریتانیا اعلامیه مشهور بالفور را مبنی بر تاسیس وطن قومی برای لت یهود در فلسطین صادر کرد. جنگ جهانی اول پایان نیافته بود که یهودیان وعده تشکیل کشور یهود را از بریتانیا دریافت نمودند و انگلیس با مشارکت شریف حسین حکمران قحط حجاز، دولت عثمانی را از فلسطین بیرون راند و مهاجرت یهودیان به این سرزمین آغاز شد و دولت انگلستان به قیمومیت خود در این کشور پایان

داد. (۹) اعراب در خلال قیامها و انقلابهایی، مخالفت خود را با وعده بالفور اعلام نمودند که این حرکات زمینه ساز انقلاب بزرگ سال ۱۹۳۶م و ۱۹۳۹م بود که برجسته‌ترین رهبرش شیخ عزالدین قسام است. و بالاخره سازمان ملل متحد قطعنامه شماره ۱۸۱ را مبنی بر تقسیم فلسطین به دو کشور یهودی و عربی در تاریخ نوامبر ۱۹۴۷م صادر نمود و در سال ۱۹۴۸م سازمان جهانی صهیونیسم برپائی اسرائیل را اعلام داشت. در سال ۱۹۴۸م سکنه یهودی فلسطین اشغالی به ۳۳٪ کل جمعیت فلسطین رسید که ۶۷/۵٪ اراضی فلسطین را اشغال نموده بودند. گرچه ارتش دول عربی وارد جنگ با متجاوزین اسرائیلی شد ولی پس از رسوائی‌ها و خیانت‌ها به آتش بس‌ها و موافقت‌هایی تن داده و عقب نشینی نمود و رژیم غاصب به سال ۱۸۵۶م به کانال سوئز حمله کرد. در ۲۸ مه ۱۹۶۴م کنگره عمومی فلسطین در شهر قدس با اعلام تاسیس: سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) پیمان ملی فلسطین را تصویب کرد و سپتامبر همین سال ارتش آزادی بخش فلسطین برای مبارزه با غاصبین بوجود آمد. در ژوئن ۱۹۶۷م، اسرائیل به سه کشور مصر، سوریه و اردن حمله نمود و کرانه غربی رود اردن، نوار غزه، صحرای سینا و بلندی‌های جولان را متصرف شد. این حرکت موجب آواره شدن تعداد زیادی از مردمان فلسطین به سو کشورهای عربی و خاورمیانه گردید. و بدین گونه متجاوزین که بعد از سال ۱۹۴۸م ۷۸٪ سرزمین مزبور را تصرف کرده بودند با ضمیمه کردن نواحی متصرف شده، علاوه بر سرزمین فلسطین به نقاط حساس دول معجور هم دست یافتند. (۱۰) یکی از اسف‌بارترین آثار شوم غصب فلسطین، حادثه ناگوار اوراگی بیش از سه میلیون نفر از مسلمانان مظلومی است که هستی خود را از دست داده و در نواحی مختلف خاورمیانه و حتی سراسر جهان پراکنده‌اند. پناهندگانی که در سوریه، مصر، اردن و لبنان سکونت دارند در شرایط دشواری زندگی می‌کنند و نیز به عنوان مثال در جریان یورش اسرائیل به اردوگاه‌های صبرا و شتیلا ۴۰۰۰ نفر که اغلب زن و کودک بودند به شهادت رسیدند گاهی هدایایی زیبا و فریبنده به کودکان فلسطینی هم توسط اسرائیل داده می‌شود اما این هدایا چیزی جز بمب‌های رنگارنگ خوشه‌ای نیستند و به محض آنکه کودکان بر این گوی‌ها دست می‌گذارند، در آغوش آنها منفجر شده و امیدشان را به یاس مبدل می‌سازد و چه بسا کودکانی با این هدایا! دست و پای خود را از دسا داده و یا قطعه قطعه می‌شوند. (۱۱) آن دو میلیون نفری هم که در سرزمین‌های اشغال شده به سر می‌برند که بگین آنان را «سرخ پوستان ما» نامیده بود وضع رقت باری داشته و از هیچ گونه حقوق اجتماعی و سیاسی برخوردار نیستند و هر لحظه مورد تهاجم، شکنجه و ایذا قرار می‌گیرند، خانه و اراضی ایشان نیز مصادره و گاهی محصولاتشان را با مواد شیمیائی نابود می‌کنند. فاجعه کشتار خونین دیر یاسین در آوریل ۱۹۴۸ که بگین جزئیات آن را در کتاب خود توضیح داده و بدان اعتراف نموده، از جمله حوادث ناگواری است که برای ملت محروم فلسطین رخ داده است. (۱۲) فلسطین به لحاظ جغرافیائی در حال حاضر شامل دو منطقه است: منطقه شمالی که بخش بالای آن را ادامه تپه‌های جنوب لبنان می‌پوشاند که زمینهای بلندی بنام «جلیلی (۱۳) را بوجود می‌آورد. قسمت جنوبی که شامل جلگه مرتفع بیابانی است و به بیابان نقب (۱۴) موسوم است که نیمی از سرزمین فلسطین را دربر می‌گیرد. آب و هوای فلسطین در تابستانها گرم و در زمستانها معتدل و بارانی است به غیر از چند رود کوچکی که به دریای مدیترانه می‌ریزد رود مهمی در این سرزمین جریان ندارد. اکثریت جمعیت ۵/۶ میلیونی فلسطینی را مسلمانان تشکیل می‌دهند که اغلب از نژاد سامی بوده و به عربی صحبت می‌کنند. مرکز فلسطین، بیت المقدس است که از نظر اسلام، مسیحیت و یهود مکانی مقدس می‌باشد این شهر که به قدس و اورشلیم هم مشهور است در ۵۵ کیلومتری غرب رود اردن و ۸۰ کیلومتری شرق مدیترانه بر روی ارتفاعات متوسط قرار گرفته از قدیمی‌ترین شهرهای مذهبی جهان به شمار می‌رود. بیت المقدس شامل دو بخش قدیم و جدید می‌باشد، قسمت قدیمی تماما داخل قلعه و حصار محکمی است که آخرین بار در زمان عثمانیان بازسازی شد. در جنوب شرقی بخش قدیم محوطه مستطیلی است که مسجد اقصی، مسجد صخره قبه الصخره در آن قرار گرفته و مجموعاً حرم شریف نام دارد و مساحت آن به ۱۵٪ مساحت بیت المقدس قدیم بالغ می‌گردد. دروازه شرقی این حرم که دروازه طلایی نام دارد (در دیوار شرقی قرار گرفته) حرم را با کو زیتون یا کوه طور ربط می‌دهد. دروازه جنوبی رو به شهرهای بیت اللحم

و الخلیل است ، مسجد الاقصی چون در دامنه کوه ساخته شده شامل دو طبقه‌ای است که شیب آن در طبقه اول تمام شده و طبقه دوم صاف است . سقف طبقه زیرین بر روی ۸۸ ستون مربعی سنگی در ۱۵ ردیف قرار دارد ، طول مسجد ۱۸/۵ متر و عرض آن ۵/۵۴ متر است . (۱۵) پیامبر اسلام - ص - پس از آنکه به قدرت خداوند از مسجد الحرام به مسجد الاقصی سیر داده شدند از این مسجد سفر آسمانی (معراج) خود را آغاز نمودند . در بخش غربی حرم دیوار ندبه واقع شده که مکان مقدس یهودیان است و در پای آن زانو زده و به تفکر فرو می‌روند . (۱۶) سطح سر ستونها و حاشیه محراب آیاتی از قرآن کریم با بهترین خط نسخ عربی و کوفی که گاهی از طلای ناب و برجسته هستند دیده می‌شود . (۱۷) از وضع اقتصادی مردم فلسطین که حدود ۶۰٪ آنان در خارج از وطن خود زندگی می‌کنند به دلیل پراکندگی در سایر کشورها ، آمارهای دقیقی در دست نمی‌باشد با این حال بر خلاف مصائب زیاد و آواردگی و بی خانمانی بین کودکان و نوجوانان فلسطینی عشق وافر به فراگیری دانش‌های مورد نیاز جامعه وجود دارد به لحاظ فرهنگی در سایه تلاش و کوشش خود در زمینه‌های کوناگون علمی ، تخصص‌های عالی داشته و به مدارج عالی علمی و شغلی دست یافته‌اند و متخصصان آنان در بخش صنایع کشورهای عربی به ویژه پالایشگاهها و مراکز پتروشیمی مشغول بکارند و برخی در سطح معاونت وزارت در کشورهای خاورمیانه ارتقاء یافته‌اند .

جمهوری عراق

کشور عراق با ۴۳۸۳۱۷ کیلومتر مربع در منطقه خاورمیانه و غرب ایران ، در ناحیه هلال خصیب (۱۸) واقع است . سرزمین نسبتاً کم ارتفاعی است که ناهمواریهای آن غالباً در شمال و شمال غربی واقعند و جلگه‌ها ، بخش عظیمی از وسعت آن را در بر گرفته است . بیابانها و صحاری تحت عنوان بادیه الشام سرتاسر غرب و جنوب غربی آن را می‌پوشاند . دجله و فرات شریان حیاتی این کشور را تشکیل می‌دهد . این دو رود که از کوههای جنوب شرقی ترکیه سرچشمه می‌گیرند به صورت شمالی - جنوبی وارد عراق شده و پس از پیوستن سه رود زاب بزرگ ، زاب کوچک و دیاله به دجله ، این دو رود در محلی به نام قرنه بهم پیوسته و شط العرب را تشکیل می‌دهند و با پیوستن کارون به شط العرب در مرز مشترک عراق و ایران اروندرود بوجود آمده که به خلیج فارس می‌ریزد . آب و هوای عراق در نقاط شمال ، کوهستانی در نواحی مرکز گرم و مرطوب و در غرب گرم و خشک است . سرزمین فعلی عراق که در گذشته به نام بین النهرین نامیده می‌شد از قدیمی‌ترین مراکز تمدن آسیا بوده است . سامی‌ها در حدود ۳۵ قرن ق . م به آنجا مهاجرت نمودند . سومری‌ها در شمال ، مملکت آشور را بنیان نهادند . در قرن سوم ق . م ، عراق تحتسلطه سلسله ایرانی اشکانی در آمد و پس از آن ساسانیانبدان مسلط شدند ، در سال سیزده هجری قمری مطابق با ۶۳۴ میلادی با شکست ساسانیان از اعراب مسلمان ، عراق نیز جزو قلمرو حکومت اسلامی شد . حضرت علی(ع) در قرن اول هجری مقرر حکومت خود را در کوفه قرار داد . در سال ۶۱ هجری حادثه کربلا یعنی شهادت امام حسین(ع) و یارانش در کربلا توسط یزید بن معاویه به وقوع پیوست که یکی از مهمترین و برجسته ترین حماسه‌های اسلامی در جریان مذکور یعنی قیام سید الشهداء و یاران با وفایش قابل مشاهده است . و تمامی نهضت‌های اسلامی از این قیام شورانگیز الهام می‌گیرند . در زمان عباسیان بغداد محل خلافت عباسیان گردید . در سال ۶۵۶ هجری قمری مطابق با ۱۲۵۸ م مغلوها عراق را تصرف نمودند و تا ۱۴۱۱ میلادی عراق جزو قلمرو آنان بود و در این زمان سلسله آق - قویونلو آن را تصاحب کردند . با برچیده شدن این سلسله توسط دولت صفوی ، عراق بخشی از ایران شد . در سال ۱۵۳۵ میلادی قوای عثمانی با منهزم نمودن قوای ایرانیان ، عراق را به تصرف خود در آورده و تا جنگ جهانی اول که مقارن با شکست دولت عثمانی است ، عراق در اختیار آنان بود . (۱۹) با شروع جنگ اول ، بریتانیا به بهانه جلوگیری از نفوذ آلمان و رهایی عراق از سلطه عثمانی به این کشور حمله ور شد و قلعه فاو را در دهانه شط العرب ، تصرف نمود و سرپرسی کاکاس از سیاستمداران کهنه کار انگلیس حکمران عراق شد . بر طبق مقررات «سان رمو» در ۲۵ آوریل ۱۹۲۰ م عراق و فلسطین تحت قیمومیت انگلیس درآمد . آیه

الله میرزا محمد تقی شیرازی از مخالفین سر سخت قیومیت انگلیس بر عراق بود و برای مقابله با این حرکت، فتوایی مبنی بر عدم پذیرش سلطه بیگانگان را داد. علمای شیعه فتوای جهاد داده و خود در جبهه‌های نبرد حاضر شدند. در ۴ شوال ۱۳۳۳۸ قمری (ژوئن ۱۹۲۰ م) هزاران نفر از شیعیان، در صحن حضرت سید الشهداء(ع) اجتماع کرده و آیت الله شیخ محمد خالصی زاده برای آنان خطابه‌ای شورانگیز ایراد نمود که این حرکت رعبی در انگلیس افکند و سبب آن شد تا فردی به نام ماژربولی کربلا-را محاصره کند. (۲۰) سرویلسون نماینده سیاسی انگلیس در عراق در مورد اشغال عراق می‌گوید: «کلید کل مناطق استراتژیک، در بغداد است و ما با اشغال عراق توانستیم خنجری در جهان اسلام بزنیم و بدین طریق از تجمع مسلمین بر علیه خودمان در خاورمیانه جلوگیری کنیم...!» (۲۱) اما با رهبری روحانیت و آیات عظام، قیام ۱۹۲۰ م عراق به وقوع پیوست که موفقیت‌هایی بدست آورد و حکومت انگلیس مجبور به رسمیت‌شناختن استقلال عراق گردید. از علل اصلی تحریک مردم برای این قیام این بود که آیت الله کاشانی مدام به مرکز قبایل و عشایر رفت و آمد می‌کرد و آنها را در پیوستن به صفوف انقلاب تحریص و تشویق می‌نمود اما کانون این حرکت ضد استعماری از منطقه فرات سفلی یعنی شهرهای مقدسه شروع و در مدت کوتاهی به سمت شمال و جنوب سرایت یافت و تا به آنجا پیش رفت که مرکز نظامی انگلیس را در تهدید جدی قرار داد. عشایر مقیم رمیثه و نیز عشایر سماوه در اینبردها شرکتی فعال داشتند و اولین برخورد مسلحانه خونین بین عراقی‌ها و نظامیان بریتانیا در رمیثه (در منطقه دیوانیه) اتفاق افتاد. (۲۲) در مارس ۱۹۲۰ م انگلیس طبق نقشه‌ای سلطنت عراق را به ملک فیصل واگذار کرد. در اکتبر ۱۹۳۲ میلادی عراق رسماً استقلال خود را بدست آورد. در ژوئیه ۱۹۵۸ با کودتایی عبدالکریم قاسم نظام سلطنتی را بر انداخت و در کشور اعلام جمهوری نمود. به سال ۱۹۶۸ م، با کودتای حزب بعث، رئیس جمهور وقت یعنی عبدالرحمان عارف بر کنار و احمد حسن البکر توسط شورایی به نام شورای انقلاب قدرت را در دست گرفت و اختناق و سرکوب شدید در کشور ایجاد کرد. حزب بعث که توسط میشل عفلق و صلاح الدین بیطار و عده‌ای دیگر به وجود آمده بود برای به انحراف کشیدن مبارزات مسلمانان کشورهای عربی پدید آمد و جوهر اصلی آن تکیه بر ناسیونالیسم است، و حسن البکر در عراق، سیاست‌های این حزب را که ساخته استعمار انگلیس بود تعقیب می‌نمود. در سال ۱۹۷۹ م به دنبال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، حسن البکر تحت فشار معاونش صدام حسین، استعفا داد و صدام به قدرت رسید. در سپتامبر ۱۹۸۰ م مقارن با ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، عراق به دنبال چند بار تجاوز پراکنده و تحریکاتی بر علیه ایران با بمباران نمودن مراکز نظامی و اقتصادی ایران، رسماً جنگی را بر علیه ایران تحمیل نمود که تا سال ۱۹۸۸ م طول کشید. رزم بی‌امام و ایثارگری مجاهدان اسلام در جبهه‌های جنگ که پشتوانه معنوی و الهی داشت و نیز رهبری روشنگرانه حضرت امام خمینی(قدس سره) سبب آن شد که رژیم عراق به درماندگی و استیصال افتاده و اذعان کند که خواهان صلح است. ایران نیز با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل نقشه‌های منافقانه صدام را نقش بر آب نمود و توطئه‌های استکبار را بی‌اثر ساخت. عراق در مرداد ماه سال ۱۳۶۹ ش (۱۹۹۱ م) با زمینه‌سازی آمریکا به کویت حمله برد و این کشور را به تصرف خود در آورد و طی جنگ ۴۳ روزه‌ای که بین عراق و نیروهای چند ملیتی صورت گرفت، از کویت خارج شد اما بسیاری از مراکز اقتصادی این کشور را ویران و تعداد زیادی از غیر نظامیان را در این جریان هلاک نمود. عراق در حال حاضر به شدت در آشفتگی و بحران سیاسی و انزوای بین‌المللی به سر می‌برد و اقتصادش به دلیل انواع تحریم‌ها سخت متزلزل است و اکنون رژیمش با گروه‌های معارض زیر روبروست: «مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق»، «سازمان الدعوه»، «کردها که به صورت دو گروه جداگانه هستند حزب دموکراتیک کردستان به رهبری مسعود بارزانی، اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی که این دو در سال ۱۹۹۱ م به منظور یک کومت‌خودمختار با هم متحد شدند یادآوری می‌شود که عراق از ۵/۱۶ میلیون نفر سکنه خود ۵/۳ میلیون کرد دارد»، «حزب امت جدید به رهبری سعد صالح جبر (که زیاد حامی ندارند)» «حزب کمونیست عراق - که قدرتی ندارد»، «حزب ناسیونالیست‌های مستقل که توسط سرلشکر حسن النقیب رهبری می‌شود و سوریه آن را حمایت می‌کند. (۲۳) ۷۰٪ مردم عراق

شیعه هستند و این کشور از مراکز عمده تشیع به شمار می‌رود. استانهای کربلا، دیوانیه، حله، منتفک، عماره و کوت عراق کاملاً شیعه‌اند. در استانهای دیالی، بغداد و بصره اکثریت با شیعه است در نقاط دیگر نیز شیعیان پراکنده‌اند. (۲۴) کوفه، کربلا، نجف، سامرا و کاظمین از شهرهای مذهبی شیعه بوده و بارگاه مقدس حضرت علی (ع)، حضرت امام حسین (ع)، امام موسی کاظم (ع)، امام محمد تقی (ع) امام هادی (ع)، و امام حسن عسکری (ع) و نیز مرقد پاک تعدادی از یاوران و اصحاب خاص اهل بیت عصمت و طهارت در کشور عراق وجود دارد. مرکز عراق شهر قدیمی بغداد است و تنها بندر آن بصره می‌باشد. گرچه این کشور به طوری سنتی، اقتصادی کشاورزی دارد اما به صنعت نفت وابسته بوده و عضو اوپک می‌باشد، بعد از نفت دومین محصول صادراتی عراق خرماس، و ۷۵٪ خرمای جهان را تولید می‌کند. صنایع عراق عمدتاً بعد از نفت، سیمان است و اصولاً رشد صنایع در مرحله اولیه است و کارخانه‌ها در اطراف بغداد استقرار دارند.

پی‌نوشتها

۲ Middel East - خاور میانه جلد اول کلیات جغرافیائی - دکتر محمد تقی رضویان تهران دانشگاه شهید ۱ - بهشتی ۱۳۵۸ . ۳ - تاریخ عرب، فیلیپ حتی، ابوالقاسم پاینده و نیز تاریخ سیاسی اسلام - دکتر حسن ابراهیم حسن ترجمه پاینده جلد اول صفحات ۱۳ تا ۱۵ . ۴ - اوپک و ... ، دکتر امیر باقر مدنی ص ۷۹ . ۵ - حرمین شریفین - دکتر حسین قره چانلو - تهران امیر کبیر ۱۳۶۲ شمسی . ۶ - تقویم البلدان - ابی الفداء . ۷ - مرآة الحرمین و نیز فلسفه و اسرار حج . ۸ - گیتا شناسی کشورها ص ۲۲۳ . ۹ - مسئله فلسطین - راشد الغنوشی ترجمه سید هادی خسروشاهی - تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی - ۱۳۷۰ . ۱۰ - اسرائیل و فلسطین، علی اکبر هاشمی رفسنجانی و نیز مسئله فلسطین تألیف حسین الهی . ۱۱ - آسمان گریست - تونی کلیفتون - ترجمه کاظم چایچیان تهران امیر کبیر ۱۳۶۴ ص ۶۰ و ۶۱ . ۱۲ - اقلیت‌های مسلمان در جهان (مجموعه مقالات) ترجمه ایرج کرمانی ص ۲۵۰ . ۱۳ - Negeb - Galilee ۱۵ - ۱۴ - تاریخ آلبر ماله . ۱۶ - اورشلیم پایتخت سه مذهب، مقالات لوموند ترجمه سید خلیل خلیلیان ص ۶۵ تا ۶۷ . ۱۷ - بیت المقدس - ترجمه و تألیف مرتضی اسعدی . ۱۸ - هلال خصیب به ناحیه مرتفع و حاصلخیز هلالی شکل بین خلیج فارس و سواحل فلسطین اطلاق می‌گردد . ۱۹ - تنها بین سالهای (۱۶۳۸ - ۱۶۲۵م) عراق در تصرف ایران بود . ۲۰ - نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی ۱۹۲۰م عراق دکتر محمد صادقی . ۲۱ - تاریخ سیاسی عراق ص ۲۵ . ۲۲ - نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق - عبدالله فهد نفیسی ترجمه چایچیان ص ۱۲۱ . ۲۳ - عراق نگاهی از درون اطلاعات، ش ۱۹۷۰۴ . ۲۴ - جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام - رسول جعفریان ص ۵۸ .

سوریه

جمهوری سوریه با ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع، در جنوب غربی آسیا و شرق دیای مدیترانه واقع است. این کشور از شمال به ترکیه، از شرق و جنوب به عراق از جنوب غربی به فلسطین و از غرب به لبنان محدود می‌باشد، اردن نیز همسایه جنوبی این کشور است. بخش غربی آن شامل کوهها و دره‌هایی است که اکثر سکنه سوریه در آن واقع شده و بدلیل مجاورت با دریای مدیترانه، تابستانهای گرم و زمستانهای معتدل دارد. جلگه‌ها در نواحی جنوب و جنوب غربی قرار دارد. بایبناها که بخش عظیمی از سوریه را پوشانیده در نواحی شرقی است و آب و هوای گرم و خشک بر آن حاکم است. رود فرات بخش شرقی این کشور را مشروب می‌کند. سوریه از مناطق بسیار قدیمی و مسکونی آسیا است که در هزاره سوم قبل از میلاد قوم سامی آموری در آن ساکن شده‌اند و حکومتی که تشکیل دادند تا ۱۷ ق. م برپا بود. قسمت‌هایی از سوریه در قرون قبل از میلاد جزو فنیقیه (لبنان) بود. بعد از تجزیه

دولت روم به دو بخش شرقی و غربی، سوریه و جزو قلمرو امپراطوری روم شرقی (بیزانس) گردید. در قرن هفتم میلادی (سال سیزدهم هجری) خالد بن ولید سوریه را فتح نمود و بدین ترتیب این کشور که آن زمان به شام معروف بود جزو بلاد اسلامی گردید. البته تا قبل از قرون جدید شام، شامل سوریه، لبنان فعلی و بخش‌هایی از اردن و فلسطین بود که تا سال ۱۹۲۶م لبنان جزو آن بود. در زمان خلافت عثمانی، حکومت شام به معاویه واگذار شد. دمشق از سال ۴۱ ه. ق مرکز خلافت امویان بود. معاویه برای تثبیت حکومت خود و از سر ستیزی که با حضرت علی (ع) و یارانش داشت، جنگ صفین را بر علیه حضرت علی (ع) ترتیب داد و بسیاری از اصحاب و یاران آن امام را به طرز فجیعی به شهادت رسانید. همچنین معاویه دومین امام شیعیان حضرت امام حسن مجتبی (ع) را مسموم و شهید نمود. سلسله بنی امیه گرچه به رونق شام پرداختند اما برای اهل بیت و عاشقان این خاندان تنگناهای سختی بوجود آورده و با اختناق شدید حرکت‌ها و نهضت‌های شیعی را سرکوب می‌نمودند. پس از معاویه، یزید زمام امور را بدست گرفت و در اولین حرکت خیانتکارانه خود فاجعه کربلا را بوجود آورد که منجر به شهادت حضرت امام حسین (ع) و یاران با وفای او و نیز اسارت اهل بیت آن وجود مظهر گردید. با سقوط بنی امیه و روی کار آمدن عباسیان، شام اعتبار گذشته را از دست داد و سوریه دارای حکومت‌های محلی گردید که مهمترین آن سلسله حمدانیان بود. در سال ۱۰۰۴م (۳۹۴ق) دولت حمدانی سقوط کرد و فاطمیان چندین دهه بر این کشور فرمانروایی نمودند سلاجقه (ترکان سلجوقی) از ۱۰۹۵م تا ۱۱۱۷م بر نواحی مختلف سوریه (شام) حکومت کردند. (۱) طی جنگ‌های صلیبی مدت‌ها اروپائیان بنادر و استحکاماتی در سوریه داشتند. در اواخر قرن سیزدهم ممالیک مصر بر صلیبی‌ها پیروز شده و سوریه جزء قلمرو مصر گردید و حکومت سلسله ممالیک مصر بر آن تا سال ۱۵۱۶ میلادی (۹۲۲ق) باقی ماند. این کشور در سال ۱۵۱۶ میلادی به تصرف عثمانیان درآمد و سوریه به ۳ ایالت دمشق، حلب و بیروت تقسیم و در راس هر ایالت یک پاشای قرک قرار گرفت. سوریه در آوریل ۱۹۲۰ میلادی تحت قیمومیت فرانسه درآمد. فرانسه در ظاهر برای تامین حقوق اقلیت‌ها و در باطن برای ایجاد تفرقه برای گروه‌های مذهبی و نژادی، سوریه را به چهار دولت مستقل دمشق، حلب، منطقه علویان و جبال دروز تقسیم و خود بر این دولت‌ها نظارت می‌کرد، که با جنبش‌های آزادی‌خواهی و مقاومت مردم در سال ۱۹۲۲م انحلال این دولت‌ها اعلام می‌شود. فرانسه در سال ۱۹۲۵م برای فرونشاندن شعله‌های جنبش مردمی به بمباران دمشق پرداخته و در سال ۱۹۲۶م سوریه از لبنان مستقل می‌شود و بر اثر فشارهای مردم و گروه‌های سیاسی در سال ۱۹۴۱م فرانسه به سوریه استقلال ظاهری می‌دهد. انتخابات نسبتاً آرام سال ۱۹۴۳م منجر به تشکیل دولت سعدالله جابری و ریاست جمهوری شگری قوتلی می‌گردد اما فرانسه در سال ۱۹۴۵م قیام مردم را با بمباران دمشق و راه انداختن جوایی از خون سرکوب می‌کند. سرانجام در ۱۷ آوریل ۱۹۴۶م آخرین سرباز فرانسوی خاک سوریه را ترک و بدین سان سوریه استحکام یافت. در سال ۱۹۴۹م با کودتای ارتش، حکومت افراد ملی‌گرا پایان می‌پذیرد و حکومت سرهنگ‌ها آغاز می‌شود و پس از آن نیروهای چپ روی کار می‌آیند. در ۱۵ مه ۱۹۴۸م سوریه همراه با دیگر کشورهای عربی، علیه اسرائیل غاصب وارد جنگ می‌شود که در این جنگ شکست تحقیرآمیزی متوجه اعراب می‌گردد. از سال ۱۹۶۳م تا ۱۹۶۶م حکومت سوریه در دست جناح راست‌گرای حزب بعث قرار می‌گیرد که بعد از آن با کودتایی جناح چپ روی کار آمده و از سال ۱۹۶۷م که سوریه همراه با مصر و اردن وارد جنگ با اسرائیل شد، بلندهای جولان را از دست داد. حافظ‌اسد در سال ۱۹۷۰م با کودتایی قدرت را به دست می‌گیرد و به سال ۱۹۷۱م به عنوان تنها کاندیدای ریاست جمهوری با ۲/۹۹٪ آراء ملت رئیس جمهور سوریه می‌شود. در سال ۱۹۷۳م سوریه در جنگ اعراب با اسرائیل به عنوان یکی از طرف‌های اصلی وارد جنگ شد و خسارات نظامی قابل توجهی به اسرائیل وارد نمود. (۲) سیاست خارجی سوریه در زمان حافظ اسد، مبارزه علنی با امپریالیسم دوری از کشورهای مرتجع عربی و حمایت جدی از انقلاب فلسطین است. در سال ۱۹۷۶م در پی خیانت‌سادات به مردم فلسطین و شرکت در کنفرانس کمپ دیوید برای به رسمیت شناختن اسرائیل، روابط خود را با مصر قطع و همراه با یمن لیبی، الجزایر و سازمان آزادی بخش فلسطین، جبهه پایداری اعراب را بنیان نهاد. سوریه از انقلاب

اسلامی ایران بطور جدی حمایت کرده و با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، روابط عراق و سوریه رو به تیرگی نهاد و روابط دیپلماتیک دو کشور قطع شد و در سال ۱۹۸۱م روابط سوریه با اردن رو به وخامت نهاد. سوریه ۱۰۹۰۰/۰۰۰ مفر سکنه دارد که اکثرا در نواحی غربی و جنوب غربی ساکن هستند. ۹۵٪ مردم از نژاد اعراب و حدود ۳٪ کرد هستند. آرامنه، آشوری‌ها، یهودیان و چرکس‌ها (داغستانی‌ها) گروه‌های دیگر قومی سوریه می‌باشند. زبان اکثر مردم عربی است. ۹۰٪ اهالی سوریه مسلمان هستند که اکثرا اهل تسنن بوده اما علویان، در روزها، اسماعیلیان و شیعیان بقیه مسلمین را تشکیل می‌دهند. اقلیتی مسیحی و گروه ناچیزی یهودی در سوریه وجود دارد. نفوذ شیعه در سوریه مدیون تلاش‌های تبلیغی صحابی رسول خدا(ص) یعنی ابوذر غفاری است که با دسیسه عثمان به شام تبعید گردید و توسط معاویه تحت آزارها، اهانت‌ها و تضيیقات قرار گرفت اما با وجود محنت‌ها و بلایای زیاد از حب و ولایی که به حضرت علی(ع) و اهل بیت داشت دست نکشید و بدین گونه تشیع با وجود اختناق امویان در حالت خفا و تقیه به زندگی خود در شام ادامه داد و امروزه شیعیان در سوریه از موقعیت خوبی برخوردارند و با نظر افکندن بر قبور بنی امیه که به صورت ویرانه‌هایی در آمده انسان متوجه این حقیقت همیشه جاوید می‌شود که چگونه حق پیروز و سرافراز می‌گردد. حتی بر زیر گنبد رفیع مسجد اموی نام اهل بیت عصمت و طهارت زینت بخش گشته است. (۳) حکومت آل حمدان که شیعی بودند در شمال سوریه از سال ۳۳۳ قمری آغاز و تا اوائل قرن پنجم ادامه می‌یابد که با حمایت از علم و دانش موجب شکوفائی فرهنگ اسلامی شدند. دولت بنی مرداس که در قرن پنجم بر قسمت‌های مهمی از شامات حکومت می‌کردند در ترویج تشیع کوشیدند. (۴) شیعیان شام در امور سیاسی بازرگانی و صنعتی دخالت عمده‌ای دارند و پزشکان شیعی در این کشور چشمگیر هستند و در مجالس عزای حسینی که آزادانه در این سرزمین منعقد می‌شود خطبا و وعاظ به افشای جنایات اموی می‌پردازند. علامه سید محسن امین صاحب کتاب گرانقدر «اعیان الیه از افرادی بود که مصیبت حضرت امام حسین(ع) را از روی تالیفات خود در شام می‌خواند در حالی که جماعتی از اهل سنت حضور داشتند. پایتخت سوریه شهر باستانی دمشق است و شهرهای دیگر آن حلب و بندر لاذقیه می‌باشد. در دمشق مسجدی است تحت عنوان مسجد اموی که ولید اول، ششمین خلیفه اموی بر خرابه‌های باقی مانده از بیزانسی‌ها، آن را ساخت که ۱۵۷ متر طول و ۹۷ متر عرض دارد، گنبدها، مناره‌ها، مرمرها، کاشی کاری‌ها، آب طلا کاری‌ها و پرده‌های ابریشمین این مسجد یادآور شکوه هنر اسلامی است. مرقد مطهر حضرت زینت‌ب(س) بانوی گرامی جهان اسلام که راه سرخ برادرش را ادامه داد در ۲۰ کیلومتری دمشق می‌باشد مرقد شریف سر مقدس حضرت یحیی علیه السلام در مسجد اموی است ولی مرقد بدن شریف آن حضرت در مسجد «دلم در یکی از نواحش دمشق است. در قسمت شرقی مسجد، سر مبارک حضرت ابا عبد الله الحسین(ع) مدفون می‌باشد. البته در روایاتی که در کافی و تهذیب و کتب دیگر شیعه از ائمه روایت شده سر مقدس حضرت امام حسین(ع) در نجف اشرف نزد پدر بزرگوارش امیر المؤمنین(ع) است. در باب الصغیر که قبرستان عمومی و قدیمی دمشق می‌باشد مقام رؤوس الشهداء، واقع است که بر روی مرقدی ۱۶ علامت به نشانه ۱۶ سر گذاشته شده که همگی از یاران حضرت امام حسین(ع) بوده‌اند. بلال حبشی، عبد الله بن جعفر بن ابی طالب و فضه خدمتگزار حضرت زهرا(س) در این قبرستان مدفونند بر سر راه دمشق به زینبیه و در شهرک بیلا-مقداد بن اسود کندی دفن است. از مقامات معروف و مشهور و مشاهد مقدس در دمشق مرقد پاک و منور حضرت رقیه(س) دختر خردسال حضرت امام حسین(ع) است که مورد زیارت مسلمانان قرار می‌گیرد. حجر بن عدی که در سال ۵۳ هجری در مرج العذراء به شهادت رسید در دمشق دفن گردیده است. در کوه قاسیون که در بخش شمال شهر دمشق واقع می‌باشد محلی است تحت عنوان جایگاه اصحاب کهف که اکنون ساختمان و مسجدی بر آن ساخته‌اند (۵) مراقد دیگری که مورد توجه مسلمانان می‌باشد و در سوریه واقع است به شرح زیر می‌باشد: مرقد سکینه(س) دختر حضرت امام حسین(ع) - ام کلثوم دختر حضرت علی(ع) ام سلمه همسر حضرت رسول(ص)، ام حبیبه همسر حضرت رسول(ص) - مرقد حضرت عبد الله فرزند امام سجاد(ع). (۶) شهر حلب نیز شهرت مذهبی دارد زیرا محل سکونت حضرت ابراهیم(ع) بوده و یکی از پایگاه‌های شیعه در تاریخ

اسلام است و شامل مسجد جامع کبیر و جامع توتیه می‌باشد. آرامگاه حضرت زکریا، مقبره شیخ شهاب الدین سهروردی و عمادالدین نسیمی شهید شیعه در این شهر است. (۷) (Paulw . Copeland) در کتابی که پیرامون سوریه نوشته بسیاری از حقایق را از روی عمد یا جهل وارونه جلوه داده و بخصوص از نفوذ فرهنگ تشیع در سوریه نامی به میان نیاورده است متأسفانه کتاب مذکور توسط انتشارات علمی و فرهنگی در ایران ترجمه و در سال ۱۳۷۰ منتشر شده است. نگارنده نقدی بر آن نوشته که در مجله آینه پژوهش ش ۱۳۱۴ چاپ شده است. نیمی از سکنه فعال آن در بخش کشاورزی و دامداری فعالیت دارند و سد دریاچه اسد که بر روی رودخانه فرات ایجاد شده آبیاری اراضی را عهده‌دار است. دامداری بین صحرائشینان رواج دارد گندم، جو، مرکبات، انجیر، انگور و زیتون از محصولات کشاورزی آن است. سوریه نفت ندارد ولی دو لوله نفتی از این کشور می‌گذرند که درآمد قابل ملاحظه‌ای برای سوریه دارد. صنعت نساجی سوریه نیز گسترش یافته است.

لبنان

کشور لبنان، به عنوان کوچکترین سرزمین خاورمیانه (پس از بحرین) با ۱۰۴۰۰ کیلومتر مربع در شمال فلسطین اشغالی، جنوب و غرب سوریه و شرق دریای مدیترانه واقع است. لبنان از دو منطقه کوهستانی تشکیل شده که در میان این دو منطقه دره بقاع واقع شده که دو رودخانه لیتانی و اورنتس (۸) در آن جریان دارند. این دره مهمترین منطقه کشاورزی لبنان به حساب می‌آید. لبنان تنها کشور خاورمیانه است که فاقد بیابان می‌باشد. آب و هوای آن مدیترانه‌ای کوهستانی می‌باشد. لبنان سابقه تاریخی زیادی داشته و قدمت آن به دهها قرن قبل می‌رسد. کنعانیان در اواسط هزاره سوم ق. م وارد این کشور شده و حکومتی را تشکیل دادند. یونانیان این قوم مهاجر را فنیقی نامیدند فنیقی‌ها نخستین امپراطوری بازرگانی جهان را بوجود آورده و پایه‌های اولین تمدن را در این سرزمین بر جای نهاده و خط را اختراع نمودند. در ۵/۵ ق. م هخامنشیان لبنان را فتح کردند و در سال ۶۴ ق. م این کشور زیر سلطه روم قرار گرفت و با تسلط روم شرقی (بیزانس) بر آن، مسیحیت رواج پیدا کرده و فرهنگ رومی اوج پیدا کرد (۹). با شکست هراکلیوس فرمانده رومی در عصر خلیفه دوم مسلمین، مسلمانان، این منطقه را به تصرف خویش در آوردند. ابوذر غفاری یکی از بزرگترین صحابه پیغمبر اکرم (ص) که در این سرزمین به حالت تبعید به سر می‌برد در میان مردم جبل عامل که اغلب مسیحی بودند به تبلیغ آئین اسلام پرداخته و بذر اسلام و عشق به دودمان پیامبر را در قلب آنان کاشت و پرورش داد. حکومت دمشق از این حرکت ابوذر عصبانی و او را به بیابان ربه تبعید نمود. از قرن هفتم مسیحیان مارونی به لبنان روی آوردند. و در ارتفاعات شمالی سکنی گزیدند. در اواخر قرن یازدهم، لبنان همراه بسیاری از نقاط این ناحیه جزو قلمرو مسیحیان گردید. با وجود آنکه صلاح الدین ایوبی منطقه را تماماً از وجود صلیبی‌ها پاک نمود، تعدادی از دستجات صلیبی در کوههای لبنان، سوریه و فلسطین باقی مانده که بعداً تشنج‌های زیادی در منطقه بوجود آوردند. با وجود آنکه اکثر نیروهای صلاح الدین ایوبی از شیعیان بودند از دلاوری آنان نگران شده و پس از پیروزی بر مسیحیان، به قتل عام آنان پرداخت. در زمان سلطه عثمانیان، احمدپاشا جزار که از سوی دولت عثمانی فرمانروای شهر عکاء بود، چندین بار به شیعیان حمله کرد تا آنان را شکست داد و جبل عامل را زیر نفوذ خود گرفت. وی پس از پیروزی بر شیعیان فرمان قتل عام آنان را صادر کرد و دستور داد همه کتابهای شیعه را به پایخته برده و بسوزانند، مدت یک هفته حمامها و نانوائی‌های شهر عکاء با کتابهای علمای شیعه می‌سوختند. شهید اول (۱۰) و شهید ثانی (۱۱) از علمای این خطه هستند که توسط حکومت وقت شام، به شهادت رسیدند. در سال ۱۸۴۳ م دربار عثمانی تحت فشار دول بزرگ، لبنان را به دو قائم مقام از میان فتودالهای بزرگ سپرد یکی مسیحی به قائم مقامی مارونی‌ها و دیگری دروزی که این اقدام اوضاع لبنان را آشفته‌تر کرد و درگیریهای خونینی را بین دروزی‌ها و مارونی‌ها پدید آورد. منازعات مذکور و بخصوص قتل عام مسیحیان مارونی توسط دروزی‌ها در سال ۱۸۶۰ م موجب آن شد که ناپلئون سوم امپراطور فرانسه آن را دستاویز قرار داده و به بهانه

کمک به مسیحیان ، مستقیماً در لبنان مداخله نماید . در سال ۱۹۲۳ م جامعه ملل ، سوریه و لبنان را تحت قیمومیت فرانسه قرار داد . سرانجام در سال ۱۹۴۵ م با استقلال این کشور موافقت شد و لبنان عضو سازمان ملل متحد گردید اما دست پروردگار فرانسوی یعنی مارونی‌ها حکومت این کشور را در دست گرفتند و چون قانون اساسی لبنان که در سال ۱۹۲۶ م از قانون اساسی فرانسه اقتباس گردید به مردمان این کشور به صورت مجموعه‌ای از طوایف می‌نگرد ، آزادی و مساوات در لبنان مورد مخاطره قرار گرفت . بر طرق این قانون رئیس مجلس از شیعیان انتخاب می‌شود که ناگزیر است توازن طایفه‌ای حاکم در مجلس و حکومت را رعایت کند ، در واقع این فرد تابع شخص رئیس جمهور است . (۱۲) در پی جنگ ۱۹۴۸ م گروهی از آوارگان فلسطینی به جنوب لبنان آمدند و در همین سال قوای صهیونیستی ۱۴ روستای این کشور را در منطقه جبل عامل تصرف نمودند . در این جنگ ۲۰۰۰ نفر از شیعیان لبنان به شهادت رسیده و ۷۵٪ روستاها و شهرهای آنان در این نبرد هفت روزه ویران می‌گردد . در سال ۱۹۵۸ م که فلاترهای لبنان به قدرت زیادی دست یافته و مسیحیان از ۶۶ کرسی ۵۵ کرسی را به خود اختصاص دادند جنبش‌های مردمی شدت یافت و کامیل شمعون رئیس جمهور وقت که موقعیت خود و فلاترها را در خطر دید طی پیامی از آمریکا خواست تا به مداخله نظامی در لبنان اقدام کند که در ۱۵ ژوئیه ۱۹۵۸ ، ۱۴۳۰۰ تفکندار آمریکائی وارد بیروت شده و به سرکوبی شدید تظاهر کنندگان پرداختند . از زمان استقرار فلسطینی‌ها در لبنان حملات اسرائیل غاصب بر این کشور فزونی گرفت و در تهاجم‌های متوالی آن ، تعداد زیادی کشته و مجروح گشته و نقاط مسکونی و مراکز تجاری و صنعتی قابل توجهی ویران گشته است . در سال ۱۹۷۸ م اسرائیل جنوب لبنان را تا رودخانه لیتانی اشغال نمود که پس از چندی عقب‌نشینی نمود و از آن پس این سوئیس خاورمیانه هگزر روی آرامش را ندید زیرا از یک طرف انبوه هواپیماهای اسرائیلی محموله‌های مرگبار را به طور گسترده بر سر مردم فرو می‌ریخت و توپخانه‌های آنها از راه دریا و خشکی بیروت را هدف گرفته و بمبهای فسفری و خوشه‌ای سینه زنان و کودکان و پیرمردان را بدون هیچ ترحم و انسانیتی آماج خود قرار می‌دهد ، و از سوی دیگر فلاترها عده‌ای را زنده زنده در آتش سوزانیده و با بمب گذاری ، ترور و شکنجه آرامش را از مسلمین و بخصوص شیعیان گرفته‌اند . در سال ۱۹۸۲ م اسرائیل با نیروهای زیاد و سلاحهایی بی شمار جنوب لبنان را مورد حمله شدید قرار داد این تهاجم وضع اسف انگیز و توأم با فاجعه برای آوارگان فلسطینی که در جنوب لبنان مستقر بودند پدید آورد اوضاع برای جنگجویان محاصره شده بسیار سخت و پیچیده گردید . (۱۳) مرکز لبنان شهر بیروت و دیگر شهرهای آن : طرابلس ، جبیل ، صیدا ، صور ، زحله و بعلبک است . منطقه جبل عامل با فلسطین و قدس رابطه دارد و محل نزول وحی بر پیامبران می‌باشد و در هر گوشه از آن مرقد پیامبر دیده می‌شود . شیخ بهاء الدین عاملی از دانشمندان شیعه است که در عصر صفوی به ایران آمد . در قرن یازدهم میلادی عده زیادی از شیعیان به لبنان کوچیده و در آنجا سکنی گزیدند از آن جمله آل عمران در طرابلس و آل عامله در جنوب لبنان و گروهی نیز در بعلبک بیروت و جبیل اقامت یافتند . در لبنان ۵/۳ میلیمون نفر زندگی می‌کنند که ۸۵/۰ در کانونهای شهری هستند رشد جمعیت ۴/۲/۰ و تراکم نسبی آن ۵/۲۸۶ در کیلومتر مربع است . مردم آن اغلب از نژاد تیره سامی بوده و از ۱۶ فرقه مذهبی آن ۶۲/۰ مسلمان هستند شیعیان اکثراً در جبل عامل ، صور شرق بعلبک اطراف بیروت و کوهستانهای شامل سکونت دارند در وزی ها که پیرامون مذهب اسماعیلیه هستند و مکتب آنها در اوایل قرن یازدهم توسط محمد درزی پایه ریزی شده به ۴۰۰۰۰۰ نفر بالغ می‌گردند که در جبل لبنان ، کوههای شوف مناطق راشیا زندگی می‌کنند . اهل تسنن که به نیم میلیون نفر می‌رسند در شمال لبنان بوده و از ناسیونالیسم عربی حمایت می‌کنند . مسیحیان که قدرت نظامی ، سیاسی لبنان را در اختیار دارند شامل طایفه‌های مارونی (۱۴) کاتولیک ، ارتدوکس و ارمنی هستند . گروههای کوچکی چون یهودیان ، سریانی‌ها و نسطوریان نیز در این کشور زندگی می‌کنند . بینان‌گذار شیعه در لبنان ابوذر غفاری است . بدنبال استقلال لبنان ، رهبری شیعیان به عهده سید عبدالحسین شرف الدین بود . این مجاهد بزرگ شیعه که خود نمونه‌ای از تقوا و علم و مجاهدت بود در مدت پنجاه سال اقامت در شهر صور ، مدام در تبلیغ فرهنگ ائمه و اتحاد مسلمین کوشید وی مردم را به نقشه‌های استعمار واقف

ساخت و آنان را به مبارزه با طاغوت دعوت نمود. فرانسوی‌ها برای انتقام از این عالم شیعی، کتابخانه‌اش را در شهر صور به آتش کشیدند و در صدد دستگیری ایشان بودند اما مردم خشمگین جبل عامل که به شهر صور آمده بودند فرانسویان را از این تصمیم خود منصرف نمودند. سید شرف الدین در بستر بیماری وصیت می‌کند که مردم بعد از وی، امام موسی صدر را که در قم تحصیل می‌کند برای رهبری بیاورند و خود در سال ۱۹۵۶ م فوت می‌کند. سرانجام برای تحقق وصیت این عالم و با تاکید حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره)، امام موسی صدر در اواخر سال ۱۹۵۹ م به لبنان می‌رود با تلاش‌های وی در سال ۱۹۶۹ م مجلس اعلای اسلامی شیعیان بوجود آمد که پارلمان لبنان آن را تصویب نمود. این حرکت باعث شد که شیعیان احساس هویت و شخصیت کنند. از سوی دیگر برای متشکل شدن جوانان لبنان با همکاری امام موسی صدر و دکتر مصطفی چمران حرکت المحرومین و جنبش امل بوجود آمد. با پیروزی انقلاب اسلامی، شیعیان لبنان فرصت مناسبی برای ابراز عقیده یافتند. دشمنان که مشاهده کردند ممکن است امام موسی صدر با الهام از این انقلاب و کلام نافذ خود، دنباله رسالت امام خمینی (ره) را در لبنان پیاده کند، رهبر شیعیان را از آنان گرفتند. شهید شیخ راغب حرب درباره تاثیر انقلاب اسلامی بر لبنان می‌گوید: «ما زمانی در حال ترس و اضطراب از حمله و تعرض دشمن به سر می‌بردیم ولی اکنون در پرتو انقلاب اسلامی ایران، این دشمن است که از ما و اسلام بوحشت افتاده است. از اثرات انقلاب اسلامی بر لبنان این بود که ماهیت رهبران محافظه کار را آشکار نمود و حزب الله لبنان به عنوان مظهر انقلاب اسلامی قلمداد شد. حزب الله بدنال تجاوز نیروهای اسرائیلی در سال ۱۹۸۲ م در شرق لبنان بوجود آمد. علامه سید محمد حسین فضل الله رهبر قبل حزب الله می‌گوید: «تولد حزب الله در لبنان بخشی از مبارزه سراسری اسلامی است و سازمانی است که از مفاهیم اسلامی زائیده شده است (۱۵). بر خلاف آنکه لبنان فاقد مواد اولیه می‌باشد و در آشوب و جنگ داخلی می‌سوزد و مدام مورد تجاوز غاصبین صهیونیستی قرار می‌گیرد اما در توسعه اقتصادی از کشورهای مجاور موفق تر بوده است. در این کشور ۲۵۰۰ کارخانه وجود دارد. جنگلهای بادام و زیتون اطراف بیروت و سواحل، چشم اندازهای زیبایی بوجود آورده که بر جاذبه توریستی این کشور افزوده است بنحوی که در سال ۱۹۷۵ م حدود ۲۵۰ میلیون دلار از طریق جهانگردی در آمد داشت که ۲۰ درصد در آمد ملی را تشکیل می‌داد. تا قبل از جنگ داخلی لبنان از قطب‌های تجاری بود بطوریکه روزانه ۱۲۰ کشتی در سواحل بیروت در انتظار تخلیه بارهای خود بودند. لبنان دو پالایشگاه مهم نفت در شمال و جنوب دارد. در نواحی ساحل و دره‌های اطراف آن، انواع میوه از جمله سیب، موز، زیتون و مرکبات با کیفیت بالا بدست می‌آید. در دره بقاع پنبه و غلات تولید می‌شود (۱۶). واحد پول لبنان لیره (پوند) لبنان است.

یمن

یمن در تاریخ ۲۲ مه سال ۱۹۹۰ میلادی مطابق با اول خرداد ۱۳۶۹ ش و ۲۶ شوال ۱۴۱۰ قمری دو کشور یمن شمالی و یمن جنوبی در مورد کشوری واحد تحت عنوان جمهوری یمن توافق نمودند و دبیر کل سازمان ملل هم این اتحاد را پذیرفت، جمهوری مذکور که در نیمه جنوبی شبه جزیره عربستان و در شمال خلیج عدن و گلوگاه استراتژیک باب المندب واقع است، ۵۳۲۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. یمن ۳ چهره طبیعی دارد، نواحی خوش آب و هوا و با صفای کوهستانی، جلگه‌های ساحلی و نواحی بیابانی. یمن بدلیل موقع کوهستانی و بالا بودن میزان بارندگی و سواحل غربی بر خلاف صحاری عربستان، سرسبز و آباد می‌باشد. یمن در تورات به عربستان سفید موسوم است و سوره سبا قران اشاره به یمن دارد در ازمنه گذشته باغستان‌هایی در این سرزمین بود که از شدت سرسبزی بین قریه‌ها فاصله نبود اما بخاطر کفران نعمت سیل عرم به سوی آن جاری شد. تاریخ یمن به پادشاهی منایی که در بین سالهای ۱۲۰۰ تا ۶۵۰ ق. م وجود داشت برمی‌گردد. مدتی سلسله حمیری بر آن مسلط بود که در سال ۵۲۵ میلادی با ورود قوای مسیحیان حبشه پایان یافت و یمن در ابتدا به صورت یکی از ایالات حبشه در آمد. وقتی دولت حبشه از طریق

دریا به یمن حمله آورد، سیف بن ذی یزن پادشاه یمن به دربار انوشیروان پس از مشورت با مشاورین خود، گروهی از زندانیان محکوم به اعدام را همراه وی فرستاد این جماعت که هزار نفر بیشتر نبودند توانستند سی هزار حبشی را از پا در آورند، فرمانده این گروه ایرانی وهرز بود که پس از سیف بن ذی یزن به حکومت رسید و از دولت ایران متابعت نمود. با آشکار شدن دین اسلام و آغاز دعوت پیامبر اسلام (ص) حاکم یمن بادان بود. با ارسال نامه حضرت رسول (ص) برای خسرو پرویز پادشاه ساسانی مبنی بر پذیرش اسلام وی نامه را پاره کرد و برای باذان نوشت که نویسنده نامه را نزد وی اعزام کند. نمایندگان باذان با حکمی که در دست داشتند به حضور پیامبر رسیده و منظور خود را مطرح کردند پیامبر اسلام فرمود فردا بیایید و جواب بگیرید، روز بعد که آمدند حضرت فرمود: «دیشب خسرو پرویز بدست شیرویه کشته شد و خدا به من اطلاع داده که مملکت شما اسلام آورده و سرزمین ایران به تصرف مسلمین درمی آید». وقتی خبر پیامبر اسلام (ص) برای باذان حاکم یمن به حقیقت پیوست، باذان اسلام اختیار کرد و حضرت رسول (ص) وی را بر حکومت یمن ابقا نمود. گروهی از ایرانیان مقیم یمن هم مسلمان شدند (۱۷). قبل از این جریان، حاکم یمن در سال ۵۳۰ م ابرهه بود که در سال ۵۷۰ م مقارن با میلاد حضرت محمد (ص) به قصد تخریب خانه کعبه با لشکری مجهز و تعدادی فیل سوار روانه مکه شد ولی در مکه بر اثر حمله پرنده گانی که به تعبیر قرآن، ابابیل بودند هلاک شده و لشکریانش به قتل رسیدند. مردم یمن از طریق تجارت توانستند اسلام را به اقصی نقاط جهان بفرستند مردمان شمال آفریقا و آسیای جنوب شرقی توسط یمنی ها مسلمان شدند. مسجد جامع کبیر صنعا که در سال ۸ هجری بنا شده به حضرت علی (ع) نسبت داده می شود و می گویند حضرت علی (ع) همراه با لشکریان خود در آن نماز گزارده است. مردم یمن این را جزو افتخارات خود می دانند که بی هیچ مقاومتی در مقابل ارتش اسلام به دعوت حضرت علی (ع) اسلام آوردند. قوای عثمانی از ۱۵۱۷ م تا ۱۹۱۸ م بر یمن حکومت می کردند و در این سال، یمن تحت حکومت امامان زیدی مستقل گشت. در سال ۱۹۴۵ م یمن به سازمان ملل متحد پیوست و در سال ۱۹۵۸ همراه با مصر و سوریه جمهوری متحده عرب را تشکیل داد. با تسلط کامل انگلستان بر یمن جنوبی روابط آن با یمن شمالی تیره شد و این اختلافات منجر به انعقاد قراردادی شد که یمن جنوبی را از خاک اصلی یمن منفک نمود. قبل از وحدت دو یمن، یمن جنوبی عضو جبهه پایداری اعراب و نیز طرفدار شوروی سابق بود ولی یمن شمالی به علت نفوذ عربستان سعودی، به کشورهای غربی وابسته بود (۱۸). سکنه بومی آن به ۱۲ میلیون نفر می رسد که از نژاد سامی اند، در واقع دو قبیله اوس و خزرج مردم یمن را تشکیل می دهند که ۹۸ درصد مسلمان و از مذاهب شافعی و زیدی هستند، زیدیه خنجری را با خود حمل می کنند که جنبه نام دارد. بافت قبیله ای در یمن حفظ شده و صرفاً در جنوب از تحولات سیاسی تاثیر پذیرفته است. در جامعه شمال یمن، زن، هیچ گونه نقشی در فعالیت های اجتماعی سیاسی ندارد (۱۹) و به عنوان موجودی قابل ترحم به زن نگریده می شود. تعصب مرد به زن گاهی درگیری های خونینی را پدید می آورد. ۴۵ درصد مردم شمال یمن و ۵ درصد مردم جنوب، پیرو مذهب زیدی هستند، اغلب مردم به گیاه مخدری بنام قات معتادند، در یمن حدود ۳۷ حزب و گروه اعلام موجودیت کرده اند که بر اساس قانون احزاب مصوبه سال ۱۹۹۱ م در صورتی که فعالیت های آنان مغایر با ارزشهای اسلامی، وحدت ملی و حاکمیت کشور نباشد، آزادند. یمن دو مجلس دارد، یکی شورای مشورتی مرکب از ۴۵ نفر که جنبه تشریفاتی دارد و دیگری مجلس نمایندگان با ۳۰۱ عضو که نیمی از جنوب و نیمی از شمال یمن برگزیده می شوند که برای مدت ۴ سال انتخاب می شوند. طبق قانون اساسی که ۳/۹۸ درصد به آن رای مثبت دادند دین رسمی، اسلام و زبان مردم، عربی می باشد. واحد پول آن ریال است، این کشور ۶۰ نشریه دارد. صنعا تنها شهری است که به عنوان آثار باستانی شناسایی شده اما هنوز مردم در آن اقامت دارند سومین مسجد جهان اسلام، مسجد جامع صنعاست. سد مآرب که ۴۵۰ سال قبل از میلاد در عهد عبد الشمس موسی در این کشور ساخته شده که در ۳ کیلومتری آن سد مآرب جدید ساخته شده است که با هزینه ۵۷ میلیون دلار در سال ۱۹۸۶ م به پایان رسید، این سد ۷۰۰۰ هکتار از اراضی زراعی را آبیاری می کند. عرش بلقیس - کاخی که در آن می زیست - چند ستون سنگی و چند سنگ

نشسته و معبد آفتاب که قبل از پذیرش آئین سلیمان بلقیس در آن عبادت می کرده در یمن قرار دارد و از آثار بسیار قدیمی است. پایتخت کشور جمهوری متحده یمن شهر صنعاست که در مناطق کوهستانی غرب کشور قرار گرفته و از شهرهای مهم آن بندر عدن است که در کنار خلیج عدن قرار گرفته و به علت نزدیکی به باب المندب از اهمیت سوق الجیشی برخوردار است. جزیره پریم (۲۰) در باب المندب و ابتدای دریای سرخ و جزیره سکوترا (۲۱) در مشرق عدن به این کشور تعلق دارد. امروزه در یمن، شمار زیادی از شیعیان اثنی عشری وجود دارند، ولی اکثر اهل یمن زیدی هستند، این مذهب را اولین بار یحیی بن حسین رسی علوی در قرن سوم هجری در یمن انتشار دارد. غیر از آنها بقیه سنی شافعی هستند، اکثر مردم عسیر، شافعی هستند (۲۲). اقتصاد یمن بر پایه فعالیت‌های کشاورزی و شبانی است و از نظر وسایل و ابزار کار و روابط بین مالکان زمین و کشاورزان به شیوه قدیمی اداره می‌شود. علاوه بر نواحی مرتفع کوهستانی منطقه حضرموت از مناطقی است که کشاورزی در آن ادامه دارد. محصولات مختلف کشاورزی یمن عبارتند از قهوه، پنبه، موز، توتون، سبزیجات گندم و قات. پرورش گوسفند، بز، اسب و شتر نیز در یمن رواج دارد. دولت یمن در سالهای اخیر کوشیده است تا به کمک دولت‌های خارجی، تکنیک ماهیگیری را در این کشور توسعه دهد. صادرات یمن را قهوه، پنبه، پوست، ماهی خشک و سنگ نمک تشکیل می‌دهد. واردات آن مواد نفتی، غذایی و ماشین آلات است (۲۳).

پی‌نوشتها

۱- گیتاشناسی کشورها ص ۱۸۴، ۱۸۵ و ۱۸۶. ۲- سوریه- دکتر ناصر صبح خیز - زهرا فرد - تهران ۱۳۶۳ صفحات ۲۸ تا ۴۷. ۳- تاریخ شیعه - علامه محمد حسین مظفر ترجمه و نگارش دکتر سید باقر حجتی صفحات ۲۲۰ تا ۲۲۲. ۴- دائرة المعارف الشیعه جلد دوازدهم صفحات ۳۷ و ۳۸. ۵- مراقد اهل بیت در شام - سید احمد فهری. ۶- راهنمای زوار سوریه - احمد کنعانی. ۷- حلب شهر ستارگان - تالیف عبد الله ناصری طاهری. ۸- ۹- Orontes - مجله پیام انقلاب ش ۱۶۹ - هشتم شهریورماه ۱۳۶۵ - مقاله «لبنان جولانگاه ابرقدرتها». ۱۰- شمس الدین محمد بن مکی که پس از شهادتش به شهید اول معروف شد در سال ۷۳۴ هجری در دهکده جزین جبل عامل لبنان به دنیا آمد. ۱۱- زین الدین فرزند نور الدین که پس از شهادتش به شهید دوم معروف گردید در ۱۳ شوال ۹۱۱ هجری در روستای جبع واقع در نزدیکی جبل عامل لبنان به دنیا آمد. ۱۲- مجله پیام انقلاب ش ۱۷۴. ۱۳- آسمان گریست - تونی کلیفتون ترجمه کاظم چایچیان. ص ۵۴. ۱۴- مارونی‌ها منتسب به مارون قدیس که یک راهب مسیحی رومی بوده، می‌باشند. ۱۵- مجله پیام انقلاب ش ۱۶۹. ۱۶- مجله پیام انقلاب شماره‌های ۱۷۶، ۱۷۹ و ۱۸۳. ۱۷- خدمات متقابل اسلام و ایران - شهید مرتضی مطهری - صفات ۸۲ تا ۸۴. ۱۸- یمن پرونده تاریخی و معاصر - سیروس غفاریان کیهان ۹ مرداد ۱۳۶۹. ۱۹- در انتخابات پارلمانی یمن که در اواخر آوریل ۱۹۹۳ م برگزار شد و طی آن مردم به پای صندوقهای رای رفتند تا ۳۰۱ نماینده خود را برگزینند در میان کاندیداها ۲۰۰ زن دیده می‌شد که نه تنها در یمن بلکه در خاور میانه و کشورهای عربی بی‌سابقه است. ۲۰- Socotra - ۲۱- ۲۲- perim - قلب الیمن سرهنگ محمد حسن. ۲۳- جغرافیای کشورهای مسلمان.

اردن

اردن در منطقه خاورمیانه و کنار خلیج عقبه قرار دارد و مساحت آن به ۹۷۷۴۰ کیلومتر مربع بالغ می‌گردد که ۲۲۷۰ کیلومتر آن در آشغال رژیم غاصب صهیونیستی می‌باشد. این کشور در شرق فلسطین، جنوب سوریه، جنوب غربی عراق و شمال غربی عربستان قرار دارد. اردن شامل فات شیب‌داری در شمال غربی شبه جزیره عربستان و در غرب می‌باشد. کناره این فلات با برش تندی به

شکافهای بزرگ ارضی حاشیه دریای مرده ختم می‌شود. دریای مذکور حدود ۴۰۰ متر پائین‌تر از سطح دریای آزاد بوده و پست‌ترین نقطه کره زمین به شمار می‌رود. رودهای آن اردن و یرموک نام دارد. بیش از ۸۰٪ اردن را بیابان فرا گرفته و بدلیل نزدیکی به مدیترانه، زمستانهای نسبتاً بارانی و سرد و تابستانهای گرم و خشک دارد. میزان بارندگی در شرق ۲۰۰ میلی متر اما در غرب به ۶۰۰ میلی متر می‌رسد. اردن از گذشته، اغلب تحت تسلط ابرقدرتها بوده و خود کمتر دولتی مستقل، داشته است ۴ قرن تحت قوای عثمانی قرار داشته و با شکست عثمانیان در جنگ اول، اردن در سال ۱۹۱۶م به تحت الحمایگی انگلستان درآمد و در سال ۱۹۲۱م، انگلیس حکومت ملک عبدالله هاشمی را به عنوان پادشاه خود مختار اردن به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۴۶م، انگلستان برای حفظ منافع خود و افراد دست نشانده، طی عهدنامه‌ای استقلال آن را اعلام کرد. در سال ۱۹۵۰م گروه زیادی از فلسطینیان با فشار رژیم اشغالگر قدس به صورت پناهنده به اردن آمدند. اردن در سال ۱۹۵۵م به عضویت سازمان ملل درآمد. در سال ۱۹۶۷م و در جنگ اعراب و اسرائیل که اردن هم از طرف‌های درگیر بود، پس از شکست سختی، کرانه غربی رود اردن را از دست داد. ۵۰٪ نیروی کار کشور در بخش کشاورزی هستند و ۲۰٪ درآمد صادراتی اردن از محصولات کشاورزی است. گندم، مرکبات، میوه‌جات، جو، زیتون، انگور و سبزیجات از مهمترین محصولات کشاورزی آن می‌باشد. فسفات، پتاس، مس، سنگ آهن از منابع معدنی آن هست. صنایع سیمان - دخانیات چرم سازی، کبریت‌سازی، مصنوعات دستی، پالایش نفت در این کشور رونق دارند. (۱) و محصولات صنعتی ۱۸٪ تولید ناخالص ملی آن را تشکیل می‌دهد و ۷٪ نیروی کار در بخش صنعت کار می‌کنند. واحد پول اردن، دینار اردن (ا.خ) برابر ۱۰۰۰ فلس می‌باشد.

کویت

امیر نشین مشروطه کویت در غرب خلیج فارس و شمال شرقی شبه جزیره عربستان واقع است. کویت ۱۷۸۱۸ کیلومتر مربع وسعت دارد و جزیره بوبیان واقع در شرق آن، به این کشور تعلق دارد. جزیره فلیکا (۲) (واقع در مشرق کویت) نیز از آن کویت است. کویت در ناحیه شرقی و در سواحل خلیج فارس دارای فرورفتگی عمیقی بنام خلیج کویت می‌باشد. در جنوب شرقی و غرب آن مناطق بیطرفی وجود دارد که کویت، عراق و عربستان هر کدام ادعای مالکیت آن را دارند. کویت از نقطه نظر طبیعی، کشوری است هموار و جلگه‌ای و کوه و رود مهمی در آن مشاهده نمی‌شود. صرفاً چند واحه طبیعی در داخل این سرزمین وجود دارد. آب و هوای آن در نقاط مرکزی گرم و خشک و در سواحل، گرم و مرطوب است. مرکز حکومت آن شهر کویت و شهرهای مهم آن جهره و الاحمدی می‌باشد. کویت مدتهای مدیدی جزو ایران بوده و در سال دوازدهم هجری قمری در این ناحیه نبردی میان نیروهای خالد بن ولید (سردار اسلام) و قوای ساسانی روی داد که موجب کسب ساسانیان شد و کویت به قلمرو حکومت اسلامی ضمیمه گشت. پرتغالی‌ها در قرن شانزدهم تاسیساتی در آن بوجود آوردند. مدتی، عثمانی‌ها بر آن حکومت می‌کردند و به مدت ۶۲ سال در سلطه انگلستان بود و در سال ۱۹۶۱م عراق مدعی مالکیت کویت شد اما انگلستان مانع لشکرکشی عراق به این کشور شد و سرانجام در سال ۱۹۶۳م عراق کویت را به رسمیت شناخت و کویت به عضویت سازمان ملل درآمد. (۳) در سال ۱۹۷۳م در جنگ اعراب و اسرائیل در ناحیه سوئز در جنگ «یوم کپور» کویتی‌ها شرکت کردند و برای مدتی در تحریم نفتی علیه غرب، کویت شرکت داشت. کویت در سال ۱۹۸۱م در جنگ عراق علیه ایران، کمک‌های زیادی به رژیم متجاوز عراق نمود. کویت در یازدهم مرداد ماه ۱۳۶۹ش، مطابق با اوم اوت ۱۹۹۰م مورد تجاوز عراق واقع شد و عراق من تصرف کویت، صدمات فراوان مالی و جانی به این کشور وارد نمود، شورای امنیت سازمان ملل این تجاوز را محکوم کرد و کشورهای متحد (امریکا، انگلستان فرانسه، ایتالیا و...) برای حمایت از کویت به جنگ با عراق برخاسته و در ۲۷ دیماه ۱۳۶۹ پس از ۱۶۷ روز که از اشغال کویت می‌گذشت نیروهای چند ملیتی که در خاک عربستان بسر می‌بردند به سرکردگی آمریکا، حملات موشکی و هواپیمائی خود را به شهرها و

مناطق مسکونی، اقتصادی و تجاری عراق آغاز کردند و موفق شدند در تاریخ چهارشنبه هشتم اسفند ۱۳۶۹ش (مطابق با ۲۷ فوریه ۱۹۹۱م) عراق را مجبور به تخلیه کویت و قبول قطعنامه‌های شورای امنیت کنند. کویت بر حسب امار ۱۹۹۰م، ۲۰۹۵۰۰۰ نفر سکنه داشته که ۹۲٪ در شهرها سکونت داشته‌اند. ۸۵٪ از نژاد عرب و بقیه از نژادهای ایرانی، هند و پاکستانی می‌باشند. ۹۰٪ مسلمان هستند. در کویت با وجود آنکه کشوری اسلامی است با مظاهر اسلامی از جمله حجاب مخالفت می‌شود و چندی پیش ۴ دانشجوی دختر، بدلیل استفاده از حجاب اسلامی از دانشکده پزشکی کویت اخراج شدند. ذخایر نفت کویت ۷۰ میلیارد بشکه است و این کشور عضو اوپک می‌باشد و درآمد آن از نفت ۷۵٪ تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد. (۴) واحد پول کویت، دینار کویت (K.D). برابر ۱۰۰۰ فلس است.

امارات متحده عربی (۵)

این واحد سیاسی منطقه‌ای است خشک که در انتهای جنوب شرقی شبه جزیره عربستان و بر کرانه جنوبی خلیج فارس واقع می‌باشد. امارات متحده عربی از مشرق با عمان و از جنوب با عربستان مرز مشترک دارد. این سرزمین از هفت امیرنشین تشکیل شده که به ترتیب از غرب به شرق عبارتند از: ابوظبی، دوبی، شارجه، عجمان، ام القوین، راس الخیمه و فجیره که این یکی در کنار دریای عمان واقع است. (۶) وسعت آن به ۸۳۶۵۴ کیلومتر مربع بالغ می‌گردد که ۸۶٪ آن به امیرنشین ابوظبی اختصاص دارد. این کشور عارضه مهم طبیعی ندارد و تنها ناهمواری آن کوههای حجر است که از راس مسندام (۷) در شمال تا راس الحد در جنوب امتداد دارد. آب و هوای آن در سواحل دریا گرم و مرطوب و در نقاط مرکزی گرم و خشک می‌باشد. این کشور تا قبل از سال ۱۸۲۰ میلادی تحت سلطه امپراطوری عثمانی بود و در این سال تحت الحمایه انگلستان گردید. در سال ۱۹۷۱م سلطه بریتانیا بر آن پایان یافت و پس از استقلال به عضویت سازمان ملل درآمد. امارات متحده عربی در سیاست خارجی خود پیوند با کشورهای عربی ارتباط با جهان سوم و غرب را پیشه خود ساخته است. عالی‌ترین قدرت آن شورای عالی است که از اجتماع حکام هفت امارت، تشکیل شده که دارای رئیس و نایب رئیس است که توسط اعضای شورای عالی و از میان آنان برای مدت ۵ سال انتخاب می‌شود. ۲۱۶۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۸۸٪ در شهرها هستند رشد سالانه جمعیت ۵/۶٪ و تراکم نسبی ۸/۲۵ نفر در کیلومتر مربع است، ۷۵٪ جمعیت را مهاجرانی تشکیل می‌دهند که از کشورهای ایران، پاکستان و هند برای یافتن کار به این ناحیه آمده‌اند. ۷۲٪ مردم از نژاد سامی (عرب)، ۲۶٪ هندی و پاکستانی می‌باشند ۹۷٪ مسلمان و غالباً سنی مذهب‌اند، اقلیت‌ها مسیحی و هندو مذهب هستند. زبان رسمی عربی ولی زبان انگلیسی هندو و اردو متداول است. خط مورد استفاده عربی است. کشور امارات قبل از پیدایش نفت در گرسنگی و تنگ‌دستی به سر می‌برد تا اینکه در ابوظبی و دوبی نفت کشف شد، درآمدهای کلان ناشی از نفت، این کشور را قادر ساخته تا علاوه بر سرمایه گذاری عمرانی و خرید تجهیزات زیاد جنگی میلیاردها دلار از مازاد ارزی خود را در خارج سرمایه گذاری کند. با این همه یک کشور عقب مانده محسوب می‌شود. این کشور در سال ۱۹۷۵م به اوپک پیوست، خرما و انواع سبزی، محصولات مهم آن است. مقداری ماهی و مروارید هم در این سرزمین بدست می‌آید.

عمان

کشور عمان در جنوب دریای عمان و شرق عربستان قرار دارد. بخشی از خاک این کشور به صورت شبه جزیره‌ای در جنوب تنگه هرمز واقع شده که به شبه جزیره مسندام (۸) معروف است. وسعت این کشور ۲۱۲۴۵۷ کیلومتر مربع می‌باشد. رشته کوههای آن بنامهای جبل اخضر و حجر در شمال این کشور قرار دارد. بقیه اراضی شنزار و صاف است در سواحل شمالی و جنوبی بدلیل

مجاورت با دریای عمان و عبور مدار راس السرطان از نزدیکی آن، آب و هوا گرم و مرطوب ولی در نواحی داخلی خشک و کم باران است. ۱۴۵۰۰۰۰ نفر سکنه دارد و بصورت جوامع عشایری بوده و قومیت گوناگونی دارند اما ۸۸٪ از نژاد سامی عرب هستند. ۹۹٪ سکنه عمان مسلمان هستند که به دو گروه سنی و اباضیه تقسیم می‌شوند. اقلیتی از مسلمین، شیعه هستند که در مسقط و شهرهای استان ساحلی باطنه سکونت دارند و منشا نژادی آنها هندی، پاکستانی، ایرانی و بحرینی می‌باشد. ابن عقیل عمانی از قدیمی‌ترین فقهای شیعه منسوب به کشور عمان می‌باشد. (۹) گرچه زبان رسمی، عربی است ولی مردم عمان به زبانهای هندی، پاکستانی و بلوچی هم صحبت می‌کنند. عمان از ۳۷ ناحیه، یک استان و ناحیه پایتخت تشکیل شده که زیر نظر فرمانداری اداره می‌شود. در حدود ده قرن ق. م گروهی از قبایل ساکن جنوب عربستان به عمان مهاجرت نمودند. تعدادی از خوارج پس از آنکه در مقابل سپاهیان اسلام شکست خوردند (زمان حضرت علی (ع)) به عمان آمده و فرقه اباضیه را تشکیل دادند. مدتی، ایران بر عمان تسلط داشت و از اوایل قرن شانزدهم تا سال ۱۶۵۰م پرتغالی‌ها بر این سرزمین حاکم شدند. در سال ۱۹۰۴م تحت الحمایه انگلستان بود و سرانجام در سال ۱۹۷۰م (مطابق با ۱۳۴۹ش) به ظاهر مستقل شد و در سال ۱۹۷۱م به عضویت سازمان ملل درآمد. جنبش آزادی بخش ظفار از سال ۱۹۶۵م مبارزه مسلحانه را بر علیه رژیم عمان آغاز کرد. ظفار که مرکز این انقلاب بود در ناحیه جنوبی عمان واقع است. دولت عمان با کمک رژیم شاه ایران به سرکوبی این جنبش پرداخته و پس از سرنگونی شاه، رژیم مصر در مبارزه بر علیه این گروههای معارض، وظایف رژیم شاه را به عهده گرفته است. (۱۰) گرچه عمان تا قرن نوزدهم میلادی از نقاط آباد خلیج فارس بود اما به دلایلی رفته رفته آبادانی خود را از دست داد و در حال حاضر از نقاط توسعه نیافته جهان است. اقتصاد آن در وضع فعلی به نفت متکی است. نواحی ظفار، جبل الاخضر و حاشیه ساحلی باطنه برای کشاورزی مناسب است ولی بقیه خاک کشور بیابانی و غیر قابل کشت است. خرمای منطقه باطنه شهرت دارد. در عمان شتر، گاو و گوسفند و بز هم پرورش داده می‌شود. سواحل آن محل صید ماهی است که شرکتهای (R). خارجی از آن بهره می‌گیرند. عمان صنعت قابل توجهی ندارد. واحد پول آن ریال عمان و برابر هزار بیضاست. (O)

بحرین (۱۱)

امیر نشین مستقل بحرین، مجمع الجزایری است که ۶۹۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و از این لحاظ کوچکترین کشور خاورمیانه و آسیای جنوب غربی می‌باشد و پس از مالدیو، کم وسعت‌ترین کشور اسلامی است. این کشور در میانه ساحل جنوبی خلیج فارس و در ۳۰ کیلومتری ساحل شرقی عربستان قرار دارد. بحرین از ۳۳ جزیره سنگی، آهکی تشکیل شده و به جز حاشیه باریکی که در طول ساحل شرقی آن قرار دارد، تمامی آن بیابانی و اقلیم صحرايي دارد. ارتفاع معروف آن جبل دخان است که ۱۵۰ متر ارتفاع دارد. بحرین چشمه‌ها و چاههای آرتزین متعدد با آبهای شیرین دارد. آب و هوای آن در نواحی داخلی گرم و خشک و کم باران و در نواحی ساحلی گرم و مرطوب است. پیش از اسلام و حتی تا زمان این آئین، تمامی سرزمینهای جنوبی خلیج فارس از بصره تا عمان به بحرین معروف بود. این سرزمین از زمان اشکانیان تا صدر اسلام تحت سلطه امپراطوری ایران بود. و سپاهیان اسلام در زمان پیامبر اسلام (ص) آن را تحت تصرف دولت اسلامی در آوردند. زمانی مرکز قدرت خوارج بود در سال ۶۵۱ قمری مستقل شد اما در سال ۹۲۰ ق (۱۵۱۴ م) پرتغالی‌ها بدان راه یافتند. ولی در عصر صفوی شاه عباس اول، بحرین را به ایران ملحق نمود و تا سال ۱۷۸۳ م تحت حکومت ایرانیان اداره می‌شد. در سال ۱۹۱۴ م (۱۳۳۲ ق) بحرین تحت الحمایه انگلستان گردید. ایران به این تجاوز و سلطه‌گری اعتراض داشت تا اینکه با مراجعه به آراء عمومی در سال ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰ ش) و تحت نظارت سازمان ملل، بحرین به استقلال دست یافت. بحرین ۵۲۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۸۴٪ آن به صورت کاذب و بی رویه زندگی شهری دارند. رشد سالانه جمعیت ۴٪ و تراکم نسبی آن ۷۵۳ نفر در کیلومتر مربع است قریب ۴۰٪ مردم بحرین از اتباع هند، پاکستان، مصر، کره،

عمان ، آمریکا و انگلستان هستند . ۲۰٪ مهاجرین به بحرین ، ایرانی‌اند . ۷۵٪ مردم بحرین از نژاد سامی‌اند . دین اسلام در سال هشتم هجری توسط «العله بن الحضرمی صحابی رسول اکرم(ص)» به بحرین راه یافت و ۹۸٪ مردم این کشور در حال حاضر مسلمانند که ۷۰٪ آنان شیعیان هستند از قرن چهارم که قرامطه به بحرین راه یافتند گرایش به شیعه در این کشور رواج یافت از قرن دهم علمای معروف شیعی از بحرین برخاستند . خاندان دانشمند آل عصفور از این کشورند . عده‌ای از شیعیان بحرین در روستاها سکونت دارند و به دلایلی در امور سیاسی و اداری نفوذی ندارند . ۸۰٪ منبع اقتصادی بحرین نفت است و با وجود آنکه جزو ۳۷ کشور پر درآمد جهان می‌باشد فقیرترین کشور از ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس به شمار می‌رود . فراورده‌های زراعی آن خرما یونجه و سبزیجات است و صید ماهی و میگو و مروارید هم در آن رواج دارد . واحد پول آن دینار بحرین (B . D) است .

قطر

شبه جزیره قطر در ساحل جنوب خلیج فارس قرار گرفته و از جنوب با عربستان و ابوظبی هم مرز است نزدیکترین همسایه دریائی قطر ، بحرین است . قطر ۱۱۴۳۷ کیلومتر مربع وسعت دارد . سرزمین همواری است که تنها نقطه ارتفاعی آن با ۱۰۵۰ متر از سطح دریا ، جبل الخلیل نام دارد . آب و هوای آن گرم و مرطوب و ریزش باران آن اندک و منحصر به فصل زمستان است . از بادهای آن می‌توان باد مرطوب شمال و باد گرمی را نام برد که از جنوب به سوی آن وزیده و ریگ‌های عربستان را با خود می‌آورد . قطر مدت‌ها تحت تصرف ایران بود در اواسط نیمه دوم قرن نوزدهم به اشغال دولت عثمانی درآمد . در سال ۱۹۱۶ م پیمانی بین قطر و بریتانیا منعقد شد که به موجب مفاد آن این کشور تحت الحمایه انگلستان گردید . گرچه قانون اساسی قطر در سال ۱۹۷۰ م به تصویب رسید ولی در اول سپتامبر ۱۹۷۰ (۱۳۵۰) مستقل شد . در قرن هیجدهم میلادی گروهی از قبیله بنی عتوب که در ناحیه احساء عربستان ساکن بودند به سوی قطر آمدند که خاندان آل ثانی که اکنون حکومت قطر را در دست دارند از احفاد این قبیله‌اند . قطر با کشورهای عربی و غربی روابط خوبی دارد و با مصر ، سوریه ، اردن ، سودان و عربستان روابط خود را گسترش داده است . در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ، قطر به عراق کمک‌های زیادی نمود . قطر ۴۷۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۹۰٪ آنان در کانونهای شهری هستند . بدلیل مهاجرت‌های زیاد ، رشد جمعیت ۸٪ است . تراکم نسبی ۱/۴۱ نفر در کیلومتر مربع می‌باشد . ۸۵٪ سکنه قطر در دوحه یعنی پایتخت و بقیه غالباً در کانونهای نفت‌خیز ساکنند . بزرگترین اقلیت آن ، ایرانیان هستند که به ۴۵۰۰۰ نفر بالغ می‌گردند . ۵۶٪ مردم قطر از نژاد عرب و بقیه پاکستانی ، ایرانی و هندی هستند زبان و خط رسمی عربی است ولی زبان اردو و فارسی رواج دارد . ۹۸٪ مردم قطر مسلمان می‌باشند . نفت در قطر در سال ۱۹۳۰ م کشف شد ولی صدور آن بدلیل وقوع جنگ جهانی تا ۱۹۴۹ به تعویق افتاد . ذخیره نفت قطر ۴ میلیارد بشکه و تولید روزانه آن نیم میلیون بشکه می‌باشد . درآمد حاصله از نفت و گاز بیش از ۹۰٪ تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد . اخیراً ذخائر جدید نفت در سواحل قطر شناسایی شده است . (۱۲) قطر ضمن تاسیس صنایع کوچک مثل صنایع غذایی ساختمانی ، چرم سازی مبلمان و پلاستیک سازی به احداث صنایع پتروشیمی و فولاد اقدام نموده است . بخشی از درآمد قطر صرف رفاه اجتماعی مسکن ، تصفیه و تامین آب و برق می‌شود مقداری هم در ممالک غربی سرمایه گذاری کرده است . صادرات دوباره کالاهای وارداتی از منابع درآمد قطر می‌باشد کشاورزی آن رونقی ندارد و صید میگو و مروارید در قطر انجام می‌شود واحد پول آن ریال قطر و برابر ۱۰۰ درهم است .

ترکیه

با انشقاق در امپراطوری روم تقسیم آن به دو بخش روم غربی و روم شرقی ، مرکز روم شرقی (بیزانس) قسطنطنیه گردید و ترکیه

مرکز این امپراطوری بود اما در سال ۱۴۵۳م که پایان قرون وسطی و آغاز تمدن جدید است حادثه‌ای اتفاق افتاد که مسیر تاریخ را عوض نمود و آن یورش سلطان محمد دوم معروف به فاتح است به مرکز امپراطوری روم شرقی (۱۳) یعنی قسطنطنیه، امپراطوری عثمانی با این فتح عظیم گسترش یافته و تا غرب اروپا می‌رود و مسیحیت را بشدت مورد تهدید قرار می‌دهد. تمدن یونان و روم جای خود را به تمدن اسلامی می‌دهد. ارتش پر از حماسه عثمانی که مدیترانه قلمرو قدرتش بود و سراسر اروپای شرقی را به زیر مهمیز خویش کشیده ضربات کاری بر قلب امپراطوری مسیحیت می‌زند و اتریش و ایتالیا را در تنگنای محاصره و خفقان می‌آورد، و ترکیه را به صورت مرکز تجلی قدرت اسلام قرار می‌دهد. مناره‌ها و مساجد پرشکوهی که مسلمانان در اروپای شرقی و مرکزی ساخته‌اند از عظمت، قدرت و دامنه نفوذ سیاسی و فرهنگی آنان حکایت می‌کند. این امپراطوری جهانی و حاکم مطلق مدیترانه که بر برج استوار قسطنطنیه نشسته بود بزرگترین قدرت نظامی اروپا و بخش بزرگی از آسیا بوده که از عدب و یونانی و افریقای شمالی و سراسر شرق اروپا و شبه جزیره بالکان تحت قلمروش بوده و حتی یونان یکی از شهرستانهای آن به حساب می‌آمده است. اما بدلیل تفرقه و نفاقی که بر این قدرت رسوخ می‌کند و توطئه‌های دول استعماری، دولت عثمانی در جنگهای سال ۱۹۱۲م و ۱۹۱۳م از متفقین شکست خورده و تمام نواحی اروپائی را از دست می‌دهد. سرزمین‌های عربی را انگلیسی‌ها از او گرفته و تمامی تحت قلمروش را از پیکرش جدا نموده و آن امپراطوری عظیم عثمانی به یک کشور شکست‌خورده تجزیه شده، کوچک تبدیل می‌شود و از آن همه کشورهای غربی و آسیائی و افریقائی برایش استانبول و آنکارا می‌ماند و مرکز قدرت جهانی اسلام به صورت آپاندیس مریض استعمار غربی درآمده و آن همه عظمت و شکوه تاریخی و مفاخر اسلامی را انکار نموده و با نظام لائیک و گرایش به قومیت ترک، نسخه استعماری را اجرا می‌کند و ریزه خوار سرمایه‌داری غرب و نگهبان مزدور منافع استکبار در شرق می‌شود و ملتی که با روح اسلام زنده بود و غنا و قوت و عزت خود را از این فرهنگ به شبه‌فرنگی‌های فراموش‌کننده خویشتن. برای اجرای این برنامه مصطفی کمال آتاتورک روی کار آمده و با یک کودتا سلطان را عزل و خود را به عنوان رئیس‌جمهور ترکیه معرفی می‌کند. ترکیه به صورتی که انون می‌شناسیم کشوری است به شکل مستطیل که طور آن از غرب تا شرق ۱۵۶۵ کیلومتر و از جنوب تا شمال عرض آن ۶۵۰ کیلومتر می‌باشد. این کشور بر سر راه آسیا و اروپا واقع شده و چون پلی اروپا را به ناحیه مهم خاورمیانه ارتباط می‌دهد. این کشور به عنوان همسایه شمال غربی ایران و دو بخش تشکیل شده یکی ترکیه آسیا که شامل فلات آسیای صغیر است و دیگر ترکیه اروپا که ۳٪ خاک این کشور را شامل می‌شود. بخش اروپائی در شبه جزیره بالکان قرار دارد و توسط تنگه‌های بسفر و داردانل و دریای مرمره از بخش آسیائی جدا می‌شود. دسترسی به دریای سیاه و همچنین دریای مدیترانه بر موقع استراتژیکی آن می‌افزاید. ترکیه آسیا به صورت فلات مرتفعی است که از مشرق به سوی مغرب از ارتفاع آن کاسته می‌شود. در مرکز این فلات کوههایی چون آلپهای پونتیک و آق داغ در شمال و توروس در جنوب است که بخش زیادی از کشور را می‌پوشاند. بلندترین قله آن در ناحیه ارمنستان قریب ۵۱۵۶ متر ارتفاع دارد جزایر مرمره در دریای مرمره و ایمبرس (۱۴) در دریای اژه به ترکیه تعلق دارد. نواحی شمال غربی آن آب و هوای معتدل، نواحی جنوب آب و هوای مدیترانه و نواحی شرقی و مرکزی آب و هوای کوهستانی دارد. رودهای قزل ایرماق، یشیل ایرماق، جیحان و سحان از منابع آبی مهم این کشورند. در سال ۱۹۲۳م در حالی که هنوز سیستم خلافت عثمانی لغو نشده بود مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) در این کشور جمهوری اعلام نمود و در سال ۱۹۲۴م سیستم خلافت را لغو و عبدالحمید دوم پادشاه عثمانی را از کشور تبعید نمود. مصطفی کمال آتاتورک در اوایل قرن بیستم در نهضت ترک‌های جوان شرکت داشت که بعد از آن حزب اتحاد ترقی (۱۹۳۸ - ۱۸۸۱) را بوجود آوردند و با بهره‌گیری از اندیشه فردی بنام ضیاء گوکالپ (۱۵) طرفدار تمدن غرب گشتند. ترکیه را تا سال ۱۹۸۹ رژیم جمهوری اداره نمود. جمهوری اول از ۱۹۲۳ تا ۱۹۹۶ که با کودتای ژنرال جمال گورسل پایان می‌یابد جمهوری دوم از ۱۹۶۰ م تا ۱۹۸۹ تا کنون. ترکیه در سال ۱۹۵۲ بخاطر وحشتی که از شوروی داشت به ناتو پیوست و همراه یونان جناح جنوب شرقی آن را بوجود

آورد. ترکیه بر حسب آمار سال ۱۹۹۰م ۵۲۲۴۰۰۰۰ نفر سکنه داشته است که ۶۰٪ آن در شهرها زندگی می‌کرده‌اند. رشد جمعیت در طول سال ۵/۲٪ و تراکم نسبی آن با احتساب ۷۷۹۴۵۲ کیلومتر مربع مساحت ۳/۷۲ نفر در کیلومتر مربع است. ۹۰٪ مردم ترکیه از تیره‌های گوناگون ترک هستند و همانگونه که اشاره شد بزرگترین اقلیت نژادی آن کردها هستند. زبان رسمی، ترکی آلتایی است ولی زبانهای کردی و لاتین هم رواج دارد. با وجود آنکه ۹۸٪ مردم مسلمان هستند در قانون اساسی ترکیه از اسلام به عنوان دین رسمی ذکر می‌شود. شیعیان در میان نیامده است. شیعیان ترکیه گرایش به تصوف دارند. علویان و فرقه علی‌اللهی‌ها در میان اکراد زندگی می‌کنند. شیعیان در شهرایقدر از توابع استان قارص، شهر تاشلی‌چای از توابع ایتان آغری و تعدادی هم در استانبول، آنکارا، از میر و بورسا سکونت اختیار نموده‌اند، شیعیان هفته‌نامه‌ای به نام «علمدار» و ماهنامه‌ای تحت عنوان «عاشورا» دارند، فرقه غالی نصیری در مرز ترکیه با سوریه زندگی می‌نمایند. ترکیه از ۶۷ استان تشکیل شده و مرکز حکومت آن آنکارا می‌باشد. بزرگترین بخش اقتصادی آن کشاورزی است و غلات، پنبه، حبوبات، میوه و دانه‌های روغنی مهمترین فرآورده‌های زراعی آن هستند. پرورش بز، گاو و گوسفند و نیز صید ماهی در این کشور متداول است. صنایع ذوب آهن، ماشین‌سازی، شیمیایی، سیمان، بافندگی، غذایی و دستی در آن رواج دارد. واحد پول آن لیره ترکیه است که برابر ۱۰۰ قروش می‌باشد.

افغانستان

جمهوری افغانستان با ۶۵۲۲۲۵ کیلومتر مربع در شرق ایران و شمال پاکستان قرار دارد. افغانستان بخشی از فلات ایران بوده و حدود ۷۵٪ آن را نقاط کوهستانی تشکیل می‌دهد. کوه‌های هندوکش با طول ۶۰۰ کیلومتر در نواحی شمال و شرق آن کشیده شده است. جیحون (آمو دریا) هیرمند، کابل رود و هریرود از منابع آبی مهم این کشورند. افغانستان به دریا راه نداشته و محصور در خشکی است. آب و هوای آن گرم و خشک و متغیر می‌باشد. (۱۶) این سرزمین تا قبل از هجدهم میلادی کشور واحدی نبود و در هزاره‌های دوم و اول ق. م مسیح تحت سکونت و اشغال اقوام آریائی در آمد. نخستین باری که ذکر از افغان آمده، عنوان «آوه گانه» است که در گزارشهای مربوط به فتوحات مسلمین در سرزمین هندوکش می‌باشد معادل فاری این لفظ سوارکار است و هر دو گروه پشتونها و تاجیکها را دربر می‌گیرد. اما کهنترین ذکر از هندوکش (سرزمین فعلی افغانستان) در زند اوستا بنام «باکتری» یعنی بلخ آمده است. در ۳۲۹ ق. م اسکندر این سرزمین را متصرف گردید و کوشانی‌ها که مدتها بر این ناحیه حکمرانی داشتند در ۲۲۰ میلادی منقرض شدند. در دوره بعدی یعنی اوایل قرن سوم و در زمان اردشیر اول، این سرزمین جزو امپراطوری ایران بود. فتح افغانستان توسط سپاه اسلام در سال ۳۲ هجری (سال ۶۵۲ میلادی) صورت گرفت و در دوره اقتدار عباسیان، مرو، بلخ و سمرقند - با وجود دوری از مرکز حکومت - از مراکز پرآوازه علمی بود در زمان سلطان محمود غزنوی این سرزمین رونق فزاینده‌ای یافت و شهر غزنه به عنوان مرکز آموزش و ایجاد حوزه‌های علمی قلمداد گردید. در ۵۲۵ ق. م غوریان شهر با شکوه غزنه را تصرف نموده و آنرا به آتش کشیدند. در ۶۱۷ ه. ق چنگیزخان به دره رود سند رسید و پس از آن شهر بی دفاع بلخ را مورد تجاوز شدید قرار داده، و تمامی اهالی آن را از دم تیغ گذرانید. در زمان شاهرخ میرزا فرزند تیمور، هرات مرکز مهم سیاسی بازرگانی و مرکز حکومت وی بود. از سال ۱۱۶۰ ق (۱۷۴۷م) به بعد حکومت مستقل افغانستان را اعضای دو خانواده از طایفه ابدالی در دست داشتند. احمد خان ابدالی پس از قبل نادرشاه افشار، حکومت جدید را در افغانستان پدید آورد. (۱۷) ولی با ضعف دولت قاجار و رقابت روسیه و انگلستان، انگلستان این کشور را به تصرف خود درآورد و تا سال ۱۲۹۸ش (۱۹۱۹م) در اختیار داشت. در این حال امان‌الله خان روی کار آمد که افغانستان را یک کشور پادشاهی اعلام نمود و خود را پادشاه خواند و کلیه قراردادهایی را که با انگلستان منعقد شده بود، فسخ نمود. در سال ۱۹۲۹م با توطئه انگلیسی‌ها، محمد نادر خان که دست‌نشانده آنان بود روی کار آمد اما با ترور وی در سال ۱۹۳۲م، فرزند او ظاهر خان با نام محمد ظاهر شاه جانشین او گردید. در ۱۷ ژوئن ۱۹۷۳ هنگامی که

شاه سرگرم دیدار از اروپا بود قانون اساسی ملغی و نظام پادشاهی در یک کودتای نظامی به رهبری داوود و با کمک جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق افغانستان (۱۸) منسوخ شد و خود داوود زمام امور را بدست گرفت و با اینکار بساط دیر پای سلطنت در افغانستان، با کودتایی آرام به نظام جمهوری تبدیل شد. با کودتای خونین مارکسیستی ۲۷ آوریل ۱۹۷۸م (اردیبهشت ۱۳۵۷) توسط نور محمد ترکی از رهبران حزب تحریم شده دموکراتیک خلق افغانستان، بساط حکومت داوود خان برچیده شد. در اواخر سال ۱۳۵۷ هم تره کی پرچم افغانستان را تغییر داد و پرچم جدیدی که به پرچم شوروی شباهت داشت جایگزین آن نمود، و عملاً افغانستان جزو اقمار شوروی سابق قرار گرفت. بلافاصله پس از کودتا، بازداشت‌های دسته جمعی شکنجه و اعدام‌های مخفی شروع شد، پلیس مخفی سیاسی تشکیل و مذهب مورد استهزاء قرار گرفت. هنگامی که امت مسلمان افغانستان از روی کار آمدن نظام مارکسیستی با خبر شدند مبارزات گسترده‌ای را بر علیه آن آغاز نمودند، اوج گیری این مبارزات به حدی بود که تعداد بیشتری از پرسنل نظامی شوروی به افغانستان سرازیر شدند. در ۱۴ سپتامبر ۱۹۷۹م (۲۳ شهریور ۱۳۵۸) حفیظ الله امین بعنوان رئیس جمهور جدید قدرت را در دست گرفت. در دسامبر ۱۹۷۹ به بهانه حمایت از امین نیروهای مسلح شوروی بتدریج وارد افغانستان شدند اما قبل از تهاجم شوروی، رئیس جمهوری کشته شد. جانشین وی ببرک کارمل بود که در یک بیماری فرمایشی! در بهار سال ۱۳۶۵ش جای خود را به دکتر نجیب الله داد. با مقاومت شدید مردم مسلمان، در آوریل ۱۹۸۸م قراردادهای ژنو امضا شد و در فوریه ۱۹۸۹م نیروهای شوروی بطور کامل از افغانستان خارج شدند و در ۱۴ آوریل ۱۹۹۲م دکتر نجیب الله استعفا داد و در دفتر سازمان ملل متحد در کابل پناه گرفت. گرچه در پی مجاهدت طولانی مردم افغانستان پیمان ژنو میان پاکستان و افغانستان منعقد و به حضور نظامی ۱۰ ساله شوروی در افغانستان خاتمه داد اما مکانیسم انتقال قدرت به مردم تقریباً مسکوت گزارده شد و یک حالت بلا-تکلیفی در افغانستان حاکم بود. سازمان ملل در نظر داشت حکم. مت بر اساس ابتکار عمل دبیر کل به شورای ۱۵ نفره واگذار شود که با مخالفت برخی از جناح‌های افغانی روبرو شد. سرانجام در پنجم اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۱ پس از ۱۳ سال استقامت ملت سلحشور افغانستان و مبارزه نفس گیر نیروهای جهادی با تصرف شهر کابل بدست نیروهای مجاهد افغانی، سرزمین اسلامی آزاد شد، (۱۹) و سران نیروهای مقاومت برای بدست گرفتن قدرت بر سر تشکیل یک شورای ۵۱ نفره توافق کردند که رهبری آن را صبغت الله مجددی به عهده دارد به دنبال آن دولت موقتی بوجود آمد که رئیس آن برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان می‌باشد. از آن سوی گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی افغانستان با تحریکاتی به تعرض نظامی بر علیه کابل دست زد تا سهم بیشتری در آینده افغانستان بدست بیاورد و در صدد است که با عملیات نظامی شدید انتقال قدرت به شورای مورد نظر او که در آن اکثریت با پشتون‌هاست صورت گیرد. وجود احمدشاه مسعود (مسعود شاخه نظامی جمعیت اسلامی افغانستان) در دولت جدید و بخاطر تاجیک بودن او، حکمتیار را نگران این موضوع کرده که این حرکت ممکن است به سلطه ۲۰۰ ساله پشتونها در افغانستان پایان دهد. از سوی دیگر «هاشمی لولنجی از محققان شیعه و نویسنده کتاب «انقلاب اسلامی به روایت تحلیل عقیده دارد شیعیان افغانستان که به ۷ میلیون نفر بالغ می‌گردند و ۲۵٪ کل سکنه افغانستان را تشکیل می‌دهند در نظام سیاسی جدید نقش کمتری دارند و نیز باید سمیت یافته و مرزهای منطقه شیعه نشین که بر اساس نقشه ظاهر شاه عوض شده به جای اول باز گردد. (۲۰) در ناحیه کرت سه و کوی سنگی افغانستان بین حزب شیعه (وحدت اسلامی) و گروه سنی (اتحاد اسلامی) درگیری‌هایی بوجود آمد زیرا حزب وحدت اسلامی ادعا دارد که در هیات دولت کنونی افغانستان، این حزب نماینده‌ای ندارد و خواستار سهم شدن معیت شیعه «هزاره در افغانستان است. این بود اجمالی از تاریخ مملو از درد و رنج افغانستان، کشوری که مردمانش کمتر رایحه خوش آزادی را استشمام کرده است. ملت مسلمان این سرزمین هم در ۴۰ سال تاریخ ستم شاهی و هم در ۱۹ سال، سلطه دولتهای کمونیست بار فقر و ستم و اختناق، هجوم و چپاول بیگانه را بر دوش خود تحمل نموده است. دوران تجاوز کمونیست‌ها بر این کشور مسلمان، دوران اسارت است زیرا امت مسلمان آن از اکثر حقوق فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خود محروم بود. از عواقب

وخیم تجاوز و سلطه‌گری بر این کشور اسلامی آواره شدن چندین میلیون افغانی است تا قبل از سال ۱۹۸۶ تعداد این آوارگان در خارج از کشور به ۵ میلیون نفر رسید، پاکستان اعلام کرد ۲۲۰۰۰۰۰ نفر آواره ثبت نام شده دارد، ایران اعلام کرد دو میلیون آواره افغانی وارد این کشور شده‌اند هزاران افغانی دیگر در اروپا، امریکا، هند و خاورمیانه پراکنده شدند در داخل کشور، حدود دو میلیون تن از روستاهای زادگاه خود به کوهستانها یا به کابل گریختند. میزان تلفات از سال ۱۹۷۹م بیش از یک میلیون تن برآورد شد. تا پایان سال ۱۹۸۶ حدود ۵۰٪ جمعیت کشته یا تبعید و یا بیع عنوان آواره داخلی جابجا شده بودند که در تاریخ، این رقم بی سابقه است. بازگشت این حجم عظیم آواره که در برخی منابع رقمی معادل ۴۵٪ کل جمعیت افغانستان گزارش شده خود از مصائب دیگر این کشور زخم خورده است. این زیر بنای اقتصادی جامعه افغانستان تحمل بازگشت چنین جمعیتی را دارد زیرا چندین سال آن را به ویرانه‌ای تبدیل نموده، مناطق کشاورزی پر از مین‌ها و بمب‌های منفجر نشده است که خطر مهمی برای آوارگان خواهد بود. (۲۱) بنا به نقل «محمد هادی وزیر کشاورزی افغانستان، کشت غلات که قبل از جنگ و تجاوز در زمین‌هایی به مساحت ۳۸۷۲۰۰۰ هکتار انجام می‌شد به ۱۹۰۰۰۰ هکتار تنزل یافته است میزان دامها از ۲۵ میلیون راس به ۲۰ میلیون راس رسیده و صادرات کشاورزی از ۷۸٪ به ۱۰٪ کاهش یافته است، جمعیت بخش کشاورزی از ۷۱٪ به ۲۰٪ رسیده است. (۲۲) حال که افغانستان وارث چنین سرزمین جنگ‌زده و تخریب شده است؛ باید همکاری اقوام و گروه‌های مختلف به بازسازی آن اقدام شود، گروه‌ها و اقوام گوناگون باید مراقب این باشند که جهاد چندساله‌شان از باور اسلامی منشا می‌گرفت و حال که پیروزی را در آغوش گرفته‌اند باید وحدت خود را بر محور اسلام حفظ کنند و از تفرقه و تحزب دست بردارند و به خود متکی باشند. مردم افغانستان از نژادهای گوناگون تشکیل شده‌اند که به دو دسته بزرگ تقسیم می‌گردند: نژاد سفید شامل پشتوها، تاجیک‌ها و نورستانیها و نژاد زرد شامل ترکها، تاتارها، مغولها و ازبکها. زبان رسمی مردم افغانستان فارسی دری و پشتو است. بخش کشاورزی مهمترین بخش اقتصاد این کشور است که بیش از نیمی از درآمد ملی و ۷۵٪ صادرات آن را تامین می‌نماید البته خشک‌سالی‌های شدید کشاورزی این منطقه را به صورت دیم است و به باران نیاز دارد به شدت تهدید می‌نماید. انگور از محصولاتی است که آب و هوای افغانستان با آن سازگاری دارد. گندم و پنبه هم در افغانستان به عمل می‌آید. کشاورزان افغانی به دامداری هم اشتغال دارند و گوسفند قره گل که پوست آن شهرت جهانی دارد یکی از صادرات مهم آن است. افغانستان از نقطه نظر معادن نیز غنی است اما این ذخائر در نقاطی واقع شده‌اند که بدلیل مشکل حمل و نقل استخراج و استفاده از آنها با دشواریهای عمده‌ای توأم است. در وضع فعلی ذخائر گاز اطراف مزار شریف که کل ذخیره‌های آن به ۳ میلیارد متر مکعب می‌رسد از مهمترین منابع معدنی آن می‌باشد. مقداری از آن در کارخانه کود شیمیائی و برق مزار شریف استفاده می‌شود. در استان بامیان منابع سنگ آهن وجود دارد اما بخش مهمی از این ذخائر در ارتفاعات واقع شده که هزینه استخراج آن زیاد است. صنایع دستی و ریسندگی در افغانستان رواج دارد. محصور بودن در خشکی و عدم دسترسی به دریاها و آزاد بر مشکلات اقتصادی این کشور افزوده است.

پی‌نوشتها

- ۱- در حال حاضر شرکت فسفات عرب مهمترین صنعتی این کشور است که به استخراج فسفات می‌پردازد. ۳-۲-Filika
- ۲- سال استقلال کویت ۱۹۶۱م مطابق با ۱۳۴۰ شمسی می‌باشد. ۴- اوپک و اثرات تخریبی قیمت نفت ص ۸۱. United Arab
- ۳- ۵-Emirates- بقیه جزایر در ساحل جنوبی خلیج فارس قرار گرفته است. ۷- تکه‌ای از خاک کشور عمان که در مدخل تنگه هرمز قرار دارد و به صورت شبه جزیره می‌باشد. ۹- ۸-Musandam- جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام ص ۴۹.
- ۴- ۱۰- جغرافیای سیاسی جهان اسلام ص ۱۰۸ تا ۱۱۱. ۱۱- کلمه بحرین به معنی دو دریاست که از ۲۶۰۰ ق. م محل سکونت اعراب

بوده است . (۱۹۸۲) publishing co (۱۲- tulsapenn-well) ۱۹۸۲ International petroleum Encyclo pedia
 ۱۶- Ziyagokalp ۱۴- Imbros ۱۳- Epir ebyzantion, Empireomaind orient, ۲۳۲ . p- دائرة المعارف
 جغرافیائی جهان جلد اول آسیا ترجمه دکتر جعفر جاویدفر - تهران سحاب . ۱۷- سرزمین و مردم افغانستان - مری لوئیس
 کلیفورد (Mary louis clifford) ترجمه مرتضی اسعدی . ۱۸- حزب وطن که قبلا تحت عنوان حزب کمونیست شامل شاخه‌های
 پرچم و خلق ، فعالیت می کرد و در دوران حاکمیت کمونیست‌ها قدرت زیادی در دست داشت که در تحولات اخیر منحل شد .
 ۱۹- بازنگری در وقایع افغانستان ، روزنامه جهان اسلام ش ۳۰۷ . ۲۰- روزنامه اطلاعات ش ۱۹۵۵۷ . ۲۱- مساله پناهندگی - حمید
 نظرآبادی - دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ، صفحات ۱۶۴ و ۱۶۵ . ۲۲- روزنامه جمهوری اسلامی ش ۳۸۲۲ .

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران (۱)

امت ایران از گذشته مورد توجه رسول خدا(ص) و خاندان عصمت و طهارت بوده است ، چنانچه در حدیثی از پیامبر اسلام(ص)
 نقل شده که آن سرور جهانیان فرمود : «اعظم الناس نصیبا فی الاسلام اهل فارس (۱) یعنی «بهره ایرانیان در اسلام از همه ملت‌ها
 دیگر بزرگتر است .» در روایت دیگر به نقل از آن حضرت آمده که : «سعادتمندترین عجم‌ها به اسلام ایرانیان هستند .» (۲) و نیز
 حضرت محمد(ص) در خصوص علاقه ایرانیان به ایمان فرموده‌اند : «اگر میوه‌دین به ستاره ثریا آویخته باشد ، حتما مردمی از
 فرزندان ایران زمین ، آنرا می‌چینند .» (۳) همچنین پیامبر اسلام(ص) بر اثر وحی الهی می‌دانستند که پس از ظهور این آئین در
 جزیره العرب ، ملت ایران با اشتیاق و آغوش باز ، اسلام را خواهند پذیرفت ، و این پذیرش چون بر اساس رغبت است در وجود
 آنان نفوذ خواهد کرد . حضرت علی(ع) امام اول شیعیان و جانشین بحق رسول خدا(ص) نقل می‌کنند که از رسول گرامی
 اسلام(ص) شنیدم که خطاب به اعراب می‌فرمود : «والله لیضربنکم علی الدین عودا کما ضربتموهم علیه بدءا» . ترجمه : بخدا قسم
 همچنانکه در آغاز ، شما رژیم حاکم بر ایران را ساقط خواهید کرد در آینده تاریخ ایرانیان نیز رژیم حاکم بر شما را ساقط خواهند
 نمود . (۴) و از اما صادق(ع) روایت شده که رسول خدا(ص) فرموده‌اند : شما [خطاب به اعراب] با ایرانیان بر اساس تنزیل وحی و
 قرآن می‌جنگید و جهان به پایان نمی‌رسد تا روزی که آنان با شما بر اساس تاویل وحی می‌جنگند .» (۵) در برخی مضامین روایی
 آمده که ایرانیان زمینه‌ساز حکومت حضرت مهدی(عج) خواهند بود و حسام الدین هندی دانشمند اهل سنت به نقل از پیامبر
 اسلام(ص) می‌گوید : «مردمی از شرق قیام می‌کنند و زمینه را برای انقلاب جهانی مهدی (علیه السلام) فراهم می‌نمایند .» (۶) در
 روایتی از حضرت امام کاظم(ع) آمده که : خورشید انقلاب اسلامی ایران از قم طلوع می‌کند و این نهضت از سوی مردمی که از
 قم برخاسته هدایت و رهبری می‌شود : «رجل من اهل قم یدع الناس الی الحق ، یجتمع معه قوم کزیر الحدید لا- تلهم الریاح
 العواصف ولا- یملون من الحرب ، ولا- یجبنون ، و علی الله یتوکلون و العاقبة للمتقین : «مردی از اهل قم قیام می‌کند و مردم را به
 سوی حق دعوت می‌نماید ، بر محور او مردمی همچون پاره‌های آهن جمع می‌شوند ، تندبادهای حوادث آنها را حرکت نمی‌دهند ،
 و از جنگ خسته نمی‌شوند و خوفی از آن ندارند . در کارها بر خدا توکل می‌کنند و سرانجام و عاقبت امور برای پرهیزگاران است
 . (۷) اولین فرد مسلمان ایرانی سلمان فارسی است که تقوا و ایمان او بحدی رسید که به شرف «سلمان منا اهل البیت از سوی
 پیامبر(ص) نایل گردید . بعد از آن ایرانیان مقیم یمن به سوی اسلام روی آوردند و آن را پذیرفتند و اولین ارتباط رسمی ایرانیان با
 حضرت رسول اکرم(ص) موقعی بود که باذان بن ساسان حاکم یمن دو نفر ایرانیا به نامهای بابویه و خسروبه مدین فرستاد و پیام

خسرو پرویز را به آن جناب از طریق ایو دو نفر رسانید. زیرا به محض رسیدن نامه حضرت محمد(ص) به خسرو پرویز مبنی بر پذیرش دین اسلام توسط وی، نامه آن حضرت را پاره کرده و از باذان خواسته بود که نویسنده نامه را نزد وی اعزام کند، اما خسرو پرویز توسط شیرویه کشته و باذان هم اسلام آورد. (۸) در هنگامه بعثت رسول الله(ص) ایرانیان گرفتار رژیم فاسدی بودند که با استبداد و خودکامگی اختناق شدیدی بر ایران آنروز که ۱۴۰ میلیون نفر سکنه داشت و وسعت آن بیش از ایران فعلی بود، حاکم نموده بود. آئین زرتشت هم آمیخته با خرافات و تحریف گشته و از جانب چنین رژیم منحوسی حمایت می‌شد. نظام نامعقولی که بر مردم حکومت می‌کرد مانع رشد شخصیت افراد بود و بر اثر سنت‌های ناپسند و برنامه‌های غلط مردمان را به اسارت فکری واداشته بود تا آنکه اسلام این آئین جهانی و جاودانی که خورشید آن هرگز غروب کردنی نخواهد بود، به داد انسانهای مظلوم رسید و فطرت‌های تشنه را از آب گوارای چشمه توحید سیراب نمود. ظلم و ستم زمامداران بیدادگر آن چنان نارضائی‌ها را تشدید نموده بود که ارتش ایران با وجود تجهیزات نظامی و بسیج ۱۲۰۰۰۰ نیرو که به فیل‌های جنگی مجهز بودند موفق نشدند در برابر سی هزار رزمنده مسلمان که حتی تسلیحات کافی هم نداشتند، مقاومت کنند و سرانجام سپاه به ظاهر قوی ایران در دو جنگ اصلی قادیسیه (در سال ۱۵ هجری) و نهاوند (در سال ۲۱ هجری) کست‌خورده و از آن پس اسلام در ایران نفوذ نمود و گسترش یافت. (۹) ایرانیان آئین اسلام را از جان و دل پذیرفته و با عشق وافر به دفاع ترویج تبلیغ و نشر آن پرداختند. اسلام موجب آن گشت تا ایرانی خود را کشف نموده و به جای تکیه بر خرافات، به درست اندیشی روی آورد و از ثنویت به توحید بگراید. ایمان جدید، دیوارهای تسخیر ناپذیر طبقاتی را فرو ریخت، تعلیم و تربیت را برای عموم آزاد نمود، و مردم را از استبداد نجات داد. و نیروی معنوی توأم با شور و شوقی را پدید آورد، که پس از چندی، ایران را به سرزمین درخشش اسلام تبدیل نمود. ولی با روی کار آمدن خلافت اموی این رژیم، در صدد آن گردید تا بجای آنکه به مذهب اهتمام ورزد با سلطه نژادی و حالت عرب زدگی و به گونه‌ای که با تحریف توأم بود به تحقیر ایرانیان مسلمان و مؤمن پردازد، این حرکت که از اسلام فاصله گرفته بود نه تنها آفتش دامن ایران را گرفت بلکه بر اسلام تاثیر سوء گذاشت. لذا ایرانیان در مقابل آن، مقاومت سرسختانه‌ای نمودند. از جمله آن نهضت‌شعوبیه را می‌توان نام برد که در مقابل سیاست تحریف گونه دستگاه خلافت اموی صورت گرفت. استاد شهید مرتضی مطهری(ره) می‌فرماید: «بعدها که در اثر تسلط امویان و سیاست ضد اسلامی آنها، عده‌ای از اعراب عنصر عربیت را پیش کشیدند و آتش تعصبات قومی و نژادی را برافروختند، سایر اقوام مسلمان بالخصوص بعضی از ایرانیان به مبارزه با آنها برخاستند...» (۱۰) در خراسان بیش از ششصد هزار مسلمان با شعار الرضا من آل الرسول به طرفداری از خاندان پیامبر اسلام(ص) برای نابودی خلافت اموی برخاسته و مرکز قدرت امپراطوری را درهم کوبیدند و حکومت امویان را سرنگون و قدرت را به بنی عباس انتقال دادند. البته نهضت خراسان در صدد آن بود که شخصیتی از خاندان پیامبر را بجای بنی امیه روی کار آورد و چون امام صادق(ع) بر حسب مصالح و حکمت‌هایی دعوت ناه آنان را قبول نکرده و آن را بر روی چراغ گذاشتند. ناگزیر شدند به بنی عباس روی آورند اما بنی عباس هم که دست کمی از امویان نداشتند و در اولین فرصت از طریق خدعه و نیرنگ، ابومسلم را کشته و سپس به سرکوبی نهضت‌های شیعیان و علویان پرداخته و امامان عصر خود را به شهادت رسانیدند. ایران در تمدن اسلامی که در سطح جهان مطرح بود و در طول قرون وسطای اروپا، درخشانترین و عظیم‌ترین تمدن بشری بود با شکوفائی شگفت‌انگیز خود که اسلام به آن عطا کرده بود کانون اصلی اندیشه، علم و عرفان شد و قرن‌ها آسیا و آفریقا و اروپا را تغذیه معنوی می‌نمود. ایرانی در دستگاه رهبری نفوذ یافت، مقامات قضایی را تصاحب نمود، مراکز علمی و حوزه‌های اسلامی را تاسیس کرد و بجای دفاع از قومیت و نژادپرستی عربی، بر امامت، ولایت و اهل بیت تکیه نمود و در نقش داعی، محقق و مبلغ حقیق و حق پرست و راستین و آگاه به پاخواست و به عنوان استاد زبان و ادبیات عرب و آشنای واقعی و راستین نسبت به اسلام و قرآن به عرب فاتح، اسلام را دوباره آموخت و بدین گونه فرمایش رسول گرامی اسلام(ص) تحقق یافت. او‌ه‌لین ملتی که بر ترجمه قرآن همت گماشتند ایرانی‌ها بودند

و از سلمان فارسی خواستند تا سوره الحمد را به فارسی ترجمه کند. (۱۱) و بیش از هر ملتی نیروهای خود را در اختیار اسلام قرار دادند و در این راه صمیمیت و اخلاص نشان دادند. اسلام، حصار اسارت آوری که بدور ایران کشیده شده بود و مانع آن بود که ایرانی، تواتائی‌های فکری و نبوغ علمی خویش را بروز دهد، در هم شکست و دروازه ایران را بر روی فرهنگ و تمدن اسلامی گشود که این حرکت موجب آن شد تا ایرانیان، از یک سوی لیاقت و استعداد خویش را نشان داده و از دیگر سوی سهم مهمی در توسعه و گسترش تمدن اسلامی داشته باشد. به عنوان نمونه باری اولین بار در تاریخ ملت ایران، ایرانی، پیشوا و مرجع دینی غیر ایرانی می‌شود، لیث بن سعد ایرانی رهبر فقهی مردم مصر معرفی می‌گردد. ابوحنیفه ایرانی به صورت پیشوای بی‌رقیب درآمده و مذهب حنفیه را بنیان می‌نهد. ابوعلیه معمر بن المثنی و واصل بن عطا و امثال آنان پیشوای کلامی می‌شوند، سیبویه و کسائی امام صرف و نحو می‌گردند. (۱۲) کتب سته، شش کتابی است که بنام «صحاح شش گانه تا امروز مرجع اصلی حدیث و استنباط احکام و عقاید و تمام مکاتب فقهی اهل سنت می‌باشد که توسط دانشمندان ایرانی همچون ترمذی و بخاری و... تالیف شده‌اند. از ۴ کتاب اصلی شیعه که به کتب اربعه موسومند و از منابع و اسناد اولیه این مذهبند، دو کتاب توسط شیخ طوسی (۱۳) و یک کتاب یعنی کافی (۱۴) توسط کلینی و کتاب من لایحضره الفقیه توسط ابن بابویه قمی تالیف و تدوین گشته است که این سه دانشمند و محقق شیعی ایرانی‌اند. بنیان گذار عرفان اسلامی حلاج است و بزرگترین سیمای علمی این مکتب در سطح جهان غزالی است که این دو نیز ایرانی‌اند. خدمات اسلام به ایران به قرون اولیه اسلامی منحصر نیست بلکه از زمانی که خورشید منور اسلام بر این سرزمین فروغ افکند و روشنائی بخشید هر خطری و آفتی که برای این مملکت پیش آمده توسط آئین جاودانی اسلام دفع شد و باعث افتخار، عزت و شرف و استقلال این مردم گردید. اسلام از قوم خونخوار مغول و آدمکشان وحشی، انسانهایی ساخت که تشنه دانش بودند و به تالیف و تحقیق اقبال نشان دادند و از نسل چنگیز، سلطان محمد خدابنده را تحویل داد و شخصی چون بایسنقر میرزا از نسل تیمور متجاوز پدید آمد. به برکت معنویت اسلام دانشمندانی چون ابوعلی سینا، فارابی، زکریای رازی، ملاصدرای شیرازی و هزاران متفکر و محقق دیگر با تالیفات گران سنگ و ارزشمند فرهنگ ایران زمین را زینت دادند و شکوه و اقتدار فرهنگی را باعث شدند. نفوذ اسلام در هند و آسیای جنوبی، آسیای جنوب شرقی، چین، شمال افریقا تا حد زیادی مدیون ایرانیان می‌باشد. با گسترش دین اسلام در قلمرو حکومت ساسانی، مسلمانان تازه وارد زبان فارسی دری را برای تفاهم با تازه مسلمانان ایران در کنار زبان عربی برگزیدند و این اعتبار دینی به زبان فارسی موقع ممتازی بخشید و بتدریج این زبان چنان موقعیتی در جهان اسلام یافت که حکمت سلاجقه در غرب آسیا و غزنویان در مشرق رود سند این زبان را وسیله ارتباط رسمی خود با مردم آسیای صغیر و شبه قاره هند قرار دادند. طی قرون چهارم تا نهم، ترجمه قرآن و چندین متون تفسیر به زبان فارسی صورت گرفت که به لحاظ افاده معنی و کیفیت، ارزش خاصی دارند تفسیر طبری که برای شناختن معانی قرآن تدوین شده ارتباط زبان فارسی را با دین اسلام ثابت می‌کند. حتی اکثر خطوط اسلامی به جز خط مغربی در شمال غربی افریقا از روی نمونه‌های خط ایرانی تحول یافته است.

جمهوری اسلامی ایران (۲)

زبان فارسی در قلمرو وسیع امپراطوری عثمانی پیش از آنکه عثمانیان، لهجه ترکی را به موازات آن مورد اعتنا و استعمال در شعر و نثر قرار دهند نسخه دوم فارسی عهد سلجوقی به شمار می‌آید و ارتباط خاورشناسان اروپا با زبان و ادبیات فارسی از راه عثمانی و هند آغاز گردید. (۱۵) در هند این زبان به اندازه‌ای نفوذ کرده بود، که در دوران اسلامی اغلب به فارسی تکلم می‌نمودند و آثار فرهنگی و ادبی زیادی در این سرزمین به زبان فارسی تالیف گشت و از شاعران پارسی زبان استقبال می‌شد به نحوی که در عصر

صفوی کاروانی از شعرا و عرفا به دربار هند رفتند و مورد تشویق و حمایت آن قرار گرفتند. (۱۶) حتی پیمانهایی که انگلیسی‌ها در دوران سلطه بر هند با نواب هندی بسته‌اند همه بزبان فارسی است و پایه زبان اردو که از قرن یازدهم گذاشته شد بر زبان و ادبیات فارسی استوار یافته چنانچه ۶۰٪ آن فارسی می‌باشد. (۱۷) آری، این آئین اسلام بود که باعث نفوذ و گسترش زبانی فارسی گشت و فرهنگ ایرانی را صادر نمود. اولین سلسله ایرانی که پس از اسلام ایران تشکیل شده طاهریان بودند، که دوران حکم آنان از سال ۲۰۵ قمری تا ۲۵۹ قمری طول کشید و در این سال توسط یعقوب لیث صفاری برچیده شد. سلسله صفاری که در سال ۲۴۷ قمری توسط یعقوب لیث صفاری تاسیس شد، اولین سلسله ایرانی است که از طریق مخالفت با خلیفه عباسی و تمرد از او، روی کار آمد. بین سالهای ۲۵۰ تا ۳۱۶ قمری سلسله علویان طبرستان به عنوان اولین حکومت شیعی توسط حسن بن زید (از اولاد امام حسن مجتبی(ع)) که در شمال ایران تاسیس شد، حکومت می‌نمود. حکومت سامانیان در ماوراء النهر در حدود ۱۲۸ سال طول کشید و در دوران اقتدار آنان، خراسان، طبرستان و گرگان، سیستان، ری، کرمان و بلخ تحت نفوذشان بود. آل بویه از سال ۳۲۰ تا ۴۴۷ قمری بر بخش‌هایی از ایران آن روز حکمرانی می‌نمودند و در این مدت بر گسترش و نشر مذهب تشیع اهتمام می‌ورزیدند. آل بویه پس از مدتی به چند شاخه تقسیم شدند و رفته رفته تجزیه و منقرض گردیدند. غزنویان تا سال ۵۸۲ قمری حکومت می‌کردند و در اواخر حکمرانی خود صرفاً قلمرو آنها به پنجاب محدود گردید. غزنویان که محل کومت خود را غزنه قرار داده بودند با تشیع میانه‌ای نداشته و بخصوص سلطان محمود غزنوی با این مذهب راستین خصومت شدیدی داشت و دیالمه ری توسط او منقرض شد، فتح معروف او تصرف هند است. بعد از غزنویان، سلاجقه روی کار آمدند که بر اثر اختلاف به شعب مختلف تقسیم شدند در این دوران، اسماعیلیه (که فرقه‌ای از شیعیان و اسماعیل فرزند امام جعفر صادق(ع) را امام هفتن و آخرین امام می‌دانستند) در ایران گسترش یافته و در برخی از نقاط ایران طرفداران زیادی یافتند. مهمترین پایگاه، آنها قلعه الموت در شمال شرقی قزوین بود و از شخصیت‌های معروف و رهبر این فرقه حسن صباح و پس از او ابوعلی دهمدار زواره‌ای (۱۸) شهرت دارند. حکومت سلجوقیان توسط خوارزمشاهیان از میان رفت، مغولها در اواخر حکومت این سلسله روی کار آمده و به خرابی، قتل و غارت پرداخته و رعب و وحشتی سخت بر ایران حاکم نمودند. حکومت مغول‌ها یا ایلخانان و تیموریان تا ۹۱۶ قمری ادامه یافت و در اواخر این دوره دو گروه از آنان بنامهای آق قویونلو و قره قویونلو قسمت غرب و مرکز ایران را در تصرف داشتند، سلسله صفویه که با پادشاهی شاه اسماعیل صفوی آغاز می‌شد، تشیع را مذهب رسمی ایران قرار داد و در توسعه این فرهنگ کوشید و در این عصر دانشمندان شیعه به تالیف آثار گرانبھائی پرداختند که از جمله آنان مرحوم مجلسی است که دائرة المعارف حدیث شیعه یعنی بحار الانوار را تالیف نمود. هنر اسلامی در این عصر نیز راه ترقی و کمال را پیمود و اکنون اغلب آثار پرارزش آن بخصوص در شهر اصفهان قابل مشاهده است. سلسله صفویه در سال ۱۱۳۵ قمری با تسخیر اصفهان توسط محمود افغانی منقرض شد. افشاریه، زندیه و قاجاریه سه سلسله‌ای بودند که از سال ۱۱۴۸ (سال تاجگذاری نادر در دشت مغان) تا ۱۳۰۴، بر سرزمین ایران فرمانروایی داشتند. در سال ۱۳۲۶ قمری مقارن با ۱۲۸۷ش فرمان مشروطیت توسط مظفر الدین شاه صادر شد. سال ۱۲۹۹ش مقارن با کودتای رضاخان است. در سال ۱۳۰۴ نمایندگان فرمایشی مجلس، احمد شاه قاجار را از سلطنت خلع و رضاخان خبیث را به سلطنت برگزیدند. در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، قیام مردم ایران به رهبری امام خمینی(ره) اتفاق افتاد که رژیم سفاک شه به سرکوب شدید آن و به شهادت رسانیدن عده زیادی از مردم پرداخت و در سنگر مقدس روحانیت (قم) کشتار خونین براه انداخت و برای جلوگیری از این نهضت، حضرت امام خمینی(قدس سره) و جمعی از روحانیون مبارز را دستگیر نمود تا اینکه در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شمسی پس از مبارزات خونین امت ایران به رهبری حضرت امام خمینی، رژیم شاهنشاهی سرنگون و در پایان شب سیاه استبداد و در حالتی که ابر اندوه بر همه جا سایه افکنده و اختناق روزنه‌ها را مسدود نموده بود، انقلاب اسلامی ایران همچون اعجازی بزرگ به پیروزی رسید. با طلوع سپیده صبح، سپاه شب روی به هزیمت نهاد و رشته ستم‌شاهی گسست و بانگ حق طلبی

و غریو تکبیری که از حلقوم خدا باوران ایران برخاسته بود در فضای گیتی پیچید و اشعه‌های انقلاب بر جهان تابیدن گرفت و مسلمانان جهان را از خواب غفلت بیدار نمود. این اثر بخشی انقلاب اسلامی بر استکبار جهانی ناگوار آمد و چون تجدید حیات اسلام ناب محمدی (ص) با قدرت طلبی آنان در تزامم بود لذا با توطئه‌ای حساب شده جنگی تحمیلی را بر علیه ایران ترتیب دادند و قرعه این دسیسه را به نام صدام حسین زدند ولی استقامت و استواری امت ایران در مقابل متجاوزین عراقی که با ایثار و فداکاری رزمندگان اسلام توأم بود این توطئه را خنثی نمود و بدون آنکه عراق به پیروزی برسد جنگ پایان یافت و سازمان ملل بر اساس یکی از بندهای قطعنامه ۵۹۸ رسماً به متجاوز بودن قوای بعثی که در راس آن صدام حسین قرار دارد، اعتراف نمود. استکبار جهانی حال که از طریق فشار سیاسی و تنگناهای اقتصادی و نظامی موفق نشده به انقلاب اسلامی زخمی وارد کند در تلاش است تا با تهاجم فرهنگی و جدا سازی مردم از ارزشهای اسلامی و معنویت انقلاب، نیش زهر آگین خود را به آن فرو کند که این حرکت زذیلانه هم محکوم به شکست است چرا که فروغ معنوی اسلامی نه تنها در ایران که در جهان در حال گسترش و نور پاشیدن است و نهضت‌های اسلامی در کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین با الهام از این انقلاب ابرقدرتها و عوامل و اذتاب آنان را به درماندگی واداشته است. و هر روز بر نگرانی و آشفتگی دشمنان اسلامی افزوده می‌شود و این قدرت‌های پوشالی کوچکتر از آنند که بتوانند نور اسلامی را خاموش کنند و عاقبت امور از آن پروا پیشگان و صالحان و محرومین معتقد خواهد بود. (۱۹) در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ ش، حضرت امام خمینی (ره) به سوی معبود خویش شتافت و در جوار حق آرام گرفت. حادثه ارتحال بنیان گذار جمهوری اسلامی و رهبر انقلاب، موجی از تأثر و ماتم در جهان اسلام پدید آورد، دشمنان فکر می‌کردند که با رحلت امام به انقلاب اسلامی ایران لطمه‌ای وارد خواهد شد اما گرچه فقدان امام ثلمه‌ای بزرگ برای مسلمانان بود ولی درختی را که او نشانده بود آن چنان مقاوم و با صلابت گردید که تند بادهای حوادث بر آن هیچ لطمه‌ای نمی‌تواند وارد کند خصوص آنکه حضرت آیه الله خامنه‌ای، به عنوان جانشین بر حق امام، رهبری این نهضت شکوهمند را به عهده گرفتند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام القرای جهان اسلام با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع وسعت در جنوب غربی آسیا و در بخش غربی فلات ایران واقع شده است. افغانستان و پاکستان همسایگان شرقی و ترکیه و عراق همسایگان غربی ایران هستند. ایران در شمال با جمهوریهای مسلمان نشین آسیای میانه و قفقاز ۲۰۱۳ کیلومتر مرز مشترک دارد، طول سواحل ایران در امتداد دریای خزر از رورخانه آستارا تا خلیج حسینی ۶۵۷ کیلومتر، در دریای عمان از گواتر تا بندر عباس ۷۸۴ کیلومتر و در خلیج فارس از بندر عباس تا دهانه اروندرود ۱۲۵۹ کیلومتر می‌باشد. موقع جغرافیائی، دسترسی به آبهای آزاد، وقوع انقلاب اسلامی، پیوند فرهنگی ایران با تعدادی از کشورهای آسیای جنوب غربی و جنوبی به این کشور اهمیت خاصی بخشیده است. ایران کشوری کوهستانی محسوب می‌شود زیرا از نیمی از وسعت آن را کوهها و ارتفاعات تشکیل می‌دهد و تنها ۲۵٪ آن حالت بیابانی و صحرائی دارد. اکثر رودهای ایران با کم آبی مواجه‌اند و تنها رود قابل کشتیرانی در ایران، کارون نام دارد. خلیج فارس که در جنوب ایران واقع شده و ارتباط دریائی این سرزمین را از طریق تنگه هرمز و دریای عمان با سایر نقاط جهان تأمین می‌کند در حدود ۲۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد، دریای خزر با ۴۲۴۲۰۰ کیلومتر مربع وسعت به عنوان بزرگترین دریاچه جهان ارتباط دریائی ایران را با کشورهای اروپائی از طریق آبراهه‌های روسیه برقرار می‌کند. دریاچه ارومیه با ۴۸۶۸ کیلومتر مربع از خاک ایران زیر پوشش جنگل می‌باشد. کشور ایران آب و هوای متنوعی دارد ولی بر حسب شرایط کوهستانی - خزری و صحرائی در کل ۳ نوع آب و هوا کوهستانی، معتدل خزری، گرم و خشک صحرائی بر ایران حاکم است. در سال ۱۳۷۰ ش ایران ۵۸۱۱۰۲۲۷ نفر سکنه داشت که تراکم آن ۲۶/۳۵ نفر در کیلومتر مربع بود، این تراکم در سال ۱۳۵۵ ش برابر با ۴/۲۰ بود. از این میزان جمعیت ۵۷٪ در شهرها و ۴۳٪ در روستاها اقامت داشته‌اند. ۸/۱۷٪ جمعیت کشور در شهر تهران - مرکز حکومت - ساکنند. ۶/۴۵٪ مردم ایران از نژاد آریایی، ۸/۱۶٪ ترک، ۱/۹٪ کرد، ۲/۲٪ عرب و ۳/۲۶٪ بقیه نژادها می‌باشند. دین رسمی مردم ایران اسلام و - ۹۸٪ مردم مسلمانند که ۹۱٪ آن پیرو مذهب تشیع‌اند.

زبان رسمی و خط رایج در ایران فارسی است و زبانهای ترکی (آذری) کردی، عربی و بلوچی نیز در نقاط مختلف کشور تکلم می‌شود. مرکز ایران تهران است و از شهرهای مذهبی آن می‌توان مشهد (مرقد مطهر حضرت امام رضا(ع)) در این شهر واقع می‌باشد) قم (مدفن حضرت فاطمه معصومه(س)) و مرکز علوم دینی کشور در این شهر قرار دارد) ری (مدفن حضرت عبدالعظیم حسنی از احفاد حضرت امام حسن مجتبی(ع)) را نام برد. ایران از ۲۴ استان، ۲۲۷ شهرستان و ۶۰۴ بخش تشکیل شده و روز ملی آن دوازدهم فروردین (سالروز استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران) می‌باشد. میزان تولید ناخالص ملی ایران در سال ۱۳۶۸ش در حدود ۳۹۲۵۴ میلیارد ریال بوده که ۸/۱۳٪ به بخش کشاورزی، ۴/۶٪ به نفت، ۷/۴٪ به صنایع و معادن و ۷۵٪ به خدمات اختصاص داشته است. جمعیت فعال ایران در سال ۱۳۵۶ش، ۱۲۸۰۰۰۰۰ نفر بوده که ۱/۲۹٪ در بخش کشاورزی، ۵/۱۳٪ در صنایع و معادن و ۴/۵۷٪ در بخش خدمات مشغول به کار بوده‌اند. غیر از انواع محصولات کشاورزی و ماهی - حدود ۱۰۰۰ معدن و بویژه ذخائر نفت و گاز از ثروتهای مهم کشورند. ایران در طریق توسعه صنعتی بخصوص صنایع فولاد و سایر صنایع سنگین گامهای بزرگی برداشته است. (۲۰)

ب - آسیای جنوبی

آسیای جنوبی

آسیای جنوبی همان شبه قاره هند است که به لحاظ طبیعی در شمال آن کوههای مرتفعی واقع شده که به صورت دیواری بخشهای شمالی آن را دربر می‌گیرد. هیمالیا در شمال شرقی و سلیمان در شمال غربی مهمترین کوههای این بخش است. رودهای سند (ایندوس)، گنگ و برهماپوترا از این ارتفاعات سرچشمه می‌گیرند و آب و هوای آن موسمی است. جاهایی که در معرض بادهای موسمی است. جاهایی که در معرض بادهای موسمی قرار گیرند بویژه در در تابستان از بارندگی زیادی برخوردارند بطوریکه در بنگلادش و ایالات آسام هند در فصل تابستان بدون وقفه باران می‌بارد در چراپونچی (۱) واقع در ایالت آسام که بیش از همه جای دنیا باران دارد، میزان ریزش باران به ۱۲ متر می‌رسد با این حال بعضی مناطق شبه قاره، خشکند مثل بلوچستان پاکستان که تحت تاثیر آب و هوای صحرائی قرار دارد. شریط جغرافیائی مناسب همچون دما، رطوبت و خاک حاصلخیز این منطقه را بسیار پربرکت نموده و امکانات فوق همراه با وفور مواد غذایی تراکم جمعیت را در آسیای جنوبی بالا برده است به طوریکه در مساحتی به وسعت تقریبی ۴۵۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع بیش از یک میلیارد نفر یعنی حدود ۲۰٪ سکنه جهان سکونت دارند. ترکیب نژادی جمعیت نیز از تنوع زیادی برخوردار بوده و در نواحی کوهستانی قبایل متعدد و کوچکی سکونت دارند که شیوه‌های قومی آنها بسیار اختصاصی است. در نواحی ساحلی و جلگه‌ها و همچنین شبه جزیره دکن گروه‌های بزرگی سکونت دارند که بخش عظیمی از سکنه هر یک از واحدهای سیاسی این ناحیه را تشکیل می‌دهند. مهمترین واحدهای سیاسی، آسیای جنوبی به ترتیب وسعت عبارتند از هند، پاکستان، نپال، بنگلادش، سری لانکا، نپال و مالدیو پروسعت‌ترین و پرجمعیت‌ترین این کشوره هند است با ۳۲۸۸۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و قریب به ۸۰۰ میلیون نفر جمعیت، کم وسعت‌ترین و کم جمعیت‌ترین آنان مالدیو می‌باشد با ۲۹۸ کیلومتر مربع وسعت و قریب به ۲۰۰۰۰۰ نفر سکنه. از بیش از یک میلیارد سکنه مسلمان که در جهان زندگی می‌کنند متجاوز از ۳۰۰ میلیون نفر در آسیای جنوبی سکونت دارند که از این میزان بیش از ۲۰۰ میلیون مسلمان در واحدهای سیاسی مستقل اسلامی یعنی پاکستان، بنگلادش و مالدیو زندگی می‌نمایند.

هند سرزمین نسبتا وسیعی است که در جنوب آسیا و آبهای گرم اقیانوس هند به صورت مثلثی قرار دارد مدار راس السرطان آن را به دو قسمت می‌نماید. آب و هوای آن به طور کلی گرم و مرطوب است اما این حالت در همه جای آن یکسان نیست. مردم هند از نژادهای سفید، سیاه و زرد تشکیل شده‌اند و زبان رسمی هند، هندی است ولی زبانهای انگلیسی و فارسی هم در آن رواج دارد. دین اکثریت مردم، هندو (برهما) می‌باشد. اسلام با ۱۲٪ از کل سکنه هند، دومین آئین این کشور است. آئین‌های بودا و مسیح و زرتشت نیز در هند پیورانی دارد مرکز حکومت آن شهر قدیمی و تاریخی دهلی نو می‌باشد و این کشور با ۲۲ ایالت و ۹ فرمانداری بصورت فدرال اداره می‌شود. نخستین بار در زمان خلفای راشدین، اسلام به هند راه یافت. بازرگانان مسلمان و نیروهای نظامی در این مورد نقش مهمی را عهده‌دار بودند. اما عامل فرمانروایی مسلمانان بر این سرزمین وسیع، یورش بود که مسلمانان تحت فرماندهی «محمد بن قاسم در عصر بنی امیه به هند بردند. غزنویان نخستین افراد ایرانی هستند که دین اسلام را به هندوستان سرایت دادند. در اواخر قرن چهارم و ابتدای قرن یازدهم میلادی «محمود غزنوی تحت عنوان جهاد اسلامی و نبرد با بت پرستی و بیدینی به سرزمین هند یورش برد و بخش بزرگی از آن را جزو قلمرو خود نمود. پنجاب نیز در تصرف آنان بود و لاهور مرکز حکومت غزنویان قرار گرفت در زمان این پادشاهان گروهی از دانشمندان ایرانی از جمله ابوریحان بیرونی به هند رفتند. (۲) در سال ۱۱۹۳م قطب الدین ایبک که از بردگان غوری بود، شهر دهلی را فتح نمود. البته گفته می‌شود اولین پادشاه غوری که به هندوستان لشکر کشید و دهلی را پس از فتح پایتخت خود قرار داد، سلطان محمد سوم غور بود از این زمان یعنی قرن هفتم تا زمان سلطه استعمار انگلیس بر هند، دهلی پایتخت سلاطین مسلمان بود. غوریان در هند مصدر خدمات مهمی شدند و در عصر آنان علمای زیادی از ایران به هند رفتند. در واقع تبلیغات اسلامی در هند از زمان غوریان شروع گردید و مدارس و مساجد رونق یافت. ظهیر الدین محمد بابر که از احفاد امیر تیمور بود به هندوستان لشکر کشید و دهلی را مرکز حکومت خود قرار داد روابط تیموریان هند و پادشاهان صفوی بسیار حسنه بود و در این زمان جماعت زیادی از شعرا و ادبا به هند رفتند. در عصر تیموریان که اقتدار آنان در هند ۴ قرن طول کشید (از سال ۹۳۲ قمری برابر با ۱۵۲۶م) تمام مناصب حکومتی و مذهبی در دست ایرانیان بود. قطبشاهیان در دکن در تبلیغ دین اسلام و مذهب تشیع سعی و کوشش کردند. محمد علی قطب شاه همدانی با لقب قطب الملک در سال ۹۱۸ قمری رسماً زمامدار دکن گردید. عادل شاهیان که مذهب تشیع داشتند در ترویج و تبلیغ امور دینی کوشش نموده و بسیاری از مناطق هندوستان که در دست بت پرستان بود در زمان علی عادلشاه به تصرف مسلمین درآمد. سرسلسله آنان یوسف عادلشاه است که سلطنت ناحیه بیجاپور هند را بدست گرفت. در اردوی سلسله عادل شاه‌های مدام گروهی از علمای ایرانی، سادات نجف اشرف، کربلا و مدینه شرکت داشته و امور دینی را زیر نظر گرفتند. (۳) با فتور دولت اسلامی در هند و روی کار آمدن افراد بی‌کفایت و طغیان افراد محلی، وحدت این سرزمین به مخاطره افتاد و زمینه برای نفوذ استعمار انگلستان و استقرار کمپانی هند شرقی فراهم شد. این کمپانی با ایجاد تفرقه بین امرای هند در قلب این کشور نفوذ نمود. در قرن نوزدهم میلادی، انقلابی که مسلمین در آن نقش داشتند بر علیه استعمار انگلستان صورت گرفت ولی دسایس استعمار مانع پیروزی آنان شد پس از آن ملکه ویکتوریا، هند را جزئی از سرزمین بریتانیا اعلام نمود و راه برای محو آثار و تمدن فرهنگ اسلامی و نفوذ فرهنگ غربی بر هند باز گردید. نخستین گام آنها این بود که در سال ۱۹۰۵م استان بنگال را به دو بخش مسلمان نشین و هندو و تقسیم نمودند و با تحرک طرفین، زد و خوردهای شدیدی بین این دو فرقه پدید آوردند. البته این تقسیم‌بندی برای مسلمانان منافی را در برداشت و در جهت وحدت و تشکیل آنان مؤثر بود و تلاش مسلمانان مبنی بر درخواست تصاحب کرسی‌ها از طریق انتخاب عمومی پذیرفته شد. سرانجام ملت هند همچون آتشفشانی گردید که گاندی و رهبران مسلمان همچون مولانا ابوالکلام آزاد، مولانا محمد علی و شوکت علی در انفجار آنان مؤثر بدو شدند. در این خروشها و قیامها، مسلمانان، هدف عالیتری از هندوها داشتند و آن بدست آوردن آزادی کامل و خروج بی‌قید و شرط استعمار انگلیس بود و در واقع نخستین بنیان نهضت هند، مسلمانان بودند. در این

راستا و جهت موفقیت مبارزات، قائد اعظم و مؤسس پاکستان یعنی محمد علی جناح در اتحاد مسلمین و هندوها می‌کوشید و تفرقه بین آنان را صلاح نمی‌دانست. در سال ۱۹۴۵م (۱۳۲۴ شمسی) دولت بریتانیا تسلیم مقاومت و مبارزات مردم هند و بویژه مسلمان شده و استقلال هند را اعلام کرد که در انتخابات آن حزب مسلمان مسلم لیگ تمام کرسی‌های مسلمین را در پارلمان مرکزی و ۴۴۶ از ۴۹۵ کرسی مسلمانان را در شوراهای ایالتی بدست آورد (رهبر حزب مذکور دران زمان محمد علی جناح بود) در ۱۵ اوت ۱۹۴۷م کشورهای مستقل هند و پاکستان (شامل بخش غربی و شرقی) پدید آمد. با آنکه مقرر گردید در هنگام استقلال پاکستان، ایالاتی که اکثریت مسلمان دارند، مختارند تابع یکی از دو کشور هند و پاکستان گردند ایالت پنجاب و بنگال و حیدرآباد، علی‌رغم اکثریت مسلمان و تمام مردم به پاکستان منضم نگردید و حیدرآباد که حدود ۲۰ میلیون مسلمان داشت و در صدد بود تا خود کشوری مستقل باشد در سال ۱۹۴۸م مورد تجاوز هند قرار گرفت و به آن ضمیمه شد. در سال ۱۹۴۷م نیز هند مانع از آن گردید تا کشمیر مسلمان به پاکستان ملحق گردد. (۴) در وضع کنونی (سال ۱۹۹۱م) دولت هند تعداد مسلمین را ۹۵ میلیون نفر اعلام کرده است. اما مسلمین عقیده دارند از بسیاری از آنها سرشماری بعمل نمی‌آید و رقم واقعی آنان به ۱۵۰ میلیون نفر بالغ می‌گردد که حدود ۱۷٪ سکنه هند را تشکیل می‌دهند. از ۱۳۵۶ ناحیه هند، مسلمانان در ۹ ناحیه در اکثریتند و در ۱۹ ناحیه بیش از ۲۵٪ و در ۹۴ ناحیه دیگر متجاوز از ۱۰٪ جمعیت هستند. حدود ۱۰٪ مسلمانان در ایالاتی واقعند که اکثریت آنان مسلمانانند. نزدیک به ۷۰٪ مسلمانان هند، سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی می‌باشند. بقیه مذهب شیعه‌اند. لکنهو که به عنوان یکی از بلاد مهم هند به شمار می‌رود یگانه مرکز و کانون فعلی شیعه اثنی عشری در هند است در این شهر بخش مهمی از آثار شیعه از قبیل مساجد و حسینیه‌ها دیده می‌شود. شیعیان سراسر هند در خصوص مسائل دینی و علمی و حتی سیاسی به این مرکز مراجعه و حل مشکل خود را جستجو می‌نمایند. مراسم عزای حسینی در ایام محرم و سایر مراسم ویژه شیعیان همه ساله در این ناحیه برپا می‌گردد. البته هم‌اکنون در تمام نقاط هند گروه شیعیان به چشم می‌خورند و هیچ شهری در هند وجود ندارد که خالی از سکنه شیعه باشد. حدود ۳۵٪ مسلمانان هند، شیعی هستند که اکثریت آنان اثنی عشری، و تعداد کمی از آنها پیرو فرقه اسماعیلیه می‌باشند. در میان شیعیان هند، دانشمندان بزرگ، ادبا و شعرای نامی، نویسندگان توانا، روزنامه نگار، وکیل مدافع و حقوقدان، پزشک میرز و شخصیت‌های عالی و سیاسی به چشم می‌خورند که در سمت والی، راجه نواب مشغول بکارند. (۵) مسلمانان به هنگامه اقتدار خود در هند آثار و بناهای جالبی از خود به یادگار نهاده‌اند و یا شیوه معماری خود را در بناهای هند دخالت داده‌اند. از نمونه‌های درخشان معماری اسلامی در هند بنای عظیم تاج محل است که بنا به نوشته «راستایش گروور» (۶) استاد معماری مدرسه عالی طراحی و معماری در دهلی، این بنای عظیم که در شهر اگر واقع شده نمونه‌ای گویا از عظمت و پیشتازی معماری اسلامی در دوره‌هایی از تاریخ جهان است این بنا از جذابیت‌های جهانگردی هند به شمار می‌آید. (۷) با وجود آنکه درصد مسلمین در هندوستان هر سال رو به تزاید است اما نقش سیاسی آنها بدلیل تفرقه و قومیت گرایی، رو به کاهش است به عنوان نمونه در انتخابات سال ۱۹۸۴م از ۵۴۳ نماینده، ۳۹ نماینده از مسلمین بودند در حالی که در سال ۱۹۸۹م به ۳۲ نفر کاهش یافت. در زمان استقلال هند که قاطبه مسلمین وضع متوسطی داشتند به پاکستان مهاجرت نمودند و آنها که به تشویق رهبران مذهبی در هند باقی ماندند از لحاظ اجتماعی و اقتصادی در سطح پائینی قرار گرفتند تبلیغات ضد اسلامی گروه‌های بنیادگرای هندو، مسلمانان را نگران نمود و در این حالت تعدادی از رهبران مذهبی به مسلمانان توصیه نمودند که اگر به حزب کنگره رای دهند از امنیت اجتماعی - مذهبی بنام «بانک رای مسلمین را پدید آورد. ارتباط مداوم مسلمین با هندوها موجب رسوخ آداب و رسوم هندی در جامعه مسلمین شده به گونه‌ای که مسلمانان به نظام کاستی عقیده داشته و آنان که در طبقات بالا هستند به گروه‌های پائین به دیده تحقیر می‌نگرند و در مراسم اجتماعی بخصوص این حالت را در ازدواج رعایت می‌کنند. این رفتار که تحت تاثیر آئین هندو به جامعه مسلمین راه یافته است. هویت مسلمانان هند را تا حدودی تغییر داده و سنت‌های مذهبی مسلمانان بر اساس بافت اجتماعی

هند در حال تحول است. (۸) در رسوم خواستگاری، لباس پوشیدن و نیایش این تاثیرپذیری قابل ملاحظه می‌باشد. گرچه مسلمین با نفوذ اسعمار به برخورد منفی با آنان پرداختند اما بتدریج فرزندان خود را به مدارس استعماری فرستاده و افراد مرفه و طبقات بالا حجاب را کنار گذاشتند و مفساد اجتماعی در بین برخی از آنان رواج یافت. هجوم تفکر مارکسیستی را نیز باید به موارد بالا افزود. سازمانهای اسلامی وابسته به وهابیون نیز تبلیغات ویژه خود را در بین مسلمین دارند که با اسلام واقعی در تضاد و تراحم است. مسائل مربوط به بیسوادی و فقر مسلمین نیز ناگوار است و پس از قریب به نیم قرن که از استقلال هند می‌گذرد تنها ۳۷٪ مسلمین باسوادند در مورد زنان این رقم ۵٪ است. القاء تفکر ورشنگران هندی به مسلمانان در خصوص تفکیک دین سیاست نیز یکی از دلایل عدم موفقیت احزاب مسلمان در صحنه سیاسی است به عنوان مثال «حزب مسلم لیگ» در طول تاریخ حیات خود تنها در ایالت جنوبی «کرالا» نفوذ داشته است. این ضایعه‌های فرهنگی و اجتماعی موجب آن شده تا در هنگام تشدید فعالیت‌های انتخاباتی، مسلمانان به سوی احزابی روی آورند که وعده و وعیدهایی برای بهبود اوضاع اجتماعی - اقتصادی به آنها می‌دهند. مسلمانان وقتی به سوی حزب جانانا دال روی آوردند رهبران این حزب جهت جلب حمایت مسلمین روز میلاد حضرت محمد(ص) را تعطیل اعلام نمود. (۹)

سرزمین کشمیر

سرزمین به عنوان نزدیکترین مکان زمینی به بهشت شهرتی کهن دارد و مشهور است که موسی(ع) قوم خود را از مصر بدان جا هدایت کرد. این سرزمین طبق نقلی مورد دیدار حضرت سلیمان(ع) پیامبر قرار گرفته و این پیامبر معبدی را در قله تخت سلیمان بنا نهاد. ۲۰ قرن قبل در شرح (۱۰) جغرافیائی هند، از کشمیر نام می‌برد. مسعودی جغرافی‌دان مسلمان شرح کوتاهی از جغرافیای تاریخی کشمیر ارائه می‌دهد اما شرح مفصل مربوط به ابوریحان بیرونی دانشمند مسلمان ایرانی می‌باشد. زیبایی و جاذبه با صفای آب و هوایی وفور نعمت و طراوت خاص موجب آن شده که این بهشت روی زمین در طول ادوار و قرون، مورد تهاجم اقوام و قبایل قرار گیرد و این چشم انداز زیبای کشمیر موجب آن شده تا مردمانش زنج و مصیبت ببینند و اگر کشمیر سرزمین جذابی نبود و اهمیت خاصی نداشت شاید این قدر به قتل و غارت و تهاجم دچار نمی‌شد. (۱۱) کشمیر ناحیه‌ای است کوهستانی که در شمال غربی شبه قاره هند و در دامنه کوههای هیمالیا واقع است. ناحیه شمال شرقی شامل کوههای پربرف و سر به فلک کشیده قره قوم می‌باشد. کشمیر از شمال و شرق به چین، از جنوب به هند، از غرب به پاکستان و از شمال غربی به افغانستان محدود است. آب و هوای آن بدلیل موقعیت جغرافیائی و شریط کوهستانی معتدل و بسیار مطبوع می‌باشد. کوههای صعب العبور این منطقه همچون سد نفوذ ناپذیری راه هرگونه تجاوز به هند، از راه چین و تبت و راههای مشابه را مسدود می‌نماید. از سوی دیگر سرچشمه سه رودخانه بزرگ سند (ایندوس) پنجاب و جهلم در ایالت مزبور قرار دارد و این مسئله در حکم رگ حیات در اقتصاد کشاورزی پاکستان به شمار می‌رود. وجود ۹۵٪ مسلمان و عوامل مذکور، اهمیت سوق الجیشی و استراتژیکی این سرزمین را مشخص می‌کند. موقع خوب، آب و هوای مناسب و ذخائر فراوان، کشمیر را به تاج هند موسوم کرده است. در حال حاضر کشمیر ۲۲۲۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد که ۷۵٪ آن یعنی ۱۳۸۹۹۲ کیلومتر مربع که موسوم به جامو و کشمیر است در اختیار هند می‌باشد. ۷۹۷۸ کیلومتر مربع از آن تحت عنوان کشمیر آزاد در کنترل پاکستان است و مقدار کمی برابر ۴۱۵۰۰ کیلومتر مربع به کشور چین تعلق دارد که در جنگ ۱۹۶۲م که بین چین و هند در گرفت، چین آن را متصرف نمود. کل کشمیر حدود ده میلیون نفر سکنه دارد که ۶ میلیون در جامو و کشمیر (۶۰٪) ۵/۲ میلیون نفر در کشمیر آزاد و بقیه در کشمیر چین هستند. ایالت جامو و کشمیر خود شامل ۳ منطقه کشمیر، جامو و لاداخ است اکثر مسلمین در جامو و کشمیر (دره کشمیر) هندوها و سیک‌ها در جامو و اقلیت بودائی با ریشه تبتی در فلات شرق لاداخ هستند. (۱۲) کشمیر بخاطر مناظر زیبا و میراث فرهنگی غنی از سوی اقبال لاهوری به ایران صغیر

معروف شد. کوهستان هیمالیا که در بخشی از آن و میان قله‌هایش کشور کشمیر محصور است به این ناحیه موقع ویژه‌ای داده به گونه‌ای که این کشور سرزمین رودخانه‌ها و جویبارها و کوهسارها می‌باشد. در هنگام بهار سراسر خطه کشمیر از گل پوشیده می‌شود. دومین شبکه رودخانه هند یعنی سند از کشمیر به سوی جنوب روان شده که بخش اعظم پاکستان را می‌پوشاند. (۱۳) با وجود ورود دین اسلام در قرن اول هجری باین سرزمین، ظهور اسلام تا سال ۷۱۵ هجری در کشمیر به تاخیر افتاد در این سال یک نفر ایرانی در لباس قلندران وارد کشمیر شد و به تبلیغ دین اسلام پرداخت زیرا مردم کشمیر به قلندران علاقه خاصی دارند و به همین خاطر از تعلیمات او پیروی نموده و هر روز بر اعتبارش افزوده می‌شد. اسکندر مقدونی، چنگیزخان و سلطان محمود غزنوی نتوانستند در جریان کشور گشایی، کشمیر را به تصرف در آورند و فتح آن به نام شاه میرزا سواتی معروف است که در ۷۳۵ هـ-ق در این سرزمین حکومت اسلامی ایجاد نمود که تا ۹۹۱ قمری دوام آورد. از این تاریخ تا قرن نوزدهم مغولها و بازماندگان تیموری بر آن اقتدار داشتند. افغانها تا سال ۱۸۱۹م نیز کشمیر را در تصرف خود نگاهداری می‌کرده‌اند سپس در اختیار مهارجه رنجیت‌سینگ قرار گرفت. با فوت او و پس از شکست‌سیک‌ها در مقابل قوای انگلیس، این قوم، کشمیر را به انگلیسی‌ها واگذار نمودند. دولت‌انگلیس نیز در ازای خدمات، آن را به مهارجا گلاب‌سینگ فروخت و از آن تاریخ این خانواده در کشمیر حکومت می‌کردند این حالت یعنی حکومت اقلیتی هندو بر اکثریت مسلمان از سال ۱۸۴۶م تا ۱۹۴۷م ادامه یافت. در این تاریخ، استعمار انگلیس با تقسیم شبه قاره، برنامه‌ای پیاده کرد که بحران کشمیر را پدید آورد. (۱۴) زیرا به هنگام تقسیم آن، بین دولت‌های هند و پاکستان، دولت انگلستان به موجب قانون تفویض استقلال کلیه حقوق خود را به رؤسای امارت نشین‌ها واگذار نموده و به آنان اختیار داده شد که با توجه به میل مردم تحت امارت خود می‌توانند به هر دو کشور هند و یا پاکستان ملحق شوند که کشمیر با توجه به اکثریت مسلمان باید به پاکستان الحاق می‌یافت ولی این کار صورت نگرفت. در اکتبر ۱۹۴۷م عشایر پاتان واقع در شمال غربی پاکستان با حمایت ارتش پاکستان در کشمیر نفوذ و تا شهر سری ناگار پیشروی کردند. در این هنگام مهاراجه کشمیر که از این پیشروی نگران و از مقابله با آنان عاجز مانده بود در ۲۶ اکتبر سال ۱۹۴۷م طی نامه‌ای که به عنوان «لوردومنت باتن (۱۵) ارسال نمود با استفاده از قانون تعویض استقلال، الحاق سرزمین تحت حکومت خود را به هند اعلام و ضمن آن تقاضای کمک نمود که در ۲۷ اکتبر همان سال، دولت هند به اتکای این موضوع قوای خود را به کشمیر وارد و نبردی بین عشایر پاکستان و نیروهای هندی آغاز شد. در اول ژانویه ۱۹۴۸م دولت هند، طی شکایتی به شورای امنیت سازمان ملل اعلام نمود که دولت پاکستان با تحریک عشایر، حاکمیت هند را مورد تعرض قرار داده و تقاضا کرد پاکستان از ورود عشایرش جلوگیری کند اما پاکستان قوای خود را برای کمک به عشایر وارد کشمیر نمود و در نتیجه نبرد مزبور شدت یافت. در چنین حالی شورای امنیت کمیسیون تحقیقی را به ریاست ژنرال ماک ماتن (۱۶) کانادایی به کشمیر اعزام نمود و پس از آن با قطعنامه‌هایی از طرفین درگیر خواستار جلوگیری از انجام عملیات شد. در این قطعنامه‌ها مقرر شده بود که دولت پاکستان عشایر را از کشمیر خارج و هند اجازه داد حد اقل قوای لازم را برای حفظ آرامش و برقراری نظم در کشمیر نگاه دارد. در قطعنامه ۱۳ اوت ۱۳۲۷ش (۱۹۴۸) و ژانویه ۱۳۲۸ش (۱۹۴۹) سازمان ملل، مقرر شد مناطق مسلمان نشین کشمیر جزو پاکستان و نواحی هندونشین جزو هندستان درآید و جهت مشخص شدن میزان تمایل مردم برای پیوستن به هند یا پاکستان به آراء عمومی در یک جو آرام و محیط بی طرفانه مراجعه شود و تا وقتی این کار صورت نگرفته، سرزمین کشمیر نه جزو هندوستان است و نه از آن پاکستان ولی این قطعنامه اجرا نگردید و هندوستان همچنان نیروهای خود را در کشمیر نگاه داشته است. (۱۷) در فوریه سال ۱۹۵۴م مجلس مؤسسان کشمیر الحاق این سرزمین را به هندوستان اعلام نمود. (۱۸) و در سال ۱۹۶۳م هند اعلام نمود که جامو و کشمیر از ایالات این کشور نمی‌باشد. چنین موضعی دو جنگ بین هند و پاکستان را در سالهای ۱۹۶۵م و ۱۹۷۰م رقم زد. در سال ۱۹۷۲م ذوالفقار علی بوتو رئیس جمهور وقت پاکستان قرار داد «سمیلا» را بر سر مسئله کشمیر با هندوستان منعقد کرد که در آن خط آتش بس به خط کنترل تغییر یافت و این سیاست انفعالی

همچنان ادامه دارد. از آن سوی، مردم کشمیر به مقابله با قوای هندی پرداخته و در شهر پونچ علیه مهاراجه دست به شورش زده و موفق به سرنگونی وی شده و با حمایت پاکستان، کشمیر آزاد را در غرب و جنوب غربی کشمیر بنیان گذاردند. این ناحیه تحت نظارت پاکستان به صورت فدرال و به شکل خود مختار اداره می‌شود و دارای رئیس جمهور مستقل و دولت و مجلس می‌باشد که حکم ریاست جمهوری آن از سوی ریاست جمهوری پاکستان تنفیذ می‌شود، تا قبل از اوج گیری بحرانهای اخیر، جامو و کشمیر به صورت فدرال اداره می‌گردد ولی با گسترش مبارزات حق طلبانه مردم برای استیفای حقوق واقعی خود و نجات از سلطه غیر مسلمان این ایالت از حالت فدرال خارج و مستقیماً توسط دولت مرکزی اداره می‌شود. در ۵ ژانویه ۱۹۹۰م که با چهل و یکمین سالگرد صدور قطعنامه سازمان ملل، مصادف بود و از سوی مردم کشمیر، روز کشمیر نامگذاری شده بود تظاهراتی از سوی مسلمین برگزار گردید که با مقاومت سرسختانه پلیس هند مواجه و چندین شهید و مجروح بر جای گذاشت به دنبال آن اعصابات و تظاهرات موج فزاینده‌ای بخود گرفت و دولت هند با نیروهای مجهز و تانک و زره پوش به سرکوبی شدید مسلمین پرداخت و پس از آن حکومت نظامی اعلام نمود. برخورد خشن مزبور باندازه‌ای بود که حتی پلیس‌های محلی به برخورد نیروهای پلیس فدرال اعتراض نموده و به تظاهر کنندگان پیوستند. یکی از علمای ایران که در کشمیر به اسلام خدمت‌شایان توجهی کرده «میر سید علی همدانی می‌باشد. این مرد که از مفاخر اسلامی است هزاران شاگرد در کشمیر تربیت کرد که هر کدام خود استاد شدند. مقام این روحانی فاضل هنوز در کشمیر محترم است و آنجا را زیارت می‌کنند و همه ساله در روز عاشورا هنگامی که دستجات عزاداران از آنجا عبور می‌کنند پرچم‌های خود را به حال احترام فرود می‌آورند. (۱۹)

نیپال

کشور نیپال ه به روش سلطنتی اداره می‌شود با ۱۴۷۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۱۶۵۰۰۰۰۰ نفر سکنه در شمال شرقی هند واقع است. مرتفع‌ترین قله جهان یعنی اورست با ۸۸۸۲ متر ارتفاع از سطح دریا در این کشور واقع می‌باشد. در حدود ۶۰۰۰۰۰ نفر مسلمان در این کشور سکونت دارند. این در حالی است که در سال ۱۹۵۳م مسلمانان نیپال به ۲۰۰۰۰۰ نفر بالغ می‌گردیدند. اسلام در سال ۵۸۶ هجری قمری مطابق با ۱۱۹۰ میلادی وارد این سرزمین شد. در پایان قرن چهاردهم میلادی سلطان شمس الدین بنگالی به دره کاتماندو (مرکز نیپال) حمله برد که این یورش موجب حضور بیشتر مسلمین در نیپال شد. در هنگام امپراطوری مغول نفوذ اسلام در نیپال رشد فزاینده‌ای بخود گرفت. مسلمانان اکثراً در ناحیه تارای (۲۰) در امتداد مرز شرقی با هند تمرکز دارند. زبانشان اردو و مذهبشان حنفی است که در این دو مورد با مسلمانان هند وجه مشترکی دارند. البته دین اکثریت، هندو و بودایی است و زبان رسمی نیپالی می‌باشد و زبانهای بیهاری و گورخائی نیز رواج دارد نیپال تنها کشور پادشاهی هندو مسلک جهان است.

بوتان

کشور بوتان با ۴۷۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۱۴۲۰۰۰۰ نفر سکنه در شمال شرقی هند، واقع است. کشوری است کوهستانی که به دریا راه ندارد. این سرزمین به شیوه مشروطه سلطنتی اداره می‌شود و از کل سکنه آن ۸۷۰۰۰ نفر آئین جاودانی اسلام را پذیرفته‌اند. مسلمین این کشور با مسلمانان بنگال غربی و آسام (شمال شرقی هند) در ارتباطند و اکثراً از نژاد بهوتا، نیپالی و آسام می‌باشند. مردم بوتان اکثراً پیرو هندو و بودا هستند.

سریلانکا (سیلان)

سری لانکا به صورت جزیره‌ای در جنوب شرقی هند قرار دارد. وسعت این کشور برابر با ۶۶۰۰۰ کیلومتر مربع و تعداد سکنه آن به ۱۶۳۰۰۰۰۰ نفر بالغ می‌گردد. موقع جزیره‌ای (قرار گرفتن در اقیانوس هند) و نزدیکی به خط استوا موجب گرمی هو و رطوبت زیاد این منطقه شده است. تنگه پالک این کشور را از سرزمین هند جدا می‌نماید. دین اکثریت، بودائی و برهمنی است. ولی بیش از ۵/۷٪ مردم آن مسلمانند. انتشار اسلام در این جزیره از دو طریق و در دو زمان انجام پذیرفت: اول کاروانهای تجاری مسلمانان که در آغازین روزهای تولد اسلام، از جزیره العرب به این سرزمین آمدند. دوم با فتوحات مسلمانان ترک در این جزیره که منجر به تشکیل دولت اسلامی به سال ۱۲۰۶م در هند گردید. ازدواج بازرگانان عرب با زنان بومی نیز در گسترش اسلام بسیار مؤثر بود. سقوط بغداد به سال ۱۲۸۵م موجب مهاجرت مسلمانان بدین نواحی شد که در شکل‌گیری مسلمانان جنوب هند رل مهمی را به عهده داشتند. اما مسلمانان با دو مشکل واجه بودند: اختلاف با افراد سینهالی در زبان و با تامیل‌های شمالی در عقاید دینی معهدا اوضاع مسلمین در حال رشد و توسعه بود که پرتغالی‌ها در سال ۱۵۰۲م وارد سیلان شده و ضربات سختی به مسلمانان وارد نمودند و در سال ۱۵۲۶م رسماً نسبت به اخراج آنان اقدام نمودند و افراد کمی که باقی ماندند به نقاط درو افتاده، پناه بردند. هلندیها در سال ۱۶۵۸م عمل پرتغالی‌ها را تکرار نمودند. تاریخ حرکت‌های مسلمین در سریلانکا سه دروه دارد: دوره اول از سال ۱۹۴۷م تا ۱۹۶۰م که چون در اقلیت به سر می‌بردند با سینهالی‌ها، مشی همکاری را پیش گرفتند. دروه دوم از سال ۱۹۶۰م تا ۱۹۷۷م که در امور سیاسی نقش فعالتری را پیش گرفتند و نفوذ سیاسی را بجائی رسانیدند که دکتر «دیورین محمود» به عنوان وزیر آموزش پرورش سری لانکا در نظام آموزشی این کشور تحولاتی به نفع مدارس اسلامی پدید آورد. در دوره سوم که از سال ۱۹۷۷م آغاز می‌شود. بین سینهالی‌های اکثریت و تامیل‌ها اقلیت نزاعهایی در گرفت که در این درگیریها گرچه مسلمانان اعلام بیطرفی نمودند ولی ضربات سختی را تحمل نمودند و تعداد زیادی از آنان کشته و مجروح شدند که چنین برنامه فجیعی می‌تواند چندین دلیل داشته باشد: ۱- حمایت دولت از سینهالی‌ها و اینکه افراد مسلح تامیل از سوی قوای نظامی مورد حمایت قرار می‌گیرند ولی مسلمانان هیچ‌گونه حامی ندارند. ۲- تحریکات اسرائیل غاصب و حمایت از طایفه‌ای علیه طایفه دیگر، اثرات سوء بر روابط سری لانکا با کشورهای اسلامی گذاشته است. ۳- کمکهای مالی و غیر مالی کشورهای مسلمان و عرب به مسلمین این سرزمین حساسیتهایی را در گروههای دیگر ایجاد می‌نماید. اگر زبان سینهالی رسمی شود، مسلمانان با محیط تامیلی مسلمان خود در هندوستان بیگانه می‌شوند و اگر چریک‌های تامیل پیروز شوند مسلمانان را به گروههای سینهالی و تامیلی تقسیم می‌کنند. مسلمانان در نقاط مختلف پراکنده‌اند اما توزیع آنها یکسان نمی‌باشد. در شهر منار در شمال جزیره ۲۸٪ و در کلمبو (۲۱) (مرکز حکومت) ۱۰٪، در جنوب ۳٪ و در شرق بویژه در ناحیه امباری ۴۲٪ مسلمان سکونت دارند. از حدود ۲۰۰ مسجدی که در سریلانکا وجود دارد ۲۵٪ آن در کلمبو می‌باشد. تعداد مسلمین در حال حاضر ۱۲۷۵۰۰۰ نفر می‌باشد. غیر از اقلیت‌های مسلمان آسیای جنوبی در ۳ واحد سیاسی پاکستان، بنگلادش و مالدیو اکثریت با مسلمانان است که به معرفی هر کدام از این نواحی می‌پردازیم:

پی‌نوشتها

۱- ۲- Cherapunji - خدمات متقابل اسلام و ایران ص ۳۸۸. ۳- ماخذ قبل ص ۳۹۱. ۴- مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان ترجمه آیت الله سید علی خامنه‌ای. ۵- تاریخ شیعه - علامه محمد حسین مظفر، ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی از ص ۳۱۵ تا ۳۴۲. ۶- ۷- Rasatish Grover - مسلمانان هند به زبان انگلیس مقاله معماری اسلامی در هند به نقل از مجله سروش ش ۶۰۷ تیرماه ۱۳۷۱. ۸- مسلمانان هند - به زبان انگلیسی نوشته چند از دانشمندان مسلمان به نقل از سروش. ش ۶۰۷. ۹- روزنامه اطلاعات ش ۱۹۳۳۳ - اول خرداد ۱۳۷۰. ۱۰- ۱۱- Pertolemy - کشمیر، بهشت زخم خورده - نویسنده الطاف حسین ترجمه فریدون دولتشاهی بخش اول پیشگفتار. ۱۲- سابقه تاریخی بحران کشمیر - حمید توکلی کرمانی کیهان ش ۱۴۲۲۴ تا ۱۴۲۲۷.

۱۳- سرزمین و مردم هند - مانورا ماموداک ، ترجمه فریدون گرکانی تهران ۱۳۴۵ . ۱۴- پاکستان س دکتر عبدالعظیم ولیان - تهران - زوار - ۱۳۵۰ . ۱۷- Mack Matten ۱۵- Lor Doment Batten - پاکستان حقایق اساسی - سفارت پاکستان در ایران ، بی تاریخ و بدون نام نویسنده . ۱۸- سرزمین و مردم هند - مانورا ماموداک . ۱۹- خدمات متقابل اسلام و ایران ص ۳۹۳ . ۲۰- Tarai - ۲۱- Colombo .

جمهوری اسلامی فدرال پاکستان

کشور پاکستان با بیش از ۸۰۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت در جنوب شرقی ایران قرار دارد . پاکستان بین ۲۴ درجه و ۳۰ درجه عرض شمالی و ۶۲ درجه و ۷۵ درجه طول شرقی قرار دارد . نواحی شمال و شمال غرب و نیز بلوچستان پاکستان ، حالت کوهستانی دراد . غیر از این دو ناحیه کوهستانی ، بقیه خاک پاکستان جلگه‌ای است که از آبرفت‌های رودخانه سند و شعبات آن بوجود آمده است . آب و هوای شمال پاکستان معتدل ، جنوب آن گرم و مرطوب و پرباران بوده و بلوچستان آن آب و هوای گرم و خشک دارد . غیر از چهار استان : پنجاب ، سند ، مرز شمال غربی و بلوچستان سایر نواحی به صورت فدرال توسط قبایل پاکستان اداره می‌شود . مرکز حکومت آن اسلام آباد و از شهرهای مهم آن بندر کراچی ، لاهور ۷ پیشاور ، کوئته ، و راولپندی را می‌توان برشمرد . پاکستان از مراکز بزرگ ۶ تمدن باستانی است . و تمدن دره ایندوس (سند) در ۴۵۰۰ سال قبل به نقطه اوج خود رسیده بود . غالب سکنه ۱۰۲ میلیونی پاکستان در کنار رود سند و دره‌های کوهستانی پنجاب سکونت دارند . استان پنجاب به تنهایی ۵۶٪ سکنه را در داخل خود جای داده است . در حالی که بلوچستان با ۴۴٪ مساحت کشور تنها ۵٪ سکنه دارد . ۲/۹۷٪ مردم این سرزمین مسلمانند . اسلام در سال ۹۴ هجری مطابق با ۷۱۲ میلادی وارد پاکستان شد . ۲۵٪ مسلمین پاکستان شیعه هستند و شهر کوئته مرکز ایالت بلوچستان از مراکز مهم شیعیان است . در ناحیه بلتستان و گلگیت در مرز چین و پاکستان و نیز در پنجاب ، شیعیان سکونت دارند . شیعیان بزرگترین اقلیت این کشورند که در استقلال و ثبات سیاسی پاکستان نقش حساسی به عهده داشته‌اند . محمد علی جناح (عائد اعظم) بنیان گذار پاکستان ، نیز شیعه بود . قدیمی‌ترین سازمان شیعی «آل آینه یا شیعه کنفرانس نام دارد که مرکزش در شهر لکنهو هند بوده و هدف عمده آن متحد ساختن شیعیان در سراسر هند قدیم بود که بعدها اعضای آن در استقلال پاکستان کوشیدند . سازمان پاسداری از حقوق شیعیان ، دومین تشکیلات قدیم شیعیان است . گروه‌های شیعی پاکستان در راستای تحقق مسائل زیر به تشکیل خود می‌پردازند : الف - صدور مجوز تدریس کتب دینی خاص شیعه در سطوح ابتدائی و متوسطه برای دانش آموزان . ب - تفکیک موقوفات شیعه از اهل سنت . ج - آزادی شیعیان در برپائی مراسم عزاداری ماه محرم و عاشورای حسینی مهمترین گروه‌ها شیعه که اداره حوزه‌های دینی و نیز حرکت‌های سیاسی - مذهبی شیعیان را هدایت نمایند عبارتند از نهضت اجرای فقه جعفری شامل گروه علامه ساجد نقوی و گروه حامد علیشاه موسوی / این نهضت بدین صورت پدید آمد که بزرگان شیعه پاکستان در نشست که در ۲۴ فروردین ۱۳۵۸ ش مصادف با ۱۲ آوریل ۱۹۷۹ در شهر بهکر (در استان پنجاب) تشکیل دادند و دو روز به طول انجامید مسئله حزب و رهبر را در اجتماعی بزرگ از شیعیان مطرح نمودند . شور و هیجان حاکم بر این جمعیت دوران انقلاب اسلامی ایران را تداعی می‌کرد و پس از بحث و گفتگو سازمانی بنام «نهضت اجرای فقه جعفری بنیان نهاده شد که علامه مفتی جعفر حسین به عنوان نخستین رهبران برگزیده شد . متعاقب آن شیعیان به رهبری این نهضت در سال ۱۹۸۰م با محاصره ساختمان نخست وزیری در اسلام آباد خواسته‌های برحق خود را عنوان نمودند . در شهریور ۱۳۶۲ شمسی مفتی جعفر حسین فوت نمود و در این فاصله حامد علیشاه موسوی که مورد حمایت دولت بود ، کاندید شد . اما شورای عالی نهضت به اتفاق آراء علاه سید عارف حسین حسینی را به رهبری شیعیان و ریاست نهضت برگزید و از این پس در نهضت مذکور انشقاق پدید آمد . علامه عارف حسینی در نجف اشرف با امام خمینی (قدس سره) آشنا گردید و از محضر ایشان بهره‌های اخلاقی و سیاسی برد و با تاثیر پذیری از

اندیشه‌های امام، موضع‌گیری پرتحرکی را از خود بروز داد و سرانجام در ۱۴/۵/۶۷ شمسی بدست‌یکی از مزدوران ضیاء الحق به شهادت رسید. ضیاء الحق با شیعیان مخالف بود و با وقوع انقلاب اسلامی ایران اعلام داشت: «برنامه ما حاکمیت بخشیدن به فقه حنفی است.» بین ایران و پاکستان مشترکات دیرینه‌ای وجود دارد زیرا از آغاز قرن پنجم تا قرن سیزدهم در شبه قاره هند که این سرزمین تا سال ۱۹۴۷م جزو آن بود، زبان فارسی به عنوان زبان رسمی قلمداد می‌گردید و در این مدت کتب زیادی به زبان فارسی نوشته شد. دیارتمان زبان فارسی دانشگاه پنجاب که در سال ۱۸۷۰ میلادی تاسیس شده به تدریس زبان فارسی تا سطح کارشناسی ارشد مشغول است. تعدادی از نسخ خطی ارزشمندی که توسط دانشوران ایرانی تالیف شده اکنون در کتب‌خانه‌های هند و پاکستان نگاهداری می‌شود. برخی فرهنگ‌ها و دستور زبانها همچون فرهنگ جهانگیری، برهان قاطع و فرهنگ رشیدی در این شبه قاره تدوین یافته است. جلوه فرهنگی و معنوی اسلام را ایرانیان به مردمان هندی نشان دارند و اغلب مروجین و مبلغان اسلامی، ایرانی تبار یا دست پرورده ایرانیان هستند. (۱) کشور پاکستان و هندوستان تا سال ۱۲۳۶ش (۱۹۴۷م) که سال تاسیس این دو واحد سیاسی است. سرنوشت تاریخی مشترکی دارند و در این سال بود که به رهبری محمد علی جناح پاکستان در صحنه سیاسی جهان ظاهر گردید. پاکستان از آغاز شامل دو بخش شرقی و غربی بود که این دو بخش صدها کیلومتر با هم فاصله داشتند ولی چون مردم قسمت شرقی احساس نمودند که حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنان توسط قسمت غربی رعایت نمی‌شود، به قیام و شورش برخاسته که در این جریان، هند از بنگالیها حمایت نمود و در سال ۱۹۷۱م (۱۳۵۰ش) جنگی بین هند و پاکستان آغاز شد که به شکست پاکستان و استقلال بخش شرقی با عنوان بنگلادش منجر گردید. پاکستان با کشورهای غربی رابطه‌ای خوب دارد ولی روابطش با چین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در سال ۱۹۸۱م پس از سالها سردی روابط، پاکستان و آمریکا روابط خود را تجدید نموده و گسترش دادند. ۳۰٪ مردم پاکستان با سوادند ۸۰٪ مردم در روستاها و بقیه در کانونهای شهری سکونت دارند. ۳۳٪ تولید ناخالص آن محصولات کشاورزی تشکیل می‌دهد اما بدلیل خشکی هوا و کمی وسعت مراتع دامپروری در آن توسعه آنچنانی ندارد. ۱۸٪ تولید ناخالص آن از بخش صنعت بدست می‌آید. (۲) طول راههای شوسه پاکستان به ۱۰۸۵۳۰ کیلومتر و طول راه آهن آن به ۸۷۷۵ کیلومتر بالغ می‌گردد. (۳)

جمهوری بنگلادش

بنگلادش یکی از فقیرترین کشورهای جهان است که با ۱۴۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۱۰۲ میلیون نفر سکنه به صورت جلگه مسطحی در شرق شبه قاره هند واقع است. از جنوب شرقی به کشور میانمار و از جنوب به خلیج بنگال محدود می‌باشد. نزدیکی به خط استوا و وجود بارانهای موسمی بنگلادش را به صورت منطقه‌ای گرم و مرطوب درآورده است. رودخانه‌های این کشور که از ذوب برفهای هیمالیای شرقی بوجود می‌آیند در مسیر جنوب به خلیج بنگال می‌ریزند و گنگ و براهماپوترا مهمترین آنان هستند و جلگه‌ای که کشور بنگلادش را تشکیل می‌دهد از دلتای این رودها بوجود می‌آید. بخش بزرگی از بنگلادش پوشیده از جنگل است و مهمترین منطقه جنگلی آن «سندربن است که در جنوب غربی و مرکز بنگلادش و چیتاگونگ قرار دارد. از ۱۰۲ میلیون سکنه این کشور ۹۰٪ در روستاها و ۱۰٪ در شهرها سکونت دارند، بنگلادش پس از اندونزی دومین کشور جهان اسلام از نقطه نظر جمعیت است. مردم آن از نژاد زرد و سفیدند و بیش از ۸۵٪ آنان را مسلمانان تشکیل می‌دهند. زبان اصلی مردم بنگالی است که ریشه سانسکریت دارد و در دوره حکومت مسلمانان، بر شبه قاره هند تعدادی واژه‌های فارسی و عربی وارد این زبان شده است. زبان انگلیسی را نیز دانشگاهیان و عده‌ای از بازرگانان مورد استفاده قرار می‌دهند و برخی مکاتبات اداری به این زبان صورت می‌گیرد. بنگلادش تا سال ۱۹۷۱م به عنوان بخش شرقی پاکستان تحت قلمرو این کشور بود تا اینکه در این سال به رهبری شیخ

مجیب الرحمن و پس از مبارزات گسترده‌ای، بنگلادش در صحنه سیاسی پدیدار شد. سبب نارضایتی مردم از حکومت پاکستان که در بخش غربی مستقر بود موارد متعددی است که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌گردد: ۱- بنگالی‌ها ۵۶٪ کل پاکستان را تشکیل می‌دادند و خواهان آن بودند تا زبان بنگالی زبان رسمی باشد، حال آنکه زبان اردو به عنوان زبان رسمی انتخاب شده بود. ۲- مرکز نظامی، اداری، سیاسی و اقتصادی اکثراً در دست افراد پاکستان غربی بود. به عنوان مثال ۸۵٪ مقام‌های کشوری به اهالی پاکستان غربی اختصاص داشت. ۳- بیشتر درآمدهای مردم بنگلادش (ناحیه شرقی پاکستان) جهت رفاه پاکستان غربی صرف می‌شد و اصولاً بنگال شرقی بصورت تولیدکننده مواد خام باقی ماند و از برنامه‌های صنعتی و توسعه اقتصادی بازمانده بود. ۴) بنگلادش پس از آزادی با دشواریهای زیاد روبرو شد. اوضاع اقتصادی نابسامان و اسکان ده میلیون پناهنده که قبل از استقلال به هند رفته بودند و نیز تشنگی در ارتباطات، این کشور نوبنیاد را در معرض خطر قرار داده بود، جنگهای خونین، آوارگی و مهاجرتها موجب آن شده بود که زمینها کشت نشوند. شش میلیون خانه ویران شده، راه آهن مختل شده، پلها منهدم شده مزارع خالی از محصولات کشاورزی، کمبود مواد غذایی را سبب گردید و این معضل به مردم فشار زیادی وارد نمود. در ماههای آخر ۱۹۷۴م حدود ۲۸۰۰۰ نفر از گرسنگی تلف شدند. حوادث طبیعی چون طوفانهای مهیب، سیلابهای بنیان کن، فشار اقتصادی را بر مردم بیشتر کرد. این عوامل سبب شد که بنگلادش با ذخائر غنی و زمینهای حاصلخیز جزو کشورهای تهیدست جهان قرار بگیرد و از راه وامها و کمکهای خارجی به زندگی ادامه دهد که این کمکها خود وابستگیهای سیاسی - فرهنگی به دنبال دارد. اکنون نیز این کشور از حالت بی‌ثباتی سیاسی رنج می‌برد، رژیم ژنرال ارشاد مدتها با جناحهای مخالفی درگیر بود که رهبری آنها را دوزن به عهده داشتند، دو حزب اصلی که جناح مخالف را رهبری می‌کردند برای مدتی حکومت را در دست داشتند و مردم بنگلادش در این دوران انواع تلخیها و رنجها را دیدند و دوزنی که احزاب مخالف غیر مذهبی را رهبری می‌کردند در صدد تقلید از اسلاف خونریز خود برآمدند اما مشی احزاب مسلمان با آنها کاملاً متفاوت بود. زیرا اینها در صدد تصاحب قدرتند اما مسلمانان به اجرای سنت الهیو عمل نمودن به احکام اسلامی تاکید می‌ورزیدند. رژیم ارشاد که چنین هدفی را از سوی مسلمانان دریافت، به سرکوب وحشیانه و خونین تظاهرات آنان همت گماشت. پس از ژنرال ارشاد، خانم خالده ضیاء بیوه ضیاء الرحمن که مدتی حزب غیر مذهبی ملی بنگلادش را به عهده داشت روی کار آمد و لذا هنوز مسلمین به هدف خود نرسیده‌اند. (۵) از دشواریهای دیگر بنگلادش سیل مهاجران منطقه آراکان میانمار است که به سوی این کشور سرازیر می‌شوند بیماریهای مسلمانان در بنگلادش نیز وضع ناگواری دارد اینان جماعتی از مسلمانان هستند که از هند به سوی شرق پاکستان مهاجرت کرده‌اند با تشکیل کشور بنگلادش این گروه ۳۰۰۰۰۰ نفری تقاضای مهاجرت به پاکستان را نمودند ولی پاکستان اقدامی برای پذیرش آنان به عمل نیاورد از این رو بیماریها به صورت جماعتی از این جا رانده و از آنجا مانده در آمدند آنها اکنون در ۶۶ اردوگاه سکونت دارند و از کمکهای ناچیز سازمان ملل استفاده می‌نمایند ناامیدی این گروه در حدی بود که در سوم مارس ۱۹۸۱م مصادف با سالگرد استقلال پاکستان تصمیم گرفتند خود سوزی کنند و ۵۰۰۰ نفر داوطلب عمل خود سوزی شدند (۶) اما رهبران آنان اجازه ندادند این حرکت عملی شود. بنگلادش کشوری است روستایی زیرا حدود ۶۸۰۰۰ روستا دارد و کشاورزی مهمترین رکن آن است این کشور بزرگترین تولیدکننده و صادرکننده کنف در جهان است و ۳۶٪ سکنه آن در کشت و تولید آن مشغول بکارند. چای، توتون و برنج از مهمترین محصولات کشاورزی این کشور است. حدود ۶ میلیون نفر از مردم این کشور در ارتباط با صید ماهی هستند و ۲۵۰ نوع ماهی از آبهای شور و شیرین آن بدست می‌آید. گاز طبیعی تنها منبع با ارزش بنگلادش است که در سال ۱۹۵۵م در هاریپور در شرق سیلپت کشف شد. در سیلپت و کومیلا- منابع ذغال سنگ وجود دارد. ذخائر مس و سنگ آهک در چیتاگونگ و دیگر نواحی بهره‌برداری می‌شود. صنایع مربوط به کنف، نساجی، غذایی، چوب و کاغذسازی نیز در این کشور بوجود آمده‌اند. (۷) واحد پول آن تاکا (۸) می‌باشد.

جمهوری مالدیو

جمهوری مالدیو با ۲۹۸ کیلومتر مربع وسعت به عنوان کوچکترین کشور مسلمان جهان به صورت مجمع الجزایر خوشه‌ای در ابهای اقیانوس هند و جنوب غربی شبه قاره هند و غرب سریلانکا قرار گرفته است. مالدیو مرکب از ۲۰۰۰ جزیره مرجانی است که بر روی رشته کوهی دریائی که منشا آتشفشانی دارد در جهت شمالی - جنوبی قرار گرفته‌اند. ۲۲۰۰ جزیره آن مسکونی است. تمامی سطح جزایر از درخت نارگیل پوشیده‌اند. معروفترین این جزایر، جزایر مال نام دارد که کمی جنوبی‌تر از کانال «کاردیوا» (۹) واقع است. چون این جزایر به خط استوا نزدیکند و در آبهای اقیانوسهند محصورند، آب و هوای گرم و مرطوب دارند. در قرون اولیه هجری، آئین اسلام توسط بازرگانان عرب باین سرزمین راه یافت. در قرن چهارم هجری ابن بطوسه سیاح مسلمان به مالدیو آمد و گزارشی از این ناحیه ارائه داد. در اوایل قرن شانزدهم با گسترش نفوذ پرتغالی‌ها در آسیا، مالدیو نیز جزء نواحی مورد تصرف آنان درآمد. در قرن هفدهم میلادی که هلندیها بر آن استیلا یافتند، مالدیو بخشی از سریلانکا بود. بعد مالدیو به تصرف انگلستان و فرانسه درآمد و در قرن نوزدهم با وجود سلطه انگلستان بر آن، حکومت نیمه مستقل سلطنتی بر آن حاکم بود. انگلستان در سال ۱۹۴۸م به مالدیو خود مختاری داد و در سال ۱۹۵۳م نظام سلطنتی آن ملغی و نظام جمهوری جایگزین آن گردید. مالدیو در سال ۱۹۶۵م مستقل شد. این کشور به لحاظ درآمد سرانه یکی از عقب افتاده‌ترین واحدهای سیاسی جهان است. آخرین تقسیمات کشوری آن شامل ۱۹ بخش است که زیر نظر یک کمیته منتخب مردم به ریاست مامور دولت مرکزی اداره می‌شود. ۲۱۲۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۳۰٪ آن زندگی شهری دارند. رشد سالانه جمعیت ۴/۳٪ و تراکم نسبی آن ۴/۷۱۱ در کیلومتر مربع است. مردم آن از نژاد دراویدی، سینهالی و عرب هستند. زبان رسمی آن دیوهی است و اکثراً مسلمان و سنی مذهبند. اقتصاد آن بر ماهیگیری، کشاورزی و پذیرایی از کشتی‌های کشورهای جهان استوار است. واحد پول آن روپیه مالدیو می‌باشد که برابر با ۱۰۰ دلاری است.

ج - آسیای جنوب شرقی

آسیای جنوب شرقی

منطقه‌ای است سرسبز و آباد با منابع غنی زیرزمینی، محصولات جنگلی فراوان و تولیدات کشاورزی - که جنبه حیاتی دارند. تنگه‌ها، آبراهه‌ها و دسترسی به منابع آبهای آزاد، به این منطقه زرخیز موقع بسیار مناسبی داده و اهمیت سوق الجیشی و استراتژیکی آن را افزون نموده است. این خصوصیات ویژه طبیعی و اقتصادی و نقش سیاسی این منطقه موجب آن شده که استعمارگران غربی، متجاوزان چینی و امپریالیسم تازه به دوران رسیده ژاپن کوشیده‌اند به نحوی این سرزمین را تحت سلطه خود درآورند تا بتوانند با غارت منابع آن سفره چربی برای خود تدارک ببینند. هنگام ترک مناطق مذکور نیز با تعیین مرزهای اجباری و غیر واقعی و همچنین تحریکات سیاسی، کشورهای آسیای جنوب شرقی را به جان هم انداخته تا از طریق استعمار جدید (نئو کولونیالیسم) بتوانند منافع خود را حفظ کنند. به عنوان مثال شبه جزیره هندوچین که ۵/۱ برابر ایران وسعت دارد، هفت واحد سیاسی را در بر می‌گیرد که هر کدام با واحدهای سیاسی همجوار خود درگیریهایی خونین و نبردهای سنگینی داشته‌اند که توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنان را به تعویق انداخته است. این منازعات چیزی جز میراث شوم استعمار نبوده و هنگامی که به تاریخ نفوذ استعماری در کشورهای این منطقه دقیق شویم سرنخهایی از مایه استعماری به چشم می‌خورد. استکبار جهانی در سیاست کلی تقویت حضور همه جانبه در نقاط استراتژیکی و جهت استقرار پایگاههای سیاسی نظامی پس از این که خود در نواحی استراتژیکی چون آسیای

جنوب شرقی پدید آورد و هر کدام از کشورها را بر علیه دیگری تحریک نمود، برای تقویت بنیه سیاسی، اقتصادی خود، آنان را وادار نمود که برای وحدت خود (در ظاهر) و در باطن برای حفظ منافع استکبار، پیمانهای نظامی سیاسی و اقتصادی بوجود آورند. در این راستا امریکا در سال ۱۹۶۷م پیمان به اصطلاح اقتصادی آ. سه. آن (۱۰) یا انجمن ملل جنوب شرقی آسیا را بدون حضور مستقیم خود پدید آورد تا از حساسیت چین بدان بکاهد. این اتحادیه با حضور ۵ کشور: مالزی، سنگاپور، فیلیپین، تایلند و اندونزی در بانکوک (در سال ۱۹۶۷م) موجودیت خود را اعلام نمود. در اولین اعلامیه این اتحادیه به موارد زیر تاکید شده بود: شتاب در رشد اقتصادی کشورهای عضو، پیشرفت اجتماعی و توسعه فرهنگی از طریق احترام به روح برابری و مشارکت در همکاری به منظور ایجاد جامعه‌ای صلح طلب از ملتهای آسیای جنوب شرقی، استقرار صلح و ثبات در منطقه از طریق احترام به عدالت و نظامات قانونی، اما در عمل جز تامین منافع استکبار جهانی و در راس آن آمریکا، فعالیت عمده دیگری نداشته است. پیمان دفاعی جمعی آسیای جنوب شرقی (سیتو) (۱۱) در سال ۱۹۵۴م توسط استرالیا، آمریکا، فرانسه، انگلستان، زلاندنو، پاکستان، فیلیپین و تایلند به امضاء رسید که مقر آن بانکوک بود و در سال ۱۹۶۵م پاکستان از آن خارج شد و با سرنگونی رژیم ویتنام جنوبی در سال ۱۹۷۵م این سازمان در عمل کارآیی خود را از دست داد و منحل شد. در وضع فعلی دول غربی از منابع اقتصادی و آبراههای استراتژیک این منطقه که دو اقیانوس هند و آرام را بهم متصل می‌کند نیز بهره‌برداری می‌نمایند و پایگاه‌های نظامی امریکا در اغلب جزایر این منطقه استقرار دارد. تا زمانی که پای استعمار به کشورهای این منطقه گشوده نشده بود، ساکنین آن به زبان مشترک اسلامی مالی که با خط عربی نوشته می‌شد، سخن می‌گفتند و قدرت مسلمین در آسیای جنوب شرقی در ناحیه‌ای به طول ۷۰۰ کیلومتر از ناحیه آراکان (در غرب میانمار فعلی) در غرب تا ناحیه پاپوا در شرق و در امتداد خط استوا، ادامه داشت. کشورهای آچه (۱۲) (سوماترای فعلی) مالایا، پاتانی، بورنئو، جاوه، سلبس، مولوکاس، میندانانو، لوزن و جزایر متعدد دیگر به صورت مستقل و تحت قوانیت اسلامی اداره می‌شدند. در ۲۶ مارس ۱۸۷۳م ارتش هلند به سرزمین اسلامی آچه (سوماترا) حمله بود ولی در آوریل همان سال کست‌سختی را متوجه خود نمود ولی بعد از مدتی با غلبه بر جاوه به استعمار سرزمین اندونزی پرداخت. (۱۳) گرایش مردم آسیای جنوب شرقی به اسلام تحت اجبار و حتی فتوحات نظامی نبوده و بلکه غالباً از قدرت جاذبه‌ای نشأت گرفته است که مسلمانان در برخورد با مردم این سرزمین از خود بروز می‌داده‌اند «روژه دو پاسکیه می‌نویسد: «در کشوری چون اندونزی که در حال حاضر از لحاظ تعداد مسلمانان نخستین ملت مسلمان عالم است، حضور اسلام هرگز جنبه نظامی نداشته است بلکه بازرگانان مسالمت‌جوی عرب بوده‌اند که بدانجا رفته و اسلام را عرضه داشته‌اند. اسلام در میان اقوام بالی نیز گسترش یافت و در پایان قرن چهاردهم میلادی تا فیلیپین دامن کشیده و خصوصاً در جزایر جنوبی آن پیشروی کرده است هنگامی که اسپانیایی‌ها به این مجمع‌الجزایر رسیدند، کوشیدند تا همانطور که در اسپانیا و مغرب با اسلام مبارزه کرده بودند در اینجا هم نبرد کنند.» (۱۴) اسلام در جنوب شرقی آسیا توسط مسلمانان عرب، ایرانی و هندی گسترش یافت. بازرگانانی که بین خاور دور و خاور میانه به نقل و انتقال اجناس می‌پرداختند، در جزایر جنوب شرقی آسیا توقفی نموده و رفته رفته در آن ساکن شده و با زنان بومی ازدواج نموده‌اند که این برنامه در اسلام آوردن مردم آن نواحی تاثیر داشته است. اهل تصوف و عرفان نیز از مبلغان دیگر در این نواحی بوده‌اند. با سقوط بغداد به دست مغولان عده‌ای از فقها به جزایر آسیای جنوب شرقی آمده و به نشر و تبلیغ اسلام پرداختند. کشورهای آسیای جنوب شرقی با ۵۰۰۰۰۰/۴ کیلومتر مربع وسعت در حدود ۴۱۰ میلیون سکنه دارند. پروسعتترین و پرجمعیت‌ترین آنها اندونزی و کم وسعتترین آن سنگاپور است اما کم جمعیت‌ترین آن بروئی می‌باشد. بالاترین تراکم سکنه را سنگاپور بخود اختصاص داده که در هر کیلومتر مربع آن متجاوز از ۴۶۰۰ نفر زندگی می‌کنند. بیش از نیمی از سکنه آسیای جنوب شرقی مسلمان هستند که حدود ۲۰۰ میلیون نفر آن در سه کشور اسلامی اندونزی، مالزی و بروئی می‌باشند و بقیه بصورت اقلیت‌های مسلمان در ۷ کشور دیگر این ناحیه سکونت دارند.

اسلام در فیلیپین و مسلمانان مورو

کشور فیلیپین با ۳۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت به صورت جزایری در جنوب شرقی آسیا و در آبهای اقیانوس آرام واقع است، از ۷۱۰۷ جزیره آن تنها ۱۱ جزیره ۹۵٪ وسعت آنرا در بر می گیرد غالب جزایر آن که به صورت کوهستانی یا نیمه کوهستانی هستند منشا آتشفشانی دارند. ۵۸ میلیون نفر سکنه دارد که حدود ۴۰٪ آن در کانونهای شهری سکونت دارند. اکثریت نژادی آن را گروه ماله‌ای تشکیل می‌دهند. دین اکثریت مسیحی و غالباً کاتولیک مذهبند. کشور فیلیپین به مناسبت رسوخ استعمار اسپانیا در قرن شانزدهم میلادی بنام «فیلیپ دوم به این عنوان معروف گشت و بعدها به خاطر زیبایی خاص، آنرا «مروارید اقیانوسها» گفته‌اند. اسلام در سال ۷۸۲ هجری مطابق با ۱۳۸۰ میلادی به این کشور راه یافت. جهانگردان و بازرگانان مسلمان اعم از عرب، هندی و ایرانی با خوش سلوکی و رفتار شایسته و موعظه حسنه با مردم، افراد این دیار را به پذیرش اسلام متقاعد نمودند. اسپانیایی‌ها که در سال ۱۴۹۲م حکومت ۷۸۱ ساله مسلمین را در اندلس سرکوب نمودهبودند و از آن تاریخ نسبت به مسلمین کینه‌ای شدید در دل داشتند که در جنگ‌های صلیبی تشدید شده بود، با ورود به فیلیپین با مسلمانان روبرو شدند، که به آزار شدید آنان پرداختند. البته قبل از آنها در سال ۱۵۲۱م فردیناند ماژلان (۱۵) به فیلیپین رسید اما توسط بومیان مسلمان کشته شد. ۴۴ سال بعد نیروهای اسپانیایی‌ها به رهبری دولگاسپی با تعدادی سرباز و کشیش به سوی این سرزمین روانه شدند در هنگام ورود این مهاجمین، مسلمانان دارای تشکیلات و سازمان پیشرفته اجتماعی و اقتصادی بودند. (۱۶) «راجا سلیمان رهبر آنها، مردی شجاع بود و از تهدیدهای قوای غربی ترسی بدل راه نداد. اما قوای اسپانیایی با استفاده از رودخانه «پاسای به مرکز قبیله راه یافتند (۱۷) و مسلمانان را مورد آزار و شکنجه‌های شدید قرار دادند، ولی مسلمانان تا آخرین قطره خون جنگیدند و زنان و کودکان آنان به اسارت متجاوزین درآمدند. راجا سلیمان پس از مبارزات طولانی در این حمله به قتل رسید و مقر حکومتش سقوط نمود. لگاسپی‌ها بعدها بخاطر این پیروزی در سال ۱۵۷۱م مرکز حکومت استعماری اسپانیا را بر مجمع الجزایر فیلیپین، شهر مانیل - محل حکومت مسلمانان - قرار دادند با این وصف اسپانیایی‌ها نتوانستند به جزایر میندانائو و سولو که مقر مسلمین بود نفوذ کنند. سقوط شهر مانیلا - آغاز جنگ بزرگی بود که به مدت یک قرن از سال ۱۵۶۵ تا ۱۶۶۳م ادامه یافت (۱۸) پس از سال ۱۵۸۱م اسپانیایی‌ها کوشیدند تا سلطنت سولو و مانجونیادانا را نابود کنند اما با وجود محاصره شدید، این دو مرکز، استقلال خود را حفظ نمودند. در سال ۱۶۳۵م قوای اسپانیایی حملات خود را از سر گرفته و در زامبونگا قلعه‌ای را به صورت دیر درآوردند اما حکمرانان این دو ناحیه در سال ۱۶۶۳م با باز پس گرفتن قلعه مذکور انتقام سختی از اسپانیایی‌ها گرفته و آنان را از جنوب راندند. در یکی از نامه‌هایی که یکی از مقامات رسمی اسپانیایی مستقر در مانیل خطاب به پادشاه اسپانیا فرستاده به عجز قوای خود در مقابل «موروها» اشاره نموده است. (۱۹) نیروهای اسپانیایی در سال ۱۷۱۸م حملات خود را آغاز کردند اما دخالت انگلیس در سال ۱۷۶۲م نوعی آرامش بوجود آورد و دولت‌های سولو و مانجونیا دانا با وجود آنکه بسیاری از سرزمین‌های تحت قلمرو خود را از دست دادند از سال ۱۸۱۵ تا هنگام تهاجم امریکائی‌ها که در سال ۱۸۹۹م صورت گرفت استقلال خود را حفظ نمودند و شدت و اوج مبارزات از این سال تا ۱۹۱۳ میلادی ادامه داشت. امریکائی‌ها در آغاز از طریق مسالمت وارد شدند و با مدرسه‌سازی و تاسیس مراکز درمانی می‌خواستند توجه موروها را به خود جلب کنند ولی بعدها با خشونت و درگیری وارد شدند و به گفته «چارلز هاگدرون در میندانائو به کشتار شدید انسانهای مسلمان و نابودسازی مزارع آنان پرداخته و رفته رفته با تعقیب سیاست وحدت فیلیپین، اداره امور را به مسیحیان واگذار نموده ولی خود در راس امور بودند. مسیحیان نیز از این تفویض قدرت سوء استفاده نموده و به غصب سرزمین موروها، حق کشی، تبعیض و تنگناهایی پرداختند و با این وضع تفر بین موروها و مسیحیان شدت گرفت. سرانجام در سال ۱۹۳۴م امریکا لایحه‌ای ارائه داد که به موجب آن فیلیپین استقلال یابد. اعتراض به این قانون از سوی موروها ثمری نداشت و

در مارس ۱۹۳۷م قانون اساسی تدوین و دولت مشترک المنافع در نوامبر همین سال با رئیس جمهوری «مانوئل کی زون» وجود آمد . با شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۱م نیروهای ژاپنی ، ارتش امریکا را وادار به عقب نشینی نمودند . ولی در چهارم ژوئیه ۱۹۴۶م در روز ملی امریکا ، نیروهای ژاپنی بیرون رانده شده و خود دوباره بر این سرزمین استیلا یافتند و صلاح را در آن دیدند که در سال ۱۹۴۷م استقلال فیلیپین را اعلام کنند . با اعلام استقلال ، مسیحیان خود را میراث خوار استعمارگران دیدند و اختلاف بین آنها و موروها فزونی گرفت . در این سال اولین رئیس جمهور ، قراردادی نظامی با امریکا بست که بر اساس آن برای مدت ۹۹ سال پایگاههای نظامی امریکا را در خاک فیلیپین حفظ کند و حتی به موجب یکی از مفاد این قرار داد قرار شد در عملیات نظامی امریکا ، نیروهای فیلیپین شرکت فعال داشته باشند . این قرارداد بعدا زمینه ساز سازمان پیمان جنوب شرقی آسیا (سیتو) گردید . پس از فشارها ، قتل عامها و غصب املاک سرانجام به سال ۱۹۶۸م جنبش استقلال مسلمانان درمینداناو بوجود آمد ولی جهت سرکوبی مسلمین عملیات تروریستی بر علیه آنان ترتیب داده شد . قتل عامهای فجیع ، محیط وحشتزای ناشی از کشتار زنان و کودکان ، حمله به انبارها و کتابسوزی از جمله برنامه‌های ایزائی بود که بر علیه مسلمین صورت گرفت . سربازان دولتی نیز مدافع و حامی این گروههای تروریستی بودند فشارها آنقدر شدت یافته بود که اعتراض کشورهای لیبی و مالزی را بدنبال داشت که تحت تاثیر این اعتراضها ، دولت بین قوای تروریستی صلحی را منعقد نمود اما عملا تحقق نپذیرفت . در سال ۱۹۷۱م دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی نگرانی خود را از وضع مسلمانان فیلیپین اعلام نمود و از مارکوس خواست تا اجازه دهد نمایندگان کشورهای اسلامی از سرزمین موروها دیدن کنند . بدنبال آن و در سال ۱۹۷۲م نمایندگان ۸ کشور مسلمان از سوی سازمان کنفرانس اسلامی عازم مناطق مسلمان نشین فیلیپین شدند اما متاسفانه برخلاف آن همه قتل عامها و کشتارهای وحشیانه این گروه گزارش دادند که برای از بین بردن مسلمانان اقداماتی صورت نمی گیرد ! جبهه آزادیبخش ملی مورو در سال ۱۹۷۴م بنیان نهاده شد تا مبارزین را برای حمله علیه قوای دولتی منسجم کند . (۲۰) از آن سوی مارکوس در مناطق مسلمان نشین برای جلوگیری از هرگونه تحرکی ، حکومت نظامی اعلام کرده بود . در زمان مارکوس ، به خاک مسلمین تجاوز می گردید ، خانه‌ها آتش زده می شد ، با تبلیغات زیاد به تحقیر مسلمانان پرداخته و تقید به دین اسلام را نشانه عقب افتادگی تلقی می کردند ، برای عمران و آبادانی نواحی تحت سکونت مسلمین اقدام جدی صورت نگرفت ، آموزش و پرورش وضع اسف انگیز داشت و مطالب درسی یا با فرهنگ آنها مخالف ، یا توأم با موضوعات اهانت آمیز بود به گونه‌ای که افراد باسواد به مسیحیت گرایش یافتند و مسلمان بودن با حقارت توأم گردید . از نظر ارتش فیلیپین ، هر مسلمان یک چریک محسوب می گردید . تشکیلات اداری و قضایی بر سر امور مسلمین مانع تراشی می کرد . (۲۱) تحت عناوین مجتمع‌های صنعتی - کشاورزی منابع و ذخائر مسلمین توسط سرمایه داران غارت شده ، در انجام خدمات قرار داشتند . در سال ۱۹۷۹م گروههای مسلحی بنام «لاگوس ظاهر شدند که به کشتار زنان و مردان مسلمان می پرداختند که معلوم شد نیروهای پلیس ، این گروههای مسیحی را اداره می کنند . بر اثر بمباران و حملات ارتش فیلیپین تا کنون قریب به دو میلیون مسلمان آورده شده‌اند و حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر به مالزی پناهنده شده و در ایالت صباح این کشور اسکان یافته‌اند . ۵۰۰ مسجد و ۲۰۰۰۰۰ خانه سوخته و بیش از ۲۰۰ مدرسه دینی تخریب شده است . پناهندگان فیلیپینی که در داخل این کشور هستند تحت فشارهای شدید اقتصادی می باشند و بدلیل مهاجرت اجباری به نقاط غیربومی و شهری با مشکلات عدیده‌ای از قبیل بیکاری و عدم مهارتهای لازم برای قبول فعالیتهای صنعتی روبرو هستند . در این مناطق پناهندگان ، میهمان سایر مسلمین بوده و آنان ناچارند غذای خود را با آوارگان تقسیم کنند و از این بابت فشار سختی را تحمل می کنند . ۸۵٪ کودکان دچار سوء تغذیه‌اند و ۳۰٪ کودکان واجب التعلیم به مدرسه نمی روند . دشواری دیگر اینکه افراد مسیحی در غیاب مسلمانان آواره ، اراضی زراعی آنان را مصادری کرده و در آنها به کشاورزی مشغولند با این همه مسلمانان فیلیپین که سابقه قریب به ۴ قرن مبارزه را با استعمارگران اسپانیائی ، متجاوزین امریکائی و ژاپنی دارند از استقامت در مقابل دولت حاکم بر این سرزمین مایوس نشده و در احقاق ترضیع شده خود همچنان مقاوم و استوارند

پی‌نوشتها

۱- بازتاب انقلاب اسلامی بر شیعیان پاکستان - حمید توکلی کرمانی - کیهان . ۲- به نقل از اظهارات دکتر محمد بوزئیر ، سیمای جمهوری اسلامی ایران ، شبکه اول ۱۴/۷/۷۱ ساعت ۱۰/۸ تا ۴۰/۸ . ۳- روزنامه اطلاعات ش ۱۹۴۲۱ . (۴) S . M . Gill - کشف بنگلادش نوشته گیل ۵- نگاهی به اوضاع مسلمانان بنگلادش اتیوپی و شوروی ترجمه حمید رضا شیخی - نشریه مشکوه ش ۲۱ ، زمستان ۶۷ . ۶- اقلیت‌های مسلمان ، ترجمه ایرج کرمانی ص ۲۴۲ و ۲۴۳ . London . The Diccovery of Bangladesh
 ۷- Association of South east Asian Melkshamcolin v- venton (۱۹۷۲) p : ۱۴۳ . Taka ۸- kardiva ۹- South east Asia . ttratry organization (SEATO) ۱۱- ۱۲- ASEAN) Nation - آنچه منطقه‌ای از کشور اندونزی است و مورخین از میراث‌های غنی و قدرتمند اسلام و سابقه تاریخی و حضور دیرباز این مکتب در آنچه خبر می‌دهند ، اسلام وارد مالزی شد . ۱۳- مجله پیام انقلاب شماره‌های ۲۰۰ و ۲۰۱ . ۱۴- اسلام و بحران عصر ما - روزه دوپاسکیه ترجمه و تحریر دکتر حسن حبیبی . ۱۶- ۱۵- ferdinand Magellan - اقلیت‌های مسلمان صفحات ۱۶۰ و ۱۶۱ . ۱۷- اسلام در فیلیپین به قلم دکتر احمد آلتو . ۱۸- اقلیت‌های مسلمان ترجمه ایرج کرمانی ص ۲۴۵ . ۱۹- مسلمانان مورو - محمد کاظم توکلی ص ۶۷ . ۲۰- امریکا که این جنبش را بر سر راه خود دید در سال ۱۹۷۴م با بمب ناپالم به کشتار مسلمین پرداخت . ۲۱- مسلمانان فیلیپین - دکتر قیصر ادیب ترجمه سید ابراهیم سید علوی .

سرزمین مسلمانان نشین بانگسامورو

سرزمین محل سکونت مسلمانان مورو به «ارخیل یا «بانگسامورو» موسوم است که به ۱۷۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت بالغ می‌گردد (۱) و ۱۳ استان مسلمان نشین را دربر می‌گیرد که شامل جزایر ارخیل ، سولو ، تاوی تاوی ، باسیلان ، میندائو و استانهای زامبتای شمالی و جنوبی ، لاناوای شمالی و جنوبی ، و نیز استان وابا می‌باشد . جزیره پالاوان از منابع غنی نفت برخوردار است که هم اکنون دولت فیلیپین از ذخائر آن بهره برداری می‌نماید . این سرزمین از منابعی چون آهن و مس برخوردار است و از طریق بندر زامبونگای در جزیره سولو بخش عمده تجارت کف جهان انجام می‌گیرد . جزیره تاوی تاوی نیز از نقطه نظر استراتژیکی ارزش فوق العاده‌ای دارد . از ۵۸ میلیون سکنه فیلیپین بیش از ده میلیون نفر مسلمان هستند . آنها در لاناو و کوتاباتو بیشترین تراکم را دارند زبان موروها از مالایا و پولنیز ریشه گرفته ، ولی هر قبیله‌ای با لهجه‌ای خاص تکلم می‌کند . زبان عربی نیز بین مسلمانان مورو رواج دارد . (۲) جبهه آزادی بخش مورو که برای آزادی این سرزمین می‌جنگد از سال ۱۹۶۸م تا ۱۹۷۱م فعالیت سری داشت ولی از سال ۱۹۷۲م فعالیت خود را علنی نمود . در مبارزه عقیدتی مسلمانان و دولت مرکزی تا کنون متجاوز از صد هزار نفر کشته شده‌اند . این جبهه قبل از مداخله سازمان کنفرانس اسلامی به توانمندیهای قابل ملاحظه‌ای دست یافته بود ولی با مداخله کشورهای مالزی و اندونزی که از اعضای این سازمان بودند مقرر شد که این جبهه خود مختاری را تحت حاکمیت رژیم مانیل نپذیرد و دست از استقلال بردارد . در سوم ژانویه ۱۹۸۷م (۱۳ دیماه ۱۳۶۵) رژیم مانیل موافقتنامه‌ای را با جبهه آزادی بخش مورو با شرکت توشیح رئیس وقت سازمان کنفرانس اسلامی امضاء نمود و متعهد گردید که ۱۳ استان خود مختار مسلمان نشین را به رسمیت بشناسد . ولی به تعهدات خود آنگونه که در این موافقتنامه آمده بود عمل نکرد . و از طریق ژاندارمریها و تقویت آنان ره درگیری با مسلمانان پرداخت . البته مسلمانان با تحصیل در دانشگاههای خارج و ارتباط بیشتر با نهضت‌های جهان و بازیابی ارزشهای اصیل

خود و تاثیر پذیری از انقلاب اسلامی ایران جنبش خود را تقویت می نماید. در زمانهای قدیم رومیان به مردمان شمال غربی آفریقا مورو می گفتند بعدها این عنوان به مسلمانان شمال آفریقا اطلاق شد و اسامی موریتانی و مراکش (موراکش) نیز تداعی عنوان مذکور است. ساکنین مسلمان فیلیپین را نیز اسپانیایی ها «مورو» نامیدند. این قوم بر خلاف فشارهای شدید و از دست دادن هستی مادی خود به بسیاری از سنتهای اسلامی پای بند بوده و شئون اسلامی را رعایت می کنند. ماه رمضان را روزه می گیرند. زکات داده و فقرا را مورد توجه قرار می دهند. در مساجد آنان اذان گفته می شود و آنان این مراکز عبادی را بر کنار دریاچه ها و رودخانه ها ساخته اند تا هم برای نظافت و وضو مشکلی پیش نیاید و هم محل عبادت د نواحی باصفا و با طراوت واقع باشد تا جذب آن افزون گردد. همه ساله به حج می روند و در هنگام بازگشت حجاج کوچه ها را آذین می کنند. روز اول محرم، روز میلاد حضرت محمد (ص)، لیلۃ المعراج، عید قربان و عید فطر پنج عید رسمی موروهاست. اعتقادات سنتی و باورهای بومی آنان رنگ اسلامی دارد، روز عاشورا را گرامی می دارند، از حرام پرهیز می کنند، بر فرزندان خود نام اسلامی می گذارند و احکام شرعی اسلام را در زندگی خود جاری نموده اند. یکی از موضوعاتی که اقتدار مسلمانان فیلیپین را خدشه دار می کند اختلافات شخصی و قبیله ای میان رهبران آنان می باشد. این حرکت موجب آن شده تا مسیحیان و دولت فیلیپین برای گسترش عملیات تبلیغی خود توفیق بیشتری یابند. مسلمانان مورو به لحاظ فرهنگی نیز رونقی ندارند زیرا مدارس دینی صرفا زبان عربی و اسلامی تدریس می کنند و زبان انگلیسی را چون در برنامه های خود ننگنجانده اند دولت از ورود فارغ التحصیلان این مدارس در دانشگاهها و مدارس عالی جلوگیری می نماید از اینرو آنان قادر نیستند مدارج عالی علمی را طی کنند. بعد از فردیناند مارکوس، خانم اکینو روی کار آمد که با وجود اتکا به ارتش و قدرت امریکا نتوانست به اصلاحات اساسی دست بزند و از حمایت مردم هم برخوردار نبود و مخالفت مسلمانان را از طریق ارتش وابسته به آمریکا سرکوب نمود و پایگاههای هوای کلارک در شهر پامپانگا و پایگاه دریایی سوسیک در بندر باتان (در جزیره لوزان) که مربوط به امریکا است همچنان از سوی این دولت حفاظت می شد. در سال ۱۹۹۲م پس از انتخابات که در میان موجی از حملات چریکی، انفجار و آدم کشی صورت گرفت. ژنرال فیدل راموس که قبلا وزارت دفاع را به عهده داشت روی کار آمد که به امریکا و قوای نظامی متکی است و نه تنها مسلمانان با روی کار آمدن او روز آسایش ندیده اند بلکه دیگر اقشار مردم با دشواریهای عدیده ای روبرو شده اند. (۳)

سنگاپور

کشور سنگاپور (۴) که از کوچکترین مناطق جهان است با ۶۱۸ کیلومتر مربع در جنوب شرقی آسیا واقع است و گویی همچون قطره ای از نیمه غربی مالزی چکیده است. سنگاپور قبلا به شهر دریائی معروف بود و بعدا به شهر «شیر» مشهور گردید. سنگاپور که بین مالایای غربی از مالزی و سوماترای اندونزی قرار دارد در سال ۱۹۶۵م از انگلستان مستقل گردید. این کشور از سال ۱۹۶۳م تا زمان استقلال جزو فدراسیون مالزی بود. در این بندر کوچک و کشوری که به شهر می ماند، پیروان ادیان در نهایت صلح و آرامش در کنار هم زندگی می کنند. مسلمانان آن از نژاد عرب، انونزی، مالیزی، چینی، پاکستانی و هندی می باشند و دومین گروه جمعیتی آن مسلمانان هستند. از ۳ میلیون سکنه سنگاپور یک میلیون نفر اسلام را به عنوان آئین خود اختیار نموده اند. محله ای بنام محله اعراب دارد (۵) که به مسلمین تعلق دارد و در آن آداب و رسوم و معماری و فرهنگ اسلامی مشاهده می شود. در گذشته اغلب ساکنین این محله عرب بودند ولی مهاجرین اندونزیائی، مالزی و برخی کشورهای دیگر در آن اقامت گزیدند. (۶) قدیمی ترین مسجد سنگاپور «مولوکا» نام دارد که در سال ۱۸۲۰م احداث شده است. (۷) غیر از آن ۱۵۰ مسجد در این کشور کوچک وجود دارد و مجلس العلما که در سال ۱۹۶۸م تاسیس شده بر امور مسلمین و اماکن مذهبی نظارت دارد. جمعیت علما و حوزه های دینی و مراکز اسلامی با نشریات خود به تبلیغات دینی گسترده ای می پردازند و تعداد مجلات و تیراژ آنان قابل توجه

می‌باشد. گاهی اماکن مذهبی و مساجد مسلمین در همسایگی معابد قرار گرفته است.

ویتنام

کشور ویتنام با ۳۳۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۶۱ میلیون نفر سکنه در آسیای جنوب شرقی و شرق جزیره هندوچین قرار گرفته و کشورهای چین، لائوس به ترتیب همسایگان شمالی و غربی آن هستند. ویتنام در سال ۱۹۷۶م استقلال خود را بدست آورد. مسلمانان آن اغلب از قوم شامی (چامی) هستند که با مسلمانان کامبوجی ریشه مشترک دارند. در سال ۱۹۹۰م تعداد آنان به ۶۵۰۰۰ نفر بالغ می‌گردید. تعدادی از ویتنامی‌های اسلام آورده نیز جزو آنها هستند که در هانوی مرکز حکومت زندگی می‌کنند. با روی کار آمدن نظام مارکسیستی از سال ۱۹۷۵م صدها نفر از مسلمانان ویتنام به مالزی و یمن مهاجرت نمودند. در این دوران اغلب مساجد مسلمین بسته شد و مراسم اجتماعی آنان با موانعی جدی روبرو گشت. قبل از روی کار آمدن این نظام، برخلاف آتش جنگ، مسلمین وضع بهتری داشتند و گرچه بعداً در جهت محو و هضم آنان در گروه‌های دیگر اقدامی به عمل نیامد ولی خود احساس نمودند از نظر نژادی با اکثریت ویتنامی بیگانه‌اند. لذا عده‌ای از آنان راه مهاجرت را در پیش گرفتند.

لائوس

کشور لائوس با ۲۳۶۸۰۰ کیلومتر مربع وسعت در شبه جزیره هندوچین قرار دارد. این سرزمین محصور در خشکی است و به دریا راه ندارد. اغلب نقاط آن را ارتفاعان و ناهمواری‌ها پوشانیده و جلگه‌ها در کنار رود مکنگ واقعند ۴۲۰۰۰۰۰ نفر سکنه دراد که ۳۲۰۰۰۰ نفر آنان مسلمانند. مسلمانان از نژاد چام (شام) و اغلب چینی هستند. حالت بیگانگی و احساس حقارتی که در مقابل دیگر گروه‌های نژادی برای مسلمانان وجود دارد آنان را وادار به مهاجرت نموده است و تمایل دارند به سوی مالزی بروند. در دهه ۶۰ که لائوس وضع ناگواری داشت مسلمانان آسیبهای فراوانی دیدند و با روی کار آمدن کمون...ها، فشار بر آنان شدت بیشتری یافت.

کامبوج

کامبوج در شبه جزیره هندوچین و در کنار خلیج تالند (سیام) قرار گرفته است وسعت آن ۱۸۱۰۳۵ کیلومتر مربع می‌باشد. سکنه آن به ۷۴۰۰۰۰۰ نفر بالغ می‌گردد که اکثریت آن از نژاد خمر هستند. دین غالب مردم بودائی است. حدود نیم میلیون نفر مسلمان نیز در این کشور ساکن هستند. مسلمانان کامبوج از عقباب مردم ناحیه بزرگی بنام شامپا (چامپا) هستند که بر ساحل شرقی شبه جزیره چین گسترده شده‌اند این گروه جزو افراد مالزی و پولینزی هستند که از قرن دوم میلادی به بعد دست به تشکیل حکومتی زدند. این ناحیه (ساحل شرقی هندچین) در ابتدا، تحت تاثیر هند بود ولی بعداً با سرزمین‌های اسلامی روابط بازرگانی برقرار نمود. اسلام در سال ۷۸۵ هجری مطابق با ۱۳۸۳ میلادی بوسیله بازرگانان هندی، عرب و ایرانی وارد این سرزمین گشت و حتی دلایلی در دست است که قبل از آن و در قرن یازدهم میلادی تعدادی مسلمان در کامبوج می‌زیسته‌اند. بزرگترین ناحیه مسلمان نشین کامبوج قبل از روز کار آمدن خمرهای سرخ ناحیه کمپنگ شام بود که حدود ۳۰۰۰۰۰ نفر مسلمان در آن می‌زیستند. هنگامی که از ۱۷ آوریل ۱۹۷۵م رژیم «پول پوت و خمرهای سرخ روی کار آمدند، شدیدترین فشارها متوجه مسلمین کامبوج گردید. قبل از آن و در سال ۱۹۷۰م ۱۰٪ اهالی کامبوج مسلمان بودند ولی خمرهای سرخ با ادعای سوسیالیزم، حرکات وحشیانه‌ای نسبت به مسلمین اعمال نمودند. آنان دربهای مساجد را بسته، کتابهای مذهبی را سوزانیدند و شخصیت‌های مذهبی را به نقاط نامعلومی

بردند. اماکن مذهبی و مساجد تبدیل به اصطبل خوکها گردید. سازمان اداره امور اسلامی که قبل از خمرها توسط دولت مرکزی به رسمیت شناخته شده بود، منحل شد. (۸) در نوامبر ۱۹۷۴م متجاوز از ۳۵۰۰ روستای ناحیه «کمپنگ شام گلوله باران گردید. خمرها برای از بین بردن وحدت مسلمانان، از طریق تبعید اجباری و فشارهای نظامی، آنان را پراکنده نمودند. برخی را به نقاط جنگی و دشتهای تبعید کردند. دختران مسلمان را با ارباب و تهدید به ازدواج سربازان خمری درآوردند. تنها مسلمانان قبیله چام را در یک یورش، دستگیر و دستهای آنان را از پشت بسته و با بستن وزنه‌های سنگین به این افراد مظلوم و بی‌پناه، بیرحمانه آنها را به قعر دریا فرو فرستادند. بچه‌های مسلمان را از درخت آویزان کرده (در حالی که آنان در کیسه‌های پلاستیکی بودند) و از این کار لذت می‌بردند. در کونگ ماس که هزاران مسلمان زندگی می‌کردند بر اثر فشار دولت مرکزی و قتل عام شدید اکنون صرفاً یک خانواده مسلمان زندگی می‌کنند. در تحیم که ۲۰۰۰۰ نفر مسلمان داشت اکنون یک نفر هم زندگی نمی‌کند. بد نیست بدانید که رژیم خمر در طول ۴ سال حکومت، ۳ میلیون نفر از مردم کامبوج را کشت که ۲۵٪ آنان مسلمان بودند. (۹) با سرنگونی رژیم خمر سرخ در سال ۱۹۷۹م، بذره‌های امید و نهال شادمانی در قلب مسلمین کامبوج کاشته شد و وقوع انقلاب اسلامی در ایران آنان را نسبت به آینده خود امیدوار نمود.

دولت بودائی تایلند (سیام) و مسلمانان فطانی

تایلند در جنوب شرقی آسیا و شبه جزیره هندوچین بر کنار خلیج سیام قرار دارد. ، ۵۱۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت آن است و ۵۳ میلیون سکنه دارد. مرکز حکومت آن بانکوک است. اسلام در اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم توسط مسلمانان مالزی و بازرگانان هندی و عرب باین سرزمین وارد شد و در آنجا گسترش یافت. مسلمانان، غالباً در نواحی جنوبی، و در نزدیکی مرز تایلند با مالزی استقرار دارند و ۹۰٪ مردمان این نواحی پیرو آئین اسلام هستند. سرزمینی که تحت قلمرو مسلمین است به فطانی یا پنانی مشهور است که قبل از اشغال آن توسط تایلند، مساحت آن به بیش از ۸۲۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ می‌گردد و ۱۲ ایالت را در بر می‌گرفت. این منطقه از شمال به تایلند، از جنوب به مالزی، از غرب به اقیانوس هند و از شرق به دریای چین محدود است و پس از اشغال آن توسط مهاجمین تایلندی مساحت آن به ۲۶۲۴۰ کیلومتر مربع تقلیل یافت که شامل چهار ایالت فطانی، جالا، بنجارا و نصف مساحت کل «سنگورا» می‌شود. از ۵/۴ میلیون سکنه فطانی، ۴ میلیون نفر مسلمانند که از نژاد مالزی و اندونزیایی می‌باشند (۱۰) و از نظر فرهنگی، مذهبی و نژادی هیچ رابطه‌ای با ملت تایلند و زبان تائی ندارد. زبان مسلمانان مالزی و اندونزیایی است که با حروف عربی و لاتین نوشته می‌شود. اکثریت مردم در روستاها سکونت داشته و اساس اقتصاد مردم را کشاورزی تشکیل می‌دهد. بقیه در امور خدماتی و صنعتی مشغول بکارند. برنج، کائوچو و نارگیل از محصولات مهم فطانی است. و به لحاظ تولید سبزی و میوه هم اهمیت دارد. چوب، ماهی و نمک از اقلام صادراتی آن می‌باشد و معادن سنگ آهن، طلا، سرب و مس و نقره در آن وجود دارد با این همه بدلیل فشارهای استعماری و سیاستهای منفی دولت تایلند مردمان این سرزمین در فقر و تنگدستی به سر می‌برند و به لحاظ آموزشی، رفاهی و اجتماعی وضع ناگواری دارند. مدتها بود که مناطق مرزی تایلند و مالزی در اختیار ملت مالایی قرار داشت و سالها ود که کشور مالایی بایانی قبل از تاسیس کشور بزرگ مالایی مالکا که در قرن پانزدهم میلادی قوام گرفت و به وجود آمده بود و از قدرتمندترین و غنی‌ترین دولتهای مالایی بود. در سال ۱۵۱۱م پرتغالی‌ها و تایلندی‌ها با هم توافق نمودند که به مالایا حمله و این سرزمین را تجزیه کنند. با وجود مبارزه ملت فطانی با تایلندی‌ها ژبا اشغال «قدح»، «فطانی و «ترنجانو» این سرزمین مستعمره تایلند شد. (۱۱) در سال ۱۶۰۳م مسلمانان، ارتش تائی را شکست‌سختی دادند و در سالهای ۱۶۳۲ و ۱۶۳۳ حمله آنان در دفع نمودند. بار دیگر در سال ۱۷۰۰ میلادی تایلندی‌ها از طریق تنگه کرای مناطق «ناکون سی تامارات، با تالونج و سونکلا را اشغال نمودند. در سال ۱۷۸۶م حملات قوای تایلند به فتح سرزمین فطانی منجر شد. اما مسلمانان تسلیم نشده و

به مبارزه ادامه دادند و در سالهای ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۱م نبرد سختی را با تایلها ترتیب دادند و طی سالهای ۱۸۰۸م تا ۱۸۳۲م علیه آنان قیام نمودند. نخستین انقلاب فطانی در سال ۱۸۸۷م به رهبری «تنکولمیدنی شروع شد که سرزمین فطانی را مستقل اعلام نمود اما در جریان این نبرد خود به شهادت رسید. در سال ۱۹۰۲م استعمار تایلند تمام قدرت امرای فطانی را بدست گرفت و نواحی این سرزمین را تحت قلمرو بانکوک درآورد و سلطنت مالای را ملغی اعلام نمود. اجرای شریعت اسلامی لغو شد و تعلیمات بودایی به اجرا درآمد. در سال ۱۹۰۹م انگلستان بدون در نظر گرفتن مسائل قومی و فرهنگی و نژادی مردم فطانی که با افراد مالزیایی در اشتراک بودند، موافقت نمود که فطانی جزو تایلند باشد. مسلمانان در سال ۱۹۲۳م در صف متحدی قیام نمودند که با ضربات شدید استعمارگران درهم شکست و فشار دولت بودایی تایلند بر مسلمانان محورم و مظلوم به حدی رسید که در سال ۱۹۳۸م ملت فطانی مجبور به پوشیدن لباس تایلندی و سخن گفتن به زبان تائی در مدارس شدند. سرانجام در سال ۱۹۶۸م از سوی علمای آگاه و جوانان پرشور و انقلابی «سازمان متحد آزادی بخش فطانی (فولو) تشکیل شد و مبارزات ۳۵۰ ساله مردم در تشکیلات منسجم و منظمی تداوم یافت. این سازمان در طول بیش از ۲۵ سال عمر خویش توانسته قریب به ۴۰ سازمان چریکی نیرومند و فعال ایجاد کند و در داخل خود تشکیلات دیگری پدید آورد هدف این سازمان بر مسائل زیر استوار است: تامین وحدت مسلمانان فطانی، تاسیس دولت مستقل اسلامی در نواحی تحت قلمرو مسلمین، تقویت روحیه مبارزاتی مردم، حفظ شئون اسلامی و فرهنگ ملی، جلب نظر جهانیان نسبت به مظلومین فطانی، رفع فقر، بیسوادی و بازگرداندن اراضی زراعی مسلمین - که قوای تایلندی آنها را تصاحب نموده‌اند. (۱۲) دولت تایی به سیاست خود مبنی بر عدم شناسایی قوم مالای به اعتبار ملیت مالائی ادامه می‌دهد و برای استحاله نژاد مالائی تعداد زیادی از آنان را به نواحی دیگر چون بانکوک آورده تا سرزمین بومی خود را فراموش کنند و نیز تجزیه و پراکنده گردند. با زبان آنان به شدت مبارزه می‌شود و آموزش آن کاملاً ممنوع است و قوم مالای ناچارند از فرهنگ «تای تبعیت کنند و حتی اسامی تایی برای فرزندان خود بر می‌گزینند، برنامه‌های تلویزیون مالزی هم چون با پارازیت توام است برای آنان قابل بهره‌برداری نیست، اسامی بسیاری از نقاط مالایی به نامهای تایی تغییر یافته است و هزاران نفر بودایی در مناطق جنوبی اسکان داده شده‌اند. مسلمانان تایلند، شافعی مذهبند و چون تحت تاثیر ادیان غیر الهی چون: بودائی و مکاتب ضد دینی می‌باشند با وجود آنکه روحیه‌ای اسلامی دارند در زندگی اجتماعی و سیاسی چندان فعال نبوده، ولی وقوع انقلاب اسلامی در ایران برای آنان نقطه قوت و نور امید بود که تلاش و تحرک سیاسی آنان را فزونی داد. تعداد مساجد تایلند به ۲۵۰۰ باب بالغ می‌گردد که تنها ۱۷۰۰ باب آن در نواحی جنوبی قرار دارند. در مدارس دینی که اکثریت آنها در ایالات جنوبی واقعند قرآن، زبان عربی، فقه و حدیث تدریس می‌شود. در تایلند، دانشگاه اسلامی وجود ندارد اما در دانشگاه «رامکام هانگ یک کرسی فقه اسلامی شافعی وجود دارد، ظاهراً در ایالت «ویتیلای سونکلانا» یک مدرسه عالی تاسیس شده که در آن علوم اسلامی تدریس می‌شود. وضع آموزشی فطانی آشفته است و میزان بیسوادی بالاست و بسیاری از کودکان لازم‌التعلیم از رفتن به مدرسه محرومند، نشریاتی به دو زبان تائی و مالی انتشار می‌یابد. شیعیان تایلند از نسل بازرگانی هستند به نام «شیخ احمد قمی که در سال ۱۶۰۱م از ایران به تایلند رفته و پس از موفقیت در امور بازرگانی، در دستگاه دولتی نفوذ و اعتباری یافته است. وجود هزاران شیعه در تایلند حاصل تلاش پرثمر این انسان وارسته است و اکنون آرامگاهش، زیارتگاه مسلمانان تایلندی می‌باشد. شیعیان در نقاط مختلف این کشور چندین مسجد و حسینیه دایر نموده‌اند.

دولت برمه (۱۳) و مسلمانان ناحیه آراکان

جمهوری برمه (میانمار) با ۶۷۶۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت در غرب شبهه جزیره هندوچین و در کنار خلیج مارباتان و بنگال و دریای آندامان واقع است و با چین در شمال، هند و بنگلادش در غرب و لائوس و تایلند در شرق مرز مشترک دارد. پایتخت آن قبلا

رانگون نام داشت که به یانکن تغییر یافت. برمه از مستعمرات سابق انگلیس است که بعد از جنگ دوم تا سال ۱۳۶۹ش، رژیم کمونیستی بر آن حاکم بود و تنها حزب قانونی آن، حزب برنامه سوسیالیستی خلق میانمار بود و با وجود انتخابات در سال ۱۳۶۹م سلطه نظامیان بر آن ادامه دارد. (۱۴) تاجران عرب در قرن اول هجری در ناحیه آراکان واقع در غرب برمه و در نقطه مرزی با بنگلادش اقامت گزیده و اسلام را در این سرزمین انتشار دادند. اما گفته می‌شود در سال ۵۸۸ هجری مطابق با ۱۱۹۲م، اسلام در این سرزمین گسترش یافت و در قرن نهم و دهم میلادی بازرگانان ایرانی و عرب در این مکان اسقرار یافته و به نشر اسلام پرداختند. مسلمانان ساکن هند نیز در این سرزمین به گسترش اسلام اقدام نمودند و مسلمانان برمه در سطح وسیعی با هند با هند به تجارت پرداختند. در سال ۱۸۷۰م عده‌ای از مسلمانان «یون نان موسوم به پانتای که در قیام این ناحیه شکست خورده بودند به صورت پناهنده از چین به برمه آمدند. برخی مسلمانان هم در شرایط عادی به عنوان بازرگان، چین را به قصد برمه ترک گفتند و لذا حرکت مهاجرین مسلمان به سوی برمه گسترش یافت. از بین مسلمانان برمه، آنان که منشاء هندی دارند برخی، از اعقاب مردمی هستند که در اواخر قرن هیجدهم از شمال هند به برمه آمدند تا به خدمت واحدهای ارتش بزرگ «آلومپرا» (۱۵) در برمه علیه درآیند، با فتح هند در سال ۱۸۲۴م بدست انگلیسی‌ها، مهاجرت وسیع مسلمانان هند به برمه شدت یافت و بسیاری از آنان در رانگون (Rangoon) مرکز برمه در تجارت و سایر فعالیت‌های اقتصادی شرکت داشتند. در رانگون و مناطق وسیع دیگر، سنی‌های بنگالی و جوامعی از شیعیان در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و هرکدام مراسم ویژه خود را دارند. مسلمانان برمه با مسلمانان چین نیز ارتباط خوبی دارند که پیوند اساسی آنان توسط «پانتاهای که قومی پرتوان و مهاجم بودند و در راههای تجاری «یون نان بو گذرگاههای خطرناک و کوهستانی برمه - با شغل کاروان داری در رفت و آمد بودند - مربوط می‌شود. (۱۶)

سرزمین اسلامی آراکان

ناحیه مسلمان نشین آراکان که در غرب برمه و در مرز این کشور با بنگلادش قرار دارد وسعتی برابر ۳۶۷۶۲ کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد که تعداد سکنه آن در سال ۱۹۶۹م به ۱۸۴۷۰۰۰ نفر رسید که شامل مسلمانان (اکثریت) و اقلیت بودائی بودند. در سال ۱۹۸۲م جمعیت آن ۲۶۰۰۰۰۰ نفر بود که ۱۴۶۰۰۰۰ نفر آن آئین اسلام را اختیار نموده بودند، در نواحی دیگر برمه نیز ۲۱۰۰۰۰۰ نفر مسلمان زندگی می‌کنند و بر حسب آمارهای رسمی در سال ۱۹۸۶م، ۵/۳ میلیون مسلمان در برمه بوده‌اند اما مسلمانان عقیده دارند تعداد زیادی از آنان سرشماری نشده و به هفت میلیون نفر بالغ می‌گردند. مسلمانان برمه از دو نژاد هندی و پاکستانی بوده و به زبانهای اردو و تامیلی صحبت می‌کنند. البته چینی‌های مهاجر و برمه‌ای‌های مسلمان شده هم در بین آنان دیده می‌شوند. ۵۰۰۰ (پنج هزار) مسجد در سراسر برمه وجود دارد و ۱۶ انجمن علمی برای تدریس قرآن تاسیس شده و مدارس اسلامی نیز به امور تبلیغی و فرهنگی و تعلیم و تربیت کودکان و جوانان مسلمان می‌پردازند. معانی قرآن نیز به زبانهای محلی ترجمه شده است. مسلمانان در سالهای ۱۹۴۲م، ۱۹۵۸م، ۱۹۶۲، ۱۹۷۴م، چهار بار مورد هجوم و کشتار و راندن از استان آراکان قرار گرفتند و دولت در صدد آن بود تا با این سرکوبی‌ها موازنه جمعیتی این استان را بهم بزند و در این جریان ۳۰۰۰۰۰ نفر به بنگلادش و حتی عربستان پناهنده شدند. در سالهای اخیر، دولت بودائی برمه برخوردهای بسیار خشنی را با مسلمانان آغاز نمود. کارگاه و اموال تجاری مردم را ملی اعلام کرد، و در یک اقدامی وحشیانه، زمینهای مصادره و آرم مدارس اسلامی حذف شد، از رفتن حج آنان جلوگیری بعمل آمد و رابطه مسلمین با جهان اسلام قطع گردید. از سال ۱۹۶۲م که ارتش حکومت را بدست گرفت و روش مارکسیستی را پیش رفت حرکت‌های ضد اسلامی فزونی یافت. در سال ۱۹۷۳م حتی در ورود قرآن به این کشور جلوگیری بعمل آمد! در سال ۱۹۸۲ دولت، طی اقدامی به گرفتن شناسنامه عده زیادی از مسلمانان پرداخت و با آنان به عنوان بیگانه یا هم میهن درجه دوم برخورد نمود. (۱۷) دردناکترین و بدترین این حمله‌ها در فوریه ۱۹۸۷م انجام گرفت که دولت برمه طی عملیاتی بنام «شاه دراگون مردم را

ملزم به حمل کارتهای هویت شخصی کرد ولی از دادن کارتها به مسلمین امتناع نمود. هم زمان با این حرکت ضد انسانی، ارتش به نواحی مسلمان نشین حمله برد، روستاها را به آتش کشانید و آنان را در شهرها محاصره و تعداد زیادی را به طرز فجیعی به قتل رسانید. در اول اوت ۱۹۷۸م تعداد پناهندگان به بنگلادش به ۳۱۳۰۰۰ نفر بالغ گردید که پس از مذاکرات سختی که بین برمه و بنگلادش انجام گرفت تعداد زیادی از آوارگان به سرزمین خود بازگشتند، اما در جریان این بازگشت حدود ۱۰۰۰۰ نفر به علت بیماری و گرسنگی و وبا درگذشتند و آنان که به سرزمین خود رسیدند با زمینهای مصادره شده و اموال ملی شده مواجه شدند و از بازپس گیری اسناد مالکیت خود ناتوان بودند. در سال ۱۳۶۷ شمسی که اوج درگیری دولت با مسلمین بود، ۲۰۰۰۰۰ نفر آواره بنگلادش شدند. در شهر مونگدو در مرز بین برمه و بنگلادش بین سربازان برمه و مسلمین نبرد سنگینی صورت گرفت و در این جریان به صفوف نمازگزاران آتش گشوده شد. (۱۸) با وجود تلاش «سازمان متحد اسلامی که توسط جوانان مسلمان تشکیل شده، هنوز دولت بودائی به جنایات خشن دست میزند و مسلمانان هیچ حامی و پناهگاهی ندارند جز آنکه دولت درمانده بنگلادش، تعدادی چادر و لوازم اولیه زندگی را در مرزهای خود با برمه، برای مسلمین تدارک دیده است. به موازات این حرکات، برمه با بنگلادش روابط تیره‌ای پیدا کرده و برمه ارتش خود را در مرز ۲۷۰ کیلومتری خود با بنگلادش افزایش داده و آن را به ۱۰۰۰۰۰ نفر رسانیده است. مجله بنگلادشی «روپالی می گوید: «سه هزار جوان مسلمان در برمه به اتهام آشوب گری دستگیر و درپادگانها زندان و حت شکنجه‌های شدید ۵۰۰ نفر آنان به شهادت رسیدند.» حتی به دانش آموزان و کودکان و مردان سالخورده حمله می‌شود و آنان را قتل عام می‌کنند. مجله «سنگبا» نوشت: «که طی ۴ روز ۷۰۰ نفر در برمه کشته شده‌اند.» درگیری بین مسلمانان برمه و قوای دولتی که در بهار سال ۷۱ش صورت گرفت روزی ۳۰۰۰ نفر آواره بنگلادش شدند و در پی نبرد خصمانه نیروهای دولت میانمار (برمه) با مسلمانان آراکان در ۱۵ ماه اخیر قریب به ۳۰۰۰۰۰ نفر مسلمان به بنگلادش پناهنده و در اردوگاه «بلوکالی واقع در بخش «اوکیای بنگلادش اسکان یافتند. (۱۹) یادآوری می‌شود که در قرن پانزدهم میلادی کشور مسلمان «مرکو» در سرزمین آراکان تاسیس گردید، زبان رسمی آراکان فارسی بود و پایتخت آن «مایوهونگ نام داشت و در سال ۱۷۸۴م حکومت بودائی برمه این کشور مستقل را به تسخیر خود در آورد و پس از آنکه در سال ۱۹۴۸م از انگلستان استقلال یافت، آراکان را به قلمرو خود ضمیمه نمود. در بین مسلمانان سنی مذهب آراکان تعدادی شیعه هم دیده می‌شود و در حال حاضر به مسلمانان «روهین جیائی موسومند و از اول ژوئیه ۱۹۸۶م دو حزب مسلمان این منطقه برای تقویت جبهه خود علیه دولت مرکزی متحد شدند. (۲۰)

پی‌نوشتها

- ۱- ۳۹٪ کل مساحت فیلیپین. ۲- فاجعه بانگسامورو و ترجمه محمدی و حسینی. ۳- اطلاعات هفتگی، ش ۲۵۷۷ سوم تیر ۱۳۷۱.
- ۴- Arab street Singapore- در قلمرو زردهای سبز، محمد کاظم محمدی اصفهانی. ۷- اسلام و ژاپن، مسیح مهاجری - تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۸- کامبوج در چنگال ابرقدرتها - حجت الاسلام والمسلمین احمد علی برهانی واحد فرهنگی بنیاد شهید مرکز. ۹- شرح شهادت مسلمانان کامبوج بدست خمرهای سرخ - هیئت مدیره انجمن دانشجویان مسلمان کامبوج در فرانسه. ۱۰- بنا به ارزیابی ماهنامه العامل چاپ لندن ۲۰٪ کل سکنه ۵۳ میلیونی تایلند مسلمان هستند. ۱۱- اقلیتها مسلمان در جهان امروز - ترجمه ایرج کرمانی صفحات ۲۴۳ و ۲۴۴. ۱۲- جنبشهای آزادی بخش - حسین هدی علیرضا بهشتی و نیز مصاحبه با عبدالهادی غزالی نماینده سازمان آزادی بخش فطانی به نقل از پیام انقلاب ش ۶۵، ۳۰ مرداد ۱۳۶۱. ۱۳- این کشور نام خود را به میانمار (Myanmar) تغییر داده است. ۱۴- روزنامه جمهوری اسلامی ش ۳۷۲۱، ۲۵ فروردین ۱۳۷۱. Alompra
- ۱۵- ۱۶- مسلمانان چین نوشته رافائل ایزرائیل (israeli, Raphael) ترجمه حسن تقی زاده طوسی ص ۱۶۷. ۱۷- برمه روایت تلخ - کیهان ش ۱۴۴۱. ۱۸- روزنامه جمهوری اسلامی ش ۳۷۲۱. ۱۹- آوارگان معضلی بزرگ برای جهان اسلام - تالیف

نگارنده رسالت ش ۱۹۰۸ . ۲۰- اقلیتهای مسلمان در جهان امروز - علی کتانی ترجمه محمد حسین آریا - تهران امیر کبیر ۱۳۶۸ .

اندونزی ، پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی

کشور اندونزی (۱) از ۱۳۶۶۷ جزیره تشکیل شده که ۶۰۰۰ جزیره آن مسکونی است . این سرزمین وسعتی برابر ۱۹۰۴۰۰۰ کیلومتر مربع دارد و آبهای پیرامون این جزیره به ۷۹۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع می‌رسد و مهمترین جزایر عبارتند از : جاوه ، سوماترا ، کالیمانتان یا برنتو ، سولاویسی و ایریان . کالیمانتان بزرگترین جزیره اندونزی است و جاوه تنها ۶٪ کل اندونزی را دربر می‌گیرد . (۲) با این وجود متجاوز از ۶۰٪ سکنه ۱۷۰ میلیونی اندونزی در جزیره جاوه سکونت دارند و ۴۰٪ بقیه در ۹۴٪ مابقی وسعت این سرزمین اسکان یافته‌اند . در جزایر اندونزی یک سلسله کوههایی که منشا آتشفشانی دارند و جهت آنان شرقی - غربی است دیده می‌شود . جزیره جاوه به تنهایی بیش از ۱۰۰ قله آتشفشانی را در خود جای داده است . اندونزی در بین کشورهای جهان ، پس از چین ، هند و آمریکا ، چهارمین کشور به لحاظ سکنه است ، اما در بین کشورهای اسلامی ، پرجمعیت‌ترین کشور می‌باشد . اندونزی با خاک حاصلخیز ، بارانها موسومی و رطوبت نسبی بین ۷۰ تا ۹۷٪ ، جنگل‌های انبوه و فشرده بخصوص جنگل نارگیل (۳) و شالیزارهای قابل توجه ، سرزمین پربرکتی است ولی با وجود این ذخائر و منابع خوب و مزایای عالی ، از جمله کشورهای مقروض جهان است و ۵۰ میلیارد دلار بدهی دارد . با تورم سختی نیز روبرو می‌باشد . اندونزی در سیاستهای آسیای جنوب شرقی تاثیر قابل ملاحظه‌ای دارد و ارتباطش با غرب در حال توسعه می‌باشد و همراه با سنگاپو ، فیلیپین ، تایلند و مالزی برای تامین منافع غرب اتحادیه «آ . س . آن را تشکیل داد . با وجود فرقه‌های و مقومیت‌های گوناگون و حدود ۵۸۰ لهجه و زبان که هر کدام به شاخه‌هایی تقسیم می‌شوند ، مردم اندونیزی با یکدیگر اتحاد خوبی دارند . البته زبان رسمی آن «باهالسا اندونزی» است که جزو ۱۶ زبان زنده دنیا می‌باشد . این زبان از ریشه زبان مالایا است . برخی می‌گویند اسلام از همان قرون اولیه توسط بازرگانان ایرانی و عرب به طریق مسالمت آمیزی وارد اندونزی شده ، عده‌ای تاریخ نفوذ اسلام را در این سرزمین ۴۹۴هـ - ق مطابق با ۱۱۰۰ میلادی می‌دانند ، سنگ قبری در جاوه بدست آمده که روی آن نوشته «فاطمه بنت میمون فوت ۱۰۸۲ م .» گروهی از مسلمانان ، از اوایل قرن سیزدهم وارد شمالی‌ترین نقطه جزیره سوماترا یعنی پاسای و پرلاک شدند . مهاجرین هندی ، مغولی و ایرانی با آنان بودند و در این زمان بود که طوایف اندونزی ، گروه گروه به اسلام روی می‌آوردند . ایرانیان که شیعه مذهب بودند ، موفق شدند تعداد زیادی از اهالی این سرزمین را به سوی مذهب تشیع دعوت کنند . «ابن بطوطه سیاح مسلمان که به اندونیز مسافرت کرده ، می‌گوید : «نایب رئیس ناوگان پاسائی یک ایرانی بنام بهروز است مسافرت مسلمانان اندونزی به عربستان و تبلیغات وسیع مبلغین عربستانی و همچنین مسافرت مسلمین به مکه برای انجام اعمال حج ، موجب آن شد تا از شیعیان کاسته شده و اکثریت با سنیها شافعی باشد . شافعی‌ها و شیعیان با هم روابط خوبی دارند و امام شافعی به اهل بیت ارادت دارد و اشعاری در مدح اهلیت سروده است . در بسیاری از شهرهای اندونزی بخصوص شهرهای جزیره سوماترا ، به مناسبت تاسوعا و عاشورا و به یاد سالار شهیدان تابوتی را با آداب خاصی حمل می‌کنند و دو نوع شیر برنج به رنگهای سفید و قرمز طبخ می‌کند ، شیر برنج سفید بنام حضرت امام حسن مجتبی (ع) و شیر برنج قرمز بنام حضرت امام حسین (ع) تهیه می‌شود . پرچم اندونزی هم قرمز و سفید است و می‌توان گفت «بیرق شیعی است . پاره‌ای از علویان حضرمی که در اندونزی می‌باشند با حوزه علمیه نجف ارتباط فرهنگی و تبلیغی دارند . این علویان در نشر و ترویج مذهب اهلیت در اندونزی بسیار کوشا و مصرند و روزنامه‌ای تحت عنوان «حضر موت منتشر می‌کنند . «علامه سید محمد عقیل از مجاهدان و انشمندان شیعه اندونزی است . (۴) «جاکارتا» مرکز حکومت اندونزی می‌باشد و این عنوان که به معنای شهر بزرگ است و معنی واقعی آن پیروزی باشکوه می‌باشد و به لحاظ تاریخی به زمانی باز می‌گردد که توسط سربازان مسلمان به فرماندهی شاهزاده فلاتحان به تصرف درآمد . اما در هنگام سلطه استعمار هلند بر اندونزی ، جاکارتا به «باتاویا» تغییر نام یافت . در ۲۷ ژوئن ۱۵۲۷ م

شهر بندری «سوندا کلاپای تسلیم قوای اسلام شده و سلطنت هندوئی ماجپائیت در اندونزی منقرض شد. اما از سال ۱۶۰۲م هلندیها با تاسیس کمپانی هند شرقی هلند، غالب نقاط اندونزی را به زیر سلطه خود درآوردند و از سال ۱۷۹۹م راسا به استعمار مردم و غارت منابع و ذخائر این کشور زر خیز اسلامی پرداختند. اندونزی بصورت مزرعه بزرگ هلندیها درآمد و حتی تجارت خارجی داخلی جزایر این کشور قبضه گردید و نظامیان اعمال وحشیانه‌ای را مرتکب شدند که وجدان بشریت از ذکر آن شرمسار است. هلندیها برای نفوذ در اندونزی بدلیل عدم اعتماد به مردم بومی، چینی‌ها را به این کشور آورده و شریک جرم خود ساختند ولی مردم، مبارزات سرسختانه‌ای را شروع کرده و با داس و شمشیر و نی‌های نوک تیز به هلندیها حمله می‌کردند. افرادی نیز رهبری مبارزات مردم را عهده‌دار بودند، شهزاده «دیپونگورو» از سال ۱۸۲۵ تا ۱۸۳۰م در جاوه قیام نمود و امام بنجل از ۱۸۷۳ تا ۱۹۰۳ مبارزات آزادی طلبانه‌ای را ترتیب داد. بازرگانان مسلمان با هم متحد شده و اتحادیه تجار مسلمان را تشکیل دادند که بعدا به اتحادیه اسلام تبدیل شد، انجمن محمدیه بعدها بوجود آمد. (۵) در اواخر سال ۱۹۱۲م اولین حزب سیاسی اندونزی با هدف استقلال کامل سرزمین اندونزی بوجود آمد اما دولت هلند، افکار چپ را به داخل اتحادیه‌های اسلامی کشانده و رفته رفته اولین حزب کمونیست در این کشور اسلامی مثل قارچ سمی روئید. از سال ۱۹۲۰ میلادی دولت هلند سیاست سرکوب و خفقان و قتل و خونریزی شدید را پیش گرفت اما مردم در سال ۱۹۲۸م با شعار «یک کشور یک ملت یک زبان متحد شده و زبان «باهاسا اندونزیا» را زبان رسمی اعلام کردند. دوران سلطه استعماری هلند بر اندونزی ۳۵۰ سال طول کشید و بعد از آن در جنگ دوم جهانی ژاپنی‌ها اندونزی را به تصرف خود درآورده که این تجاوز ۵/۳ سال طول کشید و با شکست ژاپن در جنگ دوم، هلندی‌ها موفق شدند دوباره به اندونزی سلطه یابند. در این هنگام گروهی از مبارزین به رهبری دکتر «احمد سوکارنو» و دکتر «محمد هاتا» با قیام خود به شب شوم استعمار پایان داده و صبح استقلال را نوید دادند و در هفتم اوت ۱۹۴۵م بعد از بیش از ۵/۳ قرن تجاوز استعمارگران، آزادی را در آغوش گرفتند. در ۲۸ سپتامبر ۱۹۵۰م اندونزی به عنوان شصتمین کشور، عضو سازمان ملل متحد شد. در سال ۱۹۶۵م کودتای کمونیستی صورت گرفت که بیش از چند روز دوام نیافت البته ریشه آن بی تحرکی سیاسی سوکارنو بود که منجر به کشتار بسیاری از مردم گردید. سرلشکر سوهارتو (رئیس جمهور فعلی) حلقه این کودتا را شکست. وی که از سال ۱۹۴۶م رئیس جمهوری اندونزی شد. در دوره وی روابط اندونزی با کشورهای سوسیالیستی رو به سردی گرائید و ارتباط با غرب توسعه یافت. «یکی از مسائل تاسف انگیز در این کشور مسلمان که ۹۵٪ سکنه ۱۷۰ میلیونی آن مسلمان هستند این است که در قانون اساسی، اسلام به عنوان دین رسمی ذکر نشده و این مسئله نفوذ قدرت افراد مسیحی را در حکومت مرکزی نشان می‌دهد.» البته در پیش نویس قانون اساسی جمله: «مسلمانان از قوانیت اسلامی تبعیت خواهند کرد» آمده بود که چهره اسلامی اندونزی را مشخص می‌کرد اما با مخالفت حدود ۳٪ مسیحی ساکن این کشور مواجه شد و بنابراین جمله مذکور حذف شد و سیاست پانجا سیلابی (۶) نتایج نامساعدی را برای مسلمین پدید آورد و مسیحیان را قدرتمند نمود. که با اعتراض شدید مسلمین محدودیت فعالیت سازمانهای اسلامی کاهش یافت و انجمن‌های اسلامی فعال شدند. (۷) مشکل تاسف بار دیگر که در اندونزی وجود دارد این است که از طریق هیئت‌ها و سازمانهای به ظاهر بین المللی همچون سازمان بهداشت جهانی، سازمان خوار و بار کشاورزی، یونسکو و یونسف در بین مردمان اندونزی تبلیغات مسیحی صورت می‌گیرد و با ظاهری انساندوستانه مفاهیم و الگوهای غربی به آنان القا می‌شود. مبلغین مسیحی از نقطه ضعف جامعه اسلامی اندونزی که ریشه اصلی آن فقر است بهره گرفته و در نقاط دور افتاده و محروم چون «ایریان جایا»، «سولاویسی به فعالیت می‌پردازند و به علت دوری راه، انواع هواپیما و امکانات دیگر حمل و نقل و تعدادی کارشناس خبره در اختیار دارند. در امور آموزشی، سعی می‌کنند با کمک به مدارس و مراکز دانشگاهی توجه مردم را بخود جلب کنند و با دایر نمودن مدارس خصوصی برای کودکان مقدمات نفوذ دین مسیح را در نوباوگان فراهم می‌سازند. در نقاط دورافتاده که شبکه سراسری برق وجود ندارد دستگاههای مولد برق توزیع می‌کنند. در توسعه کشاورزی، اصلاح زمین و

جاده‌سازی در مناطق روستایی شرکت می‌نمایند، به یتیم‌خانه‌ها و خانه‌های سالمندان کمک می‌کنند، دانشجویان اندونزیایی را برای ادامه تحصیل به خارج اعزام نموده و آنان را تحت تاثیر تبلیغات مسیحی قرار می‌دهند تا در هنگام روی کار آمدن و بدست گرفتن فعالیت‌های کلیدی به دستگاه مسیحیت، توجه بیشتری کنند. سردمداران اندونزی هم، چون این تبلیغات بر ایشان فواید سیاسی و اقتصادی دربر دارد. در مقابل آن هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهند. در واقع ملت مسلمان اندونزی اکنون با قوای صلیبی روبروست که سلاح آنان عوض شده و در چهارچوب کمک‌های به ظاهر بشردوستانه نیش زهرآگین خود را بر جامعه مسلمان اندونزی وارد می‌کنند که ممکن است در آینده خطر بزرگی از این طریق متوجه مردم شود که دفع آن دشوار باشد. اساس اقتصاد اندونزی بر کشاورزی و استخراج معادن استوار است و متجاوز از ۶۰٪ مردم در امور کشاورزی مشغول بکارند. برنج، قهوه، ادویه و چای در این سرزمین کشت می‌شود. بهره‌برداری از جنگل و صدور محصولات جنگلی نیز رقم مهمی از درآمد مردم را تشکیل می‌دهد. صید ماهی در نواحی ساحلی و رودخانه‌ها، رواج فراوانی دارد و مصرف گوشت ماهی در این کشور بسیار است. دامپروری بدلیل شریط استوایی و آب و هوای گرم و مرطوب در اندونزی رونق آنچنانی ندارد. (۸) این مجمع الجزایر به لحاظ ذخائر نفت و گاز غنی است و ۷۵٪ نفت آسیای جنوب شرقی را تولید می‌کند. مخازن نفت غالباً در سوماترا و جاوه قرار دارند. ذخائر نفت آن حدود ۱۰ میلیارد بشکه تخمین زده می‌شود و یک قرن است که در اندونزی نفت استخراج می‌شود ولی صادرات آن ۳۰ سال است که رونق دارد. دولت در نظر دارد به جای نفت مصرفی در داخل، (زغال سنگ را جایگزین آن کند، اندونزی عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت می‌باشد و علاوه بر صدور نفت و گاز، لاستیک، روغن پالم و قهوه نیز صادر OPEC) می‌نماید و در سال ۱۹۸۱م، ۷۰٪ درآمد صادراتی از راه صادرات نفت و گاز و ۳۰٪ بقیه از راه صادرات دیگر مواد بوده است. دولت سوهارتو برای ورود سرمایه‌های غرب به داخل کشور، تسهیلات فراوانی از جمله معافیت مالیاتی و امتیازات دیگر در نظر گرفته است. فساد اداری، اختناق حاکم بر کشور از جمله دشواریهای این کشور بر سر راه توسعه اقتصادی آن می‌باشد. (۹)

مالزی

کشور مالزی که به روش مشورطه سلطنت و فدرال اداره می‌شود با ۳۳۰۴۳۴ کیلومتر مربع در نیمه جنوبی جزیره مالاکا و در ناحیه مالایای آسیای جنوب شرقی واقع است. تنگه استراتژیک مالاکا، مالزی را از سوماترای اندونزی جدا می‌کند. تایلند در شمال و اندونزی در جنوب جزیره برنئوی آن قرار دارد. مالزی از سه شبه جزیره مالایا در غرب، ساراواک و صباح در شرق، تشکیل شده است. سواحل شرقی آن که به دریای چین جنوبی مشرف است به تعدادی جزایر و حتی تخته سنگهای مرجانی ختم می‌شود، «مهمترین راه ارتباطی اقیانوس هند و اقیانوس آرام که تنگه مالاکاست در سواحل غربی مالزی می‌باشد.» سواحل غربی آن بدون بریدگی بوده و بعضاً دارای باتلاق می‌باشند که برای تاسیسات بندری مساعد نیستند. رودهای معروف آن «پاهانگ» و «کلانتان» نام دارد که به دریای چین جنوبی می‌ریزند. جنگلهای استوایی، ۷۵٪ آن را دربر می‌گیرد. آب و هوای آن گرم و مرطوب بوده و در معرض وزش بادهای «موسون» قرار دارد. قدیمی‌ترین نشانه‌های زندگی در ناحیه مالایا به ۵۰ قرن قبل از میلاد می‌رسد. مهم‌ترین اقوامی که در مالزی در قبل از میلاد بوده‌اند «نگریتوها» می‌باشند. در قرون سوم و دوم قبل از میلاد، اقوام ماله‌ای (مالزیها) به این سرزمین آمده و مستقر شدند. از قرن دوم و سوم هجری که دین اسلام توسط بازرگانان در مالزی نشر یافت چون همراه آنان، تجار ایرانی بودند زبان فارسی به آسیای جنوب شرقی سرایت یافت و از آن تاریخ مالزی و ایران با یکدیگر مناسبات بازرگانی - فرهنگی و سیاسی داشتند. با گسترش روزافزون اسلام در مالزی از قرون سیزدهم و چهاردهم مقدمه‌ای برای تشکیل حکومت اسلامی در این محل فراهم شد و در سال ۱۴۱۴م یکی از حکام محلی بنام «پارامسورا» مسلمان شد (۱۰) و خود را محمد اسکندر شاه نامید و حکومت مستقل سلاطین مالاکا را در نواحی جنوبی مالزی مستقر نمود. در همین قرن زبان و خط عربی

رایج شد و خط سانسکریت منسوخ گردید. از اوایل قرن شانزدهم نفوذ استعمارگران به مالایا آغاز شد و در سال ۱۵۱۱م آلبوکرک دریاورد پرتغالی شهر مالاکا را گرفت و این شهر به عنوان پایگاه اصلی پرتغالی‌ها در آسیای جنوب شرقی قلمداد گردید. در سال ۱۶۴۱م هلند حاکمیت خود را در مالزی مستحکم نمود. از اوایل قرن نوزدهم، انگلستان در نواحی مختلف مالایا نفوذ یافت و در سال ۱۸۸۸م نوحی جزیره مالزی به مستعمره رسمی انگلیس تبدیل گردید. در سال ۱۹۴۱م گرچه قوای ژاپن مالایا را تصرف نمود ولی با تسلیم ژاپن در سال ۱۹۴۵م دوباره انگلیس چهره استعماری خود را نشان داد. در تمامی این مدت مسلمانان مقاومت همه جانبه‌ای را بر علیه متجاوزین آغاز نمودند. (۱۱) مبارزات مردمی بر علیه انگلیس موجب آن شد تا این استعمارگر کهنه کار به انتخابات پارلمانی تن در دهد و در سال ۱۹۵۵م با برگزاری این انتخابات، نمایندگان یکی از احزاب اسلامی (۱۲) به رهبری «تنکو عبدالرحمن» با پایگاه مردمی وسیع کرسیهای پارلمانی را بدست آوردند. تنکو عبدالرحمن بعدها به ریاست دولت مستقل مالزی برگزیده شد. به همت مردم و با پی گیری وی از سال ۱۹۵۷م مالزی به صورت یک فدراسیون مستقل درآمد و در ۱۶ سپتامبر ۱۹۶۳م فدراسیون مالزی، مالایا، صباح، ساراواک و سنگاپور پدید آمد که در سال ۱۹۶۵م با تحریک انگلستان، سنگاپور از مالزی خارج شد. از مدتها قبل اندونزی بر جزایر صباح و ساراواک ادعای ارضی داشت و طی سالهای ۶۶ - ۱۹۶۳ میان مالزی و اندونزی برخوردهای خفیفی صورت گرفت که با توافق طرفین و مراجعه به آراء عمومی و بر اساس موافقتنامه بانکوک این مخاصمه و درگیریهای مرزی در سال ۱۹۶۶م پایان یافت و صلح حاصل شد. مالزی ۵/۱۶ میلیون سکنه دارد که متجاوز از ۶۰٪ آن مسلمان هستند (۱۳) ترکیب جمعیت مسلمان در ۱۳ ایالت آن متفاوت است. در کوالالامپور ۳۰٪ مسلمان زندگی می کنند. نیمی از مسلمانان از نژاد مالهای و بقیه چینی، هند، پاکستانی و سایر افراد غیر بومی می باشند. در قانون اساسی آن، اسلام به عنوان دین رسمی معرفی شده و حکومت مالزی در دست مسلمین است. پادشاه و نخست وزیر در وضع فعلی (۱۹۹۲) مسلمانند. مسلمانان مالزی درست کردار و نیکو رفتارند و نسبت به دیگر گروههای مسلمان با عزت و احساس برجسته‌ای زندگی می کنند. گروههای مذهبی در نهایت صلح و صفا در کنار هم و با هم زندگی می نمایند. مسلمان بودن در مالزی با نوعی افتخار و عزت نفس توأم است. حجاب رعایت می شود و لباسها بسیار ساده است، در مصرف زیورآلات و تزیینات بسیار قانع و کم خرجند، حتی افرادی که مشاغل سیاسی - علمی برجسته‌ای دارند بخصوص در ماه رمضان ساده و بی آرایش غذای خود را به همراه برده و با ندای ملکوتی اذان افطار می کنند. مالزی فرهنگ برجسته‌ای دارد و اصلا بیسواد ندارد. تنشهای سیاسی در آن اندک است. روحانیت مالزی سازمانی بنام جمعیت علما دارد که با عنوان و ارگانی عالی ه صدور احکام و فتاوی می پردازد و به مشکلات و مسائل دینی مردم پاسخ می گوید. اعلام مناسبات مذهبی، اعلام نظرهای فقهی و شرعی - مسابقات قرائت قرآن - نمازهای جمعه - اداره مساجد و مراکز دینی و تربیت طلاب و محصلین علوم دینی به عهده این سازمان است. حزب سازمان ملی مالائیه‌ای متحد (۱۴) در طول زمان استقلال مالزی همیشه پر قدرت ترین حزب این کشور بوده و تاکنون در مجموع همیشه صاحب اکثریت آراء انتخابی بوده است. در ۲۵ کیلومتر جنوب شهر کوالالامپور در منطقه سرسبز و خرم شاه عالم، مسجد آبی قرار داد. این بنا که مدیون فکر سلطان صلاح الدین عبدالعزیز حاکم ایالت سالانگور در دارالاحسان می باشد. با صرف ۳۰۰ میلیون دلار و ۵/۴ سال تلاش مسجد مزبور در مارس ۱۹۸۸م گشایش یافت. «مسجد آبی که به لحاظ وسعت بزرگترین مسجد جهان است ۳۶ هکتار مساحت دارد و قطر گنبد فیروزه‌ای آن ۵۲ متر و ارتفاع آن ۱۰۷ متر است که بزرگترین گنبد جهان محسوب می شود. در ۴ سوی گنبد ۴ مناره مشاهده می شود که هر کدام ۳/۱۴۲ متر ارتفاع دارند هر مناره دارای ۳ گلدسته و ارتفاعات متفاوت می باشد شبستان اصلی مسجد که ویژه نمازگزاران مرد است ۶۷۸۲ متر مساحت دارد ولی شبستان مخصوص نمازگزاران زن ۲۴۱۵ متر وسعت دارد محراب آن مرمرین است و منبر منبت کاری شده آن ۱۷ متر ارتفاع دارد. (۱۵) مالزی به لحاظ اقتصادی، کشوری است بسیار غنی «اولین تولید کننده کائوچو در جهان است و «۴۰٪ کائوچوی جهان را تولید می کند. ۶۰٪ صادرات جهانی روغن نخل مربوط باین کشور می باشد.» که در ۹ ماهه اول

سال ۱۹۹۰م بیش از ۵/۶ میلیون تن روغن نخل تولید نموده است. از لحاظ تولید فلفل در جهان رتبه اول را داراست، تولید برنج آن ۳ میلیون تن در سال است، کاکائو، موز و نارگیل بوفور در آن بدست می‌آید. بیش از ۱۰۰۰ معدن قلع دارد و بزرگترین تولید کننده قلع در جهان است و ۴۰٪ قلع دنیا را تولید می‌کند. معادن قلع بخصوص در نواحی غربی براگ و سلانگو است. در یکیدو سال اخیر ۳۰ میلیارد دلار صادرات داشته که ۵۰٪ آن کالاهای ساخته شده بوده است. (۱۶) درآمد سرانه آن در سال ۱۹۹۰م به ۲۵۰۰ دلار رسید، ده میلیارد دلار ذیره ارزی آن است. صادرات آن بر واردات فرونی دارد و بخشی از درآمد آن از طریق صنعت توریست بدست می‌آید و سالی ۷ میلیون توریست باین کشور می‌آیند. دولتمردان مالزی با بکارگیری و استفاده بهینه از منابع طبیعی غنی، امکانات مالی و نیروی انسانی خود بخشی از عقب ماندگیهای دوران استعمار را جبران کرده و دو برنامه سیاست جدید توسعه و سیاست ملی توسعه را به اجرا گذاشته‌اند. یکی از مشکلات مالزی این است که چینها و هندها در بخشهای تجاری و صنعتی نفوذ داشته و تا حدودی در حاکمیت اقتصادی دخالت دارند که این مسئله اعتراض بومیان ماله‌ای را برانگیخت و یک بار در سال ۱۹۶۹م برخوردهای خونین نژادی را پدید آورد که دولت می‌کوشد در برنامه‌های اقتصادی، این شرایط را دگرگون سازد. (۱۷)

برونئی (۱۸)

کشور برونئی که به برونئی دارالسلام معروف است در جنوب شرقی آسیا و بر ساحل شمال غربی بزرگترین جزیره مجمع الجزایر مالزی برونئی قرار گرفته و در شمال آن دریای چین جنوبی واقع است. سلطان نشین برونئی ۵۷۶۵ کیلومتر مربع وسعت دارد. بخش شرقی و رود توتونگ (۲۱) و نیز سلسله‌ای از تپه‌ها و باتلاق‌ها در بخش غربی قرار دارند. به طور کلی سرزمین برونئی به جز جلگه ساحلی باریک شمالی، ناهموار و تپه‌ای است آب و هوای آن گرم و مرطوب بوده و متوسط درجه حرارت در این کشور به ۳۰ درجه سانتی گراد می‌رسد. در سال ۵۷۹ق برونئی به صورت سلطان نشین اداره می‌شده است، اسلام در تاریخ ۸۲۹ هجری قمری (۱۴۲۵م) وارد این سرزمین گردید. چون برونئی ایستگاهی برای کشتی‌های انگلیسی که عازم چین بود، محسوب می‌شد. تحت سلطه بریتانیا درآمد. قانون اساسی آن در سال ۱۹۵۲م تصویب شد و در سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲ش) به استقلال رسید و در ۱۹۸۵م به ضویت سازمان ملل درآمد. به لحاظ تقسیمات کشوری به چهار ناحیه تقسیم می‌شود که هر کدام از این نواحی توسط رئیس ناحیه که وزیر اعظم آن را منصوب نموده، اداره می‌شود. پارلمان آن که همان شورای مقننه است، ۲۲ عضو دارد. مرکز حکومت آن بندر سری بگاوان (۲۲) و شهر مهمش «کوالابلایت است. برونئی با مالزی، سنگاپور، اندونزی، تایلند، فیلیپین و انگلیس مناسبات سیاسی و تجاری دارد. آمار سال ۱۹۹۰م سکنه آن را ۲۶۴۰۰۰ نفر ذکر نموده (۲۳) که ۶۵٪ آن در کانونهای شهری سکونت داشته‌اند. رشد جمعیت ۷/۳٪ و تراکم نسبی آن ۸/۴۵ نفر در کیلومتر مربع می‌باشد. هجوم مهاجرین خارجی که از چین و مالزی باین سرزمین می‌آیند باعث بالا بردن نرخ رشد جمعیت آن گردیده است. مالایائی‌ها برونئی ۷۰٪ سکنه آن را تشکیل می‌دهند. چینی‌ها و ایبانه‌های ساراواک به ترتیب دومین و سومین گروه نژادی این سرزمین می‌باشند. زبان رسمی آن مالایائی است که به خط غربی و لاتین نوشته می‌شود. زبان انگلیسی و چینی هم رواج دارد. دین رسمی آن اسلام و اکثریت مردم مسلمانند و مسلمانان اغلب سنی شافعی مذهبند. اقلیت بودائی، مسیحی و آئیست (دین ابتدائی) در آن سکونت دارند. اقتصاد آن به نفت متکی است و منبع اصلی درآمد مردم از این ذخیره زیرزمینی می‌باشد. (۲۴) کشاورزی و ماهیگیری در آن رواج دارد و محصول مهم صادرات آن نفت و کائوچو می‌باشد. برنج و ماهی خوراک اصلی مردم است. واحد پول آن دلار برونئی (BDS) برابر با ۱۰۰ سنت می‌باشد.

د - آسیای جنوب شرقی

آسیای جنوب شرقی

در آسیای شرقی ۵ واحد سیاسی وجود دارد که مجموعاً متجاوز از ۱۰ میلیون کیلومتر مربع وسعت دارند و ۲۰٪ مساحت آسیا را دربر می‌گیرند. در بین این پنج واحد سیاسی، چین با ۹۵۷۱۰۰۰ کیلومتر مربع، پروسعت‌ترین کشور است که در جهان پس از شوروی و کانادا از نظر مساحت رتبه سوم را حائز است همچنین، چین با ۱۰۷۲۰۰۰۰۰۰ پرجمعیت‌ترین کشور جهان به شمار می‌رود. چهار واحد سیاسی دیگر یعنی کره شمالی، کره جنوبی، ژاپن و تایوان مجموعاً بیش از ۲۰۰ میلیون نفر سکنه دارند. تایوان با ۳۶۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۱۹ میلیون نفر جمعیت، از بالاترین تراکم نسبی برخوردار است. گرچه اسلام از قرن اول هجری باین نواحیراه یافته اما در این بخش از آسیا اکثریت با آئین‌های دیگر می‌باشد. با این حال بیش از نیم از اقلیت‌های مسلمان قاره آسیا در این سرزمین‌ها زندگی می‌کنند.

ژاپن

قبل از روی کار آمدن حکومت میجی (Miji) در کشور ژاپن، این کشور درهای خود را به روی دنیای خارج بسته بود و در این دوره بخصوص از سال ۱۸۶۷م توانستند با ملل دیگر بخصوص مسلمین رارطه برقرار کنند. نخستین بار در سال ۱۸۷۷م با ترجمه کتابی به زبان ژاپنی که درباره اسلام نوشته شده بود مردم این سرزمین با معارف اسلامی آشنا شدند. تاتارهای مسلمان از اوایل قرن بیستم به ژاپن رفته و به تبلیغ اسلام پرداختند. با مهاجرت بیشتر این قوم، گرایش به اسلام در ژاپن رو به فزونی گرفت و اکنون قریب به ۵۰۰۰۰ نفر در ژاپن مسلمان هستند. به هنگام تهاجم ژاپن به آسیای جنوب شرقی و تصرف مناطق مسلمان نشین، نیروهای نظامی آن با روحیه مسلمین آشنا شده و به این آئین علاقه مند گردیده و اسلام را اختیار نمودند. بازرگانان مسلمان که از هند و خاور میانه به ژاپن می‌رفته‌اند نیز در گرایش مردم ژاپن به دین اسلام دخالت داشته‌اند. چون آزادی مذهبی به طور کامل در ژاپن وجود دراد، افراد آن با روحیه تحقیقی که دارند متوجه حقیقت اسلام گشته و لذا روی آوردن به آن حالت تزیاید دارد. اولین عبادتگاه مسلمین در ژاپن «مسجد کوبه که به سال ۱۹۳۵م در این ناحیه ساخته شد. در سال ۱۹۳۸م مسجدی در توکیو مرکز حکومت ژاپن تاسیس گردید. اولین ترجمه قرآن به زبان ژاپنی در سال ۱۹۲۹م صورت گرفت. نیمی از مسلمانان ژاپنی بومی منطقه بوده و بقیه مهاجرند، مهمترین مؤسسات اسلامی عبارتند از انجمن دوستی اسلامی ژاپن - انجمن مسلمانان ژاپن - انجمن دانشجویان مسلمان ژاپن - مجمع فرهنگی اسلامی ژاپن - مرکز اسلامی ژاپن - انجمن جوانان ملمان ژاپن - فدراسیون جوانان مسلمان - ژاپن - کنگره اسلامی ژاپن و گروه خیریه اسلامی ژاپن. (۲۵) کشور ژاپن که به سرزمین آفتاب موسوم است و به صورت جزایری در شرق آسیا قرار دارد و با ۳۷۷۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت، ۱۲۲ میلیون سکنه دارد. این کشور به لحاظ توسعه روزافزون در علم و تکنولوژی و پیشرفت در صنایع ظریفه و مهارت در ساخت وسایل الکترونیکی و تولید انواع کامپیوتر شهرت ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. نیمی از سکنه آن دارای تحصیلات دانشگاهی بوده و ۹۰٪ مردم حداقل تا پایان دوران متوسطه را گذرانیده‌اند (۹۰٪/۲۰ ساله به بالا) ولی با نهایت تاسف باید گفت گرچه بال علم و تکنولوژی در این کشور رونق خود را بدست آورده اما بال معنویت و ایمان و ارزشهای والایش شکسته است. ۸۸٪ مردم ژاپن پیرو مذهب ابتدائی و افسانه‌ای شینتو هستند که خود به ۱۶۰ فرقه تقسیم می‌شود و بر اساس آن کلیه مظاهر طبیعت از قبیل ماه و ستارگان و خورشید و کوهها و دریاها هر کدام خدایان جداگانه‌ای دارند که مورد پرستش قرار می‌گیرند. خدایان در معابد شینتو نگاهداری می‌شوند و مردم به هنگام

مراجعه باین معابد از شرابهایی که در جایگاه ویژه قرار دارد بجای آش می نوشند! طبق این مذهب، ارواح انسانها به خدایان قدرتمند تبدیل می شود!!؟

کره شمالی

کره شمالی با ۱۲۰۵۳۸ کیلومتر مربع در آسیای شرقی واقع است. این کشور ۲۲۶۸۰۰۰۰ نفر سکنه دارد. گرچه آزادی مذهبی در آن وجود دارد اما مسلمانان اقلیت بسیار ناچیزی از آن را تشکیل می دهند که فاقد تشکل اند و در نقاط مختلف آن بویژه در پیونگ یانگ مرکز حکومت پراکنده اند. تعداد آنان به ۲۰۰۰ نفر بالغ می گردد که منشا غیر بومی دارند. اکثریت مردم کره شمالی تابع بودائیسیم، کنفوسیئیسیم و تائوئیسیم می باشند.

پی نوشتها

۱- به منظور آشنایی با وجه تسمیه و نامهای دیگر اندونزی به مقاله «اندونزی پرجمعیت ترین کشور اسلامی تالیف نگارنده - مندرج در مجله مکتب اسلام - بهمن ماه ۱۳۷۱ ش - مراجعه فرمائید. ۲- اندونزی دارای ۲۷ ایالت است. و چون در نزدیکی تنگه مالاکا قرار گرفته، اهمیت سوق الجیشی مهمی دارد. ۳- به جاوه باغ بزرگ شرق یا باغ نارگیل می گویند. ۴- تاریخ شیعه - علامه مظفر - ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی، صفحات ۳۶۲ و ۳۶۳. ۵- نهضتهای نوین اسلامی در اندونزی - دلپار نوئر (deliar Noer) ترجمه: ایرج رزاقی - محمد مهدی حیدرپور مشهد - مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی ۱۳۷۰ ش. ۶- دمکراسی پانجاسیلا نظامی است مبتنی بر اصول حاکمیت مردم و رعایت اصول پنجگانه، این اصول عبارتند از: اعتقاد به خداوند متعال، انسانیت متمدن و عادل، وحدت اندونزی، دموکراسی هدایت شده و عدالت اجتماعی برای کلیه مردم. ۷- مقاله اندونزی آن چنان که هست روزنامه هفتم شهریور ۱۳۷۱ ش ۱۴۵۶۰. *The petroleum Resources of Indonesia by ooljinbee*. ۱۹۸۲ ۹- oxford, ۸- university اوپک و اثرات تخریبی تطبیق قیمت نفت، دکتر امیر باقر مدنی ص ۱۱۷. ۱۰- گیتاشناسی کشورها صفحات ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶. ۱۱- در قلمرو زردهای سبز سفرنامه محمد کاظم محمدی اصفهانی به مالزی و سنگاپور - تهران انتشارات صحف. ۱۲- ۱۳- Allance party - در سال ۱۹۹۰م جمعیت آن به ۱۷۶۴۵۰۰۰ نفر بالغ گردید. ۱۴- Umno ۱۵- مجله رشد جوان آبان ۱۳۶۹. ۱۶- اطلاعات ش ۱۹۶۹۲ و ۱۹۶۹۷. ۱۷- اطلاعات ش ۱۹۷۷۴. *Brunei ۱۸- Limbange*. ۲۳- ۲۲- seribegavan ۲۱- tutong ۲۰- belait ۱۹- سالنامه جمعیتی جهان ۱۹۹۰ میلادی - محمدرضا عسگری. ۲۴- دومین تولید کننده نفت در آسیای جنوب شرقی پس از اندونزی. ۲۵- اسلام در ژاپن.

کره جنوبی

کره جنوبی با ۹۹۱۷۳ کیلومتر مربع در سال ۱۹۹۰م ۴۲۵۴۰۰۰۰ نفر سکنه داشت. در این زمان ۲۵۰۰۰ نفر مسلمان بوده اند در سال ۱۹۷۱ رقم مسلمین در این سرزمین تنها ۳۰۰۰ نفر بود که در خلال این ۲۰ سال به بیش از ۸ برابر بالغ گردیده اند. تا قبل از بروز نبرد بین دو کره که بین سالهای ۱۹۵۰ ال ۱۹۵۳م صورت گرفت تعداد ناچیزی مسلمان بصورت پراکنده در این کشور می زیستند در همین سالها بود که شورای منیت سازمان ملل اعلام نمود که نیروهای نظامی تعدادی از کشورهای عضو، برای جلوگیری از درگیری دو کره به منطقه اعزام شوند بر این اساس سربازان ترک تحت پرچم سازمان ملل به کره آمده و حتی امامی را با خود آورده و در مقر خود مسجدی برای عبادت بنیان نهادند. عده قابل توجهی از مردم کره در تماس با این سربازان مسلمان به

زندگی اسلامی آنان علاقه‌مند شده و خواهان روی آوردن به این آئین جاودانی شدند و بدنبال آن جامعه مسلمانان نوظهور کرده پدید آمد. با بازگشت قوای نظامی ترک مسلمانان مذکور در بین مردمان دیگر به نشر اسلام پرداخته و با مسلمانان کشورهای اسلامی بویژه مسلمانان ساکن در آسیای جنوب شرقی ارتباط برقرار نمودند. در سال ۱۹۶۳م با تاسیس «اتحادیه مسلمانان کرده به شکل خود پرداختند بعدها بنیاد اسلامی کره و مجمع دانش آموزان مسلمانان کرده نیز بوجود آمد که این مؤسسات غیر از تبلیغات دینی به تقویت عقاید مذهبی جوانان مبادرت می نمودند و برای این کار برخی از آنان را برای تحصیل علوم اسلامی به کشورهای اسلامی روانه کردند. در سال ۱۹۶۹م با تلاش مسلمانان، رئیس جمهوری وقت به طور رسمی زمینی به مساحت ۵۰۰۰ متر مربع را برای (۱) (Pusan) احداث مسجد و مرکز اسلامی در اختیار آنان قرار داد، مسجد فلاح در پوسان در ۱۹۸۰ ساخته شد. در همین سال بود که اهالی روستای سانگک یانگک واقع در حوالی شهر کوانجو به طور کامل الام را اختیار نمودند، ترجمه قرآن به زبان کره‌ای، انتشار نشریات مذهبی، مبادله دانشجویان با کشورهای اسلامی، تاسیس دانشگاه و کتابخانه علوم اسلامی و ایجاد پرورشگاه کودکان یتیم مسلمان و سایر فعالیت‌های تبلیغی مذهبی و اجتماعی از کارهای اتحادیه مسلمانان کره است. (۲) بدین گونه در کشوری که تا قبل از جنگ دو کره تعدادی انگشت‌شمار مسلمان داشت جامعه‌ای اسلامی با شکل مناسب و مورد قبول جامعه کره و دولت پدید آمد. (۳)

تایوان

تایوان (فرمز) که نام رسمی آن جمهوری چین می‌باشد به صورت جزیره‌ای با ۳۶۱۸۲ کیلومتر مربع در دریای چین شرقی و در ۱۵۰ کیلومتری سواحل کشور چین قرار دارد. از ۲۰ میلیون سکنه آن قریب به ۹۰۰۰۰ نفر مسلمان هستند. گفته می‌شود الام در ۷۴۱ هجری (۱۳۴۰م) بدان راه یافت اما گسترش این آئین در تایوان مربوط به قرن هفدهم می‌شود. زیرا در اواخر این قرن و در دوران سلسله مینگ قوای نظامی چین برای نجات تایوان از سلطه هلند در این سرزمین پیاده شدند که تعداد زیادی از آنان مسلمان بودند. این افراد غالباً از ایالت فوکین به تایوان روی آوردند و در ضمن فعالیت‌های نظامی به تبلیغ اسلام پرداختند زاینها که از سال ۱۸۹۵م تایوان را تصرف کردند و تا سال ۱۹۴۵م آن را در اختیار داشتند، مسلمانان را تحت فشار شدید قرار داده و برایشان تنگناهایی بوجود آوردند. با شکست ملیون چینی، هزاران مسلمان عازم تایوان شدند که عده زیادی از آنان در امور اداری و نظامی چین صاحب قدرت بودند. مسلمانان تایوان سنی‌اند و پیرو مذهب حنفی می‌باشند. تمرکز آنان غالباً در تایپه مرکز حکومت و شهرهای چونکلی، تایتوهونگ است. در امور سیاسی و اداری نفوذ خوبی داشته و در مجمع قانون گذاری و مجلس ملی تایوان عضویت دارند.

هنگ کونگ و مکائو

کشور هنگ کنگ مستعمره انگلستان است. این ناحیه با ۱۰۴۴ کیلومتر مربع در جنوب چین و ۱۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر کانتون با کوانگچو قرار دارد. بندر هنگ کنگ که در کنار اقیانوس آرام قرار دارد با ۵۸۷۸۰۰۰ نفر سکنه تراکمی برابر با ۵۵۴۰ نفر در کیلومتر مربع را به خود اختصاص داده است. از دو بخش کولون و هنگ و کنگ تشکیل شده که توسط کانال آبی از هم جدا می‌شوند. مسلمانان ساکن ایالت کوانتونگ چین اولین گروه مهاجرین مسلمان هنگ کنگ هستند. که در سال ۱۹۴۹م بر تعداد آنان افزوده شده و در سالهای بعد از هند و اندونزی نیز عده‌ای به این ناحیه عزیمت نموده و رقم مسلمین را افزایش دادند. مسلمانان که تعداد آنان به ۴۰۰۰۰ نفر بالغ می‌گردد شافعی مذهبند و برخلاف جو مسموم و شرائط خشن سیاسی در ارتباط با

فعالیت‌های مذهبی از شور و هیجان خاصی برخوردارند. شغل اکثر مسلمین کارهای بازرگانی و خدمات است و در سازمان‌هایی شکل یافته و نشریاتی هم دارند. محلات مسلمان نشین مشخص است و دارای مسجد، دبیرستان، و کالج اسلامی هستند. در ۴۰ کیلومتری غرب هنگ کنگ جزیره مکائو قرار دارد که مسلمانان آن با مسلمین هنگ کنگ در ارتباطند. فاشرهای سیاسی پرتقال و مبلغین مسیحی موجب آن شده تا اکثریت مسلمانان این جزیره از اسلام دست برداشته و به مسیحیت روی آورند حتی قانونی تصویب شده بود که به موجب آن افراد مسلمان باید اجباراً به کلیسا بروند، لذا مبشرین مسیحی، موحدین این جزیره را سخت در فشار قرار داده‌اند. در سالهای اخیر موج انقلاب اسلامی ایران به افراد مسلمان آن، امید تازه‌ای بخشیده است.

مسلمانان چین

کشور چین با ۹۵۷۱۰۰۰ کیلومتر مربع و یک میلیارد و هفتاد و دو میلیون نفر سکنه در آسیای شرقی و بین ۲۰ تا ۵۵ درجه عرض شمالی قرار دارد و از نظر طبیعی به دو بخش کوهستانی و مرتفع غربی و جلگه‌های پست و هموار شرقی تقسیم می‌شود. در حدود ۷۰۰ میلیون نفر از سکنه چین در بخش شرقی و سواحل اقیانوس آرام استقرار یافته‌اند. نژاد مردم چین زرد و مرکب از تیره‌های چینی، مغولی و تبتی می‌باشد. دین اکثریت بودا و کنفوسیوس است و اقلیتی مسلمان در این کشور سکونت دارند. ۵ سال بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص) آئین توحید به چین راه یافت. سعد ابن ابی وقاص اولین مسلمانی است که وارد چین شد و نخستین مسجد در بندر شانگهای تاسیس گردید اولین برخورد مسلمین با چینیها در سال ۱۳۰ هجری در وقتی بود که ارتش چین به رهبری کوهسین چعیه با مسلمانان به رهبری «زیاد» روبرو شد. و نبرد سخت در مرز چین بین آنان در گرفت در آغاز، پیروزی با چینی‌ها بود اما ناگهان با شکست آنان مسلمانان بر آسیای مرکزی دست یافتند و این فتح، مقدمه نفوذ اسلام بر این سرزمین و آسیای مرکزی شد. تسلط کامل مسلمانان بر چین هنگامی بود که در سال ۱۳۸ هجری عده‌ای از قبایل چینی تحت عنوان لوشانی‌ها بر «هرسوان تسانگ» امپراتور چین شوریدند و در خلال این طغیان، امپراتور از منصور خلیفه عباسی استمداد طلبید. منصور یک گروه ۴۰۰۰ نفری را به کمک وی فرستاد که اینان در دو ایالت سیانفو و هانوفو بعد از جنگ و فرونشاندن طغیان اقامت گزیدند و با دختران چینی ازدواج کردند که می‌گویند هویس‌های مسلمان از نسل آنان هستند. اسلام از دو راه به چین راه یافت یکی از راه دریا (از طریق کانتون و هانگ چو) و دیگر از راه خشکی (از ایران و ترکستان). (۴) شهرباستانی چوانچو موسوم به شهر ریتون که در سواحل جنوب شرقی استان فوجیان واقع شده و مسیر دریائی جاده ابریشم می‌باشد در چند دهه اخیر بیش از صد لوحه سنگی اسلامی به زبانهای عربی و فارسی در این شهر کشف شده که این کشفیات بیانگر آن است که چوانچو در گذشته ارتباط تنگاتنگی با اسلام داشته است و اصولاً این شهر دروازه اسلام و یکی از مراکز عمده اسلامی در چین به شمار می‌آید. (۵) آماري که تعداد مسلمانان چین را مشخص کند بطور دقیق در دسترس نیست و در منابع آماري تعداد آنان را متفاوت ذکر کرده‌اند ولی می‌توان ادعا کرد که در حال حاضر ۷۰ میلیون نفر مسلمان در چین سکونت دارند. مسلمانان در ناحیه خود مختار ترکستان شرقی (سین کیانگ) و استان چینگهای در سرزمین نینگسیاهوئی و در کانسو در اکثریتند و از نژاد اویغور، ازبک، فرمز، تاجیک، تاتار و دونشیان می‌باشند. مسلمانان با دولت مرکزی در طول تاریخ ۵۰۰ بار درگیری داشته‌اند و بخصوص در پی قتل عامهای شدید در سه قرن اخیر حداقل ۳۰٪ آنان کاهش یافته‌اند. سلسله منچوها که بزرگترین دشمن مسلمین بودند بین سالهای ۱۶۴۴م تا ۱۹۱۱م مسلمانان را آماج اذیت قرار داده و قریب به ده میلیون نفر را در شمال و شمال غربی چین کشتند. در دوران حکومت سلسله چینگ آزادی مسلمانان محدود شده و بویژه در سال ۱۷۳۱م آئین سنتی ذبح حیوانات ممنوع گشت و در زمان حکومت امپراتور چی یو لونگ احداث مساجد جدید و زیارت حتج عدغن شد. با این حال موفق نشدند مسلمین را در اکثریت هضم کنند زیرا در تمامی ایالات و مراکز پرجمعیت پراکنده بودند و حضور سیاسی و اقتصادی مهمی داشتند. لذا گرچه اقلیت‌های دیگر در زمان این سلسله تحت

نظارت شدید بودند اما مسلمانان (هوئیها) به لحاظ ویژگی اجتماعی - فرهنگی و اتکای به خود و استواری در دین، استثنا بودند و طرح هماهنگ سازی در مورد آنان مؤثر واقع نشد و این سلسله پس از آنکه موفق نشد از طریق مهاجرت و انتقال، مسلمانان را منهزم کند به قلع و قمع و کشتار آنان پرداخت که مسلمین برای حفظ هویت فرهنگی خود مقاومت نموده و گاهی برای وحدت فرهنگی از طریق تاکتیک و تقیه وارد شده و حساسیت حکام را نسبت به خود کاهش می دادند تا به عنوان مذهبی بدعت گذار، مطرود چینیان قرار نگیرند. وفتار چینیا با مسلمانان در دو سطح قابل بررسی است. روشنفکران و اهل قلم مواقعی که تبلیغات علیه مسلمین شدید بوده با نوشتن کتب و مقالات به تحقیر آنان پرداخته و آنان را وجودهایی وحشی معرفی کرده اند. عوام تعصبات نابخردانه و قضاوت های نادرستی نسبت به موحدین داشته و آنان را بیرحم، متجاوز، حریص و جنایکار معرفی کرده اند. تعارض فرهنگی چینی با فرهنگ اسلامی، همبستگی مسلمانان را پدید آورده و هویت اسلامی را تقویت نموده است. واکنش شدید مسلمانان هنگامی بوده که فرهنگ آنان به مخاطره افتاده و ارزشهای آنان در معرض فنا بوده است و هنگام شکست در نظام حکومتی و تزلزل قدرت برای حفظ هویت و حفظ سهم خود از قدرت در نواحی شمال غربی و جنوب غربی دست به شورش زده و تقاضای استقلال داشته اند مبارزات مسلمانان در قرن نوزدهم در تعقیب چنین هدفی بوده و «ماهوآلونگ نیرومندترین چهره انقلابی در اسلام قرن نوزدهم چین بود که می خواست با جهاد به حکومت اسلامی برسد که دشمنان با حملات بیرحمانه او را سرکوب نمودند. شورش مسلمانان ناحیه یون نان در سالهای (۱۸۷۳ - ۱۸۵۳) از آن جمله است و دوون شین رهبر سیاسی شورشیان یون نان و قهرمان مسلمانان این ناحیه بود که اولین بار قرآن را به زبان چینی ترجمه کرد. از لحاظ سیاسی مسلمانان در حکومت مرکزی نفوذهایی داشتند. در دوره حکومت یوان (۱۳۶۸ - ۱۲۷۹) مغولان توده های وسیعی از مسلمانان را از آسیای غربی و مرکزی به چین آوردند و به عنوان کارگزاران دیوانی و صاحبان مشاغل کشوری در راس جامعه قرار دارند این افراد در محل اقامتشان محله های خصوصی را در اختیار گرفته و از مزایای فوق العاده ای بهره مند شدند که نفرت چینیا را بر می انگیخت. حتی در زمان سلسله چینگ فرد مسلمانی بنام ماهاشین (۶) مقام حساس استانداری جگیانگ فوگین و بعداً لیانگ کیانگ را بدست آورد و از خود لیاقت و استعداد های شایسته ای بروز داد و رژیم جمهوری به رهبری چیانگ یشک شخص مسلمانی بنام بای چونگ شی بالاترین مقام نظامی یعنی رئیس ستاد ارتش را عهده دار بود. مسلمانان برای گسترش آئین خود و حفظ هویت فرهنگی به برنامه ها و فعالیت های اجتماعی، فرهنگی دست می زنند. به عنوان نمونه در مواقع قحطی و گرسنگی، اطفال چینی را به خانه های خود آورده و آنان را مسلمان می نمایند و به قول «شکیب ارسلان ترجیح می دهند با زنان چینی ازدواج کنند و به این امید که خداوند دل های ایشان را آماده پذیرش اسلام گرداند. تالیف کتب اسلامی نیز از فعالیت های تبلیغی بود که عده ای را جذب می کرد. لیوجی با نوشتن کتابی پیرامون زندگی پیامبر اسلام - حضرت محمد (ص) - تحت عنوان «تاریخچه واقعی زندگی مقدس ترین چهره عربستان به زبان چینی نظر بسیاری از چینی ها را به سوی اسلام جلب نمود. در بین خود مسلمین نیز برای کاستن از تهاجم فرهنگی و دفاع از مرزهای اعتقادی سنت های خاصی وجود دارد اشاعه نظام آموزشی اسلامی حتی در روستاها، تشکیل اجتماعات و مجالس وعظ و سخنرانی مذهبی در مساجد، بر پائی اعیاد مذهبی، مراسم ازدواج و تدفین به طریق کاملاً اسلامی، گذاردن نام اسلامی بر فرزندان خود، آموزش زبان عربی و فراگیری قرآن و تربیت اسلامی، احتراز از فساد و فحشاء، اعطای زکات به افراد مستمند، حمایت از بینوایان و پذیرائی از میهمانان جزو برنامه های مفید مسلمانان چین است. رعایت قوانین اسلامی و اجرای موازین شرعی توجه دولتمردان را به سوی آنان جلب نموده بود و یونگ جنگ امپراطور چین در قرن هیجدهم در برخوردهای آشکار میان هان ها و مسلمانان از مسلمین حمایت نمود و حتی یکی از احکام محلی را که در صدد سرکوب مسلمین بود تقبیح نمود و دستور داد او را دستگیر و پس از محاکمه، مجازات کنند. (۷) مسلمانان در سراسر چین ۴۰۰۰۰ مسجد دارند. طبق نظر محقق بنام تینگ (Ting) صلح و سعادت و آرامشی که موجبات شکوفائی اسلام را در چین دوره مینگ فراهم آورد، معلول این مسئله بود که بنیان گذار

این سلسله یعنی تای دسو و حتی همسرش مسلمان بود و بسیاری از مقامات مسئول مسلمان بودند وی پس از جلوس بر تخت سلطنت شرابخواری را منع کرد و سرود ستایشی در تجلیل از محمد(ص) ساخت که ممکن است هنوز در مسجد اصلی نانکینگ اجرا شود. (۸) از اوایل قرن بیستم، فشار بر مسلمین شدت روز افزونی یافت و در اواخر سال ۱۹۲۸ م وانگ یوسیانگ ژنرال مسیحی حکومت کامین تانگ، در ایالت کانسون و نین گیساوشین سو بدین گونه بوده است. (۹) در بین سالهای ۱۹۵۲م تا ۱۹۶۸م مسلمانان تحت شکنجه و آزارهای شدید قرار گرفتند، مساجد تخریب گردید و کتب مذهبی بویژه قرآن سوزانیده شد و متاسفانه در بعضی نقاط، مذهب با تعلیمات مائوئی در آمیخته شد چنانچه پس از نماز و دعا در پاره‌ای از نقاط چین جملاتی از کتاب سرخ مائو نقل می‌شد. به همین دلیل بود که در سال ۱۹۶۶م در برخی نواحی چین در جریان انقلاب فرهنگی درهای مساجد توسط گارد سرخ بسته نشد و به مسجد هم بی حرمتی نکردند! (۱۰) سال ۱۹۵۱م گزارشهای از قتل، سوختن، دزدی و حمله به مؤسسات مسلمین و قطع روابط عمومی ایالات مسلمان نشین حکایت می‌کند ولی در سال ۱۹۵۴م بدنال تلگرام ۷۰۰۰۰۰ مسلمان به مائو، اسلام از حمایت قانون برخوردار شد اما برای کنترل افکار مسلمین شئون فرهنگی آنان به شدت کنترل شد و کوشش‌هایی صورت گرفته تا از طریق تبلیغات وسیع به مسخ فرهنگ اسلامی اقدام شود گرچه در ظاهر با بعضی حرکات فرهنگی مسلمانان موافقت می‌شد. چنانچه در سال ۱۹۵۵م به آنان اجازه داده شد انستیتوی الهیات اسلامی را تاسیس کنند و در سال ۱۹۶۴م کالج اقلیت ناسیونالیست را بنیان نهند.

مسلمانان ترکستان شرقی (سین کیانگ)

ترکستان شرقی که در شمال غربی چین قرار دارد با وسعتی برابر ۱۷۰۹۰۰۰ کیلومتر مربع بیش از پانزده میلیون نفر در آن سکونت دارند. مرکز این ایالت «اورومچی و شهرهای عمده آن عبارتند از کاشغریارقند، ختن و تورفان. این ایالت از شمال به مغولستان از شمال و غرب به شوروی سابق از جنوب به هند و تبت محدود می‌باشد، قدمت زیادی داشته و از نخستین مراکز تجمع انسانها بوده است و از ایام قدیم مسکن قبایل و چادرنشینان بود. در قرن اول ق. م تحت اشغال چین در آمد و در قرن دوم میلادی به دست ازبکها افتاد ولی دوباره در اواسط قرن هفتم، توسط چینها اشغال گردید. در قرن هشتم اوغورها بدان جا هجوم بردند و در قرن دهم میلادی مورد تاخت و تاز مسلمانان قرار گرفت. در قرن سیزدهم مغولها آن را تصاحب نمودند. در ۱۷۵۰م منچوها بدان دست یافتند. در سال ۱۸۸۱ م از ایالات چین شد ولی حتی تا سال ۱۹۱۲م استقلال داشت. (۱۱) در سال ۱۸۲۰م خوجه‌های مسلمان با بهره‌گیری از انزاع داخلی، به ترکستان حمله بردند اما منچوها آن را سرکوب نموده و «خوجه جهانگیر» را در سال ۱۸۲۸م دستگیر و اعدام نمودند. در سال ۱۸۶۲ م شورش بزرگ مسلمین در «شن سی و «گان صورت گرفت که در نتیجه آن مسلمانان به بخشهایی از شمال غربی چین دست یافته و ترکستان شرقی عملاً از امپراطوری جدا شد. در این موقع یعقوب بیگ رهبر مسلمانان اهل خوقند به ترکستان شرقی حمله برد و حکومتی اسلامی در آن بنیاد نهاد. در عصر وی این ناحیه موقع خوبی بدست آورد و از مراکز مهم مسلمین به شمار آمد. در سال ۱۹۲۰ و سه سال پس از انقلاب کمونیستی سال ۱۹۱۷م ترکستان شرقی و غربی از هم جدا شدند و در سال ۱۹۴۲م ترکستان شرقی به سین کیانگ تغییر نام یافت. در سال ۱۹۴۹م با روی کار آمدن نظام مائوئیستی چین به این سرزمین غالب شد و پس از به شهادت رسانیدن هزاران نفر از جمله علما و ائمه جماعات آخرین حکومت مستقل آسیای مرکزی را از میان برد و بسیاری از اقوام مسلمانان را که راهی افغانستان و هند بودند در طول مسیر و نقاط مرزی از پای در آوردند و اشغال آن تا ۱۹۵۱م ادامه یافت. در این مدت توسط تانگ‌ها و هواپیماهای جنگنده و بمبهای آتش زا ۱۲۰۰۰۰ نفر را کشتند، بین سالهای ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۷م گارد سرخ نیز هزاران نفر موحد را به شهادت رسانید و با کوچ دادن مسلمانان از اماکن خود آنها را در مجموعه چین بزرگ پراکنده نمود تا تعداد ساکنین این ایالت تقلیل یابد به نحوی که در سال ۱۹۴۹م سکنه آن ۳۵ میلیون نفر بود و

در سال ۱۹۶۰م به ۲۵ میلیون و در سال ۱۹۸۲م به ۵/۱۲ میلیون نفر تنزل یافت. همراه با این حرکات ایذایی تنها ۴۰۰۰۰۰ کارگاه و بازار کوچک و بزرگ را از دست آنان خارج نمود، غارت منابع و ذخائر آن از سوی چین همچنان ادامه دارد. ترکستان شرقی ۸۸ نوع ماده طبیعی دارد و در سال ۱۹۵۹م تولیدات نفتی آن به ۱۵۵۰۰۰۰ تن و آهن و فولاد به ترتیب به ۸۰۰۰۰۰ تن و ۶۰۰۰۰۰ تن بالغ گردید (۱۲) در سال ۱۹۸۰م این منطقه خود مختار به لحاظ اقتصادی در مضیقه بسر می‌برد و مردم در حالت نگرانی و اضطراب بسر می‌بردند اما در سال ۱۹۸۳م همراه با تجدید حیات اسلامی رونق اقتصادی و توسعه صنعتی در آن آشکار شد.

پی‌نوشتها

- ۱- بندر بزرگ صنعتی و مرکز مهم کشتی‌سازی در جنوب شرقی کرده جنوبی. ۲- اقلیتهای مسلمان در جهان امروز - علی کتانی ترجمه محمد حسین آریا ص ۳۷ و ۳۸ و ۳۹. ۳- ماخذ قبل صص ۳۷ و ۳۸. ۴- مجله الاتحاد ارگان دانشجویان امریکا و کانادا.
- ۵- برداشت از مجله چین مصور شماره‌های ۵ و ۶ سال ۱۹۹۱ میلادی. ۷- Mahasin. i - مسلمانان چین، صفحات ۱۹۰ تا ۱۹۲.
- ۸- مسلمانان چین، رافائل ایزرائیلی ترجمه حسن تقی زاده طوسی ص ۳۶۱. ۹- اسلام در چین نوشته ژاک گوسولت فرانسوی و بدرالدین حی (چینی) ترجمه عبدالحمید بدیع - تهران ۱۳۵۶. ۱۰- چین سرزمینی که از نو باید شناخت - منصور تاراجی - تهران یوش ۱۳۵۰. ۱۱- مبارزات مسلمانان ترکستان بر ضد استعمار سرخ چین و شوروی، تالیف محمد شهاب، ترجمه مهدی پیشوایی.
- ۱۲- چهره نوین سین کیانگ، س، اندرس و ایمبوس (S. Enders wimbush) ترجمه حسن تقی زاده طوسی.

ه- مسلمانان آسیای مرکزی

مسلمانان آسیای مرکزی

آسیای مرکزی به لحاظ ژئوپلیتیکی اهمیت زاید الوصفی دارد، موقع جغرافیائی، جمعیت نسبتاً زیاد، هویت اسلامی و ذخائر غنی، این منطقه را مورد توجه ابرقدرتها قرار داده است. اقوام ساکن در این نواحی گرچه مشخصه نژادی گوناگونی دارند اما بدلیل وحدت ایدئولوژیکی و در واقع مسلمان بودن نخواستند از تهاجم فرهنگی و سیاست‌های متجاوزین تاثیر پذیرند، روسها از گذشته‌های دور در صدد آن بوده‌اند که به محو فرهنگ و هویت اسلامی اقوام مسلمان آسیای مرکزی بپردازند اما با وجود سرکوب شدید، جابجائی و دادن امتیازات سیاسی - اقتصادی و فرهنگی موفق نشده‌اند مردم این سامان را از فرهنگ خود که بر ارزشهای اسلامی استوار است، جدا کنند. (۱) مناطق مذکور پایگاه مهمی جهت رشد فرهنگ اسلامی بوده و به لحاظ خصیصه‌های تاریخی و دارا بودن مراکز علمی و فرهنگی مورد توجه همسایگان خود، بویژه ایران بوده‌اند. توسعه اسلام در مناطقی که به آسیای مرکزی موسوم است از قرن اول هجری صورت گرفت. در سال ۲۱ هجری مطابق با ۶۴۱ میلادی لشکرهای پیروزمند مسلمان، آذربایجان را به تصرف درآوردند و از این تاریخ خورشید پرفروغ اسلام بر این نقاط تابیدن گرفت. در سال ۶۴ هجری دربند نیز به تصرف قوای اسلام درآمد که تا قرن‌ها بعد منتهی الیه شرقی مرزهای اسلام را در برابر ایالات ترک تشکیل می‌داد با فتح مناطق شرقی قفقاز توسعه سریع و کامل اسلام در مناطق مذکور آغاز شد که عملاً با مقاومت چندانی روبرو نگردید و تا زمان کشورگشایی روسها در قرن نوزدهم، قسمتهای مهمی از آسیای مرکزی بخشی پیوسته از قلمرو اسلامی بود. بدین گونه منطقه‌ای که جایگاه تمدن باستانی داشت و از گذشته در معرض آئین بودایی، مسیحی و نسطوری بود، به اسلام روی آورد. در سال ۵۴ قمری مسلمانان از آمودریا گذشته و در ۵۶ قمری بخارا را فتح نمودند و در سال ۱۳۴ قمری در کرانه‌های رود طلاس قوای امپراطوری چینی سلسله تانگ (که برای حفاظت مناطق آسیای میانه آمده بودند) را درهم شکستند. در قرن دهم میلادی اسلام

در مقام مذهب آسیای مرکزی حاکم شد و از این تاریخ به یکی از معتبرین کانونهای فرهنگی جهان اسلام تبدیل گردید. پس از آن امپراطوری عثمانی چندیت قرن بر آسیای میانه و قفقاز حکومت نمود و تصرف سرزمینهای اسلامی بدستی قوای روس بین قرون شانزدهم تا نوزدهم نتوانست مانع از پیشرفت و نفوذ اسلام گردد و در این مدت مناطق مسلمان نشین آسیای مرکزی با جهان اسلام ارتباطی پیوسته داشته و از تاریخ و فرهنگ یکسانی برخوردار بودند و حتی در سال ۱۹۱۷م باکو و سمرقند به سرزمین اسلام انس داشت تا به مسکو و پتروگراد. (۲) در عصر صفوئه که تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران قلمداد گردید، آذربایجان این مذهب را با آغوش باز پذیرفت و این جمهوری به پایگاه اصلی شیعه در منطقه ماوراء قفقاز گشت. از لحاظ نژادی، ترکیب جمعیت آسیای مرکزی بسیار متنوع و پیچیده می باشد. در شمال قفقاز سلسله کوههای مرتفع باعث تفکیک گروههای نژادی می شود که با چندین لهجه سخن می گویند که از سه زبان ترکی، فارسی و قفقازی ریشه گرفته اند. گرچه هر کدام از این اقوام دارای سنتهای خاص و شیوه های ویژه خود می باشند، اما در فرهنگ اسامی و هویت مذهبی مشترکند. نواحی ادیج و کراشای، چرکس، کاباردین، بالکار، چچن اینگوش، شمال اوشین، داغستان و آذربایجان قلمرو جغرافیائی شمال قفقاز (ماورای قفقاز) است. قوم ازبک از بزرگترین اقوام ناحیه آسیای میانه است که در حال حاضر اکثریت جمهوری ازبکستان را تشکیل می دهند. بجز تاجیکها، اکثریت سکنه آسیای میانه از نژاد ترک هستند. قزاقها، تاتارها، ایغورها، ترکمنها، غازانها، ذنجانها (چینی الاصل) و اقلیت های ترک و کرد و بلوچ نیز در آسیای مرکزی سکونت دارند. (۳) از نظر جمعیت، آمارهای متفاوتی برای این منطقه ذکر نموده اند که از ۶۰ میلیون نفر تا ۷۰ میلیون نفر در نوسان است. سکنه آسیای مرکزی در هنگام الحاق به روسیه حدود ۶ میلیون نفر بود که با مرگ و میر بالا-ویژه کودکان، رشد کند داشت از سوی دیگر، تزارها برای برهم زدن وحدت منطقه و ترکیب جمعیت اسلامی، ساکنان روسی و اوکراینی را تشویق به مهاجرت می نمودند که این پدیده در نیمه دوم دهه ۱۸۷۰م افزایش یافت. به هنگام انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م ساکنان اسلاو حدود ۳۰٪ قزاقستان و ۸۳٪ آسیای مرکزی را تشکیل می دادند و مسلمانان به ۱۲ میلیون نفر بالغ می گردیدند. این مهاجرت ها گرچه پس از انقلاب اکتبر تا سال ۱۹۲۰م متوقف بود اما از سال ۱۹۲۸م آغاز شد و تا سال ۱۹۳۶م ۱۷۰۰۰۰۰ نفر ساکنین جدید به منطقه آمد. این افراد غالباً به ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان می رفتند. شدت مهاجرت اسلاوها بحدی بود که تا سال ۱۹۳۹م ۵۰٪ سکنه تاشکند (بزرگترین شهر آسیای میانه) را اسلاوها تشکیل می دادند. هجوم آلمان به روسیه در سال ۱۹۴۱م سیل مهاجرین را تشدید نمود و این حرکت برخی از هالی بومی آسیای مرکزی را به شدت تحت تاثیر فرهنگ روسی قرار داد. تا سال ۱۹۵۹م نسبت اروپائیان در قزاقستان به ۶۵٪ و در آسیای مرکزی به ۲۵٪ رسیده بود اما این مهاجرت ها نتوانست جلو رشد روزافزون مسلمانان را بگیرد و در سال ۱۹۷۹م نسبت غیر مسلمانان در قزاقستان به ۵۷٪ و در آسیای مرکزی به کمتر از ۱۸٪ تنزل نمود. مهاجرت اجباری، تبعیدها و کشتارهای وسیع نیز از رشد روزافزون جمعیت آسیای مرکزی نکاست و روند مخاطره آمیز سلطه روسها را که بویژه از سال ۱۹۵۹م آغاز شده بود معکوس نشان داد و در فاصله سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۷۹م مسلمانان به جای پراکندگی، تمرکز بیشتری یافته اند و آهنگ بالای رشد طبیعی جمعیت مسلمانان در آینده وزنه بیشتری به آنان داده و این پدیده آنان را در برابر خطر استحاله فرهنگی حفظ نموده و هویت اسلامی آسیای مرکزی را نیرومند خواهد ساخت. از لحاظ ذخائر اقتصادی و منابع معدنی و محصولات کشاورزی، آسیای مرکزی غنی است. تا قبل از انقلاب اکتبر که در مسائل کشاورزی این منطقه تغییراتی پدید آورد و این تحولات منجر به کاهش محصولات زراعی شد. ۹۰٪ پنبه شوروی سابق در این نواحی بدست می آمد، در این میان ازبکستان ۶۵٪ پنبه را بخود اختصاص داده بود. نصف محصول ابریشم نیز در همین جمهوری تولید می گردید. دولت تزاری با توجه به استعداد منطقه و شرایط جغرافیائی به نوعی تک محصولی دست زده بود و طبق برنامه ای اکثر زمینهای زیر کشت آسیای مرکزی را به این محصول اختصاص داده بود که دولت شوروی پس از ۱۹۱۷م این سیاست را دنبال نمود و این حرکت منجر به کاهش کشت غله گردید. سیاست تک محصولی، مشکلات بزرگی را بخصوص در

جنگ‌ها و هنگامه قحطی برای مردمان این نواحی پدید آورد. در نواحی استپی و سواحل دریای خزر، گندم کشت می‌شود، دامداری از فعالیتهای دیگری است که با ویژگیهای جغرافیائی و زندگی سنتی مردم بویژه عشایر و روستائیان تناسب دارد. در جمهوری ازبکستان به پرورش گوسفند قره گل توجه دارند. تربیت گاو در سواحل شرقی و غربی دریای خزر صورت صورت می‌گیرد. در سالهای ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۳ که سیستم اشتراکی در آسیای مرکزی پیاده شد تعداد دامها کاهش یافت و به ۱۵۰۰۰۰۰۰ رسید در حالی که در سال ۱۹۲۹م آمار دام ۶۰ میلیون راس بود. این تنزل آشکار، سران شوروی را وادار نمود که به دامداران قزاقستان و آسیای مرکزی اجازه دهند، روش زندگی سنتی خود را از سر بگیرند. حرکت مزبور باعث رونق دوباره دامداری شد و میزان آن را در سال ۱۹۶۰ به ۵۷ میلیون راس و در سال ۱۹۷۹م به ۸۰ میلیون راس رسانید. ماهیگیری در سواحل دریای خزر و رودخانه‌ها به طریقی سنتی و جدید صورت می‌گیرد. از لحاظ ذخائر نفت و گاز، آسیای مرکزی و قفقاز اهمیت قابل توجهی داشته و بخش مهمی از نفت شوروی سابق از این مناطق استخراج می‌گردد. توسعه صنعتی از سال ۱۹۱۷م در آسیای مرکزی آغاز شد تا قبل از آن این سرزمین منطقه‌ای کاملاً کشاورزی و دامپروری بود و تنها چند کارخانه پنبه پاک کنی و ابریشم کشی داشت. شوروی در ظاهر برای صنعتی کردن آسیای مرکزی و در باطن برای برهم زدن نظام سنتی و فراهم نمودن اسباب مهاجرت اروپائیان و اقوام روسی به این نقاط، باب صنعت را پس از جنگ جهانی دوم در نقاط مذکور گشود و توسعه سریع صنعت، وجوه اقتصاد را در آسیای مرکزی دگرگون نمود و طبقه بزرگ کارگران شهری را بوجود آورد. ولی چون افراد بومی چندان تمایلی به امور صنعتی نشان نداده‌اند اغلب کارهای غیر کشاورزی را افراد غیر بومی در دست گرفتند، که این جهش صنعتی با وجود منافع غنی و نیروی انسانی عظیم آسیای مرکزی با تنگناهایی چون منابع آبی محدود، دوری از مناطق اصلی صنعت کشور وجود تفاوت‌های آشکار در شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی در مقایسه با سایر مناطق مواجه شد. توسعه امپراطوری روسیه بر نواحی آسیای مرکزی حدود ۳۴۸ سال طول کشید. اولیت فتح از سال ۱۵۵۲م با تسخیر غازان آغاز شد. در زمان ایوان مخوف و به سال ۱۵۸۴م روسها مناطق مسلمان نشین کناره ولگا و سیبری غربی را تسخیر نمودند و این نقاط برای همیشه از جهان اسلام جدا شد. در سال ۱۶۰۴م که روسها به داغستان حمله بردند، مردم این سرزمین به کمک قوای عثمانی در مقام مقابله با آنان برآمده و قوای روس را تارومار نمودند که ناچار به عقب نشینی شدند. این پیروزی مسلمین که با حرکتی استراتژیکی توأم بود باعث قویت حضور اسلام در میان اقوام کوه‌نشین شمال قفقاز شد و در قرن نوزدهم این منطقه در مقام رکن عمده مقاومت اسلامی در برابر هجوم روسها به سوی نواحی مسلمان نشین حضور یافت. طی قرون هفدهم و هیجدهم میلادی تا زمان کاترین دوم، اسلام مورد حمله و تعرض روسها بود و مراکز مذهبی مورد تهاجم قرار گرفتند به طوری که بین سالهای ۱۷۳۸ تا ۱۷۵۵م از ۵۳۶ مسجد غازان ۴۱۸ باب از بین رفت. موقوفات مصادره گردیده و فعالیتهای تبشیری آغاز شد مسلمانان مقاوم یا کشته می‌شدند و یا به مناطق دوردست می‌رفتند. در زمان کاترین دوم و به سال ۱۷۷۱م جزیره قرم به تصرف نیروهای روسی درآمد و در ۱۷۷۴م تحت الحمایگی دولت عثمانی بر آن پایان یافت. در عصر کاترین با تصرف خیوه و خوقند قلمرو آن تحت عنوان فرمانداری کل ترکستان تحت کنترل مستقیم ارتش روسیه قرار گرفت. در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی مناطق مسلمان نشین ماورای قفقاز و آذربایجان کنونی به تصرف روسها درآمد. از سال ۱۹۱۷م که نظام مارکسیستی در روسیه استقرار یافت تحت عنوان: برابری ملت‌ها، اعلام شد که در شوروی پدیده‌ای به نام ملت اسلام نمی‌تواند وجود داشته باشد و در تعارض میان ملیت با کمونیسم پیروزی با کمونیسم است. با این تصور نظام جدید به سرکوبی، انهدام، جابجایی اجباری مسلمانان پرداخت در سال ۱۹۴۴م، ۳۰۰۰۰۰ نفر از تاتارهای قرم بازداشت و با وضع فجیعی به سیبری و قزاقستان فرستاده شده و روسها و اوکراینی‌ها قلمرو سابق آنان را غصب نمودند. در همین سال بدون هیچ گونه دلیلی قوم منطقه مسختی جنوب گرجستان بازداشت شده و به قزاقستان و ازبکستان کوچ داده شدند که از ۲۰۰۰۰۰ نفر، حدود ۵۰۰۰۰ نفر از فرط سرما و گرسنگی در طول راه تلف شدند. بعد جمهوری خودمختار چچن اینفوش منحل گردید و قلمرو آن

ضمیمه جمهوری فدراتیو روسیه شد واقوام آن بازداشت و تبعید گشتند. بدین گونه مقامات شوروی در صدد محو اقوام شمال قفقاز برآمدند اما تلاش آنان با شکست مواجه شد و با مرگ استالین از این ملت‌ها اعاده حیثیت شد و کوه‌نشینان شمال قفقاز موفق شدند تا سال ۱۹۵۹م برخی از ضربات را جبران کنند و علیرغم ۱۵ سال تبعید، جذب ملیتهای دیگر نشده و زبان خویش را از یاد نبردند. در آسیای میانه مشی مسکو با مقاومت شدید روبرو گردید. تبلیغات ضد مذهبی یکپاز حربه‌های نظام کمونیستی بود که در این منطقه شروع شد. از سال ۱۹۲۵م موقوفات، مصادره و تا سال ۱۹۲۷م کلیه محاکم سنتی اسلامی برچیده شد. در سال ۱۹۲۸م طی تهاجم وحشیانه‌ای از انجام شعائر دینی چون مراسم سینه‌زنی شیعیان در ایام عاشورا جلوگیری به عمل آمد و روحانیون با اتهام جهل و فساد وارثاء و حتی جاسوس ژاپن و آلمان! مورد تعقیب قرار گرفتند، بسیاری از مساجد و مراکز اسلامی تعطیل شد. هجوم علیه یکی از مظاهر اسلامی یعنی حجاب از سال ۱۹۲۷م آغاز شد. مساجد به موزه و مرکز تئاتر و رقصخانه تبدیل شد. شخصیت‌های اسلامی تبعید و شکنجه شدند. پس از جنگ دوم در سرزمین شاشان واقع در قفقاز حدود ۸۰۰۰۰۰ نفر به طرز موحشی به نواحی شمالی و سیبری فرستاده شدند که حدود ۲۰٪ تا ۳۰٪ آنان در طول مسیر به علت سرما و گرسنگی تلف شدند. با ۴۰۰۰۰۰ نفر از مسلمین قرشای و قالمون هم این گونه رفتار کردند. در سال ۱۹۴۲م انقلاب بزرگ ترکستان شوروی بوقوع پیوست بطوری که طی آن مسلمانان سرزمین‌های اشغالی را باز پس گرفته و با بیرون راندن سربازان شوروی، جمهوری ترکستان را اعلام کردند که پس از جنگ دوم شوروی بدان حمله و این جمهوری را تصرف نمود. در زمان حکومت استالین، آزادی نسبی برای مسلمین بوجود آمد و تسهیلاتی برای سفر حج فراهم شد و دارالعلم اسلامی در بخارا و تاشکند بوجود آمد و تسهیلاتی برای سفر حج فراهم شد که علت این برنامه را می‌توان در موارد زیر جستجو نمود: ۱- نفوذ و قدرت دین اسلام در میان مردمان آسیای مرکزی ۲- سنت اسلامی به عنوان چهار چوب قانونی طی قرون و اعصار در زندگی مردم جاری بود ۳- جوامع اسلامی با مرام و مسلک حزب حاکم بر شوروی بیگانه بودند و نظام حاکم سعی می‌کرد با ایجاد روابط مسالمت آمیز از شدت این انزجار بکاهد ۴- حمله به اسلام و مبارزه بر علیه مسلمانان از نفوذ نظام حاکم بر سرزمینها و کشورهای اسلامی بخصوص خاورمیانه می‌کاست. در سالهای اخیر تا قبل از فروپاشی نظام پوشالی مارکسیستی حملات ستیزه جویانه‌ای علیه اسلام در شوروی شدت یافت و مشی خشونت و تعارض از سر گرفته شد و تبلیغات الحادی به طور گسترده‌ای، ادامه یافت و تلاش همه جانبه‌ای برای از میان برداشتن گرایشهای دینی برداشته شد. پس از جنگ ۱۹۵۳م خروشچف حملات را با شعار بازگشت به تعالیم لنین از سر گرفت و تعداد مساجد و رؤسای مذهبی را تقلیل داد. انتشار کتابهای الحادی رشد فزاینده‌ای بخود گرفت. مؤلفان در این کتابها به خدشه نمودن مسائل اسلامی و مسخ ارزشهای مذهبی پرداختند. با همه اینها موفقیت قابل ذکری بدست نیاوردند و بر خلاف اختناق شدید و فشارهای فراوان، دین اسلام در زندگی مردمان آسیای مرکزی جاری است و حتی قدرت معنوی آن پرده آهنین نظام کمونیستی را از صلابت انداخت و با وقوع انقلاب اسلامی ایران تجدید حیات اسلامی در بین ساکنین آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز به اوج خود رسید، و سرزمینی که دارای سابقه تاریخی و فرهنگی درخشان بوده و مردمان آن در قرون متمادی موجب قوت اسلام و پرچمدار آن بوده‌اند و دانشمندان بزرگی را در دامان خود پرورانده و صاحب موارث ارزشمند فرهنگی و هنری هستند بار دیگر با تحرک و هیجانی فراوان می‌رود تا از موازین اسلامی حراست و پاسداری نماید. امروز برای اکثریت جمعیت مسلمانان در جمهوری‌های مسلمان نشین، استقلال واقعی به معنای بازگشت به هویت اسلامی است. انقلاب اسلامی ایران و دوام و استمرار آن در این نواحی، حس اسلام خواهی و دفاع از باورهای دینی را در میان مسلمانان آسیای مرکزی به مراتب افزون نموده است. مردم احساس می‌کنند پس از سالها فشار و جدایی تحمیلی از فرهنگ اسلامی، بار دیگر شخصیت معنوی خود را بدست آورده‌اند. این روحیه موجب آن شد که مردم برای برقراری حکومت اسلامی در جمهوری‌های خود تلاش کنند. امروزه قریب به هفتاد میلیون نفر مسلمان در جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای میانه به این حقیقت رسیده‌اند که تنها در پرتو برقراری حکومت اسلامی و موازین شرعی

می‌توانند دوام و بقای مذهب خویش را در قلمرو زندگی، برای خود تضمین نمایند. تاریخ آسیای مرکزی با فرهنگ اسلامی و سنن ایرانی گره خورده است و در قرون متمادی مناطقی که اکنون به صورت جمهوریهای مستقل درآمده‌اند، جزئی از قلمرو ایران بوده‌اند و در عصر غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان، این نواحی از نقاط اصلی ایران به شمار می‌رفته‌اند. در عصر صفوی مذهب تشیع در آذربایجان نفوذ نموده و دوره قاجاریه پیرو قطعنامه‌های گلستان، و ترکمن‌چای ابتدا گرجستان و بدنبال آن ایروان، نخجوان و بخش شمالی آذربایجان به روسیه واگذار گردید، سمرقند، خیوه، و بخارا مواریث قابل توجهی از فرهنگ ایرانی دارند و زادگاه تعدادی از دانشمندان ایرانی همچون ابن سینا، فارابی، خوارزمی، جوهری، بخاری ترمذی، زمخشری و... آسیای میانه می‌باشد، همان سرزمینی که در قرون اولیه اسلامی جزو خراسان بزرگ بود. یادآور می‌شود که سرزمین ترکستان شرقی از نظر ذخائر و منابع کشاورزی و معدنی غنی است و می‌تواند به صورت قطب صنعتی عمده در آسیا درآید، نفت، ذغال سنگ، اورانیوم، سنگ آهن، طلا، فسفر، نقره، سرب، قلع، میکا، الماس، زمرد و گاز از منابع آن است اما کشور چین ضمن آنکه برای نوسازی کشورش از این منابع بهره می‌گیرد، ترکستان شرقی را در فقر و محرومیت و تحت فشارهای سیاسی اقتصادی قرار داده است و در مقایسه با ایالات دیگر و نواحی مجاور، این سرزمین بسیار عقب افتاده می‌باشد. در سالهای اخیر تا حدودی بخاطر نگرانی از اوضاع خاورمیانه و آسیای مرکزی، سیاست دولت نسبت به ترکستان شرقی دگرگون شده و تا حدودی از فشار بر آنان کاسته شده است و چین می‌کوشد روابط مسالمت آمیز بین چینیهای ساکن در این ایالت و مسلمانان فراهم کند ولی با تمام این تلاشها در سال ۱۹۸۱م بین اویغورها و چینیهای درگیری و نزاع پیش آمد. (۴) ذیلا به بررسی جمهوری آسیای میانه می‌پردازیم:

قرقیزستان

جمهوری قرقیزستان با ۱۹۸۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت در شمال تاجیکستان و شرق ازبکستان و قزاقستان قرار دارد. این سرزمین از شرق و جنوب شرقی با ایالت ترکستان شرقی چین (سین کیانگ) همسایه است. سرزمینی کوهستانی می‌باشد و ۷۰٪ آن را ناهمواریها و نقاط مرتفع تشکیل می‌دهد. وجود ارتفاعات پوشیده از برف گرچه موجب وزش بادهای سرد و حاکم شدن آب و هوای سرد زمستانی در این نقاط می‌شود اما در فصل بهار و تابستان با ذوب برفهای آن و افزایش آب رودخانه‌ها و چشمه‌ها سرسبزی منطقه را افزون می‌نماید. دریاچه آیسیک کول تقریباً در شمال شرقی این جمهوری واقع است که به طراوت منطقه می‌افزاید. قرقیزستان در سال ۱۳۵۸ش، ۳۵۲۹۰۰۰ نفر سکنه داشت اما در حال حاضر جمعیت آن به ۵/۴ میلیون نفر بالغ می‌گردد. از قریب به ۳ میلیون نفر قرقیزی شوروی سابق نزدیک به ۵/۲ میلیون نفر آن در این جمهوری ساکنند بقیه نژادهای آن را تاجیک‌ها (فارسی زبان) ازبک‌ها، روس‌ها اوکراینی‌ها و آلمانی‌ها تشکیل می‌دهند و می‌توان اذعان نمود که ۲۵٪ سکنه آن اروپائی‌اند. ترکیب قومی متنوع، گاهی درگیریها و تشنجهایی را در این کشور بدنبال داشته است و تازه‌ترین آن نبرد بین قرقیزها و ازبک‌ها در بهار سال ۱۳۶۹ش می‌باشد. (۵) قرقیزها (خرخیزها) از اواسط هفدهم میلادی بتدریج به اسلام روی آوردند و هم اکنون اکثریت آنان مسلمانند. زبان رایج آنان قرقیزی است که به زبان ترکی مرکزی تعلق دارد و دارای گویش‌های گوناگون می‌باشند. (۶) این قوم همچون سایر اقوام آسیای میانه در آغاز قرن سیزدهم میلادی زیر سلطه قوم خونخوار مغول قرار گرفتند و پس از آن به تناوب تحت سیطره چینی‌ها و خانهای مغولستان قرار داشتند. این کشور در سال ۱۸۸۶ میلادی به اشغال روسها درآمد و با عنوان بومی فرغانه به امپراطوری روسیه منضم گردید. در سال ۱۹۳۶ میلادی تحت عنوان «جمهوری سوسیالیستی خود مختار قرقیزستان، این سرزمین شکل گرفت که تا سال ۱۹۸۷ میلادی به همین شکل باقی ماند اما در این تاریخ اعلام استقلال نمود و دست به یک سری اصلاحات سیاسی زد، و در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۷۰ش به عنوان یک کشور مستقل به عضویت سازمان ملل درآمد. مرکز آن قبلا فروزنه نام داشت که در تحولات جدید نام سابق خود را که پیشیک است، بازیافت. کاخ ریاست جمهوری قرقیزستان به تقلید از

آرامگاه مولوی، عارف ایرانی بنا شده و این خود نفوذ فرهنگ ایران را در جمهوری مذکور نشان می‌دهد. مرکز حکومت، در حدود ۱۵٪ سکنه قرقیزستان را در خود جای داده است. این کشور دارای ۱۸ شهر و ۳۱ اقامتگاه می‌باشد. کشور قرقیزستان نسبت به سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی آرامتر و با ثبات‌تر است اما با تورمی مهار نشدنی و فقر و محرومیت شدید روبرو می‌باشد در حالی که در نواحی کوهستانی جاری هستند گرچه برای کشتیرانی مناسب نمی‌باشند (بدلیل آبشارهای مسیر) اما از منابع مهم تولید برق آبی (انرژی هیدروالکتریک) (۷) می‌باشند. این کشور از مهمترین تولید کنندگان اورانیوم و زغال سنگ در آسیای میانه به شمار می‌آید و دارای معادن دیگری چون نفت، گاز طبیعی، طلا، سرب، روی، سنگهای ساختمانی و... می‌باشد. چراگاههای دامنه‌های کوهستانی آن سرسبز و خرم بوده و موجب رونق دامداری در این منطقه شده است. ۱۰٪ اراضی آن قابل کشت هستند. قرقیزستان کشوری است محصور در خشکی و به دریای آزاد راه ندارد. توسعه صنعتی در این کشور با عنایت به جمعیت بومی و عدم رغبت آنان به مشاغل صنعتی، موفقیت‌آمیز نبوده است. به عنوان مثال در سال ۱۹۵۹م درصد کارگر بومی در بخش صنایع ۳۴٪ بوده در حالی که اکثریت شاغل‌ها در افراد بومی در این سال تشکیل می‌داده‌اند ولی در همین سال ۳۲٪ افراد غیر بومی در بخش صنعت مشغول بکار بوده‌اند. (۸)

تاجیکستان

جمهوری تاجیکستان با ۱۴۳۱۰۰ کیلومتر مربع در شمال افغانستان و شرق ازبکستان قرار دارد. از شمال با قرقیزستان و از شرق با ایالت ترکستان شرقی (سین کیانگ) چین، مرز مشترک دارد، در سال ۱۹۷۹م ۳۸۰۶۰۰۰ نفر سکنه داشت اما هم اکنون ۵۳۰۰۰۰۰ نفر سکنه دارد یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های آسیای مرکزی در این منطقه وجود دارد که تاجیک‌ها وارث آن هستند. در حدود ۸۶٪ مردم تاجیکستان پیرو دین مبین اسلام می‌باشند. علاوه بر تاجیک‌ها، اقوام روسی و اروپائی در آن سکونت دارند. این کشور از قرون گذشته و حتی قبل از میلاد بخشی از خاک ایران بوده و پیوندهای فرهنگی و ملی بین این دو کشور وجود دارد. در قرن سیزدهم مورد تاخت و تاز مغولها قرار گرفت و در سال ۹۸۷۳م روسها آن را به تصرف خود درآوردند و ۴ سال پس از انقلاب ۱۹۱۷م یعنی در سال ۱۹۲۱م ارتش کمونیستی شهر دوشنبه را تصاحب نمود و این سرزمین در ۱۶ اکتبر ۱۹۲۹م (۲۴ مهر ۱۳۰۸ش) تحت عنوان: «جمهوری سوسیالیستی استالین آباد» به مجموعه جمهوریهای تحت نظر کرملین پیوست که تا سال ۱۹۶۱م این نظام سیاسی را حفظ نمود و از آن پس نام خود را به تاجیکستان تغییر داد. این کشور تا سال ۱۹۹۱م، بیش از ۶۰ سال با نظام کمونیستی و تحت تعلیمات الحادی اداره می‌شد. برخلاف سرکوبی مذهب، توسط کمونیسم در تظاهرات و تحصن‌ها و تحولات اخیر، مذهب به صورت قوه محرکه تجدید حیات فرهنگ تاجیکستان و تغییرات سیاسی این کشور درآمده است. تظاهرات هفت هفته‌ای در این کشور برای سرنگونی رحمان نبی‌اف از اعضای حزب کمونیست شوروی سابق از نمونه‌های بارز تلاش مسلمانان برای بازگشت به اعتقادات دینی است. تجلی اعتراض مذکور به صورت برگزاری نمازهای جماعت در مساجد و اماکن عمومی است. معترضین در چادرهایی که در برابر کاخ ریاست جمهوری در ناحیه‌ای بنام «میدان شهدا» برپا کرده بودند با مراسم دعا، قرائت قرآن و سخنرانی مردم را تحت تاثیر احساسات مذهبی و هیجانی اسلامی قرار می‌دادند. به نحوی که تحت تاثیر این برنامه‌ها، زنان به پوشیدن اندام و رعایت حجاب اسلامی ترغیب شدند. مراسم نماز جماعت که همه روزه یک بار در این میدان برپا می‌شد به ۵ بار در روز افزایش یافت. (۹) این در حالی است که در گذشته حتی در منازل نمی‌توانستند عبادت انجام دهند و مراسم سوگواری حضرت اباعبدالله(ع) و دستجات عزاداری در زیر زمین‌ها برگزار می‌شد و در ورودی این زیر زمین‌ها، کشیک می‌گذاشتند تا در صورت آمدن ماموران امنیتی، متفرق شوند. آگاهی از انقلاب اسلامی هم در دوران کمونیستی از طریق رسانه‌های استکباری و خبرگزاریهای وابسته به ابرقدرتها بود که تصویر منفی و مشوشی از ایران در ذهن مردم می‌ساختند و حتی امریکا در منطقه آشوب

زده کولاب، از طریق اشعار علیه انقلاب اسلامی تبلیغ می نمود. با این حال مردم تاجیک می گویند: بدون گندم آری ولی بدون ایران هرگز، تاجیکستان در واقع پاره جدا افتاده از ایران و به عبارتی ایران کوچک است. (۱۰) با فروپاشی شوروی، استقلال تاجیکستان در ۹ سپتامبر ۱۹۹۱م تحقق یافت و نهضت مردم که بر بنیانی عقیدتی استوار بود منجر به روی کار آمدن اپوزیسیون متشکل از حزب‌های نهضت اسلامی، دموکرات، سازمان رستاخیز و بدخشان گردید و ۳۰٪ کابینه در بدو استقلال از این احزاب بودند. نظام حکومتی آن مصالحه ملی و رئیس جمهوری کفیل وحدت ملی نام دارد. حزب نهضت اسلامی که همزمان با انقلاب اسلامی ایران در این کشور بوجود آمده یکی از قوی‌ترین گروه‌های سیاسی به شمار می‌رود. سازمان آریانای بزرگ بین تحصیل کرده‌ها و حتی افراد عادی، طرفداران فراوانی دارد که آرمان آن ایجاد دولت واحدی در سرزمین‌های فارسی زبان است. خطباء مساجد تحت سرپرستی اداره تأمینات (رهبر مذهبی مسلمانان) فعالیت می‌کنند در سالهای اخیر ۱۵۰۰ مسجد در نقاط مختلف تاجیکستان تاسیس شده که ۱۵۰ واحد آن مسجد جامع است. (۱۱) یکی از مشکلات مهم سیاسی این جمهوری تازه استقلال یافته این است که گرایش دینی گرچه بین عده‌ای از مردم نیرومند است اما چندان فراگیر نمی‌باشد زیرا در مدت چند دهه سلطه کمونیستی، آموزش علوم دینی به طور رسمی در آن متوقف بوده و طالبان قادر نبوده‌اند برای تحصیل علوم اسلامی به کشورهای مسلمان مسافرت کنند و به تکمیل معلومات مذهبی بپردازند. گرایش ملی‌گرایان هم قدرت آن را ندارد که به تنهایی حکومت کند و متأسفانه گرایش کمونیستی هنوز قوی‌ترین گرایش سیاسی این سرزمین می‌باشد. از سوی دیگر عده کثیری از روسها، مشاغل کلیدی صنعتی و فنی را در دست دارند. حضور ارتش سرخ با نامی جدید نیز موقعیت طرفداران کمونیسم را تقویت می‌کند اما آرمان کمونیسم در جهان بی اعتبار شده و رسوایی فروپاشیدن آن در شوروی و اروپای شرقی اجازه نمی‌دهد که این افراد جان بگیرند و در راس نظام سیاسی قرار گیرند. تشنج‌های سیاسی و چالش‌های اقتصادی، این گرایش را شدت بخشیده و به این کشور اجازه نمی‌دهد نظام سیاسی پایداری را جانشین رژیم فرو ریخته قبلی کند. امریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل تا کنون تلاش‌های فرهنگی - سیاسی فراوانی برای اعمال نفوذ در این جمهوری بعمل آورده‌اند اما مقاومت اسلامی مردم اجازه نداده است که این تلاش‌های مذبحخانه به ثمر برسد. یکی از مسائل مهم در هویت فرهنگی تاجیکستان، زبان فارسی است که در رژیم گذشته کوشش بر این بوده تا تاجیک‌ها این زبان را که موجب قرابت تاریخی، فرهنگی و ادبی با ایران می‌شد فراموش کنند. لذا روسها آموزش خط فارسی را متوقف نمودند و با این کار آنان را از خواندن نشریات و آثاری که به زبان فارسی انتشار می‌یافت محروم کردند و با ایجاد دیوار آهنین ارتباط آنان را با فرهنگ ایرانیان قطع نمودند و خط سیریلیک را رواج دارند و با نفوذ مهاجرین روسی در مراکز علمی، فرهنگی، فنی و اداری زبان روسی در این کشور حضور بیشتری یافت زیرا مشاغل مهم و تخصصی و علمی در دست افرادی بود که فارسی نمی‌دانستند. با این وجود، مردم با حالتی از شور و هیجان به زبان مادری خود (فارسی) سخن می‌گویند و اولین جشنهای سالگرد استقلال خود را با پرده برداری از پیکره فردوسی آغاز کردند و جالب اینکه مجسمه لنین را برداشته و این پیکره را بجایش نهادند و با شور و التهاب خاصی با هم زمزمه می‌کردند: «بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی (۱۲) دولت نیز اعلام کرد که خط فارسی را به عنوان خط رسمی مکاتبات خود انتخاب می‌نماید. اکثریت مردم تاجیکستان با سوادند و اغلب کتاب و روزنامه و مجله هستند. کتاب طرز آموزش خط و زبان فارسی در طول یک سال ۳ بار چاپ شد. سالانه بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ جلد کتاب در این کشور انتشار می‌یابد که غالب آنها در موضوعات علوم انسانی است و هم اکنون روزنامه‌های پیوند و سامان به زبان فارسی چاپ می‌شود. در این کشور ۱۲۶ مجله و روزنامه وجود دارد که ۳ تای آن مربوط به بخش خصوصی و بقیه در انحصار دولت است. ۱۳ عنوان آن‌ها سراسری، ۱۰ عنوان هم به صورت هفته‌نامه می‌باشد. بالاترین تیراژ آن به نشریات «جمهوریت»، «راز و نیاز با مردم و روزنامه خصوصی «چراغ روز» اختصاص دارد که تیراژ آنها به ۷۰۰۰۰ نسخه بالغ می‌گردد. (۱۳) مرکز حکومت تاجیکستان شهر دوشنبه است و این کشور در حال حاضر دارای ۱۸ شهر و ۴۹ اقامتگاه می‌باشد

. رودخانه‌های فراوان آن در تولید انرژی برق آبی اهمیت ویژه‌ای دارند. ذخائر غنی آهن، سرب، روی، مس، قلع، جیوه و اورانیوم در سرزمین مذکور بدست می‌آید. همچنین نفت و گاز طبیعی از جمله ثروت‌های خدادادی مردم این سامان است. تاجیکستان از تولیدکنندگان عمده کتان در آسیای مرکزی است و صنایع شیمیایی، قالی بافی، جوراب بافی، پوشاک، نساجی و مواد غذایی در آن استقرار داشته و از شهرت خوبی برخوردارند. در رژیم گذشته، از این امکانات بالقوه (ذخائر معدنی) به آن صورت بهره برداری نشد و اکنون تاجیکستان می‌خواهد بخود متکی شود دچار کمبودهای شدید و تورم طاقت فرسا شده است و حتی بسیاری از وسایل حمل و نقل به علت کمبود سوخت متوقف شده‌اند و مشکل گرانی و بحرانهای سیاسی، اجتماعی، ممکن است ثبات این کشور را به مخاطره بیفکند. (۱۴) ایران ضمن فعالیت‌های فرهنگی می‌تواند تاجیکستان را در استخراج منابع معدنی و توسعه صنعتی و بهبود اوضاع اقتصادی مساعدت کند.

پی‌نوشتها

۱- حکومت مسکو و مساله مسلمانان آسیا مرکزی - مایکل ریو کین ترجمه محمود رمضان زاده ص ۲۰۵. ۲- مسلمانان شوروی، گذشته، حال و آینده - الکساندر بنیگسن و... ترجمه کاوه بیات. ۳- اقلیتهای مسلمان ترجمه ایرج کرمانی صفحات ۲۷۱ تا ۲۷۳. ۴- اقلیتهای مسلمان در جهان، ترجمه ایرج کرمانی صفحات ۲۸۲ تا ۲۹۵، در ضمن در بخش مسلمانان چین این سرزمین تا حدودی معرفی شده بود. ۵- رسالت ش ۱۹۹۱. ۶- روزنامه جمهوری اسلامی ش ۳۷۲۶. ۷- Hydro Electric power ۸ (Michael) - حکومت مسکو و مساله مسلمانان آسیای مرکزی نوشته مایکل ریو کین ترجمه محمود رمضان زاده ص ۷۶. ۹ (Rywkin) - بیداری اسلامی در آسیای میانه، نیویورک تایمز. ۱۰ و ۱۱- برگرفته از مصاحبه علی اشرف مجتهد شبستری سفیر ایران در تاجیکستان با روزنامه اطلاعات ش ۱۹۶۶۵ - ۲۵ تیر ماه ۱۳۷۱. ۱۲- ایران و تاجیکستان مستقل - ناصر ایرانی، مجله نشر دانش سال دوازدهم ش پنجم مرداد و شهریور ۱۳۷۱. ۱۳- ماخوذ از مصاحبه روزنامه اطلاعات با محمداف باخان وزیر مطبوعا جمهوری تاجیکستان (روزنامه اطلاعات ش ۱۹۶۱۱). ۱۴- در تازه‌ترین تحولات، قوای کمونیستی به کشتار شدید مسلمانان پرداخته و یک میلیون نفر مسلمان را آواره کرده‌اند.

قزاقستان

جمهوری قزاقستان مساحتی برابر با ۲۷۱۷۰۰۰ کیلومتر مربع دارد. (۱) که از این لحاظ وسیع‌ترین جمهوری آسیای مرکزی و دومین جمهوری بزرگ شوروی سابق پس از روسیه می‌باشد. این کشور از شمال با روسیه از جنوب به ازبکستان و ترکمنستان و قرقیزستان و از شرق به ترکمنستان شرقی چین محدود می‌باشد. دریای خزر در غرب و دریاچه آرال در مرز این کشور با ازبکستان قرار گرفته است. جمعیت آن در سال ۱۹۷۹م ۵/۱۴ میلیون نفر بود ولی هم اکنون ۱۷ میلیون نفر سکنه دارد. ۴۵٪ سکنه این جمهوری مسلمان هستند. در قرن نوزدهم، اسلام در قزاقستان رشد بی سابقه‌ای یافت زیرا تزارهای روس نگران قبائل پراکنده این جمهوری بودند و بیم آن را داشتند که بر آنها بشورند، لذا تصور نمودند با قبول اسلام از سوی قبائل، آنها به هم نزدیک شده و تمدن واحدی ایجاد می‌کنند و از این لحاظ در مورد پذیرش اسلام از سوی آنان محدودیت قائل نشدند و در برابر رشد و توسعه مساجد اینمنطقه از خود عکس‌العملی نشان ندادند اما برخلاف تصور روسها، نفوذ اسلام در مردم قزاق آنان را به صورت اقوامی ظلم ستیز درآورد و در مقابل روسها به شورش و مقاومت برخاستند. روسها که متوجه چنین قدرت سیاسی (بخاطر قبول آئین اسلام) توسط قزاق‌ها شدند در ساخت مساجد مضایقی ایجاد نموده و تبلیغات مسیحی را در این جمهوری اشاعه دادند. نژاد

اکثریت، قزاق است آنها از قبائل ترکی هستند که قبل از میلاد مسیح در منطقه فعلی استقرار یافته‌اند و نسل کنونی قزاق‌ها، محصول آمیزش مغول‌ها با ترک‌های بومی این سرزمین می‌باشد. نژادهای دیگر آن عبارتند از: روسی، اوکراینی، آلمانی، کره‌ای، اویغوری، ازبکی، تاجیکی و ایرانی. زبان قزاقی است و الفبای آن کریلی می‌باشد. این زبان با زبان ترکی آمیختگی زیادی دارد. از قرن سیزدهم میلادی تا اواخر قرن پانزدهم، قزاقستان تحت سلطه مغولها قرار داشت بعداً دچار جنگ‌های داخلی گشته و تجزیه گردید و ارتباط میان قزاقها و روسها از قرن شانزدهم قوت گرفت و قزاقها بتدریج زیر سلطه روسها قرار گرفتند اما برای رهای از یوغ مهاجمین روس در نیمه دوم قرن هیجدهم چندین بار دست به شورش زدند. با این حال از سال ۱۸۶۶م سلطه روسها بر این نواحی تثبیت گشته و قدرتهای محلی از میان رفتند ولی موج نفرت از روسها در میان قزاقها بتدریج اوج گرفت و قدرت معنوی اسلام در تقویت این انزجار مؤثر بود و چندین شورش در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم توسط قزاقها بر علیه روس صورت گرفت که به شدت سرکوب شد. در ۲۶ اوت ۱۹۲۰م (۴ شهریور ۱۲۹۹ش) جمهوری خودمختار قزاقستان تحت نظر کرملین، در این سرزمین تشکیل شد و «آلما آتا» به عنوان مرکز آن انتخاب شد و در ۵ دسامبر ۱۹۳۶م (۱۴ آذر ۱۳۱۵ش) به جمهوری قزاقستان تغییر نام داد که تا سال ۱۹۹۱م برقرار بود و در این سال استقلال خود را بدست آورد. (۲۰ فروردین ۱۳۷۰ش) و به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. همانگونه که اشاره شد پایتخت آن آلما آتا (پدر سیب) است. ۱۹ استان، ۸۲ شهر دارد و ۵۷٪ سکنه در کانونهای شهری سکونت دارند. ۶۰ دانشکده با ۱۴۰۰۰ دانشجو، ۱۰۰۰۰ واحد مدرسه و ۶ کانال تلویزیونی از جمله امکانات فرهنگی قزاقستان است. (۲) یکی از مساجد مهم مسلمان در مرکز حکومت این کشور قرار دارد. قزاقستان تنها جمهوری مسلمان نشین آسیای میانه است که در آن سلحهای استراتژیک و سیلوی موشکهای بالستیک قاره پیمای اتمی شوروی سابق نگاهداری می‌شود و امریکا از اینکه مواد هسته‌ای و سلاحهای اتمی مزبور به دست مسلمانان بیفتد به شدت نگران است. قزاقستان از منابع آبی خوبی برخوردار است. دریاچه آرال واقع در جنوب آن اکنون مورد استفاده پروژه آبیاری توسعه کشت پنبه در ازبکستان قرار گرفته و با عقب نشینی منابع آب آن، دریائی از نمک را در سواحل وسیع خود برجای گذاشته است. در این کشور معادنی چون: طلا، نقره، فسفات، نیکل، قلع، مس، سرب، روی، زغال سنگ، سنگ آهن وجود دارد. رودهای آن منابع مهمی برای تولید برق آبی (انرژی هیدروالکتریک) و طرحهای آبیاری به شمار می‌روند. زمینهای مزروعی حاصلخیز و مراتع سرسبز و خرم از برکات این سرزمین است. این کشور به لحاظ صنعتی بسیار توسعه یافته است و صنایع استخراجی، شیمیائی، ذوب فلزات، ماشین‌سازی، سیمان، نساجی و غذایی در آن استقرار دارد. قزاقستان از مراکز مهم تولید گوشت شوروی سابق بود و غلات، سبزی، انگور، سیب، نیشکر، سیب زمینی و کتان در آن تولید می‌شود. صنعت ماهیگیری در این جمهوری استقلال یافته، رونق بسزایی دارد. در بین جمهوریهای مشترک المنافع دومین تولید کننده نفت به شمار می‌رود و بزرگترین ذخائر کروم در آن وجود دارد.

ازبکستان

سرزمین ازبکستان، با ۴۴۷۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت در جنوب قزاقستان و دریاچه آرال و نیز شمال افغانستان و ترکمنستان واقع است. تاجیکستان و قرقیزستان همسایگان شرقی آن هستند. ۸۵٪ سکنه ۲۰ میلیونی آن پیرو آئین اسلام می‌باشند. در قرن ششم قبل از میلاد بخش اعظم آن تحت سلطه هخامنشیان بود. سامانیان که خست سلسله ایرانی پس از حکمرانان تکر بودند، در دوران حکومت خود در خراسان و ماوراءالنهر (بخشهایی از ازبکستان کنونی) و قسمتی از ایران مرکزی حکومت می‌کردند (از ۲۶۱ تا ۳۸۹ق) در عهد اسماعیل سامانی، مرکز اقتدار این سلسله بیستر ماوراءالنهر بود و بخارا و سمرقند در عهد او چنان ترقی کردند که قسمت عمده‌ای از عالم اسلامی را با درخشندگی تمدن و معارف و ادبیات و هنر، نور و فروغ می‌بخشیدند. مقبره اسماعیل سامانی

در بخارا است که خود اثر هنری بسیار زیبایی از این عصر می‌باشد. بخارا یکی از شهرهای بزرگ ماورالنهر قدیم و مرکز بعضی حکومت‌های اسلامی و کانون نشر علوم و معارف اسلامی و ادب ایرانی می‌باشد، نرشخی (مورخ معروف) عمیق بخارائی شاکر بخاری از دانشمندان این شهر قدیمی‌اند، شیخ الرئیس ابوعلی سینا (۳۷۰ - ۴۲۸ق) دانشمند بزرگ ایرانی در روستای افشنه از توابع بخارا دنیا آمد و در بخارا کسب علم نمود. (۳) بلندترین عمارت بخارا مناره‌ای است ۵/۴۶ متری که مربوط به مسجد کالیان و معروف به برج مرگ می‌باشد. (زیرا محکومان به مرگ را از بالای آن پرت می‌کردند). این مناره مربوط به ۸ قرن قبل است. بازار جالبی نیز از آثار هنری این شهر است. (۴) سمرقند یکی دیگر از شهرهای تاریخی ازبکستان است که در نزدیکی بخارا قرار دارد که رود سغد از کنار آن می‌گذرد این شهر در طول ۲۵ قرن تاریخ خود هجوم سپاهیان اسکندر، امیران عرب، گروه‌های بربر و چنگیزخان را بخود دیده است. صودر عصر تیموریان، سمرقند پایتخت مملکتی بزرگ شد که از دهلی تا دمشق و از دریاچه خوارزم (آرال) تا خلیج فارس وسعت داشت این دولت ماوراءالنهر را به مقامی از اهمیت رسانید که تا آن زمان هیچگاه بدان پایه نرسیده بود. بزرگترین سنگ قبر جهان که بر روی امیر تیمور گورگانی قرار گرفته در این شهر (سمرقند) است. مسجد جالبی در این شهر وجود دارد تحت عنوان مسجد بی بی خانم که صحن درونی آن ۱۶۷ متر طول و ۱۰۹ متر عرض دارد و قطر گنبد فیروزه‌ای آن ۲۰ متر است. (۵) از شهرهای تاریخی دیگر ازبکستان تاشکند را می‌توان نام برد که به عنوان بزرگترین شهر آسیای مرکزی، پایتخت این جمهوری نیز می‌باشد. اندیجان. فرغانه و نمگان از دیگر کانونهای شهری ازبکستان هستند که بدلیل ارزش تاریخی، همه ساله جهانگردها بدانها روی می‌آورند. در زمان صفویه و افشاریه به دفعات مکرر تلاش شد تا ازبکستان بار دیگر تحت کنترل حکومت مرکزی ایران درآید اما نفوذ روزافزون سران قبائل در افراد و ضعف ایران موجب از دست رفتن تدریجی ازبکستان شد و در سال ۱۸۷۳م این منطقه به اشغال روسها درآمد. پس از سقوط تزارها در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م نظام کمونیستی بر ازبکستان حاکم شد و در سال ۱۹۲۴م رسماً جمهوری سوسیالیستی ازبکستان در این سرزمین شکل گرفت که تا سال ۱۹۹۱م برقرار بود. در اواسط این سال، ازبکستان از سلطه مارکسیسم رهایی یافت و نسیم روح بخش آزادی بر آن وزیدن گرفت و معنویت اسلام آن را سیراب نمود. ازبک‌ها، سنی و پیرو فقه حنفی هستند. دو مدرسه معروف اسلامی یعنی مدرسه میر عرب در بخارا و مدرسه اسماعیل البخاری در تاشکند که در قرن شانزدهم میلادی پدید آمده‌اند، تنها مراکزی‌اند که در هنگام سلطه کرملین مشغول به فعالیت بودند. البته آنان در آغاز به تعطیل این دو مؤسسه مذهبی اقدام کردند و پس از جنگ دوم اجازه فعالیت به این مدارس را دادند. تمام علمای اسلامی در شوروی سابق با تحصیل در مدارس مذکور تربیت می‌شوند. این مدارس نیز انتشار کتب و نشریات اسلامی را به عهده داشتند و اکنون فعالترین و با تحرک‌تر و با کیفیتی افزونتر مسئولیتهای یاد شده را به عهده دارند. در تمام شهرهای آن مساجد متعددی وجود دارد که بویژه در اعیاد اسلامی مشحون از جمعیت نمازگزار می‌شود. گرایش به تصوف نیز در این جمهوری دیده می‌شود و مراکز مهم تعلیم این آئین، در خیوه و بخارا هستند. مردم ازبکستان از نژاد ازبک بوده و در حال حاضر متجاوز از یک میلیون ازبکی در افغانستان و قریب به ۲۰۰۰۰ نفر در ایالت مسلمان نشین ترکستان شرقی چین (سین کیانگ) سکونت دراند. زبان ازبک‌ها ازبکی است که از مشتقات زبان ترکی می‌باشد. رودهای این جمهوری و نیز دریاچه آرال (خوارزم سابق) در تولید برق آبی و مشروب نمودن اراضی پنبه این کشور دخالت مهمی دارند. ازبکستان از نظر تولید پنبه در جهان پس از آمریکا و چین مقام سوم را داراست و ۶۰٪ پنبه شوروی سابق در این جمهوری تهیه می‌شده است. هم اکنون نیز، این محصول از مهمترین اقلام صادراتی این کشور بوده و اکثر اراضی آن به کشت پنبه اختصاص دارد و محصول مذکور کشت تک محصولی (۶) این سرزمین محسوب می‌شود، از نظر تولید انواع کنف مقم اول را در آسیا میانه دارد. ازبکستان به لحاظ تولید نفت و گاز و معادن ذغال سنگ اهمیت ویژه‌ای دارد. (۷) پرورش گوسفند بین روستائیان و عشایر رواج گسترده‌ای داشته و ازبکستان از تولید کنندگان عمده پشم در شوروی بوده است.

ترکمنستان

جمهوری تازه استقلال یافته ترکمنستان با وسعتی برابر ۴۸۸۱۰۰ کیلومتر مربع از مناطق نسبتاً پر وسعت آسیای مرکزی به شمار می‌رود. این کشور از غرب با دریای خزر از جنوب با افغانستان و جمهوری اسلامی ایران، از شرق و شمال با ازبکستان، مرز مشترک دارد. همچنین قزاقستان در شمال غربی آن واقع است. این کشور بیشتر در جهت طول جغرافیائی گسترده شده و از غرب تا شرق آن ۱۱۰۰ کیلومتر و از شمال تا جنوب ۶۵۰ کیلومتر است و از نظر وسعت بعد از روسیه، قزاقستان و اوکراین مقام چهارم را داراست و به اندازه مجموع مساحت کشورهای دانمارک، بلژیک، هلند، اتریش و سوئیس قلمرو جغرافیائی دارد. قسمت اعظم آن را کویر قره قوم (۸) (شن سیاه) تشکیل می‌دهد که ۸۰٪ خاک کشور را می‌پوشاند. کوههای کپه داغ و پاراپامیر در جنوب و جنوب غربی آن است، رودخانه امودریا با ۲۶۲۰ کیلومتر به این کشور تعلق دارد که عرض آن در برخی مناطق به ۳ کیلومتر می‌رسد. کانال معروف قره قوم به عنوان بزرگترین کانال دنیا که هم اکنون ۱۱۰۰ کیلومتر حفر شده در آینده با پیمودن ۱۳۴۰ کیلومتر راه، رودخانه امودریا را به خزر وصل می‌کند. یادآوری می‌شود که آمودریا که به آن جیحون هم می‌گویند از کوههای مرکزی آسیا سرچشمه گرفته و به دریاچه آرال (واقع در مرز ازبکستان و قزاقستان) می‌ریزد. به دلیل وجود صحرای برهنه قره قوم، ترکمنستان آب و هوای گرم و خشکی دارد و میزان بارندگی آن در نقاط صحرایی به ۸۰ میلی‌متر می‌رسد اما در نقاط کوهستانی هم مرز با ایران تا ۳۰۰ میلی‌متر باران دریافت می‌کند. ترکمنستان ۴ استان دارد: استان بالکان (کنار خزر) با ۳۷۵۰۰۰ سکنه، استان ماری (مرو) (۹) با ۸۸۴۳۰۰ نفر، استان تاشاوز با ۷۵۸۶۰۰ نفر، استان چاروبو با ۷۹۵۰۰۰ نفر، ۱۹ شهر و ۴۴ بخش دارد و مرکز حکومت آن عشق آباد است که در بخش شمالی کوههای کپه داغ و ۴۵ کیلومتری شهر باجگیران (مربوط به استان خراسان ایران) قرار گرفته و ۴۲۲۳۰۰ نفر سکنه آن است. میانگین عمر مردان ۹/۶۲ سال و میانگین عمر زنان ۷/۶۹ سال می‌باشد که ۴/۶۸٪ ترکمت، ۶/۱۲٪ روس، ۵/۱۰٪ تاتار و ۵/۸٪ ازبکند. زبان رسمی ترکمنی است ولی زبان روسی را به عنوان زبان رسمی پذیرفته‌اند. ۸۵٪ مردم، مسلمان هستند و در این کشور ۲۰۰ مسجد وجود دارد. علاقمند به تحصیل علوم اسلامی بوده و پس از استقلال، گرایش به معنویت و مذهب در ترکمنستان رواج فزاینده‌ای پیدا کرده است در سفری که رئیس جمهور ایران به منظور شرکت در اجلاس سران کشورهای آسیای میانه در تاریخ ۱۹/۲/۷۱ به ترکمنستان نمود قاضی القضاات این کشور از ایشان خواست که تسهیلاتی فراهم شد. تا طلاب علوم دینی ترکمنستان به جای تحصیل در عربستان، سوریه و ترکیه، در ایران به تحصیل علوم مذهبی بپردازند. ایران و ترکمنستان بدلیل اشتراک مذهبی و فرهنگی و مرز مشترک، مناسبات فرهنگی سیاسی و اقتصادی خوبی دارند. ترکمنستان یک دانشکده پزشکی و ۵ هنرستان دارد. دانشکده عشق آباد که بعدها به دانشگاه مخنوم قلی معروف شد، در سال ۱۹۳۷م تاسیس گردید که در دانشکده زبانهای خارجی آن زبان فارسی به صورت رشته‌ای جداگانه تدریس می‌شود. سه فرستنده کانال تلویزیونی و یک فرستنده رادیویی دارد. از ۱۰ روزنامه آن تنها روزنامه‌های «جرقه ترکمنستان» و «عصر» عشق آباد به زبان روسی و بقیه به زبان ترکمنی انتشار می‌یابد. ترکمنستان از ۶ قرن قبل از میلاد بخشی از خاک ایران بوده است و بجز دوره سلطه مغول‌ها بر آسیای مرکزی تا اوائل قرن هیجدهم همچنان جزو ایران بود. بعدها قبایل ترکمن با بدست آوردن قدرت به تناوب حملاتی را علیه ایران ترتیب دادند. در سال ۱۸۷۳م روسها پس از ۴ سال جنگ، ترکمنستان را به تصرف خود درآوردند که ضعف و هرج و مرج در عصر قاجاریه در این فتح موثر بود. تا سال ۱۹۲۴م ترکمن‌ها در مقابل کمونیستها مقاومت کردند و در این سال سرزمین مذکور تحت نظارت کرملین قرار گرفت و این حالت تا زمان فروپاشی شوروی ادامه یافت و ترکمنستان موفق شد در ۲۶ اکتبر ۱۹۹۱م (۱۳۷۰ش) استقلال خود را بدست آورد. در زمستان سال گذشته (۱۳۷۰) پس از تشکیل کنفرانس همکاریهای اقتصادی (ECO) در تهران، جمهوری مذکور به عضویت آن درآمد. حکومت آن جمهوری است و پارلمان این کشور ۱۷۵

نماینده دارد که برای مدت ۵ سال برگزیده می‌شوند (هر ۱۲۰۰۰ نفر رای دهنده یک نماینده را انتخاب می‌کند). ترکمنستان از تولید کنندگان عمده پنبه در آسیای میانه به شمار می‌رود و یکی از بزرگترین ذخائر سولفات سدیم را در جهان داراست. نفت و گاز، سرب، روی، ید، برم و جیوه نیز در این کشور استخراج می‌گردد. صنایع آن عبارتند از: صنایع شیمیایی غذایی، انرژی، نساجی ماشین سازی و تولید فرشهای دستباف، وسیع‌ترین و پیشرفته‌ترین صنعت دامپروری در بین جمهوری‌های سابق شوروی به این کشور اختصاص دارد و پرورش اسب آن در جهان مشهور است. میزان تولید گندم در ترکمنستان به ۹۰۰۰۰۰ تن در سال بالغ می‌گردد. (۱۰)

آذربایجان

آذربایجان تاحیه‌ای است در غرب دریای خزر به وسعت ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع که در شمال آن روسیه و در غرب آن گرجستان و ارمنستان قرار دارد. همسایه جنوبی آن جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و بخشی از رودخانه ارس مرز این دو کشور را تشکیل می‌دهد. چهره طبیعی آن سه گونه است: نواحی ساحلی دریای خزر با آب و هوای معتدل و مرطوب، نواحی کم ارتفاع و کوههای فرسایش یافته قدیمی و نقاط فلاتی، نواحی با ارتفاع بلند که گاهی قلعه‌های آن تا ۵۰۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارند. این کوههای منشا آتشفشانی داشته و از نقاط صعب العبور آذربایجان می‌باشند و آب و هوا در نقاط مزبور در زمستان سرد و در تابستان معتدل است. آذربایجان بزرگترین و پرجمعیت‌ترین (بیش از ۷ میلیون نفر سکنه) جمهوری منطقه قفقاز (۱۱) می‌باشد و بخشی از سرزمین ۵۰۰۰۰۰ کیلومتر مربعی قفقاز است. این ناحیه از گذشته به آلبانیای قفقاز و در دوران حاکمیت اعراب، اران نامیده می‌شد. تا قرون وسطی، بومیان قفقاز سکنه آذربایجان را تشکیل می‌دادند اما در قرون بعد قبایل کوچ نشین غز که در کرانه‌های سیمون می‌زیستند، بدان کوچ نمودند. غزها در اواسط قرن دهم میلادی اسلام آوردند. در اواخر این قرن مهاجمین سلجوقی که ترکهای مسلمان بودند بخشهایی از قفقاز و شمال غربی ایران را اشغال نمودند و در سال ۱۰۵۴ میلادی در گنجه و تبریز بنام فرمانروایان سلجوقی خطبه می‌خواندند. از قرن دوازدهم اتابکان بر آن حکومت می‌کردند در قرن سیزدهم در آغاز، مغول‌ها و پس از آن دو طایفه ترک قراقویونلو و آق‌قویونلو بر این نقاط حکمرانی داشتند. تا قرن نوزدهم بخشهایی از قفقاز جزو ایران بود که با ضعف و بی‌کفایتی پادشاهان قاجار، ایران، در جنگهای ایران و روس شکست خورده و طبق عهدنامه گلستان، دربند، باکو، شیروان، شاک، قره‌باغ و برخی نواحی طالش به دولت متجاوز روسیه واگذار شد. در سال ۱۸۲۵م که ارتش روسیه تبریز و ایروان را اشغال نمود با تقاضای ایران صلحی منعقد و بر حسب قرارداد ترکمن چای و به موجب ماده سوم آن ایران، از دعاوی خود نسبت به ایروان، نخجوان و خناتر دست برداشت. تا انقلاب اکتبر این نقاط از آن امپراتوری روسیه بود که با سقوط آن ترک زبانان در باکو، جمهوری آذربایجان را پدید آوردند و در ۲۶ مه ۱۹۱۸م استقلال آن را اعلام کردند و در صدد وحدت با ترکیه برآمدند که با شکست دولت عثمانی، قوای انگلیسی وارد باکو شده و تا مارس ۱۹۲۰م در آن باقی ماندند. در این سال حزب کمونیست آذربایجان قدرت را در دست گرفت. شهر بندری باکو که مرکز حکومت این کشور است ۲۰٪ کل جمعیت آذربایجان را به‌خود اختصاص داده است. ۸۳٪ مردم از نژاد آذری، ۶٪ روس و ۶٪ ارمنی هستند. سابقه پیوست این جمهوری به ایران مربوط به عصر هخامنشی می‌باشد و آذری‌ها خود را از اعقاب زرتشت می‌دانند تا تاهای ساکن آبشوران و طالشی‌ها و اهالی داغستان از نژاد ایرانی هستند. با مهاجرتا ترکها، برخی از این نژادها با هم ممزوج شده‌اند. زبان مردم آذربایجان، ترکی با گویش‌های متفاوت است، دین آنها اسلام و ۷۰٪ پیرو مذهب شیعه‌اند. دولت تزاری روس نسبت به مسلمین و بویژه شیعیان آذربایجان سختگیری می‌نمودند و خشونت به خرج می‌داد. اما تا پایان سده هیجدهم بتدریج از خصومت تزارها نسبت به مسلمین کاسته شد و از عصر کاترین کبیر سیاست‌شکبیائی در مقابل مذهب اسلام پیش گرفته شد. زیرا کاترین شخصاً نسبت به اسلام

علاقمند بود و به زعم وی اسلام آئین معقولی بود که برای متمدن ساختن اهالی آسیا میانه و قفقاز از مسیحیت مناسب تر بود. (۱۲)

بنابر این مسلمانان در برپائی مراسم دینی و اعیاد اسلامی آزادی داشتند و حتی سالی ۶۰۰۰۰ نفر به حج می رفتند. البته تلاشهایی برای روسی کردن مردم می شد اما مسلمانان به شدت مقاومت می نمودند. با روی کار آمدن بلشویکها در اکتبر ۱۹۱۷م واکنشهای ضد مذهبی بعد بسیار خشن و شدیدی به خود گرفت زیرا: به روحانیون فشار وارد می شد و افراد مومن و معتقد به اتهام جاسوس و خرابکار تحت تعقیب قرار می گرفتند، قوانین کیفری برای جلوگیری از تعلیمات مذهبی باجرا درآمد و حبسهای تنبیهی برای آموزش دهندگان در نظر گرفته شد، در محتوای دروس مدارس تغییراتی بوجود آمد تا از این طریق دانش آموزان به مذهب بدبین شوند، ایجاد تشکیلات ضد مذهبی چون انجمن دانش و باشگاههای بی دینی، توجیه شرعی برای حاکمیت مذهبی و آوردن نام استالین در کنار اسم خداوند! زبان روسی اجباری شد تا فرهنگ بومی که بر اسلام مبتنی بود فراموش شود و از سال ۱۹۲۰م کوشش بر سر این بود که خط عربی آذریها به لاتین تبدیل شود و در سال ۱۹۳۹م خط سیریلیک جایگزین خط لاتین شد تا پیوند مردم با فرهنگ اسلامی قطع شود. به قهرمانان ملی و مذهبی خدشه وارد گردید و تلاشهایی در جهت اثبات تفوق نژاد روس بر نژادهای دیگر صورت گرفت. از سال ۱۹۴۳م نوعی همزیستی میان دولت و مذهب بخصوص اسلام بوجود آمد. (۱۳) در سال ۱۳۷۰ش مردم این سامان از سلطه مارکسیستها رهایی یافتند و حزب کمونیست در آذربایجان منحل شد و پارلمان این جمهوری رای به استقلال آذربایجان داد. جمهوری خودمختار نخجوان و منطقه خودمختار «ناگورنو» قره باغ در داخل خاک آذربایجان قرار دارد. این منطقه که از نظر حقوقی تحت نظر جمهوری ارمنستان اداره می شود، با ۴۴۰۰ کیلو متر مربع و بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر سکنه از گذشته تا کنون مورد اختلاف این دو جمهوری بوده است که فشار دولت کمونیستی این نزاعها را همچون آتش زیر خاکستر پنهان کرده بود ولی با بقدرت رسیدن گورباچف و اعمال طرح گلاسنوست و پرسترویکای او حرکتهای مناسبی برای خواستههای سرکوب شده پدید آمد. در روز ۲۲ بهمن ۱۳۶۶ش مردم قره باغ در شهر استپاناکرت بهتظاهراتی دست زده و خواستار الحاق این ناحیه به ارمنستان شدند. امریکای ماجراجو و روسهای فرصت طلب به تحریک آرامنه دست زده و منطقه را به میدان درگیری و خونریزی تبدیل کردند و بحران مذکور را ریشه دار نمودند. (۱۴) جمهوری ۷ میلیون نفری آذربایجان بدلیل بنیانهای اصیل مذهبی و اعتقادات اسلامی مردم و همجواری با جمهوری اسلامی ایران، استکبار جهانی را در نگرانی عمیق فرو برده است. رهبران استکبار در سفرهای مداوم باین نواحی در صدد سرمایه گذاری سیاسی و فرهنگی بوده تا شاید چراغ معنویت و فروغ مذهبی را خاموش کنند. آذربایجان از نظر اقتصادی گرچه در حال حاضر با بحرانهای و چالشهایی روبروست ولی ذخائر معدنی و ثروت های طبیعی زیادی دارد. نفت، گاز، طلا، نقره، مس، کبالت، آهن، سرب و روی از ذخائر مهم زیر زمینی آن می باشد. مهمترین محصولات زراعی آن عبارتند از: تنباکو، انگور، چای، فندق، زیتون و زعفران. در این جمهوری پرورش دام رواج گسترده ای دارد. صنایع شیمیائی، پتروشیمی، آلومینیوم، ساختمانی و غذایی در آذربایجان اسقرار یافته است.

گرجستان

جمهوری گرجستان کشوری است در شمال غربی منطقه قفقاز که وسعت آن به ۷۰۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ می گردد و امتداد آن شرقی - غربی می باشد. همسایگان آن عبارتند از روسیه در شمال، آذربایجان در جنوب و جنوب شرق، ارمنستان در جنوب و ترکیه در جنوب غرب، ضمنا دریای سیاه در غرب گرجستان واقع شده و از طریق آن جمهوری مذکور با آبهای آزاد جهان در ارتباط است و گرجستان تنها سرزمین آسیای میانه و قفقاز می باشد که دارای چنین مزیتی است. چهره طبیعی آن شامل بخشی از ارتفاعات قفقاز، فلاتها، جلگه های سرسبز و خرم می باشد. این کشور در سال ۱۹۷۹ در حدود ۵ میلیون نفر سکنه داشته که ۲۰٪ آن یعنی یک میلیون نفر مسلمان بودند و در حال حاضر ۵۴۴۹۰۰۰ نفر سکنه دارد که بیش از ۲۰٪ آن پیرو آئین اسلام می باشند.

در قرون اول تا سوم میلادی ادیان و مذاهب گوناگونی در گرجستان رواج یافت و از سال ۳۳۷ مذهب رسمی گرجیان، عیسوی اعلام شد. موضع فعلی آن اکثراً مسیحی ارتدوکس، و برخی کاتولیک مذهب هستند، و قسمتی از سکنه آن که بخصوص در جمهوری خودمختار ابخازستان سکونت دارند، مسلمانان سنی می‌باشند. ۷۵٪ جمعیت گرجستان را اتباع گرجی تشکیل می‌دهند بقیه ارمنی، آذربایجانی، اوسها، ابخازها (۱۵) و روسها می‌باشند. طبق قانون اساسی، زبان رسمی، زبان گرجی است ولی برای گروه‌های نژادی دیگر زمینه برای ترویج زبان مادری و ادبیات و فرهنگ بومی فراهم می‌باشد. این سرزمین تا قرن نوزدهم جزئی از سرزمین ایران بود و از قرن پنجم میلادی تفلیس مرکز حکومت این جمهوری به عنوان یکی از مراکز معتبر علم و فرهنگ و بازرگانی خاور نزدیک شناخته می‌شد. در قرن دوازدهم، اولت فئودالی گرجستان به حد اعلائی رونق خود رسید، پادشاهان صفوی، عثمانی و قاجاریه (۱۶) به این سرزمین یورش برده‌اند. در سال ۱۸۰۱ م دولت تزاری آن را ضمیمه خود نمود، در سال ۱۹۱۸ م با جمهوری دموکراتیک استقلال پیدا کرد و در سال ۱۹۲۱ م شوروی با ارتش سرخ حکومت خود را در این منطقه مستقر نمود. این کشور بدلیل آنکه در سال ۱۹۹۱ م حاضر نشد به کنفدراسیون کشورهای مشترک المنافع بپیوندد به صحنه نبرد مخالفین و موافقین عضویت در کنفدراسیون مذکور تبدیل شد، شدت درگیری به حدی بود که باعث تضعیف قدرت سیاسی کشور گشته و رئیس جمهوری وقت یعنی «گامساخوردیا» را از کار برکنار نمود. (۱۷) گرجستان سرزمین پوشیده از جنگل و مرتع می‌باشد، در اراضی حاصلخیز آن، غله، مرکبات، انگور و توتون بدست می‌آید. نفت و گاز از ذخائر مهم آن بوده و صنایع ماشین سازی و کاغذ سازی در این کشور اسقرار یافته است.

ارمنستان

ارمنستان با ۲۹۸۰۰ کیلومتر مربع و جمعیتی برابر ۵/۳ میلیون نفر، کوچکترین جمهوری آسیای مرکزی است. این کشور در شمال غربی ایران، شرق ترکیه، غرب آذربایجان و جنوب گرجستان قرار دارد. ایروان مرکز حکومت آن، ۳۰٪ سکنه این جمهوری را در خود جای داده است. جمهوری خودمختار قره باغ با ۴۴۰۰ کیلومتر مربع که داخل جمهوری آذربایجان می‌باشد تابع نظام حقوقی و سیاسی ارمنستان می‌باشد اما به لحاظ جغرافیائی، جزو قلمرو آذربایجان است. با انعقاد قرارداد ترکمنچای بین ایران و روس در زمان قاجاریه و در سال ۱۸۲۸ م این جمهوری تحت اشغال رسمی روس‌ها درآمد و رود ارس مرز رسمی ایران و ارمنستان قلمداد گردید. این منطقه در سال ۱۹۹۱ م اعلام خودمختاری کرد و در سال ۱۹۹۲ م به عنوان یک کشور مستقل به عضویت سازمان ملل درآمد. برخوردهای شدید قوای ارمنه با آذری‌های مسلمان بر سر مالکیت قره باغ از سال ۱۳۶۷ ش باین طرف شدت بیشتری بخود گرفت و موجب بروز تلفات جانی و مالی فراوان گشته است، ۱۰٪ مردم ارمنستان مسلمانند.

جمهوری خودمختار نخجوان

نخجوان ۵۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و در کنار رود ارس و در همسایگی جمهوری اسلامی ایران (از سوی جنوب) واقع شده است. ۳۰۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که اکثراً مسلمان و شیعه مذهبند و در زمان سلطه نظام کمونیستی بر آنها، تحت فشار شدید و مضایق فراوانی بودند. کلیه مساجد آنان تخریب شده و به مراکز دیگر تبدیل گردیده و امروزه کمتر آثاری در این کشور به چشم می‌خورد که از گرایش مذهبی حکایت کند. با این حال پس از نجات از سلطه الحاد فعالیت‌های مذهبی در این جمهوری به لحاظ کمی و کیفی رشد روزافزونی یافته و مجالس و مجالس و گردهم‌آئی‌های مذهبی و تشکیلات اسلامی در آن در حال گسترش است. نخجوان از نهم فوریه ۱۹۲۴ م (۲۰ بهمن ۱۳۰۲) به صورت جمهوری خودمختار درآمد که تابع قوانین سیاسی و حقوقی

آذربایجان است و هم اکنون گرچه مجلس مستقلى دارد اما در امور سياست خارجى و دفاع تابع آذربایجان می باشد. ۲۰۴ روستا و ۶ بخش دارد و مرکز سياسى آن شهر نخجوان است. محصولات زراعى آن کتان، تنباکو، انگور و گندم می باشد. پرورش دام و کرم ابريشم در آن رواج دارد ذخائر نمک، سنگهای ساختمانى و چشمه های معدنى در این ناحیه بوفور وجود دارد. صنايع غذائى، معدنى و توليد ابريشم در نخجوان از توسعه خوبى برخوردار است. در حال حاضر وضع اسفناکی بر نخجوان حاکم است. فروپاشى نظام کمونيستى و عدم پيش بينى برنامه های اقتصادى، مشخص نبودن وضع مالکیت و محاصره ارمنستان از جمله دشواریهای این ناحیه است. دولت مسکو در زمان حاکمیت خود بر نخجوان به جرم شيعه بودن اکثریت مردمش، به این منطقه بی اعتنا بود و نسبت به امور اقتصادى - اجتماعى آن نقش منفى را به عهده داشته است، چنانچه از ۵۲۰۰۰ هکتار اراضى آن ۲۰۰۰۰ هکتارش به کشت تاک برای کارخانجات مشروب سازى شوروى سابق اختصاص یافته بود. کشت توتون زیاد است و بدلیل ناتوانى مالی دولت و عدم خرید آن در مزارع پوسیده است. بیش از ۹۰٪ ترابرى دولتى بدلیل نبودن سوخت و بی برنامه گى و عدم نظارت، متوقف شده است. بر اثر جنگ قره باغ تمامى خطوط ارتباطى آن با آذربایجان قطع می باشد و مردم بدلیل قطع گاز و برق و راههای انتقال مواد اولیه مورد نیاز کارخانه ها و مواد غذایى، سخت در مضيقه اند.

جمهوری خودمختار و مسلمان نشين چچن اینقوش (اینقوش)

منطقه شمال قفقاز محل استقرار و قلمرو جغرافیائی اقوام چچن، اینقوش، قراچای و بالکارها و... می باشد. (۱۸) جمهوری خودمختار چچن اینقوش با ۱۹۳۰۰ کیلومتر مربع و قریب به دو میلیون نفر سکنه در شمال گرجستان و غرب داغستان و جنوب روسیه واقع شده است. این سرزمین ابتدا در سال ۱۹۵۷م به صورت ناحیه خود مختار درآمد و پس از آن به جمهوری خودمختار ارتقا داده شد. دو قوم چچن و اینقوش گرچه مشترکاتی دارند و در یک قلمرو زندگی می کنند و به گروه قومى ایبرو قفقازى تعلق دارند اما زبان و ادبیات متفاوتی بین آنها رواج دارد. زبان گروه اول چچنى است که در قرن نوزدهم برای ادبى شدن آن کوششهایی بعمل آمد. تا سال ۱۹۲۵م زبان عربى داشتند وى از این تاریخ تا ۱۹۳۸م خط سیریل و پس از آن باجبار خط لاتین بین آنها رواج یافت. اینقوش ها نیز زبان اینقوشى دارند و از ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۸م زبان لاتین بین آنها به اجبار اشاعه یافته بود و از سال ۱۹۳۸م خط سیریلی داشتند، این قوم تا قبل از انقلاب اکتبر از زبان عربى و ترکی آذرى استفاده می نمودند، در سال ۱۸۵۰م این قلمرو به تصرف روسها درآمد. مسلمانان این خطه از شیوه نابود سازى و انهدام ملی روسها صدمه زیادى دیدند و در سال ۱۹۴۴م بازداشت و تبعید گردیدند و در ۳ مارس همین سال جمهوری خود مختار مذکور منحل شد و قلمرو آن ضمیمه جمهوری فدراتیو روسیه گردید. شوروى سابق که در تلاش بود تا کوه نشینان قفقاز را منهدم کند در حدود ۶۰۰۰۰۰ نفر از اقوام چچن و اینقوش را در یک کوچ اجبارى در نامساعدترین مناطق سیرى، قزاقستان و قرقیزستان اسکان دادند و تعدادى را به اردوگاه مرگ فرستادند. تبعیدیها به هیچ عنوان جذب فرهنگ روسهای سیرى و اقوام دیگر نشدند و بر خلاف ۱۵ سال محرومیت از مدارس و جراید ملی، زبان خویش را از یاد نبردند. بطوریکه در سال ۱۹۷۹م در حالی که ۹۹٪ چچن های تبعید شده نیز زبان ملی، زبان خود را زبان مادری اعلام کردند ۹۷٪ چچن های تبعید شده نیز زبان مادری خود را به عنوان زبا ناصلى ذکر نمودند. همچنین حرکت مزبور در کاهش جمعیت این اقوام تاثیر آن چنانى نداشت و سکنه مزبور در سالهای ۱۹۳۹، ۱۹۵۹، ۱۹۷۰، ۱۹۷۹م برتریب ۵۰۰۰۰۰، ۵۲۵۰۰۰، ۷۷۱۰۰۰، ۹۴۲۰۰۰ نفر بودند که بیانگر افزایش قابل توجه آنان است، درصد اقوام روسى که بجای چچن ها و اینقوش ها اسکان داده بودند نیز رو به کاهش بوده است. بطوریکه از ۴۵٪ در سال ۱۹۵۹م به ۲۹٪ در سال ۱۹۷۹م کاهش یافتند و رفته رفته تعداد زیادى از آنان قلمرو قوم یاد شده را ترک کردند. دلیل بارزتر این حرکت آن بود که چچن ها و اینقوشها بدلیل تبعید و آوارگى، احساس بیگانه ستیزی قومى داشتند و نسبت به سایر اقوام ناحیه قفقاز ضد روسى تر بودند و منطقه آنان در مقام

نامطمئن‌ترین منطقه شوروی سابق قلمداد شده است. همین تنفر شدید که از نتایج تبعید و کوچ اجباری چین - اینقوش‌ها بود موجب آن شده که اقوام مسیحی اوکراینی و ارمنی که در قلمرو آنان اسکان یافته بودند منطقه را ترک نموده و در نتیجه سیاست انهدام آنان با شکست مواجه شده و جمهوری مزبور بتدریج بومی‌تر شد و ویژگی‌های ملی، قومی و فرهنگی خود را باز یافت. (۱۹) چین‌ها و اینقوش‌ها، اغلب سنی و پیرو مذهب حنفی‌اند و از دیگر میلمانان شوروی به اعتراف بررسی‌های اخیر شوروی سابق، مذهبی‌ترند و آوارگی و تبعید روحیه مذهبی آنان را تقویت نموده و هویت اسلامی را به ارمغان آورده است. دولت کمونیستی شوروی سابق به خیال خام خود برای نابودی اسلام در قلمرو چین، اینقوش تمام مساجد و اماکن مذهبی را تعطیل نمود که این حرکت نه تنها با نتیجه مطلوب توأم نبود بلکه باعث رشد و توسعه عرفان و تصوف بین اقوام مزبور شد و از گذشته، مذهبی‌تر شدند. کمونیست‌ها که دیدند با این حرکت، خطر اسلام بیشتر شده طی سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰م اجازه بازگشایی چندین مسجد را در چین اینقوش دادند، گذشته از آن وقتی چین‌ها و اینقوش‌ها به منطقه محل سکونت قزاقها و قرقیزها، به اجبار انتقال یافتند بر آنان تاثیر فوق العاده مذهبی گذاشته و آنان را که در کی عمیق از اسلام نداشتند آگاه نموده و با این تاثیر، اسلام در میان آنان ریشه دوانید. (۲۰) بدین گونه شمال قفقاز که مجموعه‌ای از اقوام متفاوت را در خود جای داده و کوه‌های مرتفع بین ملل آن جدائی افکنده و زبانهای گوناگونی داشتند و هر کدام از ساختار اجتماعی، تاریخی و اقتصادی متفاوتی برخوردار بودند. بدلیل اشتراک مذهبی با یکدیگر متحد شده و مبارزه‌ای مشترک و همه جانبه را علیه مهاجمین روس بکار بردند. توضیح دیگر اینکه دو سلسله صوفی نقشبندیه و قادریه از اواخر قرن هیجدهم بین چین‌ها و اینقوش‌ها نفوذ فراوانی داشته و درصد زیادی از این قوم معتقد به دو طریقه مذکورند و در سالهای بین ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰م طریقت صوفی جدیدی تحت عنوان اخوت ویس حاجی در میان چین‌های تبعید شده به قزاقستان تاسیس شد. این فرقه یکی از شعبه‌های طریقت قادریه بوده که در بیگانه ستیزی اقوام تبعید شده مذکور تاثیر به سزایی داشت، سلسله‌های صوفیه در وضع فعلی بین چین‌ها و اینقوش‌ها بیش از دویست هزار نفر پیرو دارد.

مغولستان

غیر از جمهوری‌های یاد شده در شرق آسیای مرکزی (۲۱) جمهوری مغولستان با ۱۵۶۵۰۰۰ کیلومتر مربع قرار گرفته است. جمهوری مذکور محصور در خشکی بوده و به دریا راه ندارد، با وجود آنکه کوه‌ها و ارتفاعاتی بخشی از این سرزمین را می‌پوشاند آب و هوای گرم و خشکی دارد. مرکز حکومت آن اولان‌باتور بوده و مهمترین شهرهای این کشور عبارتند از دارخان، اولانگوم، چویبالسان، سوخه باتور، اولیاستای و کویبدو. جمهوری مذکور از ۱۸ استان و یک شهر مستقل تشکیل شده و تاریخ استقلال آن ۱۹۲۴م می‌باشد. مردم آن از نژاد زرد و تیره‌های مغولی، قزاق، ترک، روسی و چینی هستند که اکثریت با تیره مغولی است (۸۵٪). زبان رسمی، مغولی خالخانای می‌باشد که از سال ۱۹۴۱م با حروف «سیریلیک» نوشته شد. از ۱۹۰۰۰۰۰ نفر سکنه آن اکثراً پیرو آئین بودائی لامائی هستند و ۱۵٪ آنان مسلمان سنی و پیرو مکتب حنفی می‌باشند. در واقع ۲۸۵۰۰۰ مسلمان در این کشور زندگی می‌کنند که غالب آنها مغولی و بقیه قزاق و گهاری (Gohar) هستند. این کشور بخشی از قلمرو مغولهاست و این قوم وقتی بخش عمده‌ای از جهان اسلام را فتح نمودند، آئین مزبور در میان آنان و حتی در قلب امپراطور مغولی راه یافت، مغولستان نیز مدت‌ها جزو سرزمینهای اسلامی تلیقی می‌گردید. اما وقتی از سال ۱۹۲۱م کمونیست‌ها در این کشور قدرت را بدست گرفتند و جمهوری خلق در آن اسقرار یافت، مسلمانان تحت فشارهای شدید قرار گرفتند و در سال ۱۹۳۰م تمام مساجد و مراکز مذهبی و مدارس اسلامی و حتی آئین‌ها و سنت‌های مذهبی موقوف شد و موحدین این خطه با سرکوب شدید مواجه گشتند و ارتباط آنها با جهان اسلام قطع شده و به هیچ کدام اجازه نداده نشد که به سفر حج بروند با این حال عده‌ای از مسلمانان در تشکیلات اداری - سیاسی، نظامی و بازرگانی این کشور نفوذ دارند.

پی‌نوشتها

۱- در برخی منابع وسعت آن ۲۷۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع و در مآخذ دیگر ۲۷۱۵۱۰۰ کیلومتر مربع آمده است. ۲- یادداشتهای سفر گزارشگر روزنامه اطلاعات به مسکو و جمهوریهای مسلمان نشین - اطلاعات ش ۱۹۵۱۲. ۳- فرهنگ فارسی - دکتر محمد معین ۷ جلد پنجم (اعلام). ۴- گنجینه‌های بنوغ بشری نوشته: بوریس یه زه‌یف و محمدجان میرزا محمدوف - ترجمه مهرداد دامهر - تهران - انتشارات سپیده دم مرداد ۶۱. ۵- ماخذ قبل ۶- ۷- Mono Coltor - روزنامه اطلاعات ش ۱۹۵۱۳. ۸- kara-kum ۹- در استان مرو (ماری) که در آن ذخائر طبیعی و زمینهای حاصلخیز وجود دارد، ۵۸ کارخانه صنعتی استقرار یافته است و از آثار تاریخی آن مقبره سلطان سنجر و خواجه یوسف همدانی را می‌توان برشمرد. ۱۰- روزنامه اطلاعات، ش ۱۹۶۱۶ و روزنامه جمهوری اسلامی شماره‌های ۳۷۲۶، ۳۸۲۲. ۱۱- قفقاز سرزمینی است کوهستانی که از مغرب (از دریای سیاه) تا مشرق (دریای خزر) کشیده شده و بلندترین قله آن از سطح دریای آزاد ۵۶۳۰ متر ارتفاع دارد. این ناحیه تا قبل از دوران قاجایه جزو سرزمین ایران محسوب می‌شد. ۱۲- مسلمانان شوروی، گذشته، حال و آینده، الکساندر بنیگسن مری براکس آپ، ترجمه کاوه بیات ص ۴۰. ۱۳- جمهوری آذربایجان و سابقه تاریخی گرایش به اسلام - هما رضوی - کیهان ۱۴۴۲۹. ۱۴- روزنامه جمهوری اسلامی ش ۳۷۳۰. ۱۵- ابخازها در جمهوری خود مختار ابخازستان واقع در گرجستان سکونت دارند، این جمهوری ۸۶۰۰ کیلومتر مربع وسعت و بیش از نیم میلیون نفر سکنه دارد. در سال ۱۸۱۰م به اشغال روسها درآمد و تاریخ تاسیس آن سال ۱۹۳۰م می‌باشد و مرکز سوخومی است، نیروهای جدایی طلب ابخازی با حکومت مرکزی در حال نبردند و در صدد تصرف حاشیه رودخانه گومستیا می‌باشند. ۱۶- سپاه آقا محمد خان قاجار در ۲۷ صفر سال ۱۲۱۰ قمری وارد تفلیس شده و به غارت شهر و قتل عام مردم پرداختند. ۱۷- روزنامه جمهوری اسلامی ش ۳۷۲۶. ۱۸- در آغاز و در ۲۰ ژانویه ۱۹۱۹ یک جمهوری خودمختار کوهستانی بنیان نهاده شد که کلیه اقوام مسلمان بین دریای سیاه تا مرزهای داغستان را در بر می‌گرفت ولی پس از جنگ داخلی، مقامات شوروی به تجزیه این اقوام پرداختند و ۵ منطقه خودمختار در این ناحیه ایجاد نمودند. ادغام چچن و اینقوش جمهوری خودمختار باین نام را بوجود آورد. ۱۹- اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز - علی کتانی، ترجمه محمد حسین آریا و نیز مراجعه کنید به کتاب حکومت مسکو و مساله مسلمانان آسیای مرکزی، مایکل ریو کین ترجمه محمود رمضان زاده. ۲۰- مسلمانان شوروی، گذشته، حال و آینده - الکساندر بنیگسن، مرای براکس آپ، ترجمه کاوه بیات صفحات ۶۴ تا ۷۵. ۲۱- برخی پژوهشگران جغرافیائی معتقدند که آسیای مرکزی ترکستان شرقی (سین کیانگ چین) مغولستان و تبت را شامل می‌شود حتی در دائرة المعارف روسیه تزاری که جلد اول آن در سال ۱۸۹۰م و آخرین جلد آن در سال ۱۹۰۴م به طبع رسید، از دو واژه ترکستان و ماوراء النهر سخن رفته است و عنوانی بنام آسیای میانه که قلمروی جغرافیائی را در برگیرد در آن نیامده است، بعدها و پس از اقتدار نظام مارکسیستی در شوروی، در دومین دائرة المعارف این کشور که به سال ۱۹۵۷م، انتشار یافت، عنوان آسیای مسانه که واژه تازه ساخته و سیاسی است، مشاهده می‌شود که این اصطلاح روس ساخته (سردینیا آریا) نه تنها با واقعیت‌های تاریخی سازگاری ندارد بلکه به عنوان یک واحد جغرافیائی مشخص و قابل توجیه هم شناخته نمی‌شود و تنها تلاش در این راستا بوده که قلمرو جغرافیائی تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و جنوب قزاقستان جزء سرزمین‌های آسیائی شوروی قلمداد گردد. در کتاب «البلدان یعقوبی تمامی مناطقی که با حرکت سیاسی روسها به آسیای میانه موسوم گشت به عنوان مناطقی از خراسان بزرگ معرفی شده است. بعدها و در سال ۳۴۰ هجری اصطخری در کتاب المسالک و الممالک خود آن سوی جیحون را ماوراءالنهر نام می‌نهند و چون سپاهیان اسلام ترک‌ها را از آمودریا به جانب شمال راندند، به همین دلیل نویسندگان اسلامی قرون سوم و چهارم هجری آغاز ترکستان را شمال ماوراءالنهر ذکر کرده‌اند ولی ترکستان اصلی هما ترکستان شرقی است که در پی سلطه استعماری روسها، قسمت‌های غربی آن

بنام ترکستان روس (غربی) مشهور شد .

افریقا ، قاره‌ای اسلامی

مشخصات عمومی قاره افریقا

مشخصات عمومی قاره افریقا (۱)

قاره افریقا با سی میلیون کیلومتر مربع وسعت ، ۲۰٪ خشکی‌های زمین را در بر می‌گیرد . فاصله شمالی‌ترین تا جنوبی‌ترین نقطه این سرزمین ۸۰۰۰ کیلومتر و پهنای آن از شرق تا غرب به ۷۴۰۰ کیلومتر می‌رسد . این قاره از ۴۰ درجه عرض شمالی تا ۴۰ درجه عرض جنوبی کشیده شده و نیز بین ۲۰ درجه طول غربی و ۵۰ درجه طول شرقی واقع است . خط استوا آن را به دو قسمت تقسیم می‌کند . صحراهای وسیع ، بخش عظیمی از این خشکی را می‌پوشاند و صحرای کبیر افریقا با ۹ میلیون کیلومتر مربع وسعت ۴۴٪ صحرای جهان را به خود اختصاص داده است . (۱) فلاتهای و ارتفاعات نیز قسمتی از چهره طبیعی تاسیسات بندری در این قاره می‌باشد . متوسط ارتفاع آن از سطح دریای آزاد ۶۷۵ متر و مهمترین کوههای آن عبارتند از کوههای اطلس در شمال غربی ، کوههای کنیا و کلیمانجارو در آفریقای شرقی (تانزانیا) . دومین رود جهان به لحاظ طول (با ۶۴۰۰ کیلومتر) در این قاره جریان دارد . رودهای افریقا اغلب بدلیل آبشارها و تندآبها گرچه برای کشتیرانی مناسب نیستند ولی از مهمترین منابع برق آبی در سطح جهان به شمار می‌آیند . جنگلهای کاملا-سبزی به آن داده است . دره شکستگی‌ها و گسل‌های زیاد و سایر حرکات زمین ساختی ، موجبات پیدایش دریاچه‌ها و چشمه‌سارها و آبشارها را در این خشکی فراهم نموده است . انواع آب و هوا به جز آب و هوای قطبی را می‌توان در آفریقا مشاهده نمود . (۲) گرچه این قاره تا چند قرن قبل ، سرزمین ناشناخته‌ای بوده اما از چندین قرن قبل از میلاد ، تمدنهای متفاوتی در بستر آن رشد کرده‌اند که صاحب موارث فرهنگی و آثار ارزشمندی هستند که نبوغ و ابتکار و جلوه‌های هنری مردمان آن را به اثبات می‌رساند . تمدن مصری که به تعبیر هرودوت هدیه رودخانه نیل می‌باشد چندین قرن قبل از میلاد یک زندگی شهری را بنیان نهاد . تمدنی که هنر پرور و صاحب ابداعات زیادی بود و از روی جزر و مد ، تقویم را اختراع کرد و بر زوی پاپیروس نقشه ترسیم می‌نمود . مردمان این نواحی هنر خط نویسی داشتند و ساختمانهایی با بناهای سنگی بنا می‌کردند . بدنبال آن دو دولت ، یکی در سواحل رودخانه نیل و دیگری در دلتای آن بوجود آمد . بعدها در چندین سده قبل از میلاد ، تمدن بربرها در آفریقای شمال غربی با تکیه بر فرهنگ‌های بومی پایه ریزی شد . اینان همان اقوامی بودند که یونانیان برای نخستین بار ، مهار یراق کردن چهار اسب به یک رابه را از آنان آموختند . (۳) پس از میلاد مسیح غنا ، مالی ، سونگایی ، کانم در نواحی مختلف افریقا بوجود آمد . اولین بار چینی‌ها در آغاز قرن دوازدهم میلادی با سواحل شرقی افریقا رابطه برقرار کردند و پس از آن فنیقیها و یونانیها به ساحل افریقا راه یافتند . دوره جدید اکتشاف افریقا به مسافرت پرتغالی‌ها بر می‌گردد . در سال ۱۴۸۸م باتولومئودیاس ، دماغه امید نیک را دور زد و ده سال پس از آن بر سر راه خود به هند ، به ساحل کنیا در آفریقای شرقی رسید . دریانوردان هلندی ، اسپانیولی ، دانمارکی و انگلیسی نیز به افریقا هجوم بردند . انگیزه این تهاجم دست یافتن به طلا بود . در قرن پانزدهم پرتغالی‌ها در سرزمینی که اکنون تحت قلمرو کشور غناست ، طلا- کشف نمودند و بدین لحاظ آن را ساحل طلا (مینا) نامیدند . یکی از اسف انگیزترین حوادث افریقا مسئله خرید و فروش برده است که دول اروپائی به تحقیر انسانهای این قاره پرداخته و در شرایط بسیار ناگوار و دهشتناکی آنان را همچون کالایی به امریکا منتقل کرده و بفروش می‌رسانیدند . این حرکت در ترکیب و ساختمان اجتماعی - اقتصادی افریقا ، اثرات سویی باقی گذاشت ، بزیل دیویدس (۴) انگلیسی در کتاب تاریخ افریقا می‌نویسد : « ... کاپیتانها که بردگان را برای اندازه‌های بدنی یا نیرومندی و یا زیبایی می‌خریدند برای اطمینان یافتن از اینکه کالاها [برده‌ها]

طبق سیاهه هستند آزمایش های بیرحمانه‌یی می کردند، آنان را به زنجیر کشیده، در زیر عرشه نکبتبار و خفقان آور می چپاندند. « (۵) باربوت می نویسد: «... بر روی سینه هر یک از بردگان که برگزیده شده‌اند چون کالا با آهن کداخته سرخ داغ می گذارند و این داغ، نشان شرکت‌های فرانسوی، انگلیسی و یا هلندی است تا هر ملتی بتواند دارائی خود را باز شناسد.» دیوید سن انگلیسی اضافه می کند که: «این اهانت [برخورد با بردگان] در جامعه اروپا و امریکا شاخه گسترده، پهنه مساعدی برای اهانت متکبرانیه‌یی نسبت به انسانیت افریقائیان پدید آورد در این پهنه بود که افکار و نگرشهای تازه نژادی به آسانی ریشه گرفتند و بعدها در گذر دهه‌های هجوم سده نوزدهم و تملک قاره [افریقا] در سده بیستم به اوج خود رسیدند.» (۶) پس از این دوره تاریک، اروپائیان برای تصرف قسمت‌های مختلف افریقا دست به کار شدند. حرکت مزبور از سال ۱۸۷۴م با تصرف ساحل طلا از سوی انگلیس شروع شد. در ۱۸۸۱م فرانسه، تونس و بخشهایی از شمال افریقا را مستعمره خود نمود. افریقای جنوب غربی توسط آلمان اشغال شد. سرزمین‌های بین کامرون و مستعمره پرتغالی آنگولا را فرانسویان تصاحب نمودند بعدا به غرب سودان و ماداگاسکار دست‌یازیدند. بدنبال این تقسیمات در سال ۱۸۸۴م ملئو پولد دوم منطقه کنگو را ملک شخصی خود قلمداد نمود و بدین گونه بلژیک هم سهمی بدست آورد. (۷) ایتالیا نیز لیبی فعلی و سومالی را از آن خود نمود. بدین ترتیب در آغاز قرن بیستم، تمامی نقاط افریقا بین اروپائیان تقسیم شد و غارت افریقا از سوی غرب آغاز گردید. پس از جنگ دوم پاره‌ای از سرزمین‌های افریقا، اربابان خود را عوض نمودند و در این جریان آنچه که مطرح نبود، حقوق سکنه اصلی این مناطق بود و مرزهای نقاط تحت اشغال، خود سرانه و برحسب مشی تجاوز طلبی و خودکامگی آنان مشخص گشت. مسائل قومی و فرهنگی در نظر گرفته نشد و گاهی قبیله یا قریه‌ای را به دو قسمت تقسیم می نمود که متأسفانه این تقسیم‌بندی مرزی هنوز باقی است و بسیاری از درگیری‌های مرزی و نزاع‌های قبیله‌ای و جنگ‌های داخلی را پدید آورده که منجر به خسارات مالی و جانی فراوانی شده است. انگیزه این استعمار چیزی جز دست‌یافتن به مواد خام و بدست آوردن بازار فروش مصنوعات ساخته شده کارخانجات اروپا نبود، «آلبارسارو» وزیر مستمرات فرانسه در مورد علت استعمار افریقا می گوید: «منشا استعمار جز یک کیفیت کارفرمائی خصوصی - که ضمن آن طرف نیرومندی بنحوی یک جانبه و خودخواهانه طرف ناتوان را تابع خویش می گرداند - چیز دیگری نیست.» (۸) در مناطق استعمار شده، هیچ گونه فعالیت‌های رفاهی صورت نمی گرفت. و توسعه و احداث خطوط آهن و راه‌های شوسه هم برای انتقال مواد اولیه و منابع معدنی استخراج شده بود، نه برای رفاه مردم. وسعت مستعمرات نیز خیلی بیشتر از قلمروهای سیاسی کنونی بود به گونه‌ای که دو واحد مستعمراتی فرانسه یعنی افریقای غربی و استوایی تا سال ۱۹۵۱م به بیش از ۷ میلیون کیلومتر مربع بالغ می گردید که مجموع این دو ناحیه تنها ۲۳ میلیون نفر سکنه داشت. بعد از استقلال در نقاط یاد شده دوازده واحد سیاسی بوجود آمد. منطقه عملیات برای غارت ذخائر زیر زمینی نیز قابل توجه بود به عنوان نمونه یکی از شرکت‌های انگلیسی که امتیاز استخراج طلا و بهره‌برداری از محصولات جنگلی در ایالت آسانتی عنا را بدست داشت، منطقه‌ای به وسعت ۲۶۰ کیلومتر مربع را غارت می نمود. شرکتی بلژیکی معادن مس کاتانکا به مساحت ۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع و معادن قلع به وسعت ۱۴۰۰۰ کیلومتر مربع را در اختیار داشت. در دوران استعمار افریقا مردم تحت فشار اروپائیان در ناگوارترین شرایط بسر می بردند و بقول قوام نکرومه با آنان نظیر حیوانات رفتار می شد و در واقع می خواستند فرهنگ و هویت افریقائی را به استحاله وادارند و تح این حرکت و بدنبال تحقیر انسانها، افراد افریقائی با اندیشه نقص ارزش و فراموشی خویشتن به پیش می رفتند. در عصر استعمار در سرزمین‌های تحت قلمرو و ملل افریقائی نوشته‌هایی به چشم می خورد از قبیل: «ورود افریقائی‌ها ممنوع و یا «فقط برای اروپائی‌ها» نیروهای انسانی تحقیر می شدند تا براحتمی بتوانند در نقش کارگران ارزان در خدمت آنها باشند و ضمناً حالت‌خشونت و اعتراض و قیام بخود نگیرند. آنها به موازات آنکه از توسعه اقتصادی، جلوگیری می نمودند از گسترش افق فکری و اجتماعی نیز در هراس بودند و مدام می گفتند: «افریقائی قدر شرایط بهتر را نمی داند و استعداد تحصیلات بالاتر را ندارد.» و به افریقائیان اجازه نمی دادند تخصص‌ها و تکنیک‌ها را فرا بگیرند حتی در

معادن که افریقائی‌ها و اروپائی‌ها کار واحدی انجام می‌دادند، مزد افریقائی به یک دهم مزد اروپائی با همان درجه تخصص نمی‌رسید و میلیون‌ها انسان بصورت مزدوران ارزان درآمده بودند و به قول جک وادیس در کتاب علل انفجار افریقا: «بنحو فاجعه آسانی سطح زندگی ملل افریقائی تحت تاثیر استعمار تنزل یافته است.» هلندی‌ها آنقدر تنگناهای غذایی برای افراد مستقر در جنوب افریقا بوجود آورده بودند که مجله نیوساین تیسست در ش ۲۰ اوت ۱۹۵۹ م نوشت: «اگر برای موشهای آزمایشگاهی جیره‌ای برابر خوراک معمولی افریقائی‌ها تعیین کنند از زور گرسنگی بچه‌های خود را خواهند بلعید.» این فشارها موجب آن شد که طی ده سال، یک میلیون نفر افریقایی از مستعمرات پرتقال به نقاط دیگر مهاجرت کنند. کاپیتان گالواو می‌نویسد: «در پاره‌ای از شتون وضعی که در اینجا حکمفرماست از بردگی معمولی نیز بدتر است زیرا در رژیم بردگی، بومیان را مانند چهارپایان بفروش می‌رسانند و نفع ارباب در این است که برده وی مانند اسب و گاو تندرست باشد ولی در اینجا بومیان را کرایه می‌کنند و در هنگام کار به بیماری و مرگ آنان اعتنایی نداشته و اگر یکی از آنها مریض شود و یا بمیرد اجیر کننده وی از دولت می‌خواهد که دیگری را بجای وی بفرستد.» وضع آموزش در دوران استعمار بسیار اسفناک بود، در سال ۱۹۵۴م در رود زیا ۱۶٪ افراد لازم‌التعلیم به مدرسه می‌رفتند این رقم برای افریقای استوایی فرانسه ۱۸٪ بود، در سال ۱۹۵۰ م ۹۹٪ مردم موزامبیک بیسواد بودند در سال ۱۹۵۴ م از ۶ میلیون کودک افریقائی ۵۰۰۰ نفر در مدارس ابتدایی تحصیل می‌نمودند. با وجود آنکه در نقاط مختلف افریقا مواد خام صنایع، فراوان بود، خبری از تاسیسات صنعتی نبود و جلو توسعه صنایع عمدا گرفته می‌شد تا مردم وابسته به کالاهای غربی باشند. ف - ج پدler در کتاب خود موسوم به افریقای غربی در مورد منع توسعه صنایع افریقا از سوی اروپائیان توجیه مسخره‌ای دارد و می‌گوید: «آنها (استعمارگران) می‌خواستند سیستم اجتماعی قبایل افریقائی را از تاثیر مخرب شرایط زندگی شهری مصون دارند.» (۹) آنها به هیچ عنوان راضی نمی‌شدند ثروتهای ملی افریقا در راه توسعه مردمانش بکار گرفته شود زیرا اشتباهی سیری ناپذیر به بهره‌کشی استعماری، آنان را به این کار بی‌میل نموده بود بزیل دیویدسن می‌خواهد حمله به افریقا را از سوی غربی‌ها به گونه‌ای دیگر توجیه کند و آن این است که افریقا دچار ظلم و زور و ناامنی شده که این پدیده بیماری افریقای وحشی است و تنها پا در میانی خارجی می‌تواند افریقا را از شر خویش در امان دارد. (۱۰) که تناقض اظهارات وی با توجیه ف ج پدler آشکار است.

مشخصات عمومی قاره افریقا (۲)

پس از استقلال نیز کشورهای افریقائی وضع آشفته‌ای داشتند و گرچه سپیده آزادی در حال دمیدن بود. وضع وخیم و معضلات فراوان سرزمینهای زخم خورده را به صورت غیر عادی در آورده بود، تجدید بنای اقتصادی کشور با کمبود نیروهای کاردان و فنی با آموزشهای لازم، روبرو بود که گاهی برخی از آنها ناگزیر شدند از نیروهای خارجی کمک بگیرند که این خود نوعی از سلطه به شکلی جدید را به ارمغان آورد. نظام سیاسی نیز دچار تزلزل بود و اقتصاد بیمار متکی بر تک محصولی توان آن را نداشت که کشور را روی پای خود نگه دارد. از آن سوی استعمارگران که به ظاهر، استقلال به کشورهای افریقائی داده بودند، با حرکتهای موزیانه برنامه‌هایی را تدارک دیده بودند که این سرزمینها روی خوش و آرامش را بخود نبینند و کنترل سیاسی غرب بر آنها ادامه یابد که این حرکت منجر به استعمار نو یا «نئوکولونیالیسم» (۱۶) شد اکنون که ما با ۵۴ واحد سیاسی مستقل در قاره آفریقا روبرو نظاره گر فقر و محرومیت اکثر کشورهای آن می‌باشیم و می‌توان گفت: روزگار قاره سیاه هنوز هم تیره است، زیرا: ۱- بالاترین رقم بیسواد را با ۵۴٪ بخود اختصاص داده است (در مقیاس جهانی). ۲- در حالی که بیش از ۸۰٪ الماس، ۶۰٪ کبالت، ۶۰٪ طلا، ۴۵٪ آنتیموان، ۸۵٪ کلمبیت، ۳۵٪ منگنز، ۳۰٪ کرم و ۳۲٪ مس جهان در این قاره بدست می‌آید و منابع غنی اورانیوم، برق آبی و ۲۷٪ اراضی جنگلی در آن واقع است، در آمدی ناچیز داشته و برابر تولید ملی کشور بلژیک است! و پس از بیش از ۳۰ سال استقلال (از ۱۹۶۰ م تا کنون) در آمد آن افزایش آن چنانی نداشته است. ۳- صنعت در آن توسعه نداشته و کشاورزی آن

شیوه‌ای کهن و سنتی دارد. ۴- سهم تجارت خارجی این قاره در جهان ۱/۵٪ است. ۵- میزان بدهی آن ۱۶۰ میلیارد و بهره آن ۸۰ میلیارد دلار است. ۶- کشت محصولات تجارتي و بازرگانی و رواج اقتصاد تک محصولی که نبض اقتصاد کشورهای این قاره را در دست دول اروپائی قرار داده است. ۷- خشک سالی‌های پی در پی که تلفات انسانی و ضایعات مالی زیادی به بار می‌آورد. ۸- کاهش میزان حداقل دستمزدها که در برخی کشورهای آن تا ۸۵٪ کاهش یافته است. ۹- فقر مواد غذایی اصلی و سوء تغذیه و گرسنگی کیفی، به عنوان نمونه در کشورهای چاد، ساحل عاج، زئیر و مراکش صدها هزار کودک یتیم از خانه گریخته و برای سیر کردن شکم خود، خویش را در اختیار افراد خارجی قرار می‌دهند. ۱۰- وجود استعمار به شیوه جدید برای بلعیدن منابع غنی این قاره. ۱۱- ۷۵٪ محصولات غذایی خود را وارد می‌کند. ۱۲- هر ساله باید به فکر ۲۲ میلیون جمعیت اضافه شده باشد. (۱۲) ۱۳- حمله هولناک ملخها به مزارع که با موجهای ۵۰ میلیاردی با حمله به ساقه گندم، جو و ذرت، ۴۰ میلیون افریقائی را از مواد غذایی محروم می‌کند. در الجزایر هجوم ملخها، نیم میلیون نفر را هلاک نمود. (۱۳) ۱۴- بیماریهای عفونی، مرگ و میر اطفال و عدم توسعه امکانات بهداشتی و دارویی. ۱۵- کشمکشهای داخلی، مرزی و قبیله‌ای که با تحریکات خارجی صورت می‌گیرد و باعث کشتارهای زیاد و تلفات مالی فراوان می‌شود، نظام سیاسی کشورها را تهدید نموده و اقتصاد آنان را آشفته می‌سازد. ۱۶- گسترش بیابان و کویرزائی و تبدیل اراضی زراعی به بیابان و صحرا. ۱۷- بهره برداری بی‌رویه از منابع جنگلی که با نابودی این ثروت عظیم و فرسایش خاک توأم می‌باشد. ۱۸- قاره افریقا گورستان زباله‌های اتمی و سموم شیمیائی کشورهای امریکائی و اروپائی است. بعضی کشورهای افریقائی جهت دریافت مبالغی و نیز رفع بحرانهای اقتصادی مجبور به پذیرش این زباله‌ها می‌شوند. ۱۹- بیش از ۸۵٪ سکنه ۶۰۰ میلیونی این قاره یا در روستاها سکونت دارند. (۱۴) و یا بصورت قبیله‌ای زندگی می‌کنند. ۲۰- کمتر کشوری را در این قاره می‌توان یافت که رژیم مردمی، آن را اداره کند و دولتمردان با توطئه‌های استکباری به سرکوب و ایجاد اختناق برای سکنه خود پرداخته و نهضت‌ها و جنبشهای مردم را به نحو شدیدی درهم می‌کوبند، نمونه آن در افریقای شمالی و بویژه در الجزایر مشهود است. افریقا مهد نژاد سیاه می‌باشد. بربرهای شمالی و اروپائیان مهاجر، سفید پوست هستند. حامی‌ها و سامی‌ها که منشاء آنان خاورمیانه و شبه جزیره عربستان است و در افریقای شرقی و بخش‌هایی از صحرا سکونت دارند، گرچه سفید پوستند ولی رنگ پوستشان تیره‌تر از بربرهاست. در کشورهای کنیا، تانزانیا بر اثر اختلاط نژادی، تیره‌های دورگه مشاهده می‌شود. سیاهان نیز در رنگ پوست، قد، موها و خصوصیات ظاهری دیگر با هم تفاوت‌هایی دارند، کوتاه‌ترین آنان در افریقای استوایی زندگی می‌کنند که پیگمه‌ها نام دارند، در سودان، سیاهان قامت بلندی دارند. زبان مردم افریقا بسیار متنوع است عده‌ای به زبانهای بومی تکلم می‌کنند اما زبانهای عربی و اروپائی در تعداد زیادی از کشورها، زبان رسمی می‌باشد، نفوذ اسعمار در افریقا، زبان انگلیسی، فرانسوی اسپانیائی، پرتغالی و آلمانی را بر مردمان آن تحمیل نموده است. قاره افریقا بر حسب آمار رسمی سال ۱۹۹۰م ۶۴۶۳۶۰۰۰۰ نفر سکنه داشته که تنها ۳۳٪ آن در کانونهای شهری می‌زیسته‌اند، درصد رشد سالانه ۳٪ و تراکم نسبی ۴/۲۱ نفر در کیلومتر مربع بوده است. از این تعداد، ۲۸۵ میلیون نفر آئین حیات بخش اسلام را پذیرفته‌اند که ۴۳٪ کل سکنه را در بر می‌گیرد. (۱۵) در ۲۴ کشور مسلمان بق صورت اقلیت می‌باشند، ۳۶٪ جمعیت آنان را در بر می‌گیرند. در برخی کشورها با وجود آنکه درصد مهمی از افراد آن مسلمانند ولی در مسائل سیاسی، اداری و نظامی نفوذ ناچیزی دارند مثل: اتیوپی و موزامبیک. بلال حبشی اولیت مسلمان قاره افریقا است، اسلام از قرن اول هجری در قلب روشن و پاک مردمان محروم و مظلوم این قاره نفوذ نمود و حتی بخش‌هایی از این قاره، مرکز تشکیلات اسلامی گردید و در برخی نقاط آن دولت اسلامی بوجود آمد. مخالفت اسلام با تبعیض نژادی و سهولت در پذیرش آن و حمایت این آئین از حقوق محرومان و ستم دیدگان، از عوامل پذیرش آن توسط افریقائیان بود. با نفوذ اسعمار در این کشورها، مسلمانان افریقا با بهره‌گیری از تعلیمات اسلامی، نهضت‌های ضد استعماری را در این قاره بوجود آوردند. متجاوزین اروپائی که دیدند عامل ایستادگی مردم، عقیده اسلامی است

دست به حرکت‌هایی زدند تا نفوذ آن را کم کنند از جمله فرانسه، زبان فرانسوی را جایگزین زبان عربی نمود و بلژیک و انگلستان از مبلغین و مبشرین مسیحی استفاده کردند، پرتقال هم جنگ تمام عیاری را بر علیه مسلمانان ترتیب داد. مسلمانان افریقا بخاطر فقر مالی و فرهنگی ناشی از قحطی و خشکسالی و فشارهای استکباری برای پذیرش گروه‌های امدادی آمادگی زیادی دارند که متأسفانه این گروه‌های غربی در پوشش کمک‌های باصطلاح انسان دوستانه به انسانهای محروم، دست به حرکت‌های سیاسی زده و بین مسلمین بذر تفرقه پاشیده و جنگ‌های داخلی را پدید آوردند. جنگ‌های مسلحانه که در کشورهای اسلامی و نواحی تحت قلمرو مسلمانان رخ می‌دهد موجب آواره شدن میلیون‌ها انسان گردیده و این افراد به کشورهایی روی آوردند که خود دچار بحرانهای اقتصادی - اجتماعی می‌باشند. کشورهای افریقائی در جهت وحت سیاسی و ریشه کن نمودن استعمار دست به حرکت‌هایی زده‌اند که تشکیل «سازمان وحدت افریقا» (۱۶) میوه این تلاش‌هاست. اولیت کنگره‌ایی که بطور رسمی مسئله وحدت افریقا را مورد توجه قرار داد به دعوت پاتریس لومامبا در سال ۱۹۵۸م در انگلستان تشکیل شد. در سال ۱۹۵۸م لومالبا و رؤسای جمهوری گینه و لیبیا قطعنامه‌ای را با مضمون ایجاد یک جامعه دول مستقل افریقائی صادر کردند. نخستین کنفرانس آن به پیشنهاد قوام نکرومه - رهبر غنا - در آوریل ۱۹۵۸م در اکرا پایتخت این کشور منعقد شد که در آن مصر، غنا، سودان، لیبی، تونس، لیبیا، مراکش و اتیوپی حضور داشتند. نخستین گام در سال ۱۹۵۸م (۲۳ نوامبر) برداشته شد، در این روز غنا و گینه با هم متحد شده تا هسته اولیه اتحاد دول افریقائی را پدید آورند و سرانجام در ۲۵ مه سال ۱۹۶۳م سازمان وحدت افریقا در آدیس آبابا مرکز اتیوپی تاسیس شد (با حضور ۳۲ کشور) منشور این سازمان بر ۳۳ اصل استوار بود و پی‌گیری سیاست‌های زیر بود: همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، دفاعی و امنیتی، بهداشتی علمی و فرهنگی. اهداف آن عبارت بود از: تقویت اتحاد، هماهنگی، حمایت از استقلال، ریشه کن کردن استعمار. با عضویت پولیساریو (جمهوری عربی صحرا) تعداد اعضای آن به ۵۱ کشور رسید. گرچه این سازمان در دهه اول به موقعیتهای در راستای اهداف خود دست‌یافت. اما رفته رفته به دلیل زیر از اهداف خود فاصله گرفت: «منازعات قبیله‌ای، اختلاف در زبان و فرهنگ، فقر و فساد، نابودی سران اصیل سازمان و آمدن سران وابسته، کودتاهای گوناگون، جنگ‌های و شورش‌ها و بحرانهای سیاسی، عدم ضابطه قوی، گرایش‌های متضاد در سازمان و دخالت‌های استکبار.» (۱۷) برای بررسی مسائل کشورهای اسلامی و نیز نقاط تحت قلمرو مسلمانان در کشورهای غیر مسلمانان این قاره آن را به چندین بخش تقسیم می‌کنیم:

الف - افریقای شمالی ب - افریقای شرقی ج - افریقای غربی د - افریقای جنوبی ه - افریقای مرکزی .

پی‌نوشتها

۱- کل مساحت مساحت صحاری جهان ۲۱ میلیون کیلومتر مربع است که ۱۵٪ خشکیها را شامل می‌شود. ۲- کلیات جغرافیایی قاره‌ها - علی حاج آقا محمدی - جزوه پلی کپی - دانشگاه اصفهان ۱۳۶۲. ۳- تاریخ افریقا، نوشته بزیل دیویدسن ترجمه هرمز ریاحی، فرشته مولوی تهران امیر کبیر ۱۳۶۹. ۴- Africa History a continent - Basil Davidson - تاریخ افریقا، برزیل دیوس، ترجمه هرمز ریاحی و فرشته مولوی ص ۹۶. ۷- ماخذ قبل ۳۷۴ تا ۳۷۸. ۸- افریقا باید متحد شود، قوام نکرومه - مترجم دکتر محمد توکل. ۹- افریقا باید متحد شود - قوام نکرومه. ۱۰- تاریخ افریقا، دیوید سن ص ۴۵۴. ۱۱- Neocolonialism و ۱۳- جنگ جغرافیا - تالیف نگارنده دست نویس، صفحات ۱۱۳ و ۱۳۸. ۱۴- جنگ جغرافیا - تالیف نگارنده دست نویس، صفحات ۱۳۳ و ۱۳۸. ۱۵- مسترلسلی رمزی (Lisleramsy) رئیس بخش میراث مذهبی امریکا در سال ۱۹۶۰م گفت: مسیحیت در افریقا جایش را به اسلام می‌دهد (ابزور چاپ لندن ۲۰ مارس ۱۹۶۰م) دکتر بلی گراهام کشیش محقق امریکائی در همین سال اعتراف نمود بین مسیحیت و (Sir. Aleckirkbrid) کمونیزم و اسلام در افریقا، پیشرفت زیادتر نصیب اسلام می‌شود، سفیر سابق انگلیس در لیبی در مارس ۱۹۶۰م اظهار داشت طی چهار سال پانزده میلیون افریقائی به کیش

اسلام گرویده‌اند. ۱۷-۱۶-organization of Afrigan unity (O-A-U) - مجله پیام انقلاب ش ۶۹ - ۲۴ مهرماه، ۱۳۶۱.

الف - افریقای شمالی (مغرب بزرگ)

افریقای شمالی (مغرب بزرگ)

شمال افریقا همچون شبه جزیره‌ای در جنوب مدیترانه و شمال صحرای کبیر افریقا قرار داشته و اقیانوس اطلس مرز غربی آن می‌باشد. بخش عظیمی از آن را صحرای افریقا دربر گرفته و غیر از کوه‌های اطلس - واقع در شمال غربی آن - ارتفاعات مهمی ندارد. از غرب به شرق آن دو رشته کوه کشیده شده که ارتفاع آنها از توبیکال در مراکز با ۴۱۶۵ متر با جبال شعامبی که از ۱۵۵۴ متر تجاوز نمی‌کند سیر نزودی دارد. تحت تاثیر دریای مدیترانه در منطقه‌ای به طول ۵۰۰۰ کیلومتر از مرز مصر تا جبل الطارق کشاورزی رونق خوبی دارد. آب و هوای شمال افریقا در سواحل مشرف به مدیترانه در تابستان گرم و خشک و در زمستان سرد و توام با باران نسبتاً زیاد است. تابستان این مناطق طولانی بوده و به سوی نواحی جنوبی آب و هوای گرم و خشک صحرایی به آن حاکم می‌گردد. مهمترین شریان حیاتی این ناحیه رودخانه نیل است که ۱۲۰۰ کیلومتر آن در کشور مصر جریان داشته و با دلتای بزرگی به دریای مدیترانه می‌ریزد. افریقای شمالی، مهد تمدنهای قدیمی است و تاریخی ده‌هزار ساله دارد. تمدن مصری کهن‌ترین تمدن این ناحیه است که در تاریخ افریقا سهمی ویژه دارد. (۱) بربرها سکنه اصلی شمال افریقا بوده‌اند که در ادوار باستانی و در قرون قبل از میلاد در منطقه‌ای وسیع که از یک سو به غرب مصر و از سوی دیگر به سواحل اقیانوس اطلس منتهی می‌شد می‌زیسته‌اند و مراکز بازرگانی و جوامع شکوفائی داشته‌اند. این مردمان در هزاره دوم ق. م بخش مهمی از همه صحنه افریقای شمالی را فرا گرفته و با بنیاد صحرایی و فرهنگ بومی تمدنی را تاسیس نمودند و بر سرزمین ساحلی مدیترانه‌یی شاداب و تپه‌های داخلی اش تسلط یافتند. (۲) با فتح شمال افریقا بدست مسلمین بربرها بتدریج اسلام را پذیرفتند و اکثراً با رها نمودن زبان بومی به زبان عربی تکلم می‌نمودند. طوارق یکی از مهمترین طوایف بربرند که در صحرای مرکز و سواحل نیجر وسطی زندگی می‌کنند. نژاد مشترک بربرها بین خودشان ایماز یقن (۳) (مردمان آزاد) نام دارد که در طول ۴ قرن و در دو موج پیاپی، مسلمانان بدانها رسیدند و در فرهنگ و زبان آنان تحولاتی عمده بوجود آوردند. (۴) عقبه ابن نافع در قرن اول هجری شمال افریقا را فتح نمود و شهر قیروان را به عنوان مرکز حکمرانی مسلمین بنا نهاد. این شهر در شمال شرقی تونس قرار دارد و با مساجد زیاد از شهرهای مذهبی مسلمین به شمال می‌رود بعداً در زمان موسی ابن نصیر شمال افریقا مرکز فتوحات مسلمین در اروپای جنوبی و اسپانیا قلمداد گردید و از طریق شمال غربی این منطقه به سال ۹۲ ه. ق (۷۱۱ م) طارق ابن زیاد، سردار مسلمان در جبل از الطارق پیاده شده و اندلس را به تصرف خود درآورد در سال ۷۱۳ م عبد العزیز ابن موسی با سپاهیان جنگاور به پرتقال شتافت و در سال ۷۱۴ م تا فرانسه پیش رفته و سپاهیان اسبهای خود را از آب رودخانه رن سیراب نمودند. دولت قدرتمند فاطمی جایگزین حکمران عباسی در مصر گشته و خلفای فاطمی دو قرن بر مصر و شمال افریقا فرمان راندند. این سلسله از آغاز تا نیمه حکومت المستنصر بالله (۲۹۷ تا ۴۵۰ هجری قمری) دوران عظمت و اقتدار سلطه اسلامی در مصر و افریقای نفوذ یافته، حتی کشور تونس تا سال ۴۳۸ ه. ق کاملاً شیعی بود. بربرها نیز تحت انقیاد این دولت قرار گرفتند. در قرن یازدهم میلادی (نیمه‌های آن) نهضتی بنام المرابطون یا آل مروارید از جانب قبایل صنهاجی در صحرا و شمال افریقا پدید آمد. قوم مزبور قبیله‌ای از بربر بودند و در شمال افریقا می‌زیستند این سلسله در اواخر قرن یازدهم میلادی تمامی بلاد غرب و جنوب و جنوب شرقی اسپانیا را فتح نمود. بزرگترین پادشاه آن «یوسف ابن تاشفین نام داشت که شهر مراکش را بنا نهاد و بر بلوک اسپانی غلبه یافت این نهضت با قیام مغز بن بادیس صنهاجی و بیرون آمدن تونس از سلطه فاطمیان آغاز شد و این دوره وضع تونس و شمال افریقا اسف بار بود و درگیریهای خونینی بین شیعیان و اهل تسنن بوقوع

پیوست . (۵) بعد از المرابطون ، الموحدون روی کار آمدند (از سال ۱۱۴۸م) این سلسله توانستند مراکش ، الجزایر ، و تونس را برای اولین بار متحد کنند و مغرب (افریقای شمالی) دگر بار شکوفا شد . ممالیک که در اصل برده بودند و فاطمیون در قرن دهم آنان را به سوی مصر جلب نمودند . از سال ۱۲۵۰ م با کشتن توران شاه ، آخرین پادشاه ایوبی سلسله ممالیک را در مصر پایه گذاشتند . اینان بر علیه صلیبیان و نیز مغولان جنگهایی را ترتیب دادند و ۲۵۰ سال بر مصر حکومت کردند . سلطان سلیم اولین پادشاه عثمانی در سال ۱۵۱۷م به حکومت این سلسله پایان داد . مسیحیان که در اروپای جنوبی دوباره نیرو گرفته بودند آغاز به دست اندازی به افریقای شمالی کردند و از سال ۱۴۱۵ که بندر شمالی مراکش یعنی «سئوتا» را تسخیر کردند برای نخستین بار فتوحات در سراسر مدیترانه وارونه شد . در این زمان ترکهای عثمانی بر ممالک افریقای شمالی هجوم برده و تا سال ۱۵۸۷ م تمامی نقاط آن را تحت قلمرو خود در آوردند . (۶) دولت عثمانی که از دور و به گونه‌ای غیر مستقیم بر مغرب (افریقای شمالی) حکومت می‌کرد . خاندان موافق میل خود را به پادشاهی رسانیده و در نتیجه دولتهای خراجگذار امپراتوری عثمانی شمال افریقا را اداره می‌نمودند . دولتهای مزبور از سال ۱۹۳۲م مورد تجاوز فرانسویان قرار گرفت و بدین گونه استعمار بر افریقای شمالی پای گشود و تا زمان استقلال ، کشورهای این منطقه زیر سلطه فرانسه ایتالیا و انگلستان قرار گرفتند و فرهنگ استعماری در سرزمینهای اسلامی آن نفوذ نمود . پس از رهایی از استعمار بدلیل آنکه مرزهای این کشورها با اغراض استعماری تعیین گشته بود ، درگیریهایی را بوجود آورد . جنگ‌ها میان الجزایر و مراکش در اکتبر ۱۹۶۳م ، مناقشات مراکش و موریتانی بر سر تیندوف (۷) و یشار - که بر حسب قراردادی مراکش از این دو ناحیه چشم پوشید - از این نمونه‌ها بود . در یاست‌خارجی نیز مشی متضادی بر کشورهای شمال افریقا حکمفرماست . لیبی مرام خاصی دارد ، مصر و مراکش و تونس به غرب گرایش دارند و الجزایر ضمن رابطه با اروپا و بویژه با فرانسه از سوسیالیزم پیروی می‌کند . کشورهای مغرب ، با بحرانهای عدیده‌ای روبرو هستند که تجدید حیات اسلامی و رشد اسلام‌گرایی در راس آن است و این حرکت مسلمانان مبارز ، سردمداران افریقای شمالی را در نگرانی عمیق فرو برده و آنها از روی درماندگی و استیصال به سرکوبی شدید نهضتها و جنبشهای اسلامی پرداخته و دست اندرکاران این تشکیلات را به نحو فجیعی شکنجه نموده یا بدون مدرک لازم به زندانهای طویل‌المدت محکوم می‌نمایند و برخی را هم به شهادت می‌رسانند . (۸) وقوع چنین حرکت‌های اسلامی ، بحرانهای اقتصادی اروپا و وجود محیط عربی - افریقائی ، سردمداران واحدهای سیاسی افریقای شمالی را وادار نمود که علیرغم تضادهای سیاسی و موضع‌گیریهای ضد و نقیض با یکدیگر ، اتحادی را پی‌ریزی نموده و «اتحادیه مغرب عربی را در فوریه ۱۹۸۹ م در شهر مراکش بنیان نهند . در مغرب گروهی که طرفدار خوارج بودند و از انشعابهای نخستین تاریخ اسلام به شمار می‌رفتند توسط شیعیان از بین رفتند و در دوران سلطه عثمانی ، مذهب حنفی رواج گسترده‌ای یافت . از قرن یازدهم مذهب مالکی نیز پیروانی یافت ، زبان مردم در حال حاضر عربی است که در کنار آن زبانهای بومی و اروپائی هم رواج دارد . از ۸۵ میلیون سکنه افریقای شمالی (مغرب) بیش از ۹۵٪ پیرو آئین اسلامی می‌باشند . کشورهای شمال افریقا به لحاظ جغرافیای اقتصادی نیز با هم تفاوت‌های عمده‌ای دارند . الجزایر نوزده بار وسیعتر از تونس بوده و ۵ بار از مراکش بزرگتر است و پر وسعت‌ترین کشور افریقای شمالی و دومین کشور وسیع کل قاره افریقا می‌باشد . با وجود وسعت زیاد از مشکلات این کشور این است که تمرکز جمعیت در نقاط حاصلخیز افزونتر می‌باشد . در لیبی و الجزایر ۹۰٪ سکنه بر ۱۰٪ وسعت تمرکز یافته‌اند و ۹۹٪ مردم نیل در ۴٪ وسعت آن سکونت دارند . لیبی ، تونس و الجزایر اقتصادی متکی بر نفت و گاز دارند در حالی که مصر و مراکش بر کشاورزی نیز متکی هستند . مراکش ذخائر غنی فسفات دارد و سومین تولید کننده آن در جهان است . تونس نیز پنجمین تولید کننده فسفات در سطح جهان بوده و از راه جهانگردی و جذب سیاحان نیز درآمدهایی را به خود اختصاص می‌دهد .

کشور مصر در شمال شرقی آفریقا و در جنوب غربی آسیا واقع است. دریای مدیترانه در شمال و دریای سرخ در شرق آن قرار دارد. کانال استراتژیک سوئز از شبه جزیره سینا (مربوط به مصر) عبور می‌کند این کانال بندر سوئز را در کنار دریای احمر به بندر پرت سعید در کناره مدیترانه متصل می‌نماید و کوتاهترین راه بین کشورهای قاره اروپا و کشورهای اقیانوس هند و سرزمینهای غربی اقیانوس آرام می‌باشد و یکی از مهمترین راههای آبی بین المللی از لحاظ تعداد و ظرفیت کشتی‌هایی که از آنجا عبور می‌کند به شمار می‌رود. این کانال در سال ۱۸۶۹ م در زمان اسماعیل پاشا، خدیو مصر رسماً افتتاح شد و در سال ۱۹۵۶ م توسط جمال عبد الناصر ملی اعلام گردید. عمق آن ۷ متر، عرض آن ۲۲ متر (۹) و طول آن ۱۶۸ کیلومتر است. طولانی‌ترین رود دنیای اسلامی یعنی نیل، کشور مصر را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌کند و در نزدیکی قاهره به چند شاخه تقسیم شده و با دلتای بزرگی به دریای مدیترانه می‌ریزد. (۱۰ دلتای نیل به دلیل رسوبات حاصلخیز، از مهمترین اراضی کشاورزی جهان به شمار می‌رود. مادر حضرت (موسی) (ع) به دستور خداوند فرزندش موسی (ع) را در صندوقی گذاشت و در همین رودخانه افکند که بعد از خانه فرعون سر در آورد و با وجود آنکه فرعون در صدد کشتن او بود بدلیل شوق آسیه (همسر او) از کشتن موسی صرف نظر نمود. و بدین گونه رحمت بی پایان حق بر موسی (ع) سایه افکند و در حمایت لطف الهی از هر گونه گزند مصون ماند. و چون به سن رشد و کمال رسید خداوند متعال علم و حکمت به وی آموخت و او را به پیامبر برگزید. همچنین کوه طور واقع در سرزمین سینا، جایگاهی است که در آن بر حضرت موسی (ع) وحی نازل شد و او در همین نقطه به پیامبر برگزیده شد. آب و هوای مصر در نواحی شمالی، مدیترانه‌ای و در نواحی دیگر بجز دره نیل، و گرم و خشک است. ۹۹٪ از سکنه ۲۵ میلیونی در دره رودخانه نیل که ۴٪ وسعت کل کشور است سکونت دارند ۴۴٪ در کانونهای شهری و بقیه در روستاها اقامت دارند، رشد سالانه جمعیت ۶/۲٪ تراکم نسبی آن با توجه به ۱۰۰۱۴۴۹ کیلومتر مربع وسعت، حدود ۵۲ نفر می‌باشد. مردم آن اکثراً از نژاد سامی و قبطی بوده و زبان و خط رسمی و مداول عربی است. ۹۳٪ مردم مصر مسلمان و سنی مذهبند. مصر تمدنی ۶۰۰۰ ساله دارد و در ۸۰۰۰ سال ق. م قبیله‌ای در مصر سفلی اقامت گزید. اولیت فرعون آن یعنی منس حکومت واحدی را بوجود آورد و آخرین آن دستور ساخت اهرام ثلاثه را داد در قرن سیزدهم قبل از میلاد و در زمان خلافت عمر جزو قلمرو اسلامی گردید. آئین قدیمی مصریان بت پرستی بود و پس از تسلط امپراطور روم بر مصر، مسیحیت آئین تحمیلی مصریان گردید. اختناق فکری، مالیاتهای سنگین، تبعیض و شکنجه، عواملی بود که خشم و تنفر قبطیان و مردم مصر را بر علیه حکومت جائز روم برمی‌انگیخت که بر اثر این عصیان به مذهب ارتدکس که نقطه مقابل مذهب رسمی حکومت روم بود، روی آوردند. استقبال قبطیان از آئین اسلام نیز خود مظهر این روح استنکار و حریت طلبی بود و با ورود مجاهدین اسلام به سرزمین مصر، با وجود سد محکمی که از سوی حکام رومی مصر شوند و در مدت کوتاهی این آئین رشد فزاینده‌ای در مصر یافت و در اندک زمانی سرزمین بصورت یک کشور مسلمان نشین درآمد. مسلمانان بر حسب توصیه پیامبر اسلام (ص) با مصریان از در مسالمت و خوش سلوکی وارد شدند زیرا پیامبر اکرم (ص) به آنان فرموده بود: «شما مصر را می‌گشایید نسبت به اهالی آن سامان نیکی کنید چه آنان را حق خویشاوندی و دامادی است.» (۱۱) رونق اسلام در مصر به حدی بود که در زمان حکومت عمر بن عبدالعزیز خلیفه اموی تعداد مسیحیان آن بسیار کم و میزان جزیه آن به مبلغ ناچیزی تنزل یافت. کلیساها و اموال موقوفات مسیحیان در مدت حکومت مسلمین بر مصر، از آزادی و امنیت و حمایت مسلمین برخوردار بود مسلمانان در رفتار خود عملاً ثابت نمودند که برای رهائی ملل از اسارت فکری و تامین آزادی مذهبی آمده‌اند نه برای منافع مالی و توسعه قلمرو جغرافیائی. دکتر گوستاو لوبون در کتاب «تمدن اسلامی و عرب رفتار مسلمانان را با مصریان این گونه توضیح می‌دهد: «... مسلمانان با وجود آنکه ابتدا تلفات زیادی دادند و در فتح مصر (۱۲) بالغ بر ۲۳۰۰۰ نفر

مسلمان به قتل رسید پس از پیروزی کامل از عفو و اغماض و ملایمت دریغ نمودند و نسبت به آشوبگران، عفو عمومی صادر کردند و عذرهای هر کی را بحسب قبول پذیرفتند و سدها و راه‌ها و نهرها را آباد و مبالغ هنگفتی هم به مصرف ابنیه و عمارات رسانیدند. « از همان روزی که اسلام وارد مصر شد تشیع نیز به مصر راه یافت و قبل از آنکه حضرت علی (ع) به خلافت برسد عده‌ای از یارانش را مصریان تشکیل می‌دادند. حضرت علی (ع) قیس بن سعد و پس از او محمد ابن ابی بکر را به اداره مصر گماشت که این دو صحابی حضرت علی (ع) از پایه‌ها و عوامل اسقرار تشیع در مصر بودند و پرچم تشیع در مصر به اهتزاز در آمد. چندی نگذشت که عمرو عاص، مصر را پس از نبردی خونین فتح نمود و محمد بن ابی بکر را دستگیر و پس از کشتن او جسدش را در میان الاغ مرده‌ای قرار داده و آتش زد. با روی کار آمدن مروان بن حکم، زبا نشیعیان مصری بسته شد و طرفداران او در مصر به دشمنی با طرفداران علی و اهل بیتش پرداختند. در عهد متوکل عباسی، والی او در مصر به سال ۲۳۶ قمری تمام شیعیان را به دستور متوکل اخراج نمود و آنان را به سوی عراق فرستاد. در قرن سوم هجری با وقوع قیامهایی، حرارت‌هایی در شیعیان بوجود آمد. روی کار آمد فاطیمان مصر، نور امیدی برای پیروان اهل بیت بود. (۲) در زمان فاطیمان مصر از اقیانوس اطلس تا دریای سرخ و شبه جزیره عربستان و شمال عراق گسترش یافته بود. این سلسله در نظر داشتند عباسیان را منقرض کنند اما وجود تفرقه و تشتت در دستگاه آنان اجازه چنین حرکتی را ندارد. پیشرفت صلیبون موجب محدودیت متصرفات دولت فاطمی بود. فاطیمان تشیع را علنی نمودند و دستور دادند بر در و دیوار شهر بنویسند، «خیر الناس بعد رسول الله (ص) علی بن ابی طالب (ع)» در روز عاشورا مراسم حزن انگیز و در روز عید غدیر آئینهای ویژه‌ای را بر پا نمودند. در اواسط قرن ششم هجری این سلسله توسط ایوبیان انقراض یافت. ایوبیان به ترویج مذاهب چهار گانه تسنن پرداخته و با تشیع به شدت مخالفت نمودند و روز عاشورا را عید مقرر کردند. با وجود رفتار فجیع و توأم با قساوت، گرچه طرفداران شیعه در مصر کم شدند لکن هنوز پیروان این آئین در مصر که اغلب مهاجرند به برپائی مراسم ویژه بزرگداشت اهل بیت و تعمیر و بازسازی مشاهدی که به شیعه منسوب است (مثل تعمیر و بازسازی مشهد راس الحسین در قاهره) مشغولند ضمناً سیده زینب دختر یحیی بن زید بن علی بن حسین (ع) در مصر دفن می‌باشد. در قرون معاصر، شیعیان تحت تهاجم فرهنگی و تبلیغات ضد شیعی قرار گرفته‌اند، و نوشته‌هایی بر علیه آئین آنها در مصر انتشار یافته است. چنانچه احمد امین کتاب فجر الاسلام و ضحی الاسلام را بر ضد شیعه نگاشت. (۱۴) در قرن سیزدهم (۱۲۵۰م) همسر نواده صلاح الدین ایوبی به نام شجره الدر به سلطنت رسید و او تنها زنی است که در دروه اسلامی بر مصر فرمانروائی داشته است. بعد از ایوبیان سلسله‌ای از ممالیک روی کار آمدند که سلطان سلیم اول نهمین خلیفه دولت مقتدر عثمانی آنان را بر انداخت و بر شام و مصر استیلا یافت. حکومت عثمانیان بر مصر ۲۵۰ سال ادامه یافت. در سال ۱۷۹۸م ناپلئون پس از تصرف جزیره مالت بدون کمترین زحمتی وارد اسکندریه مصر شد، ناپلشن که با مقاومت شدید مردم مواجه گشت طی اعلامیه‌ای، واژه‌هایی را بکار برد تا مردم را جذب خود کند از آن جمله اعلامیه خود را با جمله بسم الله الرحمن الرحیم، لا الا الله محمد الرسول الله آغاز کرد [!] و در آن آمده بود که سلسله‌های ممالیک که بر کشور مصر حکومت داشته‌اند ملت فرانسه را تحقیر نموده‌اند و به زیباترین کشور جهان (مصر) ستم کرده‌اند و ادامه داده بود که: «اینک اراده الله رب العالمین بر این قرار گرفته که به سلطنت آنان پایان داده شود» [!] همچنین ناپلئون خود را دوست دولت عثمانی و حامی مذهب اسلام معرفی کرده بود. همراه با حرکات مزورانه ناپلئون، بدستور وی سربازانش مردم را قتل عام می‌کردند، و عده‌ای را تحت شکنجه‌های شدید، می‌گشتند. سرانجام با وجود مقاومت شدید و مبارزات مسلمانان مصر، فرانسویان قاهره را به تصرف خود در آوردند و مجدداً چندین هزار نفر را کشتند و دهها روحانی مسلمان را یا گردن زدند و یا سوزانیدند، اما دولت انگلیس طی نبردی با فرانسویان، مصر را از چنگال فرانسه بیرون آورد. (۱۵) در سال ۱۸۷۸م خدیو مصر تحت فشار استعمارگران، کابینه‌ای را روی کار آورد که اکثر اعضای آن اتباع اروپائی بودند و به کابینه اروپائی معروف بود. از سال ۱۸۸۲ انگلستان، مصر را مستعمره خود نمود و در سال ۱۹۲۲م بر اثر فشار مردم مسلمان مسلمانان مصر،

قرارداد شناسایی استقلال مصر امضا شد و در سال ۱۹۳۶م (۱۳۱۵ شمسی) که ملک فواد اول به قدرت رسید، استقلال رسمی مصر حاصل شد با این وجود انگلستان همچنان در مصر نفوذ داشت. در سال ۱۹۵۲م گروهی از افسران جوان به کودتایی علیه علیه ملک فاروق دست زده و عملاً رژیم سلطنتی را به نظام جمهور تبدیل کردند که پس از آن ابتدا سرلشکر محمد نجیب و سپس جمال عبدالناصر رهبری مصر را به عهده داشتند. ناصر گرچه از اسلام یاد می‌کرد و قوانین این آئین را رعایت می‌نمود اما تکیه‌گاه اساسی‌اش ناسیونالیسم عرب و سوسیالیسم بود. در زمان ناصر، مصر به رهبری جهان عرب را به دست گرفت. با ملی شدن کانال سوئز از سوی جمال عبدالناصر، قوای انگلیسی، فرانسو و اسرائیلی به مصر حمله نمودند. از وقایع ناگوار زمان ناصر، جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل است که در سال ۱۹۶۷م صورت گرفت و به شکست اعراب منجر شد. پس از مرگ ناصر، انور سادات به ریاست جمهوری رسید که در آغاز اعلام کرد سیاست ناصر را دنبال خواهد نمود ولی به غرب روی آورد. نزدیکی سادات به غرب و امریکا به حدی رسید که امریکا در سال ۱۹۷۳م کوشید صلحی یک جانبه بین مصر و اسرائیل برقرار کند و در سال ۱۹۷۷م سادات به فلسطین اشغالی رفته و با رهبران غاصب و صهیونیستی به مذاکره پردازد و در سال بعد با وساطت امریکا بین مصر و اسرائیل در کمپ دیوید امریکا صلحی منعقد شد. اقتصاد مصر بر کشاورزی و صدور نفت و منافع ناشی از حق عبور کشتی‌ها از کانال سوئز، کمک دول غربی و درآمد‌های ناشی از صنعت توریسم استوار است. محصول مهم کشاورزی آن پنبه است که ۲۵٪ اراضی زراعی خود را به آن اختصاص داده است و مرغوبترین پنبه جهان در این کشور تولید می‌شود. مصر بزرگترین تولیدکننده برنج در قاره افریقا می‌باشد. گندم و نیشکر نیز در آن به عمل می‌آید. نفت و فسفات و آهن از ذخائر معدنی آن است. صنایع ذوب آهن، فولاد، کشتی‌سازی و تولید آلومینیوم در مصر پیشرفت زیادی نموده و از رونق خوبی برخوردار است. با وجود موقع جغرافیائی مناسب، منابع آبی فراوان، ذخائر و منابع معدنی و کشاورزی و امکانات مناسب برای توسعه اقتصادی به جهت سیاست غیر اصولی در ده سال اخیر، این کشور دچار رکود اقتصادی شده و بسیاری از مردم در سطح بسیرا نازلی زندگی می‌کنند. ۲۵٪ افرادی که توانایی فعالیت دارند، بیکارند. مرکز حکومت مصر قاهره است که ۱۵٪ سکنه مصر را در خود جای داده و از شهرهای بسیار قدیمی جهان محسوب می‌شود، ۳ بندر مهم و استراتژیک اسکندریه، اسماعیلیه و سوئز از دیگر کانونهای شهری مصر می‌باشد.

جمهوری لیبی

جمهوری لیبی با ۱۷۵۹۵۴۰ کیلومتر مربع در ساحل جنوبی مدیترانه و بین دو کشور مصر و الجزایر واقع شده است. و چهارمین کشور پرستعت افریقائی به شمار می‌آید. در شمال غربی آن جلگه‌هایی بنام جفارا وجود دارد و بقایای مواد مذاب آتشفشانی در آن مشاهده می‌شود. در شمال شرقی آن کوههای سبز وجود دارد که از سوی غرب به سوی خلیج سرت کشیده شده است. قسمت اعظم لیبی بخصوص نواحی جنوبی آن از بیابانها و کویرها پوشانیده شده که با روش بیولوژیک فعالیتهایی در جهت بیابان زدائی و تثبیت‌شن‌های روان آن صورت گرفته است. (۱۶) نواحی ساحلی شمال آن آب و هوای مدیترانه‌ای دارد ولی نقاط داخلی و جنوبی گرم و خشک بوده و میزان ریزشهای جوی آن ناچیز می‌باشد. بالاترین درجه حرارت ثبت شده در سایه با ۵۸ درجه سانتی گراد برای لیبی گزارش شده که از این لحاظ بین کشورهای جهان بیشترین دما را بخود اختصاص داده است. همچنین با ۴۵۴۰۰۰۰ نفر سکنه (در سال ۱۹۹۰م) پائین‌ترین تراکم جمعیت را دارد. (۱۷) (۶/۲ نفر) نقاط شهری و مناطق سرسبز در کمربند ساحلی است. ۶۷٪ زندگی شهری دارند و رشد سالانه جمعیت ۵/۴٪ است. ۹۸٪ مردم لیبی مسلمان بوده و از نژاد سامی و بربرند. زبان رسمی عربی است ولی در روستاها و نقاط دورافتاده، زبان بربر هم رواج دارد. مرکز حکومت لیبی، بندر پریپولی است که در شمال غربی آن و بر ساحل مدیترانه واقع شده است. لیبی در طول قرون و اعصار همیشه مورد تهاجم بیگانگان قرار داشته است. در ازمنه

گذشته رومیان و یونانیان آن را تحت سلطه خود در آورده بودند. در قرن ششم میلادی ناحیه ساحلی لیبی جزو امپراتوری بیزانس (روم شرقی) گردید. سپس اعراب مسلمان و اسپانیایی‌ها و تا آغاز جنگ جهانی اول دولت مقتدر عثمانی آن را در اختیار داشت. با افول دولت اسلامی عثمانی، لیبی مستعمره ایتالیا شد و در جنگ جهانی دوم با شکست ایتالیا، ارتش آن ناگزیر شد که از این سرزمین خارج شود. سپس لیبی تحت نظارت فرانسه و انگلیس درآمد و سرانجام در سال ۱۹۵۱م با نظارت سازمان ملل متحد به استقلال رسید. با رهایی از چنگال استعمار، لیبی به صورت پادشاهی اداره می‌شد تا اینکه در سال ۱۹۶۹م با کودتایی بدون خونریزی شاه ادریس (پادشاه وقت) توسط افسران جوان از سلطنت خلع شد و سرهنگ معمر القذافی به رهبری لیبی رسید. اسلام در قرن هفتم میلادی (قرن اول هجری) بعد از مصر به لیبی راه یافت که بربرهای ساکن لیبی به سرعت جذب این آئین شدند و در فتح بزرگ مسلمانان که منجر به تصرف اندلس شد جزو ارتش مسلمانان بودند. در عهد عباسیان از سوی هارون الرشید خلیفه عباسی فردی بنام ابراهیم بن اغلب به عنوان حاکم لیبی انتخاب شد که وی نوعی حکومت بودن وابستگی به بغداد را در لیبی بنیان نهاد. مسلمانان این کشور در هنگام نفوذ استعمار لیبی به مبارزه‌ای تمام عیار دست زده و عمر مختار از سرداران لیبی در استان شرقی رهبری قیام مردم را به عهده داشت که سرانجام دستگیر و به دار آویخته شد. در سال ۱۹۷۳م قذافی که فود را تابع جمال عبدالناصر معرفی می‌نمود با شعار نه شرقی و نه غربی به انقلاب فرهنگی دست زد تا از این طریق نظام حکومتی بر اساس تعلیمات قرآن را بنا نهاد و ایدئولوژی اسلامی را جایگزین سرمایه‌داری غرب و سوسیالیسم شرق کند اما قذافی در عمل گرچه رابطه با غرب را کنار گذاشت ولی با بلوک شرق و در راس آن با شوروی روابط حسنه‌ای را برقرار نمود. لیبی برای وحدت جهان عرب تلاشهایی بکار برد ولی بجایی نرسید و پس از آن تلاش سیاسی خود را در جهت حمایت از جنبشهای آزادی بخش جهان بویژه جنبش آزادی بخش فلسطین معطوف داشت و پس از امضای قرار داد کمپ دیوید توسط سادات، لیبی با توافق الجزایر، یمن جنوبی، سوریه و سازمان آزادی بخش فلسطین «جبهه پایداری اعراب را تشکیل داد. لیبی حمایت خود را از انقلاب اسلامی ایران اعلام نمود و با ایران بر روابط حسنه‌ای برقرار کرده و عراق را به خاطر جنگ تحمیلی محکوم نمود و روابط خود را با عراق محدود ساخت. یکی از مقامات سیاسی لیبی گفت: «ما به زودی ارتش اسلامی را جهت آزادسازی سرزمینهای اشغالی در فلسطین تشکیل خواهیم داد و انشاءالله ایران پیشگام برای تشکیل این سپاه خواهد بود.» کشور لیبی تا قبل از کشف نفت، جزو فقیرترین ملل جهان محسوب می‌گردید. نفت در سال ۱۹۵۹م در آن کشف شد که درآمد سرانه را از سال ۱۹۵۹م که ۳۵ دلار بود به ۲۵۰ دلار در سال ۱۹۶۱م رسانید. (۱۸) تولید نفت این کشور از ۱۸۰ هزار بشکه در سال ۱۹۶۲م به ۳/۳ میلیون بشکه در سال ۱۹۷۰م بالغ گردید. لیبی و سایر کشورهای عضو اوپک در اوایل دهه ۱۹۷۰م بدون واهمه از تهدید غرب و بدون توجه به مقاومت شدید کشورهای صنعتی بزرگ، موفق به افزایش قیمت نفت صادراتی شدند و تنها اقدام مهم غرب در مقابل این حرکت، آژانس بین‌المللی انرژی بود که در سال ۱۹۷۴م به پیشنهاد هنری کسینجر به منظور تنظیم قیمت نفت تاسیس شد. (۱۹) در طول دهه ۱۹۵۰م تعدادی صنایع کوچک با کمک سازمان ملل در لیبی احداث شد پس از افزایش درآمد لیبی توسط نفت، این کشور در جهت توسعه صنایع بزرگ و امور رفاهی و اجتماعی کوشید و صنایع ذوب آهن، پتروشیمی و آلومینیوم را بنیان نهاد. لیبی با کمبود کارشناس و متخصص بومی روبروست و از این لحاظ قریب به یک میلیون نفر کارگر و کارشناس خارجی در آن مشغول کارند. با وجود محدودیت اراضی حاصلخیز و اینکه صرفاً ۱/۵٪ زمین آن قابل کشت است در توسعه آبیاری و تقویت خاک کوشیده و توانسته در این مورد به موفقیت‌هایی دست یابد و هم اکنون بالاترین میزان نیروی کار کشور در بخش کشاورزی هستند. (۲۰) واحد پول آن دینار لیبی (LD) و برابر هزار درهم است. لیبی به دلیل تحریم شورای امنیت، هم اکنون در انزوای سیاسی و در حالتی از تحریم اقتصادی به سر می‌برد و حتی کشورهای عربی هم بدو پشت کرده و احساس می‌شود که این کشور اسلامی در محاق شدید سیاسی تبلیغاتی و حتی نظامی غرب قرار گرفته و مشکلات عدیده‌ای را برایش فراهم نموده‌اند.

پی‌نوشتها

۱- به قول قوام نکرومه ریشه‌های تمدن اروپائی را باید در مدنیت باستانی دره نیل جستجو نمود . ۲- تاریخ افریقا ، بزیل دیوید سن ص ۹۵ . ۳- imazighen- مغرب بزرگ - پل بالتا ترجمه دکتر عباس آگاهی . ۵- تاریخ جنگ‌های صلیبی ، مترجم عبدالله ناصری طاهری ص ۱۹ . ۶- بجز مراکش . ۷- Tindof- کشورهای عربی شمال افریقا و آسیای جنوب غربی در دهمین اجلاس خود رد تونس که در ۴ ژانویه ۱۹۹۳م تشکیل شد راههای مبارزه با گروههای اسلامی را بررسی کردند و طرح امنیتی ۵ ساله‌ای را برای سرکوبی نهضت‌های اصیل اسلامی تدارک دیدند (اطلاعات ۱۹۸۱) . ۹- پس از تعریض کانال در سال ۱۹۶۳م عرض آن به ۵۵ متر و عمقش به حداکثر ۱۲ متر رسید . ۱۰- رود نیل که ۶۴۰۰ کیلومتر طول دارد شامل دو شاخه نیل سفید و نیل آبی می‌باشد که نیل سفید از دریاچه ویکتوریا و نیل آبی از ارتفاعات اتیوپی منشا می‌گیرد و این دو شاخه در خارطوم مرکز سودان بهم می‌پیوندد . ۱۱- مادر حضرت اسماعیل (جد بزرگوار رسول اکرم(ص)) و مادر تنها فرزند پسرش یعنی ابراهیم ، از قبلیان بود . ۱۲- فاتح مصر عمرو عاص بود . ۱۳- مصر در سال ۲۵۴ قمری اولین سلسله مستقل حکام مسلمان را بخود دید که منسوب به غلامی بنام طولون بود . پسر وی حکومت طولونیان را در مصر بنیان نهاد . بعد از آن ، سلسله‌ای ایرانی بنام آل افشید در مصر حاکم شدند پس از آن حکومت مصر بدست فاطمیان افتاد . ۱۴- تاریخ شیعه علامه مظفر ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی ص ۲۵۵ تا ۲۸۲ . ۱۵- پیام انقلاب سال ششم ش ۱۴۹ - آشنائی با کشور مصر بخش دوم . ۱۶- گزارش شرکت در نخستین اجلاس کمیسیون مشترک جمهوری اسلامی ایران و لیبی (آذرماه ۱۳۶۷) تهیه کننده : احمد علی گنجی‌زاده زواره - تهران دفتر تثبیت‌شن و کویزائی - دیماه ۱۳۶۷ ، پلی کپی . ۱۷- مغرب بزرگ - پل بالتا (Balta paul) با همکاری کلودین رولو ، ترجمه عباس آگاهی تهران ، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی - ۱۳۷۰ ص ۳۵ و ۳۶ . ۱۸- مغز بزرگ پل بالتا ص ۳۷ . ۱۹- اوپک - دکتر امیر باقر مدنی ص ۵۴ .
Mohamadd El mehdawi the industrial ization of Lyba ۲۰- injohnclark Changeand
Developmentin Middleeast (New . york) ۱۹۸۱ . p . ۲۵۳

تونس

تونس یا سرزمین کارتاژ قدیم کوچکترین کشور شمال افریقا است که بین لیبی و الجزایر و در ساحل جنوبی مدیترانه قرار دارد و با ۱۶۳۳۱۰ کیلومتر مربع و ۸۲۰۲۰۰۰ نفر سکنه ، تراکم نسبی آن ۱/۵۰ نفر در کیلومتر مربع می‌باشد . ارتفاعات کرومیری در نواحی شمالی آن را غرب به شرق کشیده شده‌اند که آب و هوای این نقاط کوهستانی است . ناحیه ساحلی و جلگه‌ای شرقی که تا شهر قابس ادامه دارد ، از آب و هوای مدیترانه‌ای برخوردار می‌باشد . جلگه مرکزی تونس کوههای شمبی از نواحی شمالی جدا می‌شود . خلیج معروف این کشور در شمال شرقی آن قرار دارد . شهر قیروان نخستین شهر مقدس مغرب (افریقای شمالی) پس از گرایش به اسلام به شمار می‌رود که در این کشور واقع شده است . تونس نخستین سرزمین شمالی افریقا است که توسط فنیقی‌ها و رومی‌ها فتح شد و در قرن اول هجری مسلمانان آن را ضمیمه قلمرو خود نمودند . در سال ۴۳۸ ه . ق این کشور توسط مغز بن بادیس صنهاجی از حوزه حکومت فاطمیان جدا شد و پس از سه دهه جدایی ، سلجوقیان آن را فتح نمودند . در سال ۱۸۸۱م فرانسه به تونس مسلط شد تا اینکه بدنبال مبارزات مردم در سال ۱۹۵۶م فرانسه ناگزیر شد به استقلال تونس تن در دهد . با این حال تونس بعد از استقلال ، حافظ منافع غرب شد و با دول اروپائی و بویژه فرانسه روابط سیاسی - فرهنگی و تجاری برقرار نمود . و تونسی که در طول قرون و اعصار ، مرکز تشکیلات اسلامی بود و به عنوان پایگاهی برای تهاجم به اروپا توسط مسلمین درآمده بود اکنون حالت وارونه‌ای یافته و ابر تیره ستم و باتلاق فساد در آن دیده می‌شود . هفته‌نامه ژون آفریک چاپ پاریس می‌نویسد : «دولت

تونس، فضای آزادی غربی را در کشورش ایجاد کرده که در دیگر کشورهای غربی به ندرت دیده می‌شود. سینماها هر چیزی را به نمایش می‌گذارند، کانال دو تلویزیون فرانسه از طریق شبکه سراسری تونس پخش می‌شود، کتابفروشی‌ها مملو از روزنامه‌ها و کتب غربی است. در تونس می‌توان مثل غربی‌ها تا دیروقت در بیرون از خانه بود و رقص و پایکوبی نمود و الکل خورد، با خارجی ملاقات کرده و یا اینکه بدون ترس و واژه فیلمهای ضد اخلاقی تماشا نمود! حبیب بورقبه که از زمان استقلال تونس و استقلال تونس و از سال ۱۹۵۷م در تونس حکومت می‌کرد در اکتبر ۱۹۸۷م بدون خونریزی کنار رفت و زین العابدین بن علی اوضاع را بدست گرفت. ۷۵٪ مردم تونس به امور کشاورزی و ماهیگیری اشتغال دارند. گندم، جو، زیتون، مرکبات، انگور و سبزیجات مهمترین محصولات زراعی آن است. فسفات ذخیره مهم معدنی این کشور می‌باشد. ۵۰٪ نفت استخراجی آن به خارج از کشور صادر می‌شود. از منابع مهم درآمد تونس جهانگردی است. اکثریت نژادی آن عرب و بقیه بربر و اروپائی‌اند. زبان و خط رسمی عربی است ولی زبان فرانسه هم در تونس رواج دارد. ۹۸٪ مردم، مسلمان و اغلب پیرو مذهب تسنن هستند. ۶۱٪ شهرنشین بوده و میزان بیسوادی بالای ۱۵ سال، طبق آمار سال ۱۹۸۵م، ۸/۴۵٪ است. در پایان سال ۱۹۸۸م این کشور ۶۶۷۲ میلیون دلار بدهی داشته است. از ۶/۹ میلیارد دلار تولید ناخالص ملی ۴/۱۴٪ به کشاورزی، ۱/۳۳٪ به صنعت و ۴/۵۳٪ به خدمات اختصاص داشته است. ۳/۶٪ تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۸۶ صرف امور آموزشی و تعلیم و تربیت می‌شده است. (۱)

جمهوری الجزایر

الجزایر به عنوان وسیعترین کشور شمال افریقا و دومین کشور افریقا با ۲۳۸۱۷۴۱ کیلومتر مربع وسعت در جنوب مدیترانه و در غرب لیبی و تونس قرار دارد. نواحی ساحلی آن دارای آب و هوای مدیترانه‌ای است. ارتفاع مهم آن کوههای اطلس می‌باشد. فلات مرکزی آن که از دریاچه‌ها و مرداب‌های نمک پوشیده شده، آب و هوای گرم و خشک دارد. بیش از دو میلیون کیلومتر مربع آن را، صحرا تشکیل می‌دهد. الشلیف طولانی‌ترین رودخانه آن است. ۲۴۷۳۵۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۵۲٪ آن زندگی شهری دارند. درصد رشد سالانه ۷/۲ نفر در کیلومتر مربع می‌باشد. بیشترین تراکم جمعیت در ناحیه القبائل و برابر ۲۵۰ نفر ولی در نقاط بیابانی جنوبی کمتر از یک نفر در کیلومتر مربع است. اعراب و بربرهایی که با آنها آمیخته شده‌اند ۷۵٪ سکنه الجزایر را تشکیل می‌دهند. دومین گروه نژادی الجزایر، بربرها هستند. زبان رسمی عربی است که متجاوز از ۸۰٪ بدان تکلم می‌کنند. زبان فرانسوی و بربری هم رواج دارد، ۹۹٪ مسلمانند و مذهب اغلب آنان تسنن و پیرو فقه مالکی می‌باشند. اقلیت مهم مسلمانان، اباطیه (بازماندگان خوارج) هستند. کشور الجزایر در اواسط قرن اول هجری به تصرف قوای اسلام درآمد و در قرن ۱۶ میلادی جزو قلمرو دولت عثمانی بود، الجزایر از سال ۱۸۳۰م تا ۱۹۶۲م به مدت ۱۳۲ سال زیر سلطه فرانسه قرار گرفت که با مقاومت و مبارزات مسلمانان و تکیه بر اسلام و تقدیم یک میلیون شهید، استقلال خود را بدست آورد. کشور الجزایر که به انحاء گوناگون حقارت ناشی از سلطه استعماری را تجربه نمود ولی از فرهنگ استعماری مصون نماند و این فرهنگ در کشور مزبور ریشه دواند و با وجود تلخی دوران استعمار، به لحاظ مسائل سیاسی و اقتصادی با فرانسه روابط گسترده‌ای را در ابعاد گوناگون برقرار نمود. البته احمد بن بلا وقتی پس از استقلال روی کار آمد با شوروی رابطه برقرار کرد و در ساحل مدیترانه یک پایگاه دریائی به شوروی داده شد. نیروهای مسلح الجزایر نیز توسط شوروی تجهیز شده و تعلیم می‌یافتند و در ازای آن محصول انگور الجزایر تقدیم شوروی می‌گردید. هواری بومدین که در مصدر قدرت قرار گرفت ارتباط با شوروی را حفظ نمود و در دهه سالهای ۱۹۸۰م شوروی تامین کننده جنگ افزارهای نظامی الجزایر بود ولی فضای روابط به گرمی سابق نبود و بومدین از اعطای پایگاه اوران - که شوروی بسیار طالب آن بود - به این کشور اجتناب نمود. نداشتن پایگاه صنعتی، تکیه بر کشاورزی، اقتصاد تک محصولی و رشد جمعیت بالا این کشور را درمخاطبه و بحران شدید قرار داد که ارمغان آن فقر و بیکاری و تورم بالا بود از اینجهت به غرب روی آورد تا شاید

زخمش را التیام دهد اما نه تنها این زخم التیام نیافت بلکه دچار عفونتی شد که درمان آن دشواری توأم گردید. کاهش قیمت انرژی به دلیل وابستگی این کشور به نفت و گاز نقش خود را در پرداخت‌ها نشان داد و در سال ۱۹۸۸م که دولت می‌خواست طرح لغو سوبسید نان را به اجرا گذارد به شورشهای خیابانی منجر شد و دولت‌شاذلی بن جدید در آغاز به سرکوبی آنان پرداخت اما در سال ۱۹۸۹م با اصلاح در قانون اساسی، دموکراسی چند حزبی را بوجود آورد. زمینهای حاصلخیز الجزایر در نواحی ساحلی واقع است و ۴۰٪ نیروی کار آن در بخش کشاورزی مشغول کارند. محصولات زراعی آن غلات، خرما، انگور، انجیر و زیتون است. استخراج نفت در الجزایر از سال ۱۹۵۸م یعنی در عصر استعمار آغاز شد. این کشور علاوه بر نفت دارای ذخائر عظیم گاز هم می‌باشد. در صنایع بیشتر بر تولید آهن و فولاد و پتروشیمی تاکید دارد. تولید ناخالص داخلی آن در سال ۱۹۸۸م به ۲۵/۵۸ میلیارد رسید که ۴/۱۲٪ به بخش کشاورزی، ۴/۴۶٪ به بخش صنعت و ۱/۱۴٪ به بخش خدمات اختصاص داشت. نرخ تورم در این کشور بین ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸م حدود ۸٪ بوده است. الجزایر که روزی نوید ژاپن آفریقا را سر می‌داد با مشکلات عدیده اقتصادی روبرو گردید و بدهی خارجی آن در پایان سال ۱۹۸۸م به ۲۴۸۵۰ میلیارد دلار رسید. یکی از تاسف‌بارترین مسائل الجزایر این است که محصولات انگور آن که با تلاش کشاورزان مؤمن و معتقد، به عمل می‌آید به شراب تبدیل شده و این محصول بعد از نفت بزرگترین ارقام صادراتی آن را تشکیل می‌دهد. [!] ۴۶٪ افراد بالای ۱۵ سال بیسوادند (۱۹۹۰م) و دولت ۸/۹٪ تولید ناخالص ملی را به آموزش و پرورش اختصاص داده اس. با وجود آنکه بر تدریس و کاربرد زبان عربی، قانون اساسی، تاکید نموده اما در مدارس از زبان فرانسه استفاده می‌شود. این کشور جزو کشورهای عدم تعهد، جبهه پایداری اعراب و سازمان اوپک می‌باشد. الجزایر در جنگ ایران و عراق برای صلح تلاش زیادی کرد و حتی وزیر امور خارجه این کشور در این راه جان خود را از دست داد. (۲) پایتخت الجزایر، بندر الجزیره است که در ساحل دریای مدیترانه قرار دارد و از شهرهای مهم آن عین الصالح و بندر قسنطینه و اوران را می‌توان نام برد.

مراکش (مغرب) (۳)

کشور مراکش که حکومت مشروطه سلطنتی دارد با ۴۵۸۷۳۰ کیلومتر مربع وسعت در ساحل شرقی اقیانوس اطلس و ساحل جنوبی دریای مدیترانه، غرب الجزیره و در شمال غربی آفریقا قرار دارد. نزدیکترین کشور آفریقائی به اروپای جنوبی، مراکش است و ارتباط آن با اروپا از طرزق جبل الطارق انجام می‌گیرد. اراضی بیابانی آن در نواحی شرقی بوده و کوههای اطلس در شمال غربی آن قرار دارند. در سواحل شمالی آب و هوای مدیترانه‌ای و در ساحل غربی آب و هوای اقیانوسی حاکم است. ارتفاعات مرکزی موجب اعتدال آب و هوای این نقاط می‌شود. مراکش ۲۴۸۲۴۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۴۶٪ آن در نقاط شهری و بقیه در روستاها سکونت دارند. رشد جمعیت ۸/۲٪ و تراکم نسبی ۱/۵۴ نفر در کیلومتر مربع است. ۶۵٪ مردم از نژاد سامی (عرب)، ۳۴٪ برابر و ۱٪ بقیه از نژاد سفید اروپائی هستند. زبان اداری و بازرگانی مراکش فرانسوی است ولی قبایل، به زبان بربری سخن می‌گویند. ۹۹٪ مردم مسلمان و سنی مذهبند. مغرب (مراکش) در ادوار باستانی بخشی از امپراطوری کارتاژ بود که شمال آفریقا خلیج سرت در لیبی تا اقیانوس اطلس) حکومت می‌کرد. در سال ۱۴۶ قبل از میلاد بدست رومیان افتاد که در آن زمان جزو موریتانی بود و حکومت اروپائیان تا رن هفتم میلادی (قرن اول هجری) بر آن ادامه یافت. در اواخر قرن اول هجری، مسلمانان پس از درگیری با اروپائیان و بربرها این ناحیه را جزو قلمرو خود نمودند و دین اسلام و زبان عربی در آن رواج یافت. در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی قوای اسپانیائی و پرتغالی بنادر مراکش را تصرف کردند. در قرن شانزدهم حکومت محلی شریفهای علوی مراکش، تابع دولت عثمانی شد ولی در قرن هفدهم اروپائیان بر آن دست‌یافتند. از سال ۱۹۱۲م مغرب میان فرانسه و اسپانیان تقسیم شد و استعمار این سرزمین آغاز گردید. مردم مسلمان بخصوص قبائل در نقاط کوهستانی، قیامهایی را بر علیه متجاوزین ترتیب دادند که عبد الکریم

ریفی رهبری آنها را به عهده داشت. اسپانیایی‌ها در سال ۱۹۱۵م وی را زندانی نمودند ولی پس از ۱۱ ماه آزاد شد. در پایان جنگ اول اسپانیا به سرکوبی شدید و کشتار مردم قبایل ریف پرداخت اما با ادامه قیام مردمان ریفی در سال ۱۹۲۱م در ناحیه ریف، نظام جمهوری به رهبری عبد الکریم ریفی برقرار شد و رفته رفته قلمرو جمهوری مذکور به ۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ گردید. قوای فرانسه از اوائل سال ۱۹۲۴م برای جلوگیری از گسترش انقلاب، به خاک ریف حمله کردند و سرانجام در سال ۱۹۲۶م جمهوری ریف را ساقط کردند. و عبد الکریم ریفی را به جزیره رئونیون در اقیانوس هند تبعید کردند، وی در بین راه گریخت و به مصر پناهنده شد. در سال ۱۹۳۸م از سوی شاه مراکش، عبد الکریم ریفی لقب قهرمان ملی گرفت، سرانجام مراکش در سال ۱۰۵۶م استقلال خود را بدست آورد و پس از استقلال حسن دوم، پادشاه مراکش شد. (۴) ثروت اصلی آن فسفات است که از این لحاظ نسختین صادر کننده جهانی است. تنزل شدید قیمت فسفات کسری موازنه آن را به ۱۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰م رسانید. بهای آن که ۶۸ دلار در سال ۱۹۷۵ میلادی بود به ۳۰ دلار در سال ۱۹۸۹ میلادی رسید و بدهی آن را به ۱۷ میلیارد دلار افزایش داد. خشکسالی‌ها این چالش اقتصادی را افزون کرد. جنگ با صحرا، نفرت ارتش را دو برابر نمود و ۴۵٪ بودجه سرمایه گذاریها به هزینه نظامی اختصاص یافت. بحران مزبور منجر به آن شد که رژیم، سوبسیدها را قطع کرده و به کاهش دستمزدها پردازد که در سال ۱۹۹۰م با شورش شهر فارس مواجه شد. قریب به ۳۰٪ سکنه مراکش زیر خط فقر قرار دارند (۵) و نرخ رشد جمعیت که هر روز در حال افزایش است هزینه‌های بیشتری را برای ارائه خدمات بهداشتی - رفاهی و اجتماعی می‌طلبد. ۶۷٪ مردم بیسواند که بالاترین رقم در آفریقای شمالی است. تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۸۸م ۸۳/۱۷ میلیارد دلار بوده که ۶/۱۸٪ به کشاورزی، ۳۱٪ به صنعت و ۴/۵۰٪ به خدمات اختصاصی داشته است. نرخ تورم در این کشور به ۸٪ بالغ می‌گردد. مراکش از ۳۰ استان و دو ناحیه شهری تشکیل شده و مرکز حکومت آن بندر رباط است که در کنار اقیانوس اطلس می‌باشد. فاس و کازابلانکا از شهرهای مهم آن می‌باشد. در کازابلانکا مسجدی است که ظرفیت ۸۰۰۰۰ نفر نمازگزار را دارد و یکی از وسیع ترین مساجد جهان اسلام است.

ب - آفریقای شرقی

آفریقای شرقی

آفریقای شرقی به لحاظ چهره طبیعی ناهموارتر از سایر نقاط این قاره است. حرکات زمین ساختی و تکنونیک، (۶) شکاف‌ها، گسل‌ها و دره شکستگی‌هایی را موجب شده که برخی از آنها به پیدایش دره‌های عمیق و دریاچه‌ها و نیز بوجود آمدن آبشار در مسیر رودها منجر شده‌اند. از این لحاظ است که اغلب دریاچه‌های آفریقا در این بخش واقعند. دریاچه ویکتوریا در مرز بین کنیا، اوگاندا و تانزانیا و همچنین دریاچه‌های مالاوی و تانگانیکا (۷) در آفریقای شرقی قرار دارند. رودخانه نیل یکی از بزرگترین شریانهای حیاتی جهان در آفریقای شرقی و شمال شرق یوآقع است که منشا آن ارتفاعات اتیوپی (نیل آبی) و دریاچه ویکتوریا (نیل سفید) (۸) می‌باشد و طول آن به ۶۴۰۰ کیلومتر بالغ می‌گردد. رود زامبزی (۹) به طول ۲۵۷۶ کیلومتر به اقیانوس هند می‌ریزد. قله کلیمانجارو (۱۰) با ۵۸۹۵ متر بلندی، مرتفعترین ناحیه آفریقا است که آتش فشان خاموش می‌باشد. قله کنیا (۲۱) با ۵۲۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا در این بخش از آفریقا واقع است. با وجود عبور خط استوا، آب و هوای آن منطقه خشکتر از آب و هوای آفریقای غربی می‌باشد و قله آن به سبب ارتفاع زیاد در برخی اوقات سال - با وجود عبور خط استوا - پوشیده از برفند. این منطقه بدلیل ارتباط فرهنگی - اقتصادی با آسیا و بخصوص مردمان هند و آسیای جنوب غربی، ترکیب جمعیتی نامتجانسی دارد و علاوه بر آفریقایی‌ها، مهاجرین هندی، عربی و ایرانی در آن زندگی می‌کنند و فرهنگ آن از سنن آسیائی تاثیر پذیرفته است. از بررسیهای

تاریخی و کاوشهای باستان‌شناسی بر می‌آید که افریقای شرقی بازرگانی داشته است. با نشر اسلام، دریانوردان مسلمان، این آیین را به افریقای شرقی بردند و شالوده‌های نوعی تمدن اسلامی را در این ناحیه پی افکندند. بعدها در قرن پانزدهم، پرتغالی‌ها بر این نقاط راه یافتند. یکی از نژادهای افریقای شرقی مردمان سواحیلی (۱۲) است که از قرون گذشته با عربها و آسیائی‌ها در تماس بوده‌اند. فرهنگ آنان از اسلام تاثیر پذیرفته و زبان سواحیلی دارند که مهمترین زبان افریقای شرقی است. شهرهای تاریخی و بندری کیلوا، مومباسا و باگامویورا این مردم بنا نهاده‌اند. گروه دیگر نژاد این ناحیه، زنگیان هستند که در سواحل شرقی و زنگبار سکونت دارند. در قرون اولیه اسلامی تعداد زیادی از آنان به بین‌النهرین سفلی رفته تا در آجا به احیا نمودن اراضی شوره زار پردازند. اینان چندین بار بر علیه عباسیان قیام کردند که مشهورترین آنها به سرکردگی صاحب‌الزنج روی داد. وی در سال ۲۷۰ق به قتل رسید و شورشیان به شدت سرکوب شدند. (۱۳) (۱۵۲۴-۱۴۶۹م) نخستین اروپائی بود که به ساحل شرقی افریقا و مناطقی (۱۴) که اکنون کنیا و موزامبیک نام دارد، رسید. واحدهای سیاسی افریقای شرقی عبارتند از اتیوپی، جیبوتی، سومالی، کنیا و تانزانیا که مجموعاً بیش از ۳۴۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و متجاوز از ۹۷ میلیون نفر سکنه دارند. پر وسعتترین و پر جمعیتترین آنها اتیوپی می‌باشد و جیبوتی کمترین وسعت و کمترین سکنه را دارد. قریب به ۴۰ میلیون سکنه این کشورها مسلمان هستند و غیر از کنیا در بقیه نواحی، اکثریت با مسلمانان است.

اتیوپی

اتیوپی کشوری است کوهستانی که در منطقه استوایی افریقا قرار دارد و وسعت آن به ۱۲۲۳۰۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ می‌گردد. مجمع‌الجزایر داهلاش (۱۵) که در دریای سرخ واقع است به این کشور اختصاص دارد. اتیوپی در منطقه استراتژیک شاخ افریقا (۱۶) و در غرب دریای احمر و گلوگاه سوق الجیشی باب‌المنذب بین سومالی و سودان قرار گرفته است. نواحی کوهستانی آن آب و هوای معتدل و نواحی پست و جلگه‌ای، آب و هوای گرم و مرطوب استوایی دارد. دریاچه‌های مارگریتا (در جنوب) و رودلف در جنوب غربی آن هستند. اتیوپی ۴۹۶۲۰۰۰۰ نفر سکنه دراد که صرفاً ۱۱٪ در نقاط شهری سکونت دارند. رشد سالانه جمعیت ۹/۲٪ و تراکم نسبی آن بیش از ۴۰ نفر در کیلومتر مربع می‌باشد. ۹۰ فرقه و گروه نژادی با گرایشهای فرهنگی و مذاهب گوناگون در ای کشور زندگی می‌کنند که مهمترین آنها گالا، امهر و تیگره هستند، این اقوام ۱۵ زبان دارند. زبا رسمی امهری است ولی زبان عربی و انگلیسی هم رواج دارد بیش از نیمی از سکنه اتیوپی مسلمان هستند ولی رژیم حاکم بر آن سعی دارد تعداد آنها را کمتر از میزان واقعی قلمداد نماید. بزرگترین اقلیت، مسیحی‌ها هستند که در امور اداری سیاسی و نظامی نفوذ قوی داشته و نظام حکومتی را اداره می‌کنند. اتیوپی زمانی از ممالک قدرتمند دنیا بود؛ یونانیان آن را اتیوپی نامیده و مسلمانان، حبشه را برایش برگزیدند. تاریخ استقلال آن از زمان تاسیس امپراطور توسط منلیک فرزند سلیمان می‌شود. در سال ۱۸۹۶م، اتیوپی موفق شد ایتالیائی‌ها را شکست دهد. در سال ۱۹۳۰م پس از درگیریهای، هایلاسلاسی روی کار آمد و اولیت قانون اساسی را تدوین نمود. در سال ۱۹۳۵م ایتالیا مجدداً این کشور را اشغال کرد اما با شکست در جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۱م اتیوپی و سایر کشورهای افریقای شرقی را تخلیه نمود. در سال ۱۹۵۲م طبق یک تقسیم مغرضانه، قرار شد اریتره به عنوان سرزمین خودمختار به اتیوپی ضمیمه شود و در همین زمان بود که هایلاسلاسی آن را به تصرف خود درآورد. مسلمانان در زمان هایلاسلاسی در شرایط سخت مرارت باری می‌زیستند که یادآور دوران قرون وسطایی بود. در سال ۱۹۷۵م با مرگ این دیکتاتور، هرج و مرجی در کشور ایجاد شد و سرانجام دو سال بعد پس از کودتای نظامی توسط افسران مارکسیست ژنرال منگستیوهایله ماریام قدرت را در دست گرفت و با کشورهای کمونیستی و سوسیالیستی رابطه ایجاد کرد. در این دوران نیز مسلمانان تحت فشار چپ‌گرایان بودند. این رژیم از یک سو درگیر جنگ داخلی با جبهه آزادی بخش اریتره و جبهه آزادی بخش خلق تیگره قرار گرفت. از طرف دیگر در سال

۱۹۷۸م طی جنگی ۸ ماهه سومالی حاکمیت خود را بر ناحیه غربی سومالی که اوگادن نام دارد تثبیت نمود. البته این جنگ به دستور هایلاسلاسی شروع شده بود و جانشین کمونیست وی، آن را ادامه داد. این جنگ موجب آواره شدن ۲ میلیون نفر گردید. که به عنوان پناهنده به سومالی سرازیر شدند. بعد از جنگ نیز اتیوپی سیاست قوم کشی سومالی زبانان اوگادن را ادامه داد. چون قوای اتیوپی و طرفداران کوبایی از شکست جبهه آزادی بخش سومالی غربی (اوگادن) عاجز شدند، تصمیم گرفتند از طریق مباران، کشتار افراد غیر نظامی، تخریب روستاها، تجاوز به زنان، مسموم نمودن منابع آب و نابودی دامها آن را از سکنه ۵ میلیونی خالی کنند. (۱۷) این حرکت فاجعه دردناکی را برای کشور کوچک جیوتی بوجود آورد زیرا حدود ۳۰۰۰۰ پناهنده مسلمان که از نژاد عفار (۱۸) و اروموس (۱۹) هستند برای فرار از اعمال سرکوبگرانه دولت اتیوپی به این کشور پناهنده شدند. این کشور نیز از تعرض همسایه بزرگ خود یعنی اتیوپی مصون نیست و عده‌ای از هواخواهان اتیوپی در حکومت آن نفوذ نموده‌اند. (۲۰) ژنرال منگستیوهایله ماریام در ۲۱ مه ۱۹۹۱م سقوط نمود و مجلس زناوی به عنوان رئیس جمهور به جای وی، روی کار آمد و وی که گرایش به اسرائیل دارد مسلمانان را در شرایط وخیمی قرار داده و به سرکوبی و کشتار و شکنجه آنان می‌پردازد. (۲۱) اتیوپی از جمله کشورهای فقیر دنیاست. از ۶۵٪ اراضی آن، ۱۰٪ به زیر کشت می‌رود. محصولات زراعی آن گندم، جو، قهوه، پنبه، و سیب‌زمینی است و به لحاظ دامپروری نیز اهمیت دارد اما صنعت در آن توسعه نیافته و منحصر به صنایع نساجی و سیمان می‌باشد. منابع معدنی آن طلا، طلائی سفید، منگنز و نیکل است. اتیوپی بدلیل خشک سالی و قحطی، اقتصاد عقب افتاده‌ای داشته و بدهی زیادی دارد. مشکل نیم میلیون سرباز آزاد شده از خدمت، مهاجرت شدید روستائیان بدلیل خشکسالی، جنگهای ق. می و قبيله، مشکل مربوط به سرمایه‌گذاری و سیستم پولی، توقیف برخی صنایع بدلیل کمبود وسایل یدکی و مواد اولیه، از دست دادن بندر عصب و اختیار گرفتن آن توسط دولت موقت اریتره از جمله نابسامانی‌های اتیوپی است. در سال ۱۹۸۵م بر اثر خشکسالی، ۲۰۰۰۰۰ نفر در اتیوپی هلاک شدند و هم اکنون ۸ میلیون نفر در این کشور با خطر گرسنگی مواجه‌اند. (۲۲) می‌باشد و از ۱۴ استان تشکیل شده که زیر نظر (۲۳) حکومت مرکزی اداره می‌شود.

سرزمین مسلمان‌نشین اریتره

اریتره با ۱۱۷۶۰۰ کیلومتر مربع وسعت در شمال اتیوپی و در غرب دریای سرخ قرار دارد با سودان در شمال و غرب، مرز مشترک دارد. سواحل اریتره در منابع اسلامی ایالت باضع یا سرزمین طراز اسلامی خوانده می‌شد. اروپاییانی که برای اولین بار در آغاز قرن شانزدهم به سرزمین اریتره پا نهاده‌اند می‌گویند اریتره کشور مستقلی بود که شخصی بنام بهاری ینجاسی (امیر دریا) آن را اداره می‌کرد و مدام در حال جنگ با همسایه‌اش اتیوپی بود. یک نقشه پرتغالی که تاریخ آن به ۱۶۰۰ میلادی باز می‌گردد، اریتره را با مرز فعلی‌اش نشان می‌دهد. جی بروس کاشف اسکاتلندی در سال ۱۷۷۰م گفته است که خط مرزی میان مدار بحری و اتیوپی با رودخانه پلیسا مشخص می‌شود. این رودخانه هم اکنون در امتداد مرز فعلی اریتره واقع است. اریتره تا سال ۱۵۲۷م مستقل بود و بر اساس یک امپراطوری اداره می‌شد. اولین کشور استعماری که به آن آمد پرتغال بود که در سال ۱۵۲۰م بندر مساوه را به تصرف خود درآورد که تا سال ۱۵۵۷م آن را تصرف داشت پس از آن دولت عثمانی ۳ قرن بر آن حکومت نمود که در این مدت آئین اسلام در میان اقوام اریتره گسترش یافت. در سال ۱۸۷۰م اریتره توسط مصر فتح شد. در سال ۱۸۸۵م ایتالیا ساحل اریتره را به تصرف خود درآورد و تا پایان جنگ دوم که شکست خورد به استعمار و غارت آن پرداخت. مصر نیز طبق یک موافقتنامه فرمایشی اریتره را به ایتالیا واگذار نمود. اریتره‌ای‌ها با کمال شجاعت به دفاع از استقلال خود برخاستند و طی نبردهایی، تلفات شدید متوجه مهاجمین ایتالیائی نمودند و سرانجام قیام آنان با امضای قرارداد مودت و همکاری میان ایتالیا و امپراطور منلیگ امپراطور وقت اتیوپی فروکش نمود اما استعمار این سرزمین توسط ایتالیا ادامه یافت در سال ۱۹۴۱م قوای متفقین وارد خاک اریتره شده و چون

نتوانستند در مورد تصاحب آن به توافق برسند لاجرم موضوع آن را به سازمان ملل ارجاع دادند. این سازمان هم طی قطعنامه ۳۹۰ بدون در نظر گرفتن تمایلات مردم اریتره و برخلاف خواست مشروع ملت، مجوز الحاق این سرزمین را به اتیوپی صادر کرد (۲۴) و هایلاسلاسی هم آن را به تصرف درآورد. اریتره به منظور ۱۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک با دریای سرخ و داشتن دو بندر حیاتی مساوه (۲۵) و عصب (۲۶) و ذخائر و منابع معدنی فراوان برای اتیوپی اهمیت زیادی دارد و لذا هایلاسلاسی گفته بود: «ما خواهان سرزمین اریتره هستیم نه مردم آن و در ۱۵ نوامبر ۱۹۶۲م رادیو آدیس آبابا اعلام کرد که: «اریتره از این پس به عنوان استان چهاردهم امپراطوری اتیوپی به شمار خواهد آمد» پس از مبارزه مسلحانه مردم مسلمان اریتره برای آزادی سرزمین خود از یوغ اتیوپی آغاز شد البته جبهه آزادی بخش اریتره (E . L . f) در دسامبر ۱۹۶۰م تشکیل شده بود. در سال ۱۹۷۴م گرچه هایلاسلاسی سقوط کرد و هایله ماریام طرفدار شوروی روی کار آمد اما سلطه اتیوپی بر اریتره نه تنها ادامه یافت بلکه رژیم جدید بر حملات خود علیه مبارزین مسلمان شدت بخشید و هایله ماریا اعلام کرد: «همان طور که برای نابودی ماهی‌های دریا باید تمام آب دریا را تخلیه کرد برای از بین بردن انقلاب اریتره باید قسمت اعظم این ملت را از بین ببریم و پس از آن ۱۵۰۰ روستا را به آتش کشیده و بیش از ۸۰۰۰۰ غیر نظامی را به قتل رسانند و ۳۰۰ هزار گاو و شتر را از بین بردند. این تهاجم وحشیانه موجب متواری شدن عده‌ای از ساکنان اریتره شد که حدود یک میلیون نفر آواره اتیوپی و بقیه راهی سودان شدند. (۲۸) با این وجود، مبارزین در سالهای ۱۹۷۵م تا ۱۹۷۷م موفق شدند تمام شهرهای اریتره بجز بنادر عصب، مساوه و شهر اسمره را آزاد کنند اما در سال ۱۹۷۸م نیروهای نظامی اتیوپی با حمله از سه محور نقاط مزبور را به تصرف درآوردند و مبارزین ناگزیر به روستاها عقب‌نشینی کردند. (۲۹) در سالهای اخیر ارتش آزادی بخش اریتره به همت مسلمانان موفق شد بندر استراتژیک مساوه (واقع در کنار دریای سرخ) را تصرف نموده و با قطع جاده‌های تدارکاتی - نظامی، نیروهای دولتی اتیوپی ناچار به عقب‌نشینی شدند. اریتره بخاطر بمبارانهای شدید بیمارستانها، اردوگاههای آوارگان و تدارکات پشت جبهه را در خاک را در خاک سودان قرار داد و حتی امکانات خود را از راه خشکی از طریق سودان دریافت می‌نمود که با توافق جعفر نمیری رئیس وقت سودان با ماریام این کمک‌ها قطع گردید. (۳۰) اریتره ۵ میلیون نفر سکنه دارد که ۸۰٪ آن مسلمان، ۱۵٪ مسیحی و ۵٪ بت پرست هستند. مسلمین به زبان عربی تکلم می‌کنند. بت پرستان زبان محلی دارند و بین مسیحیان زبان تیگره رواج دارد مسلمانان غالباً در دشتهای شرقی و غربی سکونت دارند ولی مسیحیان در نقاط مرتفع و فلاتها زندگی می‌کنند. ۷۸٪ مردم اریتره در روستاها هستند که به کشاورزی مشغولند. بقیه در شهرها می‌باشند. اساس فعالیتهای اقتصادی اریتره بر کشاورزی و دامداری استوار است. کشاورزی غنی داشته موز و سایر میوه‌های فصلی و انواع سبزی از محصولات زراعی آن می‌باشد. ثروت دامی اریتره که شامل گاو و گوسفند و شتر است، به ده میلیون راس بالغ می‌گردد. مهمترین منابع معدنی آن عبارتند از: طلا، نیکل، آهن، مس، منگنز، کبالت، نقره، آلومینیوم، پتاسیم، و نفت. در سال ۱۹۷۳م هایلاسلاسی امتیاز بهره‌برداری از معادن اریتره را به ۱۸ کمپانی بزرگ خارجی داده بود که مسلمانان با مبارزه‌ای مستمر اجازه غارت منابع سرزمین خود را به آنان ندادند. تنها پالایشگاه آن در بندر عصب استقرار یافته. و کارخانه‌های کمپوت‌سازی و تولید سیمان در سایر شهرها بویژه اسمره (مرکز آن) می‌باشد. (۳۱)

پی‌نوشتها

- ۱- مغرب بزرگ پل بالتا ص ۵۷ و ۵۸. ۲- اوپک و اثرات تخریبی و تطبیق قیمت نفت - دکتر امیر باقر مدنی ص ۱۰۵ و ۱۱۳. ۳- ناحیه مغرب شامل جزیره بزگی است که مسلمانان آن را در قدیم مغرب الاقصی می‌نامیدند و به سه کشور مراکش، الجزایر و تونس تقسیم می‌شد بعضی هم شمال افریقا را مغرب می‌گویند، هم اکنون مراکش به مغرب هم موسوم است. ۴- گیئاشناسی کشورها - محمود محبوب - فرامرز یآوری - تهران گیئاشناسی ۱۳۶۲، صفحات ۳۲۰ و ۳۲۱. ۵- فاصله بین دستمزدها در این

کشور بسیار بالاست و کمترین دستمزد آن ۳۹۱ درهم است که پائین ترین سطح درآمد در جهان است و بالاترین درآمد برای یک مدیر کل در این کشور ۳۰۰۰۰ درهم می باشد. ۹- Zambezi ۸- white Nile ۷- tanganyika ۶- tectonic ۱۳- ۱۲- swahili ۱۱- kenya ۱۰- kilimanjaro- دائرة المعارف فارسی دکتر غلامحسین مصاحب ذیل زنگی. ۱۶- ۱۵- Dahlach ۱۴- Vascodagama- شاخ افریقا قسمتی از افریقای شرقی است که شامل کشورهای اتیوپی، سومالی و جیبوتی می شود. این ناحیه به صورت یک برآمدگی است که بخشی از شرق افریقا را همچون شبه جزیره داخل خلیج عدن و اقیانوس هند گردانیده است و اهمیت استراتژیک آن بقدری است که سه دولت ایتالیا، فرانسه و بریتانیا برای تسلط به باب المندب، خلیج عدن، اقیانوس هند و شرق افریقا با هم در رقابت بودند هم اکنون نیز این ناحیه از موقع مهمی برخوردار است. ۱۷- اقلیت های مسلمان در جهان، مجموعه مقالات ترجمه ایرج کرمانی ص ۲۳۴. ۲۰- ۱۹- oromos ۱۸- Afar- نگاهی به اوضاع مسلمانان بنگلادش، اتیوپی و شوروی ترجمه حمید شیخی - مجله مشکوه ش ۲۱ زمستان ۱۳۶۷. ۲۱- کیهان ش ۱۴۲۳۲. ۲۲- اتیوپی یک سال پس از سقوط هایله مازیام - کیهان ۱۴۵۲۰. ۲۴- ۲۳- Adis Abeba- سازمان ملل اتحاد فدرالی اریتره با اتیوپی را تصویب کرده بود که هایلاسلاسی بطور یکجانبه آن را ندیده گرفت و سرزمین اریتره را یک ایالت اتیوپی خواند. ۲۵- Massaouah- (مساوه یا مصوع) ۲۸- ۲۷- Eritrea ۲۶- Assob- اقلیتهای مسلمان در جهان، ترجمه ایرج کرمانی ص ۲۳۶. ۲۹- جنبشهای آزادیبخش ص ۱۵۹. ۳۰- پیام انقلاب ش ۵۴، ۲۹ اسفند ۱۳۶۰. ۳۱- مردم اریتره در آوریل ۱۹۹۳م با ۸/۹۹٪ آراء تحت نظارت سازمان ملل متحد به استقلال سرزمین خود رای مثبت دادند و اتیوپی و چند کشور دیگر از جمله جمهوری اسلامی ایران استقلال آن را به رسمیت شناختند.

جمهوری سومالی

کشور سومالی بیشترین قسمت شاخ افریقا را بخود اختصاص داده و با ۶۳۷۶۵۷ کیلومتر مربع در کناره غربی اقیانوس هند، جنوب خلیج عدن و شرق اتیوپی قرار دارد. اهمیت سوق الجیشی سومالی موجب آن شد تا دول استعماری آن را به سه قسمت تقسیم کنند. وضعیت سیاسی آن به حدی است که می توان آن را پلی بین افریقا و جنوب غربی آسیا دانست. هر قدرتی که بر سومالی مستولی گردد می تواند بر اتیوپی، کنیا، دریای سرخ و خلیج عدن دسترسی داشته باشد. مسلمانان از طریق بندر زیلیغ در کنار خلیج عدن وارد سومالی شده و اسلام را در قرن اول هجری در آن گسترش دادند. در قرن ۱۴ میلادی یک دولت قدرتمند اسلامی در سومالی تشکیل شد که توانست بر قسمتی از اتیوپی حمله کند. در سال ۱۸۸۳م در بخش شمالی سومالی که اکنون کشور مستقل جیبوتی قرار دارد فرانسویان نیروی نظامی پیاده کردند این قلمرو به ۲۲۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ می گردید. بقیه خاک سومالی که در حدود ۶۳۸۰۰۰ کیلو متر مربع بود در سال ۱۸۸۱م به چنگ انگلستان افتاد. ایتالیا هم در سال ۱۸۸۹م به سومالی لشکر کشید و در نتیجه سومالی بین متجاوزین مذکور تقسیم شد و در سال ۱۹۳۶م سومالی ایتالیا، اریتره و اتیوپی که مستعمره ایتالیا بودند مستعمره جدیدی بنام آفریقای شرقی را تشکیل دادند. در سال ۱۹۰۱م در سومالی انگلستان یک انقلاب اسلامی بوقوع پیوست که توسط شیخ محمد عبدالله حسن با هدف استقلال خواهی و بر ضد بریتانیا رهبری می شد و تا سال ۱۹۲۰م ۴ حمله انگلیسی ها را دفع نمود. در سال ۱۹۴۸م دکتر عبدالرشید علی شرمارک باتفاق عبدالله عثمان جزب اتحادیه جوانان سومالی را تشکیل دادند که هدف آن استقلال سومالی بود. در سال ۱۹۶۰م سومالی متشکل از سومالی انگلیس و سومالی ایتالیا، استقلال خود را بدست آورد و اولین رئیس جمهوری آن عبدالله عثمان بود. در سال ۱۹۶۴م خشکسالی شدید توام با قحطی قدرت مرکز را متزلزل نمود و نخست وزیر وقت استعفا داد. در اکتبر ۱۹۶۹م محمد زیادباره با یک کودتای نظامی زمام امور را بدست گرفت و پس از چندی اعلام کرد تنها حزب قانونی کشور «حزب انقلاب سوسیالیستی سومالی است وی در سال ۱۹۷۷م با اتیوپی بر سر مالکیت صحرای اوگادن (سومالی

غربی) وارد جنگ شد و بدلیل عدم همکاری نظامیان شوروی و تقویت قوای اتیوپی توسط کارشناسان کوبائی، کست خورد و صحرای اوگادن را از دست داد. بعد از آن جهت سیاسی خود را تغییر داد و بندر استراتژیک بربرا را در اختیار امریکائیان گذاشت. (۱) زیادباره شخصیت دوگانه‌ای بود و در ضمن آنکه خود را مسلمان متعصبی معرفی می‌کرد به سوسیالیزم روی آورد. زبان لاتین را برای محو فرهنگ اسلامی اشاعه داد. نهضت آزادی زنان را براه انداخت که مورد مخالفت شدید مسلمین قرار گرفت. در اگوست ۱۹۷۲م زیادباره گروهی بیکار و اوباش را بنام پیشتازان تشکیل داد که اینان وارد مساجد و اجتماعات شده و به سرکوبی مسلمین می‌پرداختند. جوانان مسلمان را محاکمه می‌نمود و به اتهام ایجاد شایعه بر علیه رژیم برای آنان مجازاتهای شدید تعیین می‌کرد. در دانشگاه نیز دانشجویان مسلمان به جرم فراخواندن همکلاسان خود برای نماز دستگیر می‌شدند. حتی علمای دینی و رهبران مذهبی به اتهام استفاده از دین برای اختلال در امنیت کشور اعدام می‌گردیدند. (۲) سرانجام ژنرال محمد زیادباره پس از ۶ ماه آشوب در کشور و دوماه درگیری مسلحانه با کنگره متحد سومالی در دوشنبه ۸ بهمن ۱۳۶۹ (۲۸ ژانویه ۱۹۹۱) موگادیشو را ترک و به نقطه نامعلومی فرار کرد. (۳) و موگادیشو توسط کنگره متحد سومالی اشغال گردید. علی مهدی محمد (رئیس جمهور موقت سومال) و ژنرال محمد فرح عیدید که برای سقوط دیکتاتور سومالی با هم متحد شدند هر دو عضو قبیله هاویه هستند که جبهه متحد کنگره سومالی نیروی اصلی خود را از این قبیله بدست آورد ولی هر کدام به شاخه فرعی این قبیله تعلق دارند که با شاخه دیگر در تضادند. درگیری بین این دو و طرفداران آن دو، سومالی را به صحنه جنگ خونین تبدیل کرده است که از عوارض آن گرسنگی بسیار شدیدی است که ۳۰٪ سکنه سومالی را با خطر مرگ روبرو ساخته است. حوزه قدرت رئیس جمهور موقت، شمال موگادیشو و اطراف آن است و جنوب آن را ژنرال محمد فرح در اختیار دارد بین این دو، منطقه بیطرف سبز قرار گرفته است. درگیری بین این دو طرفداران به حدی است که حرکت در سومالی بدون اسکورت ماموران مسلح خطرناک است هر دو گروه از یمن، مصر، کنیا و افریقای جنوبی سلاح دریافت می‌کنند. گروههای مسلح به محموله‌های غذایی که از کشتیها وارد کامیونها می‌شود حمله و آنها را غارت می‌کنند. لذا سازمان ملل هیئت غیر مسلحانه‌ای را برای پاسداری از مواد وارد موگادیشو نموده است. (۴) اما اخیرا امریکا با تغییر رویه و بدست آوردن منافع و همچنین تحکیم قدرت خود، شورای امنیت سازمان ملل را وادار به تصویب قطعنامه‌ای نمود تا بر اساس آن قوای متحدین به سرپرستی امریکا در سومالی دخالت نظامی نموده و در ظاهر از این طریق، کمک به مردم سومالی را تضمین کرده و قربانیان گرسنگی را نجات دهند. (۵) مردم افریقای شرقی و بویژه سومالی از نسل حمایت بوده و ۹۵٪ آنان از نژاد سومالیائی و بقیه بانتو و عرب هستند. حمایت‌ها از اعقاب حام فرزند حضرت نوح (ع) می‌باشند. زبان آنان سواحیلی است که ریشه عربی دارد اما زبان بانتو هم به آن وارد شده است. از ۶۶۰۳۰۰۰ سکنه آن ۳۸٪ زندگی شهری دارند. تراکم نسبی جمعیت ۴/۱۰ نفر در کیلومتر مربع و رشد سالانه ۸/۲٪ و میانگین سنی ۸/۲۳ سال می‌باشد. ۹۹٪ مردم، مسلمان هستند. مرکز حکومت سومالی موگادیشو (۶) و بربرها و گیسایا از شهرهای مهم آن است. مگادیشو از قرن دهم تا پانزدهم میلادی مهمترین شهر بود و مرکزیت مذهبی اسلامی داشت و اهالی بیش از شهرهای دیگر پیرو اسلام بودند. اقتصاد سومالی بردامپرووری استوار بوده و گوسفندان سرسياه آن شهرت جهانی دارد که از پوست آن دستکشهای مرغوب تهیه می‌کنند. موز و غلات از محصولات کشاورزی آن است. از ذخائر استراتژیک آن معادن اورانیوم بوده که توجه قدرتهای استکباری را بخود جلب کرده است. (۷) آهن، زغال سنگ، نمک و نفت هم دارد. در صنعت پیشرفتی ندارد. سومالی علاوه بر درگیری‌های داخلی که اخیرا با آن مواجه است با بحرانهای دیگر روبروست. خشکسالی و قحطی سال ۱۹۷۷م مصیبت فراوانی برای مردمان آن فراهم نمود، امراض مسری همه جا گسترش یافته است. پناهندگان اوگادن، خود معضل بزرگی هستند. درگیری با اتیوپی و نزاع با کنیا نیز سومالی را آسیب‌پذیر نموده است. از این لحاظ حتی قبل از حالت فوق العاده اخیر برای تامین مواد غذایی و دارویی به کمک کشورهای غربی و عربی نیاز داشت.

جیبوتی

کشور کوچک جیبوتی با حدود ۲۲۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت در شرق آفریقا و شمال شاخ آفریقا در کنار خلیج عدن و جنوب دریای سرخ قرار دارد و در ساحل غربی باب المندب واقع شده است. فرو رفتگی آب خلیج عدن در جیبوتی به آن موقع استراتژیکی ویژه‌ای بخشیده است. این کشور قبلاً بخشی از قلمرو سومالی بود که در سال ۱۸۸۳م فرانسه آن را مستعمره خود نمود که به سومال فرنسه معروف بود و امروزه به آن جیبوتی یا سرزمین غفار و عیسی می‌گویند. جیبوتی از دو بخش کوهستانی و فلاتی تشکیل شده و ارتفاعات شمالی آن مقداری باران درافت می‌کند. در نقاط دیگر آن هنگام وزش بادهای موسمی، بارندگی صورت می‌گیرد. آب و هوای گرم و سوزان دارد، ۵۰۶۰۰۰ نفر سکنه آن است که ۷۸٪ آن زندگی شهری دارند. رشد سالانه جمعیت ۳٪ و تراکم نسبی آن ۸/۲۱ نفر در کیلومتر مربع است. ۴۵٪ مردم از نژاد عیسی سومالیایی و ۳۷٪ عفاری هستند. به اقوام غفار اناکیل می‌گویند که اغلب زندگی عشایری دارند. اقلیتی عرب و اروپایی هم در جیبوتی سکونت دارند. ۹۰٪ مردم مسلمان و اغلب مذهب سنی دارند، فرانسه در هنگام استعمار این کشور پایتخت آن را از اوباک (ابوک) به جیبوتی منتقل نمود. در سال ۱۹۶۷م به غفار و عیسی موسوم بود و در سال ۱۹۷۷م پس از ۱۱۵ یال، از سلطه فرانسه رهایی یافت و از این پس به جمهوری جیبوتی مشهور گشت. در جریان استقلال، سومالی حامی آن بود که اتیوپی تمایل داشت جیبوتی زیر سلطه استعمار باقی بماند. مرکز حکومت آن بندر جیبوتی است و شهر مهم آن تاجورا نام دارد. از ۵ بخش ایجاد شده که زیر نظر دولت مرکزی اداره می‌شوند. با دول عربی و فرانسه روابط سیاسی و تجاری دارد و از تونس و عربستان کمک‌هایی را دریافت می‌کند. موقعی که نظامیان کوبایی در حمایت از دولت اتیوپی بر ضد جبهه آزادی بخش سومالی غربی در منطقه اوگادن وارد جنگ شدند عده‌ای از مسلمانان غفار به جیبوتی گریختند (در سال ۱۹۷۷م) با مستقر شدن قوای کوبایی در نواحی مورد بحث و ایجاد فشار برای مسلمانان، بمباران روستاها و انهدام مراکز کشاورزی و دامداری، پناهندگان بیشتری به سوی جیبوتی سرازیر شدند. حکام جیبوتی برای عاده پناهندگان مسلمان به سرزمین اصلی، به اجبار و فشار متوسل شده و با تهدید سوزانیدن اردوگاهها، آنها را در تنگنا قرار می‌دهند اما پناهندگان، حاضر نیستند تا زمانی که شرایط و عواملی که موجب کوچ آنان شده، ادامه داشته باشد، به کشور خود بازگردند. با این وجود عده‌ای از آنان را از طریق سرکوب و تهدید باز می‌گردانند. رژیم اتیوپی هم برای دست‌یابی به کمک‌های مالی اضافه از کمیته پناهندگان سازمان ملل جهت اسکان دوباره پناهندگان، از این بازگردانی استقبال می‌کند. (۸) قهوه، موز و غلات از فراورده‌های کشاورزی جیبوتی است. پرورش شتر، بز و گوسفند هم در این کشور رواج دارد. اما اساس اقتصاد آن به بندر جیبوتی و به راه آهنی که این کشور را به اتیوپی مرتبط می‌سازد، متکی است. ۴۰٪ صادرات و ۶۰٪ واردات اتیوپی از طریق بندر مذکور حمل می‌گردد. تیرگی روابط جیبوتی و اتیوپی و مسدود شدن راه مزبور و سرازیر شدن آورانگان سومالیایی و عفاری به این سرزمین، اقتصاد آن را به سوی نابسامانی سوق می‌دهد. واحد پول جیبوتی فرانک است که برابر صد سانتیم می‌باشد. با وجود استقلال، یک پایگاه نظامی فرانسوی با ۸۰۰۰ نیروی نظامی در این کشور وجود دارد.

کنیا

کشور کنیا در آفریقای شرقی و ناحیه استوایی آفریقا قرار داشته و با سومالی، اتیوپی، اوگاندا و تانزانیا مرز مشترک دارد، و اقیانوس هند در شرق آن واقع است. کنیا از سال ۱۸۹۵م زیر سلطه انگلستان درآمد ولی با مبارزه میهن پرستان به رهبری جومو کنیاتا (شیر آفریقا) در سال ۱۹۶۳م به کسب استقلال نائل گردید. وسعت کنیا ۵۸۲۶۴۶ کیلومتر مربع بوده و ۲۴۳۳۵۰۰۰ نفر سکنه دارد. در قرون هفتم و هشتم میلادی تجار ایرانی و عرب جهت تجارت عاج در سواحل کنیا مستقر شدند. با امتزاج مسلمانان و آفریقایی‌های

بومی، تمدن سواحیلی تشکیل داده شد و اسلام در این نقطه گسترش یافت و تا سال ۱۸۰۶م اینقسمت از افریقا بخشی از دولت اسلامی عمان به شمار می‌رفت. مومباسا بندر کنونی کنیا از مهمترین شهرهای مسلمین بود. در ساحل کنیا در تاریخ ۱۱۰۰ میلادی شهری بنام درگوی احیا شد. در حال حاضر ۳۰٪ از سکنه کنیا مسلمان هستند و در استانهای ساحلی و شمال شرقی در اکثریتند. این ۳ استان ۷۵٪ مساحت کنیا را تشکیل می‌دهد. در استانهای دیگر نیز مسلمانان سکونت دارند. نژاد مسلمین عرب، سواحیلی، سومالیایی و تعدادی از قبایل بومی کنیا می‌باشد. اغلب مسلمانان سنی و پیرو مکتب شافعی‌اند ولی مسلمانان سودانی الاصل - واقع در نایروبی مرکز کنیا - تابع فقه مالکی هستند و مهاجرین آسیائی حنفی مذهبند. در دهه ۱۹۶۰م جمعیت سومالیایی ساکن در شمال شرقی کنیا طی شورش خواستار الحاق به سومالی شدند که به سختی درهم کوبیده شدند. (۹) در نوامبر ۱۹۸۰م نیروهای امنیتی کنیا، جنایاتی را علیه این مردم مرتکب گردیدند. تجاوز به زنان، بکارگیری نیزه در مورد دختران باکره، کشتن مردم، آتش زدن منازل، بازداشت هزاران نفر، حمله به قبایل و مصادره دامهای آنها و منع وسایل نقلیه از سوار نمودن مسلمانان سومالیایی، از جمله این حرکات منفی بود. در فوریه ۱۹۸۴م ساکنان یک شهرک که مسلمان بودند مورد حمله قرار گرفته و صدها تن کشته شدند. عده‌ای را به آتش کشیدند و گروهی به اجبار لخت و عریان در آفتاب گرم می‌نشستند. فرماندار منطقه نیسون کاریا مردم مسلمان را تهدید نمود که آنان را که از نژاد سومالی هستند از بین خواهند برد. از سال ۱۹۸۳م دولت کنیا در نواحی شمال شرقی کمربند امنیتی برقرار کرده و سکنه یک میلیون نفری مسلمان آن به علت سرکوب شدید در حالی از ترس و وحشت به سر می‌بردند. یکی از مقامات مهم امنیتی گفته بود: «یک سومالیایی خوب یک سومالیایی مرده است.» (۱۰) چون مسلمانان در تنگناهای اقتصادی قرار دارند مبلغان مسیحی به میان آنان رفته و از طریق کمک به افراد فقیر و سعی در پرورش کودکان یتیم به تبلیغ آئین مسیحیت می‌پردازند. در سال ۱۹۸۲م یک وزیر، دو معاون وزیر، مسلمانان و ۲۳ نماینده مجلس کنیا فعالیت دارند و بنیاد اسلامی به انتشار کتب اسلامی و تفسیر قرآن کریم به زبان سواحیلی پرداخته است. (۱۱)

تانزانیایا

جمهوری متحده تانزانیایا با ۹۴۵۰۳۷ کیلومتر مربع وسعت در افریقای شرقی و در مجاورت اقیانوس هند و مابین کشورهای کنیا، اوگاندا، روندا، زئیر، مالاوی و موزامبیک قرار دارد. بخش اعظم آن سرزمین وسیع تانگانیکا و بقیه آن را سه جزیره زنگبار مافیا و پمبا (۱۲) تشکیل می‌دهد که غالباً از کوهستانها و نواحی ارتفاعی که منشاء آتشفشانی دارند بوجود آمده‌اند. بلندترین قله افریقا یعنی کلیمانجارو در تانزانیایا واقع شده است همچنین قله نگرونگرو (۱۳) با بیش از ۲۰ کیلومتر عرض که بزرگترین دهانه آتشفشانی دنیاست در این سرزمین قرار دارد. دریاچه‌های آن عبارتند از ویکتوریا در شمال، تانگانیکا در غرب، مالاوی در جنوب. آب و هوای مرطوب و پرباران دارد. منطقه رنگبار از قرون قبل مورد توجه بازرگانان و دریانوردان بوده و تجارت برده و عاج در آن رواج داشته است. دین اسلام به وسیله بازرگانان ایرانی و عرب بدین ناحیه آورده شد. از اوایل دوره‌های اسلامی، سلسله‌های عرب و فارس بر این جزایر حکومت می‌کردند. از قرن دهم (سوم هجری) تا پانزدهم میلادی امپراطوری رنگ روی کار آمد، خرابه قصرها، منازل، مساجد و ضرب سکه آثاری از این تمدن را نشان می‌دهد. امرا و حکام محل باجگزار حکومت کیلوا بودند، این تمدن تحت تاثیر تمدن ایرانی قرار داشت. خانواده حکومتی کیلوا افریقائی نبودند و در قرن سیزدهم مهاجرین شیرازی این حکومت را اداره می‌کردند و مسجد باشکوهی در جنوب شرقی تانزانیایا از آنان به یادگار مانده است. (۱۴) اولیت فردی که در کیلوا قدرت یافت علی بن الحسن نام داشت که مرکز بازرگانی کوچکی را تبدیل به جزیره مقتدر و مستحکمی کرد و تا منطقه پمبا را زیر نفوذ داشت. وی تجارت طلا را کنترل می‌نمود و بنام خویش سکه زد، کیلوا مرکز اسلامی محسوب می‌شد و تمام اهالی آن مسلمان بودند، در زنگبار پس از سقوط کیلوا، سکه ضرب گردید و این ناحیه و برخی نقاط دیگر به تصرف سلطان مسقط درآمد

و تا سال ۱۹۶۵م حیات مستقلی داشت. در سال ۱۵۰۳م پرتغالی‌ها زنگبار را مستعمره خود نمودند ولی در سال ۱۶۹۸م بدنال شکست فاحشی که از مسلمانان خوردند، زنگبار به دست فاتحین مسلمان افتاد. این جزیره تا سال ۱۹۶۳م تحت الحمایه انگلیس بود و در این سال مستقل گردید. ناحیه تانگانیکا تا قبل از قرن شانزدهم میلادی تحت حکومت زنگبار بود که در اوایل قرن نوزدهم تحت عنوان افریقای شرقی، آلمان آن را مستعمره خود نمود. با شکست آلمان در جنگ اول و تجزیه مستعمرات آن، تانگانیکا مستعمره انگلستان شد ولی در سال ۱۹۶۱م استقلال خود را بدست آورد. در سال ۱۹۶۴م برحسب قراردادی که بین عیید کرومه نخستین رئیس جمهور زنگبار و ژولیوس نیه ره اولین رئیس جمهور تانگانیکا بسته شد زنگبار و تانگانیکا تشکیل جمهوری متحده تانزانیا را دادند. تانزانیا با چین و شوروی روابط سیاسی - تجاری دارد و مرکز حکومت آن دارالسلام می‌باشد. شهر دارالسلام شلوغ و پرجمعیت بوده و سطح زندگی در آن پایین است. تعداد بسیار کمی وسیله نقلیه دارند. به علت فقر زیاد عده‌ای در خیابانها و پیاده‌روها می‌خوابند. در یکی از نقاط محروم دارالسلام و در بخش ایکویویری - در ۱۷۵ کیلومتری جنوب دارالسلام - جهاد سازدنگی ایران با دایر نمودن شعبه‌ای از سال ۱۳۶۲ش مشغول طرحهای تحقیقاتی از قبیل به زراعی و توسعه آبیاری و دامپروری صنعتی می‌باشد. (۱۵) در دارالسلام ۱۵۰ مسجد وجود دارد که اکثر متعلق به مسلمانان شافعی مذهب می‌باشد. شیعیان هندی، پاکستانی، سری لانکایی و تانزانیایی نیز مسجد باشکوهی در مرکز تانزانیا دارند. در سال ۱۹۹۰م تانزانیا ۲۵۰۸۵۰۰۰ نفر سکنه داشته که درصد شهرنشینی ۲۰٪ و رشد سالانه ۲/۳٪ و تراکم نسبی آن ۵/۲۶ نفر در کیلومتر مربع بوده است. امید به زندگی برای مردان ۴۹ سال و برای زنان ۵۴ سال می‌باشد. اکثریت نژادیا سیاهان است ولی مهاجرین ایرانی، هندی و اروپایی هم در این کشور زندگی می‌کنند. زبا رسمی سواحیلی است که یادآور تمدن سواحیلی می‌باشد. این تمدن را مردم مستقر در سواحل شرقی افریقا بوجود آورده و حکومتهایی از قرن دهم تا پانزدهم میلادی پدید آوردند. این جامعه از لامور در کنیا تا موزامبیک با زبان بانتو (۱۶) و فرهنگ اسلامی آمیخته بود و بخش عمده آن فرهنگ اسلام بود. افرادی از نسل شیرازی‌ها در این تمدن نقش مهمی را بر عهده داشتند. در قرن شانزدهم پرتغالی‌ها این تمدن را از بین بردند. طبق تحقیقات ادوارد براون (۱۷) آثار تمدن درخشان اسلامی در منطقه ایهارانا (۱۸) نزدیک شهر و همار در ساحل شرقی افریقا دیده می‌شود. (۱۹) غیر از زبان سواحیلی، زبا انگلیسی رایج بوده و خط رایج لاتین است. بیش از ۵۰٪ مردم تانزانیا مسلمان بوده و اقلیت‌های پیرو آئین مسیحیت و مذاحب ابتدائی می‌باشند. تانزانیا مهمترین تولید کننده سیسال (Sysal) در دنیا است. محصولات مهم دیگر آن عبارتند از: کنف، قهوه، برنج. معدن مهم آن الماس است. صنایع غذایی، پوشاک، سیمان، مصنوعات دستی و چوب‌بری از مهمترین مراکز صنعتی این کشور به شمار می‌رود. واحد پول آن شلینگ تانزانیاست که برابر صد سنت می‌باشد. به موجب اعلامیه آروشا که توسط نیه‌ره اعلام شد تمامی شرکتهای خصوصی و مراکز زراعی و مراتع بزرگ مالکان داخلی و خارجی تانزانیا ملی اعلام شد و بر این اساس به فعالیت‌های زراعی و دامی اولیت داده می‌شود و بیشترین تلاش اقتصادی کشور بر این بخش تمرکز یافته است.

ج - افریقای غربی

افریقای غربی

افریقای غربی از نقطه نظر پستی و بلندی و چهره طبیعی متنوع است. ارتفاعات مهمی جز کوههای فوتاجالون گینه، ارتفاعات نیجریه و کامرون در این ناحیه دیده نمی‌شود. بخش شمالی افریقا غربی تحت تاثیر صحرای کبیر افریقا از آب و هوای گرم و خشک برخوردار بوده ولی در سواحل توام با وطوب است. دشتهای ساحلی اکثر مناطق افریقای غربی از جنگلهای استوایی پوشانیده شده است و بدلیل عبور خط استوا و قرار گرفتن اقیانوس اطلس در غرب آن، آن و هوای این نقاط گرم و مرطوب

استوایی می‌باشد. درخت موز و کائوچو در نقاط استوایی بوفور دیده می‌شود. با دور شدن از منطقه ساحلی از انبوه درختها کاسته شده تا جایی که دشتی علفزار در پیش روی ما قرار داده، این منطقه را ساوان (۲۱) می‌گویند که چشمه‌ها و برکه‌هایی در آن یافت می‌شود. درختان چتری ساوان که افاقیا نام دارند محل استراحت شیرها و سایر جانوران وحشی این منطقه است. آب و هوای آن گرم و خشک می‌باشد. کمبود آب، غنی نبودن خاک و عدم اطمینان از وقوع بارندگی آن اجازه نمی‌دهد. کشاورزان در ساوان از رونق برخوردار باشد و صرفاً ارزن، ذرت و بادام زمینی در آن بدست می‌آید. گاهی خشکسالی‌های وسیع، این منطقه را در معرض قحطی و گرسنگی قرار می‌دهد و موجب تلفات انسانی و دامی می‌شود. غرب افریقا از مناطق مهم این قاره به شمار می‌رود و بستر دولتها و تمدنهای کهن می‌باشد. به موجب اسنادی که به زبان عربی نوشته شده و دولت غانا (۲۲) در قرون سوم و چهارم میلادی دولتی متمرکز به شمار می‌رفته و یکی از قدیمی‌ترین دول غرب افریقا بوده است. این دولت در بخش‌های رودهای نیجر و سنگال تشکیل گردید و مرکز آن کومبی ساله بود. اقتصاد آن بر کشاورزی و دامداری تکیه داشت و علاوه بر آن به استخراج طلا، نمک و تهیه فرزات می‌پرداختند. در کتب عربی و آثار سیاحان مسلمان وضع این دولت توصیف شده است. در نیمه دوم قرن یازدهم قبایل بربر صنهاجی وابسته به المرابطون پایتخت غنا را به تصرف خود درآوردند. در اواخر قرن دهم دولت مالی بوجود آمد که با انحطاط دولت غانا استقلال پیدا کرد. در زمان پادشاهی «سوندیاتا» دوره نیرومندی دولت مالی آغاز شد. مرکز این حکومت در حدود گینه فعلی بود ولی مرکز تجارتهی آن شهر سانکارائی در مالی کنونی بود. در زمان جانشینان وی قلمرو مالی از سواحل اقیانوس اطلس تا شهر گائو در نیجر کشیده شد. جنگ‌های داخلی و منازعه با همسایگان، دولت مالی را ضعیف نمود. در اواخر قرن پانزده و اوایل قرن شانزده، سونگائی‌ها قسمت شرق مالی را تصرف نمودند و با حمله سپاهیان مراکش در سال ۱۵۹۱م دولت مالی منقرض شد. دولت سونگائی در قرون وسطی در سودان غربی تشکیل شد. قدرت این دولت اسلامی در عهد پادشاهی محمد توره (۱۵۲۸ - ۱۴۹۳) باوج رسید و در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی دولت مزبور مهمترین دولت سودان غربی به شمار می‌رفت و اقلام عمده درآمدهای آن را تجار طلا، نمک، عاج و پارچه تشکیل می‌داد. در شهر تیمبوکتو و تانگوره و جنبه مراکز علمی و دانشگاهی با محتوای اسلامی ایجاد شده بود که در تدریس علوم، پیشرفته بود. مسجد جامع تیمبوکتو از کهن‌ترین بناهای مذهبی افریقا غربی به شمار می‌رود. مسجد جامع سونگو که در قرن چهاردهم میلادی تاسیس شده از جمله آثار معماری اسلامی این بخش از افریقا است. در سال ۱۹۵۱م قوای مراکش، این دولت را شکست داده و شهرهای تیمبوکتو و دره رود نیجر را به آتش کشیدند. (۲۳) و کولی (۲۵) تحقیقاتی انجام داده‌اند که بر اساس آن مردم مناطق ساحلی غرب (۲۴) افریقا دارای فرهنگ و تمدنی پیشرفته بوده و جوامع آنها دارای تجربیات کشاورزی و قوانین اجتماعی قابل تحسین بوده‌اند. (۲۶) بزیل دیویسن (۲۷) مورخ و محقق انگلیسی به گسترش اسلام در تار و پود حیات اجتماعی - سیاسی و اقتصادی افریقای غربی اعتراف نموده و می‌گوید: «اسلام به عنوان مذهب بزرگ حکومت مترقی پدیدار می‌گردد.» و اضافه می‌کند: «از بطن این گرایش (روی آوردن به اسلام) شالوده متکب‌های استوار تعالیم اسلامی در تیمبوکتو، نیانی، جن و مکانهای دیگر به پیدایی می‌آید. مکتب‌هایی که از آن پس به مدت ۳۰۰ سال رونق دارند و پژوهشگران مسلمان را از کشورهای بسیار و با گرایش‌های فکری بسیار به سوی خویش می‌خوانند.» و اعتراف می‌کند که: «... از دیدگاه تاریخی، تاثیر اسلام در افریقای باختری، جدا از جنبه معنویت باید به سبب اهمیت بسیار در دو زمینه مورد ملاحظه قرار گیرد: در فن‌های بازرگانی و در فن‌های کومت‌شهر، دولت‌ها و امپراطوری‌هایی که نیرومند و مهم می‌گردند... اسلام می‌تواند مدعی به ارمغان آوردن بسیاری چیزها برای افریقای غربی باشد. یک نقشه بازرگانی مربوط به دوره (۱۶۰۰ - ۱۳۰۰) ناحیه‌های بسیاری از قاره غربی، شمال یا جنوب بیابان را می‌نمایاند که مستقیم یا غیر مستقیم با نظام بازرگانی جهانی پیوند داشتند، این نظام بدست کسانی پی‌ریزی شد که وحدت اساسی اسلام را... به رسمیت می‌شناختند. (۲۸) « مردم افریقای غربی، اغلب سیاه پوستند که در گروه‌های قومی گوناگونی جای دارند، گروهی هم با دیگر قومها در آمیخته و نژاد

مختلطی را بوجود آورده‌اند. نابتین نژاد سیاه در جنگلهای گینه به سر می‌برند. از نظر زبان، متاسفانه بدلیل نفوذ استعمار زبان رسمی اغلب این کشورها، زبان بیگانه است به عنوان نمونه در بنین، توگو، ساحل عاج، سنگال، کامرون، کنگو، گینه، لیبیا، مالی و ولتای علیا زبان رسمی فرانسه است. در غنا، سیرالئون و گامبیا، انگلیسی زبان رسمی به شمار می‌رود و در گینه بیسائو زبان پرتغالی ولی در گینه اسپانیولی رواج دارد. وسعت مجموع ۲۱ واحد سیاسی افریقای غربی به حدود ۶۲۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ می‌گردد که ۲۰٪ مساحت قاره افریقا را شامل می‌شود. با وجود آنکه افریقای غربی منطقه سرسبزی است و منابع و ذخائر فراوانی دارد ولی اغلب کشورهای آن کم جمعیت هستند و در این واحدها حدود ۱۹۰ میلیون نفر سکونت دارند که در میان آنها کشور نیجریه یک استثناست زیرا بیش از نیمی از سکنه افریقای غربی را به خود اختصاص داده و بیش از صد میلیون نفر سکنه دارد که از این لحاظ پرجمعیت‌ترین کشور آفریقائی و دهمین کشور پر سکنه جهان به حساب می‌آید. پرستع‌ترین کشور افریقای غربی، مالی است که ۱۲۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. کم جمعیت‌ترین و کم‌وسعت‌ترین کشور افریقای غربی سائوتومه و پرنسیب می‌باشد. اسلام دین اکثریت کشورهای مالی، سنگال، کامرون، ساحل عاج، گینه، بورکینافاسو، سیرالئون، بنین، موریتانی، توگو، جمهوری عربی صحرا، گامبیا و گینه بیسائو می‌باشد و در بقیه کشورها پیروان مسیحیت و آئی میسم (۲۹) در اکثریتند. در کنگو و لیبیا، مردم مذهب ابتدائی آئی میسم دارند. علاوه بر محصولات کشاورزی، جنگل‌ها و فرآورده‌های چوبی سهم مهمی از درآمد این کشورها را تشکیل می‌دهد. ذخائر معدنی افریقای غربی بسیار غنی است، منگنز در غنا و کبالت در کنگو بدست می‌آید. کشورهای این بخش از افریقا بزرگترین تولید کنندگان اورانیوم و رادیوم هستند. ۶۰٪ طلا و الماس از این قسمت افریقا بدست می‌آید. تنها در کشور نیجر نفت (هشتمین صادر کننده دنیا) بدست می‌آید. در غرب افریقا اتحادیه‌های اقتصادی و بازرگانی هم قابل مشاهده است از آن جمله می‌توان «اتحادیه گمرکی کشورهای غرب افریقا» (۳۰) (اودئائو) را نام برد که در سال ۱۹۶۶م تاسیس شده و اعضای آن عبارتند از بنین، ساحل عاج، مالی، موریتانی، نیجر بورکینافاسو و سنگال. همچنین جامعه اقتصادی کشورهای غرب افریقا (اکوواس) که در سال ۱۹۷۵م در لا-گوس - مرکز نیجریه - تشکیل شد و هدف آن همکاری اقتصادی و ایجاد اتحادیه گمرکی بین کشورهای عضو است. اتحادیه پولی افریقای باختری (۳۱) برای یگانه سازی ارز میان این کشورها گشایش یافت. (۳۲)

پی‌نوشتها

- ۱- مجله پیام انقلاب ش ۵۴. ۲- مجله پیام انقلاب ش ۱۲۸ - ۲۹ دیماه ۱۳۶۳. ۳- سومالی و آینده نامعلوم، کیهان ش ۱۴۱۳۵ - ۱۴ اسفند ۱۳۶۹. ۴- سومالی قربانی کورطلبان قدرت، اطلاعات ۱۹۶۹۵ و ش ۱۹۶۸۶. ۵- جمهوری اسلامی، شنبه ۱۴ آذر ۱۳۷۱ ش ۳۹۱۵. ۶- Mogadishu - بنا به نوشته روزنامه حریت چاپ ترکیه امریکا به بهانه استقرار صلح در سومالی، مشغول غارت ذخائر زمینی سومالی بویژه منابع نفت می‌باشد. ۸- مجله مشکوه، ش ۲۱ رمستان ۱۳۶۷ صفحات ۱۲۲ و ۱۲۳. ۹- اکثریت قریب به اتفاق طی یک همه پرسی بین‌المللی در ساحل ۱۹۶۲ به نفع الحاق سرزمین به سومالی رای دادند اما نه تنها به خواسته آنان وقعی نهاده نشد بلکه روز به روز اوضاع آنان بدتر شد. ۱۰- اقلیت‌های مسلمان در جهان، ترجمه ایرج کرمانی ص ۲۳۶ و ۲۳۷. ۱۱- اقلیت‌های مسلمان در جهان امروز علی کتانی، ترجمه محمد حسین آریا ص ۲۱۵ و ۲۱۶. ۱۲- Ngorongro - ۱۳- pemba - شخصی بنام الحسن بن سلیمان اول در ۱۲۷۰ میلادی این مسجد را بنا نهاد. ۱۵- ره آورد سفر به کنیا و تانزانیا - عبدالرحیم رحیمی - روزنامه رسالت ش ۱۹۹۲. ۱۶- ۱۸- iharana - Advard Brown - ۱۶- Bantu - تاریخ اسلام در افریقای جنوبی، مهندس حسن بشیر. ۲۰- سیسال برای الیاف کتانی مصرف می‌شود. ۲۱- ۲۲- Savan - کشور غنا نام خود را از این دولت گرفته است. ۲۳- افریقا باید متحد شود - قوام نکرومه، ترجمه دکتر محمد توکل صفحات ۳۱، ۳۲ و ۳۳. ۲۴- Cowley - ۲۵- Manix

۲۶- تاریخ اسلام در افریقای جنوبی - مهندس حسن بشیر . ۲۸- ۲۷ Basil davidson - تاریخ افریقا ، دیودسن ترجمه ریاحی و مولوی صفحات ۲۴۸ تا ۲۵۱ . ۳۲- ۳۱- Umoa - ۳۰- Udeao - Animisme - گیتاشناسی کشورها ، صفحات ۴۳۳ و ۴۳۴ .

جمهوری عربی صحرا

جمهوری عربی صحرا با ۲۸ ۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت در غرب افریقا و در ناحیه صحرایی و ساحل شرقی اقیانوس اطلس ، بین کشورهای الجزایر ، مراکش و موریتانی قرار دارد . این کشور از دو ناحیه معروف ساقیه الحمراء و وادی الذهب تشکیل شده است و آب و هوای آن گرم و خشک می باشد . طول سواحل آن به ۱۵۰۰ کیلومتر بالغ می گردد . در آغاز قرن چهاردهم به آن بلاد شنگتی می گفتند ، در سال ۱۸۸۴م استعمار اسپانیا در صحرا شکل علنی بخود گرفت و در سال ۱۹۵۸م اسن سرزمین از ایالت های ماوراء بحار اسپانیا محسوب شد . (۱) در آغاز قرن بیستم به صحرای اسپانیا مشهور بود . بین سالهای ۱۹۷۵م و ۱۹۷۶م اسپانیا بنا به مصالحی ، صحرا را تخلیه نمود ولی با واگذاری بخش هایی از آن به مراکش و موریتانی زهر خود را در این سرزمین فرو ریخت و آرامش را از مردمان صحرا سلب نمود و قسمت شمالی صحرا را مراکش تصاحب نمود که ۷۵٪ وسعت آن را دربر می گیرد . این منطقه که ریودوارو نام دارد از لحاظ منابع معدنی بویژه فسفات بسیار غنی است . اما ۲۵٪ بقیه که در اختیار موریتانی قرار گرفت به لحاظ ذخائر فقیر است . در سال ۱۹۷۹م موریتانی از بخش اشغالی خود منصرف و آن را مصالحه نمود ، در سال ۱۹۷۵م اصطلاح نواکشوت در مقابل دیوان بین المللی عدالت برای صحرا برگزیده شد و در سال ۱۹۸۲م که صحرا به ضویت سازمان وحدت افریقا درآمد آن را صحرای غربی نامیدند . مردم صحرا مبارزات دامنه داری را از زمان اشغال این کشور توسط مراکش آغاز نمودند که در بهار سال ۱۹۷۳م جهت تشکیل این مبارزات «جبهه پولیساریو» (۲) پدید آمد که نام صحرا را به جمهوری عربی صحرا تغییر داد . در ۲۴ ژانویه ۱۹۷۶م کمیته آزادی بخش سازمان وحدت افریقا این جبهه را به رسمیت شناخت . تا کنون بیش از ۸۳ کشور این کشور را به رسمیت شناخته اند . ایران در سال ۱۹۸۰م آنرا به رسمیت شناخت هم اکنون جنگ بین مراکش و صحرا به خاطر حضور متجاوزین مراکشی در صحرا و تصاحب بخش مهم آن ، ادامه دارد . در مورد جمعیت صحرا آمارها گوناگون است . جنگ و درگیری خونین ، زندگی کوچ نشینی و سیاست مغرضانه مراکش اجازه نداده است که آمار دقیق مردم آن مشخص شود و سکنه آن را بین ۱۹۰ هزار تا ۷۵۰ هزار نفر ذکر نموده اند . گروه زیادی از مردم به خاطر شرایط خشن و فشارهای سیاسی ، نامساعد بودن اوضاع اقتصادی و خشکسالی به سرزمین های دیگر مهاجرت نموده اند . (۳) از نظر نژادی ، ریشه قومی مردم صحرا به قبائل یمنی باز می گردد که اوائل قرن شانزدهم به مراکش مهاجرت نمودند ولی با رانده شدن از آن سرزمین ، در صحرا سکنا یافتند . بعدها این قبائل برای اداره امور خود تشکیلات منظمی را ابداع نمودند . مردم صحرا به لهجه حسینی زبان عربی تکلم می کنند که به عربی فصیح نزدیک است اما برای مکاتبات از عربی رسمی بهره می گیرند . به جهت سلطه فرانسه و اسپانیا زبانهای فرانسوی و اسپانیایی هم در آن متداول است . صحرا از چند نظر اهمیت استراتژیکی دارد یکی به لحاظ اینکه نزدیکترین کشور افریقائی به سواحل شرقی امریکاست . ذخائر عظیم فسفات ، و نیز ارزش این کشور برای همسایگان قابل توجه است . موریتانی که کشور فقیری است صحرا برایش اهمیت اقتصادی دارد و الجزایر برای صدور سنگ آهن ایالتیندوف می تواند از سواحل صحرا کمک بگیرد . (۴) ذخائر معدنی صحرا عبارتند از : فسفات که غالب منابع آن در بوکرا واقع در شمال صحرا قرار گرفته است . (۵) نفت و گاز که در بخش های شمالی وجود دارد . در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی در اگراشای صحرا منابع پربار آهن کشف شد . استعمارگران اسپانیایی در هنگام سلطه بر صحرا به ذخائر عظیم مس و اورانیوم دست یافتند . سواحل صحرا به لحاظ انواع و مقدار ماهی در جهان رتبه اول را داراست و این کشور در منطقه ریودوارو ، در شمال صحرا از غنی ترین سفره های آب زیرزمینی بهره مندی از ذخائر عظیم یاد شده ، اقتصادی توسعه نیافته دارند که جنگ با مرزهای این کشور بدلیل آنکه توسط استعمارگران مشخص شده ، غیر واقعی بوده و برای

کوچ‌نشینان و افرادی که زندگی عشایری دارند، مشکل آفرین می‌باشد. دین رسمی مردم صحرا اسلام و زبان رسمی آن عربی است و مرکز حکومت آن شهر العیون (۶) می‌باشد.

موریتانی

جمهوری اسلامی موریتانی با ۱۰۳۰۷۰۰ کیلومتر مربع مساحت یکی از پروسعت‌ترین کشورهای افریقای غربی به شمار می‌رود. این سرزمین همچون پلی رابط بین شمال و غرب افریقا می‌باشد. متجاوز از ۵۰٪ خاک آن را شن‌زارهایی تشکیل می‌دهد که به صورت رشته‌های موازی از شمال به جنوب ادامه دارند. با وجود هموار و بیابانی بودن موریتانی، دو فلات معروف آن یعنی آرادار و تاگان تا ۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارند. خلیج کوچک «موریر» در منتهی الیه شمال غربی این کشور قرار دارد. مرز بین سنگال و موریتانی را رودخانه‌ای به نام سنگال تشکیل می‌دهد. بخش عظیمی از موریتانی را صحرا فرا گرفته و آب و هوای گرم و خشک و کم باران است. بدلیل برهنه بودن زمین و گرمای زیاد و صعود هوا، وزش بادهای خشن توام با شن و گرد و غبار از پدیده‌های منفی موریتانی می‌باشد. (۷) موریتانی محل استقرار قبایل مور است که چهره سوخته رنگی داشته و از قدیم تمدن کوچ‌نشینی داشته‌اند. نژادهای آن شامل مورها، عرب‌ها و بربرها (بیدان‌ها) می‌باشند. سیاهپوسهای موریتانی از گذشته به قدرت یافتن اعراب معترض بوده‌اند. استعمار فرانسه ساختار قبیله‌ای آن را متزلزل و قبایل جنگجو را ضعیف نمود. در زمان رومیان، موریتانی، سرزمین پهناوری بود که مراکش و الجزایر را هم دربر می‌گرفت. یورش بربرها موجب آن شد که سیاهان به نواحی جنوبی رانده شوند. در قرن شانزدهم میلادی طایفه مسلمان بنی حسن آن را فتح نمود. از قرن پانزدهم میلادی، پای استعمار پرتغال و پس از آن هلندیان و نیز انگلستان و فرانسه به این ناحیه مسلمان نشین، گشوده شد. در سال ۱۹۶۰م فرانسه به دنبال موج استقلال طلبی و آزادیخواهی مسلمانان، باین سرزمین استقلال داد. مختار اولد داداده - که در سال ۱۹۲۴م در بوتیمیت بدنیا آمد - در بازسازی این کشور و ساختن نوین آن پس از رهایی از استعمار، دخالت عمده‌ای دارد. وی موریتانی را به چهار راه اعراب و افریقا تبدیل کرد و در طول ۲۵ سال حکومت، نه ثروتی اندوخت و نه به کشوری وابسته گردید. (۸) برای مقابله با شدائد طبیعی، مالی، موریتانی و سنگال در سال ۱۹۶۸م کشورهای ساحلی رودخانه سنگال را پایه‌ریزی نمودند که از اهداف مهم آن سدسازی بود. در سال ۱۹۷۴م موریتانی برای تقسیم صحرای غربی با مراکش متحد شده و در سال ۱۹۷۶م بخش جنوبی صحرا را اشغال نمود. اما در سال ۱۹۷۹م پس از قرارداد صلحی آن را به صحرا مصالحه کرد. در ژوئیه ۱۹۷۸م که نظامیان روی کار آمدند این کشور را از جنگ با صحرا نجات دادند. اما کشور از آن زمان در بی‌ثباتی و ناآرامی زیانبار همچنان فرورفته است. مرکز حکومت آن نواکشوت می‌باشد و ۸ ناحیه دارد که زیر نظر دولت مرکزی اداره می‌شود. زبان رسمی آن عربی با لهجه حسانی می‌باشد و ۹۶٪ مردم پیرو آئین اسلام هستند و قانون اساسی این آئین را به عنوان دین اساسی پذیرفته و در ۲۸ نوامبر ۱۹۵۸م نوع حکومت آن جمهوری اسلامی موریتانی اعلام شد. مسلمانان اغلب از نژاد سیاه و اقلیتی هم عرب و بربرند. سومین کشور به لحاظ صید ماهی در جهان موریتانی است که از نوادهیو در مصب سنگال و ۸۰۰ کیلومتر ساحل به لطف جریانهای مساعد اقیانوسی ماهی فراوان است. و این سواحل از پرماهی‌ترین نقاط جهان هستند ولی متاسفانه کشتی‌های اروپائی و ژاپنی به صید آنان مبادرت می‌ورزند. ۷۵٪ مردم زندگی عشایری دارند. کشاورزی تابع نزولات جوی است. ارزن، ذرت، تنباکو، برنج و سبزی از محصولات مهم آن بوده و ذخائر معدنی آن آهن و مس است که اولین درآمد کشور از این ذخائر می‌باشد. از ۲ میلیون نفر سکنه آن، ۴۲٪ در نقاط شهری سکونت داشته و در سال ۱۹۵۸م ۸۲٪ بیسواد بوده‌اند. از ۹۱۰ میلیارد دلار تولید ناخالص آن در سال ۱۹۸۸م ۶/۳۷٪ به بخش کشاورزی ۲۱٪ به صنعت و ۳/۴۱٪ به خدمات تعلق داشته است. طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸م نرخ تورم ۶/۸٪ بوده و در پایان سال ۱۹۸۸م این کشور ۲۰۷۶ میلیون دلار بدهی داشته است. (۹)

جمهوری مالی

کشور مالی با ۱۲۴۰۱۹۲ کیلومتر مربع مساحت وسیعترین کشور غربی افریقا می‌باشد. نصف النهار گریونیچ از نواحی شرقی و مدار راس سرطان از کناره شمالی آن می‌گذرد، کشوری است دور از دریا و با موریتانی، الجزایر، نیجر، بوركینافاسو، ساحل عاج، گینه و سنگال مرز مشترک دارد. مالی را می‌توان به دو بخش فلاتی و بیابانی تقسیم نمود در فلات جنوب و جنوبی غربی این کشور رودخانه‌های نیجر و سنگال و شعبات آن، بریدگی‌های ژرفی را پدید آورده‌اند. فلاتش شرقی شامل سرزمین‌های مرتفع کوچک و پراکنده است. بخش مرکزی مالی، جلگه‌ای اما نقاط شمالی آن حالت صحرائی و بیابانی دارد. آب و هوای آن گرم و خشک است. در حدود ۲۰۰۰ سال قبل در کشور مالی تمدن درخشانی وجود داشته است. در قرو یازدهم میلادی اسلام به این کشور راه یافت و رشد سریع آن تا قرن هیجدهم بسیار چشمگیر بود. مبلغ و مروج اسلام در مالی شیخ عثمان نام داشت که در اوایل قرن مذکور به تبلیغ اسلام در میان اقوام فلاجی پرداخت و در کمتر مدتی شهر تومباتو به صورت مرز اسلامی افریقای غربی درآمد و از این ناحیه، اسلام به بوركینافاسو (ولتای علیا) بنین و نیجریه انتشار داده شد. وی که مدرسی مسلمان با درجه ارشد بود و به عثمان دان فودیو مشهور بود رهبری جنبش بزرگ انقلابی فولانی را علیه حکمرانان هاسالند بر عهده گرفت. وی توانست بسیاری از قبایل هاسا را به سوی اسلام جذب کند و آنان را نسبت به ستم حکام وقت موعظه می‌نمود. وی آرزو داشت تا بنا به اصول و تعالیم اسلامی بر مردم حکومت شود که در نگرشهای او نه منافع مادی بود و نه قدرت طلبی فردی و تنها به تهذیب اخلاقی و بعد معنوی توجه داشت اما فرزندانش به سوی قومیت گرایی و سلطه‌گری قبایل فولانی بر مردمان هاسا، روی آوردند. (۱۰) از اصلاح گران دیگر مالی فردی است بنام حاج عمر که قصد داشت در پهنه رود سنگال قیام کند اما در سال ۱۸۵۷م توسط فرانسویان بیرون رانده شد و پس از آن به سوی خاور روانه گشت و سگو و امپراتوری ماسینا را در ۱۸۶۲م فتح کرد و در سال ۱۸۶۳ موفق شد تمبوکتو را تسخیر نماید. در سال ۱۹۵۹م که مالی جزو نواحی مستعمره فرانسه بود با سنگال متحد و فدارسیون مالی را بوجود آورد و پس از مدتی از سنگال کناره گیری کرده و در سال ۱۹۶۰م استقلال خود را کسب نمود. مالی با غرب و بویژه با فرانسه رابطه سیاسی - تجاری دارد. در سال ۱۹۶۸م موسی تراوره رژیم مودیبوکیتا را سرنگون و کمیته نظامی آزادی بخش ملی را برقرار کرد و در سال ۱۹۶۹ ریاست مملکت و دولت را عهده‌دار شد. وی در مدت ۲۳ سال استبداد و دیکتاتوری، کشور مالی را در بحران سیاسی و اقتصادی و فرهنگی قرار داد و سرانجام در ۲۶ مارس ۱۹۹۱م پس از شورشهای خیابانی، سرنگون و تحت محاکمه قرار گرفت. (۱۱) در سال ۱۹۹۱م بعد از یک رفراندوم، قانون اساسی که توسط یک کنفرانس ملی تدوین شده بود به تصویب رسید که در این قانون به نظام چندحزبی پس از ۳۰ سال قدرت تک حزبی اشاره شده بود. در جریان انتخابات پارلمانی ۱۹۹۱م حزب آدما ۷۶ کرسی از ۱۱۶ کرسی را بدست آورد و در ۲۶ آوریل ۱۹۹۱ بعد از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آلفا عمر کوناره، کاندیدای حزب آدما به پیروزی دست یافت. ترکیبی از نژادهای سیاه افریقائی سفید، سکنه مالی را تشکیل می‌دهد از ۷۹۸۰۰۰۰ نفر جمعیت آن ۹۰٪ مسلمان هستند. زندگی قبیله‌ای در این کشور رواج داشته و ۵۰٪ از قبائل مانده ولی بقیه از طوایف فولانی، ولتایی و طوارق هستند. زبان رسمی این کشور فرانسه و خط آن لاتین بوده اما ۶۰٪ مردم به زبان محلی بامبارا تکلم می‌نمایند. کشاورزی در مالی به سه صورت دیده می‌شود الف: استفاده از آب رودخانه‌ها از طریق آب بندها یا وسایل موتوری ب: کشاورزی در اطراف دریاچه‌ها و مخازن آبی داخلی با استفاده از رطوبت خاک ج: کشاورزی آبی در کرتهای زمین‌های کوچک. دامداری و ماهیگیری نیز از اشتغالات عمده و منابع اصلی درآمد مالی است. (۱۲) معادن استخراج نشده‌ای چون طلا، نیکل، منگنز و بوکسیت در این کشور دیده می‌شود. بزرگترین کارخانه سفال سازی افریقای غربی در مالی وجود دارد. واحد پول آن فرانک مالی (fM) است که برابر صد سانتیم می‌باشد.

جمهوری سنگال

کشور سنگال که در منتهی الیه افریقای غربی قرار گرفته است ۱۹۶۷۲۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. این سرزمین بین موریتانی، مالی، گینه و گینه بیسائو قرار گرفته است. کشور گامبیا چون زبانهای در داخل آن قرار دارد. مرز غربی آن اقیانوس اطلس می باشد. سواحل عمیق، موقع جغرافیائی و دروازه غرب افریقا به این کشور اهمیت ویژه‌ای بخشیده است. سنگال سرزمین کم ارتفاعی است که بخش اعظم آن را علفزارهای ساوان و استپ می پوشاند. رود سنگال، سالوم گامبیا و کازامانس در سنگال جریان دارند که طولیترین آنها سنگال می باشد که ۱۶۰۰ کیلومتر طول دارد. آب و هوا در سواحل و نواحی مرتفع معتدل ولی در استپها گرم و خشک است. اسلام از طریق بازرگانان مالی به سنگال راه یافت و در سال ۱۰۴۰م نهضت دینی المرابطون در این ناحیه پایه گذاری شد از میان کشورهای انگلستان، هلند و فرانسه، فرانسه موفق شد سنگال را به تصاحب خود درآورد و پس از ۳۰۰ سال سلطه استعماری در سال ۱۹۶۰م مردم این کشور به استقلال دست یافت اما با وجود استقلال ظاهری چندین فرانسوی با تابعیت مضاعف (هم تابع فرانسه بوده وهم تابع سنگال هستند در پستهای عالی چون وزیر و مشاور عالی مشغول کارند. شهرهای آن تحت تاثیر تمدن غرب بنا شده و بین شهر و روستا اختلاف زیادی مشاهده می شود و این خود دلیل مهاجرت روستائیان به شهرهاست. مرکز حکومت آن داکار است و به هفت استان تقسیم می شود و سیاست خارجی آن بر همزیستی و احترام متقابل با کشورهای جهان استوار بوده و از جنبش های مردمی حمایت می کند. سنگال ۷۵۱۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۲۰٪ آن در مرکز حکومت یعنی داکار سکونت دارند، رشد جمعیت ۹/۲٪ و تراکم نسبی آن ۲/۳۸ نفر در کیلومتر مربع است. بیش از ۵۰٪ مردم زیر ۲۰ سال سن دارند، اکثریت از قوم ولوف هستند، ولی گروه های نژادی فولانی، سرر، توکولور و دیولا هم در سنگال زندگی می کنند زبان رسمی این کشور فرانسه و خط آن لاتین است اما لهجه های بومی ولوف و توکولور متداول می باشد. ۹۵٪ مردم مسلمان، ۲٪ مسیحی و ۳٪ پیرو ادیان بومی و فرقه مریدی که یک قرن قبل توسط شیخ احمد و بامبا پایه گذاری شده در غرب افریقا و افریقای مرکزی پیروان زیادی دارد و تنها در سنگال ۵/۱ میلیون نفر از آن پیروی می کنند. رهبران این فرقه که عقاید صوفیه و اهل طریقت دارند از قدرت عظیم اقتصادی سیاسی برخوردار بوده و می توانند برای حکومت مرکزی مشکل آفرین باشند. طبی شهر مقدس مریدی هاست، روحانیون و رهبران این فرقه در طوبی سکونت دارند عده ای از طرفداران این فرقه در مزارع وسیع بادام زمینی و با اعتقادات به ثواب اخروی به کشت و کار مشغولند که محصول آنان را فرانسویان از طریق رهبران فرقه می خرند. (۱۳) فرقه تیجانیه که در اواخر قرن هیجدهم توسط ابوالعباس شیخ احمد تیجانی (اهل الجزایر) بوجود آمد، در دولت سنگال نفوذ دارد. قادریه نیز فرقه قدیمی دیگر هستند. گروه مذهبی دیگر در سنگال هستند که به آنان به زبان ولفی لای لای (ترجمه لا اله الا الله) می گویند، حدود ۵۰۰۰۰ شیعه در سنگال زندگی می کنند که شیخ عبدالنعیم آل زین رهبری آنان را عهده دار است. ۷۰٪ مردم به کشاورزی مشغولند. اقتصاد آن تک محصولی است و بر پایه صادرات بادام زمینی استوار می باشد. در سالهای اخیر کوشش شده تا با گسترش ماهیگیری و افزایش تولیدات صنعتی و جهانگردی این کشور از حالت تک تولیدی خارج شود. سنگال هفتمین کشور تولید کننده فسفات در جهان به شمار می رود. تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۹۰م ۱/۵ میلیارد دلار و سرانه آن ۷۰۰ دلار بوده است اساسا این کشور در مقایسه با همسایگان خود از وضع اقتصادی خوبی برخوردار است. رابطه سنگال با ایران از سال ۱۳۶۲ش بدلیل عناد غرب با ایران و تحریک رهبران سنگال توسط فرانسه قطع شد ولی در سال ۱۳۶۷ش مجددا سنگال با ایران رابطه برقرار نمود.

گامبیا با ۱۰۶۸۹ کیلومتر مربع وسعت، از کوچکترین کشورهای افریقائی به شمار می‌رود. گسترش آن در جهت طول جغرافیائی است و ۳۲۰ کیلومتر طول دارد. گامبیا همچون باریکه‌ای در طول شرقی - غربی در داخل سنگال قرار دارد و از طریق باریکه‌ای در غرب با اقیانوس اطلس هم‌مرز است. رود گامبیا که ۱۱۲۷ کیلومتر طول دارد با آبرفت‌هایی نواحی حاصلخیزی برای گامبیا بوجود آورده است. موقع استوایی و قرار گرفتن در مجاورت اقیانوس اطلس موجب گرم و مرطوب شدن آب و هوای گامبیا گردیده است. این سرزمین ۸۴۸۰۰۰ نفر سکنه دارد و گروه‌های نژادی آن عبارتند از ماندینگو (۴۰٪)، فولا (۱۳٪)، ولوف (۱۲٪)، جولا (۷٪)، بیرهوئی (۷٪) زبان مورد استفاده انگلیسی است که با خط لاتین نوشته می‌شود. ۹۸٪ مردم پیرو آئین اسلام می‌باشند. اولین بار گامبیا را فنیقی‌ها شناختند و در قرون پنجم و ششم میلادی بخش بزرگی از گامبیا و سنگال جزو امپراطور غانا (غنا) به حساب می‌آمد. بعدها امپراطوری مزبور منقرض و بجای آن مملکت سونگای بوجود آمد که زمامداران آن به اسلام گرویدند و با تمام قوا به نشر اسلام پرداختند. در سال ۱۴۵۵م پرتغالی‌ها به رهبری کاپیتان هنری به اشغال آن پرداخته و پس از آن در سال ۱۷۶۵م استعمار بریتانیا بر گامبیا مسلط شد. در سال ۱۹۶۳م گامبیا استقلال خود را بدست آورد. در سال ۱۹۸۱م کنفدراسیونی از سنگال و گامبیا بنام سنگامبی تشکیل شد و قرار شد رئیس جمهور سنگال به عنوان رئیس و رئیس جمهور گامبیا به عنوان نایب رئیس آن انتخاب شوند ولی دو کشور حاکمیت خود را حفظ کنند. مرکز حکومت آن بانجول است و از ۶ بخش و یک پایتخت تشکیل شده است. ۸۵٪ مردم از طریق کشاورزی و دامداری امرار معاش می‌نمایند و بادام زمینی ۹۰٪ صادرات آن را تشکیل می‌دهد. متأسفانه ۷۰٪ منابع مالی این کشور از طریق کمک‌های خارجی بخصوص انگلستان و کشورهای عربی تامین می‌شود. واحد پول آن دالازی است که به صد بوتوت (۱۴) تقسیم می‌شود. (۱۵)

گینه بیسائو

جمهوری گینه بیسائو که در غرب‌ترین نقطه افریقا قرار دارد. با وسعتی برابر ۳۶۱۲۵ کیلومتر مربع وسعت در شمال باینگال و در جنوب و مشرق با گینه مرز مشترک دارد. کناره‌های ساحل غربی آن که مشرف به اقیانوس اطلس است بریده و بعضاً حالت باتلاقی دارد و از چندین جزیره برخوردار می‌باشد. خلیج بیسائو هم در غرب آن واقع است. آب و هوا در سواحل و جزایر غربی، اقیانوسی ولی در سایر نقاط گرم و مرطوب می‌باشد. کاشو، مانسوا، گبارکوروبال از رودهای این کشور می‌باشند. گینه بیسائو در گذشته یکی از مراکز حمل برده بوده است. در سال ۱۴۴۶م گینه بیسائو بنام گینه پرتقال مستعمره پرتقال گردید. در بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰م گروه‌های کوچک وطن پرست سازمان یافت و نهال مبارزات ضد استعماری با تاسیس حزب استقلال گینه بیسائو و جزایر دماغه سبز روئید. در سال ۱۹۷۴م با وساطت الجزایر، دولت پرتقال آن را به سمیت شناخت و با کسب استقلال، بسیاری از آوارگان باین سرزمین بازگشتند گرچه پایتخت این کشور مدینه دوبوئه نام دارد ولی مرکز حکومت آن بندر مهم بیسائو می‌باشد، گینه بیسائو به ۸ منطقه تقسیم شده و از شهرهای مهم آن بوآلام و کاشو را می‌توان نام برد. جمعیت آن بر اساس آمار سال ۱۹۹۰م به ۹۶۲۰۰۰ نفر بالغ می‌گردد. تیره‌های اقوام فولا و ماندینگو گروه‌های مهم قومی آن هستند. زبان رسمی پرتغالی است ولی مردم به زبان بومی «کری تولو» (۱۶) و چند لهجه بومی تکلم می‌کنند. ۷۰٪ مردم مسلمان هستند. فقدان منابع معدنی و کمبود مواد خام و منازعات قبیله‌ای این کشور را با اقتصادی توسعه نیافته مواجه نموده است. ۸۵٪ مردم به کشاورزی و دامداری مشغولند، برنج، خرما و بادام زمینی از محصولات آن می‌باشد، ماهیگیری در سواحل و جزایر غربی این کشور رواج دارد. صنایع آن غالباً غذایی و ساختمانی است. واحد پول گینه بیسائو، پزوست که به صد سنتاوس تقسیم می‌شود.

گینه کوناگری

جمهوری گینه با ۲۴۵۸۵۷ کیلومتر مربع وسعت در ساحل شرقی اقیانوس اطلس واقع است، نواحی مرکزی و شرقی آن از فلات فوتاجالون تشکیل شده و در شمال شرقی، جلگه گینه به سوی رودخانه نیجر سرازیر می‌گردد. در جنوب شرقی پوشش گیاهی انبوه استوایی مشاهده می‌شود. رودهای نیجر، گامبیا و سنگال از فلات فوتاجالون منشا می‌گیرند. در سال ۱۶۹۴م دولت اسلامی فولانی در ناحیه فوتاجالون بوجود آمد. در سال ۱۸۴۹م گینه تحت الحمایه فرانسه گردید و با شروع دوران استعمار مبارزات اسلامی اوج گرفت که منجر به ایجاد حکومت‌های: حاج عمر در مالی، سامور در گینه و عثمان دان فودیو در نیجر گشت در سال ۱۹۵۸ میلادی پس از مبارزات طولانی مردم مسلمان گینه، این کشور استقلال خود را به رهبری احمد سکوتوره بدست آورد. در سال ۱۹۸۴م با مرگ احمد سکوتوره - رئیس جمهور وقت گینه - کودتایی در گینه رخ داد که پس از آن کشور گینه به غرب روی آورد و اکنون با فرانسه، آمریکا و عربستان رابطه دارد. گینه به ۲۷ منطقه تقسیم می‌شود و مرکز حکومت آن شهر کوناکری است. کشور گینه ۶۷۹۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۴۰٪ آن از قوم فولانی هستند که از قرون چهاردهم و پانزدهم باین سرزمین راه یافته‌اند. قوم مالینکه (ماندینگو) از مالی به این ناحیه آمده‌اند غیر از اینها ۱۶ گروه نژادی دیگر در گینه سکونت دارند. ۸۵٪ مردم مسلمان و بقیه پیرو مسیحیت و مذاهب ابتدائی هستند. مردم گینه به مسلمانان جهان علاقه وافری دارند و با پیروزی انقلاب اسلامی اعتقادات مذهبی آنان، شور و هیجان خاصی بخود گرفته و احکام اسلامی چون رعایت اجباری روزه منع کلی مشروبات الکلی و گوشت خوک، مجازات زانی در این کشور اجرا شد و در ۳۴ منطقه شکور شوراهاى اسلامی بوجود آمد. غیر از زبان فرانسه مردم به هفت زبان بومی (از شاخه سودانی) تکلم می‌کنند. ۷۵٪ مردم گینه در بخش کشاورزی مشغول به کارند و محصولات مهم آن نخل روغنی، خرما، برنج، قهوه، آناناس، پنبه و بادام زمینی است. ۳۵٪ بوکسیت جهان در گینه وجود دارد.

پی‌نوشتها

۳ Riodeoro(polisario) - ۱ front-populaire pour-al-leberation Desayuaiel Hamara Et - جبهه پولیساریو - نوشته اریک فیشتلیوس ترجمه مجید نوحی، تهران، قلم. ۴- جنبش آزادی بخش - حسین هدی - علیرضا بهشتی تهران ۱۳۶۱، صفحات ۷۶ و ۷۷. ۵- معادن فسفات در زمینی به مساحت ۲۵۰ کیلومتر مربع با ۱۰ میلیارد تن بالغ می‌گردد. ۶- Alaiun - سه گزارش از افریقا. مالی، موریتانی و غنا - دفتر ثبت‌شن و کویرزدایی بهمن ۶۵ پلی کپی. ۸- مغرب بزرگ پل بالتا، صفحات ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰. ۹- مغرب بزرگ پل بالتا، صفحات ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰. ۱۰- تاریخ افریقا، بنیل دیویدسن، ص ۴۲۷. ۱۱- خبرگزاری فرانس پرنس، به نقل از کیهان ش ۱۴۴۷۶. ۱۲- سه گزارش از افریقا: مالی، موریتانی، و غنا - تهران - دفتر تثبیت‌شن و کویرزدایی، پلی کپی. ۱۳- آنسوی دروازه افریقا - قسمت شانزهم - یونس شکرخواه - کیهان ش ۱۴۳۶۸. ۱۴- butut - آشنائی با کشورهای افریقای غربی و مرکزی، مهتاب تبریزی و شروین طهماسبی، ص ۴۴. crioulo. ۱۶-

بورکینافاسو (ولتای علیا)

بورکینافاسو یک لفظ بومی است و به سرزمین جوانان مبارز می‌باشد اما نام دیگر این سرزمین یعنی ولتای علیا بخاطر رودی است که آن را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌کند. بورکینافاسو به صورت جمهوری اداره می‌شود و با ۲۷۴۱۲۲ کیلومتر مربع همچون مثلی در غرب افریقا بین مالی و نیجر قرار دارد. بورکینافاسو در سال ۱۸۹۶م تحت الحمایه فرانسه گردید و در سال ۱۹۵۸م به خودمختاری و در سال ۱۹۶۰م به استقلال دست‌یافت. تا سال ۱۹۸۳م با کشورهای غربی بخصوص فرانسه ارتباط سیاسی داشت

ولی با انجام کودتایی توسط افسران جوان ، و متهم نمودن رژیم قبلی به وابستگی به غرب ، شورایی بنام شورای ملی انقلاب برای اداره آن بوجود آمد . مرکز حکومت آن شهر اوآگادوگو (۱) و از شهرهای مهم آن بوبودیولاسو (۲) می باشد این کشور از دولت تشکیل شده که زیر نظر دولت مرکزی اداره می شود . مردمان آن اغلب سیاهپوستتند . و مهمترین گروه نژادی آن که سازمان یافته اند به موسی و گورما (۴) از دیگر طوایف نژادی آن می باشند . زبان رسمی فرانسوی است و خط متداول لاتین می باشد . ریشه زبانهای بومی و محلی سودانی است ، ۶۰٪ مردم مسلمان هستند ، اقلیت بزرگ آن آنیمیست ها هستند و دومین گروه مذهبی مسیحیان می باشند . این سرزمین به لحاظ شرایط خاص جغرافیائی و خشکسالی های بین سالهای ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۴ ش و سلطه استعمار در دوران ۶۴ سال مستعمره این کشور ، از فقیرترین کشورهای جهان به شمار می رود . صادرات مهم آن بادام زمینی و محصولات دامی است . خط آهنی که آبیجان (مرکز ساحل عاج) را به نیجر وصل می کند و از این کشور می گذرد در اقتصاد و تجارت خارجی بوركینافاسو نقش به سزایی دارد . (۵) واحد پولی آن فرانک جامعه پولی افریقا است که خود به صد سانتیم تقسیم می شود .

جمهوری سیرالئون

سیرالئون در غرب افریقا و در ساحل شرقی اطلس بین کشورهای گینه و لیبیا قرار دارد . مساحت آن به ۷۱۷۴۰ کیلومتر مربع بالغ می گردد . منطقه باریک ساحلی غربی سیرالئون از جلگه های پست شنی تشکیل یافته که کوههای کم ارتفاع پراکنده ای این ناحیه را از فلات داخلی جدا می کند . در فلات نسبتا مرتفع داخلی دره های متعدد نسبتا ژرفی مشاهده می شود . کوههای شرقی آن حداکثر ۱۹۴۸ متر ارتفاع دارند . آب و هوای آن استوایی و گرم و مرطوب است و متوسط دما به ۲۱ درجه سانتی گراد می رسد . در قرون گذشته بخش هایی از سیرالئون مرکز برده های افریقائی آزاد شده بود . در سال ۱۴۶۰م کاشفان پرتغالی ، سیرالئون را کشف نمودند و در سال ۱۸۹۶م سیرالئون تحت الحمایه بریتانیا قرار گرفت و در سال ۱۹۶۱م به استقلال دست یافت . فری تاوون مرکز حکومت آن در شبه جزیره ای در کنار اقیانوس اطلس واقع است این بندر از نقاط دیدنی و زیبای افریقا می باشد . ۴ استان دارد که هر کدام به ۱۴۷ منطقه قبیله نشین تقسیم می شود . سیرالئون جزو کشورهای مشترک المنافع بریتانیاست و با شرق و غرب رابطه دارد . مردم سیرالئون از نژاد سیاه بوده و ۶۰٪ آن از تیره های تمه و منده می باشند . لمب کورون کو ، دیالونکه و کی سی از دیگر قبایل آن هستند ، افراد لبنانی ، سوریه ای و اروپائی هم در این کشور سکونت دارند . زبان رسم ..انگلیسی و خط رایج آن لاتین است ولی مردم ، به زبانهای کریو ، کرئول و سودانی تکلم می نمایند . دین رسمی اسلام است و ۷۰٪ سکنه ۴ میلیونی آن مسلمان هستند . روستانشینان که ۶۸٪ سکنه را تشکیل می دهند به کشاورزی و دامداری اشتغال دارند . مهمترین محصول زراعی آن برنج است که تولید سالانه آن به نیم میلیون تن در سال بالغ می گردد ولی پایه اقتصاد آن بر استخراج منابع معدنی استوار است . این کشور دومین تولید کننده الماس صنعتی و هشتمین تولید کننده الماس زینتی در دنیا می باشد . طلا و سنگ آهن هم در آن تولید می شود . (۶)

لیبیا

برای قرنهای متمادی تجارت برده ، بسیاری از مردمان افریقا را از سرزمین خود دور ساخت و در تنهایی جانکاه و نومید کننده خویش از فشار کار و زیر ضربات شلاق در حالی که زنجیر در پای و گردن داشتند ، جان باختند . بیشترین تعداد بردگان در طی قرون جدید یعنی از سال ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی از افریقا گرفته شدند . بره فروشان بیرگ این دوران ، اروپائیان بودند و در همان دوره ای که اروپا به سوی ترقی علمی گام می نهاد با بیرحمی و قساوت ، انسانهای بیگناه و محروم افریقایی را برده خود نموده و از آنان چون حیوان بهره کشی می نمودند . بیشترین سیاه پوستان که به عنوان برده از افریقا به امریکا انتقال می یافتند مربوط به افریقای

غربی بودند و مسکن اصلی آنان لیبریای کنونی بود و هنگام بازگشت عده‌ای از این بردگان به این سرزمین آمده و بدنبال آن گروهی از سیاهان مسیحی هم به سوی آن روی آوردند و در اوایل قرن نوزدهم با کمک آمریکا، دولتی را بوجود آوردند که لیبریا (سرزمین آزادی) نام گرفت. (۷) لیبریا با ۱۱۱۳۷۰ کیلومتر مربع وسعت در غرب افریقا قرار گرفته است و قبل از تاسیس، به ساحل غله موسوم بود و بر اثر تجارت برده از سکنه خالی شد، تاریخ تاسیس آن ۱۸۲۲م می‌باشد. در این کشور قبل از آنکه سیاهپوستان مسیحی مقیم آمریکا بدان روی آورند ۹۰٪ مردم مسلمان بودند. رهبران مسیحی در اندک مدتی زمام امور را بدست گرفته و صاحب قدرت سیاسی - فرهنگی شدند و مسلمانان را در انزوا قرار داده و رفتار قساوت‌آمیزی با آنان داشتند. حتی تعدادی از قبایل مسلمان را با به کارگیری وسایل تبشیری وادار به قبول دیانت مسیحی نمودند و چون قدرت مادی در دسد مسیحی‌ها بود. پیشرفت اسلام در آن سیر نزولی یافت و کلیساها که قبلاً اثری از آنها نبود نثل قارچ در این کشور روئیدند. هم اکنون از ۲۵۶۲۰۰۰ سکنه آن، ۴۵٪ مسلمان هستند. مسلمانان در سالهای اخیر تحریک خوبی پیدا کرده‌اند و در زمینه احکام و اصول اسلامی کوشش‌هایی نموده‌اند تا از طریق آموزش این مفاهیم، آداب اسلامی را به جوانان انتقال دهند صدها مسجد و مدارس قرآنی در سراسر کشور بویژه در مرکز حکومت یعنی مونرویا ساخته‌اند و با جهان اسلام برخی کشورهای مسلمان آسیای غربی رابطه فرهنگی - مذهبی دارند.

ساحل عاج

جمهوری ساحل عاج با ۳۲۲۴۶۳ کیلومتر مربع مساحت در افریقای غربی بین کشورهای غنا، لیبریا، گینه، مالی و ولتای علیا (بورکینافاسو) قرار دارد. بخش مهمی از آن جنگل فرا گرفته است. ۴ رودخانه در آن جریان دارد. آب و آن گرم و مرطوب می‌باشد. در سال ۱۸۹۱م به عنوان مستعمره فرانسه قلمداد گردید و در سال ۱۹۶۰م به استقلال ست یافت. مرکز حکومت آن شهر آبی جان (۸) است که در کنار خلیج گینه قرار دارد. ساحل عاج ۲۴ حوزة و دو ناحیه خودمختار دارد که زیر نظر شوراهای انتخابی اداره می‌شود. مردم آن از گروههای قومی متفاوتی تشکیل شده‌اند و گرچه زبان رسمی فرانسه است ولی هرکدام از اقوام آن زبان مخصوص خود را دارد. در سال ۱۹۹۰ میلادی ۱۲۳۹۵۰۰۰ نفر سکنه داشته که نیمی از آنان مسلمان بوده‌اند. و گرچه مسلمانان در میان اغلب اقوام دیده می‌شوند اما قوم دیولا تماماً مسلمانند. شهر بواکه دومین شهر پرجمعیت ساحل عاج، نیز مسلمان نشین است. اولین کسی که کوشید تا نظام اسلامی را در نواحی شمالی ساحل عاج مستقر کند شخصی بنام ساموری توره رهبر مسلمانان بود. فرانسویان وی را تحت فشار سختی قرار داده و در سال ۱۸۹۸م او را به زندان افکندند. بازرگانان مسلمان دیولا از قرن هیجدهم جوامع اسلامی را در شمال ساحل عاج بوجود آوردند و این مناطق مرکز رشد و گسترش اسلام تلقی گردید. مسلمانان در امور سیاسی و اداری دخالت دارند و در تشکیلات اسلامی و فعالیتهای مذهبی فرهنگی با مشکل عمده‌ای روبرو نمی‌باشند. بعد از مسلمانان دومین گروه را پیروان آنیست (بت پرست) تشکیل می‌دهند. جمهوری غنا (ساحل طلا) غنا در غرب قاره افریقا در کنار اقیانوس اطلس قرار دارد و وسعت آن به ۲۳۸۵۳۳ کیلومتر مربع بالغ می‌گردد. این کشور با ۵۳۵ کیلومتر ساحل و قرار گرفتن خلیج گینه در جنوب آن، از موقع جغرافیائی مناسبی برخوردار است. (۹) دماغه معروف «تری پوینتیس هم در جنوب آن قرار دارد. اسلام در قرن پنجم هجری توسط عبدالله بن یاسین و ابوبکر لمتونی باین سرزمین نفوذ نمود و امپراطوری بت پرستی آن را مضمحل کرد و با این برنامه غنا از تمدن پویای اسلامی بهره‌مند شد. در قرن هشتم هجری نیز بازرگانان دیولا در نشر اسلام در این سرزمین نقش عمده‌ای را عهده‌دار بودند و در نتیجه تلاشها بی‌وقفه این افراد، دولتهای اسلامی همچون داگومبا، مامپورسی گنجاووالا در این کشور بوجود آمد، هنگامی که در شام تیره‌ای، استعمارگر پیرو یعنی انگلستان برای غارت غنا، باین سرزمین پا نهاد. شهرهایی چون باوکی، تامالی، سالوگاوتی از مراکز مهم اسلامی به شمار می‌رفتند و در حال حاضر هم کثرت سکنه نواحی

شمالی مسلمان هستند. با وجود آنکه ۳۰٪ سکنه ۱۴ میلیونی غنا موحدند، متأسفانه در امور سیاسی، نظامی و اداری نفوذ ناچیزی دارند. اقلیت پروتستان مذهب و نیز گروه‌های کاتولیک در راس امورند، ۴۰٪ مردم غنا، بت‌پرستند و از مذهب آنیست پیروی می‌کنند. مسلمانان ۲۵۰ مسجد دارند و فقه اکثریت آنان مالکی است و فرقه قادریه در این کشور بین مسلمین نفوذ قابل توجهی دارند. وقتی انگلستان استعمار را در این منطقه آغاز کرد اسم غنا را که از دولت مقتدر غانا گرفته شده بود به ساحل طلا تبدیل نمود و لذا این مستعمره را در اولین قدم از هویت تاریخی خود جدا کرد. تا بی‌ریشه‌اش سازد و ثانیاً لقبی به آن داد که غرتگرای خود را به اثبات برساند و ساحل طلا بودن یعنی محل چپاول طلا. قبل از انگلستان مدتی پرتقال در این کشور به غارت پرداخت و بین سکنه بومی آن که اغلب افریقائی بودند بذر تفرقه پاشید و مدتی به تجارت برده و طلا در آن مشغول بود. (۱۰) غنا در سال ۱۹۵۷م در حالی که عضو کشورهای متشکرک المنافع بود، استقلال خود را بدست آورد و در سال ۱۹۶۰م قوام نکرومه نظام آن را جمهوری اعلام نمود. قوام نکرومه در آثار خود و بویژه کتاب «افریقا باید متحد شود» به حیل‌های استعمارگران در غنا اشارات فراوانی دارد. (۱۱) کشور غنا با آنکه بزرگترین تولیدکننده نارگیل در مقیاس جهانی است و مهمترین معادنش طلاست و دومین تولیدکننده الماس در جهان به شمار می‌رود. از کشورهای فقیر جهان محسوب می‌شود و مردمان آن در محرومیتی شدید و خانمانسوز قرار دارند. متأسفانه ۵۰٪ ذخائر طلای آن را هنوز پیمانکاران غربی به خود اختصاص می‌دهند. (۱۲)

توگو

کشور توگو به صورت باریکه‌ای در عرض جغرافیائی کشیده شده است و در افریقای غربی و در ساحل خلیج گینه قرار دارد. عرض آن ۶۰ کیلومتر و طولش به ۶۰۰ کیلومتر بالغ می‌گردد. آب و هوای گرم و مرطوب و پرباران دارد. توگو تا سال ۱۹۶۰م تحت سلطه فرانسه بود و از این لحاظ است که زبان رسمی آن فرانسه بوده و حتی سرود ملی به زبان فرانسه اجرا می‌شود و نفوذ فرهنگ استعماری تاثیر خود را در این کشور محروم افریقائی بخشیده و خودباختگی فرهنگی در آن قابل مشاهده است. اکثریت سکنه ۳۶۹۷۰۰۰ نفری توگو، بت‌پرست و پیرو آئین‌های ابتدائی هستند با این وصف ۲۵٪ مردم آن آئین جاودانی و پرصلابت اسلام را پذیرفته‌اند. شهر سوکوده توگو مرکز تاریخی اسلام و یادآور تمدن باشکوه اسلام است که روزگاری در غرب افریقا اقتدار و شوکتی داشته است. اولیت مسجد توگو در سال ۱۸۲۰م تاسیس شد. ملمانان نواحی شمالی توگو از تیره‌های حوصه، جرما، کوتولی و چوکوسی هستند ولی در جنوب از برازیلی‌ها می‌باشند، مسلمین در امور سیاسی و حکومتی نقش مهمی ندارند و حتی در مواردی تحت فشار می‌باشند، با وجود اسلام زدایی و تبلیغات منفی غربی‌ها، مسلمانان با انقلاب اسلامی آشنا هستند و ایران را بنام امام خمینی (قدس سره) می‌شناسند. برخلاف آن همه هجوم فرهنگی و تخریب معنوی قرآن در قلب مسلمین توگو نفوذ دارد و آنان در عین فقر و محرومیت اقتصادی رابطه خود را با اسلام قطع نکرده‌اند و جوانان مسلمان در قلب آن خودباختگی و فلاکت، قرآن به دست دارند و بی‌توجه به مظاهر فرهنگ بیگانه به ذکر و نیایش و عبادت مشغولند.

بنین

جمهوری خلق بنین با ۱۱۲۶۲۲ کیلومتر کربع وسعت به صورت سرزمین باریک در افریقای غربی بین نیجریه و توگو قرار گرفته است. ساحلی به طول ۱۲۵ کیلومتر در کنار اقیانوس اطلس و خلیج گینه دارد. نصف النهار گرینویچ از نزدیکی آن عبور می‌کند. مرکز حکومت آن بندر «پورتونوو» (۱۳) می‌باشد که در کنار خلیج گینه قرار گرفته است. بنین تا سال ۱۹۶۰م زیر سلطه فرانسه بود و تا سال ۱۹۷۵م به داهومی معروف بود. طبق آمار سال ۱۹۹۰م بنین ۴۶۶۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که اغلب آنان از قبایل فون،

آجاباریا، یوروبا و فولانی هستند و زبان رسمی آنان فرانسه است. ۴۰٪ مردم بنین مسلمان هستند. اما دولت حاکم بر آن می‌کوشد آمار آن را کمتر از این میزان نشان داده و در برخی گزارشهای رسمی اعلام کرده که ۱۳٪ مردم بنین مسلمان می‌باشند.

جمهوری فدرال نیجریه

نیجریه پرجمعیت‌ترین کشور آفریقایی و سومین کشور مسلمان در جهان اسلام می‌باشد. جمهوری فدرال نیجریه با ۹۲۳۷۶۸ کیلومتر مربع وسعت در شمال با نیجر، در غرب با بنین و در جنوب با کامرون مرز مشترک دارد. این کشور فلات پهنای است در آفریقای غربی که توسط دو رودخانه نیجر و بنوئن به ۳ بخش شمالی، شرقی و غربی تقسیم می‌شود. در بخش شمالی قله «گربون» (۱۴) و فلاتهای «جادو» (۱۵) و «مانگی نی» (۱۶) قرار دارند. در نواحی جنوبی آن برجستگی‌های کم ارتفاعی دیده می‌شود. آب و هوای آن در اکثر نقاط استوایی و نیمه استوایی می‌باشد اما در غرب، تحت تاثیر جریانات اقیانوس اطلس، معتدل اقیانوسی است. نواحی غربی و جنوب و شرق این سرزمین اسلامی از جنگلهای استوایی پوشیده شده است. قدیمی‌ترین تمدن شناخته شده در نیجریه، فرهنگ نوک است که در بین سالهای ۷۰۰ تا ۲۰۰ قبل از میلاد در آن وجود داشته است. تمدن ایفه در قرن دوازدهم نیز نیجریه را به شکوفائی رسانیده است. (۱۷) همچنین دولت مقتدر کانم و پس از آن سونگای بخشهایی از این کشور را در بر می‌گرفته است. در کانو، زاریا، گابرو دورا، دولتهای مسلمان پدید آمدند. در قرن پانزدهم (اواخر آن) مصلحی بنام محمد آسکیای کبیر کوشید تا این نقاط اسلامی را با هم متحد نموده و از این راه مسلمانان را به شکوفائی و اقتدار برساند. اما این تلاش گرچه موفقیت آمیز بود ولی دوامی نیافت و در قرن هیجدهم اصلاح طلب مسلمانی بنام عثمان دان فودیو به تجدید حیات اسلامی در نقاط تحت قلمرو نیجریه کنونی و آفریقای غربی و مرکزی پرداخت. وی کشوری اسلامی بنیان نهاد که از «گاندو» تا «آداما» را در بر می‌گرفت که در اتحادی بزرگ، قوانین اسلامی در این سرزمین پهناور اجرا می‌گشت. در قرن پانزدهم میلادی، پرتغالی‌ها و در قرون بعد انگلیسی‌ها برای غارت این سرزمین، بدان پا گشودند و در قرن هفدهم، سواحل آن را تبدیل به یکی از مهمترین مراکز تجارت برده در آفریقای غربی نمودند. در ساحل اقیانوس اطلس و در نزدیکی لاگوس مرکز حکومت نیجریه، شهرکی دیده می‌شود بنام «بده گوری (باداگوری)» که یادآور خاطره تلخ و اسفبار شکنجه بردگان سیاه می‌باشد. در این شهرک شکنجه‌گاه بردگان هنوز دیده می‌شود که در آن استعمارگران انگلیسی و غیر آن، سیاهان را دستگیر و پس از ظربات طولانی و شکنجه‌های زیاد توان حرکت را از آنان گرفته و تسلیم خود می‌نمودند و به تجارت این کالا زنده می‌پرداختند. (۱۸) در اواخر قرن نوزدهم، بریتانیا، نیجریه را تصرف نمود و آن را به عنوان آفریقای غربی انگلستان جزو نواحی تحت الحمایه خود منظور کرد. در سال ۱۹۵۴م نیجریه‌دارای خودمختاری شد و عضو جامعه کشورهای مشترک المنافع گردید و در سال ۱۹۶۰م مردم آن با شرکت در یک همه پرسی، فرمانداری کل نیجریه را تایید نمودند و در سال ۱۹۶۳م نیجریه با اعلام حکومت جمهوری، استقلال کامل خود را بدست آورد. در سال ۱۹۶۶م با کودتای نظامی دولت وقت سرنگون شد و در همین سال قبایل مسلمان شمال و شرق آن قیام نمودند و خواستار احقاق حق خود شدند که به شدت توسط قوای نظامی سرکوب شدند. در سال ۱۹۶۷م ایالت بیافرا واقع در شرق نیجریه اعلام جدایی از فدارسیون نیجریه و استقلال نمود که با این حرکت، قوای دولت فدرال در آن مداخله نموده و پس از محاصره و سرکوبی و قریب سی ماه جنگ، محاصره مذکور و جنگ داخلی پایان یافت که ثمری جز کشتار خونین مردم و فقر و فلاکت آنان نداشت. طی سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۲م قبایل مسلمان نواحی شمالی قیام نمودند که توسط نظامیان به شدت سرکوب شدند. نیجریه ۱۱۷ میلیون نفر سکنه دارد که اکثرا در نواحی شمالی و غربی سکونت دارند. نژاد اصلی مردم سیاهپوست است و بیشترین سکنه به قوم «هوزا» تعلق دارد اما ۲۵۰ تیره مختلف در این کشور می‌باشند. زبان رسمی انگلیسی است ولی زبانهای بومی و عربی هم در آن رواج دارد. بیش از نیمی از مردم نیجریه مسلمان هستند. و بزرگترین اقلیت آن مسیحیان می‌باشند. بیشترین شمار

مسلمانان از گروه نژادی «حوصه هستند که در ایالت‌های شمالی تمرکز دارند. یوروباه‌ها و فولانی‌ها نیز اکثراً به اسلام گرایش دارند. مسلمانان پیرو فقه مالکی هستند و هزاران مسجد در نقاط گوناگون نیجریه تاسیس نموده‌اند. سازمان‌های اسلامی و حتی دانشگاه‌های مذهبی در نیجریه به نشر معارف اسلامی در سطح عالی مشغولند. مسلمانان گاهی تا سطح رئیس جمهوری و عده‌ای از وزرا در امور سیاسی دخالت دارند که موقع سیاسی آنان در زمان‌های مختلف فرق می‌کرده است. در سال ۱۹۹۲م سوسیال دموکرات‌های نیجریه از ۹۱ کرسی سنا ۴۷ کرسی و از ۵۹۳ کرسی مجلس نمایندگان، ۳۱۰ کرسی را بخود اختصاص داده‌اند که با این حساب نفوذ احزاب اسلامی و تشکیلات مذهبی در دولت جدید کاهش می‌یابد. گرچه جوانان مسلمان نیجریه به قرآن و اسلام عشق می‌ورزند ولی آنقدر بهای یک جلد قرآن را در این کشور بالا برده‌اند که آنان قادر نیستند نسبت به تهیه آن اقدام کنند و ناگزیرند قرآن را رونویسی نمایند. گروهی بنام «مایتاسیتا» که خود را یک جریان اسلامی معرفی می‌کنند همچون منافقین ایران هر از گاهی در کوچه و خیابان به مردم حمله کرده و به قتل و غارت می‌پردازند تا افراد را نسبت به مسلمین بدبین کنند. مرکز حکومت نیجریه شره لاگوس (۱۹) می‌باشد. که از نظر جمعیت در ردیف بزرگترین شهرهای جهان است و بیش از ۱۰ میلیون نفر را در خود جای داده است. لاگوس از ۱۸ جزیره کوچک و بزرگ تشکیل شده و پل‌های متعددی در آن به چشم می‌خورد. نیجریه ۱۹ استان دارد. نیجریه از ذخائر غنی نفت برخوردار است و از این لحاظ هشتمین کشور تولید کننده در دنیا به شمار می‌رود. گرچه کاوش نفت در این کشور از سال ۱۹۰۸م آغاز شده اما منابع جدید نفت آن در سال ۱۹۷۰م در سواحل کشف گردید. افزایش ارزش نفت و فرآورده‌های گوناگون آن در سال ۱۹۷۳م اقتصاد آن را از شکوفائی ویژه‌ای برخوردار نمود اما این کشور بدلیل آنکه تحت تبلیغات کشورهای غربی به مصرف‌زدگی روی آورد و در این زمینه افراط نمود، وارداتش افزایش فوق العاده‌ای یافت که منجر به بالا رفتن میزان بدهی‌های آن شد و قروض خارجی آن به ۵ میلیارد دلار رسید که تنها ۳۰٪ آن را به انگلستان مقروض است. افزایش بدهی‌های خراجی و فساد اداری موجب سقوط رژیم قبلی شد. نیجریه عضو کشورهای صادر کننده نفت می‌باشد. (OPEC) با وجود آنکه ۴ برنامه توسعه اقتصادی در آن باجرا گذاشته شده ولی رونق اقتصادی آن قابل توجه نبوده است و این کشور از نظر تامین مواد غذایی برای سکنه زیاد خود به خارج وابسته است. ثروت نیجریه تنها نفت نیست. ۹۵٪ کلمیت (۲۰) جهان در این سرزمین بدست می‌آید و از این لحاظ در جهان رتبه اول را داراست زغال سنگ و سنگ آهن از منابع معدنی دیگر آن می‌باشد. مجتمع ذوب آهن و فولاد آن در ناحیه «آژائوکوتا» (۲۱) تاسیس شده است. صنایع آلومینیوم، نساجی، سیمان سازی و تولید سیگار از مهمترین مراکز صنعتی آن است. (۲۲) در بخش صنایع، هدف، جایگزینی واردات با تولیداتی داخلی بوده است ولی سهولت وارد نمودن کالاهای خارجی و رقابت با محصولات داخلی موجب رکود و تعطیلی برخی از کارگاه‌های نیجریه شد. (۲۳) ۷۰٪ نیروی کار در بخش کشاورزی مشغولند و زمین‌های حاصلخیزی در نیجریه وجود دارد ولی بحران‌های اقتصادی و استفاده نابجا از درآمدهای نفتی، بخش کشاورزی را تخریب نموده و متأسفانه محصولات کشاورزی آن توسط پولدارانی که با نفت ثروتمند شده‌اند وارد می‌گردد. انقلاب سبز هم بجائی نرسید و کشوری که اولین تولید کننده بادام زمینی در قاره آفریقا بود، بدین لحاظ عقب نشینی نمود و تولید نخل روغنی و کاکائو هم در آن تنزل یافت. اکنون هیولای فقر بر نیجریه چنگ انداخته است و شاغلین بومی هیچ رغبتی به کار و تلاش ندارند و اصولاً کشاورزی برایشان سودی ندارد زیرا گندم وارداتی خیلی ارزانتر از گندم داخلی بدست مردم می‌رسد. این یکی از حیل‌های استکبار جهانی است که کشورهای اسلامی را در بحران‌های اقتصادی و حالتی از فقر نگاه دارند تا هم ماده خام مورد نیاز آنان را تامین کرده و هم بازار خوبی برای آنان باشند و بدین گونه است که نیجریه با آن آب و هوای مساعد، رودخانه‌های پرآب، سواحل اقیانوسی، اراضی پر برکت، معادن غنی، نیروی کار فراوان و ارزان در مرداب گرسنگی و فقر غوطه می‌خورد. آری مردمان موحد این سامان ارزاق و نیازمندها را به قیمت گزاف تهیه می‌کنند اما مشروبات الکلی بوفور در اختیارشان است. از نظر دامپروری وضع نیجریه بهتر است و صادر کننده پوست و روده می‌باشد ولی اوضاع

ماهگیری اسف انگیز است زیرا ژاپنی‌ها در سواحل آن بهترین ماهی‌ها را صید نموده و به بهای گزافی در اختیار مردم می‌گذارند! صنعت جهانگردی نیجریه به دلیل برخورداری از مناظر با طراوت ساحلی، جنگل‌های انبوه، هنرهای دستی زیبا و برپائی جشنواره‌های هنری - فرهنگی نیجریه که همه ساله در یک استانهای آن برگزار می‌شود شکوفایی قابل توجهی دارد. واحد پول نیجریه «نایرا» (۲۴) نام دارد که خود به ۱۰۰ «کوبو» (۲۵) تقسیم می‌شود.

جمهوری متحده کامرون

جمهوری متحده با ۴۶۵۴۵۸ کیلومتر مربع وسعت در شرق خلیج گینه و جنوب دریاچه چاد واقع است. دشت ساحلی آن کم ارتفاع می‌باشد و آب و هوای گرم و مرطوب دارد. فلاتهای مرکزی کامرون توسط ارتفاعاتی محصور می‌گردد. در نواحی شمالی کامرون که بین کشور چاد و کوههای آداموا (۲۶) قرار گرفته فلات نسبتاً وسیع و مرتفع و دشتهای عمیق و «یانانگا» (۳۰) رودهای مهم آن هستند. پرتغالی‌ها در قرن پانزدهم میلادی وارد کامرون شدند. از سال ۱۸۸۵م نفوذ آلمان در آن آغاز شد و سرانجام کامرون در سال ۱۹۰۲م بصورت یکی از مستعمرات آلمان درآمد. در جنگ جهانی اول فرانسه و انگلستان آن را تصرف نموده و بین خود تقسیم کردند. در سال ۱۹۶۴م کامرون فرانسه استقلال یافت و یک سال بعد کامرون برونیتانیا به دو بخش تقسیم شد. بخش شمالی آن به نیجریه الحاق گردید و قسمت جنوبی به کامرون ضمیمه گشت. کامرون در حال حاضر (۱۹۹۰م) ۱۱۷۵۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۵۵٪ در کانونهای شهری سکونت دارند. رشد سالانه جمعیت ۲/۳٪ و تراکم نسبی آن در هر کیلومتر مربع ۲/۲۵ نفر می‌باشد. ۲۰۰ تیره و نژاد سیاه د کامرون سکونت دارند ولی سه قوم نژادی اصلی آن «بانتوها» (۳۱) «فول» (کیردی ۳۳) هستند. بانتوها که ۳۰٪ سکنه کامرون را شامل می‌شوند در جنوب و نواحی ساحلی هستند و قوم کیردی د شمال می‌باشند. قوم فول به غالباً مسلمانند و به امور دامداری و گله داری مشغولند. زبان رسمی رسمی فرانسه و انگلیسی است (بدلیل سلطه استعمار) ولی مردمان بومی به زبانهای محلی و سودانی تکلم می‌نمایند. ۶۰٪ مردم کامرون مسلمان و سنی مذهبند و بقیه مسیحی (کاتولیک) و پیرو مذهب ابتدائی هستند. در گذشته، مسلمانان در امور سیاسی کامرون نفوذ زیادی داشتند و نحوی که پس از استقلال، اولین رئیس جمهور آن که «احمد و آهیجو» بود از بین مسلمانان برگزیده شد. وی در پنج دوره رئیس جمهور بود و پنجمین دوره ریاست جمهوری از سال ۱۹۸۰م آغاز شد. در حال حاضر مسلمانان در امور سیاسی و اداری نفوذ قوی ندارند و متأسفانه پلیس کامرون مشغول سرکوبی مسلمانان است و درگیری شدیدی بین قوای امنیتی و مردمان مسلمان پدید آمده است. کامرون از ۷ استان تشکیل شده که زیر نظر فرماندار دولت مرکزی اداره می‌شود و مرکز حکومت آن «یائونده» (۳۴) است. کامرون از کشورهای ثروتمند افریقا و منابعی چون طلا، نقره، آهن، بوکسیت و آلومینیم دارد. در سال ۱۹۷۸م استخراج و تولید نفت در آن آغاز شد. اقتصاد آن بر کشاورزی و دامداری استوار بوده و محصولات زراعی آن عبارتند از: موز، کاکاتو، قهوه، خرما، پنبه، توتون، ذرت خوشه‌ای و تنباکو. واحد پول آن فرانک و برابر صد ساتیم است.

گینه استوائی

جمهوری گینه در غرب افریقا و در کنار خلیج گینه و در همسایگی کشورهای کامرون و گابون قرار دارد. آب و هوای آن گرم و مرطوب بوده و سراسر آن را جنگلهای انبوه استوایی فرا گرفته است. در قرن پانزدهم میلادی، پرتغالی‌ها به این سرزمین وارد شدند. در سال ۱۷۷۸م طبق معاهده «پاردو» (۳۵) جزیره فرناندوپو و قسمتی از سواحل گینه به اسپانیا واگذار شد. در سال ۱۹۰۰م این ناحیه به گینه اسپانیا معروف شد و در سال ۱۹۵۹م به عنوان یکی از ایالات اسپانیا درآمد. این کشور در سال ۱۹۶۸م پس از ۲۰۰ سال

مستعمره بودن، استقلال خود را بدست آورد و به گینه استوایی معروف شد. (۳۶) این کشور ۲۸۰۵۱ کیلومتر مربع وسعت دارد. از دو استان تشکیل شده که زیر نظر دولت مرکزی اداره می‌شود، مرکز حکومت آن شهر مالابو بود که در زمان سلطه استعمار به سانتا ایزابل معروف گشت. گینه استوایی ۲۵۵۰۰۰ نفر سکنه دارد که اکثریت سکنه آن مسیحی بوده و ۲۰٪ آن پیرو آئین اسلام هستند. در سال ۱۹۷۳م که بر حسب تصویب قانونی، تمام قدرتها در اختیار رئیس جمهوری قرار گرفت هیچ فردی حق وارد شدن باین کشور را نداشت مگر آنکه رئیس جمهور اجازه دهد، دیکتاتور خشنی بر مردم و بویژه مسلمانان حاکم یافت و بسیاری از مسلمانان در کشتارها و تیرباران‌های دسته جمعی همچون سایر مردم کشته شدند و زندانها از زندانیان سیاسی و مذهبی انباشته شد.

پی‌نوشتها

۵- ۴- gorma ۳- bobo ۲- bobodioulassa ۱- ouagadogo - جغرافیای کشورهای مسلمان - عبدالرضا فرجی، تهران وزارت آموزش و پرورش ص ۲۴۴. ۶- آشنائی با کشورهای افریقای غربی و مرکزی ص ۷۴. ۷- مقاله افریقا - رسول خیراندیش - مجله رشد جوان ش ۹ - خرداد ۱۳۷۱. ۸- Abijan - نصف النهار گرینویچ از بخش‌های شرقی آن می‌گذرد و لذا غنا هم در نیمکره شرقی قرار دارد و هم در نیم کره غربی. ۱۰- آشنائی با کشورهای افریقای غربی، صفحات ۱۰۷ تا ۱۱۰. ۱۱- آفریقا باید متحد شود - قوام نکرومه مترجم دکتر محمد توکل - تهران مروارید. ۱۲- دو برگ سبز، یادداشت‌های سفر به کانادا و افریقا، سید محمد اصغری، تهران مؤسسه کیهان ص ۱۰۹. ۱۳- Grebon ۱۴- Djado ۱۵- Mangueni. ۱۶- ۱۷- گیتا شناسی کشورها ص ۳۴۴. ۱۸- دو برگ سبز یادداشت‌های سفر به کانادا و افریقا. ص ۱۱۹. ۲۰- ۱۹- Lagos - کلمبیت ماده‌ای است که برای ساختن فولادهای مخصوص موتورهای جت به کار می‌رود. ۲۱- ۲۲- Ajaokuta - آشنائی با کشورهای افریقای غربی و مرکزی، ص ۱۴۱. ۲۳- اوپیک و اثرات تخریبی تطبیق، قیمت نفت ص ۱۳۱. ۲۴- Kobo - naira ۲۵- Adamaoua ۲۶- Benue ۲۷- ntem ۲۸- Nyong ۲۹- Sanaga ۳۰- Bantou ۳۱- Foulbe ۳۲- Kirdi ۳۳- ۳۴- Pardo - Yaounde - تاریخ آفریقا - ترجمه و تالیف دکتر حسین الهی - تهران چاپخش - ۱۳۶۸ ص ۲۵۵.

جمهوری گابن

گابن با مساحت ۲۶۷۶۶۷ کیلومتر مربع وسعت در غرب افریقا و کنار اقیانوس اطلس و در همسایگی کشورهای کامرون، گینه استوایی و کنگوی برزاویل واقع است. خط استوا از این کشور نیمه کوهستانی می‌گذرد. کناره‌های آن جلگه‌ای بخش اعظم آن را جنگل می‌پوشاند. پرتقال در قرن پانزدهم میلادی آن را کشف نمود و تحت سیطره گرفت ولی نفوذ سایر اروپائیان در آن بدلیل انبوهی جنگل و ارتفاع زیاد تا اواسط قرن نوزدهم به تاخیر افتاد. در سال ۱۸۳۹م قوای فرانسه در آن پایگاهی بدست آوردند و در سال ۱۹۹۰م گابون جزئی از کنگو فرانسه شد و در سال ۱۹۱۰م گابن و سه عضو سابق افریقای استوایی فرانسه یعنی کنگو، چاد و افریقای مرکزی یک اتحادیه و یک سازمان اداری مشترک برای حمل و نقل و ارتباطات تشکیل دادند و بالاخره در سال ۱۹۶۰م این کشور به استقلال دست یافت. مرکز حکومت آن شهر لیرویل است و تنها پایتخت جهان می‌باشد که بر روی خط استوا قرار گرفته است. در سال ۱۹۶۷م پس از مرگ لئومبا (اولین رئیس جمهور گابن) آلبرت برنارد بونگو (۱) به ریاست جمهوری رسید وی پس از مدتی کیش مسیحی را تغییر داد و اسلام را اختیار نمود و نام خود را بع عمر تبدیل نمود و راهی سفر حج شد. با وجود آنکه ۳۰٪ مردم گابن مسلمان هستند این کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی می‌باشد. مسلمانان در برپائی مراسم مذهبی و تبلیغات اسلامی از آزادی خوبی برخوردارند و در امور سیاسی، اداری و نظامی نفوذ خوبی دارند. گابن ۱۲۶۰۰۰۰ نفر سکنه دارد

که تراکم نسبی آن ۷/۴ نفر در کیلومتر مربع و رشد سالانه آن ۲/۲٪ گزارش شده است. (۲) اکثریت مردم از نژاد سیاه بوده و زبان آنان فرانسوی (زبان رسمی) و خط لاتین می‌باشد. گابن از لحاظ درآمد سرانه اولین کشور افریقای سیاه و دومین کشور افریقائی پس از لیبی می‌باشد. کشوری است با ذخائر سرشار معدنی و جنگلی، نفت از منابع معدنی آن است که ۵۰٪ تولید ناخالص داخلی و ۷۵٪ صادرات آن را دربر می‌گیرد. (۳) در سال ۱۹۵۴م فرانسویان در این کشور نفت کشف کردند. این کشور از لحاظ فرآورده‌های نفتی در افریقا مقام پنجم را دارد. (۴) سالانه ۴۵ میلیون متر مکعب گاز در این کشور استخراج و صادر می‌شود. گابن اولین تولید کننده منگنز در جهان است. ذخائر عظیم اورانیوم این کشور متاسفانه سوخت کوره‌های اتمی فرانسه را تامین می‌کند و میزان آن به ۱۷۱۳ تن بالغ می‌گردد. این معادن در سطح باز در ناحیه موآندا و اوکلو واقع است، در سال، شرقی و جنوبی آن معادن وسیع آهن کشف شده است و صادرات آن که در اختیار شرکت ترانس گابون می‌باشد. ثروت این کشور را افزون نموده است. بنابراین گابن صاحب بزرگترین رگه‌های معدنی جهان می‌باشد که ذخیره آن به ۲۳۰ میلیون تن بالغ می‌گردد. ۸۵٪ وسعت آن را جنگل‌های گرمسیری تشکیل می‌دهد. که رقم مهمی از صادرات آن را چوبهای بدست آمده از این منابع بوجود می‌آورد. (۵) در این جنگل‌ها در وسعتی بالغ بر ۲۰ میلیون هکتار ۳۰۰۰ نوع درخت به عمل می‌آید که نوع معروف و غالب آن اوکومه است که در تولید تخته سه‌لایی کاربرد دارد. (۶) با این وجود، نفوذ استکبار در این کشور آن را با مشکلاتی از قبیل فقر کادر علمی و تخصصی مواجه ساخته است. گابن وارد کننده مواد غذایی بوده و چون تاسیسات عظیم صنعتی آن به سرمایه‌های خارجی نیاز دارد بدهی خارجی آن افزایش یافته است. گرچه گابن می‌کوشد توازن تجارتي خود را کنترل کند. (۷) واحد پول گابن فرانک سی اف (CFA . f) می‌باشد که برابر صد سانتیم است.

جمهوری کنگو (کنگوی برازاویل)

اسامی سابق این کشور کنگوی وسطی، کنگوی برازاویل و کنگوی وسطی فرانسه بود. کنگو با ۳۴۱۹۰۰ کیلومتر مربع وسعت در افریقای غربی و در ساحل اقیانوس اطلس قرار دارد. از سکنه ۱۷۰۰۰۰۰ نفری آن، ۱۰٪ مسلمان و بقیه کاتولیک، پروتستان و آنیمیست مذهب می‌باشند. کنگوی فعلی در گذشته جزو دولت تاریخی کنگو در افریقا غربی بود که علاوه بر کنگو، زئیر و آنگولا را شامل می‌گشت. در قرن پانزدهم میلادی پرتغالی‌ها آن را کشف و مستعمره خود نمودند. در قرن هفدهم به کنگو وسطی فرانسه و در سال ۱۹۱۰م به مستعمره استوایی فرانسه ضمیمه گشت. در سال ۱۹۶۰ میلادی کنگو استقلال خود را بدست آورد. مسلمانان ساکن نیجریه و کشور سنگال باین ناحیه مهاجرت نموده و به نشر اسلام پرداختند و آنان در کانونهای شهری کنگو بخصوص کنگو مرکز حکومت یعنی برازاویل، مراکز عبادی و مدارس قرانی دارند و مساجد متعددی احداث نموده‌اند ولی گاهی این ۱۷۰۰۰۰ مسلمانان تحت فشار و ایذا دولت باصطلاح خلقی کنگو قرار می‌گیرند و آنان را در محدودیت و ناگواری قرار می‌دهند.

سائوتو و پرنسپ

سائوتو با ۹۶۴ کیلومتر مربع در نزدیکی سواحل گابن در خلیج گینه و شرق اقیانوس اطلس قرار دارد. نژاد اکثر سکنه آن دورگه پرتغالی و افریقائی می‌باشد و ۸۰٪ آن مسیحی هستند. سکنه آن ۱۱۰۰۰۰ نفر است و در سال ۱۹۷۵م به استقلال ست یافت مرکز حکومت آن سائوتومه می‌باشد. جزایر مذکور در سال ۱۴۷۱م توسط پرتغالی‌ها کشف شدند. ۱۰٪ مردم آن مسلمان هستند که در محاق اکثریت مسیحی به سر می‌برند. د - افریقای مرکزی (منطقه صحرای کبیر افریقا و استوایی مرکزی) افریقای مرکزی با ۵/۸

میلیون کیلومتر مربع وسعت متجاوز از ۲۵٪ جمعیت این قاره را در خود جای داده است، که تراکم نسبی آن چیز در حدود ۱۲ نفر در کیلومتر مربع می‌باشد. البته پراکنده بودن اقوام در جنگلها و وجود افرادی که در واحه‌های صحرایی سکونت دارند و نیز تحرک و جابجائی عشایر و قبایل تا حدودی آمار دقیق نواحی افریقای مرکزی را دچار اشکال می‌نماید. گسترش صحرایی کبیر افریقا در این قلمرو وجود آب و هوای گرم و مرطوب استوایی همراه با جنگلهای متراکم و انبوه استوایی، امراض خاص این مناطق، درگیری و نزاعهای قبیله‌ای، فشارهای سیاسی و مسئله آوارگان، عدم توسعه بهداشت و امکانات داروئی از عوامل کمی جمعیت افریقای مرکزی حتی کمتر از نیجریه (واقع در افریقای غربی) سکنه دارند. و تنها، کشور زئیر با بیش از ۳۰ میلیون سکنه رقم بالایی را به خود اختصاص داده است. «افریقای مرکزی کمترین سکنه را دارد سودان با ۲۵۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع نه تنها پروسعت‌ترین کشور صحرا و افریقای مرکزی است بلکه وسیع‌ترین کشور افریقا می‌باشد. رواندا با ۲۶۰۰۰ کیلومتر مربع کمترین وسعت را دارد. از لحاظ سیمای طبیعی، این ناحیه از افریقا را به سه قسمت تقسیم می‌کنند: ناحیه صحرا: که در عرض افریقا از اقیانوس اطلس تا دریای سرخ امتداد دارد. بدلیل برهنه بودن زمین بادهای گرم و خشک توام با توده‌های شن و خاک در صحرا می‌وزد و صخره‌ها، دشت‌ها و تپه‌های وسیعی از شن و ماسه را تشکیل می‌دهد. آب و هوای گرم و خشک دارد و بدلیل فقدان رطوبت اختلاف دما در آن زیاد است در حالی که نقاط مرکزی صحرا حتی ۱۵ میلی‌متر باران هم دریافت نمی‌کنند بقیه نقاط آن که در کوهستانها واقعند تا ۲۵۰ میلی‌متر باران دارند. گروههایی از قبایل عرب و بربر (تیبو و طوارق) و عده‌ای از سیاهان در کنار واحه‌های صحرا به امور کشاورزی مشغولند، صحرا علی‌رغم جهات منفی جغرافیائی از ذخائر غنی نفت و سایر معادن بهره‌مند است. اساس اقتصاد مردمان آن بر کشاورزی و دامداری استوار می‌باشد. ناحیه افریقای مداری که دارای دو فصل مرطوب و خشک می‌باشد و بین مدار راس السرطان و خط استوا قرار گرفته است، در این منطقه جنگل‌ها انبوه نبوده و در لابلای آنها فعالیت‌های کشاورزی صورت می‌گیرد. گیاهانی چون قهوه، نخل روغنی، برنج، نارگیل، و موز در افریقای مداری به عمل می‌آید. ناحیه افریقای استوایی که بدلیل عبور خط استوا آب و هوای گرم و مرطوب دارد و جنگل‌های انبوه از ویژگی‌های آن است. برخی کشورهای این منطقه از آب و هوای قرینه برخوردارند. غلبه نژادی با سیاهان است اسلام در نواحی مرکزی افریقا از قرن دهم گسترش یافت. یکی از دولت‌های مقتدر در ناحیه صحرایی مرکزی که مسلمانان آن را بوجود آوردند، دولت کانم بود که تا قرن نوزدهم استوار ماند. دولت اسلامی مذکور در حدود قرن نهم در سواحل شمال شرقی دریاچه چاد بوجود آمد و در قرن سیزدهم دامنه قلمرو خود را در سودان مرکزی وسعت داد. البته سودان در قدیم منحصر به قلمرو کنونی نبوده و منطقه وسیعی است. در جنوب صحرا که مسلمانان آن را «بلاد السودان یا سرزمین سیاهان می‌نامند. و از غرب تا اقیانوس اطلس و از شرق تا فلات اتیوپی گسترش دارد. مساحت این ناحیه به ۵ میلیون کیلومتر مربع بالغ می‌گردیده و فاصله شمالی - جنوبی آن ۱۰۰۰ کیلومتر و از شرق تا غرب ۵۵۰۰ کیلومتر طول داشته است. این دولت در پایان قرن چهاردهم پایتخت خود را به منطقه «برنو» در جنوب غربی دریاچه چاد انتقال داد و از آن زمان بنام دولت «برنو» معروف گشت. دولت اسلامی سونگایی نیز در قرون وسطی در سودان غربی تشکیل شد و در زمان پادشاهی محمد توره (۱۵۲۸ - ۱۴۹۳م) به اوج قدرت خود رسید و در قرون ۱۵ و ۱۶، مهمترین دولت این قلمرو محسوب می‌گردید. دولت دیگری که در صحرا تاسیس شد و مشی اسلامی داشت، تکرور بود. این دولت اسلامی در دره رود سنگال سفلا واقع بود و مردمش به توکولور (۸) معروف بودند که هنوز این عنوان به کار می‌رود ولی فرمانروای آنان اجداد فولانی‌ها بودند. مورخین مسلمان عقیده دارند که در نیمه قرن یازدهم تکرار اولین دولت افریقای جنوب صحرا بود که اسلام را پذیرفت و در پهنه‌ای که تحت قلمرو هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم از این نقاط در سراسر افریقای غربی گسترش یافت. یکی از فتوحات جالب تکرورها تصرف آخرین پایتخت غنا در سال ۱۲۳۰م بود و امپراطوری مذکور که در افریقای غربی ۵ قرن دوام آورده بود، به آخر رسانیدند. (۹) از صد میلیون سکنه منطقه صحرا و افریقای مرکزی بیش از ۴۰ میلیون نفر پیرو آئین حیات بخش اسلام هستند. در کشورهای سودان،

نیجر، چاد و افریقای مرکزی اکثریت با مسلمانان است. بوروندی کمترین درصد مسلمانان را دارد (با ۵٪).

سودان

سودان به لحاظ وسعت، بزرگترین کشور افریقائی و حتی جهان اسلام می‌باشد که ۲۵۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. (۱۰ گرچه بخش‌هایی از آن در افریقای شمال شرقی قرار دارد ولی به لحاظ گسترش زیاد در صحرای مرکزی افریقا، جزو نقاط مرکزی افریقا مطالعه می‌شود. سودان در شمال شرقی با دریای سرخ ارتباط دارد. و ۸ کشور یعنی مصر، لیبی، چاد، افریقای مرکزی زئیر، اوگاندا، کنیا و اتیوپی با آن مرز مشترک دارند. بخش وسیعی از آن را دشت‌های بزرگی تشکیل می‌دهد که توسط رود نیل و شعبات آن آبیاری می‌شود. نواحی شمالی سودان توسط دره وسیع رودخانه نیل به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌گردد، دو شاخه نیل در خارطوم، پایتخت سودان بهم می‌پیوندند. در اراضی نسبتاً مرتفع غربی سودان، توده‌های آتشفشانی جبل مارا (۱۱) قرار دارد. آب و هوای سودان گرم و خشک است. تا چندین قرن قبل از میلاد، سودان شمالی توسط مصریان اداره شد ولی آنان در قرن ۱۵م سودان را ترک نمودند. در قرن پانزدهم میلادی با تصرف بخش‌هایی از سودان توسط مسلمین، اسلام در این کشور راه یافت. از اوایل قرن نوزدهم برای بار دوم، مصریان جهت دست‌یافتن به طلا، نواحی شمال سودان را به تصرف خود درآوردند از نیمه دوم قرن نوزدهم سودان، تحت سیطره انگلستان قرار گرفت. در این زمان مسلمانان بر علیه سلطه گران انگلیسی قیام نمودند و رهبری این جنبش را محمد احمد بن عبدالله معروف به مهدی سودانی به عهده داشت. در این قیام خونین، انگلیسی‌ها تار و مار شده و گوردون فرمانده انگلیسی و تعداد بسیار زیادی انگلیسی دیگر به قتل رسیدند. مهدی سودانی پس از اخراج انگلیسی‌ها و بدست آوردن بخشی از سرزمین سودان، اقدام به تاسیس دولت نمود و اقتداری یافت. اما استعمار شوم که زخم خورده بود، با لشکری فراوان و پس از جنگ‌های خونین، قیام مهدی سودانی را سرکوب و طرفدارانش را قتل عام نمود. این لشکر که متشکل از قوای مصر و انگلستان توسط کیچنر انگلیسی رهبری می‌شد. پیروان مهدی سودانی در ام دورمان (۱۲) از نیروهای مهاجم شکست خوردند و انگلیسی‌ها پس از این پیروزی به پیشروی خود ادامه داده اما ناگهان با قوای فرانسوی مواجه شدند و در محلی بنام «فاشودا» دو نیرو مقابل هم قرار گرفته و به صف آرایی پرداختند ولی نبردی صورت نگرفت و پس از یک بحران و جنگ سیاسی، با مصالحه طرفین جریان فاشودا به پایان رسید. در سال ۱۸۹۹م قراردادی میان مصر و انگلستان منعقد شد که به موجب آن اداره امور سودان به هر دو کشور واگذار شد و بدین گونه سودان تحت استعمار در آمد. در سالهای ۱۹۲۴م سودان مستقل شد و به ضویت سازمان ملل در آمد و حکومت آن جمهوری اعلام شد ولی طولی نکشید که در سال ۱۹۵۸م نظامیان به رهبری ژنرال ابراهیم عبود کودتا کرده و قدرت را در دست گرفتند از آن تاریخ سودان کمتر روی آرامش و امنیت را دیده است. کودتای سال ۱۹۸۵م به اختناق ۱۶ ساله جعفر نمیری پایان داد و حکومت جدید تغییراتی در سیاست سودان ایجاد نمود و از جمله روابط ایران و سودان بهبود یافت. پس از صادق المهدی، سرهنگ عمرالبشیر روی کار آمد و هم اکنون قدرت در دست نظامیان است. سودان ۱۸ استان دارد که ۶ استان جنوبی آن بصورت خود مختار اداره می‌شود. سودان ۲۷۷۹۲۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۳۰٪ آن در شهرها زندگی می‌کنند. رشد سالانه آن ۸/۳٪ و تراکم نسبی ۱/۱۱ و بعد خانوار ۳/۵ و میانگین سنی ۶/۲۲ سال می‌باشد. (۱۳) ۸۰٪ مردم از نژاد سامی (عرب) و ۲۰٪ بقیه سیاه پوستند، زبان رسمی و خط رایج عربی است. ۷۲٪ مسلمان و بقیه مسیحی و بت پرستند. سودان پس از استقلال، شاهد درگیری‌های فراوانی بوده و یکی از کشورهای پرکودتای افریقا می‌باشد. مدتهاست که شورشیان جنوب به رهبری سرهنگ گارانگ (۱۴) با دولت مرکزی درگیرند که از نتایج تاسف بار آن، آواره شدن هزاران مسلمان و قحطی و گرسنگی در سودان می‌باشد. (۱۵) از ۵ میلیون سکنه جنوب این کشور هم اکنون یک میلیون نفر با خطر مرگ ناشی از گرسنگی روبرو هستند. قربانیان قحطی جنوب سودان دفن نمی‌شوند و متاسفانه خوراک لاشخورها و کرکس‌ها می‌باشند. هجوم

آوارگان بسیاری از روستاهای نیمه جنوبی سودان را منزلگاه افراد گرسنه و قحطی‌زده و بیخانمان نموده است و گاهی سکنه آنان را به ۳ تا ۴ برابر افزایش داده است. شورشیان جنوب، جلو کمک‌های غذایی سازمان ملل را گرفته و به غارت آن می‌پردازند. آوارگان نیز بدلیل قرار گرفتن در بین شورشیان و نیروهای دولتی وضع خطرناکی دارند. آوارگان گرسنه که بسیار ضعیف شده‌اند و کمتر رمقی دارند در صفوفی به انتظار دریافت غذای یونیمکس (۱۶) به سر می‌برند اما این غذا برای همه وجود ندارد و تنها عده‌ای بدان دست می‌یابند. (۱۷) سودان با وجود آنکه اراضی حاصلخیزی دارد و زمانی انبار مواد غذایی جهان سوم به شمار می‌آمد در حال حاضر کشوری است عقب مانده و جزو ده کشور فقیر دنیاست. وابستگی این کشور به کمک‌های خارجی و خریدهای نظامی، کودتاهای پی در پی و نبردهای درون مرزی، تورم را در سودان به ۲۰۰٪ رسانیده است. ۸۰٪ مردم به کشاورزی و گله داری مشغولند و تولید پنبه ۶۰٪ صادرات آن را تشکیل می‌دهد. بزرگترین مزارع پنبه جهان در حوالی خارطوم مرکز حکومت سودان واقع است. مس، طلا- و آهن از ذخائر معدنی سودان بوده و در سال ۱۹۷۳م این کشور در سواحل دریای سرخ نفت کشف نمود. متاسفانه بهترین معادن در اختیار شورشیان گارانگ قرار دارد. (۱۸) واحد پول سودان لیره (پوند) است که به عربی جینه نام دارد که با ۱۰۰ پیاستر برابر است.

چاد (۱۹)

جمهوری چاد با وسعتی برابر با ۱۲۸۴۰۰۰ کیلومتر مربع در افریقای مرکزی و در ناحیه صحرای کبیر افریقا بین سودان (در شرق) و نیجر (در غرب) واقع است، و در شمال با لیبی و در جنوب با کامرون و افریقای مرکزی مرز مشترک دارد. چاد سرزمین جلگه‌ای و صحرایی می‌باشد و مهمترین ارتفاعات آن بنام کوههای تی بستی (۲۰) در شمال و در مرز چاد با لیبی قرار دارد. دریاچه چاد در غرب آن واقع است. رودخانه پراهمیت‌شاری پس از مشروب نمودن جنوب غربی چاد و عبور از نجامنا (۲۱) مرکز حکومت این کشور وارد دریاچه مزبور می‌شود. آب و هوای چاد در اکثر نقاط گرم و خشک ولی در جنوب توام با باران است. از سال ۱۸۹۵م جای پای استعمار در چاد باز شد و در اواخر جنگ جهانی اول و پس از انحلال خلافت عثمانی و در سال ۱۹۱۷م از مستعمرات رسمی فرانسه بود. در سال ۱۹۶۰م چاد از فرانسه مستقل گردید. و به عضویت سازمان ملل درآمد. اسلام در قرن چهارم هجری (دهم میلادی) به این سرزمین صحرایی راه یافت و چاد مدت‌ها تحت قلمرو دولت عثمانی اداره می‌گردید و تا سال ۱۹۶۰م افراد مسلمان در امور سیاسی آن دخالت داشتند. در این سال «تامپل پای» به قدرت رسید و در اولین وحله دست به تصفیه رهبران مسلمان زد و احزاب را منحل و دیکتاتوری را در کشور حاکم ساخت. وی تنها در سال ۱۹۶۵م، ۱۲۵۰ نفر شخصیت سیاسی - مذهبی مسلمین را روانه زندان کرد. در نجامنا (فورت لاسمی) به تظاهرات آرام حمله نمود و به کشتار وحشیانه و خونین مردم بخصوص زنان و کودکان بیگناه دست زد و تعداد زیادی از مسلمانان را به شهادت رسانید. در سال ۱۹۷۵م تامپل پای (تومبالای) کشته شد و یک شورای نظامی به رهبری ژنرال فلیکس مالوم حکومت را با حمایت فرانسه در دست گرفت. این در حالی بود که با کوشش مسلمانان نواحی شمالی چاد از سال ۱۹۶۸م تحت تسلط چریک‌های مسلمان درآمده بود. در سال ۱۹۷۸م حسن هابره به عنوان نخست وزیر چاد قدرت را در دست گرفت که نیروهای مبارز و مسلمان سقوط وی را فراهم ساختند. (۲۲) در حال حاضر ادریس دبی رئیس حاکم بر چاد می‌باشد که با نیروهای جنبش دموکراسی درگیری شدیدی داشت. اما در حضور عمر بونگو رئیس کشور گابن توافق صلحی بین دولتچاد و این نیروها به عمل آمد و مقرر شد نیروهای این جنبش در چهارچوب سازماندهی ارتش ملی با نیروهای دولتی ادغام شوند. (۲۳) مردم چاد از نژاد عرب سودانی، قبایل سودانی و بانتوئی هستند. مردم شمال آن زندگی بادیه نشینی دارند و از قبایل اعرابند ولی جنوبی‌ها اکثرا سیاهپوست بانتوئی و با آداب و رسوم مختص خود می‌باشند. زبان رسمی بدلیل سلطه استعمار، فرانسه است ولی عربی هم رواج دارد. بیش از ۸۰٪ مردم مسلمان هستند که اغلب سنی مذهبند. چاد با وجود

وسعت زیاد تنها ۵/۵ میلیون نفر سکنه دارد که تراکم آن ۴/۴ و رشد سالانه ۵/۲٪ است و ۲۷٪ در روستاها سکونت دارند. چاد مرکز راههای تجاری و ارتباطی میان افریقای شمالی و افریقای استوایی و یکی از کشورهای فقیر جهان و افریقای سیاه است. بدلیل محصور بودن در خشکی و عدم دسترسی به دریاها، آزاد، وسعت زیاد و گسترش صحرا و بیابان در آن، عدم ثبات سیاسی تاریخی ناشی از اختلاف بخش شمالی و جنوبی، توسعه اقتصادی سیاسی و رفاهی این کشور به تاخیر افتاده است. شورش سال ۱۹۶۶م، همچنین خشکسالی سالهای ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۴م و وابستگی به کمکهای خارجی این عقب ماندگی را تشدید کرده است. (۲۴) پنبه، ارزن و بادام زمینی از محصولات زراعی چاد است. چاد به لحاظ ارتباطی نیز مشکلات زیادی دارد و کل راههای آسفالت آن به ۳۰۰ کیلومتر می‌رسد.

نیجر

کشور نیجر با ۱۲۶۷۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت به دور از دریای آزاد و بین دو کشور چاد و مالی در صحرای مرکزی افریقا واقع است. نیجر سرزمینی است بیابانی که در نواحی مرکزی و شمالی آن ارتفاعاتی مشاهده می‌شود. سومین رود افریقا یعنی رودخانه نیجر در جنوب غربی آن جریان دارد که به زمین‌های اطراف آن حالت جلگه ای داده است. دریاچه چاد که در جنوب شرقی آن قرار گرفته بخشی از آن به نیجر تعلق دارد. در اکثر نقاط و بویژه شمال و جنوب آن و هوایش بیابانی است، اما در جنوب غربی گرم و معتدل می‌باشد. نیجر در قرون قبل از میلاد جزء امپراطوری مصر محسوب می‌شد. اسلام از طریق بازرگانان مسلمان که از شمال افریقا باین نواحی می‌آمدند در نیجر رواج یافت. در ادوار بعد نیجر به تصرف دولتهای خلافت اسلامی درآمد که مهمترین آنها بربر، توبوس، غانا، مالی، سونگائی، بونو، جرما و حوصه هستند. این دولت‌ها نه تنها در نیجر موجب گسترش و نشر اسلام شدند بلکه سرزمین‌های مجاور را تحت تبلیغات مذهبی خود قرار دادند. در سالها ۱۹۰۱ تا ۱۹۲۲م فرانسه با تاسیس پایگاههای نظامی، نیجر را مستعمره خود نمود و مردم نیجر پس از چندین دهه مبارزه با استعمار، موفق به کسب استقلال در سال ۱۹۶۰م شدند. اما حضور چندین ساله استعمار فرانسه در این کشور و غارت منابع آن و استضعاف مردمش، نیجر را به صورت کشور عقب افتاده در آورده که با وجود منابع غنی، اقتصادی نابسامان و آشفته دارد. نیجر ۷ ولایت دارد که از ۲۲ بخش تشکیل می‌شود و مرکز حکومت آن شهر نیامی می‌باشد. این کشور با فرانسه و دول عربی روابط سیاسی و تجاری دارد. با وجود وسعت زیاد، نیجر جمعیت کمی دارد و تعداد آن به ۷۲۰۰۰۰۰ نفر بالغ می‌گردد که اکثر آنان در جنوب، جنوب غربی و کنار رود نیجر زندگی می‌کنند. ۵۵٪ مردم از اقوام حوصه و ۲۵٪ از نژاد گورما و سونگائی و ۲۰٪ بقیه فولانی‌ها و طوارق می‌باشند. زبان رسمی فرانسه است و خط رسمی لاتین می‌باشد ولی زبانهای عربی، فولانی و حوصه هم رواج دارد. ۹۰٪ مردم مسلمان هستند که اکثرا سنی مذهبند. اقلیتی مسیحی و آنیست دارد. اساس اقتصاد آن را محصولات زراعی و دامی تشکیل می‌دهد. تنها محصول صادراتی آن بادام زمینی است. در زیر خاک ضعیف آن منابع غنی آهن، مس، مرمر، سنگ گچ و فسفات پنهان می‌باشد. کشف و استخراج اورانیوم در سال ۱۹۷۱م بر اهمیت این کشور افزود و در سال ۱۹۷۷م پنجمین تولید کننده اورانیوم بود. با این وجود دشواریهای زیادی نیجر را با بحران مواجه ساخته است که از جمله آنها می‌توان عدم دسترسی بدریا (۲۵) مشکلات تهیه مواد غذایی و نیاز به گندم وارداتی، کم کاری، خشکسالی بزرگ سال ۱۹۷۳م بیسوادی مردم (۱۵٪ باسوادند) را نام برد.

جمهوری افریقای مرکزی

جمهوری افریقای مرکزی سابقا به یوبانگی شاری معروف بود که از دو رود یوبانگی و شاری که در این کشور جریان دارند

ماخوذ گشته بود. ۶۲۲۹۸۴ کیلومتر مربع وسعت دارد و بین چاد، سودان، زئیر و کامرون قرار دارد. افریقا مرکزی ناحیه‌ای است کوهستانی و از هیچ راهی بدریا راه ندارد و از جمله ۲۵ کشور فقیر جهان است. در قرو نوزدهم، افریقای مرکزی جزو مستعمرات فرانسه بود و در سال ۱۹۶۰م به استقلال دست یافت. در دوران دیکتاتوری ژان بدل بوکاسا که مسیحی بود هزاران نفر از مسلمانان به خاک و خون غلطیدند و هم اکنون نیز مسلمانان با وجود آنکه اکثریت سکنه افریقای مرکزی را تشکیل می‌دهند در امور سیاسی اداری و نظامی نفوذ ندارند و به شدت تحت فشار اقلیتی مسیحی هستند. مردم آن از نژاد سیاهپوست (بانتو بایو) بوده ولی زبان رسمی فرانسه است گرچه بومیان به زبان ملی سانگو سخن می‌گویند. از ۳ میلیون سکنه افریقای مرکزی ۵/۱ میلیون نفر پیرو آئین اسلام می‌باشند. اما دولت مسیحی آن را در آمارهای رسمی و غیر واقع خود اعلام کرده است که ۸٪ مردم مسلمانند! کودتای سال ۱۹۸۱م هرگونه فعالیت احزاب مذهبی را ممنوع کرده و مسلمین را در محاق اختناق شدید قرار داده است. ذخائر غنی الماس و اورانیوم، طلا، مس، قلع و روی در این کشور وجود دارد که منافع حاصل از استخراج آنان صرف رفاه و توسعه اقتصادی نقاط مسیحی نشین می‌شود و مسلمانان در وضع نابسامان اقتصادی به سر می‌برند.

اوگاندا

اوگاندا در جنوب سودان قرار دارد. وسعت آن به ۲۳۶۵۳۶ کیلومتر مربع بالغ می‌گردد. بخش‌هایی از آن توسط ارتفاعات کنیا پوشیده شده است و پوشش گیاهی جنگلهای استوایی قسمت وسیعی از آن را در بر می‌گیرد. اوگاندا قبلاً به خاطر داشتن قهوه به «برزیل افریقا» مشهور بود. در اواسط قرن نوزده میلادی مسلمانان ساکن زنگبار در صدد تصرف آن برآمدند و در اواسط قرن نوزدهم اعراب حکومت اسلامی بوگاندا را تشکیل دادند ولی استعمارگر انگلیس که به ثروتهای اوگاندا چشم دوخته بود اجازه نداد این دولت دوام زیادی بیاورد و اوگاندا در اواخر قرن نوزده تحت الحمایه انگلیس قرار گرفت. اوگاندا در سال ۱۹۶۲م استقلال خود را بدست آورد. اوگاندا ۵/۱۶ میلیون نفر سکنه دارد که بخش مهمی از آن را ۴۰ قبیله با ۴ زبان اصلی تشکیل می‌دهد. ۷۵٪ مردم به زبان سواحیلی تکلم می‌کنند که این امر نشانه نفوذ مسلمانان در این سرزمین است. ۴۰٪ مردم اوگاندا مسلمان هستند و کشور مزبور عضو سازمان کنفرانس اسلامی می‌باشد. (۲۶) اوگاندا هم اکنون با عدم ثبات سیاسی و ناامنی روبروست. این کشور یکی از عظیم‌ترین منابع آب شیرین (۱۷٪ مساحت کشور) را دارد و دریاچه‌های ویکتوریات، البرت و ادوارد بین این کشور و همسایه‌هایش قرار دارد. رودخانه نیل از اوگاندا تولد می‌یابد. این سرزمین پنجمین کشور صادر کننده قهوه در دنیاست و ۹۰٪ جمعیت آن در بخش کشاورزی مشغولند.

رواندا

رواندا فلاتی است مرتفع با دریاچه‌ها و کوههای متعدد که بدور از دریای آزاد در همسایگی کشورهای بوروندی، اوگاندا، تانزانیا و زئیر قرار دارد و وسعت آن برابر ۲۶۰۰۰ کیلومتر مربع است. به دریای آزاد راه ندارد و محصور در خشکی است. مرکز حکومت آن «کیگالی» می‌باشد. از ۷۰۶۰۰۰ نفر سکنه آن ۷۰٪ یعنی ۴۹۴۲۰۰ نفر مسلمانند، یک سوم مسلمانان در مرکز حکومت سکونت دارند از ۵۰ مسجد مسلمانان ۵ مسجد در کیگالی تاسیس شده است. اتحادیه مسلمانان رواندا در سال ۱۹۶۴م تاسیس شد که همه مسلمانان عضو آن بوده و دولت هم آن را به عنوان نماینده رسمی مسلمانان شناخته است. در سال ۱۹۶۲م مردم این کشور بر اثر مبارزات قوم هوتوبه استقلال از کشور بلژیک دست یافتند و به استعمار ۱۶ ساله بلژیک در این سرزمین پایان دادند.

بوروندی

کشور بوروندی با ۲۷۸۳۴ کیلومتر مربع در کناره شمال شرقی دریاچه تانگانیکا قرار دارد. ۸۵٪ سکنه ۵/۵ میلیونی آن از تیره‌های هوتو (۲۷) می‌باشند. ۵٪ مردم مسلمان هستند. اسلام در بوروندی به سال ۱۸۷۰م توسط کارگرانی که برای افسران آلمانی در تانزانیا کار می‌کردند انتشار یافت و اولین مسجد آنان در دهکده نیانزا در ۱۳۵ کیلومتری مرکز حکومت تاسیس شد. گرچه بلژیکی‌ها که بوروندی را مستعمره خود نموده بودند با نیروهای مسلمان و فعالیت آنان به شدت مخالف بودند ولی با تلاش نوح‌دین به رهبری مبارزی بنام عمرانی بوسا، مسلمانان آزادی نسبی پیدا کردند و در سال ۱۹۵۲م با اصرار آنان مدرسه کودکان مسلمان بوجود آمد و رفته رفته نیروهای اسلامی به توسعه امور و انجام برنامه‌های تبلیغی پرداختند. مسلمانان در مرکز حکومت یعنی بوجومبورا و بخش مسلمان نشین مویانزی سکونت دارند و از سوی مقامات رسمی و دولتی مورد احترام می‌باشند. همجواری بوروندی با کشور اسلامی تانزانیا در گرایش مردم این سرزمین به آئین اسلام تاثیر وافر داشته است. (۲۸) بازرگانان مسلمان هندی و عرب که در گذشته به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند هم اکنون درصددی از مسلمین بوروندی را تشکیل می‌دهند.

زئیر (جمهوری فدرال کنگو)

این کشور در زمانی که تحت سلطه بلژیک بود به کنگوی بلژیک معروف بود و بعد از استقلال به کنگو تغییر نام یافت در هنگام ریاست جمهوری «موبوتو» مرکز حکومت آن از لئو پولیدویل به کین شانزا مبدل و نام کنگو به کنگوی کین شانزا تغییر یافت و چون رودخانه کنگو در این کشور جریان دارد و به زبان محلی زئیر نام دارد، کشور مزبور به زئیر معروف است. (۲۹) زئیر با ۲۳۴۵۰۰ کیلومتر مربع دومین کشور پر وسعت افریقا می‌باشد. زئیر توس استانی کشف شد و در سال ۱۸۸۵م بصورت یک دولت مستقل تحت مالکیت پادشاه بلژیک لئوپولد دوم درآمد و در سال ۱۹۰۸م بصورت مستعمره‌ای از سوی بلژیک معرفی شد. این کشور در سال ۱۹۶۰م تحت رهبری پاتریس لومامبا قهرمان ملی افریقای سیاه، استقلال خود را بدست آورد. آری کنگو پهناور که ۷۷ برابر بزرگتر از بلژیک است طی سالهای ۱۸۷۶ تا ۱۹۰۸م ملک شخصی پادشاه بلژیک بود که با استثمار بی‌رحمانه مردمان زئیر، به صورت یکی از ثروتمندترین افراد عالم درآمد. اگر کارگران افریقائی از فرامین او تخلف می‌کردند تیرباران شده و یا دستهایشان قطع می‌شد یکی از منابع موثق تعداد قربانیان رژیم لئوپولد دوم را بین ۵ الی ۸ میلیون ذکر نموده است. در ضمن در مدت سلطه بلژیک بسیاری از ذخائر مس - طلا و منابع دیگر کنگو غارت شد. (۳۰) مرکز حکومت آن کین شانزا می‌باشد که در کنار رود کنگو قرار دارد و به لحاظ سیستم اداری به ۹ استان تقسیم می‌شود. ۲۵۰ نژاد دارد که به ۴۰۰ لهجه تکلم می‌کنند اما زبان رسمی فرانسوی است. زئیر ۳۳۷۴۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۱۰٪ آن مسلمان هستند. اسلام از طریق مناطق شرقی وارد زئیر شد و تعداد مسلمانان در استانهای کیوو و کاسای خاوری افزایش یافت. در کین شانزا مرکز حکومت تعدادی مسجد و مدرسه اسلامی دایر است و روند گرایش مردم به سوی اسلام رو به افزایش است. زئیر نخستین تولید کننده کبالت (۷۳٪ تولید جهان) و ششمین تولید کننده مس در جهان می‌باشد. معادن الماس، قلع، آهن، طلا، کرم، منگنز، زغال سنگ هم دارد. (۳۱)

پی‌نوشتها

۱- ۲- Albert-Bernard Bongo - سالنامه جمعیتی جهان ۱۹۹۰م - محمدرضا عسکری . opec Seminar gabon oil
 ۳- ۴- ۷۰ p (Rienna : opec-۱۹۷۷) industry - گابن از اعضای کوچک اوپک و آخرین کشوری است که به عضویت آن پذیرفته شد . ۵- اوپک و اثرات تخریبی تطبیق قیمت نفت ص ۱۳۷ . ۶- آشنائی با کشورهای افریقای غربی و مرکزی ص ۱۷۲ . ۷-

تاریخ آفریقا - حسین الهی ص ۲۴۳ . ۹- ۸- Tukolor - تاریخ آفریقا بزیل دیوید سن ص ۱۷۷ . ۱۰- نهمین کشور پروسعت جهان . ۱۳- ۱۲- Omdurman ۱۱- Jabalmara - سالنامه جمعیتی جهان (۱۹۹۰م) . ۱۵- ۱۴- Garange - بنا به اظهارات سفیر سودان در ایران شورش مذکور پایان یافته است . ۱۶- غذایی است با ترکیبی از آرد حبوبات و برنج و روغن که از لحاظ پروتئینی قوی است و بصورت پودر ارائه می شود . ۱۷- از گزارش سازمان ملل متحد ، به نقل از روزنامه کیهان ۱۷ آبان ۷۱ ش ۱۴۶۲۰ . ۱۸- روزنامه اطلاعات ش ۱۹۵۱۸ . ۲۲- ۲۱- Njgmna ۲۰- Tibesti ۱۹- Chad - حسن هابره حافظ منافع فرانسه بود و «گوگونی که خواهان برکناری هابره بود از سوی لیبی حمایت می گردید . ۲۳- روزنامه جهان اسلام ۴ تیر ش ۳۰۷ . ۲۴- تاریخ آفریقا - دکتر حسین الهی ص ۱۲۵ و ۱۲۶ . ۲۵- نزدیکترین نقطه نیجر تا ساحل اقیانوس اطلس ۶۵۰ کیلومتر فاصله دارد و این کشور فاقد راه آهن می باشد . ۲۶- اسلام گرایان اوگاندایی در آوریل ۱۹۹۳ میلادی «حزب انقلاب اسلامی را در این کشور تاسیس کردند تا از طریق آن ، قانون شریعت اسلامی را برای توسعه فرهنگ اخلاق اسلامی در اوگاندا به اجرا در آورند . ۲۸- ۲۷- Hoto - اقلیت های مسلمان در جهان امروز ، ص ۲۲۴ . ۲۹- جنگ جغرافیا ، ص ۳۰۵۰- آفریقا باید متحد شود ، قوام نکرومه ترجمه دکتر توکل ص ۴۶ . ۳۱- تاریخ آفریقا - دکتر حسین الهی ص ۱۴۵ .

ه- آفریقای جنوبی (جنوب شرقی ، جنوب و جنوب غربی آفریقا)

آفریقای جنوبی (جنوب شرقی ، جنوب و جنوب غربی آفریقا)

آفریقای جنوبی به طور کامل در نیمکره جنوبی قرار گرفته و بیشتر ارتفاعات آن در بخش شرقی قرار گرفته است . صحرای کالاهاری به عنوان یکی از خشک ترین صحراهای دینا اکثریت مساحت کشور نامیبیا و سرزمین بوتسوانا را پوشانیده و تا آفریقای جنوبی امتداد دارد . بجز نوار باریک ساحلی بنام بیابان «نامیب زمستان آن با مقداری بارندگی همراه است . (۱) در قسمت های شمالی و مرکزی آفریقای جنوبی آب و هوای گرم و مرطوب استوایی حاکم می باشد . اما سواحل شرقی و غربی از آب و هوای اقیانوسی برخوردارند . در سواحل جنوبی نوعی آب و هوای مدیترانه ای را می توان دید . بزرگترین جزیره آفریقا یعنی ماداگاسکار در جنوب شرقی آفریقا قرار دارد ، گرچه در جنوب آفریقا غلبه با نژاد سیاه است اما نژاد دورگه ، مهاجرین اروپایی و آسیایی و هندی نیز در این ناحیه اقامت دارند . مجموع کشورهای این بخش آفریقا که ۱۴ واحد سیاسی را در بر می گیرند وسعتی برابر بیش از ۵/۶ میلیون کیلومتر مربع دارد که در میان آنان آنگولا- بیشترین مساحت را به خود اختصاص داده است . اما موریس با ۲۰۴۵ کیلومتر مربع کوچکترین این کشورها می باشد . آفریقای جنوبی با ۳۳ میلیون سکنه پرجمعیت ترین کشور در این ناحیه از آفریقای سیاه می باشد . مهاجرین هندی و آسیایی و نیز محکومینی که توسط استعمارگران باین ناحیه می آمدند در نشر اسلام کوشیدند و هم اکنون از حدود ۱۱۰ میلیون سکنه آفریقای جنوبی (جنوب شرقی ، جنوب و جنوب غربی) بدلیل تبلیغات وسیع و نفوذ شدید استعمار در این نقاط تنها رقمی در حدود ۱۵ میلیون نفر مسلمان می باشند . و صرفا کشوری که بیش از ۹۰٪ مسلمان دارد سرزمین کومور واقع در جنوب شرقی آفریقا است . اکثریت سکنه موزامبیک نیز پیرو آئین اسلام هستند . یکی از عوامل دیگری که میزان مسلمانان این منطقه نسبت به نقاط دیگر آفریقا کمتر است بدلیل آن می باشد که در راس دولت های این کشورها افراد مسیحی (غالباً) وجود دارند و در صدد آن هستند که آمار مسلمانان را کم جلوه دهند . کشورهای آنگولا ، نامیبیا ، موزامبیک ، سوازیلند ، لسوتو ، زامبیا و زیمبابوه در خط مقدم مبارزه با آفریقا جنوبی می باشند .

جمهوری موزامبیک با ۸۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع در جنوب شرقی آفریقا و در همسایگی تانزانیا، سوازیلند، آفریقای جنوبی، مالاوی، زامبیا و زیمبابوه قرار دارد. ساحل شرقی آن پست بوده ولی نواحی دیگر آن حالت فلاتی دارد. ارتفاعاتی هم در شمال و غرب آن واقع است. رودهای آن بخصوص زامبزی از فلات موزامبیک سرچشمه می‌گیرد و به سوی آفریقای مرکزی روانه می‌گردد. بخش مهمی از موزامبیک را جنگ فرا گرفته است، نقاط کوهستانی، آب و هوای معتدل و بقیه نقاط آب و هوای گرم و مرطوب دارد. در سال ۱۹۴۸م اولین بار «واسکودوگاما» این سرزمین را کشف نمود. و در سال ۱۹۰۹م موزامبیک رسماً جزو مستعمرات پرتغال قلمداد گردید که پس از مبارزات طولانی مردم، موزامبیک استقلال خود را بدست آورد. (در سال ۱۹۷۵م به رهبری فره لیمو). موزامبیک در حال حاضر ۵/۱۵ میلیون نفر سکنه دارد که اکثراً از نژاد سیاه و بخصوص بانتو هستند گرچه زبان رسمی پرتغالی است ولی اکثریت، به زبان محلی نانتو تکلم می‌نمایند. مرکز حکومت آن شهر «ماپوتو» می‌باشد. نام موزامبیک از نام یکی از حکام مسلمان آن بنام سید موسی سامبیک گرفته شده که پرتغالی‌ها آن را تغییر داده و آن را «آفریقای شرقی پرتغال نامیدند و خوشبختانه پس از استقلال، نام اسلامی خود را بازیافت. نفوذ اسلام در آن قدمتی هزار ساله دارد. دولت‌های اسلامی سوفولا و سامبیک در نواحی شرقی آن صاحب قدرتی بودند که تا امتداد رودخانه «زامبزی» (۳) گسترش یافتند. در قرن هشتم هجری عده‌ای از بازرگانان مسلمان نواحی عربستان و خلیج فارس راهی این سرزمین شده و در میان قبایل بت پرست آن ندای توحید و یکتا پرستی را سردادند و به نشر آئین رهایی بخش اسلام پرداختند. «مسعودی جغرافی‌دان مسلمان از رونق و شکوفایی تمدن اسلامی در موزامبیک سخن رانده و از روابط بازرگانی این سرزمین با نواحی مسلمان نشین خاورمیانه مطالبی را ذکر نموده است. در سال ۱۵۰۵ میلادی نیروهای متجاوز پرتغالی به شهر مسلمان نشین سوفولای موزامبیک حمله نموده و به قتل عام مردم پرداختند و عده‌ای را به عنوان برده به کارهای شاق گماردند و پس از آن شهر مزبور را تصرف کردند. نبرد بین پرتغالی‌ها و اهالی مسلمان شهر «موسی سمبیک» واقع در جزیره‌ای در شمال موزامبیک ۴ قرن به درازا کشید. این مبارزات بی‌امان بود که پرتغالی‌ها را به شدت عصبانی نمود و موجب آن گشت تا به قتل عام وحشیانه مسلمانان پرداخته و رهبران مسلمان را از داخل هواپیما زنده زنده به طرف مراکز سکونت مسلمین پرتاب کنند. (۴) استعمار پرتغال، برای مبارزه اساسی با اسلام که سد راه غارتگری‌اش بود با تصویب قانونی، تعلیم زبان عربی و آموزش قرآن کریم را ممنوع ساخت و افراد مختلف را طی برنامه‌هایی مجازات و مبلغین اسلامی را تبعید نمود و برای مجاهدان مسلمان اردوگاههایی را در نظر گرفت تا آنها را دور از مسلمین نگاه دارد. با این وجود، مقاومت مسلمانان در برابر حکومت استعماری پرتغال به سستی و فتور گرایش نیافت و گرچه عده‌ای کشته و گروه زیادی به مالاوی و تانزانیا مهاجرت نمودند. با قتل عام مردم مؤثدا در نواحی ماکنده (۵) مسلمانان با آنها و سایر قوای موزامبیک متحد شده و در سال ۱۹۶۲، جبهه آزادی‌بخش موزامبیک را تشکیل دادند که نبرد مسلحانه‌ای را بر علیه متجاوزین پرتغالی آغاز کرد نهضت مزبور که به آن فره لیمو می‌گفتند اساساً از مسلمانان شمالی ترکیب یافته بود اما رفته رفته بدلیل نفوذ رهبران مسیحی بر علیه مسلمین تبعیض روا داشته و آنان را از موقع رهبری و حتی از میان توده عادی کنار زده و بسیاری را کشتند و تشکیل مزبور که به همت مسلمین بوجود آمده بود متوجه مسیحیت و حتی مارکسیست شد و به ضد اسلام سوق داده شد. از سال ۱۹۷۵م که موزامبیک به رهبری فره لیمو کسب استقلال کرد دولت الحادی و مارکسیست روی کار آمد که تمام اعضای آن مسیحی بودند، این تشکیلات از هر فرصتی برای تحقیر مسلمانان استفاده کرد و عده‌ای از مسلمانان ماکویایی را وادار نمود که خوک پرورش دهند. هزاران مسلمان را در اردوگاههایی محبوس نموده که بدلیل شرایط بسیار ناگوار آن، بسیاری جان خود را از دست داده‌اند. مسلمانان هم اکنون در شرایط بسیار ناگوار زندگی می‌کنند و تماس آنان با جهان اسلام در سطح نازلی قرار دارد. موزامبیک در حال حاضر ۵/۱۵ میلیون نفر سکنه دارد که اکثریت آنان مسلمان هستند و نیمی از مسلمانان ۱۴ واحد سیاسی جنوب آفریقا تنها در این کشور ساکنند اما متأسفانه در شرایط بسیار سخت و خشن زندگی می‌کنند. بزرگترین قبیله موزامبیک یعنی ماکوا با ۵/۴ میلیون نفر غالباً تابع دین

اسلام هستند. ۴ ایالت شمالی شامل زامبیا، کابودلگار، نامپولا- و نیاسا، از اکثریت مسلمانان برخوردارند. در سالهای اخیر درگیری‌های شدیدی بین نیروهای دولتی و نیروهای مقاومت ملی موزامبیک (رنامو) پدید آمده که ظاهراً با پیمان صلحی بین آنان و رئیس‌جمهور موزامبیک این شورش‌ها تا حدودی تنزل یافته است. (۶) ولی از عوارض آن آواره شدن و فقر و محرومیت بسیاری از مسلمانان موزامبیک می‌باشد. ظاهراً در حال حاضر معاون وزیر دادگستری و مسئول امور مذهبی موزامبیک مسلمان است وی درباره امام خمینی (قدس سره) گفته بود: «ما باید از این رهبر بزرگ و رهنمودهایی که برای بشریت به جای گذاشته است به عنوان ابزار قوی در راه تداوم تفکرات والا که باعث سعادت مادی و معنوی بشر می‌شود استفاده کنیم.» (۷) با آنکه موزامبیک اراضی حاصلخیزی دارد اما طی ۱۶ سال نبرد بین نیروهای دولتی و شورشیان رنامو آن را به سرزمینی جنگ‌زده و دچار قحطی و گرسنگی شدید تبدیل کرده است. انسانهای گرسنه در صف‌های منظمی ایستاده‌اند تا سهمیه غذای خود را که از سوی نیروهای امدادی سازمان ملل توزیع می‌شود دریافت کنند ارائه طولانی این کمک‌های غذایی، مردم را در تهیه مایحتاج خود ناتوان نموده و عقل معاش و قدرت تلاش را از آنان گرفته است. این در حالی است که ۸۵٪ مردم که در روستاها زندگی می‌کنند، توانایی کشاورزی را ندارند اما وقوع جنگ خونین داخلی و خشکسالی موجب آن شده که ۵/۱۵ میلیون سکنه موزامبیک، حدود ۳ میلیون نفر به کمک‌های غذایی وابسته باشند و خشکسالی موجب خالی شدن روستاها شده است. ۷۵٪ اقتصاد موزامبیک را یک میلیارد دلاری تشکیل می‌دهد که هر ساله، موزامبیک به صورت کمک خارجی دریافت می‌دارد. مصالحه اخیر بین شورشیان راستگرا و دولت چپ‌گرای خواکیم چیسائو - رئیس‌جمهوری موزامبیک - گرچه ممکن است این کمک‌ها را تقلیل دهد اما ۵/۱ میلیون نفر موزامبیکی که به کشورهای همسایه گریخته‌اند اگر به وطن بازگردند به غذا و وسایل کار و زندگی نیاز خواهند داشت. (۸)

جمهوری فدرال اسلامی کومور

کومور مجمع الجزایری است در جنوب شرقی افریقا در آبهای اقیانوس هند که در شرق سواحل موزامبیک و شمال غربی ماداگاسکار قرار دارد. مساحت آن به ۲۲۳۶ کیلو متر مربع بالغ می‌گردد. کومور از جزایر فعال آتشفشانی بوجود آمده و در حال حاضر کوه کارتالا با ۲۳۶۰ متر ارتفاع (بلند نقطه کشور) آتشفشانی فعال محسوب می‌شود. سه جزیره اصلی آن عبارتند از گراند کومور - که با ۱۱۵۰ کیلومتر مربع وسیع‌ترین آنهاست - آنژوان و موئلی. چندین جزیره کوچک هم دارد. به سبب محصور بودن در آبهای اقیانوس هند و نزدیکی به خط استوا، آب و هوای گرم و مرطوب دارد. ساکنین اولیه کومور از جزایر پولینزی هستند. این سرزمین در قرون قبل به تصرف مسلمانان درآمد و اهالی آن به اسلام گرویدند. از سال ۱۸۴۳م فرانسه این کشور را مستعمره خود نمود و در سال ۱۹۱۲م رسماً مستعمره این استعمارگر شد و با ماداگاسکار (مالاگاشی) که تحت الحمایه فرانسه بود، یکی گردید اما پس از چندی جدا شد و در سال ۱۹۷۱م به لحاظ اقتصادی خود مختار شد. در سال ۱۹۷۵م مجلس نمایندگان کومور به طویکجانبه استقلال کومور را اعلام نمود. کشورهای اروپای غربی، عربستان، عراق و کویت از سال ۱۹۷۹م با رژیم آن روابط سیاسی و تجاری برقرار نمودند و کومور که پس از کودتایی، از سازمان وحدت افریقا خارج شده بود در این تاریخ به عضویت آن درآمد. کومور از ۷ ناحیه تشکیل شده که به شکل فدرال اداره می‌شود. مرکز حکومت آن مورونی است که در جزیره گراند کومور قرار دارد. ۴۸۰۰۰۰ نفر سکنه دارد که ۳۰٪ آن در شهرها (۱۰٪ در مرکز حکومت) زندگی می‌کنند. رشد جمعیت ۳٪ و تراکم نسبی آن ۲۱۵ نفر در کیلومتر مربع می‌باشد. ترکیب کلی جمعیت از تیره‌های افریقائی است اما دو دسته مهاجر در آن سکونت دارند دسته اول مهاجران سواحل شرقی افریقا، ماداگاسکار، ایران، اعراب و هندی‌ها دسته دوم اروپائی‌ها شامل پرتغالی‌ها، هلندی‌ها و فرانسوی‌ها، زبان رسمی عربی است اما زبان سواحیلی و فرانسوی هم در آن رایج است. ۹۹٪ مردم مسلمان هستند و اقلیتی مسیحی هم دارد. کومور پس از استقلال به خاطر قطع کمک فرانسویان به قحطی تهدید گردید که بر اثر کمک‌های

بین‌المللی و دول عربی، مردم از گرسنگی نجات یافتند. اقتصاد آن بر کشاورزی متکی است و برنج و سیب زمینی از محصولات مهم آن است. با این حال کومور واردکننده مواد غذایی است. صنایع آن عبارتند از: وانیل سازی، عطر سازی، قایق سازی، زینت آلات و عتیقه‌جات. واحد پول آن فرانک سی اف آ (CFA . f) و برابر صد سانتیم است.

جمهوری ماداگاسکار (مالاگاشی)

ماداگاسکار با ۵۸۷۰۴۱ کیلومتر مربع وسعت در جنوب شرقی افریقا و به صورت جزیره‌ای نسبتاً وسیع در آبهای اقیانوس هند قرار دارد. این سرزمین از نظر وسعت چهارمین جزیره دینا می‌باشد. این کشور از سال ۱۸۹۵م تحت نفوذ فرانسه درآمد ولی در سال ۱۹۴۷م انقلاب مردم اوج گرفت و در آوریل ۱۹۶۰م استقلال یافت مرکز حکومت آن شهر «تاناناریو» می‌باشد. از قرن ششم تا قرن نهم که سیل عربستان، خلیج فارس، آسیای جنوب شرقی و هند باین ناحیه سرازیر شد، اسلام توسط مهاجرین مذکور که مسلمان بودند در ماداگاسکار موج فرایندهای بخود گرفت. در دوران استعمارگری فرانسه گرچه فعالیت‌های تبشیر شدت یافت اما موفق نشدند شعله‌های پرفروغ اسلام را در این کشور خاموش کنند و مهاجرت مسلمانان افریقای شرقی به آن بر گسترش اسلام در این کشور افزود. در وضع فعلی گروه نژادی «آنتابی مورو» مسلمانان هستند و در سواحل غربی نیز عده‌ای مسلمان سکونت دارند از ۱۱ میلیون مردم مالاگاشی ۳ میلیون نفر مسلمان هستند ولی همچنان درانزوا و تحت شرایط سختی زندگی می‌کنند. از هنگامی که در سال ۱۹۷۲م گروهی چپ‌گرا روی کار آمدند و کشور را به سوی سوسیالیزم سوق دادند مسلمانان تحت فشار افزونتری قرار گرفتند. از حوادث اسفبار ماداگاسکار باید حادثه سرکوبی مسلمانان «مجنگا» را که توسط گروههای ضد اسلام اتفاق افتاد ذکر نمود. در این حادثه بیش از ۶۰۰ مسلمان به شهادت رسیده و هزاران نفر زخمی و مجروح شدند و دهها هزار نفر را به اجبار از جزیره بیرون راندند و لطمات و صدمات فراوانی بر اموال و دارائی مسلمین وارد شد. دولت هم هیچ حمایتی از مسلمانان نکرد.

جمهوری مالاوی (نیاساند)

مالاوی با ۱۱۸۴۸۴ کیلومتر مربع وسعت در جنوب شرقی افریقا و در کنار دریاچه مالاوی قرار دارد کوهها و جنگلها چهره طبیعی این کشور را بوجود آورده‌اند. مرکز حکومت آن «لیلونگره» است که در نواحی غربی آن قرار دارد. تعداد قابل توجهی از مسلمانان در این مرکز سکونت اختیار نموده‌اند و به ساخت مدارس قرآنی و مساجد متعدد اقدام کرده‌اند. از ۵/۸ میلیون سکنه مالاوی، ۴۰٪ مسلمان هستند که غالباً در اطراف دریاچه مالاوی و جنوب کشور زندگی می‌کنند. با وجود اکثریت مسلمان در این کشور، بدلیل فشارهای سیاسی و اختناقی که مسیحیان حاکم بر آن، بوجود آورده‌اند، در محرومیت اقتصادی بسر می‌برند و در مسائل سیاسی، نظامی و فرهنگی دخالت ناچیزی دارند. بازرگانان مسلمان، حدود یک قرن در مالاوی مشغول نبرد با استعمار انگلستان بودند که سرانجام با نقشه‌های استعماری آنان سرکوب شده و عقب نشینی نمودند و این سرزمین تحت سیطره انگلستان قرار گرفت. در جریان فشارهای شدیدی که بر مسلمین وارد شد تعداد زیادی مسلمان به تانزانیا، زیمبابوه و زامبیا مهاجرت نموده که مشغول کارگری هستند. مسلمانان مالاوی اکثراً مشغول فعالیت‌های کشاورزی می‌باشند. مالاوی به موزامبیک وابسته است و دو راه آهن این کشور، آن را به اقیانوس هند ارتباط می‌دهد. (۹)

جمهوری زامبیا

جمهوری زامبیا با ۷۵۲۶۱۴ کیلومتر مربع در جنوب افریقا واقع است. رود زامبزی مرز طبیعی این کشور و زیمبابوه می‌باشد. زامبیا

مدتها از نقاط مهم صادر کننده برده بود و در سال ۱۸۵۱م پای انگلستان بدان گشوده شد و به نام غارتگری انگلیسی یعنی «سیسل رودز» به رود زیبای شمالی معروف گردید و در سال ۱۹۶۴م با مبارزات مردم، مستقل و نام قدیمی خود یعنی زامبیا را بازیافت. زامبیا از ۹ استان تشکیل شده و مرکز حکومت آن شهر لوزاکا می باشد که در جنوب شرقی آن واقع است. از ۵/۷ میلیون سکنه آن ۱۰٪ یعنی ۷۵۰۰۰۰ نفر مسلمان هستند که در استان کوپربلت و بویژه در مرکز آن «آندولا» در اکثریتند. اغلب مسلمانان سنی مذهبند ولی شیعیان هندی در بین آنها دیده می شوند، این گروه در مرداد ماه سال جاری (۱۳۷۱) برای انسجام خود، سازمان اسلامی شیعیان را رسماً تشکیل دادند. منشا نژادی مسلمانان، افریقائی و مهاجرین آسیای جنوب شرقی می باشد.

موریس

جزیره موریس در فاصله ۸۰۰ کیلومتری ماداگاسکار به همراه چندین جزیره دیگر در وسعتی برابر ۲۰۴۵ کیلومتر مربع در ۱۲ مارس سال ۱۹۶۸م دولتی مستقل را بوجود آورد. موریس تا زمان استقلال، تحت سلطه فرانسه بود. این جزیره در قرن شانزدهم توسط ناوگان پرتغالی در حالی که غیر مسکونی بود کشف گردید. بعد از استقلال کمیته عمل مسلمانان در اداره این کشور، نقش عمده ای ایفا نمودند، از یک میلیون سکنه آن ۲۰٪ مسلمان هستند که غالب آنان نژاد هندی دارند و به زبان اردو و گجراتی تکلم می نمایند. مسلمانان به فعالیت های کشاورزی، بازرگانی و حرفه های تخصصی مشغولند و چند وزیر مسلمان در هیئت دولت وجود دارد. تعداد ۱۰۰ مسجد در سراسر موریس دایر شده که مدارس مذهبی و قرآنی بدانها وابسته اند. مسلمانان تشکیلاتی بنام «جنبش اسلامی موریس دارند زیمباوه (۱۰)

زیمباوه

زیمباوه یعنی ساختمان یک پارچه عظیم سنگی که ناحیه ای پر از خرابه هایی از این نوع ساختمان در این کشور دیده می شود که ارزش تاریخی دارد و نام این کشور از آن گرفته شده است. زیمباوه در گذشته های دور تمدنی قدیمی را بخود دیده است. «کارل مانس سیاح آلمانی کناره های زیمباوه را در سال ۱۸۷۱م بدون سکنه کشف کرد اما پرتغالی ها نخستین افرادی بودند که به این سرزمین وارد شدند. ۱۴٪ از سکنی ۹ میلیون نفری زیمباوه مسلمان هستند. مسلمانان بازماندگان مهاجران مالایائی، هندی، سومالیائی، و موزامبیک، هستند که در نقاط مرکزی و جنوب شرقی تمرکز بیشتری دارند. اسلام از سال ۱۸۷۰م مطابق با ۱۲۸۷هـ- ق از طریق مهاجرت مسلمانان زنگبار به سرزمین زیمباوه راه یافت. مسلمانان ضمن تبلیغات اسلامی و آموزش های مذهبی به بومیان افریقائی طرق مبارزه با استعمار و نبرد با متجاوزین را آموختند و به همین دلیل اشغالگران انگلیسی از ورود مسلمانان به این کشور ممانعت به عمل می آوردند.

آنگولا

جمهوری آنگولا- در افریقا جنوب غربی و در ساحل اقیانوس اطلس و جنوب خط استوا قرار دارد و با ۱۲۶۴۷۰۴ کیلومتر مربع یکی از واحدهای پروسعت افریقا به شمال می رود و ۱۴ برابر پرتقال (استعمارگر آنگولا) وسعت دارد. ناحیه جدا افتاده کابیندا (در شمال غربی آن) بخشی از سرزمین آنگولا به شمار می رود که از جنگلهای استوایی پوشیده شده و بارندگی بیش از حد، آن را به صورت غیر مسکونی در آورده است. آنگولا- جامعه ای است مرکب از گروه های مختلف، با فرهنگ های گوناگون، اما سکنه مهم آن بانوها هستند که به صد قبیله و عشیره تقسیم می شوند. (۱۱) اسلام توسط مهاجرین زنگی به آنگولا راه یافت. این ها، هم اکنون در

نقاط جنوبی سکونت دارند. از حدود ۵/۹ میلیون سکنه آنگولا با وجود تبلیغات استعماری پرتغال (در هنگام استعمار این کشور) و نیز حاکمیت رژیم‌های چپ‌گرا بر آن، ۲۰٪ مسلمان هستند و در حال حاضر یکی از وزرای آنگولا مسلمان می‌باشد. اکثریت، کاتولیک و پروتستان مذهب و بزرگترین اقلیت آن مذهب آنیمست (ابتدائی) دارند. در سال ۱۹۷۶م که گروه مارکسیستی مپلا کنترل آنگولا را در دست گرفتند برای مسلمانان شرایط خشنی بوجود آوردند به نحوی که تعداد قابل توجهی از آنان به کشورهای دیگر آفریقا که از امنیت بهتری برخوردار بود مهاجرت کردند.

نامیبیا

سازمان ملل متحد بدلیل وجود بیابان نامیب در این ناحیه و وجود قبیله ناما، کشور مزبور را نامیبیا نامید که در افریقای جنوب غربی قرار دارد. وسعت آن ۸۲۳۱۴۴ کیلومتر مربع است و صحرای کالاهاری و بیابان نامیب بخش عظیمی از این کشور را فرا می‌گیرد. از قرن نوزدهم این سرزمین با عنوان افریقای جنوب غربی آلمان به عنوان مستعمره آلمان قلمداد گردید. در سال ۱۹۴۵م از سوی سازمان ملل، قیمومیت نامیبیا به افریقای جنوبی واگذار شد اما در سال ۱۹۶۶م این قیمومیت را پایان یافته اعلام کرد و به افریقای جنوبی دستور داد که مردم را در اداره حکومت خود آزاد بگذارد. ولی تا سال ۱۹۸۹ میلادی افریقای جنوبی از واگذاری حکومت به مردم محروم و مظلوم و رنج دیده این سرزمین خشک خودداری نمود و مصوبات سازمان ملل را قبول نکرد. برای مبارزه با تهاجم افریقای جنوبی از سوی مردم نامیبیا قیامها و اعتراضاتی صورت گرفت که در سال ۱۹۵۸م به تاسیس سازمان خلق افریقای جنوب غربی (سواپو) (۱۲) منجر شد، رهبران این جنبش در آغاز به صورت تبعید در تانزانیا به سر می‌بردند که در آنجا تحت تاثیر مسلمانان ضمن فراگیری تعلیمات مذهبی، با روشهای مبارزه بهتر و بیشتر آشنا شدند. رهبری این جنبش را «سام نجوما» به عهده داشت در سال ۱۹۷۴م سواپو از طرف مجامع رسمی و بین‌المللی به عنوان نماینده قانونی مردم نامیبیا به رسمیت شناخته شد و در نتیجه سایر گروهها بدان پیوسته و بر علیه سیاست افریقای جنوبی دست به پیکار همه جانبه زدند. سازمان وحدت اسلامی افریقا نیز آن را در سال ۱۹۶۴م به رسمیت شناخته بود. (۱۳) با مبارزات مسحلاانه و عملیات پارتیزانی مداوم و مستمر نیروهای سواپو، سرانجام در سال ۱۹۸۹م دولت نژادپرست افریقای جنوبی تسلیم حق قانونی مردم شد و این کشور آزادی را در آغوش کشید. ۵٪ سکنه ۱۲۰۰۰۰۰ نفری نامیبیا پیرو آئین اسلام هستند.

بوتسوانا

این کشور در جنوب افریقا و در نزدیکی بیابان کالاهاری قرار دارد. مدار - راس الجدی - از جنوب این کشور عبور می‌کند. آب و هوای گرم و خشک دارد و وسعت آن به ۶۰۰۳۷۲ کیلومتر مربع بالغ می‌گردد. از ۱۲۸۰۰۰۰ نفر آن ۵٪ مسلمان هستند که در گابرون و لالاتس مساجدی ساخته و دو مدرسه اسلامی هم دارند.

لسوتو

لسوتو از هر طرف به افریقای جنوبی محصور می‌باشد و در واقع در کام این کشور است. سرزمینی است کوهستانی و محصور در خشکی با آب و هوای معتدل قبلا بنام باسوتولند معروف بود. در قرن نوزدهم انگلستان به غارت منابع الماس و طلای آن پرداخت. از ۱۷۳۷۰۰۰ سکنه آن ۵٪ مسلمان هستند.

سوازیلند

سوازیلند از سه طرف با افریقای جنوبی هم مرز است. از شرق با موزامبیک مرز مشترک دارد. کشوری است محصور در خشکی، کم ارتفاع و آب و هوای معتدل دارد در سال ۱۹۶۸م از کشور انگلستان استقلال پیدا کرد. بدلیل نفوذ استعمار و تبلیغات مسیحیان و شرایط خشن بر آن، اسلام در این کشور گسترش زیادی ندارد. و از ۷۵۱۰۰۰ نفر جمعیت آن در حدود ۴٪ پیرو آئین جاودانی و حیات بخش هستند.

افریقای جنوبی

جمهوری فدرال افریقای جنوبی با ۱۱۲۲۳۰۶ کیلومتر مربع در منتهی الیه جنوب افریقا قرار دارد. آب و هوای آن در مجموع معتدل و مرطوب است و رودخانه مهم آن اورانژ نام دارد. مرکز اداری و اجرائی آن شهر پرتوربا و مرکز قانون گذاری کیپ‌تاون و مرکز اقتصادی آن بلوتوم فتین نام دارد. ۳۰٪ الماس دنیا و مقادیر عظیمی از طلای جهان در این کشور استخراج می‌شود. تولید طلا از سال ۱۹۷۷م ۹۶۷ تن بود که ۷۰۱ تن آن به افریقای جنوبی تعلق داشت. (۱۴) با کشف الماس در سال ۱۸۶۷م در افریقای جنوبی، دندان انگلستان برای تجاوز به این سرزمین تیزتر شد. حدود ۳۲ میلیون نفر سکنه دارد که از نژادهای سیاه، رنگین پوست، آسیائی و اروپائی می‌باشند. «بوئرها» گروهی از هلندیها بودند که به افریقای جنوبی مهاجرت کرده و در آن سرزمین به کشاورزی مشغول شدند این افراد، سیاهان جنوب را به زیر سلطه کشیدند ولی در قرن نوزدهم که انگلستان قصد تصرف افریقای جنوبی را داشت، بوئرها دست به اسلحه بردند و با آنان به نبرد پرداختند. اما با وجود حمایت سیاسی - تبلیغاتی آلمان از بوئرها، انگلستان بدلیل مجهز بودن به سلاحهای قوی و قوای بسیار، مقاومت بوئرها را درهم شکست. البته قبل از بوئرها، پرتغالی‌ها به جنوبی‌ترین نقطه افریقا یعنی دماغه کاپ رسیدند، سفید پوستان رفته رفته با وجود آنکه اقلیتی از سیاهان را تشکیل می‌دادند بر این نژاد محروم و مظلوم سلطه یافته و بر آنان حکومت می‌نمودند اما سیاست خاصی را پیش گرفتند و آن جدائی نژادی یا رژیم آپارتاید (۱۵) است. آپارتاید در کشور مزبور جدائی نژادی را به حدی شبیه نوعی فاشیسم خطرناک سیاسی رسانیده بود. اروپائیان حاکم بر این کشور با صدور کارت هویت نژادی برای افراد بومی ۱۶ سال به بالا کلیه اعمال و حرکات و موقعیت آنان را در کنترل دارند. صاحب چنین کارتی از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در مجلس محروم است. سطح زندگی بین اقلیت ۴ میلیونی و کثرت سیاهپوست تفاوت بسیار زیادی دارد و مردم بومی در نهایت فقر و محرومیت به سر می‌برند. گرچه در سالهای اخیر آزادی‌هایی به سیاهپوستان داده‌اند ولی هنوز آنان به حقوق واقعی خود دست نیافته و همچنان با اختناق، فشار و سرکوبی روبرویند. که در انتهای جنوبی افریقای جنوبی قرار دارد جایگاه اولیه (۱۶) مسلمین وارد شده باین کشور است. تلاش مسلمین این ناحیه برای زنده نگاه داشتن آئین جاودانی اسلام همراه با حوادثی است که برخی توام با عزت و افتخار و در مواردی هم با درد و رنج توام بوده است. اولین گروههای مسلمان، بردگان، محکومین و زندانیان سیاسی بوند که از سواحل شرقی و غربی افریقا، آسیای جنوب، جنوب شرقی توسط استعمارگران بین سالهای ۱۶۵۲م تا ۱۸۳۴م آورده شده بودند. شماری از آنها را کشتی‌های انگلیسی، فرانسوی و منتقل نمودند. به عنوان مثال گروهی از آنان به مردیکرز (۱۸) معروف بودند که از مالزی به عنوان خدمتکاران هلندی به هلند مسافرت کرده و همراه با بوئرها (هلندی‌ها) باین ناحیه آمده بودند. ۵/۲۶٪ این بردگان از میان افریقائی‌ها و بویژه ماداگاسکار که محل تردد کشتی‌ها و حمل بردگان بود، انتخاب گردیدند. ۴۰٪ از آسیای جنوبی و ۵/۳۳٪ از آسیای شرقی و جنوب شرقی. بردگان افریقایی غالباً از مناطق زنگبار، جزیره ایبو و موزامبیک و نیز از غرب آفریقا (گینه، سنگال، گامبیا و بنین) خریداری می‌شدند. بردگان ماداگاسکاری نژاد دورگه اندونزی - افریقائی و آمیخته‌ای از دو فرهنگ را داشتند. در پایان قرن هیجدهم تقریباً کلیه بردگان این

منطقه به اسلام گرویده بودند. در نزدیکی کیپ تاون و در آبهای اقیانوس اطلس، جزیره روبن (۱۹) واقع است که زندان بسیاری از مسلمانان و مبارزان برای آزادی افریقای جنوبی بود. این جزیره از سال ۱۶۵۲م که سفیدپوستان باین سرزمین آمدند به عنوان زندان مورد استفاده قرار گرفت. بسیاری از علمای اسلامی که برای تبلیغ به افریقای جنوبی آمدند باین جزیره تبعید می شدند. سید علوی ۱۱ سال از عمر خود را در جزیره روبن گذراند. وی پس از آزادی شدن، اولین امام جماعت مسلمانان شهر کیپ تاون بود. عبدالله بن عبدالسلام معروف به توان گورو (استاد محترم) به مدت ۱۳ سال در جزیره مزبور تبعید بود و در زمان تبعید موفق شد کتاب معرفت الاسلام و الایمان را بنویسد. امام نورمان که نقش مهمی در بیداری مسلمین کیپ تاون داشت در این جزیره تبعید بود. در این جزیره آرامگاهی قرار گرفته که سمبل مسلمانانی است که برای افریقای جنوبی مبارزه کرده اند و تاریخ آن به ۱۹۶۰م می رسد. عده ای عقیده دارند «توان ماتاره که شخصیتی اسلامی با تحصیلات عالی بود در اینجا دفن است او آنقدر مقدس و محترم بود که حتی زندانبانهای غیر مسلمان جزیره وی را در دیدار با سایر زندانیان آزاد گذاشته بودند. نلسون ماندلا معروفترین مبارز افریقائی ۲۷ سال از دوران عمر خود را در جزیره یاد شده زندانی بود. مسلمانان اولیه، شافعی مذهب بودند و امروزه اقلیتی با مذهب حنفی هم در میان مسلمانان هستند. از همان اواسط قرن هفدهم که هلندیها به سواحل افریقای جنوبی آمدند، مسلمانان بومی، درگیری را با آنان آغاز کردند اما با وجود مقاومت آنان، هلندیها کیپ تاون را به تصرف خود در آوردند. علاوه بر افراد بومی ۸۵٪ دیگر مسلمین که منشاء هندی، اندونزیائی، مالاوی، زنگباری و موزامبیککی دارند در افریقای جنوبی به سر می برند که اغلب در کاپ ناتال و ترانسوال اسکان یافته اند. آنان به امور بازرگانی، فنی و صنعتی و کارگری اشتغال دارند. مسلمانان مجلس اسلامی دارند که ۱۵۰ مؤسسه اسلامی تحت پوشش آنان فعالیت می کند و تدریس اسلامی در ۲۰۰ مسجد آن انجام می گیرد. مسلمانان، ضمن برپائی شعائر دینی با مسلمین جهان در ارتباطند. (۲۰) اولین مدرسه اسلامی در سال ۱۷۹۱م در شهر کیپ تاون برای آموزشبردگان مسلمان و سیاهان آزاد بوجود آمد و از آن سال تا ۱۸۳۲ میلادی ۱۲ مدرسه دیگر پدید آمد. با آموزشهای اسلامی این مدارس تا سال ۱۸۴۲م ۳۵٪ مردم کیپ تاون مسلمان بودند. از نیمه های قرن نوزدهم مسلمانان الفبای عربی را برای نوشتن زبان محاوره ای «افریکانس» (۲۱) (مخلوطی از هلندی، آسمانی و انگلیسی هم دارد) برگزیدند و بعدا چندین کتاب دینی باین زبان نوشتند. تنها در خلال سالهای ۱۸۶۸م تا ۱۹۱۰م، ۷۴ جلد کتاب باین زبان تالیف شد. بهره برداری از الفای عربی در نوشتن زبان افریکانس نشان دهنده نسبت بالای سواد در میان بردگان مسلمان آورده شده باین منطقه است و گویای نقش مسلمین و غنی سازی زبان مذکور است. (۲۲) هم اکنون به علت تبلیغات منفی و سرکوبی شدید رژیم نژادپرست افریقای جنوبی تنها ۲٪ سکنه افریقای جنوبی مسلمان هستند.

پی نوشتها

- ۱- اطلس شگفتی های جهان - ترجمه و تالیف غلامرضا کیامهر، تهران ۱۳۶۹ ص ۳۶. ۲- بنا به گزارش بانک جهانی در سال ۱۹۹۱ موزامبیک با درآمد سرانه ۷۰ دلار در سال فقیرترین کشور جهان بوده است. ۳- Zambezi - نبرد اسلام در افریقا - سید هادی خسروشاهی. ۴- ۵- Makonde - روزنامه جهان اسلام سال دوم ش ۴۲۱. ۷- روزنامه جمهوری اسلام شنبه ۱۰/۴/۶۸ ص ۱۲. ۸- گزارش سازمان ملل متحد به نقل از روزنامه کیهان ۱۷ آبان ۱۳۷۱ ش ۱۴۶۲۰ ص ۱۶. ۹- تاریخ افریقا - دکتر حسین الهی ص ۲۷۴. ۱۰- ۱۱- Zimbabwe - آنگولا، داگلاس ل. ویلر. رنه پلی سیه، ترجمه محمود فخر داعی، تهران خوارزمی، بخش اول. ۱۲- ۱۳- South West Africa people organization (SWAPO) - نژادپرستی و آپارتاید در افریقای جنوبی و نامیبیا - دکتر حسین الهی ص ۱۳۲. ۱۴- کیهان ش ۱۰۴۴۸. ۱۵- Cape of Good Hope - Apartheid ۱۶- Cape. ۱۷- Mardy Kers - Town - مجله العالم ش ۴۲۲. ۲۱- ۲۲- Afrikaans - تاریخ اسلام در افریقای

جنوبی مهندس حسن بشیر مندرج در روزنامه اطلاعات

سازمان المصداق
نورفاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org